

پانچ سو روپے کا لکھ

علی ہمارم



تالیف محمد صدر ماسٹی

تاریخ

حرائد و مجلات ایران

تالیف

محمد - صدر هاشمی

جلد چهارم

بنام خداوند بخشنده مهربان

یکسال و اندی از طبع و انتشار جلد سوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران میگذرد و در طول این مدت نامه های فراوانی مبنی بر تقریظ و تشویق نگارنده در تموین کتاب و اینکه در اولین زمان فرصت بقیه مجلدات آن بعلیه طبع زینت گردد رسیده و اینجانب را بر اتمام کتاب تشویق و تحریض نموده اند. اما گرفتاری زیاد باعث تأخیر طبع جلد چهارم شد و اکنون که تا انداره فرصت حاصل شده بکمک و یاری خداوند بطبع جلد چهارم شروع مینمائیم.

جلد چهارم کتاب بحرف عین یعنی بجراید و مجلاتی که با این حرف شروع شده، آغاز میگردد و سایر خصوصیات مانند جلدهای قبل است. برای اینکه هر چه زودتر و قبل از فوت فرصت، بتوانم کتاب را در دسترس هموطنان عزیزم قرار بدهم از چاپ تقریظ متمدنی که پس از نشر جلد سوم کتاب رسیده، صرف نظر مینمایم. فقط بطور قرعه یکی از اینهمه تقریظ را که تقریظ مجله جهان نواست، بعنوان نمونه چاپ مینمائیم. مجله جهان نو در شماره چهارم سال ششم در باره کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران اینطور مینویسد:

سومین مجلد کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران چندی است نشر شده است. مؤلف آن آقای محمد صدر هاشمی از فضلا و اهل تحقیق میباشد. مقالات تاریخی او در مسائل مختلف که بیشتر در مجله نفیس یادگار بطبع رسیده عمیق و قابل توجه بود. اما کار پر دامنه و لازم و مفیدی را که نامبرده در باره جراید و مجلات ایران آغاز کرد و اکنون پس از چند سال رو با تمام میروود و سرآمد جمله کارهای او است تموین کتابی در اسماء جراید و مجلاتی است که از بدو ایجاد روزنامه در ایران تا بحال نشر گردیده و همیشه مورد نظر اهل تحقیق بوده است.

سالیانی پیش مرحوم محمد علی تربیت نیز در این فکر بود و یادداشت‌های متعددی هم فراهم آورد از جمله در پایان کتاب « دانشمندان آذربایجان » فهرست جراید و مجلاتی را که بوسیله آذربایجانیان چه در ایران و چه در خارجه نشر شده است بدست داد. پرفسور ادوارد براون مستشرق شهیر انگلیسی هم بر سر این امر رنج برد و کتابی مدون ساخت که یکی از منابع کار آقای صدرهاشمی بوده است. کتاب براون در نوع خود از تألیفات مفید میباشد. در مجله کاه هم که بشهر برلین زیر نظر آقای تقی‌زاده نشر میشد اسماء تعدادی از جراید و مجلات بطبع رسید و حتی مقالاتی از مرحوم تربیت در باب اسماء جراید و مجلات ایران و شرح و چگونگی آنها مندرج است که مورد کمال استفاده است.

غرض آنکه فراهم آوردن اسماء جراید و مجلات ایران کاری تازه نیست و از چندین سال پیش باینسوی جمعی بر سر آن کار کرده اند. لکن کاری را که آقای صدرهاشمی آغاز نهاد و اکنون روبانجام است موضوع را خاتمه بخشید، وی دوره کتاب خود را در دو قسمت جمع آورده است. قسمت نخست عبارتست از جرایدی که تا شهریور ماه سال ۱۳۲۰ نشر شده است که تا اکنون سه مجلد آن انتشار یافته و باحرف « ظریف » پایان پذیرفته است. از قرار باینک جلد دیگر قسمت اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران ختم میشود.

اما قسمت دوم فهرست و شرح جراید و مجلاتی خواهد بود که پس از شهریور ۱۳۲۰ و در دوره دمکراسی اخیر نشر شده است.

فوایدی که از این کتاب مترتب است بسیار است. باقرات کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران خواننده آگاه بخوبی میتواند نوع روحیه و فکر صاحبان قلم را که بیشتر آنان از رجال سیاست این مملکت بوده اند دریابد و نیز نکاتی بسیار در باره اقدامات و کوششهای مفید یا مضر تقی‌زاده، علی اکبر دهخدا، مرحوم صور اسرافیل، مرحوم ملک‌الشعرا بهار، مرحوم فرخی یزدی، مرحوم عشقی، لاهوتی، سید محمد تدین سید ضیاء الدین طباطبائی، و دیگران میخواند و از همین میان با تاریخ اجتماعی و فکری پنجاه ساله اخیر ایران آشنا میشود.

آقای صدرهاشمی در ابتدای جلد اول کتاب خویش باجمال تاریخچه‌ای از چگونگی و وضع مطبوعات از زمان ایجاد تا کنون بدست داده و نیز از قوانین مطبوعاتی که از لحاظ انضباطی و محاکماتی وضع شده بحث کرده است که در حد خود مفید است. یکی دیگر از فوایدی که این کتاب متضمن آنست تصاویری است که از روزنامه‌ها و مجلات بچاپ رسیده است که نشانی از صنعت چاپ و طرز صفحه بندی روزنامه و سلیقه مردم زمان میباشد.

مقدمه

بحث انتقادی درباره این کتاب را باید بوقت و مجالی بیشتر گذاشت. تنها بندگ این نکته اشاره میشود که سیاق کلام درباره اشخاص در این کتاب فرق دارد. درباره يك روزنامه بتفصیل سخن رفته و در باب دیگری باجمال گفتگو شده است. شاید در بعضی موارد بدون سبب از اشخاص تمجینی شده که لزومی نداشت.

قل بعضی از قسمتهائی که از مشخصات روزنامه یا مجله بوده بواسطه گذشت زمان هم بلافایده است و هم اینکه جای مطالب بهتر را گرفته است. مثلا خواننده از خواندن آدرس فلان روزنامه که در فلان سال در فلان کوچه از بازارچه «کل عباسعلی» بوده است فایده ای بر نمیگیرد و یا اینکه بداند قیمت اعلان در صفحه سوم جریده از قرار سطری چهار عباسی حساب میشده است و قس علی ذلك.

اما فایده بیشتر این کتاب در جای خود محفوظ و اهل تاریخ را مددی دقیق است. امید ما اینست که آقای صدر هاشمی به نشر بقیه این کتاب توفیق یابد و تا آنجا که برایشان میسر است از درج گراور جراید و مجلات قدیمی امتناع نکنند که کتابشان دارای مزیت خاص خواهد بود خاصه اگر بعضی از «کاریکاتورها» و «اعلانات» را بچاپ برسانند که از نظر تاریخ صنعت چاپ در سنوات پیش بسیار مفید است.

ایرج افشاری

پس از ذکر این مقدمه اکنون شروع باصل کتاب نموده و بشرح مجله عالم نسوان میردازیم.

محمد. صدر هاشمی - اصفهان تیرماه ۱۳۳۱



حرف العین (۷۸۵) عالم نسوان

مجله عالم نسوان در طهران بصاحب امتیازی (نوابه خانم صفوی) و در تحت نظر مجمع فارغ التحصیلین مدرسه عالی انائیه امریکائی ایران بیت آل در سال ۱۲۹۱ شمسی تاسیس و شماره اول آن در ذیحجه ۱۳۳۸ قمری مطابق میزان ۱۲۹۱ شمسی و سپتامبر ۱۹۲۰ میلادی منتشر شده است. مجله عالم نسوان هر دو ماه یک شماره در ۳۸ صفحه بقطع کوچک خشتی طبع و بنا بر این در هر سال شش شماره از آن توزیع میشده است. ابونه سالیانه در مرکز ده قران و در خارج از مرکز ۱۲ قران و تک نمره دو قران است و از شماره اول سال سیزدهم که سال آخر انتشار مجله است بواسطه گرانی کاغذ وجه اشترک به ۱۴ قران ترقی کرده است. قیمت اعلانات که در طول مدت انتشار تفاوتی ننموده بدینقرار است:

صفحات اول: يك صفحه ۴۰ قران نصف صفحه ۲۵ قران ربع صفحه ۱۵ قران صفحات آخر بترتیب ۲۵ قران، ۱۵ قران و ۱۰ قران است. محل اداره مجله مدتی در مدرسه عالی امریکائی و زمانی در مدرسه انائیه امریکائی طهران بوده است. مجله عالم نسوان از مجلاتیست که مخصوص نسوان تاسیس و بیشتر مقالات آن بقلم فارغ التحصیلان مدرسه انائیه امریکائی نوشته شده است. مقالات این مجله در پیشرفت و ترقی نسوان مملکت و تعلیم اصول خانه داری و زندگانی جدید بآنها کمک فراوان نموده است.

در شماره اول سال اول مقدمه بعنوان (مقام عالم نسوان) در دو صفحه درج شده که برای مزید اطلاع خوانندگان از سبک مندرجات مجله بینه آنرا نقل مینمائیم:

مقام عالم نسوان

« در این عصر جدید و دوره سعید که نیر فروزان معارف از افق ایران ما تابان گردیده غنچه امید از باغ آرزوی معارف پروران شکفته و روح حیات مطبوعات در کالبد وطن دمیده مجله عالم نسوان با قدمهایی ضعیف و لرزان پا بدایره مطبوعات گذارده خواهران ایرانی خود را تهنیت میگویند و درود میفرستند. در ممالک متمدنه که مطبوعات راه تکامل و ترقی را می پیمایند روزنامهها و مجلات زنانه قسمت مهمی از آنها تشکیل میدهند و چنانکه در امریکا مجله ماهیانه مخصوص بطبع میرسد که مشترکین آن سه کرور بالغ است. مجمع نسوان فارغ التحصیل ایران بیت آل (مدرسه دختران امریکائی) روزگاری متمادی است که آرزومند تاسیس يك مجله برای خانمهای ایرانی بوده خوش بختانه امروز بآن روز فیروز رسیده و بانتشار عالم نسوان موفق گردیده است. در این شماره اول خاطر خوانندگان محترم را از مقصد و مقصود این مجله مستحضر

میدارد: غرض از تأسیس عالم نسوان تعاون در تملی و ترقی نسوان و تشویق آنان بخدمت وطن و خانواده و حسن اداره امور بیتی می باشد.

مجله عالم نسوان هر دو ماه یک نمره طبع و توزیع میشود و ابدأ قصد انتشار اخبار سیاسی که در روزنامه های بومی خوانده میشود نداشته قطع مطالبی را که برای زنان ایرانی نهایت لزوم و اهمیت را دارد در تحت شش موضوع ذیل بحث قرار خواهد داد.

۱- مقالات صحیه که در هر نمره بقلم یکی از اطباء مشهور مجرب دارالخلافه مخصوص این مجله نگاشته میشود چنانکه اینک اولین مقاله را در این موضوع (دکتر امیر اعلم) و در نمرات آتی اطباء ایرانی هر یک بنوبت خود ما را مستفیذ خواهند نمود.

۲- دستور پرستاری و تربیت اطفال که بقلم خانم دکتر مکدول. رئیس مریضخانه امریکائی و بیس تلی پرستار آن مریضخانه نوشته شده و بقارسی ترجمه میگردد.

۳- مطالب راجع به اداره امور بیتی که در سعادت و آسایش خانواده مدخلیت تام دارد، مقالاتیکه در تحت این عنوان نوشته میشود مشتمل بر دستورهای عمومی و خصوصی خانه داری از قبیل نظافت آشپزی و غیره میباشد.

۴- از آنجا نیکه تکلیف هر زن متمدنه دقت در طرز لباس و حسن انتخاب آن میباشد این مجله نهایت سعی و اهتمام را بذل مینماید که در هر شماره یکی دو نمونه باطرزی مطبوع و اسلوبی مرغوب از روزنا مجات امریکا و اروپا اخذ نموده بضمیمه دستورهای لازم مناسب هر فصل بنظر خانمهای محترمه برساند در این قسمت امیداست که از معایب و نواقص که از عدم تکمیل دستگاه چاپ رخ میکند صرف نظر نمایند.

۵- اخبار ترقی نسوان و خدمات آنان در کل جهان خصوصاً ایران.

۶- مقالات ادبی و آثار منظوم و منثور محترمات ادیبه ایرانی در این قسمت برای هر خانم ایرانی زمینه و موقع خوبی است که استعداد طبیعی ادبی خود را نشان داده محرک ذوق و اسباب شوق سایرین گردند.

مجدداً خاطر عموم خواتین محترمه را متذکر مینمائیم که تأسیس این مجله برای ترقی عالم نسوان است و باید همه حتی المقدور در آن شرکت نمائیم. بدون مساعدتهای معنوی ایشان با دامه این مقصود شریف موفق نخواهیم شد با کمال اشتیاق منتظر پیشنهادات تنقیدات و هر قسم مقالات جدی و فکاهی، نظم و نثر از طرف ایشان میباشیم. اگر میخواهید طرز شناختن خوراکیها و شیرینیهای جدید را بخوانید هر آن خود تعلیم دهید عالم نسوان در این امر بایشان مساعدت خواهد نمود.

هر مقاله باید با امضا و آدرس نویسنده بداره برسد ولی میتواند امضا را در اداره محفوظ معرفی نمایند.

داره در رد و قبول و تنقیه هر مقاله مختار است و فقط مقالاتی درج میکند که بامسلك مجله مجالف نباشد. ما امید داریم که بتوسط عالم نسوان فاضله ها، شاعره ها نویسندگان و عالیهای علم اگو نومی خانه داری را شناخته بعموم معرفی نمائیم. اگر میخواهید در ترقی نسوان شرکت جوئید بسماله این گو و این میدان!

در هر شماره روی جلد مجله بالای اسم مجله (عالم نسوان) عبارت و یا شماری بعنوان شمار مخصوص چاپ شده و من جمله در شماره اول عبارت (الجنه تحت اقدام الامهات) درج است. در شماره دوم این شعر:

بود چشم ابنای آن خانه کور ✽ که بانوی آن باشد از علم دور .
و در شماره سوم این شعر:

در مملکتیکه زن حقیر است ✽ شك نیست که مرد آن فقیر است
و در شماره ششم سال اول این شعر: (گرجوی غیرت بود ما را و دیمت در نهاد ✽ بهر اثبات حقوق خود نا تمیم اجتهاد .) و در شماره اول سال دوم این رباعی: (نسوان، ننگ ذلت و پستی تا چند؟ ✽ در حالت نیستی و هستی تا چند؟ . باریچه بدن بدست ر ندان تا کی؟ ✽ در قید هوا و مدبرستی تا چند؟) و در شماره ششم سال دوم این رباعی: (همت همت که روز بیداری ماست ✽ غیرت غیرت که وقت هشیاری ماست . فرصت فرصت که کار بایاری ماست ✽ جرأت جرأت که عصر دلداری ماست .)

در بیشتر شماره های سیزده ساله مجله عالم نسوان از این قبیل اشعار روی جلد مجله چاپ شده و ما برای نمونه بهمین مختصر قناعت میکنم . سال اول مجله عالم نسوان بانشر شماره ششم مورخ شوال ۱۳۳۹ قمری مطابق سرطان ۱۳۰۰ شمسی خاتمه یافته و در همین شماره مقاله بعنوان (پایان اولین مرحله) چاپ شده که قسمتی از آن چنین است: «عالم نسوان با انتشار این شماره نخستین سال زندگانی خود را پایان میرساند . مادر شماره اول انتشارش نمره را در عرض سال وعده نمودیم و عهده دار شدیم که در هر شماره مقالات صحیحه، دستور پرستاری و تربیت اطفال، خانه داری، طرز لباس اخبار ترقی نسوان و مقالات ادبی نظماً و شراً از نظر قارئین محترم بگنرانیم . بحمداله که بادای وظیفه خود موفق گردیده و خدمات ما مورد قبول خوانندگان گرامی واقع شد . عالم نسوان تشکرات صمیمانه خود را خدهت دوستانیکه بمساعدتهای معنوی آنها اولین مرحله زندگانی را پیموده است تقدیم مینماید» مجله عالم نسوان در سال اول در مطبعه سربی (فاروس) طبع و در این مجلهها توزیع شده است: مطبعه فاروس، خیابان لاله زار - معازه انصاف آقابابا - جلوخان شمس العماره . کتابخانه اقبال .

سال دوم مجله بهمان سبک و قطع و شماره صفحات سال اول طبع و شماره اول این سال در محرم ۱۳۴۰ قمری مطابق سنبله ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . مندرجات و مطالب سال دوم مانند سال قبل بقلم نسوان و مخصوصاً فارغ التحصیلهای مدرسه اناث امریکائی تهیه گردیده و از این حیث تفاوتی با سال اول ندارد . سال دوم با انتشار شماره ششم مورخ شوال ۱۳۴۰ قمری خاتمه یافته و شماره اول سال سوم در محرم ۱۳۴۱ قمری مطابق سنبله ۱۳۰۱ توزیع گردیده است . در سال سوم نیز هیئت مدیره مجله همان سبک و روش سال اول و دوم را در انتشار مجله بکار برده است . در شماره اول این سال شرحی تحت عنوان تشکر و اخطار درج شده که قسمتی از آنرا برای مزید اطلاع خوانندگان گرام نقل مینمائیم:

د عالم نوان در نشر شماره اول سال سوم تشکرات صمیمانه خود را خدمت دوستان و قارئین محترم خود تقدیم میدارد که بمساعدتهای معنوی آنها دومین مرحله زندگانی را پیموده و شروع بسال سوم عمر خود مینماید امید است بعدها هم بمعاونت ایشان بادای و وظیفه خود بهتر موفق گردیده خدمات مامورد قبول خوانندگان گرامی واقع شود با کمال خوشوقتی بقارئین گرام و علاقمندان دانشمند محترم اخطار مینمائیم که سال گذشته عده مشترکین مجله عالم نوان متجاوز از ۲۵۰ بوده علاوه بر اینکه تک نمره بفروش میرسید تشکرات خود را خدمت مشترکین محترم تقدیم نموده امیدواریم که بعدها هم بمساعدت ایشان زاید بر این گشته متمنی هستیم کمک نموده عده آنها را بچهارصد یا بیشتر هم برسانیم . . .

شماره اول سال یازدهم مجله عالم نوان در چهل و هشت صفحه و چهار صفحه ضمیمه بقطع خشتی در مطبعه سربی (فاروس) طبع و در دیماه ۱۳۰۹ شمسی مطابق ژانویه ۱۹۳۱ میلادی منتشر شده است . در سال یازدهم انتشار مجله تحت نظر هیئت رئیسه مدرسه انائیه امریکائی و این هیئت عبارت بوده اند از (میس دولیتل - طیبه میردامادی - میزبویس) و مدیر داخلی مجله آقای عباس آرین پور کاشانی و صاحب امتیاز مجله : نوابه خانم صفوی است . سر مقاله شماره اول این سال تحت عنوان (سال یازدهم) نوشته شده و قسمتی از آن بدینقرار است : « کار کنان عالم نوان در ابتدای شروع یازدهمین سال انتشار مجله از صمیم دل بمشترکین محترم خود تبریک گفته و امیدوارند در این سال جدید بتوانند پیش از پیش مشترکین خود را خدمت نمایند » در شماره اول رباعی زیر بعنوان شعار مجله روی جلد چاپ شده و رباعی از شاعر معروف افسر است : همیشه راست بگواز دروغ کن پرهیز از دروغ زشت بود ، گرچه مصلحت آمیز گرفتیم از سخن راست فتنه برپا خاست مکن برای دروغش همیشه دست آویز

دو شماره دوم سال یازدهم بدو شعر مذکور این شعر نیز اضافه شده است :
چه بود سود هزاران هزار بدره زر خرد بهیچ شمارد زبان نیم پیش
سال یازدهم با انتشار شماره مورخ ابان ۱۳۱۰ شمسی خاتمه یافته و سال دوازدهم مجله با همان خصوصیات و قطع سالهای سابق منتشر گردیده است . مختصر تغییری که در سال دوازدهم مجله داده شده اینست که از شماره چهارم این سال بجای عباس آرین پور کاشانی ، (طیبه میردامادی) مدیر داخلی مجله معرفی شده است . علاوه بر این (اشرف خانم نبوی) باعضاء هیئت مدیره مجله اضافه شده است .

در سال دوازدهم نیز مجله مرتباً دو ماه یکمرتبه انتشار یافته چنانچه شماره دوم آن در اسفند ۱۳۱۰ شمسی و شماره ششم که آخرین شماره این سال است در ابان ۱۳۱۱ شمسی منتشر گردیده و رو بهمرفته در سال دوازدهم مجله عالم نوان در ۲۸۸ صفحه بقطع خشتی طبع و توزیع گردیده است .

مجله عالم نوان از مجلات بسیار مفیدیست که مدت زیادی دوام کرده و بانشر مقالات سودمند توانسته است خدمات گرانبھائی بطبقه نوان این کشور بنماید .

مطامه دوره های این مجله برای نسوان و دوشیزگان لازم و ضرورست . برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست مندرجات چند شماره از سال اول مجله را نقل مینمائیم .
حفظالصحه دوشیزگان در زمان بلوغ - دستور پرستاری و توجهات اطفال -
توجهات لازمه در اوقات حمل - خانه داری - قانون خانه داری - تربیت بختن کیک - طرز لباس
احتیاجات ضروری - دوره حیات يك گل - زنان باهنر الحق سزدکه فخر کنند - اخبار
ترقی نسوان - مدارس دختران طهران - فن پرستاری در ایران - شرافت در زندگانی -
شرایط صحت و لوازم محافظت اطفال جدیدالولاده - دستور پرستاری و توجهات اطفال
طریق شیردادن بمطفل - طریق نگاهداری دایه - خانه داری - خانم و خدمت کاران - طریق
بختن سوهان - طرز لباس - اخبار ترقیات نسوان - چرا ما ترقی نکرده ایم -
معارف زنان ایران .

(۷۸۶) عبرت

روزنامه هفتگی عبرت در شهر تبریز با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان و برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۱۸) بآنچه نوشتیم مطلبی اضافه نکرده اند .

(۷۸۷) عدالت

روزنامه هفتگی مصور عدالت بمؤسی (میرزا محمود خان ملقب بحکاک باشی) و بمدیری (میرزا سید حسین خان ناشر روزنامه های الحديد ، صحبت و خیر) در شهر تبریز تأسیس و با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان درباره روزنامه عدالت بطور اختصار اینطور نوشته است : « روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سنگی بمدیریت سید حسین در سال ۱۳۲۴ قمری شرح مفصل تری راجع باین روزنامه آورده و مینویسد من مجموعه بسیار خوبی از این روزنامه دارم . این مجموعه بنمره ۱۵ سال اول مورخ ۱۱ شعبان ۱۳۲۴ قمری شروع و بنمره ۴ سال سوم مورخ جمادی الاول ۱۳۲۵ قمری خاتمه پیدا میکند . هر شماره آن در هشت صفحه بمقطع ۱۲ در شش و سه چهارم اینچ با چاپ سنگی و بخط تعلیق و پنج شماره آن بخط نسخ است . در چند شماره تصاویر خطبای معروف از قبیل میر ابو و سیرون را دارد . وجه اشتراك روزنامه در تبریز ۲۲ قران و در سایر شهرهای ایران ۲۶ قران ، روسیه ۵ منات ، سایر ممالک ۱۵ فرانك است . روزنامه عدالت مدت سه سال منتشر و چون مطالبی در آن راجع بازادی رنان نوشته شده از طرف انجمن تبریز تعطیل و بجای آن روزنامه الحديد منتشر میگردد .

مرحوم کسروی در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان (ص ۹۵ کتاب) شرحی بدینقسم راجع بروزنامه عدالت و مدیر آن نوشته است : « روزنامه عدالت که از پیش از مشروطه پراکنده میشد چون مدیر آن آقا میرزا سید حسین خان دیرزمانی در روستان

ریسته ویکرشته اندیشه های زهر آلود اروپائی ارمغان آورده بود و همینکه آزادی پیش آمد بزبان درازیهای بیجا برخاست از این جهت انجمن (منظورا انجمن تبریز است . مؤلف) روزنامه او را در بست . « در صفحه ۱۰۷ همین کتاب مینویسد : « در ایران یکی از مشروطه خواهان معروف سید حسینخان تبریزی مدیر روزنامه عدالت بوده که در آنزمان که آقای طباطبائی و دیگران در طهران با دربار کشاکش مینمودند او نیز در تبریز نهانی کوششهایی میکرد اما چون سید حسینخان روستان را دیده ناگهان قلم برداشته سخن از آزادی زنان راند و این بود که خود مشروطه خواهان روزنامه اش را به « و از شهر بیرونش کردند . « از تألیفات مدیر عدالت کتاب (خواب و خیال) است که در ۷۸ صفحه خشتی چاپ و منتشر شده و قیمت آن در ابتدا پنجاه شاهی معین شده است در این کتاب از مشروطیت و تمدن و ترقی و مظالم استبداد و ریاکاریها و عوام فریبهارا که « صنف درء لم خواب دیده و همچنین از رژیم آزادی در مملکت بحث نموده است . آقای عدالت هما تقسیم که نوشتیم وقتی صاحب امتیاز و مدیر روزنامه عدالت در تبریز بوده و در ایام استبداد از تهاجم مستبدین آن ایالت بطهران گریزان شده و در راه معارف بویژه برای طرفداری مدارس دختران زحمات بسیار کشیده اند و چندین سال هم معلم و مدیر مدارس طهران بوده و اکنون آن پیر مرد مانند سایر پاکدا منان وطن بی دارائی و بی پول در گوشه و رارت معارف عمر خود را بسر میبرند .

از روزنامه های الحید ، صحبت و خبر که بدیری سید حسینخان عدالت طبع و منتشر شده از هر کدام جداگانه در محلهای خود گفتگو نموده ایم .

(۷۸۸) عدالت

روزنامه عدالت در شهر شیراز بدیری (سید محمد حسن عدالت) تأسیس و در سال ۱۳۹۹ قمری منتشر شده است . آقای عدالت شرح حال خود را بدینتکم برای نگارنده تهیه و ارسال داشته اند :

این بنده سید محمد حسن عدالت فرزند مرحوم سید ابوتراب مجتهد سروستانی متولد شیراز رایچه ۱۳۱۰ قمری که از سن ده سالگی تا اوایل مشروطیت در یکی از حجرات (اطاق) مدرسه خان در شیراز مشغول تحصیل و شغل طلبگی را داشت و از بدو مشروطیت که بعضی از مرتجعین در صدد اذیت و آزارم بطور مخفیانه برآمدند باستناد اینکه باهوچی گر ها و مرتجعین مخالفت و با مشروطیت و وطن خواهی موافقت داری چندی از



سید محمد حسن عدالت

نظر آنها دوری جسته بیکی از قسبات نزدیک شهر (سروستان) مسافرت نموده بجزئی علاقہ و املاک پدری میخواستم خودم را مشغول نمایم تا اینکه با وضعیت دهات و نداشتن معاشر ناچار بشیراز عودت و باز بادوستان و وطنخواهان بنای مخالفت با ارتجاعیون را گذاردیم تا سال ۱۳۳۳ قمری ملیون شیراز حزب دمکرات را تشکیل داده - و در اول وحله میتوان گفت غیر از حقیقت و معنی چیز دیگری در بر نداشت - بنده هم در حزب دمکرات که آمال و آرزوی حقیقی را ظاهراً بآئینه درخشانی نشان میداد روزو شب بخیال شیرین و با یک روح امید وار وخسته نا شدنی میدویدم - چون تجربه ثابت کرد این ره که تو میروی سراب است - ناچار در سال ۱۳۹۹ خورشیدی امتیاز روزنامه بنام عدالت گرفته و خواستم بلکه از این رهگذر بوظیفه وجدانی خود عمل نموده و ملت خواب رفته را بیدار نسایم (هنوز هم در خواب هستند) شماره و مندرجات روزنامه عدالت بهترین گواه من است که غیر از حق و حق گوئی و حق نویسی و عدالت خواهی صفحات و مندرجات روزنامه را پاک و بی آلابش نگاهداشتم و از خواهشهای اشخاص و ارگان هر کس و ناکس (با اینکه تضمین و تهدید متنفذین و هزار محظورات آنروری رور و شب آسایشم را سلب کرده بود) معذرت همانطور که قبلاً متذکر شد روزنامه را تا سال ۱۳۰۸ خورشیدی ادامه داده و از آن بعد که زبان و قلم بسته شد روزنامه عدالت هم از انتشار خودداری نمود و تاکنون که چهارده سال میگذرد و ما هنوز هم از آزادی زبان و قلم جز اسمی مشاهده نمیشود روزنامه عدالت منتشر نشده و نخواهد شد مگر روزی که بتوان با اهل حقیقت و ملت با حس رو برو شده و از روی عدالت حقیقت گوئی کند - فعلاً بنده یک نفر زارع و قسمتی از املاک پدری خود را که ارثاً بمن رسیده است اداره نموده و معتقدم از این رهگذر هم که باشد دقیقه ای از خدمت بنوع و توده زحمتکش خودداری نکرده و حتی القوه تقضه های ضعیفی که برای رنجبران پیدا میشود جلوگیری نمایم و آرزو میکنم که آیاروزی میشود که ایران و ایرانی از نعمت آرادی حقیقی برخوردار شود یا نه !!!!! با تقدیم احترامات.

(۷۸۹) عدل

روزنامه عدل در شیراز بمؤسسه آقاسی (نایب‌الصدر) و مدیر مسئولی (میرزا محمد صادق شریف) تأسیس و در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است. شماره اول روزنامه عدل در شهر شوال و شماره هشتم آن در تاریخ یکشنبه ۲۲ ذیقعدة الحرام ۱۳۳۳ مطابق ۱۰ میزان ۱۲۹۴ شمسی انتشار یافته. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و رورهای شنبه و یکشنبه توزیع میشده. هر شماره آن در چهار صفحه بقطع و زبری متوسط و با چاپ سنگی در (مطبوعه ایالتی) طبع و هر صفحه آن مشتمل بر دو ستون است. محل اداره: شیراز. دروازه باغشاه. آدرس تلگرافی: شیراز. عدل. شرایط اشتراك: در شیراز سالیانه ۱۶ قران. ششماهه ۹ قران. در سایر ولایات اجرت پست اضافه میشود. قیمت تک نمره پنج شاهی است. در زیر عنوان روزنامه، عدل بدینقسم

معرفی شده: «رورنامه ایست سیاسی - اخلاقی - طرفدار آزادی...»
 مندرجات روزنامه پس از درج سرمقاله که معمولاً صفحه اول را فرا گرفته عبارت است از اخبار شهری و مکتوبات و تلگرافات شکوائیه که از اطراف رسیده است. قسمتی از سرمقاله شماره هشتم روزنامه بدینقرار است: «قریب دو ماه است که از اثر مسامحه کاریهای هیئت دولت و غرض رانیهای و کلای باشرف ملت صفحه جنوب وطن عزیز ماحل تاخت و تار و جولانگاه عساکر و سوبهران انگلیسی گشته و هرچه در اینمدت ملت بیچاره بانالهای جگر خراش خود را از تعدیات ناهنجار دولت بریطانی بدربار دولت متبوعه خود استفاانه و استمداد و کسب تکلیف مینماید مع التأسف بجواب مساعدی که موجب تسکین خاطر و حالت امیدواری ملت دراینکه هیئت دولتی دارند که خانه آنها را ارتراضات بیگانگان محفوظ نموده و وکلانی هستند که پاس حقوق آنها را منظور خواهند داشت نائل نگشته فقط تنها چیزیکه ارمصادر امور یعنی بعداز تشکیل کابینه جدید و رئیس الوزرائی آقای مستوفی السمالک درمخابرات حضوری مشهود افتاد همانا تلگرافات جلوگیری از احساسات ملی بود که (دولت مشغول مذاکرات است... دولت مشغول اقدامات لارم است... کاری نکنید که نتیجه اقدامات دولت عظیم ماند...»
 شماره دهم سال اول روزنامه در تاریخ یکشنبه ۷ ذی الحجة الحرام ۱۳۳۳ قمری منتشر شده و سرمقاله این شماره تحت عنوان (آگاهی) و بدینقسم شروع میگردد: «اگر در احوال پیشینیان و سرگذشت ملل مختلفه دنیا تادرجه که تاریخ نوع بشر مارا هدایت میکند نظری افکنده و بدوربین حقیقت و چشم بصیرت و عبرت موجبات ترقی یا انحطاط آنها را از روی محاکمه تاریخی در هر عصر کاوش نموده...»

در این روز نامه مطالبی درباره انقلاب فارس و طغیان ژاندار مری دیده میشود من جمله درهین شماره قطعنامه که از طرف ژاندار مری برازجان صادر شده و در آن مقاصد خود را آشکار ساخته و از خدمت دولت کناره گرفته اند، درج شده است.

میرزا محمد صادق شریف - تنظیم و تدوین رورنامه عدل که ارگان حزب اعتدال شیراز بوده بعهده آقای میرزا محمد صادق شریف معروف بستوده بوده است. نامبرده مردی دانشمند و مطلع و زمانی ریاست اوقاف اصفهان را عهده دار بودند. شرح زیر خلاصه ای از نامه ایست که در شرح احوال خود نوشته و برای اینجانب ارسال داشته اند.
 نام اصلی سید محمد صادق متولد شیراز در شب نوزدهم رمضان ۱۳۰۵ قمری فرزند حاج ملا محمد حسین که یکی از علما و زهاد شیراز بوده و در کازرون متولد شده است. فارسی را در مکتب خانه مرحوم کربلانی محمد صادق آموخته و مبادی نحو و صرف و منطق و اصول و فقه و مخصوصاً علوم ریاضی سبک قدیم را خدمت والد مرحوم تلمذ نموده. سطوح را در خدمت اساتید نامی عمر از قبیل مرحوم حاج سید محمد علی و مرحوم حاج شیخ محمد رضا اصولی و مرحوم آسید جعفر مزارعی و فلسفه و حکمت و کلام را خدمت مرحومین حاج شیخ یوسف و آشیخ عبدالینح و حاج مهنبدالدوله استفاده نموده. مخفیانه و دور از انظار علوم جدید را نزد آقا محمد جواد فرا گرفتیم. این شخص

کہ خدایش اورا رحمت کند گرچه سوء خلق مفرطی داشت و گاهی ہم کار بعضا و زدن شاگرد می افتاد ولی رویہمرفته استفادہ شایانی از آن مرحوم نمود . نہ تنها مرا از خیال حجة الاسلامی کہ تمام ہم مصروف نیل بدان مقام میبود و حتی یکمرتہ بقصد رفتن نجف فرار نموده بودم و مرحوم والدہم ازدو منزلی مراجعت دادند ، باز داشت بلکه تحریر و ترغیب نیز بر رفتن اروپا مینمود و تاحدی خودم ہم در اثر مطالعات زیاد و بدست آوردن کتبی از مصر شوق مفرطی بعلوم جدید پیدا نموده . بعد ارفوت والدہام طاقت توقف شیراز را نیاورده و با اجازہ والد ماجد بطهران حرکت نمودم . در آنجا خدمت آقا میرزا عبدالرراق و بعضی اساتید رسیدہ مباحت مشکله را تحصیل و پس از چندی توقف بہ بیروت حرکت و در مدرسہ (لائیک) فرانسوی ہا مشغول . بدبختانہ جنگ اول در گیر شد و دولت عثمانی وارد جنگ و شہر بیروت نمونہ ای از صحرائی محشر گردید تمام مدارس تعطیل و تبدیل بمریضخانہ و جای مجروحین جنگ گردید . خلاصہ بہر جان کندن بود بشیراز مراجعت . احساسات جوانی و آشنائی بدنیای دیگران و ملاحظہ اوضاع رقت بار خودمان تحریر کرد کہ روزنامہ ای دار و هموطنان را از کید استعمار طالبان و بیگانگان آگاہ نمایم و ضمناً تشویق آقای حاج علم الہدی ابطحی و لیبران حزب اعتدال مدد بر این عزم شد و روزنامہ عدل را در سال سی و سہ قمری تاسیس

نمود . ہمہ کار آنرا خود عہدہ دار میبودم . مقالہ نویسی ، کسب خبر رفتن مطبہ ، توزیع و خرید کاغذ و بدبختانہ انقلاب داخلی ایران و آمدن قشون انگلیس بشیراز و سانسور و عدم آزادی مجبورم نمود روزنامہ را در و تختہ کنم و مشغولیات دیگری انتخاب کنم . چون تازہ بعضی مدارس در شیراز بسبک جدید ولی بی برنامہ تاسیس میشد منہم مدتہا بامو سسین اولیہ بدون اندک کمکی از دولت مشغول شدیم . بعداً بجای یکی از معلمین اعزامی از مرکز مشغول کار شدم ، بعدہا کہ معارف رو بیسط گذاشت تدریجاً بسمتہای دیگر منصوب ارقبیل مفتش ایالتی فارس ، کنیل فرہنگ فارس ، ریاست دبیرستان چند ماہی ہم مرحوم داور بدلیہ ام



کشاید ولی چون این کار موافق روحیه ام نبود از آن صرف نظر نمودم و مجدداً فرهنگ مراجعت و بریاست دارالمعلمین تبریز منصوب، سپس بریاست دارالفنون و بریاست تحقیق اوقاف مرکز و کفالت اداره کل اوقاف و اخیراً بریاست اوقاف اصفهان منصوب گردیده ام. این بود اجمالی از شرح احوال آقای ستوده بقلم خود ایشان. در حال تحریر این قسمت آقای ستوده بارنشته شده اند.

(۷۹۰) عدل

روزنامه عدل در تهران در سال ۱۲۹۲ شمسی تأسیس و هفته سه بار منتشر شده است. در تاریخ ۲۲ نور ۱۳۰۲ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز این روزنامه را بنام (حاج شیخ جعفر) تصویب نموده ولی چون نامبرده روزنامه عدل را تا ۲۲ قوس سال مذکور منتشر ننموده وزارت فرهنگ طبق آگهی که در جراید نموده ملزم کرده است که صاحب امتیاز برای انتشار آن باید اقدام بتجدید امتیاز بنماید. نگارنده تا کنون اطلاعی ندارد که این روزنامه مجدداً منتشر شده است یا نه.

(۷۹۱) عدل مظفر

روزنامه هفتگی عدل مظفر باژلاتین در شهر همدان تأسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است. این روزنامه بدیری (دکتر حسن خان طیب علی) که در دستگاه ظهیرالموله حاکم همدان بوده، تأسیس و انتشار یافته و پس از نشر سیزده شماره تغییر اسم پیدا کرده و در سال ۱۳۲۵ قمری بنام (اکباتان) منتشر شده است. (تاریخ مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۱۸)

(۷۹۲) عراق

روزنامه عراق در شهر اراک (سلطان آباد و یا عراق سابق) بدیری و موسی آقای (باقر موسوی) تأسیس و شماره اول آن در اول اسفند ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است. بانبودن هیچگونه وسیله در شهر اراک و بیعلاقگی مردم آنجا بقرانت روزنامه آقای موسوی با همکاری دسته ای از جوانان منورالفکر اقدام بتأسیس و نشر روزنامه عراق نموده و برای این منظور آقای باقر موسوی در سال ۱۳۱۱ شمسی چاپخانه ای از اصفهان خریداری و بعراق حمل کرده و تدریجاً در توسعه و تکمیل آن کوشیده تا اینکه چاپخانه آبرومندی بنام (چاپخانه موسوی) دایر نمود و روزنامه در همین چاپخانه طبع میگردد. روزنامه عراق در بندو پیدایش دارای دو صفحه بوده و از ۱۵ مرداد ۱۳۱۳ شمسی بامرا یای بیشتری در چهار صفحه منتشر گردیده و از ابما نماه ۱۳۱۴ ببعده مصور و با وضع ربیائی یومیه شده است. شماره مسلسل ۳۸۵ سال چهارم آن در چهار صفحه بقطع وزیر ی بزرگ در چاپخانه سربی (موسوی) طبع و در تاریخ یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۱۵ مطابق ۲۲ محرم ۱۳۵۶ قمری توزیع گردیده است. با اینکه در این سال و

سنوات بعد عراق (روزنامه یومیه) معرفی شده ولی در عمل هفته سه شماره بیشتر منتشر شده است. محل اداره روزنامه: سلطان آباد. میدان پهلوی. عنوان تلگرافی: سلطان آباد. نامه عراق. قیمت اشتراك روزنامه: عراق و ولایات یگساله ۵۰ ریال. ششماهه ۳۰ ریال. ممالک خارجه ۸۰ و ۴۵ ریال تك شماره ۲۵ دینار. بعد از دو روز يك ریال قیمت اعلانات صفحه اول و دوم سطرى دوریال. صفحه سوم و چهارم سطرى يك ریال. مندرجات روزنامه عراق مانند سایر جراید محلی، پس از درج سرمقاله، تبارت است از مقالات گوناگون و اخبار محلی عراق و سایر شهرها و اخبار خارجه. رمانهای مختلف نیز دریا ورقی روزنامه چاپ شده است. صفحه چهارم روزنامه مخصوص درج اعلانات ثبتی است. اصولا این روزنامه مانند بعضی روز نامه های دیگر بنظور نشر اعلانات ثبتی تأسیس شده است. آقای باقر موسوی پس از وقایع شهریور اداره روزنامه و چاپخانه را بتهران انتقال داده و روزنامه را در اینجا منتشر نموده است. آقای موسوی جوانی است فعال و در امور چاپ و مطبعه کمال بصیرت را داراست.

(۷۹۳) عراق عجم

روزنامه عراق عجم بمدیری و نگارندگی (ادیب الممالک) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. شماره پنجم سال اول روزنامه در تاریخ سوم جمادی الاول ۱۳۲۵ قمری و شماره ۲۶ این سال در تاریخ پنجشنبه ۱۷ محرم ۱۳۲۶ قمری انتشار یافته است. عراق عجم روزنامه (آزاد هفتگی) معرفی شده و هر شماره آن در چهار یا هشت صفحه بقطع وزیرى ۱۲ در ۶ و سه چهارم اینچ با چاپ سربی در (مطبعه شاهنشاهی) بطبع رسیده است. اداره روزنامه (دروازه دولاب جنب باغ میرزا علی قائم مقام) منزل مدیر و نگارنده روزنامه (ادیب الممالک) بوده. مکاتیبی که با اداره میرسد اهم از اینکه درج شود یا نشود صاحبش حق استرداد ندارد. مکتوب بی امضا و تمبر از درج معذور است.

اینها خصوصیاتى است که در يك طرف عنوان روزنامه چاپ شده و در طرف دیگر قیمت اشتراك سالیانه بدینقرار معین شده است: طهران ۱۲ قران. سایر ولایات داخله ۱۲ قران. روسیه ۵ منات سایر ممالک ۱۰ فرانک. قیمت اعلانات سطرى پنج شاهی. تك نمره در تهران صد دینار. در سایر ولایات نمره فروشی نمیشود. وجه آبونه بدون قبض چایى اداره نباید داده شود.

این روزنامه ارگان انجمن عراق عجم در طهران بوده و در باره مندرجات آن در ضمن يك سطر در هر شماره در زیر عنوان روزنامه اینطور نوشته شده است: «این جریده در مطالب علمی، ادبی، اخلاقی سیاسی پلتیکی، حب وطن امور متعلقه بمدارس بیداری ابناء وطن عزیز و مقالات عام المنفعه درج میشود.» سر مقاله شماره ۲۶ سال اول روزنامه بدینقرار است:

«عاشورای سنه ۱۳۲۶. جن و بشر بر آدمیان نوحه میکنند چرا؟ برای اینکه

نوع انسان در این ماه ذلیل و دستخوش دیوان و شیاطین میشوند. تکیه دولت دام چید و شست شکار مظلومان است تکیه دولت مذبحه و مقبره بیچارگان است. تکیه دولت نخجیر گاه بر رویان و مقتل بدبختان و مقبره عشاق و تفرجگاه سنگین دلان است. تکیه دولت جانی است که شمس الملك در آنجا بضرب شلاق و زخم قمه و غداره شور عاشورارا تجدید میکند. تکیه دولت جائیست که فتحنامه آل زیاد و صحیفه ذلت آل محمد در آن در کمال قشنگی و دلربائی قرائت میشود. تکیه دولت مکانیست که مستبدین سرمشق و دستور العمل شمر و یزید را در آنجا تعلیم میگیرند. تکیه دولت عرصه ایست که قدرت و غلبه استبداد را بشروطیت هویدا میکند...» پس از این سرمقاله شرحی تحت عنوان (واقعه حیرت انگیز) راجع بتوطئه قتل ارباب جمشید در شب عاشورا نوشته و بعد (بقیه مکالمه نصرانه بیک و میرزا نصرت از شماره ۲۵) رادرج کرده است. در صفحه چهارم قطعه شیرینی از میرزا آقا فرصت شیرازی نقل نموده که قسمتی از آن بدینقره راست:

باچه قانون اساسی در چه مذهب بیگناه
 تر کتازی فتنه سازی جنگجویی رهنزی
 لعل را جان بخش خوانندی زلفرا آرام دل
 لعل تو جان میستاند رلف تو دل میبرد
 از دلم آرام بردی چون خط آوردی پدید
 عالمی آشفته خواهد شد که از صد جوفه دل
 فرصت و ماو شما در مشورت دادیم رأی

ریختی ای مستبد خون من مشروطه خواه
 بوالعجب کمیونی داردان چشم سیاه
 دلبرا کابینه بر هم زن که کردی اشتباه
 این دو ظالم را مجازاتی بده دادی بخواه
 مملکت را بی قوا کردی و دولت را تباہ
 انجمنهایست سری اندر آن زلف دوتا
 کز بتان مجلسی دل بر نگیریم و نگاه.

از روزنامه عراق عجم نگارنده تا همین شماره ۲۶ سال اول را در دست دارم .
 و اما میرزا صادقخان ادیب الممالک که سابقاً روز نامه ادب را می نوشته احوالش را
 بتفصیل در جلد اول کتاب ذکر کرده ایم .

(۷۹۴) عرفان

مجله عرفان بمدير مسئولی (احمد مراغی عرفان) در اصفهان تأسیس و شماره اول سال اول آن در ۱۶ صفحه بتطعم کوچک خشتی در مطبعه سربی (گلپهار) طبع و در تاریخ ۲۰ برج عقرب ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است. روی جلد مجله ، عرفان ، مجموعه ای مستقل ، علمی ، ادبی ، اخلاقی و اجتماعی و ظرفدار معارف معرفی شده . مقاله اوقتاحی مجله که بقلم (میرزا محمد کرمانی) تهیه شده و در آن نامهای مشروطیت ، جمهوریت ، رئیس الوزراء و زارتخانه ها ذکر گردیده ، بدینقسم شروع میگردد :

« بسم الله تعالی شأنه . کل امر ذی بال لم یبدء بيسم الله وهو الا بتر . حمد و سیاس بيمر و قیاس ملك الملوك و شهنشاہ متقوم و مستغنی بذاتی را سزاست که فکر مشروطه خواهان عالم وجود را در کنگاش خانه ربوبیتش راه نی - لایستل عما یفعل وهم یستلون جماهیر جمهوریت بین عالم کون در ساحت جمهوریت کبریائیش حیران و سرگردان پای را از سر و مشروطه را از جمهور نشناسند . سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا . و تو این مضبوطه

دولت مشروطه اش بشرط ان اكرمكم >

پس از مقاله افتتاحی مذکور، مقاله ای بعنوان (پوزش و معذرت) در سه صفحه مجله چاپ شده که پایان آن بدین قرار است: > اینک فهرست محتویات نامه عاجرانه ام را (که مگر بنظر صاحب‌دلان نیرو بیاید) خاطر نشان خوانندگان محترم مینمایم بازبانی شرم آلود عندرنارسانی سخنم می‌خواهم که نتیجه سخن سنجیم نالیدن است نه بخود بالیدن ۱ - حقیقت اسلام و احکام اسلامی با فلسفه و نتایج سیاسی آن. ۲ - نزدیک بودن اسلام بمذهب قدیم ایران بلکه توافق آنها در بعضی احکام. ۳ - حقیقت زبانها و لغتها خصوص لغت قدیم ایران. ۴ - دفع موهومات و خرافات و بر افکندن اصول کهنه پرستی و غیرها. >

در همین شماره تحت عنوان (قسمت ادبی. اشعار بقافیه تازه) از (م. کرمانی)

درج شده که برای نمونه قسمتی از آنرا ذیلا نقل مینمایم:

بگویت سخنی بشنو این بدیع نکات که بلکه پی بیری يك زمان براه نجات
بدست دشمن این سر زمین با برکات نمانده هیچ بجز از قضا چهار لکات
که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

گسته رشته نظم امور ملک ز هم برای نفع اجانب فتاده ایم بهم
نه با یزید بود چاره ساز نی اد هم فکنده دهر سروکار خلق با کلنات.
که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

به رنجبر نه ملاذ و نه ملجاء و نه مجبر نه هست عقده گشائی رکار های فقیر.
بخرج مینرود ناله و فغان و صغیر فتاده ایم بشدر هلا ز چهار جهات
که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

زمام در کف امرد ز ارمنی و یهود با مردان مسلمان رسیده جزئی سود
چو خر تو خرد و مانع شدار میان مقفود ز بول ماست که زنده خرید کرده قنات
که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

بگو که کیست کند درد هایمان درمان بغیر خالق بیچون و حضرت یزدان
و گر نه (زوه) امام زمان شده حیران که تا چگونه کشد خلق را بسوی نجات.
که بر حبیب خدا ختم انبیا صلوات.

سال اول مجله عرفان با انتشار شماره ۱۲ خاتمه یافته و شماره اول سال دوم آن در ۲۴ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی (پروین اصفهان) طبع و در ۱۵ تیر ماه مطابق ۲۶ ذیحجه ۱۳۴۴ قمری انتشار یافته است. از این شماره است که کتاب تاریخ (انقلاب ایران) تألیف برونزا آقای پیمان ترجمه و در مجله طبع نموده است. سال دوم مجله عرفان با انتشار شماره‌های ۱۰ و ۱۱ در يك جلد، در ۴۸ صفحه بقطع کوچک در تاریخ تیرماه ۱۳۰۶ شمسی خاتمه یافته و با نشر این شماره دوره مجله عرفان پایان یافته و از آن پس بصورت روزنامه منتشر گردیده است. در صفحه آخر شماره اخیر مجله تحت عنوان (پایان اینسوره) نوشته است: > سپاس خدا را که دوره دوم سال سوم مجله عرفان بیابان رسید. اینسوره دزرای یکصد بحث علمی، ادبی،

اجتماعی است و حاوی سیصد صفحه که با کاغذ و چاپ مرغوب طبع گردیده . بدین ترتیب دوره مجله عرفان خاتمه یافته و هما قسم که یاد آور شدیم از آن پس مجله عرفان بصورت روزنامه که از آن جدا گانه گفتگو مینمائیم انتشار یافته است .

(۷۹۹) عرفان

روزنامه عرفان در اصفهان بدیری آقای (احمد عرفان) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . شماره اول روز نامه عرفان در چهار صفحه بقطع متوسط با چاپ سری در (مطبعه پروین مؤسسه عرفان) طبع و در تاریخ ۵شنبه چهارم ربیع الاول ۱۳۴۶ قمری انتشار یافته است . این روزنامه در ابتدا هفتگی بوده و پس از چندین عنوان یومیه پیدا کرده و در عمل هفته سه شماره منتشر شده است . مقاله افتتاحی روزنامه که در شماره اول تحت عنوان (فاده مرام) درج شده بدین قرار است : « زمانه هماره و در تجدید و تبدل است اساتید و بزرگان ما از دیر زمانی است نوشته و گفته اند ما هم گفته و نوشته ایم و اینک هم تکرار میکنیم که ترتیبات و تنظیمات دیروز برای رفع حوائج امروز کافی نیست و باید بکلی این اصول و این طرز امر را بشیوه جدید تبدیل و تجدید نموده و عادات کهنه را طومار کرده و همانداهی را که برای طی مدارج ترقی و تعالی معلم بزرگ دنیا (اروپا) پیموده ما هم به پیمائیم و بدانیم که اقوام و مللیکه در - افکار و عادات گذشته جامد و راکد مانده و هیچ مایل بتغییر و تبدل وضعیات پوسیده نیستند و هیچ يك از تجار و ترقیات علوم و فنون جدید را نمیپذیرند خود را بوادی بوار و هلاک انداخته و با ضحلال و پریشانی ابدی دچار میشوند . این خود معلوم است که با اشتر حلیم و خرنك لنك سلیم نتوان هسفر شمنه فر و طیاره گردیده بهمین قیاس ... (پس از این قیمت شرحی در دو ستون روزنامه راجع بتجدد و تمدن و اینکه چگونه تجدید را باید اقتباس نمود نوشته تا میرسد باینکه) روزنامه عرفان سعی میکند که هموطنان عزیزش را بتمدن کنونی و تجدید واقعی راهنمایی نموده و نمونه از زندگی امروزی را نشان بدهد . روزنامه عرفان طرفدار جدی معارف و معارفخواهان را بهترین دوست و دشمنان معارف را بدترین دشمن میدارد . روزنامه عرفان تا سر حد امکان مفاسد و معایب اجتماعی را تنقید کرده و خواهد گفت . روزنامه عرفان بهیچ فرقه و مقامی مربوط و منسوب نبوده و با اتکاء بخدا و اتکال بنفس و کمک دوستان حقیقی اداره میشود روزنامه عرفان بحسن استقبال هموطنان خصوص اهالی اصفهان آرزو مند است امید واریم حرفی نزنیم جز از روی عقیده و چیزی ننویسیم بغیر حق و حقیقت . مادره واقع مقتضیه امتحان خود را داده و بیش از این لازم بتوضیح نیست . حفظ دین و وطن آراد یرا شعار خود ساخته و از وطنخواهان واقعی در هر لباس که هستند استمانت میطلبیم و علیه التکلان »

مندرجات روزنامه عرفان پس از درج سرمقاله ، عبارت از اخبار محلی اصفهان و قسمتهای کوچک ادبی ، اخلاقی که بیشتر ترجمه و یا بصورت مقاله مستقلی است . و نیز اخبار کشور و اخبار خارجه بطور اختصار در آن درج شده . هر چندي يك بار

رمانی بصورت پاورقی در روز نامه چاپ شده. قسمتی از کتاب تاریخ ادبیات ایران تألیف برون را آقای سیف پور فاطمی ترجمه نموده و آنرا بنام گلزار ادبیات ایران در این روز نامه درج نموده است. پس از تأسیس اداره ثبت اسناد و ثبت عمومی در اصفهان، صفحات دو و سه و گاهی چند صفحه ضمیمه روز نامه مخصوص درج اعلانات ثبتی است. مدت ده پانزده سال اعلانات ثبت عمومی اصفهان و کاشان و یرد مخصوص دوروز نامه عرفان و اصفهان بود و لذا يك قسمت از مندرجات این دو روز نامه را اعلانات ثبتی تشکیل میدهند. اعلانات انحصار و رانت و مزایده‌ها نیز از مندرجات این روز نامه است. فهرستی از مقالات و اخبار شماره اول سال اول عرفان بدین قرار است: (افاده مرام ترجمه از قطعات هوگو - راجع بکتاب شاهنامه - داستان خواندنی - ام الامراض یا زکام غزل اثر طبع گلشن ایرانپور - راجع بجمود خان استکی - ورود) در عنوان روز نامه عرفان (طرفدار - معارف - علمی - سیاسی - اجتماعی مصور) معرفی شده و درباره تصاویر روز نامه باید در نظر داشت که گاه گاهی تصاویر خارجی در آن چاپ شده است.

هما قسم که یاد آور شدیم روز نامه عرفان در سال اول هفتگی بوده و در سال دوم تا سال پنجم هفته دو نوبت منتشر شده و از سال ششم عنوان یومیه پیدا کرد و هفته سه نوبت منتشر گردیده و تا کنون که سال بیست و هفتم انتشار آن است رورهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه منتشر میگردد.

محل اداره روز نامه: اصفهان. خیابان سب. عنوان تلگرافی عرفان. وجه اشتراك آن در ابتدا در داخله ۵۰ قران و در خارج ایران ۶۰ قران و بارباب معارف و معلمین و محصلین تخفیف کلی داده میشده. قیمت تك شماره ۶ شاهی بعداً وجه اشتراك ترقی نموده و مباح زیادتری شده است. روز نامه عرفان یکی از روز نامه‌های کهنسال شهرستانهاست و اداره امور داخلی آن هر چندی بعهده یک نفر بوده چنانچه آقای ابوالناسم پاینده و زمانی آقای (ا. فررانه) و محمد حسین میرزا فصیح و ابرقونی مدیریت داخلی آنرا داشته‌اند. روز نامه عرفان دزرای چاپخانه اختصاصی است و این چاپخانه اول بنام مطبعه پروین و بعد اصفهان و پس از تشکیل ثبت عمومی بنام مطبعه عرفان موسوم شده است.

آقای احمد عرفان - آقای معلم حبیب آبادی که یکی از دانشمندان گمنام اصفهان میباشد شرح حال جامعی از مرحوم عرفان نوشته و ماعین آنرا از شماره ۳۲۳۷ عرفان مورخ ۵ شنبه ۲۱ آذر ماه ۱۳۳۰ بمینه تل مینمائیم.

در این ایام که مرحوم احمد عرفان رحمه الله علیه مدیر رور نامه عرفان برحمت ایزدی پیوسته. جراتد اصفهان هر يك مقالاتی در باره آن مرحوم و اظهار تأسف از وفات او تحریر نموده و از خدمات و زحمات وی در عالم علم و عمل و ادب قدر دانی فرموده اند. وحقاً آن مرحوم شایسته این تقدیر و تجلیل بوده و میباشد.

اینك این بنده شرمنده محمد تلی معلم حبیب آبادی نیز نظر بسوابق و روابطی که در زمان حیوة وی با او داشتم لارم دانستم چند سطرى در شرح احوال او مرقوم و

بدینوسیله اولاً یادی از او نموده و ثانیاً تسلیت و تعزیتی بیازماندگان آن مرحوم تقدیم کرده باشم

مرحوم احمد عرفان فرزند عبدالصمد بن میرزا عبدالله از اهل مراغه آذربایجان بود. جدش میرزا عبدالله از معاریف شهر مراغه و آنجا مسجدی ساخته که تاکنون باقی و برقرار و بنام وی معروف است. فرزندش عبدالصمد از آنجا باصفهان آمده و عیال اختیار کرده و مرحوم احمد عرفان از آن زن در پنجشنبه بانزدهم ماه شعبان المعظم سنه ۱۳۱۱ (هزار و سیصد و یارده هجری قمری) چنانکه از خود وی مسموع شد مطابق حوت ماه برجی سنه ۱۲۷۲ شمسی در اصفهان متولد شده و در کودکی وی پدرش هم در اصفهان وفات کرده و در تخت فولاد مدفون شد و مرحوم عرفان پس از طی مراتب صباوت در مدرسه علیه مشغول تحصیل شد و در همان ایام علوم قدیمه اعرابی و غیره را در مدارس قدیمه ارقبیل مدرسه صدر و مدرسه میرزا حسین فراگرفت و سپس بتکمیل علوم جدیده پرداخت و مخصوصاً ربان انگلیسی را نیکو فراگرفت و مدتی هم در علوم ریاضیه خدمت مرحوم محاسب الدوله (نامش میرزا آقا خان فرزند خستقلی خان بن میرزا محمد خان بن بیگلر خان اربزرگان علمای ریاضی و مخصوصاً هندسه و حساب بود در سنه ۱۲۷۴ متولد شده و در تهران خدمت مرحوم حاجی نجم الدوله درس خوانده و هم آنجا در جر که عرفاء و صوفیه سلسله صفیعلیشاه در آمد چندین کتاب در هندسه و جبر و مقابله تألیف کرده و سالها در اصفهان مقیم و آخر هم آنجا در شب شنبه غره ماه جمادی الاول سنه ۱۳۵۶ وفات کرد و با اینکه در آن اوقات از طرف دولت دفن اموات در داخله شهر ممنوع بود وی را استثنائاً با صدور اجازه اولیاء امور در مسجد رحیم خان در ایوان مقبره مرحوم آقامیرسید حسن مدرس دفن کردند). بتحصیل پرداخت و رساله جبر و مقابله وی را در نزد خود آن مرحوم کامل ساخت و زمانی دراز در مدارس جدیده بتعلیم مشغول بود و در سنه ۱۳۴۱ نخست امتیاز مجله و بعد روز نامه را جدا گرفت و هر دو را بنام عرفان موسوم ساخت که پس از چند سال نام خانوادگی خود را نیز همین کلمه گردانید و بدان معروف شد و مجله را سه دوره یا چهار سال منتشر کرده و سپس ترك نمود. و روز نامه را بطوری که از سالنامه پارس (سال ۱۳۰۹ م ۱۹۵) برمیآید در (شوال - ذی القعدة) سنه ۱۳۴۵ با انتشارش پرداخت و تا آخر عمر مرتباً هر هفته ای دویا سه شماره باستثناء بعضی از ایام منتشر نمود که شماره آخرین آن ۳۲۳۱ از سال ۲۶ و در ۱۹ صفر ۱۳۷۱ مطابق ۲۷ آبان ۱۳۳۰ شمسی سه روز قبل از وفات او منتشر شد.

و این روزنامه بطوری که همه در مقالات خود نوشته اند و مانیز بدان معترفیم و صفحات سنوات عدیده آن شاهد صدق آن میباشد از روزنامه های بسیار متین و وزین و دارای خلاصه اخبار داخله و خارجه از اصفهان و ایران و سایر اقطار جهان و مطالب ادبی و تاریخی و رجالی و گاهی ترجمه بعضی از کتب و غیره با قلمی عقیف و شیوا بوده و هیچوقت از حدود عفت قلم و حفظ حدود و حقوق هر کس و هر طبقه و متانت و وقار

روزنامه نگاری خارج نشده و شایسته است دوره های بیست و هشت ساله آن هر يك تنظيم و تجلید و محفوظ در کتابخانه هامدرك نویسدگان آینده بلکه عصر حاضر نیز قرار گیرد . و بهرحال مرحوم عرفان مدتها بود که مریض و چندبار بسکته مبتلا و از خانه بیرون نیامد تا در این اواخر قدری بهتر شده و گاهی در اداره روز نامه حاضر می شد و بالاخره ناگهان در شب پنج شنبه بیست و دویم ماه صفر الخیر سنه ۱۳۷۱ (هزار و سیصد و هفتاد و يك) قمری مطابق ۳۰ آبان ماه باستانی سنه ۱۳۳۰ شمسی بار بسکته مبتلا و همان شب مبتلا اعلا پیوسته و وفات کرد و روز پنج شنبه ار طرف انجمن روزنامه نگاران بوسلیه اعلانات عدیده خبر فوت او در شهر منتشر و برنامه تدفین او تنظیم گردید و روز جمعه طبق آن جنازه او باتشیعی عظیم بتخت ولاد محمول و در تکیه حکیم بزرگوار مرحوم جهانگیرخان قدسه سره مدفون شد و در روز شنبه و ما بعدها در امکانه متعدده مجالس سوگواری عدیده برای او برپا و طبقات مختلفه در آن شرکت نمودند و دو فرزند یکی پسر بنام بهرام و دیگر دختر که از وی کوچکتر است بنام پروین از او بار ماند و چنانکه اشاره شد مدیران جراید اصفهان هر يك قدر او را منظور آورده و بتفصیل و اختصار در روزنامه های خود شرحی از این واقعه مرقوم داشتند و همچنین بعضی ار شعراء مرانی و اشعاری در این قضیه و تاریخ آن بنظم آوردند که در روزنامه ها نوشته شد و این فقیر نیز در آخر مرتبه ای چنین گفته ام .

از پی سالش معلم شد روان تار اهل انجمن گیرد خبر
ناگهان آمدیکی بیرون و گفت فوت عرفان بدباین ماه صفر

پس از فوت عرفان انتشار روزنامه بنام خانم آن مرحوم بانو ملك عرفان صادر گردید و هم اکنون روزنامه بصاحب امتیاری و مدبری مشار الیها بسبک سابق منتشر میگردد.

(۷۹۶) عروة الوثقی

روزنامه هفتگی عروة الوثقی در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران منتشر شده است .
(تاریخ مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۱۹)

(۷۹۷) عصر

روزنامه عصر در طهران بصاحب امتیاری (آقا میرزا آقا اصفهانی) و مدیر مسئولی (حاج شیخ حسنخان تبریزی) تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . طرز انتشار آن هفتگی بوده و معمولاً در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سنگی در (مطبعه شرقی) طبع و توزیع گردیده . عنوان مراسلات : طهران . خیابان کاشف السلطنه نمره ۲۸ عنوان تلگرافی طهران عصر قیمت اشتراك طهران پنج قران برای خارج از طهران اجرت پست اضافه میشود . قیمت تك نمره در طهران سه شاهی مراکز فروش جلوخان شمس العماره کتابخانه علیه مصدق ، این روزنامه برای هیچکس پیش از فرستادن قیمت اشتراك ششماه فرستاده نمیشود . مقالات عام المنفعه تاجانی که

مخالف باقانون مطبوعات نباشد قبول و نشر میشود . مراسلات راجع بدح و ذم اشخاص پذیرفته و درج نخواهد شد . مکاتیب وارد مسترد نمیشود .

خصوصیات مذکور در هر شماره در عنوان روزنامه قید شده و علاوه بر این در زیر عنوان روزنامه بدیتقسیم معرفی شده است : « روزنامه ایست بیطرف ، ملی ، سیاسی ، ادبی طرفدار استقلال ایران . » مندرجات روزنامه عصر پس از درج مقاله اساسی که بعنوانین (مکرر بنخوانید - تهذیب لازم است - ملا خان محمد واعظ ترك) نوشته شده عبارت از مکاتیب و نامه های مختلف است . مقالات روزنامه غالباً تند و دلچسب است . مسلك این روزنامه مانند روزنامه ایران نو دمکرات است .

شماره ۳ سال اول روزنامه در تاریخ ۱۷ ذیحجه ۱۳۲۸ قمری و شماره ۸ آن در تاریخ یکشنبه ۲۰ محرم الحرام ۱۳۲۹ و شماره ۲۸ آن در تاریخ پنجشنبه ۲ رجب و شماره ۳۱ آن که آخرین شماره ایست که از روزنامه در دست است در تاریخ ۳ شعبان ۱۳۲۹ قمری منتشر گردیده است . در بعضی از شماره ها وجه اشتراك بدیتقسیم نوشته شده : در طهران ۱۰ قران ، در سایر شهرها ۱۲ قران . در خارج ایران ۸ فرانك .

روزنامه چهره نسا در شماره ۳ سال هشتم خود مورخ ۱۵ صفر ۱۳۲۹ قمری شرحی بعنوان تقریظ جراید در باره سه روزنامه بدین شرح نوشته است : « جنوب و عصر و جارچی ملت منطبقه های طهران که بتارگی از آثار معارف بار خود جهان مطبوعات و ادبیات را مرهون خیالات عالی و مقاصد متمالیه خود در ادای قرض و طنخو اهانه نموده اند . مقصد مقدس (جنوب) دفاع از حرکات متعدیانه و تجاوزات نا مشروعانه همسایه حیل مایه جنوب است . و مسلك سیاسی (عصر) که از قلم فرخنده شیم یگانه حکیم اعلم اکمل و فرزانه اجمع افضل (آقا میرزا آقا) اصفهانی است تردید و تنقید افکار از صحت عاری و زرای بزرگ و مندرجات جراید ترك انگلستان و بطرز بورغ میباشد . (جارچی ملت) بسی مطلوب و بیاناتش مرغوب علاوه مزیت دیگر که تصویر هم دارد . »

میرزا آقا اصفهانی - میرزا آقا اصفهانی ملقب بجاهد از آرادینخواهان معروف و ارکسانیکه از قبل از مشروطیت برای تحصیل آزادی فداکاری و جانفشانی نموده . نامبرده در زمان صدارت عین اللوله باتفاق حاجی میرزا حسن رشدی و مجد الاسلام کرمانی از طهران بکلات نادری تبعید گردید . شرح تبعید این سه نفر را بتضمین در حرف نون کتاب در ذیل روزنامه (ندای وطن) شرح خواهیم داد . در اینجا فقط آنچه را مرحوم کسروی در باره علت تبعید میرزا آقا نوشته نقل مینمائیم . مرحوم کسروی در جلد اول تاریخ مشروطه (صفحات ۱۲۳ و ۱۲۴) مینویسد : « میرزا آقا از استان بولتاره آمده و نزد عین اللوله خود را قانون داد نشان داده و چنین پیشنهاد کرده بود که قانونی که خواسته میشود او بنویسد و چون مرد خود نما و هوسناکی میبود سخنانی از قانون و آزادی و چگونگی تودمهای اروپا میراند ولی وقتی عین اللوله اینها را گرفت (منظور رشدی و مجد الاسلام و میرزا آقا است) شهرت داد که بهائی بودند و از این جهت وقتی طباطبائی و ساطت مجد الاسلام را نزد عین اللوله کرد جواب داد که بهائی بودند . »

تبعید کلات مدت زیاده طول نکشید و مرحوم میرزا آقا مجاهد بوساطت مشیرالسلطنه بطهران برگشت و تا سال ۱۳۲۶ قمری دربا یتخت بسر میبرد و در سال مذکور سفری بلندن و مصر نمود و از آنجا از راه عراق عرب بایران مراجعت کرد مدیرچهره نما در شماره ۶۴ سال پنجم روزنامه مورخ ۲۰ ذیحجه الحرام ۱۳۲۶ قمری در جزو کسانی که بمصر وارد شده درباره میرزا آقا اصفهانی می نویسد: «جناب آقا میرزا آقا مجاهد تاجر اصفهانی که ذکر حالات مختلف علامتشان در اذهان سیاسیون مرتسم شده پنجم ذیحجه ۱۳۲۶ از لندن بطریق پورت سعید ورود نموده و هفت روز محض دیدار آثار عتیقه و امکانه قدیم توقف نمودند و سپس از راه سویس بجانب عراق عرب عزیمت بایران رهسپار گردیدند. در مدت توقف ایشان آقای حاج میرزا عبدالجواد مشکی از بذل هیچگونه خدمتی نسبت بایشان فرو گذاری نکرده و نگارنده بر حسب دوستی و سابقه چندین ساله و ارتباط اوقات تجارتی حضور ایشان را مفتنم دانسته و چند سؤال نمودم. «در اینجا مدیر چهره نما بذکر چند پرسش و پاسخ پرداخته که برای اطلاع از زندگانی مرحوم میرزا آقا مجاهد بطور خلاصه آنها را نقل مینمائیم. ابتدا مدیر چهره نما میسرسد شما چه مسلکی دارید و از چه حزبی محسوب میشوید؟ جواب: قبل از انعقاد مجلس و بلوای اولیه طهران در ایران دو حزب تأسیس شد یکی مروج خیالات روحانی و یکی منشاء حرکات جسمانی. این دومی اهمیتش ریادتر است و اصلش از قفقازیه روسیه بود که مهاجرین و فراریهای مظلوم جمع شده و هیئتی بنام (مجاهدین) تشکیل داده و خیلی اثرات مفید برای مردم داشتند ولی افسوس که جمعی در آنها داخل شده بغیال قتل محمد علی شاه افتادند. از جمله اشخاصی که از بدو ورود و وصیت با اعتدال کرد من بودم و از اینجهت بعضی از دوستان گفتند من تغییر مسلک داده ام ولی من میگویم: نه مثل شاه و درباریها راضی هستم بی ناموسانه و بوالهوسانه متعه روسها بشوم و نه مثل مردمان پست فطرت دوست دارم که بوظیفه کم اجیر و کارگذار انگلیسها باشم. مسلک من استقلال و حسن استقبال و وطن مقدس من است.

..... در باب اینکه کجا میل توقف دارم جنابمالی که از سایرین بهتر میدانید که از سال ۱۳۲۳ که ابتدای سفر فرنگ من بوده است تا این ساعت من دارای هیچ قسم اختیار نبوده ام. حرکات من اضطراری بوده است و امروز هم با این اوضاع حاضره محبوب ترین نقاط را برای اقامت و وطن مقدس خودم ایران را میدانم بواسطه اینکه آلام و اکدار این چهار ساله قوای مادی و معنوی را کاهیده است و محتاج با استراحت کرده است و این استراحت در ایران است تا خدا چه مقدر کرده باشد.

سابقا یاد آور شدیم که آقا میرزا مجاهد در زمان محمد علی شاه در باغشاه محبوس گردید. شرح گرفتاری او را در شماره دوم سال هفتم چهره نما مورخ ۱۵ محرم ۱۳۲۸ قمری تحت عنوان (فرق و شروطه و استبداد چیست؟) ذکر کرده که چون مقاله مذکور خوانندگان گرام را بقسمتی از زندگانی آن مرحوم آشنا میسازد، بعینه آنرا نقل مینمائیم:

» پس از مراجعت آقا میرزا آقا مجاهد اصفهانی چون از وضع حاج محمد اسماعیل مسبوق نبود بهم دیدن کردند دوستان از حال منازعه وهم مشربان او آقا میرزا آقارا مطلع کردند ایشان هم بکلی ترك تمام گفته بقمیكه اهالی طهران همه فهمیدند . درباریان و باغشا ئیها چون ورود ایشان را دانستند اول بتطبیح چون قانع نشدند بعد بتهدید دنبال بآمیرزا آقا کردند پیشرفت نکرد ولی آقا میرزا آقا بنا با احتیاط طهران را ترك وبشمیرانات رفت و در اینجا بنا گذاشت چندین نسخه ژلاتین باسم (شکوفه عصر) منتشر کرد و بسیار آنها مؤثر شد تا مجا هدین بطهران رسیدند و محمد علی میرزا خلع ومشروطه دایر شد .

آقا میرزا آقاهم از شمیران بشهر طهران آمد و از همه ملاقات کردند و هیچ حرفی در میان نبود تا آقای تقی زاده ومدیر روز نامه مساوات آقا سید محمد رضا از تبریز وارد شدند آقا میرزا آقا از این دونفر ملاقات نکرد ومجدداً به شمیران رفت پس از چند روز شنیده شد که در پی دستگیری آقا میرزا آقا هستند و یکی ار طهران بشمیران بایشان خبر داد آقا میرزا آقا بطهران آمد و بر خلاف سابق همه روزه ار صبح تا عصر بازار بود تا آنکه روزی یکی از دوستان میگوید جناب میرزا آقا خوب است دوباره بشمیران بروید . جواب مید هد مقصد شما را فهمیدم من مخصوصاً بشهر آمده ام ومسئله گرفتن من از دوشق خارج نیست یا آنکه مرا گرفته بدلیه میبرند و محاکمه میکنند اگر محکوم شدم مجازات خواهند داد یا آنکه لوطی بازی و هرج ومرج است پس در شق ثانی بشهر هم باشم بهتر است جهت آنکه مفر ضین نگویند فرار کرده است .

اواخر رجب روزی بارار بود وشبرا بخانه میرود شب پنج ساعت از شب گذشته دسته ترك ، فارس ، قفقازی ، بختیاری که چها رده نفر باشند میروند درب خانه ایشان دق الباب میکنند خدمتکار می آید وبر میگردد خبر میدهد میریزند در خانه . نصرالله برادر عیال ایشان می آید جلو که چه خبر است ؟ فوری تفنگرا در شقیقه او گذاشته میگویند میرزا آقا کجاست والاتو رامیکشم اوافتاده ار ترس غش میکند . « این جوان معقول ار آن شب بیعدپس از بهوش آمدن حالت جنونی پیدا کرده وباکلی مخارج در حالش افاقه نشده . » چون نصرالله خان میافتد میریزند برزنها در حالیکه هوا گرم بوده و تمامی زنها در خواب ولخت وعریان بوده اند زنها قرآن میآورند که مارا اذیت نکنید جواب میدهند ما ارمنی هستیم وقرآن اعتقاد نداریم . عاقبت میروند در پشت بام خانه در صورتیکه آمیرزا آقا باعیال خودش در رختخواب خوابیده بودند بایک پیراهن و زیر شلوار او را بائین میآورند و میبرند . (در اینجا حال زنها ی خانه را بحس خوانندگان واگذار میکنیم .)

آقا میرزا آقارا بردند بیباغشاه وباچند نفر دیگر من جمله مجد الاسلام کرمانی مدیر روزنامه (ندای وطن) که محاکمه وتبعید شد وهنور آمیرزا آقا در باغشا میباشد هر قدر بجراید نوشتند وبوزراه ورؤسا گفته شد که میرزا آقا حکمش چیست ؟ چرا او

را بعدلیه نی آورند؟ چرا معا کمه نمیکنند؟ هر يك جوابی غیر موافق دادند. از بسکه متفرقه عریضه دادند آخر جناب سپهدار اعظم در حاشیه نوشته بودند: (در ۲۷ رمضان در مجلس عالی حکم شد که آقا میرزا آقا از حبس بیرون بیاید و در ظرف دو هفته الی یگم به جهت تسویه امورات خودش در طهران باشد و بعد يك مسافرتی نماید.) این حکم را بهر اداره نشان دادند جواب دادند ما اطلاع نداریم.... تا از حکم جناب سردار اسعد وزیر داخله چند روز قبل آقا میرزا آقا و رضا بالا رئیس نظمی سابق و پسر حاج میرزا حسن آقا تبریزی و میرزا عبدالرحیم اللهی مدیر اقیانوس و دونفر سید و یکنفر شیخ را که جمله هفت نفر بودند از باغشاه یطهران آوردند باز هم نه محاکمه و نه استنطاق، نه مرخصی نه مجازات، ناتبعد، نه استرضا، نه حرف حسابی. ملاحظه شود پس فرق استبداد و مشروطه چیست؟

این بود شرحیکه مدیر چهره نما درباره میرزا آقا اصفهانی نوشته. در شماره ۵ سال هفتم چهره نما مورخ ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری نیز نامه ای بامضاء (خانواده میرزا آقایی مجاهد اصفهانی) درج کرده و خلاصه آن نامه تظلم و دادخواهی خانواده میرزا آقا مجاهد است که برای چه پنج ماه است میرزا آقا حبس و بدون علت هنوز محاکمه او نشده و ما سرگردانیم. در شماره ۶ سال هشتم چهره نما شرحی بامضاء یکنفر ایرانی مقیم مصر چاپ شده و در آن مدیر روزنامه عصر بامدیر روزنامه تمدن مقایسه گردید، شرح مذکور بطور خلاصه چنین است: «آقا میرزا آقا مجاهد مدیر روزنامه عصر موقعیکه بمصر آمدند و با او صحبت کردیم شخصی فهمیده و با چند زبان از عربی و فرانسه و ترکی عثمانی و انگلیسی آشنا بود امامدبر الممالک مدیر روزنامه تمدن جز لهجه اصفهانی بچیز دیگر آشنائی نداشت و تعجب است چگونه در روزنامه خود بمدیر عصر بدگویی کرده است.» این بود قسمتی از شرح زندگی مدیر روزنامه عصر.

(۷۹۸) عصر آزادی

روزنامه عصر آزادی در شیراز بصاحب امتیازی و مدیری (میرزا جواد خان آزادی، مدیرراده) تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در برج قوس یا تیرماه سال مذکور انتشار یافته و در ابتدا هفتگی و سپس یومیه گردیده است. پس از آنکه آقاسای جواد آزادی بنماینده کمی مجلس شوراییلی انتخاب گردید، روزنامه بصاحب امتیازی ایشان و بمدیر مسئولی و نگارندگی آقاسای فضل اله شرقی در شیراز منتشر میشد شماره های ۳ و ۴ سال اول عصر آزادی در برج جدی و شماره های ۵، ۶، ۷، ۸ آن در برج دلو و شماره های ۹، ۱۰، ۱۱ آن در برج حوت سال ۱۲۹۹ شمسی بداره مجله فلاح و تجارت رسیده است. شماره مسلسل ۱۶۳۹ سال هیجدهم عصر آزادی بصاحب امتیازی جواد آزادی و مدیر مسئولی (فضل اله شرقی) در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سرربی (آفتاب) طبع و در تاریخ جمعه ۱۵ مرداد ۱۳۱۶ شمسی مطابق ۲۸ جمادی الاول ۱۳۵۶ قمری واوت ۱۹۳۷ میلادی انتشار یافته

در عنوان روزنامه، اسم روزنامه (عصر آزادی) بخط نستعلیق و در زیر آن سال تأسیس (۱۹۲۱) نوشته شده و در بالای آن به عنوان شماره روزنامه دو کلمه (خدا و آزادی) درج است. جای اداره: شیراز. دبستان ابن سینا. قیمت اشتراک روزنامه: سالیانه ۶۰ ریال. خارجه ۸۰ ریال. قیمت اعلانات صفحه اول سطری دو ریال و مابقی صفحات یکریال. تک شماره سی دینار. مندرجات عصر آزادی عبارت از مقالات مختلف و اخبار داخله و خارجه میباشد و صفحه چهارم آن مخصوص درج آگهی های ثبتی است. شماره اول سال بیستم عصر آزادی که دارای شماره مسلسل ۱۹۳۷ میباشد، در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (شیراز - مطبعه موسوی) و در تاریخ یکشنبه سوم تیر ماه ۱۳۱۸ شمسی مطابق ۷ جمادی الاول ۱۳۵۸ قمری توزیع شده است. خصوصیات و بهای اشتراک روزنامه بشرحی است که قبلاً ذکر نمودیم و مندرجات این شماره پس از درج مقاله مختصر افتتاحی، مقالات گوناگون و اخبار فارس و اخبار داخله و خارجه و صفحه چهارم اعلانات ثبتی است. در این شماره مقاله بعنوان (بیستین سال انتشار عصر آزادی. یکسال دیگر از عمر نامه ما گذشت) بمناسبت آغاز بیستین سال انتشار روزنامه درج شده که ذیلاً عین آنرا نقل مینمائیم:

«خوشیم باینکه یک واحد بر جمع ارقام خدمتگذاری ما ببینیم عزیز افزوده شده این افتخار نصیب ما گشته است که بگوئیم بیست سال است از تاریخ انتشار اولین شماره عصر آزادی میگردد. شکر گذاریم از اینکه در محیط آسایش و امنیتی قرار گرفته و بهمین جهت توانسته ایم بانجام وظیفه قیام نمایم. نگرانیم باین جهت که آنچه در تصور خود برای آبرو مند شدن و مفید بودن روزنامه خود میانیدیدیم بعمل کردن همه آنها موفق نشده ایم گرچه ترتیب انتشار منظم روزنامه و نشر آخرین اخبار خبرگذاری پارس و دقت بیشتر در جلب خبر های صحیح از قدمهائی بود که برای بهبودی روزنامه سالیکه گذشت برداشته شد گرچه با اصرار و علاقه آقای مدیر چاپخانه موسوی اولاً از صفحه صفحه چاپ کردن روزنامه با حروف زشت و دستگاه چاپ نامتناسب آسوده شدیم و بعلاوه در قسمت آخر سال موفق شدیم حروف ۱۲ نورا بجای حروف ۱۸ بکار اندازیم گرچه و گرچه.... ولی ارجحی جہات خود مان اذعان داریم که روزنامه ما ناقص دارد و در صدد هستیم که با کمک خداوند و دستگیری دوستان تا آنجا که میتوانیم در رفع نقایص بکوشیم. تنها چیزیکه ما به امیدوار بست این است که خودمان میدانیم برای پیشرفت روزنامه دقیقه فروگذار نکرده ایم و نتیجه اقدام را هم برای العین دیده ایم. با همه آنچه ذکر شد تصمیم داریم برای سال آینده طوری باصلاح روزنامه بپردازیم که آخر سال یک شماره روزنامه را بتوانیم بتوضیح و بیان پیشرفتهای آن اختصاص بدهیم مگر نه اینست که یکی از کار های اساسی سازمان پرورش افکار رهبری و راهنمایی و فراهم آوردن تسهیلات در کار چاپ و انتشار روزنامه ها است.....»

روزنامه عصر آزادی تا هنگام فوت جواد آزادی یعنی تاشهریور ۱۳۲۳ شمسی منتشر میشد و پس از فوت ایشان نیز بمدیربری آقای فضل الله شرقی منتشر میگردد

و از این قسمت روزنامه جداگانه درذیل کتاب گفتگو خواهیم کرد .
آقای فضل‌الله شرقی اکنون مدیر دبیرستان ابن سینا در شهر شیراز میباشند.

شرح حال جواد آزادی مدیر روزنامه عصر آزادی

جواد آزادی در تهران در شهریور ۱۳۲۳ شمس بدروود زندگانی گفت و در روز یکشنبه پنجم شهریور ماه از طرف وکلای فارس در مسجد مجده فاتحه برای او گرفتند . شرح حال جواد آزادی را در شماره ۲۰۴ روزنامه ایران ما مورخ یکشنبه ۵ شهریور ۱۳۲۳ اینطور نوشته است :

« مرحوم جواد آزادی فرزند مرحوم شیخ محمد حسین حیات در تاریخ ۱۲۷۹ شمسی در شیراز متولد گردید مرحوم حیات پدر آن مرحوم از پیشه‌مدان اولیه مشروطیت و آرادنی در فارس بوده چندین مرتبه از طرف مقامات متنفذ وقت توقیف و حبس گردید و معارف فارس و دبیرستان حیات از تأسیسات آن مرحوم است بعلاوه روزنامه حیات را منتشر میکرد که در تاریخ ۱۲۹۹ از آنجائیکه دارای جنبه انتقادی شدید بود توقیف گردید . روزنامه عصر آزادی بنام آقای جواد آزادی در حیات مرحوم پدرشان امتیاز گرفته شد . این روزنامه تا تاریخ ۱۳۱۴ که مرحوم آزادی برای دوره نهم مجلس شوری از لار انتخاب گردید مستقیماً تحت نظر خود ایشان چاپ و منتشر میشد و از آن تاریخ تا ۱۳۲۰ تحت نظر آقایان حسین استقلال و فضل‌الله شرقی در شیراز منتشر گردید .

سوابق اداری و فرهنگی مرحوم آزادی عبارت از کمکهای مؤثر به مرحوم حیات در تأسیس معارف فارس و تأسیس دبیرستان حیات و ریاست هنرستان پیشه و هنر و کفالت اداره پیشه و هنر فارس که با فعالیت ایشان کارخانه عظیم قند مرودشت ساختمان گردید .

سوابق پارلمانی - ازدوره نهم مجلس شورای ملی تا دوره چهاردهم متوالیاً نماینده مجلس و اغلب جزو هیئت رئیسه مجلس و از افراد برجسته پارلمان و هیئت رئیسه مجلس بود .

پس از فوت جواد آزادی (جبهه مطبوعات اصفهان) نیز بیاد آن مرحوم در سالن دبیرستان سعدی مجلس یاد بودی منعقد نمود و یکی دو تن آنجا سخنرانی نمودند من جمله آقای علی امین عضو دفتر دادگاه بخش اصفهان خطاباً راجع به زندگانی آزادی قرائت نمود که متن آن در شماره ۲۳۰۸ روزنامه عرفان مورخ ۱۶ شهریور ۱۳۲۳ در اینجا نقل میشود :

اسم مرحوم آزادی جواد نام خانوادگی بجهت اتی‌الذکر مدیر زاده اهل شیراز فرزند ارشد محمد حسین حیات مدیر روزنامه حیات و مدیر مدرسه شریعت دو و مین مدرسه که ابتدا در شیراز تأسیس شده و از آزادی خواهان بنام و معروف شیراز و عضو برجسته و بنام حزب دمکرات فارس است که پس از طی خدمات فرهنگی این اواخر بر ریاست فرهنگ فارس منصوب شده و شخصاً ادیب و فاضل حتی در راه نشر حقایق

و بیداری هموطنان خود یکدفعه منزل او بغارت رفته و خود اوزندانی شده است بنابراین ملاحظه فرمودید که پدر آزادی یکی از آرادیخواهان و خدمات مهمی بمشروطیت و بخصوص بفرهنگ فارس نموده است و معروفیت اولیه مرحوم آزادی بمدیر زاده از این جهت بوده که پدرش بطوریکه عرض شد اوائل مدیر مدرسه شریعت بوده که بعد از مرگ او بیاس خدمات فرهنگی بنام پدرش حیات نامیده شد آزادی در سن ۲۷ سالگی که تحصیلات جدید و قدیم خود را پایان رسانیده بود بمدیریت مدرسه که پدرش مؤسس آن بود برقرار و خود نیز سمت تعلیم داشته که خود این بنده افتخار شاگردی ایشان را داشته و دارد و در همین ایام نیز قدم بصحنه سیاست گذارده و بگرفتن امتیازی بنام روزنامه عصر آزادی نائل گردید که در عمر خودش و بگواهی مدیران محترم جرائد قدیمی اصفهان از جرائد مفید و بنام فارس بوده و از این رهگذر خدمات فرهنگی و تنویر افکار عامه و بخصوص در راه آزادیخواهی بهمین ما کرده است .

آزادی شخصی بود خلیق بردبار و رفیق پرست و فوق العاده نجیب و دارای حجب و حیای ظاهر و ظاهری آرام و متین و از خصایص و خصوصیات اخلاقی او عدم عصبانیت و ظرفیت با رقبای سیاسی و کسانی که باو حسد می ورزیدند و بدخواه او بودند و هیچ وقت دیده نشد که حتی قلماً هم با کسی اظهار خصومت و طرفیت نماید اما چیزی را که صلاح ایران و میهنش میدانست بی پروا و بدون ترس ابراز و اظهار میکرد در اینموقع بود که قلم را برمیداشت و اشخاص مؤثر را مؤذبانه و با رعایت نزاکت انتقاد میکرد که نمونه آن ظرفیت و انتقاد از یکی از مأمورین سیاسی بود که بواسطه آن روزنامه عصر آزادی توقیف و از آن تاریخ بیعد مقام و موقعیت محسوسی در جامعه پیدا نموده و محبوبیت خاصی یافت .

آزادی پنج دوره بنمایندهگی مجلس از طرف موکلین رشید و باوفای خود یعنی لاریها انتخاب شد و تاکنون سابقه نداشته که وکیلی این اندازه طرف محبت موکلین خود واقع گردد زیرا حفظ حقوق موکلین مد نظر او بوده و حتی از جزئیات کار آنها فروگذار نمیکرد و شب و روز میدوید بالاخره در سال دوم و کالت باخانواده خلعت بری سردار اقتدار نوه سپهسالار اعظم ازدواج کرد و تا آنجا که در سال ۱۳۲۱ که این بنده در طهران بودم سه پسر داشت و البته پیش خودتان فکر میکنید که آیا ثروت و اندوخته او چقدر است و پس از ۵ دوره و کالت چه اندازه استفاده و اندوخته نموده است. متأسفانه باید عرض کنم که اولاً در خانه اجاره می نشست و بطن قوی میتوانم بگویم که مقداری هم ممکن است مقروض بوده است . »

این بود شرحی که آقای علی امین بصورت خطابه در باره مرحوم آزادی در سالن دبیرستان سعدی ایراد نمود . پس از فوت آن مرحوم از طرف نمایندگان مجلس شورای ملی مجلس ترحیمی برای آن مرحوم در مسجد مجد در طهران منعقد گردید و نمایندگان مجلس و هیئت دولت در این مجلس حضور بهم رسانیدند . روزنامه اطلاعات بهمین مناسبت از خدمات آن مرحوم در شماره مورخ شنبه چهارم شهریور ۱۳۲۳ شمسی

شرحی نوشته که برای خوف از اطناب از نقل آن خود داری نموده و شرح راجع به روزنامه عصر آزادی و مدیر آنرا بهمین جا خاتمه میدهم .

(۷۹۹) عصر انقلاب

روزنامه عصر انقلاب بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (میرزا آقاخان همدانی) و سر دبیری (ی. دبیر خلوت) در طهران تأسیس و شماره اول آن در چهاردهم ربیع الاول ۱۳۳۳ قمری مطابق برج دلوپارس نیل و فوریه ۱۹۱۵ میلادی در دو صفحه بقطع بزرگ منتشر شده است. این روزنامه در ابتدا هفته یک نمره و پس از چندی هر هفته دو نمره در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (ایران) طبع و توزیع گردیده. محل اداره آن: طهران. مقابل شمس العماره در مطبعه ایران. عنوان تلگرافی طهران اداره عصر انقلاب. هنگامیکه عصر انقلاب هفتگی بوده صبح روز یکشنبه منتشر میشده است. وجه اشتراک این روزنامه بدینقرار است: طهران سالیانه ۴۰ قران. ششماهه ۲۲ قران ولایات داخله ۴۵ قران و ۲۴ قران. خارجه ۶۰ قران و ۳۵ قران. تک نمره در طهران ۵ شاهی و در ولایات شش شاهی است.

در عنوان روزنامه عصر انقلاب بدینقسم معرفی شده: «این جریده ملی. آرادو مستقل الافکار در حفظ منافع وطن و اساس حکومت ملی سخنرانی میکند.»

مندرجات روزنامه بدینقرار است که معمولاً در صفحه اول آن مقاله سیاسی بقلم مدیر روزنامه نوشته شده و صفحات دیگر روزنامه مخصوص اخبار داخله و اخبار جنگ اروپا میباشد. عصر انقلاب را میتوان روزنامه سیاسی و تبلیغی شمرده که در هنگام جنگ بین المللی اول با بدایره انتشار گذاشته و مقالات آن بیشتر بنظور تحریک و انقلاب مردم بر علیه حکومت وقت نوشته شده است. فی المثل مقاله شماره سوم سال اول آن بعنوان (قاصر کیست - مقصر کدام است؟) تدوین شده و در آن نویسنده سعی کرده است قاصر و مقصر را هیئت دولت قلمداد نماید.

چیزیکه بیشتر در روزنامه عصر انقلاب جلب توجه میکند طرفه-اری صریحی است که در آن بنفع آلمانها و بزبان متفقین شده و از این حیث بیشتر روزنامه جنبه تبلیغاتی دارد. فتوحات آلمان و ابلاغیه‌های آندولت و مقالاتی ارقبیل (آلمان و آذوقه) که در آن سعی شده فراوانی آذوقه را در آلمان ذکر نماید و یا مقاله (پاریس و توپهای مهیب آلمان) در آن درج گردیده.

از شماره ششم سال اول مورخ ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳ قمری عصر انقلاب هفته دو روز، یکشنبه و چهارشنبه منتشر گردیده و سر مقاله این شماره بعنوان (آه-آه) که ایرانیان در نظر بلژیکها چقدر بی حس بقلم رفته اند) در یک صفحه نوشته شده است. ار شماره ۱۶ سال اول مدیر و سر دبیر سیاسی (میرزا آقاخان همدانی) معرفی و اسم دبیر خلوت از عنوان روزنامه حذف شده است. عصر انقلاب در مطابع مختلف سربی از قبیل مطبعه برادران باقرزاده و مطبعه ایران طبع گردیده و مدتی هم محل اداره آن

بغیابان علاء الدوله منتقل شده است .

پس از انتشار شماره ۲۹ سال اول عصر انقلاب مورخ چهارشنبه ۱۸ رجب ۱۳۳۳ قمری که سر مقاله آن تحت عنوان (اسلام و وضعیت کنونی دنیا - عثمانی و جنک) درج گردیده ، روزنامه مدتی توقیف و بعداً در تاریخ سه شنبه ۱۰ ذی قعدة ۱۳۳۳ بنام (عهد انقلاب) مجدداً منتشر شده است . از روزنامه عهد انقلاب بتفصیل در محل خود گفتگو خواهیم کرد . و اما علت توقیف عصر انقلاب حملاتی بوده که در روزنامه بکاینه عین - الدوله نموده و علناً با آن مخالفت کرده است . عین الدوله که معتقد بود روزنامه ها چه حقی دارند در سیاست دخالت کنند روزنامه را توقیف نمود . ولی مدیر روز نامه دست از مرام خود بر نداشت و هماغه که یاد آور شدیم پس از چندماه روزنامه عهد انقلاب - را بجای آن منتشر نمود .

روزنامه عصر انقلاب پس از سی و سه سال خاموشی ، بهمت فرزندان مرحوم عبدالله فریار و تحت نظر هیئت تحریریه ، در تاریخ شنبه ۲۲ تیر ۱۳۲۵ شمسی مجدداً منتشر گردید . سر مقاله این شماره که از آن بتفصیل در ذیل کتاب گفتگو خواهیم کرد تحت عنوان (پس از سی و سه سال) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد : « پس از سی و سه سال خاموشی و سکوت اینک عصر انقلاب بار دیگر منتشر میشود . جای تأکید و تکرار نیست که ما نیر مانند همه همکاران و هم میهنان خود طالب استقلال و عظمت و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور عزیز خود میباشیم »

در همین شماره شرح حال مرحوم میرزا آقاخان عصر انقلاب را بدینقسم نوشته است :
میرزا آقاخان عصر انقلاب - کسانیکه سنین عمرشان از پنجاه گذشته و در - جوانی با عالم سیاست و مطبوعات سروکاری داشته اند از شنیدن نام عصر انقلاب در عین حال دو خاطره در ذهنشان رنده میشود . اول شخصی بارز و قیافه ای نجیب و محبوب نشان علوهیت و پاك طینت را دردی که يك عمر فداکاری و مبارزه در راه آزادیخواهی را با شرافت و سربلندی پایان رسانیده و یاد خود را در دل دوستان و هوا خواهان با افسوس و تأثر برجای نهاده است . دوم يك روز نامه آزادیخواه و انقلابی که هدفی جز رهبری افکار و دریدن پرده های سالوس و فریب ارقیافه اهریمن ارتجاع و استعمار یعنی دشمن دیرین ایران و عالم بشریت نداشته و در این حیث آئینه تمام نمانی از ایده آل آزادیخواهان و روشن فکران پر شور عصر سراسر انقلاب صدر مشروطیت و در عین حال شاهد صادقی از طرز فکر و درجه بصیرت و نازک بینی صاحب آن در مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است . مرحوم عصر انقلاب (میرزا آقاخان فریار) در عمر خود هرگز ماسکی بصورت نگذاشت و ارمین رو دوستان و طرفداران و آشنایان برویه و عقاید او تا پایان عمرش در قیافه حقیقی و باطنی او تغییری مشاهده نکردند .

عصر انقلاب عمری را در راه وصول به هدف عالی خود یعنی آزادی برای ایران با فداکاری و مبارزه پایان رسانید . او جوانی خود را در این راه با جس و شکنجه و نفی بلد گذرانید ولی این موانع را کوچکتر از آن میدانست که از هدف بزرگ و عالی خود

روی برتابد. در بستر بیماری و حتی در روزهای پایان زندگی خود فرزندان و دوستانش را بشهادت و فداکاری در راه حصول آزادی و مبارزه بر علیه جهل و خرافات و کهنه پرستی و نکبتهای دیگری که مولود ارتجاع است تشویق و ترغیب مینمود. مرحوم فریار در سی سال پیش دوره اول عصر انقلاب را منتشر نمود و با آنکه توقیفهای پی در پی مانع از ادامه انتشار نامه مربور گردید چهل و یک شماره آن که آندوره را تشکیل میدهد برای نشان دادن امال و افکار وی شاهدی صادق میباشد. (هما قسم که یادآور شد یم تعدادی از شماره های مذکور بنام عصر انقلاب و بقیه با اسم عهد انقلاب منتشر شده است. مولف.)

در دوره های پنجم و ششم تقنینیه مرحوم فریار از اردبیل و خلخال بنمایندهای مجلس انتخاب شد و غیر از آن نیز همواره دارای مشاغل عدیده بوده و زندگانی وی پر از مبارزات آراد یخواهانه میباشد و از آن جمله خدمات ملی وی را در جنگ جهانی اول و ایام مهاجرت اجباری باستانبول باید بشمار آورد. در ۱۳۱۸ شمسی شایده بنا بقضیات سیاسی (با آنکه علت مزاج مانع از فعالیت سیاسی وی بود) مرحوم فریار در سمت ریاست اداره راه اصفهان مأمور آن سامان نمودند و مدت شش سال در آنجا بود تا اینکه بنا به تقاضای خود بتهران مراجعت و در پست مدیر کلی وزارت راه پس از کسالت ممتدی در ۱۳۲۴ سن شصت و چهار بدوود حیات گفت. و نگارنده را با مرحوم فریار هنگامیکه رئیس اداره راه اصفهان بود اتفاق ملاقات دست داد. خیلی میل داشت شرح حال خود را برای چاپ در کتاب تاریخ جراید مرقوم دارد ولی موفق نگردید.

(۸۰۰) عصر تمدن

روزنامه عصر تمدن در طهران بمدیرى و مؤسسى (میرزا مهدیخان ساعی) تأسیس و در سال ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در هشت صفحه بقطع و ربرى بزرگ در مطبعه سربى (روشنائی) طبع و در تاریخ شنبه ۱۳ شعبان المعظم ۱۳۴۱ قمری مطابق ۱۰ حمل ۱۳۰۲ شمسی و ۳۰ مارس ۱۹۲۳ میلادی توزیع گردیده. محل اداره روزنامه: طهران. لاله رار. قیمت اشتراك آن: سالیانه پنج تومان. شش ماهه سه تومان. تك نمره شش شاهی است. فهرست مندرجات هر شماره در ابتدای صفحه اول درج شده و من جمله فهرست مطالب شماره اول بدینقرار است: ستایش - مرام ما ترانه عارف - عصر تمدن - مسائل جاریه - گذارشات خارجه - ادبیات - مقالات وارده مطبوعات خارجه - اعلان.

سر مقاله شماره اول و یا مقاله افتتاحی روزنامه پس از ستایش و نیایش الهی بعنوان (مرام ما) بدینقسم شروع میشود: «ما میخواستیم دستگاه زندگانی و اسباب و علل برتری و بهتری ملل را قیه و معنی و مفهوم تمدن عصر حاضر را شرح و تفسیر نموده...» پس از این مقاله مسائل جاریه داخلی و بعد گذارشات ایران و خارجه چاپ شده است. شماره دوم روزنامه در تاریخ ۱۷ حمل ۱۳۰۲ منتشر شده و در آن مردم را بانتهاب

سید ضیاء الدین تشویق نموده است . از شماره سوم پاورقی روزنامه بعنوان (مسافرت در فضای آسمان با کشتی هوایی) درج شده. در این پاورقی شرح مسافرت سه نفر انگلیسی از طرف مشرق افریقا بطرف مغرب آن ، برای کشف اراضی مجهوله ، بیان گردیده است . پاورقی مذکور ترجمه آقای عین الملک (که در آن ایام ژنرال قنصل ایران در فلسطین و شامات بوده) میباشد . از مندرجات عصر تمدن اشعار است که در آن درج شده این روزنامه یکی از روزنامه های خوب و مفید بوده است و از آن نگارنده فعلا تا شماره هشتم مورخ جمعه ۲۹ شوال مطابق ۱۵ جوزای ۱۳۰۲ را در دست دارم سرمقاله این شماره باین عنوان است : «افتضاح در پی افتتاح - مدرسه و نصرت اللوله و کمپانی بدار آنکه بمنفعت مبادی خارجی نتوانستند بانواع دسیه و گربه رقصانی ...»

(۸۰۱) عصر پهلوی

روزنامه عصر پهلوی در شهر اصفهان بدیری (مؤید الشریعه کیلانی) بطور هفتگی تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است . عصر پهلوی پس از توقیف روزنامه کاشف اسرار (از این روزنامه در حرف کاف کتاب بتغییل گفتگو خواهیم کرد .) منتشر گردیده و ظاهراً بیش از چند شماره منتشر نشده و مدیر آن عزیمت بتهران نموده است . در شماره اول و دوم سال دوم مجله صحت منطبه اصفهان مورخ فروردین واردیبهشت ۱۳۰۴ شمسی تحت عنوان (غزل خدا حافظی) اینطور نوشته است :

« پس از ده سال توقف در اصفهان بخدمتگذاری این مرز و بوم اکنون برای اقامت بطرف مرکز رهپارم البته منقذات و صدمات و مصائب گونا گونی که در این مدت ده سال تحمل نموده ام اظهارش از توضیح واضحات است . اهالی اصفهان اگر من از میان شما میروم احساسات پاک شما را که همه موقع پشتیبان من بوده بیادگار میبرم در خانه از آقایان عظام و دوستان گرام معذرت خواسته که برای عارضه کسالت نتوانستم جهت خدا حافظی شرفیابی حاصل نمایم . مدیر عصر پهلوی - مؤید کیلانی . »
مرحوم ابوالقاسم پروردین ملقب بمؤید الشریعه کیلانی علاوه بر روزنامه عصر پهلوی ، روزنامه های کاشف اسرار و لوای اسلام را در اصفهان منتشر نموده است .

(۸۰۲) عصر پهلوی

مجله عصر پهلوی در قاهره مصر بزبان فارسی بدیری و مؤسی (عبدالله رازی لیسانیه در حقوق) تأسیس و شماره سوم سال چهارم آن در فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی در هفتاد صفحه بقطع خشتی منتشر گردیده است . مجله عصر پهلوی قبلا بنامهای رستاخیز و سودمند منتشر شده و در سال چهارم با اسم عصر پهلوی نشر یافته است . از مجلات رستاخیز و سودمند در محل های خود گفتگو کرده ایم .

عصر پهلوی مجله ایست ادبی ، سیاسی و اجتماعی و مندرجات آن که تحت عناوین قسمت سیاسی ، قسمت اجتماعی ، خوشه چینی و فلسفه و اخلاق آورده شده عبارت است از

مقالات سیاسی راجع باوضاع ایران و بطور کلی ممالک مشرق زمین و مطالب متنوع علمی و اخلاقی و گاهی اشعاری نیز بزبان فارسی در آن درج شده است . در همین شماره نمونه بعنوان (نوروز) اشعاری چاپ شده کہ بمدح اعلیحضرت رضا شاه پهلوی خاتمه پیدا میکند . دیگر از مندرجات مجله اخبار کشور است . از مزایای مجله تصاویر مختلف است کہ از مخترعین و رجال نامی گراور شده و من جمله تصویر اعلیحضرت شاه فقید میباشد کہ در زیر آن نوشته (بهار معنوی یا گلزار آمل ملت ایران) این مجله از حیث طبع و کاغذ چندان مرغوب نیست و قیمت اشتراک آن در ایران ۱۵ ریال . در خارج نیم لیره انگلیسی . عنوان مجله : صندوق البوسه . مصر . الزاهره .

(۸۰۳) عصر جدید

روزنامه عصر جدید در شهر مشهد بمدیریت و مؤسسی (سید حسن الموسوی) تأسیس و با چاپ سنگی و بخط نسخ درشت در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . شماره دوم این روزنامه در تاریخ ۲۳ ربیع الاول و شماره ۱۸ آن در تاریخ ۱۶ ذی قعدہ ۱۳۲۸ قمری توزیع گردیده . هر شماره عصر جدید در چهار تا هشت صفحه و هر صفحه آن بقطع ۱۳ در ۷ اینچ است . وجه اشتراک روزنامه در مشهد سالیانه ۱۶ قران ، در سایر شهرستانهای ایران ۲۰ قران و در خارج ایران ۲۵ قران است .

(۸۰۴) عصر جدید

روزنامه عصر جدید در طهران بطور هفتگی در تحت نظر و مدیریت (عبدالحمید خان متین‌الطنه) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ شبہ ۱۲ ذی القعدہ ۱۳۳۲ قمری مطابق ۳ اکتبر ۱۹۱۴ میلادی توزیع شده است . خصوصیات عصر جدید بر خلاف روزنامه های معمولی آن زمان در عنوان روزنامه چاپ نشده و ار محل اداره و مرام و مسلک روزنامه و قیمت اشتراک در بالای صفحه اول ذکر نگردیده و تمام این خصوصیات در خلال صفحات روزنامه نوشته شده است . و بلکه در عنوان هر شماره اسم روزنامه (عصر جدید) بخط نسخ و اسم مدیر روزنامه و فهرست مندرجات طبع گردیده است . عصر جدید معمولاً در ۱۲ صفحه بقطع وزیری بزرگ در مطبعه سربی (مطبعه ایران - لاله زار) طبع شده و مندرجات آن بیشتر اخبار مربوط بوقایع جنگ بین الملل و ذکر فتوحات متفقین و متحدین است . برای اطلاع از مندرجات روزنامه فهرست مطالب شماره اول را نقل مینمائیم : یادداشت هفته - نمایندگان دارالشورای ملی - وضعیت بازار تهران - پایتخت دربار هیونی - اطلاعات خارجه - بعد از چهارده سال روابط آلمان و اطیش قبل ارجنک - انهدام شهر لوون - محاکمه مادام کایو - آلمانها چگونه وارد بروکسل شدند - سرعت حرکت قشون آلمان و شعبه مطبوعات - محاکمه مادام کایو - کامنتا تالیف جدید هلیگلاند - آخرین اخبار - برخلاف تمام جراید که در شماره اول مقاله افتتاحی روزنامه را بذکر خط مشی

ومرام سیاسی خود اختصاص میدهند در این روزنامه بموض این قبیل مقاله تحت عنوان (یادداشت هفته) مقاله راجع بجنک بین الملل نوشته است . مقاله مذکور بدینقسم شروع میشود : « با اطلاعات ناقصی که از منابع مختلف المنافع آنهم پس ارحک و اصلاح چند از وقایع جنک بین الملل بایران میرسد خیلی مشکل است که وضعیت میدانهای جنک را از روی صحت و یقین دانست . همینقدر معلوم است که قوای آلمان »

در صفحه ششم شماره اول بازاسم روزنامه بخط نستعلیق ودر ربر آن محل اداره و تاریخ انتشار روزنامه چاپ شده است : « طهران . خیابان علاءالدوله . آدرس تلگرافی (عصر جدید) . طهران . تلفن ۲۲۴ . ۱۲ . ذی قعدہ ۱۳۳۲ مطابق ۳ اکتبر ۱۹۱۴ . » در همین صفحه مقاله تحت عنوان (بعد از چهارده سال) درج شده که خلاصه آن چنین است : در چهارده سال قبل نویسنده عصر جدید جریده مظفری را در بوشهر تأسیس نمود و پس از چندی بمدیر حالیه آن که نمیدانم اکنون در کجاست وا گذار نمود . از آنوقت تابحال سبک روزنامه نویسی در ایران تغییر کرده وهما تقسم که ادبیات سبک نوی پیدا کرده روزنامه نیز تغییراتی پیدا نموده سپس مدیر روزنامه شرحی راجع بسبک روزنامه نگاری در ایران قدیم ومقایسه آن بارورنامه های فعلی نوشته واضافه میکند که مدیر روزنامه باید غرض ونظر خاصی نداشته باشد وضماً از تمام امور با اطلاع باشد تا بتواند اظهار نظر کند ومردم باو اطمینان داشته باشند . درخاتمه مینویسد : « پس صرف نظر از قانون مطبوعات که حدودی از برای او تعیین کرده یانکره باشد اول تکلیف روزنامه نگار این است که در تمام آنچه مینویسد خ-ارا شاهد و ناظر بدانند وباهمین عقیده ومسلک است که بدون هیچگونه طرفداری از اشخاص یا احزاب ماشروع بطبع این جریده میکنیم و از خداوند توفیق میخواستیم که بتوا نیم از عهده این تکلیف بزرگ برآئیم . »

شماره دوم عصر جدید در تاریخ شنبه ۱۹ ذیقعدہ ۱۳۳۲ بهمان سبک شماره اول منتشر شده وسر مقاله آن بعنوان (یادداشت هفته) است . در شماره ششم فرمان بیطرفی ایران در جنک بین الملل اول بضمیمه شمال احمد شاه ونیز دستوری از طرف وزارت معارف خطاب بمدیران جراید در این زمینه چاپ شده است .

عصر جدید روزنامه ایست سیاسی ، اخباری واخلاقی و ادبی و چون مرتباً هفته یکبار منتشر میشده ، در نوع خود کمتر نظیر دارد . نویسندگان روزنامه علاوه بر متین السلطنه ، مدیر روزنامه آقاییان (جعفر خامنه) و (افراسیاب آزاد) میباشد . در باورقی بعضی صفحات کتاب (کلید زندگی یا هزارو یک نصیحت : تألیف اعلم الدوله) چاپ شده است .

شماره ۴۱ سال اول در ۱۶ صفحه در تاریخ ۲۶ شعبان ۱۳۳۲ قمری طبع وتوزیع گردیده وچون نشر این شماره مصادف با جشن ولادت احمد شاه بوده ، تصویر شاه مذکور در صفحه اول چاپ شده است . ار شماره ۴۶ کتاب (مهر فرزندی تألیف رحمان نویس فرانسوی ادلف دانری) که آنرا حبیباله عین الملک ترجمه کرده ، بعنوان

پاورقی در صفحہ پنجم درج گردیدہ است . از شماره ۴۱ عصر حدید ہفتہ سہ شماره روزہای شنبہ ، سہ شنبہ و پنجشنبہ طبع و توزیع و نیز اسم روزنامہ بارنک قرمز چاپ شدہ و تعداد صفحات نیز بہ ۱۶ صفحہ ترقی کردہ است . از اینموقع شرایط اشتراک بدینقسم معین گردیدہ : طهران یکسالہ ۵۵ قران . ششماہہ ۳۰ قران . ولایات داخلہ ۶۰ قران . و ۳۵ قران و ممالک خارجہ ۸۰ و ۴۵ قران . از مزایائی کہ از این شماره بعد روزنامہ پیدا کردہ چاپ گراورہای کوچک مربوط بآلمانہا و وقایع جنگ میباشد . سال اول عصر حدید با انتشار شماره ۶۵ مورخ شنبہ سلخ شوال المکرم ۱۳۳۳ قمری خاتمہ پیدا نمودہ و شماره اول سال دوم آن باہمان سبک و روش و بہمان قطع سابق طبع و در تاریخ سہ شنبہ ۳ ذیقعدہ ۱۳۳۳ قمری منتشر شدہ است . در سال دوم عنوان یادداشت ہفتہ ، تبدیل بہ (یادداشت عصر حدید) و بخط قرمز چاپ شدہ است در این سال شماره صفحات بہ ۶ و ۸ تنزل نمودہ و در بعضی از شماره ہا گراورہ اشخاص بزرگ خارجی دیدہ میشود . ترجمہ دو کتاب رمان یکی (پھر فرزندی) ترجمہ عین - الملک و دیگری (مسخرہ درباری) ترجمہ اعلم الدولہ ، بصورت پاورقی طبع گردیدہ است از روزنامہ عصر حدید نگارندہ مجموعہ کاملی در دست دارم کہ بشمارہ ۱۰۴ سال دوم مورخ شنبہ ۸ شعبان ۱۳۳۴ قمری مطابق ۱۰ ژوئن ۱۹۱۴ خاتمہ پیدا میکند سرمقالہ شماره اخیر بعنوان (یادداشت عصر حدید - بزرگترین جنگ بحری) نوشتہ شدہ است . عصر حدید تاریخچہ کاملی از دوسال اول جنگ بین الملل اول است . آخرین شماره منتشرہ عصر حدید ، شماره نودونہم ارسال سیم بودہ و مرحوم متین السلطنہ مقالہ بعنوان (طوطی و طوطی قاضی) برای شماره صدم روزنامہ نوشتہ بود کہ یکساعت از شب گذشتہ بقتل رسید و روزنامہ عصر حدید خاتمہ یافت . این مقالہ را اعلم الدولہ تقفی برادر آن مرحوم در کتاب صدو پنجاہ مقالہ نقل کردہ است . برای اطلاع از شرح احوال متین السلطنہ رجوع شود بحرف ، ط کتاب کلمہ طلوع .

(۸۰۵) عصر جوان

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامہ عصر جوان در تبریز بمدیری (آقامیرزا رحیم خان) از تصویب شورابعالی معارف گذشتہ است .

(۸۰۶) عصر حدید

روزنامہ عصر حدید در طهران تأسیس و منتشر شدہ و پس از توقیف طولانی مجدداً در سنبلہ ۱۳۰۱ شمسی منتشر گردیدہ است . روزنامہ طوفان در شماره ۷ سال دوم مورخ ۲۸ سنبلہ ۱۳۰۱ شمسی در بارہ تجدید انتشار عصر حدید مینویسد : روزنامہ عصر حدید پس از توقیف طولانی روز شنبہ با مهمترین نسبت جاسوس معروف آلمانی واسپوتین منتشر میشود . نگارندہ بیش از آنچه مذکور شد از این روزنامہ اطلاعی ندارم .

(۸۰۷) عصر منظر دید

مجله عصر حدید که در حرف (ر) این کتاب بعنوان مجله راهنمای تجارتی ایران ار آن شرحی داده شده چون از شماره ۶۷ مورخ آذر ۱۳۰۸ شمسی تنها بنام (عصر حدید) انتشار یافته، مانیز ار آن بعنوان علیحده گفتگو مینمائیم. بنابراین مجله عصر حدید که در ابتدا بنام راهنمای تجارتی ایران بمدیری آقای (فرخ دین پارسا) منتشر میشده، در آذر ۱۳۰۸ شمسی در طهران انتشار یافته است. این تغییر اسم و جدا شدن امور مجله از اطاق تجارت طهران در اثر اختلافی بوده که بین مدیر مجله و اطاق تجارت طهران رخ داده و برای روشن شدن موضوع بهتر آنستکه آنچه در این ساره تحت عنوان (عصر حدید و اطاق تجارت) نوشته عینا نقل نمائیم:

«عصر حدید و اطاق تجارت طهران - البته تغییر روش عصر جدید و انتشار مجله ای شبیه بان با اسم اطاق تجارت ایجاب میکرد که پیش آمدهای نسبت باین موضوع با اطلاع قارئین برسد ولی از آنجا که عصر حدید همیشه پیرو حفظ نزاکت و متانت شخصی بوده است هیچ در این باب ننوشت و اگر ادب و احترام نسبت بمشترکین و خوانندگان عصر جدید که سئولاتی در این باب مینمایند نبود حال هم چیزی نینگاشت اینک خلاصه زندگانی دوره جدید عصر حدید - یعنی دوره عضویت اطاق تجارت - با اطلاع آقایان میرسد: موقع تصمیم بانشار عصر حدید بعضی از آقایان منور الفکر اطاق تجارت طهران پیشنهاد نمودند که این مجله خود را ارگان رسمی اطاق تجارت قرار دهد و در مقابل آنها هم کمکهای از حیث تکثیر انتشار باین مجله بنمایند. این وعده البته برای تجدید حیات یک مجله مفتنم و قابل قبول بود و این اداره هم بقبول آن تن در داد ولی متأسفانه باید اذعان شود که نه تنها از طرف اطاق تجارت طهران ایفای بعهده نشد بلکه آزادی کارکنان این اداره هم سلب گردید زیرا در هر موضوعی کارکنان این اداره بایستی تابع ومدافع نظریات بی فلسفه اطاق تجارت طهران واقع شوند... در مرداد ماه جاری یکی از جراید مرکزی توجه نظری باطاق تجارت طهران کرده گوشه از پرده این صحنه را بالا برد و صحیح یا سقیم صحنه خیلی بدمنظری را نمایش داده که کارکنان این اداره را وادار نمود برای حفظ حیثیت خود خویش را کنار کشید که لااقل خرد را بازی کننده این صحنه که جریده مذکور نمایش داد شناساند لهذا در تاریخ اول مرداد ۱۳۰۸ که مصادف با انتشارات جریده مذکور بود موقع را برای کناره گیری مقتضی شمرده و تحت نمره ۴۵۲ استعفاء خویش را با کتمان علل آن که متانت و حفظ ادب ایجاب میکرد باطاق تجارت طهران تقدیم نمود. این بود خلاصه تاریخچه گذشته عصر حدید و بر آن چیزی افزوده نمیشود و احتمال می رود همین مختصر برای جوابگویی آقایانیکه کتابها و سئولاتی در این باب مینمایند کافی باشد. امید است عصر حدید در خدمت جدیدیکه عهده دار شده و دارای آزادی کامل است با مساعدت آقایان علاقمندان موققت حاصل کرده و نسبت بتمت فلاح

و صنعت که مقدمه امور تجارت است دستورات سودمندی تقدیم اشخاص ذی علاقه نماید که جبران قصور غیر اختیاری گذشته شده باشد . «

چنانچه از مقاله مذکور مفهوم میگردد عصر حدید خود را طرفدار فلاح و صنعت معرفی نموده است و از اینجهت روی جلد مجله عصر حدید را مجله ماهانه که (ارگان رسمی مجمع توسعه صنعتی و فلاحی ایران) مییاشد دانسته است . و در باره مندرجات مجله نوشته است : « مقالات اقتصادی ، صنعتی ، فلاحی و اجتماعی پذیرفته و بهر گونه ستوالی راجع بموضوعات فوق جواب کافی داده میشود . » و بهمین مناسبت از شماره اول که شماره ۶۷ است مقالاتی راجع به (تلویزیون) ، (پرورش گوساله) ، (تربیت کرم ابریشم) و پرسشهای گوناگون دیگر ، درج نموده است . قطع و شماره صفحات (۴۸ صفحه) و طرز چاپ و کاغذ مجله با سابق تفاوتی نکرده و نیز صفحات زیادی از اول و آخر مجله مخصوص درج اعلانات تجار و صنعتی است . قیمت اشتراک مجله : سالیانه در طهران و ولایات ۱۲ قران . خارجه دو دلار . تک نمره یکقران . قیمت اعلانات مانند سابق است . محل اداره : طهران . چهارراه حسن آباد . خیابان شاپور . در عنوان مجله عصر حدید نیز صاحب و مدیر (ف . پارسای) و مؤسس : (ن . نوری) معرفی شده . اگر بخوئیم خلاصه از دوران انتشار مجله را ضبط کنیم باید آور شویم که استدای تأسیس مجله دیماه ۱۳۰۶ بوده که بطور ماهیانه منتشر میشده و تا ۲۸ شماره مرتب منتشر گردیده و در اردیبهشت ۱۳۰۹ هفتگی شده و ۲۰ شماره هم تا ابان ۱۳۰۹ منتشر و بعد تعطیل گردیده است . مجله عصر حدید دارای مطالب سود مند است . در شماره ۱۰ مجله معارف مورخ تیرماه ۱۳۰۸ راجع بعصر حدید اینطور مینویسد :

« اشخاصیکه از جدیت آقایان نظام الدین

خان نوری و فرخ دین پارسای مطلع باشند میدانند اگر موانعی در کار نبود پیشرفت مجله عصر حدید و راهنمای تجار و ایرانیان در تحت مدیریت این دونفر وجود فعال چندین مقابل بیشتر از این میبود با وجود موانع بسیار یکسال مجله را با بهترین اسلوب که در ایران نظیر ندارد ادامه داده و موفق شدند سال دوم آنرا ادامه دهند . »

آقای فرخ دین پارسای - با اینکه شرح احوال آقای فرخ دین پارسای مختصراً در ذیل مجله راهنمای تجار و ایرانیان و مجله جهان زنان ذکر گردیده ، در اینجا نیز خلاصه از نامه که بعنوان (سرگذشت یا سر نوشت) خود ایشان نوشته اند نقل میگردد :



م فرخ دین پارسای در سال ۱۳۰۷ هجری قمری بدینا آمد، نه بسم مرا دید و نه من پدرم را. پدرم از نواده مرحوم ملا احمد نراقی طلبه ای بود که بطهران برای تحصیل آمد و در سن ۲۴ سالگی مادرم را که از خانواده های مستوفیهای تفرش و علویه بود بزنی گرفت. تربیت و تعلیم خود را مرهون شوهر مادرم (سرهنگ احمد خان معروف باسلامبولی) هستم. تحصیلات ابتدائی من در مدرسه افتتاحیه و شرف و ادب تهران بود سالی که بایست بدار القنون رفته و تحصیلات متوسطه را شروع کنم مادر بزرگم که مریبی من بود و با اصطلاح خودش (رجوع باصل) را برای من میخواست مرا بکربلا برد. در کربلا چندی بتحصیل مدمات عربی وقفه گذرانده و بعد به نجف رفته از محضر مرحومین یزدی و خراسانی استفاضه مینمود.

در سال ۱۳۲۵ قمری بتهران مراجعت و در این تاریخ سن ۱۸ سالگی رسیده بود ناپدریم برای آنکه مرا مرد زندگی کند دستور تهیه شفلی که اعاشه ام را تکافو نماید داد و من معلمی یکی از مدارس ابتدائی را یافته و مشغول شدم. در این مدرسه علاوه بر تدریس بتکمیل تحصیلات خود نزد مدیر مدرسه که از طلاب روشن فکر و قریب الاجتهاد بود میپرداختم و بنا بتوصیه مدیر مدرسه نامبرده در کمیته جهانگیر که برای اعاده مشروطیت فعالیت مینمود نام نویسی کرده و در ردیف مهاجرین در آمدم. پس از ورود مجاهدین بتهران و فرار محمدعلی میرزا در ردیف جمعی مجاهدین بسازمان شهربانی منتقل و در آنجا تعلیمات نظامی فراگرفتم ولی چون روح سلحشوری نداشتم با آنکه باخذ درجه نیز نائل گردیده بودم از این سازمان استعفا و پیروی از روح نویسندگی بسمت کارمند روزنامه (پلیس ایران) مشغول گردیدم. در این روزنامه که بعداً نام خود را (بارشاد) تبدیل نمود سمت مخبری داشته و چون از طرف مؤسس این روزنامه (مرحوم مؤیدالمالک فکری) تشویق میشدم گاهی هم مقالاتی در آن مینویشتم. در عین حال سمت خیر نگاری روزنامه های (نوبهار مشهد - راه نجات اصفهان - مظفری بوشهر - کمال همدان) را نیز عهده مینمودم. (پس از اینقسمت شرحی از ازدواج خود و تأسیس مجله جهان زنان بمدیریت خانم خود ذکر کرده تا میرسد با اینجا که در کابینه قوام السلطنه من و خانم باراک تبعید شدیم و وقتی بقم وارد شدیم احساس کردم که عزیمت ما عراق یا اراک خطرناک است زیرا گفتگوهای طهران در مجالس و مناظر (این گفتگوها مربوط بمقاله مندرج در مجله جهان زنان راجع بلروم تعلیم و تربیت زنان بوده است. مؤلف) دال بر تکفیر خانم من در قم هم منعکس و شخصاً در معرکه ای که در قبرستان قم گرفته بودند شنیدم که مدیر جهان زنان را در ردیف دشمنان خانواده رسول سب مینمایند! و چون در اراک هم چند نفری را باسم بهائی و سوزاندن قرآن مقتول ساخته بودند از رفتن باراک منصرف و در حوالی قم اقامت گزیدم و پس از چندی با سمت مفتش راه شوسه تهران - اراک دوباره وارد خدمت دولت گردیدم.

در سال ۱۳۰۵ بسمت رئیس حسابداری راه مازندران که شوسه شدن آن شروع شده بود عزیمت نموده در این ساموریت گرفتار شخصی مفروض شدم که ۱۸ ماه بی تکلیف

حرف عین بعده الصاد عصر دموکراسی، عصر سعادت، عصر عزت، عصر قدرت

مانده و بالاخره با صدور قرار مجرمیت آنشخص بجرم افترا دو باره بریاست دفتر ناحیه راه شوسه تهران منصوب گردیدم . این غرض ورزی و افترا روح مرا خسته و تصمیم قطعی گرفتم از خدمت دولت برکنار و شغل آزادی بیابم باین لحاظ با کمک مرحوم نظام الدین نوری مجله عصر حدید را دایر وارگسان اطاق تجارت تهران قرار داده و بطوریکه در فصل ۱۴۷ مربوط بمجله (اطاق تجارت) جلد اول تاریخ جراید و مجلات ایران مرقوم داشته از ست ارگانی اطاق تجارت کناره گیری و مجله را در آغاز ماهانه و سپس هفتگی منتشر کرد .

این تبعید چهل روز طول کشید و با شرط اینکه دنبال خدمت دو لثی بروم و روزنامه نویسی را کنار بگذارم آزاد و بتهران آمده و در وزارت اقتصاد ملی بخدمت مشغول گردیدم . از بعد از شهریور ۱۳۲۰ که موقع جولان نویسندگی بود خوشبختانه دوره رکود زندگی من شروع و چون قادر نبودم همرنگ جماعت شده و مقالاتی بنویسم که مغلوطی از انتقادات مستهجن و عبارات دور از ادب و اخلاق باشد کمتر بمطبوعات خدمت نمودم فقط دوبار چند ماهی از نظر التزام اخلاقی که نسبت با آقای شیروانی مدیر محترم روزنامه میهن داشتم در غیاب ایشان و در موقع قدرت یا اشتمل متجاسرین آذربایجان روزنامه میهن را اداره میکردم . پس از این قسمت آقای فرخ دین بارسا شرح مأموریت اصفهان و تحریکاتی که در این شهر بر علیه او شده و عاقبت زندانی گردیده نوشته و مقاله خود را خانه داده است .

(۸۰۸) عصر دموکراسی

روزنامه بنام عصر دموکراسی در طهران تأسیس و منتشر شده ولی نگارنده از تاریخ انتشار این روزنامه اطلاعی ندارم .

(۸۰۹) عصر سعادت

روزنامه عصر سعادت در سال ۱۲۹۵ شمسی در شهر رشت بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۸۱۰) عصر عزت

روزنامه عصر عزت در تهران بدبیری (میرزا ابوالفضل ساوجی) در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز آن از تصویب شورایعالی معارف گذشته و ببدأ بطور هفتگی منتشر شده است .

(۸۱۱) عصر قدرت

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه عصر قدرت در طهران بدبیری (دکتر کاظم خان وزیر) از تصویب شورایعالی معارف گذشته و در همین سال بطور هفتگی منتشر شده است .

(۸۱۲) عصر نو

روزنامہ عصر نو در طهران یکمربتہ در سال ۱۳۰۱ شمسی تاسیس و بطور ہفتگی منتشر شدہ و بار دیگر در سال ۱۳۰۳ شمسی بنحو مذکور انتشار یافتہ است .

(۸۱۳) عصر نہضت

شمارہ اول روزنامہ عصر نہضت بصاحب امتیازی (ع . سدید) و مدیر مسئولی (ح . قربانی) روی یکورق بزرک طبع و در تاریخ یکشنبہ ۱۹ رمضان مطابق ۱۵ نور ۱۳۰۲ شمسی منتشر شدہ است . مقالہ افتتاحی عصر نہضت بدینقسم شروع میگردد :

« بنام خدا ! اگر چہ در طلبیمہ این نامہ ملی مشروحاً عقیدہ و مرام خود را بیان نمودیم ولی در این موقع کہ بنام خدای تعالی اولین قدم را در میدان مطبوعات می گذاریم بیمورد نیست کہ یک یاد آوری دیگری ۵۰۰۰۰ شماره اول سال دوم عصر نہضت بصاحب امتیازی (مظفرالمالک) و مدیر مسئولی (حسین قربانی) تاسیس و روی یک ورق بزرک چاپ و در تاریخ سہ شنبہ ۲۷ شعبان ۱۳۴۲ مطابق ۱۳ حمل ۱۳۰۲ منتشر گردیدہ . در اول صفحہ این شمارہ تحت عنوان (تأسف و معذرت) اینطور نوشتہ است : « چون روزنامہ کوچک ما فقط باوجہ آہونہ و مساعدت مشترکین ادارہ میشود متأسفانہ در نتیجہ عدم توجہ آقایان و نرسیدن رجوع اشتراک یک مدت متمادی در مضیقہ افتادہ انتشار نیافت اینک از این تأخیر معذرت میخواہیم امیدواریم در آتیہ جبران ماسبق بشود . »

سرمقالہ این شمارہ بعنوان (از احمد میرزا دفاع میکنند) و در آن از سردار سپہ طرفداری نمودہ است . صفحہ دوم مشتمل بر تلگرافات و اخبار داخلہ و خارجہ میباشد . طرز انتشار روزنامہ ہفتگی بودہ و محل ادارہ خیابان ناصر یہ معین شدہ است . شمارہ ۲ سال دوم عصر نہضت روی یک ورق بزرک با چاپ سربی در مطبعہ بوسفور (شعبہ ۲) چاپ و در تاریخ غرہ ذیحجہ الحرام مطابق ۱۳ برج سرطان ۱۳۰۳ شمسی منتشر شدہ است . عنوان تلگرافی : عصر نہضت . محل ادارہ : مسجد سراج الملک کوچہ وقفی . نمرہ ۲ عجالتاً ہفتہ دوشمارہ شنبہ و دو شنبہ توزیع میشود . تمام مطالب باسم مدیر ادارہ است . اشتراک سالیانہ طهران شش تومان . داخلہ ۷ تومان . خارجہ ۸ تومان . تک نمرہ ۵ شاهی . اعلان بدون استثنا سطری یک قران . در زیر اسم روزنامہ کہ با خط نستعلیق درشت نوشتہ شدہ سال تاسیس (۱۳۴۱) درج است . مقالہ افتتاحی این شمارہ بعنوان (امروز چہ باید کرد ؟) نوشتہ شدہ و پس از آن مقالات و نامہ های مختلف چاپ شدہ است . از روزنامہ عصر نہضت فعلاً تا شمارہ ۶ سال دوم مورخ ۱۶ ذیحجہ الحرام مطابق ۲۸ برج سرطان ۱۳۰۳ در دست است .

(۸۱۴) عطارد

روزنامہ عطارد در سال ۱۲۹۲ شمسی در طهران بطور ہفتگی و مصور تاسیس و منتشر شدہ است .

(۸۱۵) عظمت اسلام

روزنامه عظمت اسلام بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (عبدالحمید خان مشرقی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در چهار صفحه با کاغذ خوب و چاپ مرغوب در مطبعه سربی برادران باقر زاده طبع و در تاریخ سه شنبه ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۷ برج عقرب ۱۳۰۲ انتشار یافته است.

در عنوان شماره اول عظمت اسلام بدینقسم معرفی شده است: «این جریده در فلسفه احکام و عظمت اسلام و اتحاد مسلمین روی زمین بحث مینماید و برای توحید افکار مسلمانان عالم و شناسائی ملل سلام باهم سعی میکند و از عموم دانشمندان و علماء اعلام و نویسندگان اسلام استمداد میطلبد و در شماره دوم صورت سلاطین و زمامداران و بزرگان ممالک اسلامی را گراور نموده و بطرز بسیار عالی برای شناسائی مسلمانان عالم باهم انتشار میدهد و بطور اختصار مسائل تاریخی و فلسفه اجتماعی و اخبار مهمه داخله و خارجه و وقایع مهمه ممالک اسلامی و ادبیات و کلمات بزرگان اسلام نگاشته میشود.» بهمین منظور شعار روزنامه این دو جمله که یکی بالای اسم روزنامه و دیگری زیر آن چاپ قرار داده شده است: «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه.» و «وا تصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا.»

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (مرام - آرزوی ما) بدینقسم شروع میگردد: «روزنامه عظمت اسلام بطوریکه از اسم آن آشکار است مندرجاتش بیشتر راجع بترقی و تعالی عالم اسلام خواهد بود...» شماره دوم روزنامه که عکس و لیعهد ایران محمد حسن قاجار در صفحه اول آن چاپ شده در تاریخ سه شنبه ۱۸ ربیع الثانی مطابق ۵ برج قوس ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده. در شماره سوم تصویر سردار سپه رئیس الوزراء ایران طبع گردیده و در این شماره متجاوز از سه صفحه عملیات مفید سردار سپه شرح داده شده است. در شماره چهارم اولین منظره از نمایش عظمت قشون ایران در میدان مشق طهران دیده میشود و در آن بار از سردار سپه تمجید شده است در شماره پنجم علاوه بر صاحب امتیاز (مشرقی) نام مؤسس و سردبیر روزنامه آقای عادل السلطان خلعت بری نیز در عنوان روزنامه اضافه شده است.

جای اداره روزنامه: خیابان ناصریه و کالتخانه مجله بزرگ (صنایع آلمان و شرق). عنوان تلگرافی عظمت اسلام. قیمت اشتراک سالیانه ۵۰ قران. ولایات و خارجه با اضافه تبر پست. قیمت تک نمره ده شاهی. از روزنامه عظمت اسلام فعلاً تا شماره پنجم مورخ ۲۴ برج سرطان ۱۳۰۲ در دست است.

(۸۱۶) عظمت ایران

روزنامه عظمت ایران در سال ۱۳۰۳ شمسی هفته دو بار در طهران منتشر شده است.

(۸۱۷) عظمت شرق

روزنامه عظمت شرق در سال ۱۳۰۳ شمسی در طهران بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۸۱۸) علم آموز

روزنامه علم آموز در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران منتشر شده است (صفحه ۱۱۹ تاریخ مطبوعات و شعر فارسی برون)

(۸۱۹) علم و اخلاق

مجله علم و اخلاق بصاحب امتیازی (حبیب الله امور کار) و مدیری (سید محمد حجت) در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی مطابق سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است . شماره اول این مجله در برج دلو سال ۱۲۹۹ انتشار یافته و مجله مذکور نشریه (جمعیت تلم و اخلاق) چنانچه روی جلد مجله معرفی شده ، بوده است . مجله علم و اخلاق معمولاً در ۳۲ صفحه بقطع کوچک در مطبعه سری (طهران) واقع در خیابان لاله زار طبع و بطور ماهیانه منتشر میشده است .

وجه اشتراك مجله بالایانه در طهران دو تومان و ششماهه ۱۲ قران و در ولایات اجرت پست اضافه میشده . قیمت تک نمره سی شاهی است . محل اداره : طهران . بازار مدرسه حسینی نمره ۲۲ جنب منزل آقای سید محمد حجت . محل تکفروشی : خیابان ناصریه . کتابخانه گنج دانش . حسن آباد . دارو خانه جاوید .

مندرجات علم و اخلاق بیشتر مطالب مربوط باخلاق و بمنظور اشاعه علوم اخلاقی و تهذیب اخلاق محصلین و جوانان تحریر میشده است . برای مزید اطلاع خوانندگان از مندرجات مجله قسمتی از فهرست مطالب شماره دوم و چهارم سال اول آنرا با ذکر اسامی نویسندگان آنها ذیلاً نقل مینمائیم .

تربیت در مدارس فرانسوی (ب . س) برهنه خوشحال . (ع . قویم) علل ترقی و تنزل ملل (س . م . ی) حفظ الصحه (حکیم السلطنه) مسابقه ادبی : نمونه از ادبیات منشوره (انتصار العلماء) . سخنان برگزیده . (ع . قویم) ادبیات منشوره (لمی . پرتو) **آقای حبیب الله آموزگار** - آقای حبیب الله آموزگار در سال ۱۲۶۹ شمسی در قصبه اصطهبانات فارس متولد و بسن ۱۲ سالگی در شیراز بتحصیل مشغول و در سنه ۱۳۲۸ قمری بطهران آمده و بتکمیل کمالات اشتغال ورزیده است . سپس در جرگه مطبوعات وارد بدواً بر دبیری روزنامه نیم رسمی آفتاب و بعد بر دبیری روزنامه (صدای ایران) و مدیری مجله های (رهنا) و (علم و اخلاق) برقرار بوده و اینک هم صاحب امتیاز روزنامه (جهان آینده) میباشد . بعد بخدمات فرهنگی داخل شده و بدواً بریاست مدرسه دولتی ادب و پس از آن بریاست معارف فارس و ریاست تعلیمات ولایات

منسوب و کتب درسی چندی در اینمدت تألیف کرده اند پس از انحلال عدلیه در رمان مرحوم داور بوزارت دادگستری منتقل و مشاغل مختلفی را از عضویت استیناف و ثبت کل و بازرسی قضائی و دادبازی و بازرسی عالی تمیز را عهده دار بوده و اینک مستشار دیوان کشور میباشند. (شماره ۹-۱۰ سال سوم مجله آینده). کتبی که تا کنون از آقای آموزگار طبع و توزیع گردیده از اینقرار است : ۱- کتاب اصلاحات اجتماعی - این کتاب در سال ۱۳۰۷ بوسیله روزنامه اطلاعات در ۴۸۲ صفحه کوچک چاپ شده و مطالب آن راجع بفساد اجتماعی ما و علاج آن میباشد. ۲- زن در جامعه - این کتاب در سال ۱۳۱۰ بوسیله روزنامه اطلاعات در مطبعه سیروس در ۳۰۸ صفحه کوچک طبع شده و محتویات راجع باهمیت وجود زن در جامعه - خلقت جسمانی زن - وظیفه حیاتی زن میباشد .

۳- رهنمای تربیت یا اصول تعلیم ترجمه و تألیف حبیب الله آموزگار - این کتاب در سال ۱۳۰۱ در مطبعه روشنائی در ۲۴۸ صفحه پستی چاپ شده و مطالب عمده آن عبارتست از : تربیت - نظام مدرسه - اصول تعلیم - متفرعات تدریس - طرق تدریس مواد. ۴- عالم ارواح - تلخیص و ترجمه آموزگار از کتاب الارواح طنطاوی . این کتاب در سال ۱۳۰۷ در مطبعه سیروس در ۲۹۲ صفحه کوچک طبع شده است . ۵- منطق آموزگار - این کتاب در سال ۱۳۰۱ در مطبعه فاروس در ۷۳ صفحه پستی طبع شده است .

درحین تحریر این یادداشت آقای آموزگار عضو کمیونی است که از طرف اعلیحضرت همایونی مأمور تقسیم املاک موقوفه پهلوی بین رعایا و کشاوران گردیده است . نامبرده از فضلا و دانشمندان مشهور و از فضات میرزا ایران بشمار میرود آقای آموزگار علاوه بر کتبی که نامبردیم یکدوره نحو و صرف معروف به صرف آموزگار ، در چهارجلد برای مدارس تألیف نموده و کراراً بطبع رسیده است .

(۸۲۰) علم و تربیت

مجله علم و تربیت در شهر شیراز بدبیری (آقای میرزا حسین خان پرتو نویسنده روزنامه اتحاد اسلام و ملت) تأسیس و در سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است . شماره اول مجله علم و تربیت بقلم (ح . پرتو) دیر جریده هفتگی فارس شیراز در ۳۲ صفحه بقطع کوچک با چاپ سنگی طبع و در تاریخ غره معرم الحرام ۱۳۳۹ مطابق ۱۵ ستمبر ۱۹۲۰ میلادی و ۲۳ سنبله ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته . قیمت اشتراك سالیانه سلفاً ۳۶ قران است .

مقاله افتتاحی مجله بدینقرار است : « بسم الله الرحمن الرحيم . هست کلید در گنج حکیم . علم و تربیت . تمهید . علم عبارت از پرورش عقل و مدارک بوسیله کشف حقایق و رموز عالم و تربیت پرورش و حسن استعمال معلومات آدم است . علم عقل و دماغ انسان رانورانی میسارد و تربیت ویرا بانور علم برآه راست میبرد ملك نگارش این

مجله ادخال علم و تربیت اروپائیان است در يك سلسله از لكتور (قرائت) های ساده که برای قارئین غیر آشنای با اصطلاحات فنی فهم آن آسان باشد و در هر جا صحبت از علوم عالی و صنایع و اختراعات گردد اصطلاحات فنی را بلسان عادی تنزل یا چنان شرح و تبیین مینماید که هر کس زبان فارسی را خوب بداند بتواند بقدر قوه خویش از مقالات آن استفاده کند .

چون پسران و دختران قسمت اعظم جامعه امروز و فردا را تشکیل میدهند و اکثریت آنانکه خواندن و نوشتن را میدانند در این جنس یافت میشوند و امید تأثیر تربیت تنها بآنهاست لذا این مجله بدو قسمت علیحده با اسم پسران و دختران اقسام مییابد . ح . پ . ۹

فهرست مندرجات مجله که در هر شماره روی جلد مجله چاپ شده از شماره اول بدینقرار است : علم و تربیت . تمهید - قسمت پسران - نتیجه سعی و مجاهدت - حفظ الصحه صنایع و اختراعات جدید - اخلاق - رباعی - قسمت دختران - زن امروزی - تدبیر منزل پرستاری - معالجات خانگی - زنان مشهور - ژاندارک . (تمام این مقالات بقلم مدیر مجله نوشته شده است .) شماره دوم مجله در تاریخ غره صفر ۱۳۳۹ قمری مطابق ۲۲ میزان ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است . در شماره ۱۲ دوره سوم مجله فلاحت مینویسد شماره ۴ مجله علم و تربیت در برج جدی و شماره ۵ آن در برج حوت ۱۲۹۹ از شیراز با اداره مجله واصل گردیده است .

برای اطلاع ار شرح حال آقای میرزا حسینخان پرتو رجوع شود بجلد اول کتب تاریخ جرائد و مجلات ایران صفحه ۴۸ .

(۸۲۱) علم و هنر

مجله بسیار زیبای علم و هنر را آقای (ابوالقاسم وثوق مهندس) در برلن تأسیس نمود و شماره اول آن در مهر ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . مدیر و رئیس هیئت تحریریه مجله آقای سید محمد علی جمال زاده میباشد .

مجله علم و هنر عنوان ماهانه داشته ولی جمعا بیش از شش شماره تا بهمن ۱۳۰۷ شمسی منتشر نشده و بعضی از شماره ها دوشماره در یکجلد انتشار یافته است .

مجله علم و هنر بزبانهای فارسی و فرانسه و آلمانی در موضوعات فنی و اقتصادی و ادبی بقلم دانشمندانی از قبیل آقای میرزا محمدخان قزوینی ، کاظم زاده ایرانشهر جمالزاده مهندس وثوق و هوشیار شیرازی و غیره نوشته و منتشر شده است . این مجله دارای سر لوحه بسیار زیبا و بسبب سرلوحه های کتب خطی تذهیب شده و در وسط آن اسم مجله (علم و هنر) باخط نستعلیق خیلی خوش و در زیر آن سال تأسیس مجله (۱۳۰۶) چاپ گردیده است . در زیر سرلوحه خصوصیات مجله و فهرست قسمت فارسی و تصاویر و قسمت آلمانی و فرانسه مجله طبع شده . قیمت اشتراك مجله سالیانه (۱۲ نمره) سه دلار امریکائی و محل اداره : برلن ایبیزک معین شده است .

هما قسم که یاد آور شدیم مندرجات مجله علم و هنر مطالب فنی، اقتصادی و وادبی است. برای اینکه خوانندگان بهتر بنوع مطالب مجله آشنا شوند فهرست مندرجات شماره دوم با ذکر اسامی نویسندگان آنها را ذیلا نقل مینمائیم. شماره دوم متعلق بابان و آذر ماه ۱۳۰۶ مطابق نوامبر و دسامبر ۱۹۲۷ میلادیست.

۱ - قسمت فارسی: ثروت ملی بقلم سید محمد علی جمال زاده. ۲ - اهمیت نقشه و نقشه برداری بقلم ابوالقاسم وثوق مهندس. ۳ - زمین اسرار خود را فاش میکند بقلم احمد فرهاد. ۴ - مختصری از سیاست نفت دول بقلم ع. ۵۱ - جمعیت آلمان در سال ۲۰۰۰ میلادی بقلم جمال زاده. ۶ - نیویورک. ترجمه. ۷ - طبع آزمائی علم و هنر ۸ - فرهنگ صنایع و فنون. (قسمت دوم) وثوق مهندس. ۲ - قسمت آلمانی:

۱ - تاریخچه مدرسه صنعتی ایران و آلمان در طهران. ۲ - پیشنهاد دولت ایران راجع بخرید ماشین آلات و لوازم راه آهن. ۳ - اطلاعات مهم برای مسافری اروپائی بایران از همین شماره در صفحات ضمیمه مجله (فرهنگ صنایع و فنون) بزبان فارسی، آلمانی انگلیسی و فرانسه تألیف ابوالقاسم وثوق مهندس چاپ شده. در این شماره بقیه از قسمت اول ابزارهای معمولی دستی و قطعات مشترک مهم ماشینها بطور عموم درج گردیده است. اعلانات تجارتمی مربوط بکارخانه های آلمانی باتصاویر آنها بتعداد زیاد در هر شماره در اوراق ضمیمه مجله وجود دارد و همین اعلانات و مرغوبی چاپ و کاغذ مجله، علم و هنر را یکی از مجلات نفیس و بسیار خوب قرار داده ولی متأسفانه انتشار مجله دوام زیادی نکرده و بانشر شماره ششم متعلق بمرداد - بهمن ۱۳۰۷ برای همیشه تعطیل گردیده است. مندرجات قسمت فارسی این شماره بعلاوه ۱۸ قطعه تصویر بدینقرار است: ۱ - سرمقاله: اقدامات مبارک دولت و ملت. ب. ب.

قسمت اقتصادی و فنی: ۱. اطلاعات اقتصادی راجع بترکیه. ۲ - راه نجات. صنایع - الدوله. ۳ - آلمان درصد سال پیش. ۴ - یک شاهکار صنعت و تکنیک. ۵ - منبع عظیم قوه برق در مصر. ۶ - ساده ترین طریق جهت برطرف کردن کمی آب در ایران و افغانستان. ج - متفرقات علمی و فنی: ۱ - چین (ملب - زبان - خط) بقلم سید محمد علی جمال زاده. ۲ - عده مسلمانها در دنیا ترجمه. ۳ - مقدار غذای سالیانه انسان. علم و هنر. ۴ - خرس کیسه دار (کولا). ۵ - سر نوشت زمین بقلم احمد فرهاد. ۶ - تصمیمات ملت آلمان. علم و هنر. د قسمت ادبی: یکی از شعرای قدیم فارسی بلم عباس اقبال ۲ - بسیت مقاله قزوینی. علم و هنر. ترجمه حال رجال ایران. ترجمه حال میرزا محمد

خان قزروینی. کتاب تازه رهبر نژاد نو. قابل توجه ادبای ایران. نوع پرست (سرگذشت) مرغ وزمین. باری و تکنیک. صورت و کلا و نمایندگان محترم مجله علم و هنر در ایران و خارجه. فرهنگ صنایع و فنون.

قسمت فرنگی: ۱ - متن قرار داد موقتی بین ایران و آلمان. ۲ - ترانزیت جنس از طریق روسیه. ۳ - اطلاعات اقتصادی. ۴ - بلژیک و ایران. در همین شماره هفتم تصویری از مرحوم مرتضی قلیخان صنایع الدوله چاپ شده.

این تصویر بسمیکہ در زیر آن نوشته مربوط بوقتی است کہ صنیع الدولہ بسن ہفدہ۔ سالکی در برلن تحصیل مینمودہ است۔ این عکس از روی یک پردہ نقاشی برداشته شدہ کہ در زمانیکہ مرحوم صنیع الدولہ در برلن تحصیل میکردہ بتوسط نقاشی آلمانی کشیدہ شدہ والان در برلن موجود است۔

معمولاً قسمت فارسی مجلہ در ۵۵ صفحہ بقطع خشتی بزرگ طبع گردیدہ و قسمتہای فرانسیسی و آلمانی آن دارای صحنہ شمارہ علیحدہ است۔ از این مجلہ نگارندہ مجموعہ کاملی در دست دارد۔ آقای سید محمد علی جمالزادہ فرزند مرحوم سیدجمال واعظ اصفہانی کہ در صدر مشروطیت ایران خدمات گرانہائی بآزادی نمودہ ، از نویسندگان مبرز میباشند و شرح احوال ایشان بطور اختصار در ذیل مجلہ الجمال در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران بطبع رسیدہ است۔

(۸۲۲) علمی و پاروزنامہ علمی

روزنامہ علمی را در طهران مرحوم محمد حسن خان صنیع الدولہ کہ بعداً ملقب باعتماد السلطنہ گردید در ۲۲ ذی الحجہ ۱۲۹۳ قمری تأسیس نمود و تا سال ۱۲۹۷ دائر بود و جمعاً ۶۴ شمارہ از آن منتشر شدہ است۔ اینک شرح تفصیلی این روزنامہ: نمرہ اول روزنامہ علمی در روز دوشنبہ ۲۲ ماہ ذیحجہ الحرام ۱۲۹۳ قمری در مطبعہ سنگی در چہار صفحہ باخط نسخ متوسط طبع و منتشر شدہ است۔ سرلوحہ روزنامہ علمی عبارت از فرشتہ بالداریست کہ در مقابل آن کتابی مفتوح و در یک صفحہ آن جملہ (انامدینہ) و در صفحہ دیگر (العلم و علی بابہا) بخط نستعلیق نوشتہ شدہ است۔ در طرف راست این تصویر تاریخ انتشار بسال میلادی و ہم چنین قیمت یک ظفری روزنامہ (یک عباسی) و قیمت اعلان (سطری دہشاهی) درج و در طرف دیگر بغیر از نمرہ اول این عبارت طبع شدہ است: (ہر کس اخبار و تحقیق علمی بدارالطباعہ ہمایونی بفرستد در این روزنامہ باسم خود او نوشتہ میشود)۔ و اما در نمرہ اول بجای عبارت مذکور اینطور نوشتہ است: «چون اخبار مدرسہ دارالفنون و مجلس حافظالصحہ زیاد بود در این نمرہ بہمان اقتصار شد و الا از اغلب علوم در این روزنامہ نوشتہ میشود»۔

ہر صفحہ روزنامہ مشتمل بر سہ ستون و قسمتی پاورقی است۔ برای اطلاع از چگونگی تأسیس این روزنامہ و سبب مندرجات آن بہتر آنستکہ اعلانی را کہ در ستون اول و دوم صفحہ اول نمرہ اول نوشتہ عیناً نقل نمائیم:

«اعلان۔ بعموم مطالعہ کنندگان معلوم باشد کہ ابداع... شریفہ علمیہ مخصوص برای... و قدیہ نافعہ بحال خاص و عام... و مطلقاً منظوری از طبع و انتشار آن نیست مگر فایدہ و منفعت عمومی و ترقی در مدارج کمالات و تربیت و مزید اطلاعات آحاد و افراد اہالی این ملت باسعادت و تکمیل مسائل طبیعہ کہ موجب حفظ صحت و برہ از مرض و محفوظ ماندن نفوس محترمہ اربطہای... خسارج است... (این قسمت در

شماره نمونہ در صحافی کاغذ روی آن چسبانیدہ شدہ و در قسمتہای دیگر کہ قطعہ چنین شدہ در طبع ریختہ است و چون شمارہ دیگری در دست نبود تصحیح مقالہ ممکن نگردید۔) این روزنامہ براتیان بقوانین و مطالب علمی است و مقدمہ جمیع علوم کہ در واقع جزء بزرگ علم دین میباشد مکارم اخلاق است پس اگر در اخلاق و رسوم و آداب و افعال بعضی اشخاص نیز نقصان و اختلالی بیند ہر آئینہ در این روزنامہ اظہار مینماید بدون اینکہ صراحتاً اسم شخصی را برد یا بکنایہ کہ ابلغ از تصریح است بردہ ابروئی درد بلکہ طوری ادا مینماید کہ فاعل فعل ذمیم و غیرہ ہمہ بر قبج عمل آگاہ شوند دون العامل و از صفات ذمیمہ اجتناب نمایند بنابر مراتب مسطورہ احدی را حق گلہ از روزنامہ شریفہ علمی نیست۔»

پس از مقدمہ مذکور کہ بمنزلہ مقالہ افتتاحی روزنامہ (اخبار مدرسہ دارالفنون و مریضخانہ) و بعد از آن (تفصیل مسافرتیکہ از انگلستان بقطب شمال شدہ) و سپس مقالہ در بارہ (تحقیق در علم اخلاق) و پس از آن (اطلاعات جغرافی بامقدمہ) مجموعہ مقالات نمرہ اول روزنامہ علمی را تشکیل میدہد۔ پاورقی روزنامہ کہ از همان نمرہ اول روزنامہ شروع گردیدہ و در تمام چہار صفحہ روزنامہ طبع شدہ ترجمہ کتاب (تاریخ حمزہ اصفہانی موسوم بکبار الامم) میباشد۔ آغاز ترجمہ بدینقرار است :
 «بسم اللہ الرحمن الرحیم۔ الحمد للہ رب العالمین والعاقبۃ للمتقین والصلوۃ علی نبیہ وحبیبہ محمد والہ اجمعین حمزہ بن حسن اصفہانی گوید این کتابیست کہ من درج نمودہ ام در آن تواریخ سالہای سلطنت ۰۰۰۰۰ مترجم در ہیچ کجائی از ترجمہ نام خود را ذکر نکرده و معلوم است کہ کتاب از طرف ادارہ روزنامہ ترجمہ شدہ است۔»

نمرہ دوم روزنامہ علمی در تاریخ دوشنبہ ۲۹ ذیحجہ الحرام ۱۲۹۳ قمری مطابق پانزدہم ژانویہ ماہ فرانسہ ۱۸۷۷ میلادی منتشر شدہ و در عنوان آن جملہ (اداء قیمت چہار قسط) افزودہ شدہ است مندرجات روزنامہ علمی علاوہ بر پاورقی کہ در ہر - شماره مرتباً درج شدہ عبارت است از مقالات مختلف در بارہ مسائل اخلاقی و علمی و مخصوصاً بیشتر (اخبار مجلس حافظ الصبحہ) در آن دیدہ میشود در نمرہ سوم شرحی راجع باہمیت این مجلس و توجہاتی کہ نسبت بحفظ الصبحہ عموم میشود درج گردیدہ است۔ و بطور خلاصہ بیشتر مطالب این روزنامہ اخبار علمی و جغرافیائی و اخلاقی است و بہیچوجہ اخبار درباری و مملکتی در آن چاپ نشدہ و مخصوصاً قسمتی از جغرافیای ممالک اروپا و افریقا در آن نوشتہ و در بعضی ارشمارہ ہا کہ مطالب علمی محتاج بتصویر بودہ، تصاویری نیز طبع شدہ است۔

روزنامہ علمی ہما قسم کہ درابتد نوشتیم بمدیری (محمد حسن) خان صنیع الدولہ تنظیم و منتشر میشدہ و در ہر شمارہ در پایان صفحہ چہارم کلمہ (محمد حسن) چاپ شدہ است۔ از نمرہ ۵۱ مورخ پنجشنبہ چہارم ذیقعدہ الحرام ۱۲۹۵ قمری سرلوحہ روزنامہ برداشتہ شدہ و فقط اسم (روزنامہ علمی) و سایر خصوصیات روزنامہ طبع گردیدہ۔ نگارندہ مجموعہ کہ از این روزنامہ در دست دارد تا شمارہ ۶۳ توشقان تیل شنبہ سیم

ربیع الاول ۱۲۹۷ قمریست ولی در شماره ۶ سال دوم دوره جدید کاوه مینویست از این روز نامه جمعا ۶۴ شماره منتشر شده و شماره اخیر بتاریخ ۲۳ جمادی الاخر سنه ۱۲۹۷ است .

(۸۷۳) علمی

مجله علمی در طهران در تحت نظر هیئت از معارف پروران که در هر شماره در انتهای صفحه آخر آن آقای حسین طهرانی از طرف هیئت مدیره (باین عبارت از طرف هیئت مدیره حسین طهرانی) اسم خود را ثبت نموده ، بطور ماهیانه تأسیس و در سال ۱۲۹۳ شمسی مطابق ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است .

اسم مجله (علمی) بخط نستعلیق درشت و در زیر آن عبارت (توانائی فرع دانائی است .) بعنوان شمار مجله چاپ شده است . وجه اشتراك مجله طهران سالیانه ۱۲ - قران . ولایات ۱۵ قران . خارجه ۱۲ فرانك . قیمت تك نمره يكقران و قیمت اعلانات نیز سطری يكقران است . محل اداره : طهران خیابان چراغ برق بالاخانه دواخانه باستور . عنوان مراسلات : طهران . اداره مجله علمی . لوایح و مقالاتی که با اداره میرسد هیئت مدیره در درج آنها مختار است . مجله علمی بطور ماهانه بوده و هر نوبت در ۷۹ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی (کلیمیان) واقع در خیابان جباخانه طهران طبع و توزیع میشده . این مجله از حیث ظرافت طبع و زیبایی کاغذ و تنوع مطالب یکی از بهترین مجلاتی است که تا آن تاریخ بزبان فارسی منتشر شده است .

مندرجات مجله علمی چنانکه اسم آن نیز حکایت میکند اغلب مطالب علمی مربوط بحفظ الصحه و فلسفه قانون و فلسفه تاریخ است . این مطالب بتلم هیئت مدیره و سایر دانشمندان تنظیم و تدوین شده و نویسندگان مقالات سعی داشته اند مطالب اساسی و مقالات بکر برای درج در مجله تهیه نمایند و از این جهت پشت جلد مجله (حق طبع و ترجمه مقالات مجله را) برای خود محفوظ داشته و کسی حق نداشته است مطالب مجله را نقل و یا ترجمه نماید . در پشت جلد مجله صفحه بعنوان (همقلمان رسمی) معین شده و در پائین این صفحه اینطور نوشته است : « اهریک از فضلی گرام و جوانان تحصیل کرده سرمقاله در این مجله درج شود نام او در این صفحه بعنوان هم قلم رسمی ثبت خواهد شد . » در هر شماره ، در این صفحه نام دوسه تن از نویسندگان که بدرج مقاله اقدام نموده ، چاپ شده که از آن جمله اسامی آقایان مهدی مافی سعد الملك و احمد خان نجل عین المالك و ابوالقاسم خان نجل اعتصام الملك ، میباشند . هر شماره مجله دارای فهرست مندرجات و غلطنامه ایست ولی صفحه شمار مخصوص ندارد و شماره صفحات آن از نمره اول حساب شده است .

رسالة موسوم به (شرکت سهامی تألیف مصدق السلطنه) ضمیمه شماره ۴ مجله بوده و برای مشترکین مجاناً ارسال شده است .

مندرجات مجله علمی بتلم نویسندگان و دانشمندان متخصص در موضوعات تهیه شده و از اینجهت بیشتر مقالات جنبه علمی بخود گرفته است . برای مزید اطلاع خوانندگان

حرف عین بعده الام علمی و فنی ، علمیه یاروزنامه علمیه دولت علیه ایران

قسمتی از نتوان مقالات با اسامی نویسندگان آنها را ذیلا نقل مینمائیم .
نوروز (حاج میرزا یحیی) تجارت (وحید الملک) . فاجعه اصفهان یا تاریخ شاه سلطان حسین (مهدی مافی سعد الملک) . راجع بمحاکم (حاجی ندیم باشی خراسانی) بلتیک دولتین روس وانگلیس در قلمرو ایران (احمد بن عین الممالک) . بودجه یاروح مشروطیت (موسی شیانی) اصول مالیات (محمد علی مافی سالار معظم) حفظ الصحه عمومی (حاجی دکتر محمود خان) . فاجعه در قطب جنوب (ابوالقاسم بن اعتصام الملک) زبان ما . (حاج میرزا یحیی) . جنک بین الملل اروپ . (امیر جلال الدین) . از افادات مرحوم خان غارت . زهر بزرک یاتریاک . (دکتر حسینی خان) کشف اسرار زنجیره (افراسیاب آزاد) . افکار پریشان (حبیب الله عین الملک) فلسفه رقیب (آقا میرزا سید هادی آیت الله زاده افجه) . اساس جغرافیای ایران (احمد بن عین الممالک) . احترام قلم (مهدی مافی) معادن (محمد حسین بروجردی) . فهرست مذکور از شماره ۴ تا ۹ سال اول مجله گرفته شده است . لازم است یاد آور شویم که بیشتر این مقالات بطور مسلسل در چند شماره چاپ شده است از قبیل مقاله اصول مالیات ، علل جنک بین الملل و حفظ الصحه و غیره . از مجله علمی نگارنده فعلا تا شماره ۹ سال اول مورخ اول سنبله ۱۲۹۴ شمسی مطابق ۱۳۳۳ قمری در دست دارم . در جلد اول کتاب تاریخ جرائد و مجلات ایران ، در ذیل مجله ادبی ، ذکری از مجله علمی بمیان آمده و در آنجا یاد آور شده ایم که مجله ادبی پس از دو سال که از تعطیل شدن مجله علمی گذشته پابدایره انتشار گذاشته است و از این عبارت و با در نظر گرفتن تاریخ تأسیس مجله ادبی معلوم میگردد که مجله علمی پیش از یکسال منتشر نشده است . برای اطلاع بیشتری رجوع شود باصل شرح راجع بمجله ادبی .

(۸۲۴) علمی و فنی

مجله علمی و فنی در سال ۱۳۱۴ شمسی در طهران بطور ماهیانه تأسیس و منتشر شده است .

(۸۲۵) علمیه یاروزنامه علمیه دولت علیه ایران

روزنامه علمیه یاروزنامه علمیه دولت علیه ایران در طهران در سال ۷۸۵ جلالی مطابق ۱۲۸۰ قمری تأسیس و بجه زبان فارسی ، عربی و فرانسه منتشر شده است . شماره اول این روزنامه رور دوشنبه ۲۷ دیماه ۷۸۵ جلالی مطابق غره شهر شعبان ۱۲۸۰ قمری و ۱۱ ژانویه ۱۸۶۴ میلادی انتشار یافته صفحات روزنامه بقطع بزرک ۲۶ در ۴۰ سانتیمتر و معمولا ۴۰۰ آنها متغیر و شماره اول آن در شش صفحه و بعضی از شماره ها به ۱۷ صفحه بالغ میگردد .

روزنامه علمیه ماهی یک شماره با چاپ سنگی در کارخانه دولتی دارالخلافه طهران طبع شده و محل این مطبعه یا کارخانه در مدرسه دارالفنون بوده است و اگر فائل نشویم که محل مطبعه از ابتدا در دارالفنون بوده لااقل مدتی در آنجا بوده چه در بعضی از

نمرات همین روزنامہ این عبارت مسطور است: « منطبعہ دارالخلافۃ الباہرۃ طهران . در دارالطبعاہ دولتی در مدرسہ مبارکہ دارالفنون . » و در بعضی از نمرات بجای عبارت مذکور اینطور نوشته شدہ: « منطبعہ دارالخلافۃ ناصرۃ در کارخانہ دارالانطباع دولتی در مدرسہ مبارکہ دارالفنون . » . قیمت اشتراک سالیانہ روزنامہ در ابتدا ۹ ہزار دینار و پس از نشر نمرہ ۱۷ یعنی از نمرہ ۱۸ کہ ابتدای سال سوم تأسیس روزنامہ بودہ قیمت اشتراک سالیانہ ضمیمہ روزنامہ دولتی گردیدہ و بانضمام آن روزنامہ قیمت سالیانہ ۳۰ تومان و شش ہزار دینار معین شدہ است . قیمت تک نمرہ بانزدہ شاہیست سرلوحہ روزنامہ تصویر سردر عمارت شمس العمارہ طهران است کہ بر فراز آن ساعت بزرگی کہ دو شیر و خورشید در دو طرف آن قرار گرفتہ نصب است . در پائین عمارت تصویر سہ نفر قراول و دیگری دم در ایستادہ و نیز تصویر حوضی کہ در سابق مقابل سر در شمس العمارہ بودہ و دو توپ کہ تصویر آنها در آب منعکس شدہ ، در این سر لوحہ دیدہ میشود . تصویر مذکور عمل یکی از نقاشان ماهر عصر ناصرۃ بودہ ولی در زیر آن نام مصور مسطور نیست .

چنانچہ در ابتدا اشارہ نمودیم روزنامہ علمیہ بہ زبان فارسی و عربی و فرانسی نوشتہ شدہ بدین ترتیب کہ در ابتدا از دو تا پنج صفحہ روزنامہ فارسی اختصاص دارد و سپس همان مطالب بعربی و فرانسی ترجمہ شدہ با این تفاوت کہ در قسمت فارسی تاریخ انتشار بہ ماہ و سال فارسی و در قسمت عربی بہ ماہ و سال عربی و در قسمت فرانسی بہ سال میلادی ذکر شدہ است . فی المثل نمرہ چہارم روزنامہ ۵ صفحہ اول بزبان فارسی است با ذکر تاریخ (بیستم فروردین ماہ مطابق سال ہفتصد و ہشتاد و شش ناقصہ جلالی) و از صفحہ ۶ تا ۸ بعربی ؛ ذکر تاریخ (قد انطبعت ہذہ الصحیفہ فی یوم الجمعۃ غرۃ ذیقعدۃ العرام سنہ ۱۲۸۰ ہجریۃ) و از صفحہ ۹ تا ۱۳ بفرانسی با ذکر تاریخ (طهران ۸ آوریل ۱۸۶۴) چاپ شدہ است .

در روزنامہ علمیہ نامی از مدیر و نویسنده و مؤسس نیست و در عنوان آن بذکر قیمت سالیانہ و تک نمرہ و جملہ (منطبعہ کارخانہ دولتی دارالخلافہ طهران) اکتفا شدہ است ولی از اطلاعاتی کہ از خارج داریم میدانیم کہ ادارہ این روزنامہ و روزنامہ های دولتی و ملتی ہر سہ در ادارہ علیقلی میرزای اعتضاد السلطنہ بودہ و در جزو ادارہ دار- الفنون نشر می شدہ است .

اتفاقاً نمراتی کہ از روزنامہ علمیہ در دسترس نگارندہ مییاشد متعلق بکتابخانہ دانشکدہ علوم معقول و منقول است و این روزنامہ ابتدا جزو کتابخانہ همین اعتضاد السلطنہ بودہ و عبارتی کہ پشت آن ثبت شدہ چنین است: « جلد اول روزنامہ علمیہ کہ مشتمل است بر چہارہ نمرہ داخل کتابخانہ مبارکہ نواب مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاہزادہ اعظم افخم اعتضاد السلطنہ وزیر علوم و صنایع و معادن و تجار علیقلی میرزا دام اقبالہ وزید اجلالہ گردید فی شہر شوال ۱۲۸۱ . مہر . اعتضاد السلطنہ »

در شماره اول روزنامہ شرحی دائر بواگذاری امر روزنامہ از طرف ناصرالدین

شاه باعضاد السلطنه نوشته و از همین جا معلوم میگردد اداره امور روزنامه بمهده
اعضاد السلطنه بوده و مطالب روزنامه انشای مرحوم میرزا محمد حسین فروغی است
ولی معلوم نیست چه کسانی مباشر طبع و نشر روزنامه بوده اند .

شرحی که در صفحه اول شماره اول بسزله مقاله افتتاحی روزنامه نوشته شده بدینقرار است
« چون منظور نظر کیمیا اثر اعلی حضرت قدر قدرت اقدس ظل اللہی ولینعت کل
ممالک معروسه ایران تربیت و ترقی ملت و دولت و رواج علم و صنعت بسیاری از علوم
و صنایع که درازمنه سالفه در ایران بوده و سایر دول آنرا تحصیل و تکمیل کردند
یا علم و صنعتی که در این دولت ابد مدت از دول خارجه بایران نقل و تحویل شده با سایر
اخبار مفیده جدیده چنانکه باید بر مردم آشکار نیست برای استحضار عموم خلایق و
انتشار علوم که فواید بزرگ بر او مترتب است از جانب سنی الجوانب شاهنشاهی حکم
معکم قدر توام باعضاد السلطنه وزیر علوم و صنایع صادر گشت که روزنامه علمیه
در هر ماهی یکمرتبه سمت انطباع یابد تا مطالعه کنندگان را از آن فایده و بهره
کلی حاصل شود . »

از این مختصر و از اسم روزنامه (علمیه) معلوم میگردد که مندرجات روزنامه
بیشتر مطالب علمی و اکتشافات جدید اروپائیان است و وزارت علوم و صنایع برای روشن
نمودن افغان ایرانیان آنها را منتشر و در دسترس مردم قرار داده است . برای اطلاع
بیشتری از مندرجات و مطالب روزنامه فهرست بعضی از نمرات آنرا ذیلا نقل مینمائیم
مطالب نمره اول و دوم راجع باین است که علوم و صناعات هروقتی از اوقات دریکی
از امکنه عالم شیوع و رواج داشته بعد از مدتی بمملکت دیگر نقل شده است . مندرجات
نمره سوم درباره تعیین مبدع تاریخ و بیان سال شمسی و قمریست . از نمره چهارم در
تحقیق انوار کواکب و کسوف و طلوع و غروب قمر است . مطالب نمره ششم باین
عنوانست : شهر دوزده گانه که اکنون در عرب و عجم معروفست در جاهلیت باسامی
دیگر مشهور بوده و ارباب لغت در اسامی هر یک نیز اختلافی کرده . شماره هفتم راجع
برصد سیارات و ثبت ریجات وجد ولی از تقویم هرشل در این شماره ترسیم شده است .
و نیز صورت (تل مراغه که خواجه نصیر طوسی در آنجا رصد بسته و در مراغه مشهور
برصد داغی است) در این شماره چاپ شده است . نمره هشتم عبارتست از : تحقیق ماه
و روز ولادت باسعادت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله . در این نمره جدولی
از عرض و طول جغرافی بلاد تلگرافی ایران طبع گردیده است . نمره ۱۲ که آخرین
نمره سال اول روزنامه است باین سطور شروع میگردد : « چون در روزنامه های
سابق مکرر از سیارات و اقمار ذکر شده اما بانفراده هنوز از احدی از سیارات و
اقمار آنها سخن نرفته است فلذا چنان مناسب افتاد که در این نمره از احوال قمر
که نیز اصغر و اقرب اجرام بکره ارض و سیار تابع وی است چیزی نگاشته شود ... »
این بود شمه ای از مندرجات یکساله روزنامه علمیه و مندرجات سالهای دیگر
نیز بهمین نهج است . پس از انتشار هفده نمره روزنامه مدت یکسال دوچار تعطیل

گردید و نمره ۱۷ که در تاریخ غره شهر ذیحجه الحرام ۱۲۸۱ قمری نشر شده بود ، نمره ۱۸ آن در تاریخ چهارشنبه غره شهر محرم الحرام ۱۲۸۳ انتشار یافت و درخود روز نامه نیز اشاره باین تعطیل یکساله نموده مینویسد: «چون مدت یکسال گذشته که بجهت بعضی موانع روزنامه علمیه طبع نشده - مدتی درگفت اگر تاخیر شد - مهلتی بایست تاخون شیرشد. در گره ثانی از تاریخ محرم الحرام ۱۲۸۳ که اول سال عربست ابتدا بنوشتن آن نمودیم . در این شماره پس از شرح مذکور مینویسد: «چون در روزنامه محرم آنسال اسامی شهور و جاهلیت مذکور شد مناسب آمد که در این روزنامه نیز اسامی ایام هفته جاهلیت نوشته شود و ابتدا از یکشنبه باین ترتیب ...»

پس از انتشار نمره چهل و دوم مورخ غره جمادی الثانیة ۱۲۸۵ بار روزنامه دچار تعطیل گردید و نمره چهل و سیم آن در غره محرم الحرام ۱۲۸۶ قمری انتشار یافت . راجع باین تعطیل در نمره چهل و سیم اعلانی بدینقسم درج است: «اعلان - چون ابتدای روزنامه علمی در ماه محرم الحرام بود و قرار شد در هر ماهی يك نمره از طبع بیرون بیاید بعد از آن مدتی نوشتن آن بتعویق افتاد چنانچه در روزنامه نمره هجدهم عنبر از تعویق آن خواسته باز بترتیب شهور نوشته شد تا اینکه این اوقات چند ماهی باز از ترتیب شهور افتاد و اگر میخواستیم بدون ملاحظه ترتیب شهور نوشته شود از قاعده خارج بود باز لابداً ابتدا از محرم نموده بعد از این بیاری خداوند متعال و بولت و اقبال بیزوال شاهنشاهی که قرون بشمارش در پی باد نمره بنمره ماه بماه بنوشتن و طبع آن خواهیم پرداخت .»

آخرین نمره که از روزنامه علمیه منتشر شده نمره پنجاه و سیم است و این نمره در تاریخ شنبه ۹ دیماه ۸۹۲ جلالی مطابق یوم شنبه غره شهر شوال المکرم ۱۲۸۷ قمری انتشار یافته و از آن پس روزنامه برای همیشه تعطیل شده است . در سال مذکور علاوه بر این روزنامه ، روزنامه ملتی نیز از طرف دولت تعطیل شده و عمل جراید را بعهده محمد حسنخان واگذار کرده اند . قسمت فارسی روزنامه علمیه بخط نستعلیق ریز و قسمت عربی آن بخط نسبتاً درشت و فرانسه آن بخط ریز مراسله ایست . صفحه اول هر نمره ده سطر و صفحه دوم مشتمل بر ۲۵ سطر و هر صفحه قسمت فرانسه ۲۹ سطر است .

(۸۲۶) علوم مالیه و اقتصاد

مجله علوم مالیه و اقتصاد هر سه ماه یکمرتبه در طهران بکسب امتیاز از (افتم السلطان) و موسی (تقّه الدواه) تأسیس گردیده و شماره اول آن مربوط بربرج حوت ۱۳۰۲ و حمل و نور ۱۳۰۳ شمسی است در برج نور انتشار یافته است . این شماره در ۸۲ صفحه بقطع وزیری کوچک با کاغذی مرغوب و طبعی زیبا در مطبعه (برادران باقرزاده) طبع و مشتمل بر مطالب سودمند و مفید راجع بعلوم مالی و اقتصادی و بقلم نویسندگان مبرز نوشته شده است . اسامی نویسندگانی که با مجله کمک قلمی نموده

طبق صورتی که در شماره اول چاپ شده بدینقرار است : آقای میرزا سید مصطفی خان کاظمی (دیرالملک) . آقای موسی خان . سلطان محمد خان عامری . میرزا علی محمد خان اویسی . عطاءالملک روحی نماینده سیرجان . میرزا محمود خان ناصری . شاهزاده خسروانی . میرزا محمود خان بدر . میرزا مهدیخان دیبیمی . جمال زاده .

مقاله افتتاحی مجله بعنوان (مقدمه) در شماره اول چاپ و در آن بعلت طبع و انتشار مجله اشاره شده که برای مزید اطلاع عین آنرا نقل مینمائیم : « مقدمه - بنه و توفیق - بدون تردید و تأمل بایستی تصدیق نمود که نخستین عامل مهم ترقیات عالیه و تثبیت استقلال ملیت و استوار داشتن قوائم سیاست یک ملت و مملکت مرتبط و منوط بترقی و پیشرفت اقتصادیات است و بس . ملل حیه عالم در سایه این مقصود قادر شده اند که طبیعت باین عظمت را تسخیر و تدمیر نموده و در پرتو توسعه اقتصادیات توانائی حاصل کرده اند که قائم بالذات و مستقل الفکر زیسته اهریمن احتیاج و استیصال راز بون و مقهور فرشته استغنا و مناعت قرار داده اند . این است که محیط اینگونه ملل همواره عالم نو از صنعت کار ، هنر پیشه پرورش داده عطالت و بطالت که همرو فقر و استیصال و ناشی از جهل مزمن است یکسره از آندیار رخت بر بسته ، فعالیت و قدرت خستگی ناپذیر آنان را در اثر اینهمه اختراعات معجز العقول و نمایشات حیرت انگیز متناوباً مشاهده میکنیم . اینک که وطن پرافتخار ما در ظل توسعه و بسط قشون بهترین عامل نهضت اقتصادیرا که تعمیم امنیت و رفاهیت توده و قاطبه است ، حائز گردیده ما نیز بنوبه خود مبادرت بیک قسمت از خدمت نموده و بوسیله نشر این مجله محقر نا چیز ار خداوند متعال توفیق میخواستیم بلکه بتوانیم بعضی مطالعات و مطالب مهمه اقتصادی را که نافع و سودمند باوضاع مالی امروزه کشور محبوبان بشود نشر بدیم . من الله التوفیق و علیہ التکلان . »

چنانچه از مقدمه مذکور معلوم میگردد مندرجات مجله بیشتر مطالب مربوط بامور مالی و اقتصادیت و ما برای مزید اطلاع خوانندگان گرام فهرست مندرجات چهار شماره سال اول را ذیلان نقل مینمائیم : ترتیب استقراض دولتی در اروپا (در این مقاله انواع قرض ، قرض اجباری و قرض آزاد ، طرق مختلفه استقراض و قروض دائم و قروض استهلاکی بطور مشروح ذکر شده است .) مالیاتهای مستقیم ایران : (در این مقاله تاریخچه مالیات مستقیم و اقسام آن از قبیل مالیات ارضی ، اصنافی ، خالصجات ، مالیات سربازی یا خانواری و نیز اقسام مالیات مزروعی ، مالیات طواحین ، مزارع و مواشی سرانه ، ایلات ، مراتع ، مستقلات ، بیوت النحل ، جنگلها و عوارض معافی بطور مشروح با ذکر تاریخچه هر یک بیان شده است . این مقاله دیرالملک از صفحه ۱۶ تا ۶۱ مجله را فرا گرفته است .) وضعیت مالیه انگلیس . کلیات راجع باصول بودجه .

مندرجات شماره دوم : مالیاتهای غیر مستقیم ایران (خسروانی) . دولت و خالصجات (۱ - تاریخچه خالصجات دولتی ۲ - کتاب رقیات ۳ - اسناد خالصجات دولتی بقلم عبیدالملک) . مالیاتهای مستقیم ایران (میرزا رضاخان) .

مندرجات شماره سوم: مالیاتهای غیر مستقیم ایران، دخانیات و رسومات (خسروانی) بی اعتدالی در مالیاتهای ایران (روحی). انحصار دخانیات در مملکت ایران (نظام - الدین نوری) مکتوب از پاریس (محمد خان قزوینی). سیاست نفط در دنیا (لمیحه اوایی) مندرجات شماره چهارم: تصویب بودجه (پارلمانهای خارجه و مجلس ایران) ثقة الدوله. مالیات نئاسبی و مالیات تصاعدی (مشرف الدوله). نقره - قران. (مسعود الدوله) شماره دوم سال اول که متعلق بپیرج جورا و سرطان واسداست در برج جوزای ۱۳۰۳ شمسی منتشر گردیده و سال اول با انتشار شماره چهار خاتمه پیدا کرده است. سال دوم مجله علوم مالیه و اقتصاد با همان اسلوب و روش سال اول تأسیس و شماره اول و دوم آن یکجا در یک مجلد منتشر گردیده در این سال نیز مجله نفاست طبع و زیبائی کاغذ و تنوع مطالب را از دست نداده منتهی قطع صفحات قدری بزرگتر شده است. در شماره اول و دوم سال دوم تاریخ انتشار نوشته نشده ولی از بعضی مقالات مندرج در آن معلوم میگردد که مجله در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است. این شماره دارای ۹۶ صفحه و بعلاوه ضمیمه دارد که در آن گراور و شرح حال استاد میرزا محمد خان قزوینی - محمد علیخان فروغی - فرانک ه گپرو - کلنل دومکرمک، چاپ شده است. در سال دوم در مدیر مجله تغییری پیدا شده بدینقسم که مؤسس (ابوالحسن طباطبائی - دیبا) ثقة الدوله) و مدیر میر محمد حسین خان حسابی معرفی شده. مقاله افتتاحی سال دوم که تحت عنوان (طلوع سال دوم) نوشته و در آن اشاره بتغییر مدیر مجله نموده بدینقرار است:

«طلوع سال دوم. بنام خداوند بخشنده مهربان. مجله علوم مالیه و اقتصاد بجهاتی که در اعلانات خود ذکر کرده در ابتدای سال دوم نتوانست در موقع خود شماره اول را بیرون بدهد و این تأخیر ولو آنکه بهر علت منطقی کافی معلل بود موجبات خجالت کارکنان ما را در مقابل خوانندگان بدپول بدیده و اگر خوب بخواید خوانندگان پول نده فراهم ساخت و پر واضح است در اینجا وقتی میگوئیم خوانندگان مقصود از تمامی آنها نیست و بلکه منظور اکثریت از آنهاست و چون در مثل مناقشه نیست همه را بیک چوب نیرانیم و امیدواریم در ایران نیز روری برسد که خوانندگان در باطل و از صمیم قلب معتقد بپرداخت وجه آبونمان جراید و مجلات بشوند و اینکار بتدریج البته صورت خواهد گرفت. در یکماه قبل دوست محترم نویسنده اعنی حضرت آقای ابوالحسن خان دیبا (ثقة الدوله سابق) مؤسس محترم مجله علوم مالیه در ضمن اینک با یک روی خوش و با یک نوع پذیرائی های صمیمانه که مخصوص بخودشان است بنده را برای صرف ناهار در منزل خود پذیرفته بودند پس از مذاکرات مربوط بمجله و اظهار تأسف از تأخیر طبع آن از این بنده خواهش کردند که آیا ممکن است شما مدیریت مجله را قبول کنید. این بنده با وجود تمام گرفتاریهای کمر شکن اداری برای عشقی که بجزیده و جریده نگاری دارم و نیز برای آرام ساختن عطشی که هر یک از نوع بشر بمعروف ساختن خود دارد و نیز اگر باور بفرمائید برای خدمت بعالم اقتصاد

و مالیه مملکت و بالاخره برای اطاعت فرموده دوست عزیز بلادونك ليك اجابت گفتم و بهمین جهت در آخر این مقاله که نام آن (طلوع سال دوم) است امضای (محمد حسین حسینی) در جای مدیر ملاحظه خواهید فرمود آری بمدیری این مجله که فقط برای خدمت بعالم اقتصاد و مالیه مملکت تأسیس شده افتخار میکنم و خویشتن را خدمتگذار عموم کارکنان مجله میدانم و از حضرت باری تعالی کمک و استعانت میجویم که برای انجام خدمتی که بعهده گرفته‌ام هدایت بصراط مستقیم فرموده فکرم را قوی و روشن و بیازوانم قوت عنایت فرماید و نیز از عامه علاقه مندان بترقی مجلات و ترقی امور اقتصادی مملکت و آنهاییکه نسبت بنویسنده لطف مخصوصی دارند انتظار قوی دارد باما و کارکنان مجله کمک های خوب بکنند چه از حیث راهنمایی و یا کمک تحریری و چه از دادن انتقادات که در صورتی که بامنطق و حس سلیم تحریر شده باشد باروی گشاده و بازوان باز استقبالش خواهیم نمود از رسیدن بمقصود امیدواری دارم چه از روی صمیمیت کار میکنم و بعلاوه يك عده از جوانان نخبه کاری کمک های ذی قیمت خود را مجانی و از روی صمیم قلب از مجله مضایقه نکرده و باما کار میکنند و برای آنکه و یا کاری نکرده باشیم از ذکر اسامی آنها خود داری کرده و فقط باین تشکر نامه قناعت میکنیم

اصولی را که مجله تعقیب خواهد کرد از اینقرار است : اولاً مملکت مجله عیناً همان است که در شماره های سال اول ذکر و تصریح شده . ثانیاً چون طبع شماره اول از سال دوم بتأخیر افتاد اینك این شماره فوق‌العاده را که شماره اول و دوم از سال دوم نامیده میشود منتشر میسازیم . ثالثاً در مد نظر گرفته‌ایم از این ببعده در هر شماره تدبیر یکی از اشخاصی را که بمالیه و اقتصاد ایران خدمت بزرگ کرده اند طبع کرده و ترجمه حال او را نیز علاوه کنیم و امیدواریم باین خدمت موفق شویم . رابعاً در مد نظر داریم که در آتیه هر وقت وسائل اجازه داد بر عده شماره‌ها افزوده بجای سه ماه یکبار هر دو ماه یکبار مجله را منتشر سازیم . خامساً حتی المقدور سعی خواهیم کرد انشای ما ساده و آسان باشد و غلط کمتر داشته باشد و هر يك از خوانندگان در این زمینه بما نصایح بدهند متشکر خواهیم شد . مدیر مجله علوم مالیه و اقتصاد محمد حسین حسینی . « از مقالات مفید شماره اول و دوم سال دوم یکی مقاله ایست بقلم (ذ . بهروز) که در آن دو فرمان یکی راجع بالفای مالیات سلمانی و حمامی مورخه شعبان ۱۲۸۳ و دیگر فرمان الفای مالیات نان و گوشت بدستور ناصر الدین شاه (این دو فرمان از روی سنگی که در طرف دست راست درب شمالی مسجد شاه طهران است استنساخ شده) آورده شده .

و دیگر مکتوبیست از پاریس که بقلم آقای میرزا محمد خان قزوینی در جواب آقای میر محمد حسین حسینی مدیر مجله نوشته شده است . (برای اطلاع از مکتوب باصل شماره رجوع شود)

آبونمان یکساله مجله در طهران ۲ تومان و در ولایات داخله ۲۲ قران و تنك

شماره ۵ قران است. محل اداره مجله: طهران. خیابان مولوی. تلفن نمبر ۲۸۷. از سال دوم مجله علوم مالیه و اقتصاد یش از يك مجله که مشتمل بر شماره اول و دوم بوده منتشر نشده و برای همیشه این مجله نفیس و مفید تعطیل گردیده است بنا بر این از مجله علوم مالیه و اقتصاد چهار شماره در سال اول و دو شماره در سال دوم بشرحیکه مذکور افتاد منتشر شده و بعد تعطیل شده است.

میرزا ابوالحسن خان دیبا - مرحوم دیبا ملقب به ثقة الدوله چندی معاون اداره کل تجارت بود و زمانی در دربار مرحوم رضا شاه فقید خدمت میکرد و عاقبت مورد سوء ظن واقع گردید بشرحیکه در جراید نوشته شده در شهر ملایر مسموم و بقتل رسید. و امامدیر مجله حسابی همان مرحوم میرمحمد حسین خان حسابی است.

(۸۲۷) علیگر

ظاهر آروزنامه بنام علیگر بزبان فارسی در کلکته هندوستان منتشر شده است.

(۸۲۸) عنکبوت

روزنامه عنکبوت در تبریز بمدیری (میرزا باقر نطق) در ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز آن از تصویب شورای عالی معارف گذشته است. مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان صفحه ۴۱۲ در باره روزنامه عنکبوت مینویسد: « عنکبوت روزنامه هزلی هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سربی مصور بمدیریت باقر نطق در ۵-۱۳۴۳» از شرح مذکور معلوم میشود این روزنامه لا اقل برای مدت دو سال منتشر میشده ولی متأسفانه نگارنده نمونه از آنرا در دست ندارد. در شماره ششم سال دوم مجله عرفان چاپ اصفهان، مورخ ۲۲ دیماه ۱۳۰۵ شمسی مینویسد:

« روزنامه عنکبوت بابت امرور پس از توقیفهای متوالی رسید از تجدید انتشار آن خوشوقت گشتیم.»
آقای باقر نطق مدیر روزنامه عنکبوت ریزنامه‌های دیگری باسم شمال غرب و طلیمه سعادت در تبریز منتشر نموده است.

(۸۲۹) عنقا

مجله عنقا در شهر اصفهان بمدیر مسئولی (شیخ اسدالله گلپایگانی. ایزدکشب) تأسیس و شماره اول آن در ۱۸ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سربی (شرکت امامی) طبع و در اول فروردین ۱۳۰۵ شمسی مطابق پنجم رمضان ۱۳۴۴ قمری منتشر شده است. با اینکه امتیاز مجله عنقا در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته ولی انتشار آن تا فروردین سال بعد بتأخیر افتاده است.

مجله عنقا هر ماه شمسی یکمرتبه طبع و توزیع میشده ولی دوره سالیانه آن چنانکه در عنوان مجله نوشته شده ده شماره بوده است محل اداره: اصفهان. کوچه

مسجد علی . منزل شخصی مدیر . عنوان تلگرافی : عقبا . وجہ اشتراک مجلہ : سالیانہ ۳۰ قران . خارجہ ۳۵ قران . ششماہہ ۲۰ قران . رنجبران و ارباب معارف مخصوصاً معلمین مدارس و شاگردان خمس آہونہ تخفیف دادہ میشود . قیمت اعلان و لواہج خصوصی بادفترادارہ است . تک نمرہ دو قران .

عقبا قسمیکہ در عنوان ہر شمارہ معرفی شدہ مجموعہ ایست علمی - اخلاقی - ادبی فکاهی - اجتماعی ولی بیشتر مندرجات آن مطالب اخلاقی و ادبی و فلسفی است . فہرست مندرجات شمارہ ہای اول سال اول و دوم مجلہ کہ ذیلا نقل میکنیم مطلب را بخوبی آشکار مینماید . فہرست مندرجات شمارہ اول : در اطراف عقبا - سیرغ - قسمت فلسفی تأثیر نوابغ و شعرا در اجتماع - دیانت و لزوم آن - اثر لافوتنن (خورجن) . فہرست مندرجات شمارہ اول سال دوم : جمال چیست ؟ چرا ما اشیاء جمیلہ را دوست داریم ؟ شرح حال فیلسوف اعظم ملا صدرا - فواید رورہ یا کشف بک حکمت از احکام اسلامی قصیدہ فلسفی و اخلاقی .

سر لوحہ مجلہ عبارت از خورشید تابانست کہ از پشت کویہ بیرون آمدہ و در بالای آن فرہ و ہر با دو بال کشیدہ قرار گرفتہ و در زیر این سر لوحہ اسم مجلہ بخط نستعلیق نوشتہ شدہ است . طبق نامہ کہ مدیر مجلہ در تاریخ ۱۵ شہریور ۱۳۱۹ شمسی بنگارندہ این سطور مرقوم فرمودہ و مشتمل بر قسمتی از شرح حال خود و توضیحاتی در بارہ انتشار مجلہ عقبا میباشد ، رو بہ فرستہ ۱۲ شمارہ از این مجلہ بیشتر منتشر نگردیدہ و مجلہ برای ہمیشہ تعطیل گردیدہ است . از این دوازدہ شمارہ ، دہ شمارہ آن متعلق بسال اول و دو شمارہ مربوط بسال دوم مجلہ است . شمارہ اول سال دوم در فروردین و شمارہ دوم در اردیہشت ۱۳۰۶ شمسی منتشر گردیدہ است . چند تن از شعرا ی اصفہان اشعاری در تالیس و انتشار عقبا سرودہ کہ بعضی از آنہارا از شمارہ اول مجلہ نقل مینمائیم . آقای عبدالعزیز ہمت یار سرودہ اند :

تعالی اللہ تعالی اللہ کہ عقبا
چو شمس از قاف دانش شد ہویدا .
برای سال طبعش گفت (نیکو)
دل سیرغ شد تاریخ : عقبا .

۱۳۴۴

آقا محمد جعفر رجائی قطعہ سرودہ کہ چند شعر آخر آن چنین است :
گر بپرسی از مدیر آن بود نامش اسد
بوعلی سینای ثانی مولدش گلپایگان
خواہم تاریخ نشر این مجلہ از خرد
تادری آید بکف از بحر طبع بیکران
بابل طبع رجائی در میان آورد سر
گفت یا بشری شدہ عقبا ہویدا در جہان

مدیر مجلہ نیز برای مجلہ خود مادہ تاریخ زیر را سرودہ است :

بر جہالت چیرہ آمد جیش علم
ہمچو پورا بتین بر بیور اسب .
شد بقرن بیستم عقبا پدید
بہر تاریخش سرودا بزد گشب .
سال شمسی در نظر بگرفت شمس
گفت (مرغ کویہ دل) اورا نحب .

۱۳۰۵

شیخ اسداللہ ایزد گشسب . اسداللہ ایزد گشسب اصلاً گلپایگانی ولی ساکن اصفہان بود . تخلص شعری او شمس نام خانوادگیش ایزدگشسب است . کلمہ گشسب بمعنی اشراق است چون گشسبی اشراقی را گویند و بمعنی پرست ہم ہست پس ایزدگشسب بمعنی ایزد پرست میباشد . مرحوم شیخ اسداللہ در سال ۱۲۶۲ شمسی در گلپایگان بدنیہ آمدہ و پس از سکونت در اصفہان بکسب فضایل و معلومات فارسی و عربی پرداختہ و نزد فضلاء عصر بتحصیل علوم معقول و مقول اشتغال ورزیدہ تا اینکه در علوم دین موفق بتحصیل اجازاتی گردیدہ است . مدتی در فرهنگ اصفہان بمدیری دبستان حکمت و چندی ہم دیر دیرستانہا بود مرحوم ایزدگشسب مردی وارستہ و دارای فضایل اخلاقی و در سلمک تصوف بمقام مرشدی رسیدہ بود وی از پیروان حاج ملاسلطانعلی گنابادی



ایزد گشسب

و در اصفہان ادارہ این سلسلہ بمہدہ او یعنی شیخ گنابادیہا بود . وفاتش در شب جمعہ ۵ جمادی الاول ۱۳۶۶ قمری در اصفہان اتفاق افتاد و جنازہ او را در تخت فولاد بجاک سپردند .

و از وی فرزند برومندی باقیمانده کہ در دانشکدہ حقوق تحصیل مینماید . مرحوم ایزد گشسب علاوہ بر انتشار مجلہ عقا چند رسالہ و کتاب نیز تألیف و منتشر نمودہ است : ۱ - نورالابصار در احوالات نور علیشاہ اصفہانی . ۲ - جذبات الہیہ کہ منتخبی است از دیوان شمس تبریزی . ۳ - شمس التواریخ ۴ - نامہ سخنوران . اسامی مؤلفات ایشان را بہ تفصیل در کتاب رجال اصفہان ذکر کردہ است .

(۸۳۰) عہد آزادی

در کتاب تاریخ ادبیات معاصر تألیف آقای رشید یاسمی اسم روزنامہ عہد آزادی در جزو سایر جراید ذکر شدہ و نگارندہ بیش از اینہم از آن اطلاعی ندارم .

(۸۳۱) عہد انقلاب

روزنامہ عہد انقلاب بصاحب امتیازی و مدیر مسئول (میرزا آقاخان ہمدانی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شدہ است . روزنامہ عہد انقلاب دنبالہ روزنامہ عصر انقلاب است کہ پس از توقیف روزنامہ مذکور در کابینہ عین الدولہ بنام عہد انقلاب منتشر گردیدہ . توضیح مطلب اینکہ پس از انتشار شمارہ ۲۹ سال اول عصر انقلاب مورخ چہارشنبہ ۱۸ رجب ۱۳۳۳ قمری کہ در آن مقالہ تحت عنوان (اسلام و وضعیت کنونی دنیا - عثمانی و جنگ) نوشتہ شدہ ، روزنامہ مدتی توقیف و مجدداً در تاریخ سہ شنبہ ۱۰ ذیقعدہ ۱۳۳۳ قمری مطابق ۲۹ سنبلہ و ۲۱ سبتمبر

۱۹۱۵ میلادی بنام عہد انقلاب چاپ و منتشر شدہ و بنا بر این شماره اول عہد انقلاب در تاریخ سہ شنبہ ۱۰ ذی قعدہ ۱۳۳۳ قمری توزیع گردیدہ است .

مقالہ افتتاحی این شماره تحت عنوان (سپاس یزدان پاک) و خلاصہ آن چنین است : « در این ایام تیرہ و تار سپاس یردان را کہ مجدداً قلم را بدست ما دادہ وما نیز تا زندہ ایم از ایران وطن خود در این عہد انقلاب فرو گذاری نمیکنیم . توقیف عصر انقلاب در کابینہ شوم عین الدولہ کہ طرفدار روس وانگلیس است و جز حقیقت گوئی و مغالفت با عین الدولہ از همان اول چیز دیگری نینوشت و از اینرو عین الدولہ کہ معتقد بود روزنامہ ہا چہ حق دارند در سیاست دخالت کنند روزنامہ عہد انقلاب را توقیف نمود ولی بجای آن عہد انقلاب با همان مرام و مسلک بجای روزنامہ توقیف شدہ منتشر میشود گرچہ از سابق امتیاز عہد انقلاب را داشتہ ایم ولی این مدت بواسطہ کسالت مدیر و برخی موانع دیگر انتشارش بتاخیر افتادہ و اکنون منتشر میگردد . » ہما قسم کہ یاد آور شدیم این شماره ، شماره اول عہد انقلاب و شماره ۳۰ عصر انقلاب است محل ادارہ و قیمت اشتراک و قطع روزنامہ عموماً مانند پیش یعنی مثل روزنامہ عصر انقلاب میباشد و بنا بر این برای اطلاع از خصوصیات روزنامہ بحرف عین کلمہ عصر انقلاب مراجعہ شود . تنہا تغییری کہ در روزنامہ دادہ شدہ روزہای انتشار است یعنی عہد انقلاب روز ہای سہ شنبہ و جمعہ نشر میشدہ است . نگارندہ ، فعلاً تا شماره ۱۱ - ۴۰ این روزنامہ را کہ در تاریخ ۱۵ عترب توشقان مطابق دوشنبہ ۲۹ ذی قعدہ ۱۳۳۳ قمری منتشر گردیدہ در دست دارم . روزنامہ عہد انقلاب پس از مدتی تعطیل و بشرحیکہ جداگانہ ذکر خواهیم کرد مجدداً منتشر شدہ است .

پس از آنکہ روزنامہ عہد انقلاب مدتی تعطیل بود مجدداً بصاحب امتیازی (میرزا آقا خان فریور) و نگارندگی آقای (سعید نقیسی) در طهران در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شدہ است .

پس از آنکہ شماره اول روز نامہ امید بدبیری آقای (سعید نقیسی) در تاریخ سہ شنبہ ۱۱ سرطان ۱۳۰۲ انتشار یافت روزنامہ توقیف گردید و بجای شماره دوم روزنامہ امید روز نامہ عہد انقلاب منتشر گشت و لذا این شماره عہد انقلاب ، شماره دوم میباشد . پس از این توضیح بذکر خصوصیات روزنامہ عہد انقلاب میردازیم . ہما قسم کہ یاد آور شدیم عہد انقلاب بصاحب امتیازی میرزا آقا خان فریور کہ همان میرزا آقا خان ہمدانی است و بمؤسسہ و نگارندگی آقای سعید نقیسی در طهران منتشر شدہ و شماره اول آن کہ دوم امید است در چہار صفحہ بقطع بزرگ در مطبعہ بوسفور شعبہ ۳ چاپ و در تاریخ پنجشنبہ ۱۳ سرطان ۱۳۰۲ مطابق ۲۰ ذی قعدہ ۱۳۴۱ قمری و ۵ ژوئہ ۱۹۲۳ میلادی منتشر گردیدہ . قیمت اشتراک روز نامہ : ایران ہشت تومان خارجہ نہ تومان . قیمت ہر شماره ہشت شاهی . محل ادارہ : طهران . خیابان علاء الدولہ ادارہ شفق سرخ . طرز انتشار آن ہفتہ دو روز روزہان سہ شنبہ و پنجشنبہ بودہ است . سرمقالہ شماره اول آن تحت عنوان (یغماگری بلدیہ طهران) بدینقسم شروع میگردد :

« همه چیز در این مملکت موضوع خود را از دست می‌دهد. ادارات و مؤسسات عمومی وسیله استفاده اشخاص میشوند.... »

پاورقی روزنامه که در صفحه سوم چاپ شده ترجمه قطعه (ژارژای نزد خدا . اثر الفونس دوده) میباشد. در صفحه چهارم علاوه بر اخبار خارجه مطالبی از مطبوعات ایران نیز نقل شده است. پاورقی شماره چهارم روزنامه ترجمه (آخرین درس اثر - الفونس دوده) است. سرمقاله های روزنامه عهد انقلاب عموماً بقلم آقای سعید نفیسی و بامضای ایشان است. نگارنده فعلاً تا شماره هفت عهد انقلاب مورخ سه شنبه اول اسد ۱۳۰۲ مطابق نه ذیحجه ۱۳۴۱ رادر دست دارم.

برای اطلاع بیشتری از روزنامه عهد انقلاب و شرح حال آقای سعید نفیسی و میرزا آقاخان فریار رجوع شود بجلد اول کتاب کلمه امید و مجلدات سوم و چهارم کتاب ذیل کلمات (شرق) و عصر انقلاب.

(۸۳۲) عهد ترقی

مجله عهد ترقی در طهران بدیرمسئولی (ح. ر.) و بهمت (جمعی از معارف پروران) تأسیس و در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است. شماره اول مجله عهد ترقی در ۲۰ صفحه بقطع وزیری کوچک طبع و در تاریخ غره شعبان مطابق ۲۴ جوزا ۱۳۳۳ قمری انتشار یافته. قیمت اشتراك مجله: طهران یکساله ۱۲ قران. ششماهه هفت قران. ولایات یکساله ۱۵ قران. ششماهه ۸ قران. عنوان مراسلات: خدمت مدیر مسئول عهد ترقی اداره روزنامه نوبهار. تک نمره یکقران.

عهد ترقی مجله ایست ماهیانه و روی جلد آن علاوه بر اسم مجله (عهد ترقی) و سال تأسیس (۱۳۳۳) و فهرست مندرجات، تصاویری از اختراعات عصر جدید از قبیل تلفون، هواپیما، خط آهن و غیره رسم شده است. برای اطلاع از نوع مندرجات و سبک مجله بهتر آنست مقاله افتتاحی آنرا که در صفحه اول شماره اول چاپ شده عیناً نقل نمائیم: « باسه . مقصد ما . »

بچه کار آبدت ز گل طبعی از گلستان من بیر ورقسی
گل همین، پنج روزوشش باشد وین گلستان همیشه خوش باشد

آغار سخن بنام یکتا خداوندی شروع نموده که ناطقه بما عطا فرموده تا بتوانیم بگوئیم. این حکم کلی و عمومی است که در دنیا هر موجودی بفرخور حبال خویش بسایر موجودات و مخلوقات خدمت مینماید. درحوزه اجتماعی هم بدین منوال هر کس را آنچه درخور امکان آید از دیگران مضایقه ننماید، دست بدست هم داده امور دنیوی را ازبیش میبرند. اهم این خدمات که شخص میتواند بهموطنان و برادران خود بکند توسعه و انتشار معارف در آن مملکت میباشد. مسئله معاوف را اهمیت باندازه ایست که مارا یارای بیان فواید و منافع آن نیست. همیشه قدر میتوانیم بگوئیم ترقی و تعالی هر مملکت، ثروت و دولت هر ملت بسته بمعارف است ۰۰۰۰۰ یکی از وسائلی که بیشتر

بتوسعہ معارف کمک میکند طبع و توزیع اوراق و مجلات بین مردم میباشد زیرا آنانکه فراغت ندارند کہ تحصیل نمایند و در کودکی ایشان را میسر نشده بخوبی دانش آموزند این مجلات و اوراق از چگونگی معلومات بطوریکہ اسباب کسالت نگردد بیان مینماید و میتوانند از آن بهره وافق ببرند. اوراق فقط منحصر بر روزنامہ های پلتیکی و اخباری نیست بلکہ مجلات علمی ہم لازم است. پس بحکم این مقدمات بنام یزدان پاک و خواجہ لولاک محمد بن عبد اللہ صلی الہ علیہ وآلہ و باسماحت شاهنشاه معرفت خواه دل آگاہ سلطان احمد شاه قاجار کہ دانش دوست و خود دانا بمعلومات امروزی است. ما یک مشت جوانان ایرانی کہ بفراخور حال خویش خدمتی از این بیش نتوانیم کرد، قدم در میدان ہمت گذارده و بطبع و توزیع این مجلہ ہمت میگماریم. مجلہ ما (عہد ترقی) مجلہ ایست علمی، ادبی، صنعتی، تاریخی، جغرافیائی، ہندی اخلاقی و مصور کہ برادران را از این معلومات می آگاہاند. شربت دانش و بینش را بآنان میچشانند، در ترویج زبان پارسی جدیدی بخصوص دارد و حتی التوہ در احیای آن سعی است. چون در این اوان نسوان محترم پابدایرہ معرفت نہادہ اند قسمتی را راجع بخانہ داری، نگاہداری اطفال و سایر امور زنانگی نموده است. علاوہ بر اینہا امتیازی کہ دارد آنکہ شرح احوال نامیان بزرگ و دانشمندان سترک را در ہر شمارہ در قسمتی بیان مینماید و صفحاتش را بتصویر آنان مزین میسارد. مجلہ ما را مسلک بیطرفی است و در امور سیاسی هیچگونہ مداخلہ ندارد تنها مقصدش نشر علم و معارف است و یگانہ نیتش اطلاع بر اوضاع معلومات و صنایع کسانیکہ بخیرداری این مجلہ ہمت میگمارند در آخر کتابی دارند کہ کلیاتی از علوم و صنایع میباشد. امید داریم بہمت برادران ایرانی نژاد و مسلمانان پاک نہاد این مجلہ در طرق ترقی روان و از عہدہ ایفای آن برآید.

پس از سرمقالہ مذکور، مقالہ دیگری بعنوان (قرون معروفہ تاریخی) درج شدہ است.

فہرست مندرجات ہر شمارہ در پشت جلد مجلہ چاپ شدہ. فہرست مندرجات شمارہ اول از این قرار است: مقصد ما - قرون معروفہ تاریخی - حفر ترعہ سویس - اسفنج و طریقہ صید آن - آسمان پیمائی - ادبیات (زارع). مردن اطفال و جلو گیری از آن - میزان الرطوبہ کاغذی - اسرار فنیہ - تراجم مشاہیر (اراکو).

فہرست مندرجات شمارہ دوم: موازنہ اروپائی - شکار در عالم حیوانات - آسمان پیمائی - ادبیات (نعم الانقلاب). راجع بنسوان - مردن اطفال و جلو گیری از آن - فنون و صنایع - بقای روح - مردن قدم در زندگی حقیقی گذاردنت.

ہماقسم کہ قبلا اشارہ کردیم مجلہ عہد ترقی بہمت جمعی از معارف دوستان تأسیس شدہ در شمارہ اول اسمی از مدیر و صاحب امتیاز مجلہ نیست ولی در شمارہ دوم در پایان صحنہ آخر در جائیکہ شرحی بعنوان (اعتذار) نوشتہ امضای (ح. ر) بنام مدیر مسئول دیدہ میشود و این امضا میرساند کہ علامت اختصاری نام مدیر مسئول مجلہ (ح. ر) است. در شمارہ اول مجلہ پروین کہ ذکر از این مجلہ نموده نوشتہ است

حرف عین بعده الهاء عهد ترقی، عهد تجدد، عهد جدید، غربال، غرب ایران

مجله عهد ترقی راهیتی از معارف پروران در طهران منتشر نموده اند .
شماره دوم مجله در غره رمضان مطابق ۲۲ سرطان و شماره سوم در غره شوال مطابق ۲۱ اسد ۱۳۳۳ قمری بهمان سبک و قطع شماره اول منتشر گردیده است .
محل اداره مجله : اداره روزنامه نوبهار - عنوان مراسلات : خدمت مدیر مسئول عهد ترقی . اداره نوبهار . طهران . شمار مجله که در هر شماره روی جلد آن چاپ شده این شعر معروف است : « کسب کمال کن که عزیز جهان شوی . » محل طبع مجله مطبعه سربی کلیه بیان طهران . و هر صفحه مجله مشتمل بر دو ستون است . برای اطلاع از قسمت ادبی مجله این چند شعر اثر طبع پر توراک که در شماره دوم بعنوان (نعم الاقلاب ولو علینا) چاپ شده نقل مینمائیم :

بنک آمد دلم زین زندگی ای مرک تعجیلی	زیک رنگی بجان آمد تحمل چرخ تبدیلی
مرا جسمی است چون کاه ولی بار غم کوهی	فزونتر طاقتی نبود مرا ای غصه تقلیلی .
ستم بر خستگان تا چند ایگر دون دون پرور	ز نیکی لفظ ماندی در جهان از جور تعطیلی
چسان این آتش غم را بدل پنهان کنم یارب	زبان را نیست یارائی بده ایخامه تفصیلی
علاج غم مگر از عشق جوید بر تو محزون	که جور یار به کز رور گار ای عشق تکمیلی

(۸۳۳) عهد تجدد

روزنامه عهد تجدد در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران بطور روزانه تأسیس و منتشر شده است .

(۸۳۴) عهد جدید

در سال ۱۲۹۴ شمسی روزنامه عهد جدید در طهران بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

حرف الفین

(۸۳۵) غربال

امتیاز روزنامه غربال در طهران بدیری (غلامحسین خان نوری) در تاریخ قوس ۱۳۰۳ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است . نگارنده تاکنون نمونه این روزنامه را بدست نیاورده ولی ظاهراً بطور هفتگی منتشر شده است .

(۸۳۶) غرب ایران

روزنامه غرب ایران در ذیحجه ۱۳۳۵ قمری در شهر کرمانشاه تأسیس و منتشر شده است . در شماره ۳۷ سال نهم روزنامه وطن مورخ سه شنبه ۲۸ ذیحجه ۱۳۳۵ قمری شرحی راجع بطلوع روزنامه بدینقسم نوشته است : « طلوع . جریده فریده غرب ایران که بتازگی در کرمانشاهان بطبع میرسد با اسلوبی و نگارشات محکم شماره اول آن با اداره رسیده است و عالم معارف غرب را روحی تازه بخشیده ماموقهت کارکنان آن اداره محترم راهمیشه مسئلت مینمائیم . »

(۸۳۷) غرب ایران

بغیر از روزنامه غرب ایران که در کرمانشاهان منتشر میشده روزنامه دیگری بهین نام در طهران در سال ۱۳۰۲ شمسی تأسیس و هفته دو بار منتشر شده است .

(۸۳۸) غرش

روزنامه غرش در شهر اصفهان بدبیری آقای (محمد باقر توپسرکانی) در سال ۱۲۹۹ شمسی تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است .

(۸۳۹) غیرت

روزنامه غیرت باطبع ژلاتینی در سال ۲۰ - ۱۳۱۹ قمری در طهران بوسیله يك انجمن سری تأسیس و منتشر شده است . اعضاء عمده این انجمن که بر علیه امین السلطان شده عبارت بودند از شیخ عبدالعلی موبد ، میرزا محمد علیخان ، حاج میرزا حسن رشیدی و شیخ یحیی کاشانی . در حقیقت روزنامه غیرت ارگان این انجمن سری بوده است . از انجمن مذکور در ذیل روزنامه ایران امروز ، در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران نیز ذکری بمیان آمده است .

(۸۴۰) غیرت کربلا

روزنامه غیرت کربلا در شهر کربلا بزبان فارسی تأسیس و در سال ۱۳۳۴ قمری منتشر شده است . گرچه در این روزنامه اسمی از مدیر و نویسنده آن درین نیست ولی در عنوان آن در زیر عنوان مکاتبات نوشته است : «سالن استخبارات حاجی میرزا علی شیرازی مدیر مظفری» و چون بشرحیکه بمدا در حرف میم کتاب ذیل روزنامه مظفری یاد آور میشویم که مدیر مظفری بخارج ایران تبعید گردیده و در سال مذکور در کربلا و نجف بوده و مخصوصاً که نامبرده با انگلیسها که مسبب تبعید او بوده شدیداً خصومت داشته و این روزنامه نیز بر علیه سیاست انگلستان در جنگ بین الملل اول است لذا احتمال قوی میرود یعنی بطور قطع مدیر و نویسنده روزنامه غیرت همان آقای میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفریست بهر صورت خصوصیات روزنامه غیرت چاپ کربلا بدینقرار است :

شماره سوم روزنامه غیرت بشکل کتابچه چهار صفحه ای بقطع خشتی که صفحه اول و چهارم آن سفید و دو صفحه داخل یعنی صفحات دو و سه با چاپ سنگی مط لبی بخط ریز نستعلیق و درهم و برهم طبع و در تاریخ اول رجب ۱۳۳۴ قمری منتشر شده در عنوان روزنامه علاوه بر اسم روزنامه (غیرت کربلا) و تاریخ انتشار آن ، در یکطرف قیمت اشتراک و در طرف دیگر خصوصیات دیگر روزنامه چاپ شده و اما قیمت اشتراک بدینقسم است : «مادام العمر سالانه ششماه در تمام ممالک اسلام خواندن

وفہمیدن و در راه خدمت اسلام و بقای استقلال دولت ایران بجدیت و راستی قدم زدند در ممالک خارجه - حفظ مراتب ایرانیّت . قیمت تک نمره بعد از خواندن بدیگری دادن . « این قیمت اشتراک روزنامه است و اما خصوصیات دیگر روزنامه : محل اداره کربلائی معلی . درمیدان . عنوان مکاتبات : سالون استخبارات - حاجی میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری . عنوان تلگرافات : کربلا - مظفری .

در زیر عنوان روزنامه چند شعر و یکسطر نثر بدینقرار نوشته شده . اشعار :
 های ۰۰۰ باناموس مردان وطن • دست غیرآلوده دامان وطن • مادر مظلوم ما ایرانیان • گوید او بانوجوانان وطن • همان بی ناموس فرزندان من • دست غیرآلوده بر دامان من •

قسمت نثر : « این ورقه در این ایام که یوم الامتحان است بیادگار خدمت خدام و خیانت خائنین که هر یک در موارد خود امتحان داده اند طبع میشود . »

روزنامه غیرت در مطبعه سنگی بخط خیلی ریز و درهم برهم ولی بسمیکه مندرجات آن بخوبی قرائت میشود طبع شده و با اینکه بیش از دو صفحه نیست و هر صفحه آن مشتمل بر درستون میباشد ، مطالب آن زیاد و علاوه بر آنچه در متن نوشته در حواشی صفحات نیز مطالبی بخط ریز چاپ شده است . منظور از تأسیس و نشر روزنامه غیرت تحریک ایرانیان بر علیه مقاصد استعمار طلبانه روس و انگلیس در ایران و عراق و بخصوص در کربلا و نظیر روزنامه انتقام بوده است .

مندرجات روزنامه بیشتر مقالات مہیجی است که بمنظور بیداری ایرانیان و طرفداری از دولت مسلمان عثمانی در جنگ بین الملل نگاشته شده و در همین شماره نمونه مقاله ایست بقلم یکی از سیاسی دانہای نجف تحت عنوان : « درکارهای امروز اشخاص جدی راستگو لازم است » و نیز تحت عنوان (نصر من الله و فتح قریب و بشیر المؤمنین) اخبار شکست انگلیسها را در تنگه داردانل و محاصره کوت العماره که چهار ماه و بیست روز طول کشیده و اخبار فتح این نواحی بدست عثمانیان و اعراب درج شده است . و خلاصه اینکه منظور اصلی از نشر این روزنامه درج اخبار تبلیغاتی عثمانیها و متحدین آنها بوده است . از روزنامه غیرت کربلا فعلا تا همین شماره سوم در دست است و جای تعجب است که با اینکه مطالب روزنامه زیاد و خیلی ریز نوشته شده چرا دو صفحه آن سفید گذاشته و چاپ نشده است . شرح احوال میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری بتفصیل در حرف میم کتاب در ذیل روزنامه مظفری ذکر خواهد شد .

حرف الفاء

(۸۴۱) فارسی

روزنامه فارس در شهر شیراز بدبیری مرحوم میرزا آقا فرصت (فرضت الدوله شیرازی) تأسیس و در سال ۱۳۳۱ قمری منتشر شده است . شماره اول روزنامه در

آغاز جمادی ۱۳۳۱ قمری و شماره‌های ۴، ۵، ۶، ۷ از سال پنجم آن در برج اسد و شماره‌های ۸، ۹، ۱۰ این سال روزنامه در برج سنبله و شماره‌های ۱۱، ۱۲ آن در برج میزان و شماره‌های ۱۳، ۱۶ آن در برج قوس سال ۱۲۹۹ شمسی انتشار یافته و بهمین جا دوره ووزنامه فارس خاتمه پیدا کرده است. روزنامه فارس مدتی تحت نظر آقای فضل‌الله خان بنان منشی قنصلخانه در شیراز اداره میشده است.

در پاورقی روزنامه فارس کتاب (اشعه شعاعیه) تألیف آقای میرزا محمد حسین شعاع‌الملک که تذکره ایست از حالات شعراء معاصر و اشعار منتخبه آنها و کتاب (رهنمای جوانان) تألیف دکتر استال امریکائی ترجمه آقای پرتو شیرازی بطبع رسیده است. لازم است یادآور شویم که روزنامه که مرحوم میرزاتقی خان کاشانی در شیراز بزبان فارسی و عربی منتشر نموده بنام (الفارس) بوده و بعضی مسانند مرحوم برون اشتباهاً آنرا بنام (فارس) ضبط کرده اند. وما در جلد اول کتاب بتفصیل از روزنامه الفارس گفتگو نموده ایم.

فرصت الدوله شیرازی - میرزا محمد نصیرحسینی ملقب بمیرزا آقا ابن میرزا جعفر ابن میرزا کاظم ابن الحکیم میرزا نصیر. فرصت در سال ۱۲۷۱ در شیراز متولد شده و از آغاز عهد بلوغ نامدتی علوم متداول عصر خود را از قبیل نحو و صرف و منطق و حکمت و حساب و هندسه و اصطراب فرا گرفته تا اینکه ادیبی کامل و آریبی فاضل گردیده است. استادش شیخ مفید در حق او میفرماید.

فرصت آن شمع جمع اهل هنر
فلسوفان دهر را شاید
که ندارد قرین ز نوع بشر
که ز فضل و هنر شود رهبر

اکثر تحصیلات آنجناب نزد شیخ بزرگوار مفید بوده و علاوه بر علوم مذکور خامه اش در فنون صورتگری سحر آمیزین است وی درجائی از تألیفات خود مینویسد که مدار معیشت از نناشی است و گرنه هرگز از اعیان و اشراف مراسودی نیست. نام بعضی از تألیفات او بدینقرار است: کتاب دریای کبیر. اشکال المیزان. بحور الالغان.
منشآت شر. دیوان اشعار قریب ده هزار بیت از قصاید و غزلیات و ترجمات و مسطحات و رباعیات. دیگر آثار عجم.

(۸۴۲) فارسنامه

در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ فارس مینویسد: «در سال ۱۳۰۳ شمسی آقای (حسنت‌الممالک) مؤسس جریده گفتار راست روزنامه فارسنامه را در شیراز منتشر ساخت و در فهرست امتیازات جراید و مجلات ضمیمه شماره ۷ و ۸ سال دوم مجله تعلیم و تربیت می نویسد در ۴ قوس ۱۳۰۳ امتیاز روزنامه فارسنامه با آقای حسنعلیخان حسنت‌الممالک در شورا عالی معارف تصویب گردید.

و این روزنامه فارسنامه غیر از روزنامه فارسنامه است که در شیراز در سال ۱۳۰۴ شمسی بمدیری آقای حسام زده پارارگاد مدیر خورشید ایران تأسیس و منتشر

گردیده و ما از روزنامه پارسنامه در جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو کرده و برای آن عنوان علیحده قرار داده ایم .

(۸۴۳) فرج بعد از شدت

روزنامه فرج بعد از شدت در اصفهان بمدیری (آقا میرزا نورالدین مجلسی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده . این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ در مطبعه سنکی فرهنگ واقع در بازار سراجهای اصفهان طبع و ماهیانه سه نمره یعنی هر ده روز یکمرتبه توزیع شده است .

شماره اول روزنامه فرج بعد از شدت در شهر شعبان ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و پس از انتشار سه شماره بعثت تأسیس انجمن بلدیة در اصفهان اسم روزنامه تبدیل به (انجمن بلدیة و فرج بعد از شدت) گردیده است . راجع باین تغییر اسم شرحی در شماره چهارم روزنامه مورخ رمضان ۱۳۲۵ قمری ذکر نموده که برای توضیح مطلب عین آنرا ذیلا نقل مینمائیم .

چون این جریده ابتدا باسم فرج بعد از شدت موسوم شد و بعد از بطح رسیدن نمره اول آن انجمن مقدس بلدیة اصفهان بکوری چشم دشمنان و مستبدین بر پا شد و چون این بنده عضویت در آن انجمن داشتم اعضای انجمن مقدس که تمام از علما و از بزرگان و اعیان و اشراف میباشند و همچنین رئیس انجمن مقدس آقای وثیق الملک تکلیف فرمودند که چون از این تاریخ بیعد این انجمن مقدس لابد باید جریده مخصوص داشته باشد که آنچه مذاکره میشود همه روره در انجمن در آن جریده درج شود لهذا بهتر این است که این جریده موسوم بانجمن بلدیة شود از اینجهت اسم آنرا انجمن بلدیة قرار دادیم و آنچه راجع بآبادی مملکت و ترقی ملت است باسم فرج بعد از شدت درج شود لهذا ابتدا میکنیم بانجمن بلدیة روز سه شنبه سلخ شعبان ۱۳۰۰»

در شماره پنجم نیز اسم (انجمن بلدیة فرج بعد از شدت) برای روزنامه محفوظ مانده ولی از شماره شش فرج بعد از شدت ار اسم روزنامه حذف و روزنامه تنها بنام (انجمن بلدیة) منتشر شده است . بنا بر این روزنامه فرج بعد از شدت باین نام بیش از سه شماه منتشر نگردیده و شماره چهار و پنج باسم انجمن بلدیة و فرج بعد از شدت انتشار یافته و از شماره ششم بیعد منحصراً باسم (انجمن بلدیة) منتشر شده است . برای اطلاع از شماره ششم بیعد باید بجلد اول کتاب ذیل انجمن بلدیة مراجعه شود . مندرجات فرج بعد از شدت بیشتر مقالاتیست بقلم مدیر روزنامه راجع بقواید مشروطیت و مضار استبداد و از شماره چهار بیعد که روز نامه ارگان انجمن بلدیة شده بیشتر مندرجات روزنامه مذاکرات و احکام انجمن بلدیة میباشد .

مقاله افتتاحی روزنامه که در آن اسامی بعضی از جراید آن ایام ذکر شده بدینقرار است : «حمد بیعد و ثنای بیعد مر خداوندی را سزد که جبل التین اسلام را بمجلس ملی محکم گردانید و ندای عدالت از صور اسرافیل دمید تا سرمایه دانش بگوش اهل معارف

رسید و کوكب دری را بخانه شرف کشانید تا ندای وطن را بگوش اهل تربیت رسانید و اهل دانش را برفواید عامه داشت تا پرورش ابنای وطن را بهتر از جهاد اکبر دانند و وصف الجمال شرافت را بشریا رسانند و انسان را از میان تمام مخلوقات برگزید و او را بعقل و علم از سایر حیوانات برتری داد و در حقش ولقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم فرمود و مشرف و بتشریف ولقد کرّمنا بنی آدم نمود و بعضی را برتری و شرف داد بسایرین بواسطه علم و در حق آنها فرمود هل یتوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون و هم چنین فرمود.....»

مقاله مذکور فهرستی از جرایم منتشره صدر مشروطیت ایران است. در همین شماره مقاله بعنوان (مناظره مشروطه با استبداد) بطبع رسیده است. و این مقاله بدینقسم شروع میشود: «روزی مشروطه که جوانی است در کمال خوشگلی و خوشروئی که تازه در پشت لبهای او موهای نازک روئیده عنابه سفید کوچکی بر سر.....» در زیر عنوان روزنامه فرج بعد از شدت بدینقسم معرفی شده است: «در این جریده از کلیه مطالب نافه بحال عامه خلق بحث میشود مراسلات بدون اسم و امضا درج نخواهد شد.»

وجه اشتراك روزنامه سالیانه در اصفهان دوازده قران . شش ماهه شش قران سایر بلاد ایران : پانزده قران و هفت قران ونیم . هندوستان و افغانستان چهار روپیه و دو روپیه . تمام اروپا و عثمانی و مصر : هشت فرانك و چهار فرانك . قیمت هر نسخه صد دینار . وجه اشتراك بعد از ارسال چهار نمره يك قسط گرفته میشود .
اعلامات سطری دهشاهی . اوایح مجاناً درج میشود . محل توزیع : معله شمس آباد اصفهان . منزل مدیر جریده . روزنامه بخط نستعلیق بسیار خوب و کاتب آن (المبد مصطنی) امضا مینماید .

از امتیازات روزنامه فرج بعد از شدت سادگی و روانی جملات و عبارات آنست بقسمی که هر کس مایل است آنرا بخواند و مطالب آنرا درک میکند و این رویه برخلاف معمول روزنامه های آن ایام است که سعی میکردند مطالب را مشکل بنویسند و این خود حکایت از ذوق نویسندگی مدیر روزنامه مینماید و اگر مطلب بدر از آن نیکشید بطور نمونه یکی از مقالات آنرا نقل میکردیم . شرح احوال مرحوم مجلسی را در جلد اول کتاب نوشته و عکس ایشان را گراور نموده ایم خوانندگان بذیل روزنامه (انجمن بلده) مراجعه فرمایند . در اینجا فقط بنقل شرحی که مدیر روزنامه ارژنك در شماره ۱۲ سال چهارم روزنامه ارژنك مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۰۷ شمسی پس از فوت مجلسی بعنوان تسلیت نوشته اکتفا مینمائیم: «دراثر کسالت و قاهت یگانه پیشوای محترم اسلامی حضرت مستطاب آقای آ میرزا نورالدین مجلسی اعلی اله مقامه الشریف چندروز قبل برحمت ایزدی پیوسته . المحق و الانصاف جای تأسف و تحسر است بر این یگانه عضو محترم اسلامی ماهمه مسلمین ه د سو گواری آن وجود محترم شریك و سهیمیم.» دورباعتی زیر را که اثر طبع آن مرحوم است باین قسمت اضافه نموده و شرح راجع برورنامه

حرف‌الثناء بعده الرءاء فرج بعد از شدت ، فرخی ، فردا ، فردوس ، فردوسی

فرج بعد از شدت را خاتمه میدهیم :

رباعی

نگار من چو برخسار خود نقاب گرفت فغان زخلق برآمد که آفتاب گرفت
گرفت در دل من جای آن نگار و در بنگ که شهریار دیاری چنین خراب گرفت

ایضاً

نگارم بوسه بر جان میفرود شد . غنیمت دان که ارزان میفرود شد .
گل رویت اگر دهقان ببیند یقین دارم گلستان میفرود شد .
این نکته را نیز لازم است یادآور شویم که برون بطور اختصار در باره فرج بعد از شدت نوشته است روزنامه هفتگی منتشره در طهران با چاپ سنگی (صفحه ۱۲۱ کتاب مطبوعات و شعر فارسی) و چنانکه خوانندگان ملاحظه میفرمایند اشتباهاً محل آنرا طهران ضبط کرده است .

(۸۴۴) فرخی

مجله فرخی در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران تأسیس و بطور ماهیانه منتشر شده است .

(۸۴۵) فردا

روزنامه فردا در سال ۱۳۰۰ شمسی در طهران تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است .

(۸۴۶) فردوس

مجله فردوس در سال ۱۲۹۵ بطور ماهیانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۸۴۷) فردوسی

مجله فردوسی در طهران در سال ۱۳۰۰ شمسی بصاحب امتیازی (میرزا محمد وفادار) و بقلم دیلمه‌ها و محصلین مدرسه عالی امریکاتی تأسیس و شماره اول آن در برج جدی سال ۱۳۰۰ شمسی مطابق باجمادی‌الاول ۱۳۴۰ قمری منتشر شده است .
مجله فردوسی دنباله مجله‌الادب است که از شماره اول سال چهارم مجله مذکور بنام فردوسی موسوم و منتشر گردیده . از مجله‌الادب در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران بتفصیل یاد آور شده ایم . درباره تغییر نام مجله بفردوسی شرحی در مقاله افتتاحی مجله ذکر شده که برای روشن شدن موضوع عین آنرا ذیلاً نقل مینمائیم .
« مجله ما چهارمین سال زندگانی خود را شروع مینماید و لسی با چهره جدید ، بالباس نوین و بالاخره باصورت کسیکه از گذشته خویش مسرور و بآتیه خود امیدوار

و بمرحلى كه سير نموده اختيار مينمايد . در اين سير چهار ساله اول گياهى نا چيز ، سپس سبز و خرم ، آنگاه شكوفه شاداب و اكنون گل نوردى است كه طراوت نرگس و سنبل دارد و نكته مشگ و عير پراكنده مينمايد. مجله ما اين سال جديد عمر خود را بنام حكيم سخندانى شروع مينمايد كه ادبيات ايران نه ، بلكه ادبيات تمام دنيا را افتخار از اوست . علت اين تغيير نام در آنستكه از دير زمانى در مدرسه ما انجمنى بنام انجمن ادبى فردوسى بوده و محصلين اين مدرسه از پرتوانوار آن بزرگوار استفاضه نموده و براى كسب فنون سخنگونى و شعر سرائى در انجمن مزبور مجاهدت كرده اند . و از آنجا كه مؤسسين انجمن مزبور و اين مجله هر دو از متعلمين يك مدرسه هستند در شوراي محصلين چنين صلاح ديده شده است كه براى وحدت مساعى مشاركت در تحصيل ، مجله الادب تغيير نام دهد و خود را با اسم مجله فردوسى موسوم دارد .

اين اسم بزرگ نه تنها مارا بوجود يكتنفر ايرانى كه يادگار جاويد و پابنده از خود باقى گذاشته است متذكر مىسازد بلكه گذشته با مجد و عظمتى را كه نيائان ما داشته اند و فردوسى آنها را درضى اشعار فنا ناپذير خود شرح داده و عمليات دليرانه آنها را بر شمرده است ، بغاظر ما مياورد . ما نيز كوشش خواهيم كرد كه بسيره اجداد وفادار بوده در تمام جنبه هاى زندگاني يعنى در افكار پاك ، گفتار نيكو و اعمال دليرانه بآن پايه و درجه برسيم كه حق داشته باشيم خود را بدان بزرگواران نسبت دهيم و اميدواريم اين مجله كه نخستين وسيله ظهور افكار ماست محل ظهور خيالات بلند و افكار عالى سودمند باشد .

در شماره اول رباعى زير كه كوينده آن (۱۰ معدنچى) است بعنوان شمار مجله چاپ شده :

روزيكه طريق و رسم جم هيچ نبود ✽ جز لحن عرب برير و بم هيچ نبود

شمرنده عجم ز شعر فردوسى طوس ✽ زيرا كه نشانى ر عجم هيچ نبود .

خصوصيات مجله فردوسى مانند مجله الادب و طرز انتشار آن نير هر دو ماهه يگمتره بوده است . محل اداره مجله : مدرسه عالى امريكائى و تك نمره آن دو قران است مجله فردوسى معمولاً در ۱۴ صفحه بقطع كوچك در مطبعه سربى (مدرن) طبع و توزيع شده و مجله علمى ، اخلاقى ، اجتماعى و ادبى معرفى گردیده است . بيشتر مندرجات مجله عبارت از مقالات و يا ترجمه هاى كوچكيت كه نويسندگان و يا مترجمين آنها محصلين مدرسه عالى و ياكسانى بوده كه از مدرسه مذكور فارغ التحصيل شده اند . براى نمونه فهرست مندرجات شماره اول مجله را ذيلا نقل مينمائيم : صبح (اعتصامى) مکتبخانه - آدميت (صابر طاهرزاده) پند ديوانه (ع . م . عامرى) مناظره قلم و شمشير (ارسلان تنكابنى) يك اسطربلاب قرن پانزدهم (على اشرف شيبانى) خطاب بكارگر (ترجمه از هوپ هوپ نامه) معلم بايد داراى چه صفاتى باشد ؟ (بويس) طاق كسرى (ع . ا . شريف) محبوسين قفقاز (عطاله اتحاديه)

(۸۴۸) فرنگستان

مجله فرنگستان ارطرف جوانان ايراني مقیم برلن تأسيس و شماره اول آن در پنجاه صفحه بقطع كوچك خشتی در چاپخانه شركت (كلويانی) طبع و در تاريخ اول ماه مه ۱۹۲۴ ميلادی مطابق ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است. در هيچ يك از اوراق مجله نامی از مؤسسين و مدير مسئول مجله نيست و فقط در مقاله افتتاحی مجله نوشته شده: «چند نفر جوان ايراني كه سعادت خود را توأم با سعادت ايران ميدانند كرد هم جمع آمده ميخواهند با دريدين پرده چهل و خرافات ايران را به برخاستن از اين خواب غفلت كلك نمايند.» سر مقاله های مجله غالباً بدون امضا و بنوشتن تاريخ مقاله اكتفا شده است و لي از امضای ساير مقالات تا اندازه باسامی اشخاص و مؤسسين مجله ميتوان بي برد و في المثل در شماره اول مقاله (زنان ترك) بقلم (احمد فرهاد) مقیم برلن و مقاله (كاييتو لاسيون) بقلم (غلامحسين فروهر) و مقالات ديگران بقلم (جمال زاده) و (ابراهيم مهدوی) و (علی اردلان) و (مشفق كاظمی) و (رضی اسلامی) و (برويز كاظمی) ميباشد.

بايد باين اسامی كه در اغلب شماره های مجله ديده ميشود اسامی (ارانی) و (حسن نيسي) را اضافه كرد. نامه فرنگستان از حيث زیبایی طبع و خوبی كاغذ و گراور و تنوع مندرجات از بهترين نمونه مجلات و جرايد است كه در خارج ايران بطبع رسیده و نظير آن مجله ايران شهر و روزنامه كاوه ميباشد كه بهمت ايرانيان مقیم برلن تأسيس و منتشر شده است. باهمه محسنات و خوييها كه در مجله فرنگستان بوده دوام ريادی پيدا نكرده و بواسطه كمی سرمايه و نداشتن مشتركين زياد بيش از يك سال دوام نكرده و پس از انتشار دوازده شماره تعطيل شده است.

در جزوه اول مجموعه كتاب در باره مدت انتشار و علت تعطيل مجله اينطور مينويسد: «مجله فرنگستان كه از ماه مه ۱۹۲۴ تا آوريل ۱۹۲۵ از طرف جوانان ايراني يكسال تمام ۱۲ شماره در برلن منتشر شده يكي از مجلات بسيار سودمند و متجددی بود كه بنهضت اجتماعی و زنده شدن روح ملی ايران خدمت نمود و لي بي علائقی خوانندگان نگذاشت كه سال دومی هم برای آن باشد.»

فرنگستان مجله مصور بوده و عنوان مراسلات در هر شماره بزبان آلمانی در آن نوشته و وجه اشتراك بدینقسم معين شده: سالیانه يك ليره. ششماهه نیم ليره انگلیسی. در صورتیكه عده مشتركين بهزار و پانصد نفر برسد به ۲۵ قران و اگر از اين عده نیز تجاوز نمايد تا ۱۵ قران تخفيف خواهد يافت.

هر كس ده نفر مشترك برای فرنگستان پيدا نموده وجه اشتراك آنرا مستقیماً بفرستد يكسال اين نامه مجاناً برای او فرستاده خواهد شد. قيمت اعلانات مجله: يك صفحه، يكبار ۲۰ مارك. سه بار ۵۰ مارك. شش بار ۹۰ مارك. دوازده بار ۱۸۰ مارك. نیم صفحه بترتيب ۱۲ مارك. ۲۸ مارك. ۵۵ مارك. ۱۰۰ مارك. ربع صفحه

بترتیب ۷ مارک . ۱۶ مارک . ۳۵ مارک . ۶۰ مارک . روی جلد مجله این دو سطر درج است : « اگر میخواهید بزنده شدن روح ملی ، با انقلاب اخلاقی ، بنهضت اجتماعی ایران کمک نمائید در ازدیاد مشترکین آن کوشیده و از تبلیغ و ترویج آن خودداری نکنید . » سرلوحه مجله که در هر شماره بالای صفحه اول چاپ و در روی آن اسم مجله (فرنگستان) درج شده عبارت از تصویر کلیسای بزرگ و دور نمای خیابانها و ابنیه متعددی که بمنظور نمایش عظمت ساختمانهای فرنگستان که در نتیجه انقلاب فکری و صنعتی در اروپا پدید آمده طبع گردیده است .

مقاله افتتاحی مجله که تا اندازه مرام و مقصود از انتشار مجله را توضیح میدهد بدینقرار است : « ما چه میخواهیم ؟ ایران از خواب دراز چندین قرن بیدار میشود . چند نفر جوان ایرانی که سعادت خود را توأم با سعادت ایران میدانند گرد هم جمع آمده میخواهند بادریدن پرده جهل و خرافات ایران را بیرخاستن از این خواب غفلت کمک نمایند . خوشبختانه یا بد بختانه ما امروز در محیط آزادی زندگانی مینمائیم که در آنجا خرافات سلطنت ندارد . مردمان جاهل پیشوا و قائم جمعیت نیستند . هر کس در اظهار عقیده خود آزاد است . نه کسی قلم میشکند نه زبان میبرد . نه تهدید بحبس مینماید . خواهران و برادران جوان ما میخواهیم این سعادت و خوشبختی را که قضا و قدر نصیب ما نموده باشما قسمت نمائیم . دماغهای تند فکر و قلب پر احساسات شمارا که محیط ایران بغمودت محکوم نموده است برای سعادت ایران بکار بیندازیم . بیائید بکوشیم ایران را از جهل و بد بختی برهانیم . بیائید ایران را برای يك انقلاب اخلاقی که مارا از انسان قرون وسطی بانسان قرن بیستم ترقی دهد مستعد کنیم . دماغهای ما همه از یکنوع افکار انباشته شده است ، قلوب پاک ما همه مأمین یکنوع احساسات است زیرا ما جز سعادت ایران مقصودی نداریم ما فقط میخواهیم زندگانی نمائیم اما يك زندگانی که شایسته قرن بیستم باشد . »

ما همه جوانیم ، ما همه امید زندگانی داریم ، ما همه میخواهیم سالیان دراز با سر بلندی و افتخار بگنرانیم ما همه يك آرزو داریم و همه بطرف يك مقصود میرویم سلطنت فکر جوان بر فکر پیر . مانیترسیم . ما بظفر خود مطمئنیم زیرا حق با ما است ایران باید زندگانی از سر گیرد ، همه چیز باید نو گردد ، ما ایران نو ، فکر نو ، مرد نو میخواهیم . ما میخواهیم ایران را اروپائی نمائیم . ما میخواهیم سیل تمدن جدید را بطرف ایران جریان دهیم . ما میخواهیم با حفظ مزایای اخلاقی ذاتی ایران این سخن بزرگ را بکار بندیم : ایران باید روحاً و جسماً . ظاهراً و باطناً فرنگی مآب شود از روز اول از هر طرف حملات شدید برای خاموش نمودن صدای ما شروع خواهد شد ولی ما به پشتیبانی شما جوانان بردشمنان فکری خوب غالب آمده ثابت خواهیم کرد : فکر پیر در مقابل فکر جوان قادر مقابله و برابری نبوده باید معو و نا بود گردد . این نامه با سرمایه قلیل چند نفر محصل بی بضاعت اداره میشود هر يك در مدت سال برای عملی نمودن این فکر پاک خود را از هر تفریحی محروم نموده اند ولی

اگر شما میخواهید این نامه زنده بماند و ناشر افکار شما جوانان گردد در انتشار آن بکوشید و هر چه میتوانید بر عده مشترکین بیفزائید . مطمئن باشید که ما از راه نامه نگاری قصد استفاده نداشته فقط میخواهیم آواز خود را بهم آوازی رفقای جوان بلند نموده راه حق و حقیقت را بمردم بنمایانیم . از همراهی فکری با ما مضایقه نکنید ، در درج و انتشار مقالات شما که با مرام و آرزوی ما مخالف نباشد با کمال افتخار حاضریم ولی اول بکوشید که قسمت مالی نامه ما لااقل برای یکسال تأمین شود . اکنون ما به پشت گرمی همت جوانان بالشکر جهل و خرافات ببارزه و مصاف مشغول میگردیم . فتح ما بانه به همراهی شما است .

برای اطلاع از نوع مقالات مجله فرنگستان فهرست مندرجات شماره پنجم آنرا ذیلا نقل مینمائیم : لکه تنگینی بقلم مشفق کاظمی . تعرفه های گمرکی بقلم غلامحسین فروهر . شمه ازداستان ورزش در اروپا بقلم پرویز کاظمی . زبان فارسی . بقلم احمد فرهاد . بك فصل از تربیت روحانی . موسیقی بقلم احمد فرهاد . عجایب علم بقلم ت اوانی . برق در بن بقلم وهاب مشیری . ایران در نظر اجانب پس از فاجعه جمعه ۲۷ سرطان بقلم مرتضی یزدی زاده . نمایشگاه و مبله بقلم حسن نقیسی . منظره میدان توپخانه . آذربایجان بقلم ت اوانی . برای سرهائیکه بوی قرمه سبزی میدهد . شماره ای که فهرست آنرا نقل کردیم در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۲۴ میلادی مطابق ۱۳۰۳ شمس منتشر شده است . مجله فرنگستان از ماه مه ۱۹۲۴ تا آوریل ۱۲۹۵ از طرف جوانان ایرانی مقیم برلن یکسال تمام منتشر شده و سال دومی پیدا نکرده است .

(۸۴۹) فروغ

مجله فروغ در شهر رشت بمدیریت و مؤسسی آقای (ابراهیم فخرانی) تأسیس و شماره اول آن در دیماه ۱۳۰۶ شمس منتشر شد و تا آذر ۱۳۰۷ شمس یکسال تمام دوازده شماره منتشر گردیده است . مندرجات مجله فروغ مخصوصاً از لحاظ ادبیات بزبان محلی و تاریخ گیلان و غیره حائز اهمیت است . روی جلد مجله فروغ بدینقسم معرفی شده است : «مجموعه ایست حاوی مقالات مفیده که آغاز هرماه شمس در رشت منتشر میشود .» و نیز در شماره اول مجله اینطور معرفی شده است : «فهرست شماره اول مجله فروغ را بجمیع آوری آثار گیلی قئید مرحوم حسین کسمانی اختصاص داده ایم شماره های دیگر مجله عبارت خواهد بود از موضوعات مختلف علمی ، ادبی اقتصادی . تاریخی و فلسفی که بقلم نویسندگان گیلان و فضلالی ملک اشاعت خواهد یافت .»

شماره اول مجله فروغ در ۳۲ صفحه بطع خشتی ، با چاپ سربی در (مطبعه فردوس) رشت طبع و در تاریخی که ذکر کردیم منتشر شده است . مقاله افتتاحی مجله بدینقسم شروع میشود :

«ربان گیل - چون مجله فروغ مولود محیط گیلان است و نشر مجلات وجود يك

حرف الفاء بعده الراء فروغ ، فروغ تربیت ، فروغ خاور ، فروردین

روابط و مناسباتی را با محیط خود مقتضی است لذا ما حتی القوه سعی هستیم يك قسمت از مندرجات مجله را به شناسائیهای محلی و موضوعات راجعه بگیلان اختصاص دهیم و برای اولین دفعه تحت عنوان فوق بقسمتی از آثار مرحوم حسین کسمانی اشاره نموده بجمع وضبط اشعار گیلی قید مزبور مبادرت میورزیم. پس از این قسمت شرحی راجع بزبان گیلی و بعد بتفصیل شرح احوال و اشعار حسین کسمانی را نوشته است .

در ضمن همین مقاله در باره اشعار کسمانی مینویسد: «روح عاصی، مشاهدات ناگوار، ارزوی سعادت وطن از آغاز عهد شباب قریحه کسمانی را بگفتن شعر تحریک میکرد . کسمانی بزبان فارسی و گیلی اشعار یگه سلیس و روان و در عین حال متین و باروحنه باقی گذارده که مجموعه آنها نمایی از عظمت فکر-حساسیت قلب و روشنی دماغ وی میباشد .»

بهای سالیانه فروغ هم جا ۳۰ قران . عنوان تلگرافات و مراسلات : رشت . مجله فروغ مکان اداره : سبزه میدان . آقای ابراهیم فخرانی مدتی سردبیر روزنامه طلوع رشت بوده و نیز روزنامه پیام را در شهر مذکور منتشر نموده اند . برای اطلاع از شرح حال ایشان بجلد دوم کتاب کلمه پیام مراجعه شود .

۸۹۰ فروغ تربیت

مجله فروغ تربیت در طهران بدیری آقای (میرزا ابوالحسن خان فروغی) تأسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . آقای فروغی در آخرین شماره مجله (اصول تعلیم) انتشار این مجله را وعده داده . در شماره چهار سال اول مجله علم و اخلاق مورخ نور ۱۳۰۰ شمسی شرحی بعنوان تقریظ در باره انتشار مجله فروغ تربیت بدینقسم نوشته است : « در این سال مجله فروغ تربیت که مراتب معارف پروری و دانشمندی مؤسس آن مستغنی از توصیف و مندرجات آن بهترین گواه است قدم بمعالم مطبوعات طهران گذاشت . » طرز انتشار مجله ماهانه بوده است . علاوه بر مجله اصول تعلیم و فروغ تربیت رساله بنام مجموعه اشعار فروغی از ادیب دانشمند آقای میرزا ابوالحسن خان فروغی در سال ۱۳۰۱ شمسی در ۱۲۰ صفحه پستی با چاپ سنگی بطبع رسیده نامبرده تصمیم داشته است مجموعه اشعارش را بطبع برساند ولی در این رساله فقط موفق بطبع مقدمه و داستان شیدوش و ناهید گردیده است .

۸۹۱ فروغ خاور

روزنامه فروغ خاور در طهران بصور هفتگی تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است .

۸۹۲ فروردین

روزنامه فروردین در شهر رضائیه بدیریت حبیب الله آفازاده و دبیری محمود

اشرف زاده تأسیس ودرسال ۱۳۲۹ قمری بطورهفتگی بزبان ترکی منتشر شده است. بنا بنوشته مرحوم تربیت درفهرست جراید آذربایجان از روزنامه فروردین مجموعاً بیست وهشت شماره منتشر شده است .

روزنامه فروردین ارگان فرقه (دموکرات) رضایه بوده و مندرجات روزنامه بیشتر عبارت از دعائیس ومظالم روسها درایرن وبخصوص آذربایجان است. روسها از روزنامه فروردین خیلی ناراضی بوده وابتدا هرچه سعی کردند مرحوم اشرفزاده نویسنده روزنامه را بخود جلب کنند ممکن نگردید تا اینکه در اواخر سال ۱۳۲۹ به واسطه يك مقاله شدیداللعن که در روزنامه چاپ شده بود، قنول روس در ارومیه چند نفر قزاق باداره روزنامه فروردین فرستاد ومحمود اشرف زاده را دستگیر نموده بقنولخانه بردند. پس از گفتگوی زیاد قنول درمقابل سرسختی واستقامت اشرفزاده بغشم آمد و دستور داد تا او را در مقابل قنولخانه دم دروازه (بورد شاه) در سرمای زمستان او را برهنه کرده چهار نفر قزاق بیرحم قریب نیمساعت بر بدن برهنه اش شلاق زدند و آن مرحوم تازبانش یارائی میکرد بهدای بلند فریاد میزد (باشاسون ایران) و (باشاسون مشروطه) تا اینکه بالاخره بیچاره از کثرت درد غش کرده بیهوش گردید واراضایش خون جاری گردید. این بایرداری بعدی در حاضرین اثر کرد که ز نهای تاشاچی بنای گریه گذاشته ویک صاحب منصب روسی که کلاه آن مرحوم را نگاه میداشت يك جمله مختصری بروسی نوشت ودرآستر کلاه او گذاشت وآن این بود.

(تبریک میکنم تورا ای بهادر ایران)

جای آن دارد که شرح حال این جوان غیور آذربایجانی را ذیلا نقل نمایم . خوشبختانه شرح حال او بتفصیل در شماره ۱۱ سال اول روزنامه کلاه چاپ شده وما بعینه از آنجا نقل مینمایم .

بیادگار مرحوم اشرف زاده

هرگز نیرد آنکه دلش زنده شد بعشق نیت است در جریده عالم دوام ما .

یکسال تمام قبل از این تاریخ یعنی در ۲۰ رمضان ۱۳۳۳ (غره اوت ۱۹۱۵) مرحوم میرزا محمود خان اشرف زاده در يك فرسخی صحنه نزدیک کرمانشاه هدف تیر جمعی از قطاع الطریق گشته مقتول گردید .

بنسبت سرسال وفات آن یگانه فرزند غیور ایران اضا اداره (کلاه) لارم دیدن که چند سطر در تاریخ زندگانی آن مرحوم بطریق تذکر نوشته و آن فاجعه مؤلها دوباره بغاطر آورده می چند معزون ومضموم گردند . واشکی چند بیاد آن جوان ناکام ار دیدگان بیارند ودرودی بروح پرفتوح آن یگانه مرد حساس باغیرت ایرانی بفرستند .

میرزا محمود خان معروف باشرف زاده پسر کوچک میرزا علی اشرف خان منشی کنسولگری روس در تبریز و از اعیان و متمولین مشهور آن شهر و برادر کوچک میرزا

علی اکبر خان منشی اول کنسولگری عالیہ روس در تبریز بود. تولد وی در تبریز در حدود سنه ۱۳۰۲ بود. تحصیلات ابتدائی خود را در آن شهر در مدرسه کمال و لقمانیه و بعد در مدرسه سوسانوف که بالنسبه خصوصی وغالباً مخصوص اطفال بزرگان بود بانجام رسانیده زبان روسی و فرانسه و عربی و مقدمات علوم متداوله را بخوبی بیاموخت. سپس خود مدتی بمطالعه کتب تواریخ و علوم اجتماعی پرداخت و تا حدی که برای یک ایرانی غیور باققدان شرایط و وجود موانع در ایران ممکن است معلومات خود را در این مواضع تکمیل نمود. بعدها مدتی در جراید (عدالت) و (شفق) و (آزاد) و (مشورت) و (شورای ایران) که همه در تبریز نشر میشدند و در (جبل‌المتین) کلکته مقالات متعدده نوشت.

مقارن آن اوقات ستاره حکومت مشروطه در ایران طلوع نمود. در حین انتخاب و کلاهی مجلس رساله مفیدی در اهمیت انتخاب و وضع جریان آن در ممالک متدنه در تبریز و رساله دیگری نیز در همین موضوع بنام (تنقید) در ارومیه نشر کرد. مسلک بی پروائی و افکار وطن پرستانه آن مرحوم بنا پیاره ملاحظات و منافع خانوادگی منافعی رأی و مشرب آقا میرزا علی اکبر خان برادر مهترش بود چرا که اولاً خود مومی الیه در کنسولگری روس دارای مقام مهم منشی اول و ثانیاً عمه ایشان یعنی خواهر مرحوم میرزا عالی اشرفخان در جباله حاجی میرزا حسن (مجتهد) معروف تبریزی بود ولی مرحوم اشرفزاده از آن اشخاص نبود که وقتی باین قسم ملاحظات گذاشته او امر وجدان خویش را پشت گوش بیندازد. بالاخره تنافی مسلک و تباین مشرب کم کم باعث افتراق بین دو برادر گردید. بعد از گلوله باران مجلس و برهم زدن اساس مشروطه از طرف محمد علی شاه در سنه ۱۳۲۶ در اثنای تسلط و خونریزی انجمن (اسلامیه) و جنگ معله شتریان با مشروطه طلبان در تبریز مرحوم اشرفزاده خود را از میان باران آتش و خون بیان وطن پرستان انداخت و ناز و نعمت خانه پدر را ترک نموده باسختی هر چه تمامتر روزی با پنج شاهی شیر برنج بازاری بدون یکپاره نان بنای زندگی گذاشت و تمام مدت دو محاصره تبریز و جنگهای ستارخان بادلوتیان را با این وضع بسربرد. و در همین اوقات بود که آن مرحوم جزیره فرقه (سوسپال-دیمو کرات) که مشکل از جوانان ایرانی و گرجیهای قفقاز بود گردید. و فرقه مزبور چنانکه معلوم است در انقلاب آذربایجان و جنگ بادلوتیان در زیر سرکردگی مرحوم ستارخان رکن مهمی بودند چنانکه از چهل و دونفر جوانان گرجی مزبور سی و سه نفر از ایشان در جنگهای مختلف تبریز هدف گلوله استبدادیان گشتند.

بعد از افتتاح مجلس دوم در ۱۳۱۷ ارومیه رفته و در آنجا در سنه ۱۳۲۹ یک روزنامه هفتگی باسم (فروردین) که از جراید فرقه (دیمو کرات) بود تأسیس نمود. در اوایل محرم ۱۳۳۰ (یعنی در همان اثناء واقعه ناگوار تبریز و دار ردن روسها تقة الاسلام و سایر صنایع ملت را) بسلامت رفته در آنجا ببقیه السیف ملتان و اتباع امیر حشمت که از زیر شمیر روسها جان خود را بپوشی خلاص کرده بودند ملحق شده

از راه چهریق ووان و ارز روم وطر ابزون ودریای سیاه با کمال سختی بعد از سه - چهار ماه توانستند نیمه جانی باسلامبول برسانند مدت هفت هشت ماه هم در اسلامبول گذرانیدم ودر جنگ بالکان يك رساله کوچکی باسم « عصر حاضر دن بر تیپرق » (یعنی يك ورقی از قرن حاضر) بزبان ترکی عثمانی نشر نمود . در ۱۳۳۱ از اسلامبول پاریس رفته پس از مدتی آقای ممتاز السلطنه سفیر ایران در پاریس که گویا نسبتی هم با خانوداه آن مرحوم داشته اند او را بسفارت برده در دفتر خانه سفارت بشغلی واداشتند ولی پس از اندکی طبع بلندش تاب و تحمل بعضی ناملایمات را نیاورده از سفارت بیرون آمد . در مدت اقامت خود در پاریس در جریده معروف فرانسوی (مجله عالم اسلامی) مقالات مفصل بامضای (آنری) مینوشت ودر دو سال قبل که بهمت دوسه نفر از ایرانیان مقیمین پاریس يك روز نامه فارسی ماهیانه باسم (ایران شهر) در پاریس منطبق میشد مرحوم اشرف زاده محروم عمده آن روز نامه بود ولی بدون امضاء . بعد از ظهور جنگ عمومی مرحوم اشرف زاده هنوز در پاریس اقامت داشت و همواره از اعماق دل آرزو میکرد که کی میشود از آن زنجیر آهنین یعنی معوطه استحکامات پاریس که از تمام اخبار و اوضاع عالم سکنه پاریس را محبوب ومانند مرغ در قفس محبوس کرده بود بیرون جهیده با آزادی پر و بالی بزند و اگر باتیغ و تفنگ نشده لا اقل بازبان و قلم بر - ضد دو دشمن غیور ایران روس و انگلیس بقدر مقدور خود اشتراکی در این جنگ عالمگیر بنماید . این بود که بمجرد پیدا شدن اولین فرصت در ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳ از پاریس بلوزان (سویس) حرکت کرده ودر اوایل جمادی الاخره باجمعی از دوستان هم مشرب از راه اسلامبول و حلب بطرف بغداد عازم گردید و قصدش این بود که از آنجا بشیراز برود ولی بواسطه اغتشاش راه مابین خاقین و کرمانشاه مدتی مجبور باقامت در بغداد گردید . وپس از آنکه راه بالنسبه امن شد بارقا بکرمانشاه رفت و از کرمانشاه سواره بطرف کنگاور حرکت کردند که از آنجا بسلطان آباد و کاشان و اصفهان و شیراز بروند .

در ۲۰ رمضان ۱۳۳۳ در يك فرسخی صعنه نزدیک کرمانشاه در اوایل تاریکی شب از پای کوهی که در سر راه ایشان بوده غلغله شلیکی بلند میشود بعد معلوم میشود که قریب سی نفر از قطاع الطریق در کمین بوده اند ورقایش فرار کرده بصعنه مراجعت میکنند ولی مرحوم اشرف زاده میزند بسینه کوه . اشرار او را تعاقب کرده وچند تیر و تفنگ بطرف او خالی میکنند و آن جوان ناکام را از پا در می آورند و تمام آنچه داشته از اسباب و کتاب و نقد واسب و اسناد و نوشتجات بغارت میبرند ، و بنا بتحقیق بعد معلوم شد که آن جماعت از طایفه آل قباد بوده اند و آل قباد شعبه ایست از ایل کاکلوند که مرکز اقامتشان در حوالی هرسین از ایالت لرستان است . و بعضی گویند که آن جماعت معمرک داشته اند یعنی قتل مرحوم اشرف زاده جنایت سیاسی بوده است . در هر صورت فردای آن روز نمش آن مرحوم را با کمال احترام بکرمانشاه آوردند و مردم شهر استقبال شایانی نمودند ودر سرقبر آقا دراطاقی امانت گذاردند سپس در همانجا بضاک سپردند .

مرحوم اشرفزاده تقریباً سی سال داشت یعنی در بچوبه شباب و عفوان جوانی با هزاران آمال و امانی این حیات فانی را گذاشت و گذشت و ظاهراً يك پسر دوسه ساله از او باقی است که روی او هم هیچ ندیده چه فقط دو سه ماه بعد از عروسی مجبور شده بود که زن و خانه و اهل و وطن را گذاشته بقیه عمر خود را که مانند مدت دل کوتاه بود در غربت شهر و دیار بدیار سرگردان و بی سامان بسر برد .
این شرح حال بعینه در شماره ۱۱ سال اول روزنامه کلاه مورخ ۱۵ شوال ۱۳۳۴ هجری قمری صفحات ۴ و ۵ و ۶ این شماره چاپ شده است .

(۸۵۳) فروردین

روزنامه فروردین در شهر شیراز منتشر شده است . در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ معارف فارس مینویسد روزنامه فروردین بتوسط آقای سید جمال الدین جزایری در شیراز منتشر شد .

(۸۵۴) فروردین

روزنامه فروردین در طهران بطور هفتگی تأسیس و در سال ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است .

(۸۵۵) فرهنگ

روزنامه فرهنگ در اصفهان بدیری (میرزا تقیخان سرتیپ حکیمباشی ظل السلطان) تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سنگی (دار الطباعه دروازه دولت) طبع و در تاریخ دوم جمادی الاولی ۱۲۹۶ هجری مطابق ۲۴ آوریل ماه ۱۸۷۹ مسیحی و ۱۵ اردیبهشت ماه ۸۵۱ منتشر شده است . این روزنامه هفته یکبار روزهای پنجشنبه طبع و منتشر میشده و وجه اشتراک آن سالیانه دو تومان در دو قسط و در خارج اصفهان اجرت پست افزوده میشده است . قیمت اعلانات سطری یکپهزار دینار .

روزنامه فرهنگ بخط نستعلیق و با کاغذ بسیار خوب طبع شده و تحریر آن بمقدمه (میرزا عبد الرحیم خوشنویس متخلص با فسر) که یکی از خطاطان معروف و مشهور اصفهان بوده است . نامبرده در هر شماره اسم خود را در انتهای صفحه چهارم نوشته است . هر صفحه روزنامه مشتمل بر سه ستون و از همان شماره اول صفحات اول و دوم و سوم روزنامه دارای پاورقی است .

شماره اول روزنامه با مقدمه یا مقاله افتتاحی زیر شروع میشود : « بنده نگارنده که اکنون ریاده از نه سال است بشرف چاکری و ملازمت استان مبارک حضرت مستطاب اشرف اسعد والا شاهنشاه زاده اکرم افخم ظل السلطان سلطان مسعود میرزا دامت شوکت و عظمت قرین مفاخرت و مباهااتم بروزگار فرمانفرمانی شاهنشاه زاده معظم

در مملکت فارس جریده حوادث و صحیفه وقایع آن مرز و بوم را بسال ۱۲۸۹ هجری نوعی شایسته و بایسته بطبع رسانیده منتشر میساخت جمعی از هوطنان و گروهی از غیرتمندان را دلپسند و بعضی از دانشمندان نیکو نهاد و برخی از بخردان پاک نژاد را اردور و نزدیک مطلوب و مرغوب افتاده بود یگسال پیوسته تکمیل و انتشار روزنامه فارس روز افزون بود تا آنکه شخصی عاری از انصاف و حقوق بشریت و بری از صفات تمدن و لوایم تربیت معض اغراض شخصی و تصورات بهیبه رحمت یکساله مرا بهدر کرد ارباب دانش و اصحاب بینش را که از فواید معاسن آن صحیفه خبیر و بصیر و بنتایج شریفه آن امیدوار بودند مرفوع الغیال و مکدر الحال کرده مرا از طبع روزنامه ممنوع و فارغ البال نمود هر تن از هوشمندان زمان زبان بشنوع او گشوده و هر کس از اخوان الصفا بتقیح وی آغاز کردند دیری نگذشت که اثر افعال ناصوابش دامنگیر و فساد حقیقتش ظاهر و هویدا شد خدایش بکیفر رسانید و بزدانش مجازات بخشید. نپنداری که بدگو رفت و جان برد در حسابش با کرام الکاتبین است. پای آمال و امانیش بسنگ بر آمد و رورگار زندگانش بسر رسید نه از رفتارش اثری و نه از بازماندگانش خبریست برینون لیطفنوا نورالله بافواهم والله متم نوره فحمداً له ثم حمداً له که رای مبارک حضرت مستطاب شاهنشاه زاده اشرف افخم و الازاده الله مجدداً و شرقاً اکنون که اول ربیع و آغار خرمی جهان و هنگام جوانی جهان نیانست چون غنچه سر از گریبان متخیله بر آورده بابداع رورنامه مخصوص باسم فرهنگ برای تذکار وقایع و سوانح مملکت اصفهان و مضافات آن اشارت فرمود فالعبد لله الذی هدانا لهذا ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله. چگونه شکر این نعمت عظمی را توان نمود که همواره ذات منزله الصفاش مصدر آثار خیریه و مدنیت است.

(پس از شرح فوق یک صفحه روزنامه درباره فواید و تعریف روزنامه نوشته شده تا میرسد باینکه.) چون بعضی از رورنامه نگاران مجبورند که در معامد و معاسن برخی از اعیان و بزرگان و وزراء و امانه و غیره مشروحات لایعنی و تملقات غیر موجه و ستایشهای فوق العاده در صحیفه خود مندرج نمایند لهذا خدمت مطالعه کنندگان صحیفه فرهنگ عرض میکنیم که منشی فرهنگ بهیچوجه بنوشتن اینگونه مشروحات لایعنی که خالی از هرگونه سودزیانست مجبور نیست و خود را از تعرض مطالب مهمه آزاد میداند مدح و ستایش بدون وجود و ظهور علت موجه آن سبب تعمیق و تسفیة نگارنده است و بقولون انه لمجنون درست کاری و نکو کرداری لازمه تمدن و انسانیت است پس بیان این صفات بر فرض صدق از جمله وقایع و سوانح و محتاج درج در روزنامه نیست بلکه ظهور آنچه مخالف این صفات است سبب استعجاب و تعیر اوهام و مناسب یادداشت در صحایف است افضل ما. شهت به الاهداء خود ستائی فی الحقیقه نزد عقلا مستقبیح و مستعجب است مگر آنکه فضیلتی باشد خارق عادت و مافوق قدرت عموم مردمان.

علاوه بر استخراج اخبار متعلقه بایالت اصفهان و مضافات و بیزد و بروجرد و خونسار و گلپایگان که وظیفه مخصوص این روزنامه است همیشه آخر هر نسخه از فرهنگ بایراد

مطالب علمیه و مسائل غریبه و بدیهه و صنایع و فنون متأخرین حکما و فضلاء اروپا و غیره موشع خواهد شد تا آنکه طالبین علوم و سالکین جاده تربیت نیز از آن محظوظ و بهره مند گردند. رب زدنی علماً والحقنی بالصالحین.

پس از ذکر مقاله افتتاحی مذکور تحت عنوان (اخبار داخله) وقایع اصفهان و نرخ قیمت ماکولات و سایر اجناس شهری و بعد بعنوان (اخبار تلگرافیه خارجه) و (اخبار مختلفه) سه ستون از صفحه آخر روزنامه گرفته شده است.

پاورقیهای روزنامه عبارت از رساله های مختلفی است که من جمله رساله ایست مربوط به (استدلال بر حرکت زمین) و ارهمان شماره اول چاپ شده و باین مقدمه شروع میشود: « از آنجا که بعضی از مراتب علمیه و مطالب طبیعیه اروپا برای نکته دانی و روشن رو انسی ناظران ورقه خالی از ثمری نیست بلکه اثری تمام و فیضی عام دارد نگارنده واجب دید که شمه از آن مطالب را در ذیل روزنامه بنگارد و بمطالعه آن روان بینندگان را روشن دارد و دیگر آنکه برخی از مردمان دانشمند خواهشند شده اند که شرحی از حرکت زمین بادلایل و براهین متین که تعیین شده و بمنتهای یقین رسیده در این روزنامه مسطور شود لهذا از رساله موسوم بفصول اربعه که نگارنده در سنه ۱۲۹۱ هجری نگاشته ام در ذیل هر صفحه سطرى چند مسطور میشود و من الله التوفیق .»

سال اول روزنامه فرهنگ با نشر نمره ۳۹ خاتمه یافته و سال دوم آن با انتشار نمره چهل مورخ ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۹۷ هجری مطابق ۳۰ مارس ۱۸۸۰ میلادی شروع شده است. در سال دوم مختصر تغییری در سرلوحه روزنامه داده شده بدینقسم که کلمه (فرهنگ) دو بالای سرلوحه بخط نسخ درشت و در زیر آن (اصفهان) و در دو طرف قیمت اشتراك و تاریخ انتشار درج است. قیمت سالیانه روزنامه در اصفهان و توابع ۱۲ قران. طهران و عراق عجم و یزد و کاشان و بروجرد ۱۷ قران. فارس و عربستان و آذربایجان و خراسان و گیلان و مازندران ۲۲ قران. کلکته و بئینی و سایر ممالک هندوستان و برما و ققازیه ۲۵ قران. سنت پترسبوك و لندن و پاریس و اسلامبول و مصر سه تومان. روزنامه فرهنگ مدت دهسال در اصفهان مرتب منتشر شده و دوره کامل آن در کتابخانه دبیرستان صارمیه موجود است.

(۸۵۶) فرهنگ

روزنامه فرهنگ در طهران بدبیری و صاحب امتیازی (اعتضادالعلماء - مرتضی - الشریف) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. برون در کتاب مطبوعات و شمر فارسی ص ۱۲۲ مینویسد من شماره دوم روزنامه فرهنگ را دارم و این شماره در چهار صفحه بقطع ۱۲ در ۶ و سه چهارم اینچ و در تاریخ ۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. قیمت اشتراك سالیانه آن در طهران ۱۲ قران و در سایر شهرهای ایران باضافه قیمت پست، در ووسیه ۳ منات، در اروپا ۷ فرانك طرر انتشار فرهنگ هفتگی بوده است.

(۸۹۷) فرهنگ

مجله فرهنگ در سال ۱۲۹۸ شمسی در طهران تأسیس و هر یکماه یکمرتبه منتشر شده است .

(۸۹۸) فرهنگ

مجله فرهنگ که از انتشارات جمعیت فرهنگ رشت است در سال ۱۲۹۸ شمسی تأسیس و پس از انتشار هفت شماره مدتی تعطیل و مجدداً در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر گردیده است . برای آشنا شدن بجمعیت فرهنگ رشت که مجله مذکور از انتشارات آن جمعیت است مختصر تاریخچه آنرا ذیلا نقل مینمایم :

در سال ۱۲۹۶ شمسی عده از جوانان و فارغ التحصیلهای مدارس رشت برای ترویج معارف و دست زدن با اصلاحاتی يك مجمع معارفی بنام (فرهنگ) طرح کرده و شروع بآردياد اعضاء و تقویت اساس آن نمودند . این جمعیت ابتدا دوچار اشکالات و موانعی گردید و مانند سایر جمعیتها همه نحو افترا و بهتان بآنان وارد آوردند ولی مجمع ایستادگی نمود و کارهایی انجام داد منجمله در سال ۱۲۹۸ موفق بنشر مجموعه باسم مجله (فرهنگ) شد . اقدام دیگر انجمن فرهنگ رشت تأسیس چند کلاس اکابر مجانی بود که قریب یکصد نفر در این کلاسها مشغول تحصیل بودند . دیگر از کارهای انجمن تهیه نمایش و دادن تاترهای اخلاقی بود که قریب دویست مرتبه بهترین بیسهای اخلاقی را بمرض نمایش گذاشت . تأسیس مجالس سخنرانی نیز از اقدامات مفید انجمن بود . جمعیت فرهنگ رشت مدت چهار سال فعالیت مینمود و منجمله هفت شماره مجموعه بنام مجله (فرهنگ) منتشر نمود تا اینکه در نتیجه انقلابات گیلان و حوادث آن حدود مجبور بتعطیل شد تا سال ۱۳۰۴ شمسی که درحقیقت سال دوم مجله است دومرتبه منتشر گردید .

از سال اول مجله فرهنگ که بیش از هفت شماره منتشر نشده نگارنده نموده ای در دست ندارم و لذا بشرح مجله در سال دوم میپردازیم : شماره اول سال دوم مجله فرهنگ پس از سه سال تعطیل در برج حمل ۱۳۰۴ شمسی بهدیری (قی راتقی) - عضو جمعیت فرهنگ) تأسیس و منتشر شده و وجه اشتراك سالیانه آن ۲۰ قران و تك شماره آن دو قران معین گردیده است . مجله فرهنگ بقطع كوچك در مطبعه سربی (عروة الوقتی رشت) طبع و معمولاً درچهل صفحه انتشار یافته . فهرست مندرجات شماره اول آن بدیقت قرار است : هشت سال مبارزه (مطالبیکه راجع بجمعیت فرهنگ نقل کردیم از این مقاله بود . مؤلف) بلبل و شاخ گل - بطرف قطب شمال - مبحث علمی . مجله فرهنگ ماهی یکشماره طبع و توزیع شده و بعنوان مجله (علمی ، ادبی ، اخلاقی ، قنی و اقتصادی) معرفی شده است . محل اداره : رشت سبزه میدان . عنوان تلگرافی : رشت فرهنگ . مجله فرهنگ تامهر ماه ۱۳۰۷ شمسی بشماره ۷ سال

چهارم مرتباً منتشر گردیده و از آن پس برای همیشه تعطیل شده است. این مجله یکی از بهترین مجلاتی است که در ولایات ایران منتشر شده و دارای مندرجات بسیار مفیدی میباشد. شماره اول سال چهارم آن بدیری آقای (تقی راتقی) پس از یکسال تعطیل بعد از نشر سال سوم، در فروردین ۱۳۰۷ منتشر گردیده است. نگارنده از مجله فرهنگ تا شماره سوم سال چهارم مورخ خرداد ماه ۱۳۰۷ در دست دارم ولی هما قسم که یاد آور شدیم انتشار مجله تامهرماه سال مذکور ادامه داشته است.

آقای تقی راتقی - آقای تقی راتقی مدیر مجله فرهنگ در پاسخ در خواست اینجانب شرح احوال خود را مرقوم داشته که بطور خلاصه چنین است :



تقی راتقی فرزند حسن در سال ۱۲۷۱ شمسی در رشت متولد شده و پس از تحصیل مقدمات علوم قدیمه و جدیده مدت هشت سال در مدارس محلی رشت بسمت آموزگاری و نظامت و مدیری مشغول بوده. پیش آمد انقلاب گیلان سبب گردید که با جمعی از مهاجرین رشت را ترک نموده و بصوب قزوین رهسپار گردد. این مهاجرت ششماه طول کشید و پس از آرامش گیلان مجدداً بدانجا باز گشت و بدیری دبستان فردوسی مشغول کار شد در سال ۱۳۰۰ دبستان مذکور دولتی و بنام دبستان عنصری شماره ۲ موسوم و مشار الیه نیز بدیری آن باقی ماند. در سال ۱۳۰۷ بطهران احضار و در طهران بدیری دبستان سعادت شماره ۱۴ منصوب گردید در سال ۱۳۱۰ برشت منتقل شد و تا سال ۱۳۱۵ در رشت مشغول انجام وظیفه بود تا اینکه در

آقای تقی راتقی

خرداد سال مذکور بنماینده گی فرهنگ و اوقاف ساوه منصوب گردید ولی بعلت نا سازگاری آب و هوای ساوه بیمار شد و ناچار برشت عودت نمود و در اداره کیمیه باقی رشت که بنگاهی است ملی استخدام گردید. سه سال نیز در آنجا مشغول بود و مجدداً در فرهنگ بخدمت وارد شد و تا مهر ۱۳۲۷ بدیری دفتر فرهنگ و سپس بریاست دایره بایگانی در فرهنگ استان اول ایقای وظیفه نمود. آقای راتقی در سال ۱۳۰۳ امتیاز مجله فرهنگ را گرفت و مجله را با قطع خشتی از ۳۲ تا ۴۰ صفحه بطور ماهیانه در هرماه شمسی در مدت چهار سال انتشار داد. این مجله حاوی مقالات عام المنفعه که بآلم عده از فضلی کشور و جوانان بافضل گیلان نوشته میشد منتشر میگردد.

(۸۵۹) فرههر

روزنامه فرههر بدیری و مؤسسی (خدا رحم آبادیان) در طهران تأسیس و

شماره اول سال اول آن در تاریخ ۲۸ دلو ۱۳۰۱ مطابق سلخ جمادی الثانی منتشر شده است . این روزنامه از انتشارات زردشتیان بوده و در عنوان آن ، بالای اسم روزنامه تصویر (فره وهر) چاپ شده است . تاریخ انتشار روزنامه بدو تاریخ اسلامی زردشتی طبع گردیده و در شماره نخستین سال اول برابر خر ایزد مهرماه ۱۲۹۲ دیده میشود جای اداره : طهران - علاءالدوله . بهای روزنامه داخله سالیانه ۲۵ قران . ششماهه ۱۵ قران . سه ماهه ۱۰ قران . تک نمره هفت شاهی .

طرز انتشار فره وهر هفتگی بوده و روزهای شنبه منتشر نشده . در زیر عنوان روزنامه فهرست مندرجات آن چاپ شده و فهرست شماره اول بدینقرار است : « افکار ما صفحه یک . مازردشتیان . عالم زردشتی صفحات ۳ و ۴ خلاصه اخبار پارلمان . سرگذشت اردشیر . نساجی و اهمیت آن . امراض مقاربتی . شماره اول روزنامه در هشت صفحه بقطع وزیری بزرگ در مطبعه فاروس طهران چاپ شده و مقاله افتتاحی آن بدین قرار است : « فکر ما . در این زمان که ملل و دول مختلفه روی زمین با سرعت محیر العقولی مشغول درک وسائل و اسباب تهیه ارتقاء و پیشرفت صوری و معنوی خود میباشند فی الحقیقه وجود روزنامه جات مقتدرترین عوامل و مفیدترین وسائلی است از برای نیل بمقصود امروز در تمام ایران غیر از زردشتیان عموم ملل و ضوایف دارای روزنامه هستند و زردشتیان تنها ملتیی میباشند که تا با امروز از اینوسیله اصلاح و ترقی خود محروم بوده بنا بر این بمناسبت اقتضای این دوره و فواید و پیشرفت کلیه امور روزنامه ما علی المعجالة هفتگی منتشر میشود و بس مسروریم که باین مقصود نائل شدیم . . . » سپس شرحی راجع بکلمه فره وهر و انتخاب آن و اینکه این کلمه بجای حقیقت و هیولا و نفوس مجردة نزد زردشتیان است شرحی نوشته و بعد مقاله مازردشتیان و عالم زردشتی تا صفحات چهارم روزنامه را فرا گرفته است .

سر مقاله شماره دوم بعنوان (معارف ایران) و تاریخ زردشتیان است . شماره پنجم فره وهر در تاریخ سه شنبه ۲ شعبان ۱۳۴۱ مطابق ۲۹ حوت ۱۳۴۱ انتشار یافته و از این روزنامه فعلا تا شماره ۲۴ سال اول مورخ سه شنبه ۲۲ محرم مطابق ۱۲ سنبله ۱۳۰۲ در دست نگارنده میباشد . مندرجات روزنامه بیشتر مطالب مربوط بزردشتیان است . رمان زن نان فروش تألیف « گزایوه دومن ته پن - ترجمه رستم پور جمشید » بعنوان باورقی در روزنامه درج شده است .

(۸۶۰) فرهی

امتیاز روزنامه فرهی در اصفهان بمدیری (آقا میرزا بهاءالدین) در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۴ شمس از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۸۶۱) فریاد

روزنامه فریاد در شهر ارومیه (رضائیه) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ

چهارشنبه ۲۱ محرم الحرام ۱۳۲۵ قمری مطابق ۲۱ فیورال ۱۹۰۷ میلادی، در چهار صفحه بقطع متوسط وزیری در مطبعه سربی (ارومیه - مطبعه آمریکاییه) طبع و توزیع گردیده مدیر کل روزنامه (میرزا حبیب ارومیه) و منشی اداره: (میرزا محمود غنی زاده دیلمقانی) و ناظم اداره (میرزا عبدالملی حریری دیلمقانی) معرفی شده. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و روزهای شنبه طبع و یکشنبه توزیع میشده. عنوان مراسلات: ارومیه سرای حاج ابراهیم. اداره فریاد. بدل اشتراک (اینطور نوشته‌است) داخل شهر سالیانه ۱۲ قران. ششماهه ۸ قران سایر ولایات بترتیب ۱۸ قران و یک تومان. روسیه چهار منات و دومنات و نیم. ترکیه ۵۰ غروش و سی غروش. اروپا ۱۲ فرانک و هشت فرانک. قیمت یک نسخه ۴ شاهی. بعد از سه نمره بدل آبنونه دریافت میشود. اعلانات سطرری پانزده شاهی. در هر شماره این شعر در زیر اسم روزنامه چاپ شده است: (قد صرفت العمر فی قیل وقال یا جیبی قم فقد ضاق المجال.)

مقاله افتتاحی روزنامه که در آن شرح پیدایش روزنامه را ذکر کرده بدینقرار است: «نیایش - فریاد. رب اشرح لی صدری و یسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهو قولی. پاک یزدانا بخشنده مهربانا. مدد، مدد که جمله جهانرا توئی مدد فرمای کمترین بنده را بی استعانت قدرت بالفات در این فضای بی‌انتها چه یارای دم زدن است و ناتوان پرستنده را بی راهنمایی توفیقت در اولین دشت پهناور کجا قدرت قدم زدن. یارب یارب مدد که پیروان رفتند همه در منزل مقصود آرمیدند و باقصی المرام رسیدند لیک ما را غول فطرتان این دشت و ابلیس نشان این صحرا از راه بردند عنان اختیار و قوت و اقتدار مادی و معنوی ما را ارکف ر بوده دیرزمانی بکوه و دره و دشت سرسردی و آواره هر طرف دوانیدند. یارب، یارب، هنگام سپیده دم است و فضا اندکی تاریک و این راه که پیش پایمان است پر باریک و ماهم که بدمیدن صور و غریبن شیبور سر از خواب برداشته ایم هنوز سراسیمه و مخمور با همان پریشانی صبحی ره میسپاریم...» پس از این مقدمه تعریف مسلک را ننوده که مسلک چیست و چه فایده دارد و اینکه در اروپا فرق مختلف یافت شود که هر کدام دارای مسلکی میباشد سپس مینویسد پس اتخاذ مسلک در سابق در میان ما نبوده و یا اربین رفته و از اروپا باتراک سرایت کرده و از آنجا بمطبوعات ایران ولی فلاحا جریده فارسی ایرانی مسلکی جز طرفدار ترقی ملت و استقلال دولت بطور مشروطیت مسلک دیگری ندارد و ماهم نه سوسیالیست و نه نارشیست هستیم و بلکه طالب سعادت و ترقی ملت ایرانیم. پوشیده چه داریم همینیم که هستیم، در خاتمه سرمقاله از محقر بودن نامه پوزش طلبیده‌است.

مقاله افتتاحی روزنامه تمام صفحه اول و دوم و نصف ستونهای صفحه سوم را فرا گرفته و با مضای (ع ۰۴) است. فریاد اولین روزنامه ایست که در شهر رضائیه انتشار یافته و لذا در شماره دوم تحت عنوان اعلان اینطور مینویسد:

چون وقت توزیع شماره اول فریاد باره از آقایان شهر درگرفتن آن اظهار اکراه فرموده و بعضی را هم چون تاحال روزنامه ندیده‌اند حیرت دست داده و ترسیده

عقب كشيده بودند بنا بر اين نا چاريم اين سطور را بنويسم شماره اول فرياد را از آنجائيكه اول انتشار و در اروميه همچو نوبري بود لهذا در شهر بهريك از محترمين و آقايسان يك نمره برسم اهدا و اتعاف تقديم شده است و پس از ارسال شماره دوم اگر مایل باشترك نيستند قيمت اين دوشماره را ارسال داشته و باقا ميرزا عبدالعلی ديلمقانی ناظم اداره اطلاع دهند كه فرستاده نشود .

مندرجات روزنامه فرياد پس از درج سرمقاله ، عبارت از مقالات مختلف از قبيل مقاله حسب حال كه باين عنوان شروع ميگردد :

« رفتند حاجيان و رسيدند بر حجاج ما در نخست مرحله مشغول خواب ناز »

- ويا مقاله بانك ملی ياسرمایه سعادت ايرانيان . سرمقاله شماره دوم فرياد تحت عنوان (احتياجات اروميه بسيار است - ديری است اروميه دل شاد نداشت و ز قیدالم خاطر آزاد نداشت . بسيار مرضهای نهان داشت ولی بیچاره زبان نداشت فرياد نداشت) نوشته شده . علاوه بر مقالات مذکور اخبار محلی اروميه و سلماس و انجمن ولايتی مندرجات فرياد را تشكيل ميدهد . شماره دوم فرياد در تاريخ غره صفر ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . مرحوم تربيت در كتاب دانشمندان آذربايجان (صفحه ۴۱۲) پس از آنكه مینويسد روزنامه هفتگی فرياد منتشر در رضائيه با چاپ سربی بمديريت حبيب الله آقازاده در ۱۳۲۵ ، اضافه ميکند كه از روزنامه فرياد ۲۳ (بيست و سه شماره) نشر شده است . برون در كتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۲۲) مینويسد روزنامه هفتگی فرياد منتشر در اروميه در سال ۱۳۲۵ قمری بمديري ميرزا محمود غنی زاده (مدير روزنامه های شفق و بوقلمون) من شماره ۲۲ اين روزنامه را كه در تاريخ ۲۷ شعبان ۱۳۲۵ قمری منتشر شده در دست دارم .

از نوشته مرحوم تربيت معلوم ميشود كه شماره مذکور آخرين شماره نبوده و بلكه شماره ۲۳ آن نيز منتشر شده است . مرحوم كسروی در كتاب تاريخ مشروطيت ايران (صفحه ۳۷۳) راجع به اين روزنامه مینويسد : « يك روزنامه آبرومند ديگري بنام فرياد در همان زمان در اروميه نوشته ميشد كه دارنده آن ميرزا حبيب اله آقازاده و نويسنده اش ميرزا محمود غنی زاده بودند . » حبيب الله آقازاده مدير فرياد روزنامه های فروردین و شاهين را نيز منتشر نموده است .

(۸۶۲) فرياد

روزنامه فرياد در طهران بمديري آقای (ميرزا سيد محمد طباطبائی) تاسيس و انتشار يافته . آقای سيد محمد طباطبائی مدير روز نامه تجدد ايران بعد از انقلاب خراسان و قيام كلنل محمد تقی خان ، پس از چند مرتبه تبعيد و گرفتاری بالاخره در سال ۱۳۰۴ شمسی بطهران آمده و در آن شهر قريب بيگسال روزنامه فرياد را منتشر کرده است . در فردين ۱۳۰۶ شمسی شوراي عالی فرهنگ تصويب نمود كه آقای طباطبائی بجای روزنامه فرياد ، روز نامه تجدد ايران را منتشر نمايد و از آن پس

حرف‌اتقاء بعده الرء فریاد آذر بایجان، فریاد ایران، فریاد وطن، فصاحت

روزنامه تجدد ایران بجای فریاد منتشر شد. برای اطلاع بیشتری از شرح احوال مدیر روزنامه تجدد ایران بجلد دوم کتاب تاریخ جراید، نمره ۲۷۱ کتاب رجوع شود.

(۸۶۳) فریاد آذربایجان

روزنامه فریاد آذربایجان در تبریز بصاحب امتیازی و مدیری و سر دبیری (حاج کاظم خان دادگران) تأسیس و شماره چهل و شش سال دوم آن در تاریخ چهارشنبه ۸ ذیحده ۱۳۴۵ قمری مطابق ۱۷ خرداد ۱۳۰۶ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سرری (تبریز - مطبعه امید) طبع و توزیع شده است. امتیاز روزنامه فریاد آذر بایجان بدبیری (حاج کاظم دادگران) در خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است.

طرز انتشار روزنامه ابتدا هفتگی و بعد یومیه بوده است. ارزش روزنامه بدین قرار معین شده: سالیانه: داخله ۵۰ قران، خارجه ۶۰ قران. ششماهه ۳۰ قران و ۳۵ قران. قیمت اعلانات و لواحق و مکاتیب خصوصی بادنتر اداره است. تک شماره ۸ شاهی از معلمین و شاگردان مدارس نصف قیمت دریافت میشود. محل اداره: خیابان طهماسبی عنوان تلگرافی: تبریز. فریاد آذربایجان.

مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی مربوط باوضاع سیاسی و اقتصادی، عبارت از اخبار خارجه بتفصیل و اخبار داخله و مقالات مختلف راجع باوضاع محلی آذربایجان است. مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان راجع بروزنامه فریاد آذربایجان مختصراً نوشته است: روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سرری بدبیریت حاجی کاظم دادگران در ۶ - ۱۳۴۵.

(۸۶۴) فریاد ایران

روزنامه فریاد ایران در سال ۱۳۰۹ شمسی در کرمانشاه بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است.

(۸۶۵) فریاد وطن

روزنامه فریاد وطن در سال ۱۲۹۰ شمسی بطور هفتگی در تهران تأسیس و منتشر شده است.

(۸۶۶) فصاحت

مجله فصاحت در شهر کرمانشاه بدبیری و صاحب امتیازی (میرزا محمد جواد کرمانشاهی) آقای شهاب، تأسیس و منتشر شده است. امتیاز این مجله در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته و س از آنکه تا سال ۱۳۴۵ قمری منتشر گردیده بروزنامه مبدل شده و روزنامه فصاحت تا سال ۱۳۰۹ شمسی انتشار

یافته و در آن تاریخ توقیف گردیده است . امتیاز روزنامه فصاحت بجای مجله بهین نام در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است . در سالنامه ۱۳۰۹ پارس پس از آنکه عکس آقای شباب مدیر جریده فصاحت را چاپ کرده در باره روزنامه فصاحت مینویسد « جریده فصاحت در کرمانشاه بمدریت آقای شباب که در نظم و نشر از قبیل دیوان نشاط شباب ، شکرستان ، دبستان معرفت کیمیای سعادت و تیر شهاب آثار زیادی دارند . »

(۸۶۷) فكر

روزنامه فكر در شهر تبریز بمدری (وار تانیانس) تأسیس و در سال ۱۳۳۰ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان در باره روزنامه فكر مینویسد : « روزنامه هفتگی فكر منتشر در تبریز با چاپ سری بمدریت الکساندر در وار تانیانس در ۲۵ ربیع الاخر ۱۳۳۰ روزنامه ارتجاعی است . » در وار تانیانس معلم نقاشی در مدرسه آرامنه تبریز بوده و روزنامه فكر را پس از آمدن روسها بتبریز و کشتار جمعی در آن شهر و بر هم زدن جراید (معرم ۱۳۳۰ قمری) منتشر نموده . در این روزنامه صمد خان شجاع الدوله مراغی را بادمه عملیات روسها در آذربایجان تشویق مینماید و این تنها روزنامه ایست در ایران که چنین سبکی را پیش گرفته و از این جهت مرحوم تربیت آنرا روزنامه ارتجاعی قلمداد کرده است .

(۸۶۸) فكر آزاد

مجله فكر آزاد در شیراز بمدری آقای (نوبخت) تأسیس و قبل از سال ۱۲۹۸ شمسی منتشر شده است . مجله فكر آزاد پس از توقیف مجله دیگری که بنام (رندگانی) تأسیس و بیک شماره منتشر شده ، انتشار یافته و این مجله هم بیش از دوشماره منتشر نگردیده است . پس از توقیف مجله فكر آزاد ، آقای نوبخت اقدام بتأسیس و انتشار روزنامه بهارستان نموده و چون روزنامه بهارستان در اوایل حمل ۱۲۹۸ شمسی منتشر شده قهراً مجله فكر آزاد قبل از این تاریخ بوده است . برای اطلاع از روزنامه بهارستان و شرح حال نوبخت رجوع شود بجله دوم کتاب تاریخ جراید نمره ۳۰۵ .

(۸۶۹) فكر آزاد

روزنامه فكر آزاد بصاحب امتیازی و نگارندگی آقاسی (احمد دهقان) ابتدا مدت دو سال در شهر مشهد و ز ابتدای سال سوم در طهران منتشر شده است . آغاز تأسیس روزنامه فكر آزاد در شهر مشهد در ۲۹ جواری ۱۳۰۱ شمسی بوده و شماره اول سال سوم آن که آغاز انتشار روزنامه در طهران میباشد در تاریخ چهارشنبه ۲۰ عترب ۱۳۰۳ شمسی بوده است . در شماره ششم سال دوم مجله الکمال

منطبعه مشهد مورخ ۲۵ برج سرطان ۱۳۰۱ شمسی شرحی بعنوان (تقریظ) در باره انتشار روزنامه فکر آزاد در مشهد نوشته که چون مشتمل بر اسامی روز نامه های منتشره خراسان در آن تاریخ میباشد ، بی فایده نیست بینه آنرا نقل نمائیم : « تقریظ (شرق ایران) (آگاهی) داشت که تافکر ملت آزاد نشود (چمن) آبادی دردمن (طوس) نروید و راه (سلامت) را کسی نیوید و (نوبهارش) از تطاول خزان سالم و (تاره بهارش) را گل امید نماند لهذا دهقان خردمندش که دارای امتیاز معارفی بود (عصر جدید) معارف (خراسان) رارفتی به (کمال) داد و مهر (منیر) ش را برورنامه آزادی علامه (فکر آزاد) که بصاحب امتیازی جناب ادیب دانشمند آقای آمیرزا احمد خان خان دهقان و مدیریت جناب آقای رفعت التولیه عالم مطبوعات را زینت داده چون (خورشید) درخشان ساطع ساخت . ما موقیت آن مدیر محترم وصاحب امتیاز معظم را در ترویج معارف اسلامیه که لازمه احترامات محیط قدس امامت و پناهندگی دربار کرامت است از درگاه احدیت خواستاریم .

صد شکر در خراسان گردید فکر آزاد ✽ آری بفکر آزاد هر خاطری شود شاده .
رفعت گرفت دهقان در خاک شرق ایران ✽ داروغه ستم را از ده بکند بنیاد .
(۱۳۴۰ - ۵ - ۱۳۴۵)

ارباب باز قلعه بر بدو ساله گت ✽ دهقان شرق ایران بادا بفکر آزاد .
آقای میرزا علی اکبر خان گلشن آزادی مدیر جریده آزادی چندی در مشهد مدیر داخلی فکر آزاد بوده است . برای اطلاع از آن رجوع شود بکلمه آزادی جلد اول کتاب .

همانقسم که قبلا یاد آور شدیم روزنامه فکر آزاد بدیری آقای احمد دهقان مدت دو سال در مشهد منتشر شده و از ابتدای سال سوم بظهران منتقل شده است . شماره اول سال سوم یا اولین شماره منتشر در تهران در هشت صفحه بقطع بزرگ وزیری در مطبعه سربی (قناعت طهران) طبع و در تاریخ چهارشنبه ۲۰ عرّب ۱۳۰۳ مطابق ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۴۳ و ۱۲ نوامبر ۱۹۴۲ انتشار یافته . جای اداره : تهران . خیابان جلیل آباد و بهای رور نامه یکساله داخله ۵۰ قران . شش ماهه ۲۶ قران . خارجه ۶۰ قران و ۳۲ قران . تک شماره ۸ شاهی . روز های انتشار دوشنبه و پنجشنبه بوده است .

سرمقاله شماره اول سال سوم بعنوان (آغار دوره جدید) و بدینقسم شروع میگردد : « خواننده محترم . این روزنامه که بشما تقدیم میشود شماره اول از سال سوم فکر آزاد است . نامه فکر آزاد دو سال در کرسی خراسان (مشهد مقدس) منتشر شده و سال سوم آن در تهران (سرچشمه خوشبختی یا بدبختی ایران) شروع گردید . چون قطع طرز و اسلوب روزنامه در این سال تغییر یافته ابتدای آنرا (آغار دوره جدید فکر آزاد) نامیده برای استحضار خاطر شما مقصود خود را از انتشار روزنامه مسلک و رویه نامه نگاری و بعضی مزایا و محسنات این دوره شرح میدهیم »

پس از این قسمت بشرح عللی که مردم نسبت بجراید و مطبوعات بدبین شده پرداخته است . در شماره اول پس از سرمقاله مذکور ، مقاله بعنوان (قدرت جامعه) و بعد خبرهای داخله و اخبار دارالشورای ملی و اخبار خارجه درج شده است . در همین شماره وعده داده که از شماره آینده ترجمه رمان (یوسف گاریبالدی) را که میرزا اسداله خاکپور ترجمه کرده چاپ مینماید .

از روزنامه فكر آزاد نگارنده تا شماره ۱۴ مورخ سه شنبه ۱۰ جمادی الاخر ۱۳۴۳ قمری مطابق ۱۶ جدی ۱۳۰۳ را در دست دارم . تعداد صفحات تا شماره اخیر یکصد و دوازده صفحه است . سرمقاله این شماره بعنوان (بنام ایران و ایرانی) و در آن تمجید و تعریف فراوان از سردار سپه شده است . از مندرجات روزنامه فكر - آزاد که معمولاً در هر شماره چاپ شده اشعار ایرج میرزا است .

آقای احمد دهقان - آقای احمد دهقان همان آقای احمد بهمنیار کرمانی استاد دانشگاه است که شرح احوال ایشانرا بتفصیل در ذیل روزنامه دهقان ، در جلد دوم کتاب تاریخ جراید چاپ کرده ایم . در اینجا باید اضافه کنیم که آقای احمد دهقان کرمانی مدت توقف در مشق - که روزنامه فكر آزاد منتشر مینموده ، کارمند انحصار تریاک بوده است . در پایان این شرح لازم است اضافه نمائیم که چون طبق قانون تغییر محل طبع روزنامه و یا مجله از شهری بشهر دیگر منوط با اجازه شورایعالی فرهنگ است لذا شورایعالی فرهنگ در قوس ۱۳۰۳ شمسی امتیاز روزنامه فكر آزاد را بدبیری (میرزا احمد خان دهقان) که در طهران منتشر شود تصویب نموده است .

(۸۷۰) فكر استقبال

روزنامه فكر استقبال در شهر اسلامبول بزبان فارسی بدبیری (علی شریعت - زاده) تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . از روزنامه فكر استقبال بیش از يك شماره منتشر نشده و ذیلا خصوصیات این شماره را از روی نمونه که در دست است شرح میدهم :

روزنامه فكر استقبال در نه صفحه بقطع خشتی کوچک در مطبعه سربی با کاغذ و طبع بسیار خوب چاپ و در تاریخ ۲۱ شعبان ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . در عنوان روزنامه اسی ارمدیر و صاحب امتیاز روزنامه نیست و فقط در انتهای صفحه نهم که آخرین صفحه روزنامه است نوشته : (اسلامبول . علی شریعت زاده) و از این عبارت محل طبع و نام مدیر روزنامه (علی شریعت زاده) معین میگردد . آنچه لازم است یاد آور شویم اینکه در اینجا و در فهرست جراید آذربایجان نام خانوادگی مدیر روزنامه (شربت زاده) ضبط شده ولی تصور می رود هاتم قسم که در بالا نوشتم شریعت زاده باشد و بخلط شربت زاده چاپ شده است . بخصوص که در کتاب مطبوعات و شعر فارسی برون نیز (علی شریف زاده تبریزی) نوشته شده است .

هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و در بالای اسم روزنامه (فكر استقبال)

جمله (دست اخوت نشود قطع) و در طرف راست عنوان روز نامه این عبارت : (در مقابل اجرت همین نسخه از قارئین حس وطن پرستی مطلوب است) و در طرف چپ عنوان عبارت : (اجرت پست در همه جا بمهده صاحب مقاله است) درج گردیده . در زیر عنوان جملات (عجلو بالصلوة قبل الفوت) و (عجلو بالتوبه قبل الموت) چاپ شده است . مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میگردد : « برعامه ملت و قساطبه هم وطنان پوشیده و مخفی نیست که در این مدت سه چهار سال اخیر صدای کلمات مشروطه و انجمن و تشیید مبانی مجلس و قانون اساسی و عدالت و وضع اساس مساوات و حریت و اخوت و قطع ریشه نفاق و استحکام بنای اتفاق و غیره ار هر سمت ایران بگوش ما و جهانیان رسیده و میرسد ولی ماملت بدبخت معنی کلمات فوق را از فرط جهلیکه داریم ندانسته و خودمان مقفودالانثر کرده ایم ۰۰۰۰ »

مقاله دیگر این شماره تحت عنوان (قانون چه فایده میبخشد) است . بقبه مندرجات آن نیز مقالاتی نظیر همین دومقاله است . هماقسم که یاد آور شدیم از روزنامه فکر استقبال بیش از همین یکشماره منتشر نشده است .

(۸۷۱) فکر ایران

روزنامه فکر ایران در سال ۱۳۰۲ شمس بطور روزانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۸۷۲) فکرت

در سال ۱۳۱۲ شمس مجله فکرت بطور ۱۵ روزه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۸۷۳) فکر جوان

روزنامه فکر جوان در شهر رشت بدبیری و صاحب امتیازی آقای (علی آزاده گیلانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۵ شمس منتشر شده است . امتیاز روزنامه فکر جوان که پس از توقیف روزنامه قرن ۱۴ بدبیری علی آزاده گیلانی ، صادر شده در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمس از تصویب شورای عالی معارف گذشته ولی طبق نامه شماره ۲۸۱ مورخ ۲۳/۱/۱۶ که آقای آزاده بنگارنده نوشته اند ، انتشار روزنامه فکر جوان در نیمه دوم سال ۱۳۰۵ بوده است . در شماره دوم - سال دوم مجله عرفان مورخ شمس - یور ۱۳۰۵ درباره طلیمه روزنامه فکر جوان مینویسد که روزنامه بقلم آقای آزاده گیلانی مدیر محترم جریده قرن ۱۴ باپست اخیر رسید و مؤده انتشار روزنامه فکر جوان را میداد . ا شرح مذکور معلوم میگردد که روزنامه در همان اوائل نیمه دوم سال ۱۳۰۵ منتشر گردیده است .

پس از چهار سال انتشار مرتب روزنامه فکر جوان ، بر حسب حکم شهربانی ، از نشر و چاپ روزنامه جلوگیری شد و تا شهر یور ۱۳۲۰ گرفتار توقیف غیر قانونی بود

پس از وقایع شهریور دومرتبه روزنامه بکمک هیئت تحریریه که از يك عده جوانان تحصیل کرده تشکیل شده ، پابدایره انتشار گذاشته و تا دیماه ۱۳۲۱ که بموجب قانون تنگین مطبوعات احمد قوام روزنامه توقیف گردید ، منتشر میشده از دیماه مذکور تا نهم آذرماه ۱۳۲۲ که موفق بامیاز مجدد روزنامه شده ، فکر جوان توقیف بوده است . از آن تاریخ تاکنون روزنامه مرتب بطور هفتگی منتشر شده است .

فکر جوان معمولا در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (چاپ زربافی - رشت) طبع و منتشر شده . شماره ۳۸۲ دوره سوم از سال بیست و دوم روزنامه در تاریخ پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۲۴ شمس مطابق ۳ ربیع الثانی ۱۳۶۵ قمری نشر شده . جای ادازه رشت ، خیابان پهلوی ، عنوان تلگرافی : فکر جوان قیمت اشتراك روزنامه سالیانه ۲۰۰ ریال ششماهه یکصدریال تک شماره دوریال .

مندرجات روزنامه فکر جوان پس از سرمقاله که معمولا راجع باوضاع گیلان و کشور میباشد عبارت از مقالات متنوع و اخبار گیلان و یکی دو صفحه آگهی ثبتی و غیره میباشد . سرمقاله شماره ۳۸۲ بعنوان (فرزند انقلاب) و در باره میرزا کوچک جنگلی است . تصویر کوچک جنگلی در صدر این مقاله چاپ شده و در دوطرف آن این شعر درج است : (ز فیض خون جوانان جنگلی روری : ز خاک تیره سر آرد نهال - آزادی .) و نیز تصویر (حسین کسمانی) در این شماره چاپ شده و در کنار آن نوشته است : « شاد روان حسین کسمانی از آزادبغواهان باایمان و متهور بوده است . حسین کسمانی از جوانی در مبارزات سیاسی شرکت داشته و به نهضت جنگل خدمات بیشه ار کرده است . » . بیانات استانداد در سالن شهرداری و بقیه مقاله در اطراف نوغان و شرح راجع به پنسیلین ، قسمت دیگر مندرجات شماره مذکور را تشکیل میدهد .

فکر جوان یکی از جراید مفید و مرتب شهرستانهاست که مدتی متوالی منتشر شده و مشتمل بر مقالات مفید و عام المنفعه میباشد . آقای آراده گیلانی شرح احوال خود را در پاسخ درخواست نگارنده بدینقسم مرقوم داشته اند :

آقای علی آراده گیلانی

نام و نام خانوادگی اینجانب علی آراده گیلانی فرزند مرحوم شیخ علی اکبر مجتهد از اجله علماء و محترمین گیلان تولد اینجانب در سال ۱۲۷۴ شمسی در نجف اشرف بوده و مقدمات تحصیلی خود را در گیلان شروع نموده ام نظر باینکه باستحکام مبانی مشروطیت و آزادی ایران علاقه تام و تمام داشته ام اراینرود در بهمن ماه ۱۳۰۲



آقای علی آراده گیلانی

امتیاز روزنامه قرن چهارده را اخذ و مدت دو سال مرتباً منتشر مینمودم که گرفتار توقیف و پس از مدتی در نیمه دوم سال ۱۳۰۵ موفق باخذ امتیاز جریده فکر جوان گردیدم و با اتکاء بهجامعه روشنفکر و فرهنگ پرور گیلان در انتشار این نامه کمال موفقیت حاصل بوده است تا اینکه پس از چهار سال انتشار مرتب بر حسب حکم شهربانی آروز از انتشار و چاپ روزنامه فکر جوان جلوگیری و از آن تاریخ تا شهریور ۱۳۲۰ گرفتار توقیف غیر قانونی و خود اینجانب نیز زمانی در بند عمال دیکتاتوری و سالیانی نیز در تبعید بسر برده و در این مدت بکلی هستی خود را از دست دادم و شرح مشقات این دوره بعدی است که قلم از توصیف آن عاجز است خوشبختانه بعد از فرار شاه سابق با کمک یکمده از دوستان همراز و دانشمند خود موفق با انتشار مجدد فکر جوان گردیدم و از آن تاریخ تا کنون مرتباً هفته ای یک شماره منتشر میگردد و مطالب روزنامه بهمت هیئت تحریریه که از یکمده جوانان تحصیل کرده و دانشمند تشکیل شده است تهیه میشود .

بموجب قانون تنگین مطبوعات قوام (احمد قوام = قوام السلطنه هنگام ریاست وزرانی خود قانونی گذرانید که بموجب آن امتیاز تمام جراید و مجلات لغو میشود و کسانی حق گرفتن امتیاز دارند که واجد شرایط سنگینی باشند و از جمله دارای لیسانس و سپردن مبلغ پنجهزار تومان پول در بانک و شرایط دیگر . مؤلف) که آبروی دموکراسی نوین ما را برباد داده است در دیماه ۱۳۲۱ دوباره روزنامه توقیف و با سعی زیاد امتیاز مجدد اخذ و از نهم آذر ماه ۱۳۲۲ با انتشار مرتب روزنامه موفق شدم روش روزنامه طرفداری اراستقلال و دموکراسی کامل و استقرار قوانین و تعمیم فرهنگ و جلوگیری از تجاوز غارتگران میباشد .
این بود شرحیکه آقای مدیر محترم روزنامه فکر جوان ارسال داشته بودند .

(۸۷۴) فکر نو

در چهارم شهریور ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه فکر نو بدیبری (اکبر آقا خان شیرویه) را شورای عالی فرهنگ تصویب نموده است . طرز انتشار این روزنامه هفتگی و محل انتشار آن شهر اصفهان است .

(۸۷۵) فلاح

روزنامه فلاح در سال ۱۳۰۳ شمسی در طهران بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۸۷۶) فلاحت

مجله فلاحت در تحت نظر اداره کل فلاحت و تجارت و بدیبری آقای (دکتر مرتضی گل سرخی) در طهران بطور ماهیانه تأسیس و در مطبعه (فاروس) طبع و هر-

نوبت یکم هزار نسخه از آن منتشر شده است. سیاق مطالب این مجله تجارتمی و فلاحتی است : مجله ماهانه فلاحت در آغاز سال ۱۳۱۰ شمسی تأسیس و شماره اول سال چهارم آن در فروردین ماه ۱۳۱۵ در ۵۱ صفحه خشتی بزرگ منتشر شده است. همان‌تسم که یاد آور شدیم مجله فلاحت از انتشارات اداره کل فلاحت بوده ولی بمدیری دکتر مرتضی گل‌سرخی منتشر شده. مندرجات آن چنانچه روی جلد هر شماره نوشته عبارت است از مطالب (علمی، فنی، عملی) که مطالب آنها از طرف متخصصین و کارمندان عالی رتبه اداره فلاحت و بامضای آنها درج شده. نوع و سبک مطالب بیشتر مربوط به (قوانین و مقررات فلاحتی) و (دستورات فلاحتی) و (مقالات علمی فلاحتی) و (فلاحت بین‌المللی) و (ترجمه مقالات سودمند فلاحتی) و (جواب سئوالات وارده) میباشد. مقاله افتتاحی شماره اول سال چهارم بدینقسم شروع میگردد: «بیاری خداوند. در پرتو توجه اعلیحضرت همایون شاهنشاه پهلوی سال سوم مجله فلاحت انجام پذیرفت و سال چهارم شروع میشود. مرام مجله همان راهنمای طبقات فلاحتین است با اصول علمی و عملی امروزه فلاحت دنیا و طرز کاشت و برداشت محصول و آماده ساختن آن برای استاده و فروش». خصوصیات مجله بدو زبان فارسی و فرانسه بدینقسم نوشته شده: وجه اشتراک سالیانه داخله ۱۸ ریال شش ماهه ۱۰ ریال. خارجه سالیانه ۸ شلینگ. تک شماره ۲۰ ریال. محل فروش: طهران کتابخانه ابن سینا و کتابخانه طهران در ولایات کتابخانه های معتبر. محل اداره: طهران. خیابان شاه.

مجله فلاحت در سال چهارم مرتب هرماه یک شماره منتشر شده و آخرین شماره این سال یعنی شماره ۱۲ در اسفند ۱۳۱۵ نشر یافته و مجموع صفحات آن در این سال ۴۲۴ صفحه میباشد که تمام بیک قطع و اندازه است. در بیشتر شمارهها برای نشان دادن جزئیات و خصوصیات نباتات تصاویر مختلفی چاپ شده منتهی ساده و غیر رنگی است. در سال پنجم نیز مجله بهمان سبک و روش سال چهارم منتشر شده و شماره اول این سال در فروردین و شماره های نهم و دهم متعلق بآذر و دی ۱۳۱۶ یگبط انتشار یافته است

دکتر مرتضی گل‌سرخی - دکتر مرتضی گل‌سرخی تا آخر سال ۱۳۱۷ شمسی عهده دار انتشار و توزیع مجله بوده و از فروردین ۱۳۱۸ شغل ایشان تغییر کرده است نامبرده در سال ۱۲۹۷ خورشیدی مجله بنام مجله بیطاری منتشر نموده که از آن در جلد دوم کتاب تاریخ جراید گفتگو کرده ایم. علاوه بر این مجله دو جلد کتاب فلاحت تألیف و طبع کرده است.

(۸۷۷) فلاحت مظفری

بدستور مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۱۸ قمری دولت اداره بمدیر کلنی آقای اصف‌الموله بنام اداره کل فلاحت تأسیس نمود و این اداره دو اقدام سودمند نموده یکی تأسیس مدرسه موسوم به (مدرسه شاهنشاهی فلاحت) در این مدرسه محصلینی کف خواندن و حساب و قلمری فرانسه بداند قبول میشده و فقط علوم فلاحت تحصیل می-

کرده و بعد از تحصیل از طرف اداره مرکزی بسمت مدیری فلاحت بسایر ولایات و خالصه جات دولتی فرستاده میشده اند .

اقدام دوم اداره فلاحت تأسیس و طبع مجله فلاحت مظفری بوده که در آن از اقسام فلاحت و اصلاح اعمال زراعتی بحث میکرده . مجله ماهانه فلاحت مظفری در سال ۱۳۱۸ قمری در طهران تأسیس و منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات و شمار فارسی (صفحه ۱۲۳) مینویسد نمره دوم مجله در آغار جمادی‌الثانی ۱۳۱۸ انتشار یافته وی اضافه میکند که من نمره دوم سال اول و نمره ۱۶ سال دوم آنرا در دست دارم و این نمره در صفر ۱۳۲۵ قمری نشر شده . هر شماره مجله ۱۶ صفحه بقطع هفت در چهار و سه چهارم اینچ است . قیمت اشتراك آن در طهران شش قران و در سایر شهرستانهای ایران ۸ قران و در خارج ایران دوازده قران است .

(۸۷۸) فلاحت و تجارت

مجله فلاحت و تجارت که از انتشارات اداره کل فلاحت و تجارت بوده در طهران تأسیس و در هر برج يك شماره از آن نشر شده است . شماره اول سال اول مجله فلاحت و تجارت در اول حمل یونت تیل ۱۲۹۷ در ۱۶ صفحه بقطع خشتی با چاپ سریبی طبع و منتشر شده در پشت جلد مجله خصوصیات آن بدین ترتیب چاپ شده است : وجه اشتراك در داخله سالیانه ۲۵ قران ، ششماهه ۱۵ قران . در خارجه سالیانه ۳۰۰ و ششماهه ۱۸ فرانك . قیمت اعلانات يك صفحه صد قران . نیم صفحه ۶۰ قران . دربع صفحه چهل قران . ثمن صفحه ۳۰ قران . در باره مندرجات آن نوشته است : «مجله ایست علمی و علمی محتوی مقالات اقتصادی و معاومات راجعه بامور مربوط بفلاحت تجارت - صنایع - جنگلها - آبها - معادن - راهها و پلها و غیره که از طرف اداره کل فلاحت و تجارت منتشر میشود . » گراور پشت جلد و اطراف مجله عمل سلیمان ربانی گراور ساز است .

سرمقاله شماره اول و یا مقاله افتتاحی مجله تحت عنوان (طلیعه بهار) و بقلم مرحوم ملك الشعراى بهار در دو صفحه نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد : طلیعه بهار - ایران باید از راه سعی و عمل از روی زراعت و استخراج معادن نباتی و جمادی آباد شود و رب النوع فلاحت ، فصل دلفریب بهار ، از طرف خداوند رحیم ، بدهقانان و کشاورران سر زمین ما بشارت میدهد ، بآنها میگوید کار کنید ورنج برید زیرا این سرمایه است که هرگز کم نخواهد شد سرمقاله مذکور بدینقسم ختم میگردد : « پس ایملت عزیز ما بیائید زراعت (نیم) ، بیائید در جستجوی گنج موروئی خود زمین مزرعه اجدادی خودمانرا کاویدم و نتیجه سعی و عمل خودمانرا در وسط هر سال استخراج نمائیم مجله فلاحت و تجارت يك طرفه داوری و خجسته دستوری است که میخواهد آداب فلاحت یعنی تنها سرمایه و وسیله رستگاری ملت ایران را بآنان یاد داشت نموده و بیاموزاند این اولین قدم است دخیلی تقایم داریم ولی باید اول بفکر تقایم خود افتاد سپس به

زبان آورده برای بار سوم آنرا بموقع عمل و کار در آوریم . م . بهار . مدیر و سر دبیر روزنامه نوبهار . « مندرجات مجله بیشتر مطالب مربوط بفلاحت و تجارت میباشد و نویسندگان مقالات در سال اول عبارتند از میرزا مهدیخان مقوم الملک ، میرزا علیخان تجریشی ، آقای شارل سکرتن ، اسدالله میر منصور خان ، ذکاء الملک ، دکتر ولی الله نصر ، دکتر مرتضی خان ، دکتر احمد خان ، سمید نفیسی ، فهیمی ، میرزا احمد خان قین الدوله دفتری .

در شماره اول پس از درج طلایه شرحی بعنوان (تبلیغات وزارت) نوشته که قسمتی از آن چنین است : « نظر با اهمیت بسط امور فلاحتی و تجارتی در مملکت هیئت ور راه عظام بر حسب پیشنهاد وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه در جلسه ۳۰ برج دلو گذشته تأسیس یک اداره کل فلاحت و تجارت را در این وزارتخانه تصویب و مخصوصاً تأکید فرمودند که در ترقی و پیشرفت این دو رشته مهم زندگانی ملی مراقبت کامل بعمل آید (پس شرحی از شورای فلاحتی و شورای تجارتی نوشته و بعد راجع بمجله فلاحت و تجارت چنین مینویسد :) : مجله فلاحت و تجارت . لزوم انتشار معلومات فلاحتی و تجارتی توجه سرمایه داران و ارباب املاک باآبادانی مملکت و بالاخره راهنمایی و تشویق عامه بیسب صنایع و زراعت نکته نیست که محتاج بتوضیح باشیم . وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه در ضمن سایر اقداماتی که برای پیشرفت مقاصد فوق در نظر دارد انتشار یک مجموعه را بنام (مجله فلاحت و تجارت) ذمت همت خود دانسته که از این راه هم بمعارف مملکت خدمتی شده باشد و هم بوسیله آن بتواند با صاحبان فکر و معرفت در امور راجعه بفلاحت و تجارت تبادل افکار نموده در پیشرفت و ترقی این دو امر مهم زندگانی ملی بهتر از عهده و ظایف خود برآید . این مجله عجالتاً ماهی دونسخه طبع و هر نسخه آن مشتمل بر ۱۶ صفحه خواهد بود . بواسطه جمع نبودن اسباب کار بدیهی است در طبع و کاغذ و جلد و حتی مندرجات آن قصور و نواقصی موجود است که انشاء الله متدرجاً مرتفع خواهد گردید اصول محتویات این مجله از این قرار است :

تبلیغات وزارت - فلاحت و متعلقات آن - تجارت و اقتصاد - جنگلها و آبها - معادن و راهها - قوانین و امتیازات - و بالاخره اعلانات - امید است که با مساعدت صاحبان همت و ارباب معرفت و نویسندگان با بصیرت این مجله مقام حقیقی خود را حائز گردیده یک جای خالی معارف مملکت را پر کند . »

سال سوم مجله فلاحت و تجارت - شماره اول سال سوم مجله در حمل (پیچی نیل ۱۲۹۹ شمسی) منتشر شده و در این سال مرتباً مجله در هر ماه یک شماره نشر شده و شماره ۱۲ که در حوت (پیچی نیل ۱۲۹۹ شمسی) از طبع بیرون آمده ، خاتمه پیدا میکند . دوازده شماره سال سوم مجموعاً در ۴۸۰ صفحه بقطع خشتی در مطبعه سربی « بوسفور » طبع گردیده است . مندرجات مجله در این سال نیز مانند سالهای قبل عبارت از مقالات اقتصادی ، فلاحتی و تجارتی و صنعتی است که نویسندگان و یا - اداره کل فلاحت آنها را تهیه و در مجله منتشر میشود . مقاله افتتاحی سال سوم که تا اندازه خوانندگان را بوضع مجله آشنا میسازد در این قرار است : « بسمه تعالی

شانه بعون‌اله تبارك و تعالی سال دوم مجله فلاحت و تجارت پایان رسید و اینک این مجله قدم بسال سوم میگذارد. ادامه دوسال برای يك مجله که در واقع در محیط ما پیشقدم فکر جدیدی مییابد بامشکلات و محذوراتی که تهیه مقالات و طبع و نشر آن باوجود عسرت مطابع و قلت نویسنده و خواننده درپیش دارد خود موقیتی را نشان میدهد. انکار نداریم که مجله فلاحت و تجارت خالی از نواقصی نیست ولی این نکته را هم نباید از نظر برانیم که این مجله دارای آن نقصی است که دراول هر کاری بنا- چار در پیش میآید و متدرجاً و با کمال صعوبت باید رفع شود. با کمی وسائل و انواع عسرت‌هایی که در طبع و انتشار مجله فلاحت و تجارت همواره در کار بوده و مییابد میتوان گفت که مندرجات سال دوم بمراتب بهتر از مطالب سال اول بوده و امید میرود که در سال سوم در پیشرفت آن بیشتر موقیت شود و برای تأمین اطمینان بحصول این موقیت از عموم معارف پژوهان مملکت استمداد مینمائیم ضمناً چون مجله ما دارد در ممالک خارجه نیز طرف توجه بعضی از مراکز مربوطه میشود خالی از فایده نیدانیم بطوریکه سابقاً نیز در نظر داشتیم قسمتی از آنرا بزبان فرانسه بنویسیم و بدینوسیله باشخاصی که در خارج بجز نام و نشانی از ایران چیز دیگر بخاطر راه نداده اند این مملکت را از نقطه نظر اقتصادی معرفی نمائیم بلکه از اینراه نیز خدمتی به - بسط تجارت و بهبودی وضعیت اقتصادی ممالک بعمل آید. امید واثق داریم که خوانندگان محترم عموماً و مخصوصاً معارف خواهان معظم مملکت هم در اینراه با ما موافقت فرموده در ترویج و تأیید پیشرفت مقاصد این مجله از بذل هر نوع مساعدت و معاضدت مضایقه نخواهند داشت. <

همانقسم که در مقاله افتتاحی مذکور و عهده داده شده در سال سوم چند صفحه بزبان فرانسه بصفحات مجله افزوده شده و در هر شماره یکی دو صفحه در آخر مجله تحت عنوان (قسمت فلاحتی و تجارتنی) بفرانسه طبع گردیده است. مجله فلاحت و تجارت یکی از مجلات خیلی مفید و مخصوصاً مشتمل بر اطلاعات زیادی درباره فلاحت و تجارت ایران میباشد. در هر شماره چند صفحه اختصاص ب واردات و صادرات مملکت داده شده و از این حیث برای کسانی که طالب آمار واردات و صادرات آن ایام باشند بسیار مفید است. مجله فلاحت و تجارت پس از سه سال انتشار تعطیل گردیده و مجدداً در مهرماه ۱۳۰۵ شمسی، پس از شش سال تعطیل بمدیریت آقای مشفق کاظمی پابداً نثره انتشار گذاشته و در این دوره پنج شماره از آن نشر یافته و برای همیشه تعطیل گردیده است. در دوره اول یعنی در حقیقت سه سال اول انتشار مجله امور آن بعهده آقای سعید نفیسی، نویسنده معروف بوده است زیرا بقسبیکه در شرح حال ایشان در جلد دوم کتاب، در ذیل مجله شرق یاد آور شده ایم، نامبرده در سال ۱۲۹۷ شمسی بایران مراجعت کرده و تا سال ۱۳۰۰ شمسی رئیس اداره فلاحت و مدیر مجله فلاحت و تجارت بوده اند. از آن پس یعنی از سال ۱۳۰۰ شمسی تا سال ۱۳۰۴ در اداره راه مشغول و رئیس اداره امتیازات و اداره راه دعاوند بوده است. و بارفتن ایشان از اداره فلاحت

مجله نیز تعطیل شده است .

(۸۷۹) فلق

روزنامه فلق در شهر طهران بمدیری و نگارندگی (صادق بروجردی) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . پس از انتشار شماره ششم روزنامه قلم پاك روزنامه مذکور از طرف دولت توقیف و بجای آن روزنامه فلق منتشر گردیده شماره اول روزنامه فلق در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (سعادت) طبع و در تاریخ شنبه ۱۱ جمادی الاول ۱۳۴۱ مطابق ۸ برج جدی ۱۳۰۱ شمسی انتشار یافته . سرمقاله این شماره بعنوان (حق - ناحق) نوشته شده و مطالب آن گله ازدولت و شاه است که چرا روزنامه قلم پاك بدون محاکمه توقیف شده است . قسمتها ئی از سرمقاله مذکور بدینقرار است :

« امروز تاریخ ایران يك صورت مبهمی را بخود گرفته آنچه می بینیم حق و حقانیت پایمال و معدوم و ناحق بلباس حق جلوه گر است ماسعی داریم ملك و ملت ترقی نمایند - ما سعی داریم فکر ملت روشن گردد - ما سعی داریم مملکت معارف صحیحی داشته باشد »

توقیف روزنامه ملی کارگیری قلم پاك آنهم بدون محاکمه در مملکتی که دارای قوه مقننه است و هر روز نمایندگان دردارالشورای ملی قانون وضع میکنند دارای هیچ اصول و منطقی نیست مگر ما چه نوشته بودیم که دلشان خواست محقر جریده ما را توقیف نمایند . ماخواستیم خدمتی بیادشاه مملکت بنمائیم و او را از جریان افکار عمومی مطلع کنیم . اگر کار بدی کرده ایم توبه میکنیم و انجام ایتقییل مطالب مهسه را بجای پلوسهای متعلق که بشاه و گدا دروغ میگویند و مطالب را بعکس جلوه میدهند و موجبات اشتباه کاری را فراهم مینمایند و امید داریم هرچه میل دارند ما خیال میکردیم ذات شاهانه از مشی قلم پاك ما که با کمال شاه دوستی نگارش مییابد و افکار عمومی را بسمع اعلی حضرتش میرساند موافقت فرموده منتظر خواهند بود بعد از این هم کلمات عامه را از خوب و بد بتوسط نامه محقر خود بسمع همایونش برسانند از شخص شخیص سلطنت و نفس نفیس عدالت مستدعی هستیم جراید ملی را عموماً و قلم پاك را خصوصاً امر فرمایند از توقیف بی محاکمه خارج نمایند . روزنامه فلق در عنوان آن خود را (طرفدار مظلومان و کارگران) معرفی نموده و بالای اسم روزنامه (فلق) آیه (یا فالق الاصباح) و هم چنین این شعر را (گوسفند از برای چه پان نیست) بلکه چوپان برای خدمت اوست .) بعنوان شعار روزنامه چاپ کرده است . محل اداره ناصریه (اتحادیه جراید) و آدرس تلگرافی : فلق و بهای روزنامه طبقه اول ده تومان ، طبقه دوم پنج تومان ، طبقه سوم دو تومان ، تک نمره ۴ شاهی اجرت لوایح و اعلانات بادفتر اداره است . مطالب باید بعنوان اتحادیه جراید باشد مؤسس و مسئول روزنامه (عبدالله زاده) معرفی شده است . در هر شماره در صفحه

اول يك رباعي بامضای (س) که همان صادق بروجرديست چاپ شده و رباعي شماره اول این است :

تن پروری ومفتخوری گشته رواج	این درد بیساست نماييم علاج •
هر کس نکند کار و گریزد از رنج	سازيم بنان شب و روزش محتاج •

مندرجات روزنامه فلق پس از درج سرمقاله عبارت است از مقالات مختلف و اشعاری علیه سرمایه داری و بفتح کار گریست . این اشعار عموماً اثر طبع (صادق بروجردي) و تحت عنوان (فکاهی ادبی) چاپ شده است من جمله قسمتی از این اشعار بتقل از شماره سوم بدین قرار است •

فکاهی ادبی

قیمت القاب ارزان گشته است	اکرم واعظم فراوان گشته است
خرشود گاهی الاغ و گه حمار	در تکاپو بهر پالان گشته است
بهر این تن پروران بیهنر	ملك ایران جمله ویران گشته است
موش بود و گربه گردید آن پلید	مور مانند سلیمان گشته است
از وجود کارگر در مملکت	درد هر بیدرد درمان گشته است

جواب رنجبری

کارگر امروز اعیان گشته است	کافری بود و مسلمان گشته است
کار فرما کرده بود او را غلام	کارگر امروز سلطان گشته است
هر غنی بر هر فقیری ظلم کرد	آن غنی اکنون پشیمان گشته است
کارگر در دست خود دارد چکش	کله ظالم بسندان گشته است

صادق بروجردي

طرز انتشار فلق هفتگی بوده و در عنوان وعده داده است (بهمت معارف پروران یومیه خواهد شد) ولی ظاهراً هیچگاه یومیه نشده است .

از روزنامه فلق نگارنده تا شماره ۱۱ در دست دارم . این شماره د تاریخ سه شنبه ۲۴ رجب مطابق ۱۳ برج حوت ۱۳۰۱ منتشر شده و در صفحه اول آن تصاویر مرحوم علی قلیخان مخبرالدوله و حسین قلیخان مخبرالدوله و غلامرضا خان مخبرالدوله با ذکر مختصر شرح احوالشان چاپ شده است •

(۸۸۵) فنی

مجله فنی در سال ۱۲۹۷ شمسی بطور ماهیانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۸۸۱) فواید عامه

روزنامه فواید عامه در شهر طهران در سال ۱۳۲۵ قمری تأسیس و منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۲۴) مینویسد این روزنامه بمدیری (یوسف خان هراتی که در قضایای بمباران مشهد بوسیله روسها گرفتار گردید) انتشار یافته

و نامبرده بعداً روزنامه بنام (کلید سیاسی) منتشر کرده است . برون اضافه میکنند که من نمونه روزنامه فواید عامه را ندیده ام .

(۸۸۲) فولاد

روزنامه فولاد در سال ۱۳۰۳ شمسی در طهران تأسیس و منتشر شده و ضرر انتشار آن هفته سه بار بوده است ، نگارنده از این روزنامه نمونه‌ای در دست ندارم ولی روزنامه ایران مورخ ۲۹ جوزای ۱۳۰۳ شمسی تحت عنوان (انتشار) مینویسد جریده فولاد با قطع بزرگ از هفته آینده منتشر میشود . عجالتاً هفته سه شماره با داشتن قسمتهای جالب توجه علمی و اجتماعی بعرض افکار هموطنان تقدیم خواهد شد (دفتر جریده فولاد)

حرف‌القاء

(۸۸۳) قاجاریه

روزنامه قاجاریه که در عنوان آن (محفل اتحادیه سلسله جلیله شاهزادگان و قاجاریه) نوشته شده در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران تأسیس و منتشر شده است . شماره اول این روزنامه بدون تاریخ و در چهار صفحه در مطبعه سربی (شرقی) چاپ و منتشر شده . محفل اداره روزنامه بدین نحو قید شده : « فعلا محفل این محفل شریف اتحادیه در خیابان وریز مخصوص خانه های مصدق الدوله است » . قیمت يك نسخه سه شاهی در زیر عنوان روزنامه این سطر چاپ شده : « فقط در این محفل اتحادیه حفظ صلح ارحام و ترقی و تعلیم اطفال این سلسله جلیله است . »

روزنامه قاجاریه ناشر افکار اتحادیه قاجاریه که در تاریخ چهارشنبه سیم ربیع - الاول ۱۳۲۵ قمری در طهران تأسیس شده و موسوم به (مجمع وداد و اتحاد قاجاریه) بوده است . برای اینکه خوانندگان گرام از تشکیل این اتحادیه که اعضاء آن از شاهزادگان قاجاریه و بنام نواب نامیده میشد اطلاع حاصل کنند قسمتهائی از شرحی که در شماره ۵۰ سال اول روزنامه صبح صادق مورخ چهارشنبه ۲۳ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری راجع باین اتحادیه نوشته نقل مینمائیم :

« مجمع وداد و اتحاد قاجاریه یکشنبه ۲۰ شهر حال منهدم و و کلا سلسله شاهزادگان و قاجاریه که پس از این بر حسب صلاح دید عموم بنواب نامیده میشوند به موجب دعوتیکه از طرف حضرت اشرف آقای عضد الملك از آقایان نواب شده بود هشناد و شش نفر نواب محترم حاضر شده بودند که اسامی هر يك بدون ملاحظه تقدیم و تاخیر درج میشود پس از افتتاح مجلس گفته شد که مقصود از انعقاد این مجلس چیست و بهتر آنست که غرض از انعقاد آنرا بیان کنیم تا آقایان نواب تکالیف خودشان را بدانند و وظیفه خودشانرا بفهمند و اگر مقصود از این اجتماع فقط تأسیس مدرسه بجهت اطفال این سلسله است بهتر آنست که حضرات نواب علییده بنشینند و در باب تأسیسی این مدرسه شریفه که مقدم بر تمام مقاصد است عنوانی بفرمائید تا این آمدن و رفتنها بی نتیجه نماند . »

در جواب از این سؤال جوابهای مختلف گفته شد و یکی از شاهزادگان با کمال فصاحت بیانی شافی و کافی نمودند که خلاصه آن اینست که مقصود از انعقاد این مجمع محترم نه فقط برای تشکیل مدرسه است و این قره یکی از مهمات و مقاصد متعدده این انجمن است بلکه اول مقصود از این اجتماع و اتفاق و اتحادجان‌ناری بذات مقدس ملکوتی صفات همایون شاهنشاهی محمد علی شاه قاجار خادماله ملکه و ارواحنا فداء و اطاعت باو امر مجلس مقدس دارالشورای کبری است. «۰۰۰۰۰۰۰۰» پس از این قسمت شرایط تشکیل این انجمن و اسامی اعضا آنرا نوشته است که برای اطلاع از آن باید باصل روزنامه صبح صادق رجوع نمود.

مقاله افتتاحی و یاسر مقاله شماره اول روزنامه قاجاریه عبارت است از (خطابه- ایست که نواب مستطاب و لاحاجی شیخ صیف‌الدین میرا که از اجله محترمین شاهزادگان و قاجاریه و در مراتب علم و تقوی فرید عصر میباشد) ایراد نموده و تحت عنوان فوق نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد: «بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الذي الف بين قلوب عباده فاصبحو بنعمته اخواناً ونزع الغل من صدورهم وظلّو في الدنيا اقرباء واحواناً والصلوة على محمد المصطفى وعلى آله واصحابه الذين اتبعوه قولاً وفلاً وعدلاً واحساناً . فبعد قال الله تبارك وتعالى في كتابه فاصحبتهم بنعمته اخواناً خداوند تبارك و تعالی در مقام امتنان بر بندگان خود و گرویدگان پیغمبر آخرالزمان میفرماید که باتشنت آراء و اختلاف اهواء که بر حسب بشریت در سؤشت شما بوده «۰۰۰۰۰۰» این خطابه باین جملات ختم میگردد: «مقصود ما از این اجتماع ترتیب و رعایت از اقوام ذوی الاحترام خودمان است و خدمت بوجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاه اسلام که شرف قومیت ما مربوط بآن وجود مبارک است و همراهی باطاعت مجلس مقدس محترم شورای- ملی را فریضه ذمه خود میدانیم و باین عقیده زندگانی میکنیم پس زنده باد معبد علیشاه قاجار و پاینده باد مجلس شورایی ایران .» نکته شایان توجه این است که در شماره ۱۵ روزنامه صبح صادق (مکتوبی از انجمن قاجاریه) چاپ کرده و در آن نوشته است: «خدمت مدیر محترم روزنامه صبح صادق زحمت میدهم برطبق مذاکرات سابقه انجمن دارالوداد خیریه قاجاریه روزنامه که مخصوص ذکر مقالات مفیده و ترتیبات ابتداء این انجمن است امتیاز آن با اکثریت آراء منتخبین باید بایکی از افراد این سلسله جلیله باشد که اولاً قابلیت و استعداد تحریر و ترتیب و توریس این روزنامه را بوجه اکمل و احسن داشته باشد و ثانیاً شخصاً دخیل در نیک و بد و خیر و شر این طایفه بوده و مطالبی که برخلاف مصالح امور آنها باشد ننویسد از قرار مذکور روزنامه باسم انجمن قاجاریه دیروز طبع و نشر شده که از مؤسس و نگارنده آن انجمن ما اطلاعی ندارد و از نویسنده آن خیلی عجب است که بی اطلاع این انجمن خود را منسوب باین انجمن ساخته و هنوز اجاره تأسیس این روزنامه بکسی داده نشده هرگاه کسی روزنامه بنویسد یا لایحه باسم این انجمن نشر دهد بی اطلاع ماست و در نیک و بد مطالب آن ابدأ انجمن مسئول نیست و بتوسط وزارت علوم نویسنده آن طرف مسئولیت واقع

حرف القاف بعده الالف قاجاریه . قاسم الاخبار . قاصد طهران . قانون

خواهد گردید و من بعد مطلبیکه محتاج بنشر و طبع روزنامه باشد زحمتش باداره یومیه صبح صادق داده خواهد شد .

از شرح مذکور معلوم میشود روزنامه قاجاریه از انتشارات انجمن قاجاریه نبوده و شخصی خودسرانه آنرا نشر داده است و دیگر اینکه چون در این تکذیب نامه مینویسد روز گذشته منتشر شده و رور گذشته میشود چهار شنبه ۹ ربیع الاول ۱۳۲۵ ، معلوم میگردد تاریخ انتشار روزنامه تاریخ مذکور است . بهر صورت خداوند بحقایق امور آگاه است . از روزنامه قاجاریه نگارنده بیش از همین شماره اول را در دست ندارم .

(۸۸۴) قاسم الاخبار

روزنامه قاسم الاخبار در طهران بمدیری (میرزا ابوالقاسم خان همدانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . برون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی در صفحه ۱۲۴ مینویسد نمره دوم این روزنامه در تاریخ پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و من نمره دوم و هفتم آنرا در دست دارم . وجه اشتراك روزنامه در طهران ۸ قران و در سایر شهرهای ایران ۱۲ قران است .

(۸۸۵) قاصد طهران

در چهارم شهریور ۱۳۰۴ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه قاصد طهران را در طهران بمدیری (فرانسوا ملک کرم) تصویب نموده است .

(۸۸۶) قانون

روزنامه قانون بزبان فارسی بمدیری (برنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله) در شهر لندن از بلاد انگلستان تأسیس و منتشر شده است . این روزنامه در سال ۱۳۰۷ قمری تأسیس و تا چند سال در لندن ماهی یک شماره از آن نشر شده و لسی نظر بحملات سختی که در آن بحکومت و شاه و وزراء ایران میکرد انتشار آن در ایران ممنوع گردید روزنامه صور اسرافیل در شماره پنجم خود راجع باهمیت این روزنامه مینویسد : « هر کس این جریده را خوانده میدانند که از صدر اسلام تا بحال بزبان فارسی هیچکس بدین فصاحت و سلاست که صرف معنی و زبان وقت باشد قلم روی کاغذ نگذاشته است . » آقای عبدالحسین نوائی مقاله بعنوان (یکقسمت از شرح حال ملکم) در مجله یادگار نوشته و من جمله راجع بروزنامه قانون مینویسد : « شاید امروز کلمه قانون یعنی اسم این روزنامه چندان تاریکی نداشته باشد و لسی باید در نظر گرفت که این روزنامه در زمان ناصرالدین شاه یعنی دوره نوشته میشود که ادای لفظ قانون جرم شناخته میشد و سید جمال الدین اسد آبادی معروف رابهمین جرم از ایران بیرون کردند و در حق او انواع توهین روا داشتند . من جمله او را (قانونی) خواندند . ارحق نباید گذشت که مطالب روزنامه قانون سخت در اذهان مردم مؤثر واقع شد و پایه تخت استبداد

ناصرالدین شاه را لرزاند. مطالب این روزنامه بسیار ساده و روان و عبارت بود از حملات سخت بوضع استبدادی عجیب و فجایع دربار سلطنتی ایران و تجاوزاتیکه کارگذاران دولت بنام دربار و شاه و صدر اعظم انجام میدادند. چون این سبک تحریر تا آنوقت سابقه نداشت، مردم رغبتی بخواندن آن ابراز کردند و چون دیدند که مطالبی برخلاف شاه و دربار و عمال دولت نوشته، این افسانه که شاه سایه خداست و او امرش واجب‌الاطاعه است از ذهن آنان بیرون رفت و همین مقدمه ای شد برای جنبش مشروطه و واژگون ساختن کاخ استبداد» در همین مقاله آقای نوای در باره کیفیت انتشار اولین شماره روزنامه قانون قسمتهائی را از کتاب ملك ارا برادر ناصرالدین شاه که خود حاضر و ناظر قضیه بوده بدینقسم نقل مینماید :

«ملکم خان ۰۰۰ روزنامه‌ای مسمی بقانون در منزل خودش بیاسمه رسانده بجهت اشخاصی چند بطهران فرستاد. عریضه‌ای هم بشاه نوشت باسمه کرده در لفظ هر یک از نسخه‌های نمره اول صورت آن عریضه را باسمه کرده بود. یک نسخه هم برای شاه فرستاد. مضمون آنکه چون مسموع شد قبله عالم ارواحنا فداه میل باجرای قانون دارید، ما جماعتی از ایرانیان که در خارجه هستیم، قانونی بجهت ایران نوشته هر ماهی قدری از آنرا چاپ کرده انتشار خواهیم داد. نمره اول آنرا بحضور مبارک فرستادیم هرگاه پسندیده است مشغول کار باشیم والا موقوف داریم.» آقای نوایی دنباله مطلب را اینطور مینویسد: «مضمون نسخه اول منحصرأ مذمت بسیار بود از وضع سلطنت ایران و صورت نوشتجات جمعی بود که از بلاد ایران بنویسنده روزنامه قانون نوشته اند و کل آن نوشتجات مملو بود از شکایت از امین‌السلطان و حکام شاه و تشویق و ترغیب مردم ایران بود بآرادی و ترتیب مجلس شورای ملی و برهم زدن سلطنت مستقله و خارج شدن از قید عبودیت و اینکه نباید خلق یک مملکت تابع رای و میل یگنفر باشند که هرچه بخواهد بکند و شرح مجالس شب و هرزگیهای امین‌السلطان و اینکه در سرفره خورش فسنجان را مثل حنا بریش همدیگر میباند و وضع رسیدگی او بعیاض مردم و اینکه وقت کامل از غیظ بخودش فحش میدهد و دودزغ ارجامیچهد و یقه خود را باره میکند و از این مقوله بود.

استبداد عجیب ناصرالدین شاه که بطول مدت بفرور و خود خواهی شدید آمیخته شده بود با مطالب این روزنامه چندان سازش نداشت، بلکه همچنانکه ملك ارا نوشته در همان شماره اول صحبت از مجلس شورای ملی و محدود کردن اختیارات شاه و عمال او بود. بهمین جهت ناصرالدین شاه ورود این روزنامه را بایران غدغن کرد ولی آرادینخواهان و کسانیکه از دست دربار استبداد دلی پر خون داشتند، این روزنامه را بهر طور بود تهیه میکردند و در مجامع مخفی برای دوستان و هم‌مسلمان خود میخواندند و قتی بناصر الدین شاه خبر دادند که مجمعی از آرادینخواهان تشکیل شده و روز نامه قانون از اینجا باطراف منتشر میشود، بلافاصله انجمن را محاصره و غارت نمودند و افرادش را که بالغ بر دوازده نفر میشدند اسیر نمودند و درخانه کامران میرزای

نایب‌السلطنه حبس کردند. یکی از آنان بنام حاج سیاح معلاتی (پدر آقای حمید سیاح) خود را از بالا خانه پرت کرد و پایش شکست. روزنامه قانون تا سال ۱۳۲۵ قمری بدون ترتیب گاهگاهی منتشر میشد. »

این بود شرحی که آقای عبدالعزیز نوائی راجع به روزنامه قانون در ضمن شرح حال ملکم نوشته است ضمناً نامبرده اضافه میکند که ملکم در نوشتن این روزنامه آلت و واسطهٔ بیش نبوده و بلکه انگلیسها چون بامین‌السلطان، صدر اعظم ناصرالدین شاه که شدیداً سیاست تزار روس تمایل نشان میداد، میانه خوبی نداشتند میخواستند بدست ملکم و با روزنامه قانون از شاه و دربار انتقام گیرند. ولی بهر صورت روزنامه قانون اثر خود را در بیداری مردم بخرج داد و در آگاه ساختن آنان بطرز کار و فکر اولیاء دولت تأثیر و اهمیت فراوان داشت.

در باره تأسیس و انتشار روزنامه قانون در لندن بعضی آنرا مربوط بلفو امتیاز (کازینو) دانسته و شرح آنرا اینطور بیان میکنند که در سال ۱۳۰۶ قمری که ناصرالدینشاه برای بار سوم باروفا سفر کرد امتیاز کازینو که در طهران تأسیس شود بملکم خان وزیر مختار ایران، در لندن، داد و چون خبر این امتیاز بصدر اعظم، امین‌السلطان رسید سخت بر آشفت و در صدد لغو آن برآمد و عاقبت پس از مذاکره باشاه و سفیر انگلیس در طهران تلگرافی لغو آنرا بملکم اطلاع داد. اما در این وقت ملکم امتیاز را بتاجری انگلیسی فروخته بود ببلغ سی و پنج هزار لیره. این تاجر نیز علاوه بر دادن این مبلغ پولهایی برای تهیه مقدمات کار خرج کرده و هنگامیکه عازم ایران بود خبر لغو امتیاز باو رسید. کار بمحاکمه کشید. ملکم خان که از بدست آوردن امتیاز استفاده کلی کرده بود و حالاً می باید آن استفاده را با چیزی اضافه پس بدهد خیلی عصبانی شده برای انتقام از آتایک روزنامه قانون را تأسیس کرد و در آن مقداری ترجمه از قوانین فرنگستان و مقداری تنقید از اوضاع و لزوم تغییر حکومت و مخصوصاً چند ستون نامه های جعلی بعنوان نامه های وارده از ایران که ماد تمام آنها هتاکی و ناسزا بگونی بآتایک و شرح خرابکاری های او و اطرافیان او بود دروغ یاراست نوشته و نسخه های متعددی از آن بملکم فرستاد. این روزنامه بغیر از یکشماره که مستقیماً برای شاه فرستاده میشد بقیه شماره های آن در یک بسته برای حاج سیاح معلاتی و مسیو داوید خان که دعوی آزادیخواهی داشته و از مخالفین حکومت وقت بودند و با چند نفر از همفکران خود مجلس محرمانه در طهران ترتیب داده بودند ارسال میشد و بوسیله آنها در طهران و بعضی شهرستانهای دیگر منتشر میگردد.

وصول این روزنامه انعکاس عجیبی در طهران نمود و مطالب آن که نسبت بشاه و صدر اعظم خیلی رنده بود هیاهوی عجیبی ایجاد کرده بود شاه از مطالب روزنامه متغیر شده و حق هم داشت زیرا که بملکم خلی مهربانی کرده بود این بود که بصدر اعظم دستور داد تمام امتیارات و عناوین ملکم را سلب کند. آتایک هم همین کار را کرد و فوراً بوسیله تلگراف تمام امتیازات و مقام و وارت مختاری را از ملکم سلب نمود

و بدولت انگلستان هم مراتب را اطلاع داد و کاردار سفارت را در لندن مأمور کرد که موقتاً امور سفارت را اداره کند. ملکم خان از عمارت سفارت باسلب تمام عناوین خارج شد و از کرده خود پشیمان بود و در دادگاه هم با تاجر انگلیسی مشغول زد و خورد بود، مأمورین پلیس طهران نیز بزودی مرکز نشر روزنامه را در طهران کشف کرده مسیو داوید خان و حاج سیاح و ده نفر همدستان آنها را گرفته در خانه نایب السلطنه موقتاً زندانی نموده. حاج سیاح بقصد فرار خود را از بالاخانه پرتاب کرد و پایش شکست و دوباره او را گرفته پس از معالجه با یارده نفر دیگر تحت نظر بیست نفر سرباز مسلح بیک گاری سوار کرده بقزوین فرستادند این عده قریب ششماه در قزوین بازداشت بودند و بعد از شش ماه آزاد شده هر یک بطرفی رفتند. پس از ذکر این قسمت به توضیح خصوصیات روزنامه قانون میپردازیم:

روزنامه قانون در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سری مجموعاً ۲۴ شماره منتشر شده و جای تعجب است که در هیچ یک از ۲۴ شماره موجود تاریخ طبع و انتشار ندارد. از اینرو معلوم نیست هر نمره آن در چه تاریخی منتشر شده است. طرز انتشار آن در عنوان روزنامه هفتگی معین شده و نوشته است (هفته یک نمره طبع و توزیع میشود) ولی هرگز این وعده عمل نشده و در مدت متجاوز از پانزده سال ۲۴ شماره نشر شده است. اسم روزنامه (قانون) در وسط عنوان نوشته شده و در زیر آن نام مؤسس (پرنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله) و در زیر نام مدیر کلمات (اتفاق عدالت - ترقی) چاپ شده و در طرف چپ عنوان روزنامه قیمت اشتراک سالیانه بدینقرار طبع گردیده است: « قیمت اشتراک سالیانه در طهران ۲۰ قران سایر ولایات داخله ۲۵ قران خارجه ۳۰ قران قیمت یک نسخه دو عیاسی. » محل اداره قانون اینقسم تعیین شده: « محل صدور این جریده در دفتر خانه کپانی انطباعات شرقی در کوچه لبارد نمره ۳۸ در لندن. محل توزیع در طهران و تبریز کتابخانه تربیت. »

مقاله افتتاحی روزنامه باین خطبه عربی شروع میشود: « بسم الله الرحمن الرحيم اللهم بدهنا باسمك العظيم بعد الاتكال على عونك الكريم بنشر صحيفة القانون، قانوناً لعبادك المومنين و دستوراً يهتدى باصوله خير المهتدين فارشد ناو اياهم الى صراط الرشاد المستقيم وانور عقولنا بيزان العليم السليم لنسلك في مهناج العدل والاستقامة و غظي بغاتمة الصالحين يوم القيامة. جمع كثيري از خلق ايران بچندين سبب خود را از وطن مالوف بيرون كشيده در ممالك خارجه متفرق شده اند. در ميان اين مهاجرين متفرقه آن اشخاص باشعور كه ترقى خارجه را با وضاع ايران تطبيق ميكنند سالها در اين فكر بودند كه آيا بچه تدبير ميتوان باين بيچارگان كه در ايران گرفتار مانده اند جزئی امدادی برسانند. پس از تفحص و تفكر ريباد براين عقیده متفق شدند كه بجهت نجات و ترقى خلق ايران بهتر از روزنامه آزاد هيچ اسباب نيتوان تصور كرد آن چند نفر اشخاص وطن پرست كه معنى قدرت روزنامجات را درست فهميده اند در اين چهار پنج سال يك عزم مردانه افتادند باطراف دنيا و بهر وسيله باصرار چه بالتماس

و چه بگدائی از دولتخواهان ایران و ارباب کرم و طالبان ترقی اعانت‌های وافر جمع نمودند و بعون‌الهی این روزها يك کمپانی معتبری ترتیب دادند باین عزم مبارک که از اطراف ایران بقدری که بتوانند روزنامجات و کتابچه های مفید انتشار بدهند که از آن جمله یکی همین جریده قانون است. *

پس از مقاله افتتاحی مذکور مقاله دیگری است که قسمت اول آن چنین است: «ایران مملو است از نعمات خداداد. چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبوده قانون است. هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین میکنیم بدون قانون، سر تیب معزول میکنیم بدون قانون، حقوق دولت را میفروشیم بدون قانون، بندگان خدارا حبس میکنیم بدون قانون، خزانه می بخشیم بدون قانون، شکم پاره میکنیم بدون قانون ۰۰۰۰» و خلاصه اینکه تمام مندرجات شماره اول راجع بفواید و اهمیت قانون است. در انتهای صفحه چهارم شماره اول این سطر نوشته شده: «از این جریده قانون یگدفعه برای معتبرین يك نسخه مجاناً فرستاده میشود اگر قیمت سالیانه آنرا نرسانند نسخه دیگر فرستاده نخواهد شد.»

نمره دوم روزنامه قانون باهمان خصوصیات نمره اول چاپ شده و در نمره سوم در زیر قیمت اشتراک نوشته است، يك ذره غیرت. و دیگر از وجه اشتراک نوشته است. در همین شماره است که در صفحه سوم آن نوشته. «این جریده فقط از برای آدم نوشته میشود. کسانی که آدم نیستند نباید این اوراق را ببینند.» در شماره چهارم نامه ملکم خان مدیر روزنامه بناصر الدین شاه درج شده و نامه مذکور باین جمله شروع میگردد: «قبل از ظهور جریده قانون عریضه ذیل را بتاریخ غره رجب گذشته مستقیماً بخاک پای اعلیحضرت همایون شاهنشاهی فرستادیم. قربان خاکبای جواهراسای اقدس همایونت شویم. در این مدت چهل سال سلطنت هیچ قسم توجه شاهنشاهی در اصلاح امور ایران نمری بخشید باین فراغت طولانی و باهمه اقدامات ملوکانه امروز ولایات ایران خراب‌تر. خلق مامفلوک‌تر، لشکرها بی‌نظم‌تر، استقلال دولت کمتر، رنجش عامه بیشتر و خطرات انهدام نزدیکتر شده است ۰۰۰۰» يك قسمت عمده از مندرجات روزنامه قانون مقالات مؤثر و خواندنی است که بقلم مدیر روزنامه نوشته شده و قسمت دیگر آن مقالاتی است از اطراف که راجع بشاه و بی عدالتیهای او نوشته شده و پاسخ آنها داده شده منتهی اساسی اشخاص با علامت اختصاری طبع گردیده بدین طریق: اجویه.

ح ۱۰. فرستاده شد. وصول را همیشه اطلاع بدهید. م. ع. ظلمی که بشخص شما وارد بیاورند البته مختارید که ببخشید ولیکن ظلمی که جانوران دیوان بریکی از اخوان آدمیت وارد بیاورند انتقام آن برهر آدم واجب است. ا. ط. بعتبات زیادتر بفرستید. ا. د. حرف لاشخورها قابل اعتنا نیست. ش. م. آن دوفوق را هم از حالا فدوی آدمیت بدانید.

سرمقاله شماره ۲۴ قانون که آخرین شماره منتشره این روزنامه میباشد بدینقسم

شروع می‌گردد: « سال گذشته از جانب يك مجمع عالی اعلام نامه مسی بکلام در بعضی دواير محرمانه انتشار یافت. چون تبلیغ آن معانی در بعضی دواير دیگر این اوقات لازم شده اصل آن کلام مبارک را در اینجا دوباره طبع مینمائیم بدیهی است که موکلین آدمیت منتهای دقت را بعمل خواهند آورد که مبدا این ودیعه شریف بدست کسانی بیفتد که از حلقه آدمیت خارج باشند. کلام

ما بیست و چهار نفر از انمای آدمیت باقتضای يك ماموریت عظیمی در یکی از اقالیم مقدسه اسلام جمع شده مطالب ذیل را بهر يك از اولاد منتخبه ایران مستقیماً و محرمانه تبلیغ مینمائیم. ای برادران روحانی....»

در سال ۱۳۲۵ قمری روزنامه قانون بدستکاری و همت آقای هاشم آقای ربیع‌زاده تبریزی در تهران تجدید طبع شده و بغیر از شماره اول در بقیه شماره ها کلمه (کیه) در عنوان روزنامه چاپ شده و نیز از شماره چهار با نظر مهر قرمزی مشتمل بر جملات زیر در سراسر اوچه روزنامه رده شده است: « قیمت يك نسخه ۵ شاهی. اشتراك سالیانه طهران ۲۰ قران. سایر ولایات ۲۵ قران. خارجه ۱۵ فرانك طهران. هاشم ربیع‌زاده. « آقای ربیع راده در سال مذکور یکدوره کتب و رسائل پرنس ملکم خان را که مشتمل بر یازده رساله است طبع کرده و قیمت آنها را با جلد ۱۵ قران و بدون جلد ۱۲ قران معین کرده است. این یازده رساله که در دو بست و شصت صفحه طبع شده بدینقرار است: « اصول تمدن - حرف غریب - رساله غیبیه - رفیق وزیر - شیخ وزیر - پولتیکهای دولتی - تنظیم لشکر و مجلس - سیاحی گوید - توفیق امانت اصول آدمیت - اصول منهد دیوانیان. « در شماره ۱۱ روز نامه صور اسرافیل که خبر طبع یازده رساله را بعنوان (بشارت) چاپ کرده مینویسد: « ملت بحق شناس ایران سالهاست اثر قلم و نتیجه افکار ایشان را مثل کاغذ زر دست بدست میبرند و قدر و قیمت آن نسخ عالیه را بغوی میدانند. « از اینجا معلوم میشود روزنامه قانون و رساله های ملکم در آغاز مشروطیت ایران چه تاثیر و اهمیتی داشته است.

میرزا ملکم خان ناظم الدوله - شرح احوال میرزا ملکم خان در بسیاری از مجلات و جراید چاپ شده و اجمال آن اینست که وی پسر یکی از ارامنه جلفای اصفهان بود در سال ۱۲۴۶ در اصفهان متولد شد و منهد اسلام را قبول کرد. در نتیجه مراقبت و زحمات پدرش مقدمات علمی را فرا گرفت و برای تکمیل معلومات پیاریس اعزام گردید و معلومات متوسطه و عالیه را در آنجا فرا گرفت و در رشته حقوق علاقه خاصی ابراز میداشت. پس از بازگشت بایران بسمت مترجمی مخصوص شاه انتخاب شد و بواسطه جلب اطمینان دربار از جریان سیاست مطلع بود، وقتی که فرخ خان امین الدوله بسفارت باروفا میرفت میرزا ملکم خان بسمت مستشاری همراه او رفت و موفق بگردش و باز دید قسمت اعظم اروپا شد. آشنائی با تمدن غرب در مغز میرزا ملکم خان تاثیر محونا شدنی بخشید و بهمین مناسبت هم خواهان اصلاحات بود. مقام او در دربار باعث گردید که بالاخره بسفارت ایران دولندن منصوب گردد.

و بعداً بشرحیکه سابقاً یاد آور شدیم در نتیجه اختلاف با صدر اعظم وقت و دربار مبعوض شاه واقع گشت و تمام امتیارات از او سلب گردید .

(۸۸۷) قانون

روزنامه قانون در طهران بمدیری آقای (رسا) تاسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . روزنامه قانون از جراید متین و معروف و شماره اول آن در سنبله سال ۱۳۰۰ شمسی انتشار یافته و چون پیوسته بارور و قلدری مبارزه مینموده چند مرتبه گرفتار توقیف شده و من جمله یکمرتبه در دلو ۱۳۰۲ از انتشار آن جلوگیری شده است . روزنامه ایران مورخ ۷ دلو ۱۳۰۲ درباره این توقیف اینطور اظهار نظر میکند : « توقیف جریده قانون - روزنامه قانون که از معتبرترین و جدی ترین جراید مهم مرکز است مع التاسف بواسطه درج یک مقاله اخیراً بر طبق تصدیق اولیاء دولت توقیف گردیده است . ما از این پیش آمد متأسفیم و امیدواریم در محکمه دلایل آزادی خویش را اقامه و اثبات نمایند . » روزنامه قانون تا سال ۱۳۰۵ شمسی کم و



بیش منتشر میشده و در این وقت چون مدیر آن آقای رسا با اقلیت مجلس شورایی همکاری داشته و در جزو مدیران جرایدی بوده که در مجلس متحصن شده ، مبعوض دولت قرار گرفته و چندی گرفتار تبعید شده است .

روزنامه قانون مدت چهار سال منتشر نشده تا سال ۱۳۰۹ شمسی مجدداً بسبب فکاهی و کاریکاتوری و با مندرجات اجتماعی و اخلاقی طبع و منتشر شده ولی این مرتبه هم انتشار آن دوامی پیدا نکرده است . روزنامه ایران آزاد مورخ پنجشنبه ۶ آذر ۱۳۰۹ شمسی در باره انتشار مجدد آن مینویسد : « روز شنبه از قرائت روزنامه فکاهی و کاریکاتوری قانون که شماره بسمت تجدید هدایت میکند غفلت نکنید و نیز داستان قیام نادر - شاه را در تمام شماره های این روزنامه بخوانید تا روح ملی شما تقویت شود . »

آقای رسا ، مدیر روزنامه قانون

خلاصه ای از تاریخچه زندگی آقای رسا مدیر روزنامه قانون
بقلم خود ایشان

این بنده میر سید اسداله رسا مدیر روزنامه قانون فرزند مرحوم میر سید حسین تهرانی موطن طهران و پدرم از اصیل ترین خاندان سادات تهران که در انقلاب مشروطیت

ایران از پیشقدمان بوده و از بانیان نهضت عظیم قیام برضد دربار استبداد بشمار میرود و مادرم از نواده های سلطان مرادخان که نسب آنها باتابکان فارس میرسد میباشد و چون پدرم مدتی در خراسان (مشهد) میزیسته احترام زیادی در مشهد و بنسبیت انتساب مادرم با خاندان بزرگی از فارس بستگانی در شیراز داریم و بسیار خوشوقت هستم که رشته ارتباط خانوادگی من با سه قطه مهم و حساس ایران - تهران - خراسان - فارس متصل است و شاید ثبات و پایداری و استقامت من در راه مبارزه باستمگران مربوط باستمداد از تربت پاک و مقدس حضرت علی ابن موسی الرضا و حضرت شاه چراغ و حضرت عبدالعظیم علیهم السلام باشد.

تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس ادب و ثروت تهران پیاپیان رسانده و تحصیلات عالی من در فقه و حقوق اسلامی مرهون محضر پرفیض فضلاء و اساتید بزرگوارى چون مرحوم میرزا محمود قمی مدرس مدرسه صدر و مرحوم علامه حکمی و دیگران از بزرگان دین و دانش میباشد.

احساسات تند و پرشور وطن پرستی از روزهای اول زندگی بمن رنج میداد و بهمین مناسبت همیشه با قلدبران و زورگویان و آنهائی که افکار عمومی را چیزی موهوم میسرندند سرگرم ستیز و مبارزه بودم.

خداوند بزرگ شاهد و ملت ایران گواه است. از دقیقه ای که زبان بگفتار کشودم از ستمگران مذمت کردم و از آنساعت که توانستم بنویسم قلم من چون خاری دزسینه و دیده و پهلوی مخالفان حکومت ملی جای میگرفت و هرچه بیرحمانه تر نوك خامه ام قطع میگردد تیز تر و برنده و مؤثر تر میشد.

قلدرها وقتی از نیش قلم من مصون میمانندند که بکنج زندان یا گوشه تبعید گاهها میافتادم شدت مبارزه من باروح بیگانه پرستی از کابینه و ثوق الدوله معروف بسکائینه (قرار داد) شروع میشود و همان ایام را باید روزهای اول همکاری من با پیشوای بزرگوار احرار ایران مرحوم سید حسین مدرس بحساب آورد.

اگر و ثوق الدوله قرار داد را اجرا میکرد، فاتحه استقلال ایران خیرانده میشد ولی قیام شدید ملیون و آزادیخواهان اجاره نداد آنروز هم تدبیر انگلستان فاتح شود زیرا خورشید جذاب و تابناک ایران مغلوب و اسیر ولی، تیره گردد.

من با عشقی و فرخی و کمره ای و ضیاء الواعظین و افرادی دیگر از احرار چون بطور سختی بعاقدين قرار داد حمله میکردیم و نطقها و بیانیهها و اعلامیههای آتشین ما بنیان استعمار را میلرزاند، همه ماها را بزندان انداختند ولی بنر فکر ما روئیده و سبز شد و نو کرد و کار را بانجا کشانید که آن ورقه لعنتی که و ثوق الدوله و صارم الدوله و نصره الدوله و خیانت کارانی دیگر پولهای زیاد برای اجرای آن از انگلیسها گرفته بودند پاره شد و دور افتاد و مرد! ...
برده کودتا بالا رفت:

آنجا هم من جزء اولین دسته ای بودم که باید بزندان بیفتم. سرهنك پاشاخان

دژخیم مشهور شهربانی که هنگام مبارزه قرار داد مرا بسپاه چال انداخت. این جهام بأمور توقیف من بود و صورتی به مصمص السلطنه نشان میدهد که من جزء نخستین دسته ای بودم که باید بزندان بروم مرحوم مصمص السلطنه که این صورت را می بیند بمن اطلاع میدهد که بیراهه بمنزل او بروم واز آنجا خارج نشوم تا از شدت مراحل اولیه کودتا کاسته شود جریانات وحشت آور تاثر انگیز کودتا - گرفتن و بستن و ایجاد اختناق در همه جا و همه چیز مرا بفکر گرفتن امتیاز روزنامه ای بنام (قانون) انداخته و در شهریور ۳۰۰ که دیکتاتوری ایران میرفت ریشه محکمی پیدا کند باینکه بیش از بیست سال از سن من نسیگذشت و مشاخره عجیبی بامرحوم ممتاز الدوله و در معارف آنوقت و میرزارضاخان نائینی معاون آن مرحوم راجع بیکمی از مواد قانون مطبوعات (۳۰ سالگی) مدیر روز نامه داشتیم بگرفتن امتیاز موفق و فوراً بنشر قانون شروع کردم .

هنوز چند شماره قانون منتشر نشده بود که سید میرزا آقا فلسفی مدیر روزنامه (حیوة جاوید) مورد ضرب و شتم سردار سپه فرمانده قوی و وزیر جنک بعدار کودتا قرار گرفت و دندان سید شکسته شد .

روزنامه قانون ضمن انتشار یادداشت شدیدی باین عمل اعتراض و این رفتار را تقبیح نمود و اختلاف بین روزنامه قانون و سردار سپه از این تاریخ مرحله جدی تری بخود گرفته مدتی نکشید تا صحبت خلع قاجاریه و جمهوری قلابی بعمل آمد و من باینکه نسبت به بقای سلطنت درخاندان قاجار علاقه ای نداشتم با جمهوری قلابی نیز نظر خوبی نداشته و باقیام مردانه مردم و بر هم زدن بساط ساختگی جمهوری هم آهنگی کرده و این مرتبه نیز مردم فاتح شدند و صدای جمهوریت در فضا خفه شد .

پس از بهم خوردن و پایان یافتن بازی جمهوریت مدت کوتاهی سردار سپه با اصلاحات پرداخته و در ارتش و تمام تقاطع کشور آثار بارزی از اقدامات مفید پدیدار شد مع التأسف چندی طول نکشید که اطرافیان دزد و نالایق آن سرباز فعال و لایق را احاطه کرده و بر جمع مال و دور شدن و مبارزه با صفا اصلاح طلب و آزادی خواه تعریض و ترغیب نمودند و شد آنچه شد .

مخالفت من بوسیله مقالات روزنامه قانون با جمهوریت سبب شد که با فاصله های کوتاه روزنامه قانون توقیف و خودم هم گرفتار میشدم .

آهنک شوم دیکتاتوری رفته رفته بالا گرفت و دستگاه شهربانی در گاهی و مختاری و آیرم کاری جز گرفتن و کشتن و تبعید کردن نداشتند و پس از اینکه چند بار دچار سوء قصد شدم تا آخر دوره دیکتاتوری گرفتار زندان و تبعیدگاه های سمنان - کاشان - اصفهان یزد - کرمان و شهرضا بودم .

من در آخرین حوزه اسارت خود در اصفهان بحال افسردگی و ناتوانی افتاده بودم که بار دیگر کشور ما گرفتار دیکتاتوری هژیر و رزم آراه گردید و طلیعه قیام آزاد بخواهان بزعامت دکتر مصدق و آیت الله کاشانی برای مبارزه با استعمار و ملی

شدن نفت پدیدار گردید .

برای اینکه کتاب مجاهدتهای من يك صفحه كسر نداشته باشد باهمان حال ناتوانی تهران شتافتم و بانشر روزنامه قانون تا امروز آنچه توانستم و میسر بود برای محو استعمار و تجدید دوره آزادی و پایان یافتن اسارت ملت ایران کوشیدم و امیدوارم با عنایت خداوند و ائمه اطهار سلام الله عليهم اجمعین تا آخرین دقیقه زندگی از این راه و رسم منصرف و منحرف نشوم . و بالله التوفیق و علیه التکلان

(۸۸) قدرت

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه قدرت در شیراز بمدیری (میرزا عبدالله مدیر مدرسه قوامیه) از تصویب شورای عالی معارف گذشته است و لسی در باره انتشار این روزنامه در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ معارف فارس مینویسد در سال ۱۳۰۶ شمسی جریده قدرت بمدیریت آقای میرزا عبدالله قدرت شیرازی منتشر شد .

(۸۹) قرن بیستم

شماره اول سال اول جریده قرن بیستم بصاحب امتیازی و نویسنده اساسی (ر. میرزاده عشقی) در ۱۶ صفحه بقطع وزیری با چاپ سربی در مطبعه روشنائی طهران چاپ و در تاریخ جمعه ۲۷ شعبان ۱۳۳۹ قمری مطابق ۱۶ نور ۱۳۰۰ شمسی در طهران منتشر شده است . محل اداره : طهران . مجله جمشیدی . اداره جریده قرن بیستم . قیمت اشتراك طهران . سالیانه ۸۰ قران ، ششماهه ۴۵ قران ، ولایات ۸۰ قران . ۴۵ قران ، خارجه ۹۰ قران ، ۵۰ قران . تك نمره در طهران عجالتاً یكقران است .

خصوصیات مذکور در عنوان جریده قرن بیستم و در زیر اسم جریده طرر انتشار آن (هفتگی) نوشته شده و فهرست مندرجات در زیر عنوان در هر شماره درج است .

فهرست مندرجات شماره اول با ذکر اسامی نویسندگان آنها بدینقرار است : قرن بیستم (مقاله اساسی) میرزاده عشقی . غزل یکرنگی . روسیایان ری (میرزاده عشقی) خلاصه مسائل سیاسی داخله - روابط بین ایران و روس - گذارشات کنونی دنیا . (قرن بیستم) . قطعه پارسال (اندره) میرزاده عشقی . امسال (شادی) (صبا) . خزان و مړك جوان (ایران الدوله جنت) . رندگانى (س ۴۰ - ارجمند) . صمیمیت . (س ۴۰ کورس) . تجمل (عبدالله دیده بان) . ریش مصنوعی (عشقی) . اعلانات .

مقالات اساسی و یا سر مقاله روزنامه از بهترین مقالات روزنامه است . شماره دوم قرن بیستم در تاریخ یکشنبه ۷ رمضان ۱۳۳۹ مطابق ۲۱ نور ۱۳۰۰ بهمان سبک شماره اول چاپ و منتشر شده . در این شماره نمایشنامه ای که بقلم عشقی تدوین و در ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۳۹ قمری در اصفهان و در ۲۹ شعبان آن سال در طهران بعرض تماشا گذاشته شده و موسوم به (حلواء الفقراء) است ، در يك برده ، بعنوان پاررقی از صفحه

۸ روزنامه بآنطرف چاپ شده است . شماره ۴ سال اول درجوزای ۱۳۰۰ نشر یافته و سر مقاله آن چنین است (کار در ایران - کار دارها - بیکارها .) .
 شماره اول سال دوم قرن بیستم بصاحب امتیازی میرزاده عشقی و مدیر مسئولی (عباس اسکندری) در چهار صفحه بزرگ در مطبوعه سربسی ایران و در تاریخ سه شنبه ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۵ جدی ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . در سال دوم قرن بیستم بجای روزنامه سیاست که صاحب امتیاز و مدیر آن عباس اسکندری بوده و توقیف شده ، منتشر گردیده و در حقیقت بجای روزنامه سیاست بوده است .
 سر مقاله این شماره تحت عنوان (سیاست) نوشته شده و در زیر آن نوشته است : سیاست چرا توقیف شد ؟ چرا ؟ برای آنکه سیاست در مدت یکسال و نیم عمر نویسندگی خود مثنی ثابت خود را تغییر نداد (در این سرمقاله شدت سیاست انگلیس و قوام السلطنه حمله شده است .) . محل اداره در سال دوم : طهران . خیابان شاه آباد . قیمت اشتراك یکساله داخله ۸۰ قران ، ششماهه ۴۵ قران ، سه ماهه ۲۵ قران . خارجه بملواه اجرت پست . تک شماره ۴ شاهی . هندرجات قرن بیستم در سال دوم عبارت از سرمقاله های تند و آتشین و قسمتی از اشعار عشقی و مقالات اجتماعی تحت عنوان (الفبای فساد اخلاق) و اخبار داخله است . از دوره دوم روزنامه قرن بیستم ۱۸ شماره منتشر شده و آخرین شماره آن که شماره ۱۸ دوره دوم سال ووم است در تاریخ ۲۸ حمل ۱۳۰۲ شمسی انتشار یافته است .

در باره انتشار روزنامه بمدیری عباس اسکندری روزنامه ایران مورخ ۵ دلو ۱۳۰۱ در ضمن اخبار داخله اینطور مینویسد : « قرن بیستم که سال گذشته در شانزده صفحه مانند نوبهار این دوره منتشر میشد اینک با قطع بزرگ هفته سه شماره منتشر میشود . ما موقیت آقای میرزاده عشقی و آقای عباس میرزا مدیر محترم آنرا از خدا خواهانیم . »

پس از چهارماه تعطیل مجدداً سومین دوره روزنامه قرن بیستم در سال ۱۳۰۳ شمسی ، در آغاز رژیم جمهوریت منتشر گردید ، در این دوره بیش از یک شماره منتشر نشد و مطالب و مقالات همین شماره باعث قتل عشقی گردید . تاریخ انتشار این شماره هفتم تیرماه ۱۳۰۳ شمسی مطابق ۲۴ ذیقعدة ۱۳۴۳ قمریست . این شماره با قطع کوچک در ۸ صفحه چاپ شده و مقالات و اشعاری که در این شماره باعث قتل عشقی شد عبارتند از : (آرم جمهوری) و (جمهوری سواد) و (نوحه جمهوری) مقاله آرم جمهوری در صفحه ۸ آخرین شماره روزنامه قرن بیستم چاپ شده و بمناسب این مقاله (کاریکاتوری) نیز طبع گردیده است . مقاله مذکور بدینقسم شروع میگردد : « آرم لغتی است فرانسه خدا پدر فرانسه را بیامرزد که تمام جوجه فکلی های مارا باصطلاح خودشان آدم کرده و از مشروطه خواهی هم گذرانده جمهوری طلب نموده است ... »

عشقی با انتشار این مقالات بر علیه جمهوری پیشنهادی رضا خان سردار سیه قیام نموده عاقبت هم جان خود را فدای عقیده خویش نمود و پس از انتشار آخرین شماره

رورنامه قرن بیستم که همین شماره نیز بعلم مخالفتی که بارژیم جمهوریت در آن شده بود توقیف گردید، در تاریخ ۱۲ تیر ماه ۱۳۰۳ شمس هنگام صبح در خانه مسکونیش جنب دروازه دولت هدف گلوله دو نفر قرار گرفت. و اما اشعاری که در شماره اخیر روزنامه عشقی چاپ کرده تحت عنوان (جمهوری سوار) و (مظهر جمهوری) و (نوحه جمهوری) میباشد و همه آنها را آقای علی اکبر سلیمی در صفحات ۲۴۲ بآن طرف دیوان عشقی بنقل از همین شماره اخیر قرن بیستم بطبع رسانیده است.

در صفحه اول آخرین شماره قرن بیستم کاریکاتور مردی خرسوار را نشان میدهد که خود را پیای خم رسانیده و شیر میخورد و در کنار کاریکاتور نوشته است: (جناب جببول برخر جمهوری سوار شده شیر ملت را مکیده و میخوهد بسر ما شیره بمالد). و در صفحه دوم اشعار جمهوری سوازی طبع شده که دوشر اول آنها چنین است:

هست در اطراف کردستان دهی خاند آن چند کرد ابلهی

قاسم آباد است آن ویرانه ده این حکایت اندر آن واقع شده

در صفحه چهارم آخرین شماره اشعار (مظهر جمهوری) چاپ شده:

من مظهر جمهورم - الدررم و بولدرم

از صدق و صفا دورم - الدررم و بولدرم

در صفحه پنجم عکس تابوتی را نشان میدهد که زیر آن نوشته (جنازه مرحوم جمهوری قلابی) و این اشعار (تحت عنوان نوحه جمهوری) چاپ شده است:

آه که جمهوری ما شد فنا

پیرهن لاشخوران شد قبا

.....

میرزاده عشقی - شرح احوال عشقی را آقای علی اکبر سلیمی در مقدمه دیوان عشقی بتفصیل چاپ کرده و احتیاجی بتکرار آن نیست فقط آنچه مربوط بیابان زندگی و قتل اوست در اینجا ذکر مینمائیم. مرحوم میرزاده عشقی در سن ۳۱ سالگی در طهران کشته شد. جزئیات وقوع حادثه را روزنامه ایران مورخ جمعه غره ذیحجه الحرام ۱۳۴۲ مطابق ۱۳ سرطان ۱۳۰۳ در ضمن اخبار داخله اینطور مینویسد: «صبح روز قبل دو نفر اشخاص مجهول درب منزل میرزاده عشقی رفته دق الباب مینمایند کلفت میرزاده پشت درب حیاط آمده و سؤال مینماید چه کار دارید میگویند بامیرزاده کاری داریم پس از استلام و اجازه درب منزل را بار نموده واردین باطاق میرزاده وارد و پس از اظهار بهانه که قبلا تهیه شده بود یکی از آنها رولور خود را کشیده يك تیر بطرف میرزاده شلیک و فرار مینماید گلوله بیالای شکم اصابت کرده می افتد کلفت او بنای داد و فریاد را گذارده چند نفری از اهالی جمع شده آژان هم رسیده میرزاده را در حالتی که صحبت میکرد بادرشکه بکسیاریا برده در آنجا مختصر تحقیقاتی نموده برای عمل و معالجه بمریضخانه نظمی می آورند دکتر نظمی مشغول پانسمان و معالجه شده ولی بعد از ظهر مرحوم میشود جنازه ایشان بوسلیه درشکه باتفاق چند نفر از

نمابندگان مجلس و چند نفر از مدیران جراید حمل بمنزل شخصی خودش گردید .
 قضیه قتل عشقی بصورت ظاهر تمامدتی از طرف نظمیہ تعقیب شد و چندی نیز
 ابوالقاسم خان بر ضیاء الساطان برای استنطاق در توقیف نظمیہ بود . قتل عشقی در
 طهران و در مجلس جوش و خروشی برپا نمود و آقای ملک الشعراى بهار از طرف اقلیت
 مجلس در جلسه مجلس شورایی مورخ سه شنبه ۱۷ سرطان ۱۳۰۳ بیاناتی راجع باینکه
 دولت باید از این قبیل ترورهای سیاسی جلوگیری نماید و حتی باید قاتلین عشقی
 بجازات برسند، اظهاراتی نمود و از طرف نمایندگان اکثریت نیز باظهارات آقای
 ملک الشعراى جوابهایی داده شد و خلاصه اینکه قتل عشقی در مجلس جار و جنجالی بر-
 پا کرده است . هنوز در طهران کوچه که منزل عشقی در آن واقع است نزدیک چهارراه
 سیدعلی بنام آنرحوم موسوم است .

عشقی یکی از شعراى معروف زمان خود بوده و اشعارش دارای سبکی نو و بسیار
 جالب میباشد . دیوان او یکمربه در سال ۱۳۰۶ و بار دیگر در مطبعه شفق در مهر
 ۱۳۰۸ و دفعه سوم در سال ۱۳۲۴ شمسی بوسیله آقای علی اکبر سلیمی طبع و منتشر
 شده است . عشقی در سال ۱۲۹۹ باصفهان آمده و در این شهر نمایش (رستاخیز
 پادشاهان ایران) را بمعرض نمایش گذاشته که شرح آنرا در شماره ۵۲ سال اول
 روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان مورخ ۲۴ حوت ۱۲۹۹ بدینقسم نوشته است :

شورش ادبی عشقی

آقای میرزاده عشقی جوان فارغ التحصیل مدرسه سلطانی و دارالفنون اسلامبول
 که در رشته علوم اجتماعی و فلسفه صاحب فن و دیپلوم هستند ، قریب دو سال است که
 بایران آمده و بد بختانه در کابینه و تئوق الدوله در نظمیہ طهران توقیف شد و چند ماه
 پیش باتفاق مصممام السلطنه بختیاری باصفهان آمده و پس از مراجعت معظم الیه ایشان
 موقتاً در اصفهان اقامت کرده و از نتایج تحصیلات عالی خود دامن همت بکمر زده و
 عالم معارف ایران را سرشار نمودند .

ایشان بعلاوه حسن علم و تحصیلات ، قوه شعری بس عالی دارند و مخصوصاً در
 انقلاب ادبی اشعار ما و عروض سبک اروپائی را باهم بکار انداختند، این جوان ادیب
 و دکتر علوم اجتماعی مادر همین ایام دو پرده نمایش یکی آهنگی (ابراهیم) موسوم
 (رستاخیز پادشاهان ایران) و دیگری نیم آهنگی (ابریت) موسوم : (از تاریکی
 بروشنائی) اولی را تماماً با اشعار بس مؤثر و بی اندازه عالی و بانوهای شرقی مخلوط
 بفریبی دومی را نظم و نثر و بانوتهای بسیار پسندیده تازه بمعرض نمایش در آوردند
 رستاخیز پادشاهان امیران تاکنون دو بار نمایش داده شده و از تاریکی بروشنائی
 يك بار ادبا و دانشمندان وطن پرست بی اندازه عاشق روح جوان عشقی شده باصدای
 بلند میگوئیم : زنده باد عشقی .

(۱۸۹۰) قرن چهاردهم

روزنامه قرن چهاردهم در شهر رشت بدیری (آقای آزاده گیلانی) مدیر روزنامه

فکر جوان، تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. شماره اول قرن چهاردهم در برج دلو ۱۳۰۲ شمسی انتشار یافته و ابتدا مطالب روزنامه بانظر هیئت تحریریه تهیه میشده و پس از یکسال در نتیجه اختلافی که بین مدیر روزنامه و هیئت تحریریه حاصل شده مدرس روزنامه از هیئت مذکور جدا شده است و برای اطلاع عموم در شماره ۶۴ روزنامه طلوع رشت مورخ ۲۰ دلو ۱۳۰۳ شمسی اینطور آگهی کرده است: « دوره دوم قرن ۱۴ چون بوسیله هیئت تحریریه اداره میشد که مقام جریده را محفوظ نداشت و از رویه متانت منحرف شده بودند لذا تیری از هیئت مزبور را لازم دانسته و امیدواریم در آتیه نزدیک نامه قرن ۱۴ را با سبک‌متین و اسلوب مرغوبی انتشار دهیم. نمره ۳۸ صاحب امتیاز قرن ۱۴ آزاده گیلانی »

قبل از تساریخ مذکور نیز روزنامه قرن ۱۴ موقتاً تعطیل بوده و در روزنامه طلوع مورخ اسد ۱۳۰۳ اعلانی بامضای آزاده گیلانی شده که کسانیکه با اداره روزنامه کار دارند در اداره جریده پرورش باقای آزاده گیلانی مراجعه نمایند در شماره ۵۹ طلوع مورخ جدی ۱۳۰۳ بنقل از فوق العاده که بامضای هیئت تحریریه منتشر شده وعده داده است که جریده قرن ۱۴ هر هفته روزهای جمعه انتشار می‌یابد. روزنامه قرن ۱۴ نزدیک نوسال منتشر میشده و بعد توقیف شده و مدیر آن درصدد برآمده است که امتیاز دیگری بگیرد و لذا در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه فکری- جوان را گرفته است برای اطلاع از شرح احوال آقای آزاده گیلانی رجوع شود بکلمه فکر جوان در حرف‌التاقاف کتاب.

(۸۹۱) قزوین

روزنامه قزوین بمدیر (میرزا ابوالقاسم) و سردبیری (م. ا. اسدزاده) در شهر قزوین تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. طرز انتشار آن هفته دوشماره بوده و قیمت اشتراك سالیانه آن در قزوین ۱۰ قران، و بلاد داخله ۱۲ قران. ششماه بترتیب ۶ قران، ۷ قران. وجه اشتراك بعد از سه ماه دریافت خواهد شد. قیمت تك نمره درهه جا صد دینار است. محل اداره قرائت خانه قزوین. اسم روزنامه (قزوین) بخط نستعلیق درشت و در زیر عنوان روزنامه بدینقسم معرفی شده: « روزنامه ایست آراد سیاسی اخلاقی و مطالب عام‌المنفعه و مذاکرات انجمن ولایتی و ادارات و وقایع شهری درج میشود. »

شماره ۳۵ سال دوم قزوین در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سری در (مطبعه قزوین) چاپ و در تاریخ سه شنبه ۳ رمضان مطابق ۵ برج سنبله ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. سرمقاله این شماره بعنوان (ضدیت علنی همسایگان با ما) نوشته و بدینقسم شروع میگردد: « چندیت که رفتار دیپلوماسی روس و مأمور نظامی آنها که بر خلاف همه چیز و بر ضد تمام مواد اصلاح پرورانه دنیا قدم بداخل مملکت مسا گذارده ۰۰۰۰ » پس از سرمقاله مذکور، مقاله (اولین تشکیل حکومت دموکراسی

در عالم . بقیه از شماره قبل) و بعد مقاله از روزنامه پلیس ایران و در خاتمه اخبار شهری درج است .

بطور کلی مندرجات روزنامه قزوین عبارت از يك سرمقاله اساسی و یکی دو مقاله دیگر و اخبار شهر است . عنوان بعضی از سرمقاله‌ها بدین‌قرار است : شماره ۴۲ (اساس سیاست و پلتیک دول) ، شماره ۴۳ قسمت دوم سرمقاله شماره قبل است . سرمقاله شماره ۴۷ تحت عنوان (درد چیست ؟ درمان کدام است) نوشته شده و با مقدمه زیر شروع می‌گردد : « پیش آمد امور غیر مترقبه اختلال ادارات دوات ، بجرانهای متوالیه کابینه ایران ، ابداعات عدیده که از اثرات آنتریکهای دیپلوماسهای روس و انگلیس هرروزه از پرده خفا ظاهر شده بمنصه ظهور میرسد هر یک از افراد حساس و نکته سنج سیاست ایران را در بحر تفکر فرو برده و بجزله ذیل متوجه ساخته با خود در عالم تفکر می‌گوید : درد چیست ؟ درمان کدام است ؟ »

روزنامه قزوین در سال دوم مرتب منتشر شده و دارای مقالات مفید و مهیج و مشتمل بر تلگرافهای انجمن ولایتی قزوین بانجمنهای سایر شهرهای ایران میباشد . آخرین شماره که از سال دوم نگارنده در دست دارد شماره ۶۵ مورخ بتاریخ یکشنبه ۲ محرم ۱۳۳۰ قمریست . سرمقاله این شماره بعنوان (چشم کجا که بنگرد حال فکارت ای وطن ! گوش کجا که بشنود ناله زارت ای وطن .) است . روز نامه قزوین از حیث زیبایی طبع و کاغذ در بین جراید آن ایام تازگی دارد . هماغسم که قبلاً یادآور شدیم یکقسمت از مندرجات روزنامه قزوین (مذاکرات انجمن ولایتی) قزوین واقدمات انجمن میباشد . و از این حیث قزوین روزنامه مفید است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی صفحه ۱۲۵ باختصار درباره این روزنامه پرداخته و مینویسد من نمره ۲۱ سال اول و ۱۶ سال دوم آنرا که در تاریخ سلخ جمادی‌الاول منتشر شده در دست دارم . روزنامه قزوین از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۳۲ قمری بعلت استیلا قشون روس و انقلاب آذربایجان تعطیل بوده تا اینکه مجدداً در شوال ۱۳۳۲ قمری بدیری آقای (مصطفی خان) از محاق تعطیل بیرون آمده و منتشر شده و تا سال ۱۳۳۲ قمری که نام آن در مجله پروین قید گردیده منتشر شده است .

(۸۹۲) قشون

مجله قشون در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . این مجله از انتشارات وزارت جنگ بوده و شماره اول آن در فروردین سال ۱۳۰۱ انتشار یافته و مرتباً مدت ده سال یعنی تا آخر سال ۱۳۱۰ شمسی ماهی دو شماره طبع و توزیع گردیده است . مجله قشون یکی از آثار قشون جوان و نیرومند ایران و مطالب آن مخصوصاً برای نظامیان مفید و برای غیر نظامیان نیز چون « شتمل بر ترجمه کتب مفیده میباشد سودمند است آ بونه مجله برای نظامیان ۶۰ قران و برای غیر نظامی ۸۰ قران قیمت تک شماره دو قران است . روی جلد مجله نشان مخصوص نظامیان و وزارت

جنگ طبع گرديده است .

شماره پنجم سال سوم مجله قشون بقطع خشتي و باچاپ سربي (مطبعه كل قشون) طبع و در تاريخ اول جوزاي ۱۳۰۳ منتشر شده است . محل اداره : وزارت جنگ و طرز انتشار آن روز اول و پانزدهم هر برج منتشر ميشود . فهرست مندرجات اين شماره عبارت است از عامل اخلاقي (صفحه ۱۹۳) مابينه طبي هوا نوردان (صفحه ۲۱۱) تير - اندازي (۲۲۳) نويسندگان و مترجمين اين شماره بترتيب عبارتند از آقاي غلامحسين مقتدر ، و امير اعتضاد و سرهنك رضا قلي ، و نيز در زير اسم مجله (قشون) سال تاسيس (۱۳۴۰ قمری) قيد گرديده است . در ابتداي تاسيس مديري مجله با آقاي نوبخت مدير روزنامه بهارستان بوده ولي بعداً ايشان در انتشار مجله سستي نداشته اند ،

(۸۹۳) قضائي

مجله قضائي در سال ۱۳۰۳ شمسي در طهران بطور ۱۵ روزه تاسيس و منتشر شده است .

(۸۹۴) قلم آزاد

روزنامه قلم آزاد در طهران بديري (حسين هاتفي) تاسيس و در سال ۱۳۰۲ شمسي منتشر شده است . شماره اول سال اول اين روزنامه در چهار صفحه بقطع و زيري باچاپ سربي در مطبعه (سعادت) طبع گرديده و در تاريخ سه شنبه ۳۰ شعبان ۱۳۴۱ مطابق ۲۷ حمل ۱۳۰۲ منتشر شده است . محل اداره : طهران خيابان علاء النوله . مدير و نگارنده (حسين هاتفي) عنوان تلگرافي : طهران . قلم آزاد . عجالتاً هفته يك شماره منتشر ميشود . وجه اشتراك سالانه داخله ۵۰ قران . ششماهه ۳۰ قران . خارجه ۶۰ قران و ۳۵ قران . تكشماره شش شاهی .

روزنامه قلم آزاد بدینقسم معرفی شده : روزنامه سياسي ، ادبي ، اجتماعي ، تاريخي . مقاله افتتاحي آن بدینقسم شروع ميگردد :

« مرام ما - قبل از آنکه شروع بنوشتن مرام و مسلك قلم آزاد بنمائيم لازم است مفاد مکتوب هفده سال قبل مرحوم مغفور طالب ف را که بجدالاسلام کرمانی مدیر ندای وطن نوشته بود بنظر خوانندگان محترم برسانم ۴۰۰۰۰ »

مندرجات قلم آزاد بغير از مقاله اساسي عبارت از مختصري اخبار و مکتوبات متفرقه است . در شماره دوم مورخ ۹ نور ۱۳۰۲ در صفحه اول آن عکس سردار سپه (رضا خان) رسم شده و اين اشعار در بالا و اطراف آن درج گرديده است : (مرکز امن و امان امروز ايران است و بس * هست گر مردی در اين کشور رضا خان است و بس * حضرت اشرف وزير جنگ کز بيبي عمو ..) از روزنامه قلم آزاد نگارنده تا شماره ۱۰ سال اول مورخ پنجشنبه ۲۹ صفر ۱۳۴۲ مطابق برج ميزان ۱۳۰۲ آنرا در دست دارم . لازم است یادآور شويم که قبل از نشر روزنامه آگهی انتشار آن در روزنامه های طوفان و ايران چاپ شده است .

(۸۹۵) قلم آزاد

علاوه بر روزنامه قلم آزاد که شرح آنرا نوشتیم در طهران مجله بنام قلم آزاد بدیری و مؤسی (ح. معطر) تأسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است. شماره ۱ - ۱۰ مجله قلم آزاد در ۲۴ صفحه بقطع وزیری متوسط با چاپ سری و کاغذ اعلی و پست جلد حسانی در ابانماه ۱۳۰۸ شمسی چاپ و منتشر گردیده. جای اداره: سرای حاج حسن (طهران) عنوان تلگرافی: قلم آزاد. طرز انتشار مجله ماهانه بوده و آبونه یکساله آن داخله ۱۲ قران. خارجه ۱۰ شیلینگ. قیمت اعلانات یک صفحه ۲۴۰ قران. نیم صفحه ۱۴۰ قران، ربع صفحه ۷۷ قران، و یک هشتم صفحه ۴۰ قران، و یک شانزدهم ۳۰ قران، و یک بیست و دوم ۲۰ قران تخفیف برای سه اعلان صدی پنجاه و برای شش اعلان ۱۰۰/۰ برای ۱۲ اعلان ۱۵۰/۰. اعلانات مجاناً ترجمه میشود. قیمت تک نمره یک قران. علت اینکه درباره بهای اعلان تفصیل بالا را نوشته این است که مجله قلم آزاد مخصوص درج اعلان و باین منظور تأسیس شده است. در صفحه ۵ شماره اول (پس از چند صفحه اعلان) تحت عنوان (مقصود ما) مینویسد: قبل از آنکه ما بخواهیم فلسفه پیشرفت صنعتی و تجارتنی مملکتی که سیر تعالی نموده اند داخل شویم لازم است برای قارئین محترم مرام و مقصود این مجله را نشان داده و بعد داخل شویم بکمیسات و کیفیات آن که تنها نشان دادن راه ترقی و تعالی بوسیله صنعت و تجارت است. ما میخواهیم این مجله را هادی و راهنما قرار دهیم. از طرفی برای آشنا شدن تجار ایرانی بکارخانجات صنعتی عالم و از جهت دیگر جلب کنیم نظریات کارخانجات خارجی را بمواد خام و مواد اولیه ایران و مربوط سازیم تجارتخانه های داخلی و خارجی را باهم بوسیله انتشار آدرس آنها و بدهیم اطلاعات کافی راجع بطرز معاملات و تجارت و صنعت، صادرات و واردات بازارهای دنیا. ما میل نداریم بداخل در مراحل سیاسی، و در عوض سیاست بافی در نظر داریم خدمت بزرگی را انجام دهیم که یگانه مسایه حیاتی هرملتی میباشد یعنی تقویت روح صنایع و تجارت و ارتباط تجارتنی بهتری بین تجار ایرانی و خارجه و این بار سنگین را تا آخرین نفس با تمام قوای خود خواهیم کشید. باری چون این مجله مخصوص صنعت و تجارت است و بقدر امکان نمی خواهیم از پلتیک صحبت نمائیم، قارئین محترم از چند کلمه فوق مقصود را فهمیده و خواهند فهمید. ما در نظر داریم انتشار این مجله را عجلتاً در ماه یکم ربه در ۲۸ صفحه بچهار زبان فارسی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی و امیدواریم در آتیه نزدیکی بر صفحات این مجله افزوده و یا بطور هفتگی منتشر نمائیم و برای اینکه مجله در دسترس عموم تجار و کسبه باشد آبونمان آنرا بنسازترین قیمتی قرار داده ایم مجله تجارتنی قلم آزاد هر نمره پنجهزار جلد چاپ و در تمام ممالک دنیا منتشر میشود. « از مقاله مذکور که در حقیقت مقاله افتتاحی مجله است خصوصیات و طرز انتشار مجله قلم آزاد معلوم میگردد و ما برای مزید اطلاع خوانندگان عین آنرا نقل کردیم شعار مجله که دهر شماره در عنوان مجله چاپ شده دختریت که ورقه در دست دارد

وروی آن بخط نستعلیق اسم مجله بزبان فارسی (مجله تجارتي قلم آزاد) و فرانسه نوشته شده و این دختر روی کمره ای ایستاده است . مجله تجارتي قلم آزاد در مطبعه سرربی (مدرن) چاپ شده است . مندرجات مجله علاوه بر اعلانات متعدد عبارت است از مقالات اقتصادی از قبیل : (بیمه - يك نظريه مفید راجع ب مسئله بیمه در ایران قانون انحصار تجارت و متمم آن - قانون ثبت شرکتهای) از شماره ششم که با شماره هفتم یکجا منتشر شده مدیر داخلی مجله (ع . حکمت) در عنوان مجله معرفی شده . از مجله قلم آزاد تا نمره ۱۲ سال اول مورخ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ شمسی در دست است با انتشار این شماره سال اول مجله خاتمه پیدا کرده است . روی هر فرقه بیشتر اهمیت مجله قلم آزاد بواسطه اعلانات آنست .

(۸۹۶) قلم توانا

روزنامه قلم توانا بمدیري (میرزا مرتضی خان فتوحی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور روزانه منتشر شده است . امتیاز این روزنامه در تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۸۹۷) قلم پاك

روزنامه قلم پاك در طهران بمؤسسی و مسئولی (عبدالله زاده) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط در مطبعه سعادت طهران چاپ و در تاریخ جمعه ۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . در صفحه اول این شماره عکس سید جمال اسد آبادی و در زیر آن مختصر شرح احوال آن دانشمند بانجمید از وی و در صفحات ۲ و ۳ که با چاپ سنگی طبع گردیده کاریکاتور و در صفحه چهارم اشعاری بعنوان (اذیبات و فکاهی) طبع گردیده است . اسم روزنامه (قلم پاك) در گوشه راست عنوان و در بالای آن بعنوان شعار روزنامه آیه (ن والقلم وما یسطرون) چاپ شده محل اداره : ناصریه . اداره (بدر) و آدرس تلگرافی : قلم پاك است . بهای روزنامه : طبقه اول ده تومان طبقه دوم پنج تومان . طبقه سوم دو تومان . تك نمره شش شاهی . و نیز در عنوان روزنامه وعده داده است که (بهت معارف پروران یومیه خواهد بود) ولی ظاهراً هیچگاه یومیه نشده است پس از انتشار شماره ششم روزنامه توقیف شده و بجای آن روزنامه (فلق) انتشار یافته است برای اطلاع از روزنامه فلق و سرمقاله آن که چگونه بدون جهت روزنامه قلم پاك توقیف شده بعرف ف کتاب کلمه فلق رجوع شود . پس از مدتی قلم پاك از توقیف خارج شده و شماره هفت آن در تاریخ سه شنبه ۳۰ شعبان ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۷ حمل ۱۳۰۲ شمسی مجدداً منتشر شده و این شماره روی يك ورق با قطع بزرگ طبع گردیده است از روزنامه قلم پاك فعلاً تا شماره ۱۴ مورخ شنبه ۲۲ ذیحجه ۱۳۴۱ مطابق ۱۵ سرطان ۱۳۰۱ در دست است .

۸۹۸ قندپارسی

مجله ادبی قند پارسی بمبئی (محمد احسن الله خان المتخلص بناقب) در علیگر هندوستان طبع و در سال ۱۳۲۳ قمری منتشر شده است . برون در کتاب شعر و مطبوعات (صفحه ۱۲۵) در باره قند پارسی بطور اختصار نوشته است روزنامه ادبی قند پارسی در علیگر هندوستان چاپ شده است و اضافه کرده است که من نمونه آنرا ندیده‌ام . نگارنده نیز تا کنون نمونه این مجله را بدست نیاورده‌ام و اطلاعی که در باره آن دارم عبارت از شرحی است که در شماره اول سال دوم مجله چهره نما منطبقه مصر مورخ ۱۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۳ قمری نوشته و آن شرح بعینه چنین است : > قند پارسی پارسی گویم که نغز و دلکش است * چون مرا با پارسی گفتن خوش است . نامه نامی و روزنامه گرامی (قند پارسی) چاپ شده علیگر هندوستان که چون باغی است از گل های رنگارنگ پارسی آراسته و بوستانی است از غنچه‌های نوشکفته زبان دری پیراسته و نگارشات شیرینش بازار سخن سنجان ترک و تازی را شکسته و سخنان نمکینش بازوی شیرین زبانان بسته . شاهدهی است در سخن پردازای شکرزا و دلارائی است در سخن طرازی سراسر زیبا و ستایش بسیار و گدازش بيشمار (ز شیرینی شکر را بسته بازار * از اومد هوش طوطی در شکرزار) این نخستین نامه مشکین چکامه است که در هندوستان از ریزش خامه عبرین آمه خردمند دانش پژوه یگانه فرزانه (محمد احسن الله خان المتخلص بناقب) پیارسی سخن راند نو آموز گاران را در پارسی آموختن و دبستانیان را در فرس و دری آموختن بهترین سرمایه است بسزا و خوشترین پیرایه است بجا (مدیر روشن ضمیرش ناقب) در چکامه پارسی باتازی سرودن سرآمد سخن سنجان است و زنده کننده سنائی و خاقانی است چنانکه میگوید : بایست در عین هجران روی خندان داشتن * دشنه بر جان خوردن و پنهان ز جانان داشتن * يك گلستان گل بدامن زبیت در یاد وصل * يك جهان شادیت باید روز هجران داشتن ۴۰۰

(۸۹۹) قیام

روزنامه قیام بمبئی (موسوی زاده) مدیر و صاحب امتیاز روزنامه پیکر ، در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۱ منتشر شده است . آقای موسوی زاده علاوه بر انتشار روزنامه قیام و پیکر بافرخی مدیر طوفان نیز همکاری داشته و ما شرح همکاری او را در ذیل روزنامه طوفان نوشته ایم و نیز در روزنامه پیکر در جلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو کرده ایم . طرر انتشار روزنامه قیام هفتگی بوده و بیش از سه شماره از آن منتشر نشده و شماره سوم آن نیز در زیر کلیشه روزنامه ایران آزاد انتشار یافته و در صفحه دوم همین شماره سوم است که موسوی زاده خطاب بشاه ایران بدبختبهای ملت را تذکر داده است . و همین مقاله سبب توقیف روزنامه و تبعید موسوی زاده با اتفاق

ضیاء الواعظین مدیر روزنامه ایران آزاد گردیده است . روز نامه طوفان در شماره ۳۱ سال دوم مینویسد موسوی زاده سه بعد از ظهر شنبه ۲۴ جمادی الثانی مطابق ۲۲ دلو ۱۳۰۱ شمس در راه آزادی با تفاق آقای ضیاء الواعظین مدیر روزنامه ایران آزاد از طهران تبعید شده و با صفهان و یزد فرستاده شده اند. فرخی مدیر طوفان در همین شماره شرح مؤثری بعنوان : «بیا میگویند مصالح مملکت و مقتضیات کنونی حرکت آنها را ایجاب نموده است ...» نوشته و پشت از دو همکار خود موسوی زاده و ضیاء الواعظین دفاع کرده است .

قبل از تبعید این دو مدیر روزنامه ، در دو ساعت و نیم قبل از ظهر روز یکشنبه ۱۵ دلو ۱۳۰۱ شمس محکمه ای بضویت هیئت حاکیه (آقا شیخ رضا دهخوار قانی - آقا حسین همدانی - آقا سیدهادی نوری - شریعت زاده - آقا شیخ علی اکبر مازندرانی) برای معاکه ضیاء الواعظین و موسوی زاده تشکیل شده و نتیجه معاکه تبعید آنها بوده است . خبر این معاکه تحت عنوان (شاه موسوی زاده) در شماره ۳۶ سال دوم طوفان چاپ شده است . آقای موسوی زاده بعد از شهریور ۲۰ در کابینه قوام السلطنه چندی وزیر دادگستری و زمانی هم وزیر مشاور بوده است.

(۹۰۰) قیام بحق

روزنامه قیام بحق در سال ۱۳۰۱ شمس بطور هفتگی در طهران تأسیس و منتشر شده است . نمونه هایی از این روزنامه را سابقاً دیده و در دست داشته ام ولی در حال حاضر برای قتل خصوصیات آن موجود نیست .

(۹۰۱) قیامت

روزنامه قیامت در سال ۱۳۰۱ شمس بطور روزانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۹۰۲) قیام شرق

روزنامه قیام شرق در سال ۱۲۹۶ شمس در طهران هفته سه بار منتشر شده است نمونه از این روزنامه را تاکنون بدست نیاورده ام .

حرف الکاف

(۹۰۳) کار

روزنامه کار در طهران بدیر مسئولی و صاحب امتیازی آقای (ابوالفضل لسانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمس منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در چهار صفا قطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه بوسفور چاپ و در تاریخ سه شنبه ۱۸ رجب ۱۳۴۱ مطابق ۱۵ حوت ۱۳۰۱ شمس منتشر شده است .

طرز انتشار روزنامه کار هفته سه شماره روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه بوده

و روزنامه بدینقسم معرفی شده: «سیاسی، اجتماعی، اقتصادی». شماره اول با سرمقاله ای بدینقسم شروع میگردد: «کاربرای بیکار. هرکسی دربدو امر باین کلمه کوچک نظر انداختن نمکن است در دفعه اول بلیقه انتخاب کننده این کلمه کوچک بر معنی انتقاد نماید...» پس از این سرمقاله مقاله دیگری بعنوان (تشنجات اروپا) و بعد اخبار داخله و خارجه چاپ شده. در صفحه دوم و سوم روزنامه ترجمه کتاب (اقتصاد سیاسی باکونوم پلیتیک تألیف آ. یو کهانوف) طبع گردیده است روزنامه کار روزنامه ایست سیاسی و اخباری. نظیر روزنامه سیاست و در آن جداً بقوام السلطنه و سید ضیاءالدین و نصرت الدوله و ملک الشعراى بهار با درج مقالات شدیدی حمله شده محل اداره روزنامه کار: طهران. خیابان ناصریه نمره ۳۰ وجه اشتراك روزنامه: سالیانه ۸۰ قران، شش ماهه ۴۵ قران کارگران و محصلین و معلمین دو تومان تخفیف داده میشود ولایات اجرت پست افزوده میشود. قیمت تك فروشى ۶ شاهی. از روزنامه کار فعلاً تا شماره ۸۰ مورخ سه شنبه ۱۲ ربیع الاول مطابق ۳۰ میزان ۱۳۰۲ در دست است.

آقای ابوالفضل لسانی آقای لسانی از قضات معروف ایران و در ابتدای خدمت خود در دادگستری چندی در اصفهان و بعد در یزد مشغول کار بود. در ۱۳۲۹ در مجلس سنای ایران شرکت کرد و شغل رسمی او و کالت دادگستریست.

(۹۰۴) کارگر

روزنامه کارگر در شهر خوی بدیری و صاحب امتیازی (میرمحمد ماکوئی) تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است. شماره دوم این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیرى در مطبعه سربى (خوی - مطبعه ادب) چاپ و در تاریخ ۱۷ ذیحجه ۱۳۳۸ مطابق ۹ سنبله ۱۲۹۹ شمسی منتشر گردیده. طرز انتشار روزنامه کارگر هفته یکمرتبه روزهای چهارشنبه بوده و مندرجات آن پس از درج سرمقاله، مطالب و مقالات راجع بر سرمایه داران و سوء استفاده آنان و نیز اهمیت طبقه کارگر و همچنین حوادث و وقایع شهرخوی و تلگرافات و اخبار داخله ایران میباشد. روزنامه مذکور طرفدار کارگران است.

محل اداره روزنامه کارگر: دربند حاجی ابراهیم خلیل و عنوان تلگرافات: خوی کارگر. محل فروش: دواخانه اتحاد. وجه اشتراك درخوی سالیانه دو تومان، ششماهه ۱۲ قران. داخله سالیانه ۲۵ قران، ششماهه ۱۵ قران. نمره يك عباسی. در فهرست جراید آذربایجان راجع باین روزنامه مینویسد: «روزنامه هفتگی منتشر در خوی با چاپ سربى بدیریت میر مهدی ماکوئی در ۱۳۳۸». نگارنده از روزنامه کارگر تا شماره چهارم مورخ ۲ محرم ۱۳۳۹ قمری را در دست دارم. نا گفته نماند که در عنوان روزنامه مدیر و صاحب امتیاز (س. م. ماکوئی) معرفی شده و در انتهای صفحه ۴ مدیر مسئول (میر مهدی ماکوئی) امضاء نموده که ظاهراً هر دو یکنفرند. علاوه بر روزنامه کارگر منتشر در خوی، روزنامه بهمین نام یکمرتبه در سال

۱۲۹۳ شمسی بطور هفتگی و یکبار در سال ۱۳۰۱ شمسی باز بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده که چون نگارنده نمونه از هیچکدام بدست نیاورده، جدا گانه شرح آنها نبرداخت.

(۹۰۵) کارون

روزنامه کارون در اصفهان بمدير مسئولی و نگارندگی (سعید شیروانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. شماره ششم سال اول این روزنامه روی یک ورق بزرگ، با چاپ سری در مطبعه (بامداد اصفهان) طبع و در تاریخ دوشنبه ۲۹ صفر ۱۳۴۲ قمری مطابق ۸ میزان ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است.

صاحب امتیاز روزنامه کارون (م. ج. شیروانی) معرفی شده، محل اداره روزنامه اصفهان خیابان چهارباغ وجه اشتراک: سالیانه ۵۰ قران. مند رجات روزنامه کارون ما توسط سایر جراید محلی مقالات گوناگون و اخبار محلی و اخبار داخلی است. برای اطلاع از سبک مقالات آن قسمتی از سرمقاله شماره نمونه را ذیلا نقل مینمائیم: «آغوش مادر - خوب فکر کنید به بینید سرمنشاء این خرابی - سرچشمه این فساد اخلاق و منبع این فقر و پریشانی کجاست، شما هرچه زیادتیر سعی و تلاش میکنید هرچه بر اصرار خود دربر انداختن این وضعیت ناهنجار میافزایید و هر قدر بخواهید خودرا بهتر نمائید روز بروز بدتر شده می بینند امروز از روز گذشته یک درجه یرتگاه زوال نزدیکتر شده اید. دیروز جنون بکله شما زد بهوس افتادید رژیم را تغییر دهید بلکه از زیر فشار استبداد خلاصی جوید استبداد را مشروطه بدل نمودید ولی امروز می بینید همان آتش است و همان کاسه ...» پرواضح است نوشتن چنین مقاله در آن ایام که مقدمات تغییر سلطنت تشکیل میشد قدری مشکل بوده است. آنچه در روزنامه کارون تازگی دارد قطع آنست که برای اولین بار در روزنامه های ولایات مانند طهران، کارون بقطع بزرگ چاپ شده است. روزنامه ارژنگ مورخ ۳۰ بهمن ماه ۱۳۰۵ شمسی اعلان نموده است از هفته آینده روزنامه کارون انتشار خواهد یافت. نمونه از انشار مجدد آن در دست نگارنده نیست. اشتباه نشود این آقای سعید شیروانی با آقای بنان السلطان شیروانی مدیر روزنامه میهن ارتباطی ندارد.

(۹۰۶) کازرون

در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ معارف فارس مینویسد در سال ۱۳۰۵ شمسی جریده بنام کازرون بتوسط آقای میرزا عبدالله کاررونی طبع گردید ولی قبل از انتشار از طرف والی فارس توقیف شد.

(۹۰۷) کاشان

روزنامه کاشان در شهر کاشان بمدیری (نایب‌المدر) تأسیس و در سال ۱۳۲۹

قمری بطور هفتگی منتشر شده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۲۵) در باره این روزنامه مینویسد روزنامه کاشان در سال ۱۳۲۹ قمری در شهر کاشان منتشر شده است.

(۹۰۸) کاشف اسرار

روزنامه کاشف اسرار در اصفهان بدیر مسئولی (پروردین) تأسیس و در سال ۱۲۹۵ شمسی منتشر شده است.

شماره اول سال چهارم روزنامه کاشف اسرار باقطع بزرگ وزیری با چاپ سری در مطبعه (جبل‌التین) چاپ و در تاریخ دوشنبه ۸ رجب المرجب ۲۶ صحت ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است

سرمقاله این شماره که (بنام نامی اعلی حضرت قدر قنوت سلطان احمد شاه) نوشته و بالای آن تاج کیانی گراور شده بدینقسم شروع میگردد: «تعیل حمل شد و در تمام قاط ایران قارخانه افتخار و مباحات را بنام دیهیم کیانی و وارث تخت و تاج کیان سلطان احمد شاه زدند ۰۰۰۰» پس از این سرمقاله، مقاله دیگری بعنوان (تاریخ ضبط کن) درج شده و در آن پشت سیاست همسایه شمالی تاخته و من جمله مینویسد: «وا اسفا در حدود خراسان قزاقان روسی بدون رعایت ناموس بهمام زنانه رفتند معا بدما طویله اسبان لشکریان تزار قبه مطهره حضرت رضا را باتوپ شربار خراب کسبه و مردمان بی سلاح ماهدف تیرزها گین. -» در پایان این مقاله مینویسد «این نوروز روح ملیت ما را زنده داشته این عید سعید قارخانه شرافت و اصالت ما را بگوش عالیان رسانید همسایه محبوب جنوبی ما استقلال ما را بیاد شیرهای نیاکان ایران تقدیس نموده تبریک گفت.» در همین شماره مقاله‌ای تحت عنوان (چهارمین سالما) نوشته و مقاله مذکور بدینقسم شروع میگردد: «سه سال تمام است ادای وظیفه نموده برای آگاهی ملت خویش فداکاری نمودیم آنچه را که در امکان داشتیم بیم و پروا نداشته گفتیم و نوشتیم با اینکه با هزاران موانع ۰۰۰» اخبار اصفهان و داخله نیز قسمتی از مندرجات کاشف اسرار را تشکیل میدهد.

در عنوان روزنامه کاشف اسرار بدینقسم معرفی شده: «این روزنامه از حوادث داخله و خارجه و سیاست مدن و اصلاح ملکیه و علوم و تاریخ و فلاحت نوشته میشود.» محل اداره: اصفهان. خیابان خوش. عنوان تلگرافی کاشف اسرار طرز انتشار آن هفتگی بوده و در عنوان روزنامه قید گردیده که بهای این روزنامه همه جا پیش گرفته میشود. کسانی که مایل باشند نمره اول را پس بفرستند. قیمت روزنامه: اصفهان یکساله ۶۰ قران شش ماهه ۳۵ قران داخله یکساله ۷۰ قران شش ماهه ۴۰ قران. تعیین اجرت لواحق خصوصی و قیمت اعلانات با سردیر است.

کاشف اسرار از روزنامه های تند و لایات است که در اصفهان علیه سیاست همسایه شمالی منتشر میشده است.

ابوالقاسم پروردین ملقب به مؤید الشریفه گیلانی مدیر روزنامه کاشف اسرار بغیر از این روزنامه، روزنامه های عصر پهلوی و لوای اسلام را نیز در اصفهان منتشر نموده است. از روزنامه عصر پهلوی در حرف عین کتاب (مجله سوم) گفتگو کردیم و از لوای اسلام نیز در محل خود گفتگو خواهیم کرد.

روزنامه از ژانک چاپ اصفهان در شماره ۲۲ سال اول خود مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۰۴ شمسی شرحی در باره توقیف کاشف اسرار و انتشار عصر پهلوی بجای آن بدینقسم نوشته است: «در اثر خدعات و زحماتی که مدیر شجاع روزنامه کاشف اسرار تحمل نموده اند پس از توقیف بی جهت روزنامه مهم کاشف اسرار به نیل امتیاز روزنامه (عصر - پهلوی) موفق و طلیعه برجسته آن در این هفته چشم آزادبخواهان را روشن نمود. «مرحوم مؤید الشریفه گرفتار بیماری سل شد و چندی در اصفهان و طهران معالجه میکرد و عاقبت هم در اصفهان فوت نمود. نامبرده از دوستان صمیمی مرحوم جلال السلطنه بود. چند مرتبه ملاقاتش دست داد بالباس عمامه مردی خوش لباس و بسیار پاکیزه بود. از او فرزندی بنام موبد باقیست که در شهر بانی مشغول خدمت میباشد. قبر او در تخت فولاد اصفهان است.

(۹۰۹) کاشف الحقائق

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی صفحه ۱۲۵ مینویسد روزنامه کاشف الحقائق بدبیری (میرزا حبیباله خان مدیر مؤسسه وطن) در طهران تأسیس و هفته دو بار در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. برون اضافه میکند که از روزنامه کاشف الحقائق بیش از یک شماره منتشر نشده و این شماره را من در دست دهم. محل انتشار آن در رشت بوده در چهار صفحه و هر صفحه آن شش و دو چهارم در یازده و یک چهارم اینچ است. وجه اشتراک در شهر رشت ۱۲ قران. در سایر شهرهای ایران ۱۸ قران. در اروپا ده فرانک. در قفقاز چهار منات. در هندوستان ۴ مجیدی.

(۹۱۰) کافابار

روزنامه کافابار بزبان ارمنی در طهران بدبیری (آرام بکیان) تأسیس و در سال ۱۳۰۳ شمسی منتشر شده است. امتیاز این روزنامه در تاریخ ۱۵ قوس ۱۳۰۳ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گنشته و بنا بر این انتشار آن در نیمه دوم سال مذکور بوده است.

(۹۱۱) کالات شارارا

روزنامه منصفی کالات شارارا بزبان آسوری در شهر ارومیه (رضایه) بدبیری دلود تأسیس و در سال ۱۸۹۶ میلادی منتشر شده است. آقای دلود بعداً اسلام اختیار کرد و بنام (عبدلأحد) موسوم و در اسلامبول ساکن گردید برون در کتاب شعر و مطبوعات فارسی پس از توضیح بالا مینویسد روزنامه مذکور بوسیله هیئت مرسلین کاتولیک فرانسوی منتشر میشده است.

(۹۱۲) کامکار

روزنامه کامکار در شهر اصفهان بصاحب امتیازی ومدیر مسئولی (فضل‌العوض زاده) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی مطابق ۱۳۴۶ قمری منتشر شده است. این روزنامه ابتدا بطور هفتگی و بعد هفته دوبار ومدتی بطور روزانه منتشر میشده. کامکار بیشتر در چهار صفحه وزیری در مطبعه سرربی (اتحاد) طبع شده و پس از روزانه شدن روی یکورق بقطع سابق طبع ونشر شده. محل اداره روزنامه اصفهان خیابان سه. سردر مطبعه جبل‌التین. قیمت اشتراك آن اصفهان سالیانه ۴۰ قران، ششماهه ۲۴ قران، سه ماهه ۱۲ قران سایر ولایات بترتیب ۵۰ قران، ۳۰ قران، ۱۵ قران. بمحصلین مدارس و کسبه تخفیف داده خواهد شد.

مندرجات روزنامه کامکار مانند سایر جراید محلی پس از سر مقاله عبارت از مقالات مختلف واخبار داخله و خارجه وچند شعر وپس از تشکیل اداره ثبت اسناد و املاک اصفهان قسمتی از صفحات روزنامه را آگهی‌های ثبتی پر کرده است. درحقیقت پیدایش روزنامه کامکار بمنظور درج ونشر آگهی‌های ثبتی بوده و بهمین مناسبت پس از چندی توانست چاپخانه مستقلی تهیه نماید. ولی دیری نگذشت که روزنامه در اصفهان زیاد شد و روزنامه‌های گیتی نما و اخگر وصحت نیز سهمی از آگهی‌های ثبتی گرفته و در نتیجه مدیر روزنامه کامکار مجبور شد اداره روزنامه و مطبعه را بشهر قم منتقل نماید. روزنامه کامکار تا آخر سال ۱۳۱۱ شمسی در اصفهان منتشر شده واز آن پس یعنی از ابتدای سال ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است. از روزنامه کامکار در قم جداگانه گفتگو مینماییم.

نگارنده از بدو تأسیس روزنامه کامکار با مدیر آن آشنائی و سوابق دوستی داشت و چون نامبرده از فن نویسندگی اطلاعی نداشت برای انتشار روزنامه احتیاج زیادی بارباب قلم ونویسندگان داشت. نگارنده در آن ایام شوق وافسری بنوشتن مقاله مخصوصاً درج و انتشار آن را در جراید داشت و از اینجهت پس از تأسیس روزنامه کامکار، رایگان بامدیر آن همکاری میکرد. يك قسمت از مقالات نویسنده بدون امضاء چاپ میشد و گاهگاهی بامضای صریح درج مگردید و من جمله در شماره ۱۹ سال اول مورخ ۱۶ بهمن ۱۳۰۶ تحت عنوان (هنوز طفل هستیم) ونیز در شماره ۲۵ سال اول مورخ دو شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۰۷ شمسی مقاله دیگری بعنوان (الغاء کاپیتولاسیون) بقلم نگارنده تدوین شده است.

مرحوم فضل‌اله کامکار با اینکه معلومات لازم برای رورنامه نویسی نداشت اما در اثر پشت‌کار وجد و جهد و کوشش توانست از شاگردی مطبعه اتحاد بمدیر رورنامه ترقی نماید. واز راه روزنامه نگاری خدماتی بهمشهریان خود بکند ونامی از خود باقی گذارد. وی فرزند عوض نام هفشه جانی، وبهمین جهت نام خانوادگی خود را عوض زاده انتخاب کرده بود. تحصیلش تا شش ابتدائی وپس از کشته شدن پدرش

مدرسه را ترك و در مطبعه اتحاد شاگردی مینمود. زمانی نیز مطبعه را ترك و در بازار مسگرها دكان سقط فروشی باز کرد و بعد دو مرتبه وارد كار مطبعه شد و بواسطه آشنائی بامور مطبعه بود که در خواست امتیاز روزنامه کرد و امتیاز جریده کامکار در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشت. مرحوم کامکار در اصفهان علاوه بر روزنامه کامکار مجله درخشان را نیز منتشر ساخت و ما از این مجله جداگانه در حرف دال کتاب گفتگو نموده ایم.

(۹۱۳) کامکار

روزنامه کامکار در شهر قم مدیری (فضل الله کامکار) تاسیس و در سال ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است روزنامه کامکار در قم دنباله انتشار روزنامه در اصفهان میباشد بدین شرح که پس از آنکه آگهیهای ثبتی در اصفهان رو بقتصان گذاشت و از طرفی در قم اداره ثبت املاک تاسیس گردید مرحوم کامکار ب فکر افتاد که روزنامه و مطبعه را بقم منتقل نماید و لذا در اوایل سال ۱۳۱۲ شمسی با چاپخانه مختصر خود رهسپار خود رهسپار قم شد و روزنامه کامکار را بصورت استفاده از آگهیهای ثبتی در شهر قم منتشر نمود ولی در نتیجه استقبال نکردن مردم از روزنامه و آشنا نبودن بوضعیت شهر مذهبی قم کامکار بیش از دو مـسـاء نتوانست روزنامه را در آنجا منتشر نماید و پس از انتشار هفت شماره مجبور بتعطیل روزنامه گردید و در نیمه اول همان سال شهر قم را ترك و بطهران عزیمت نمود چند ماهی نیز در طهران مطبعه کامکار دائر و محل آن در خیابان ناصریه اول کوچه حاج نایب بود روزنامه توفیق که مدیران مرحوم توفیق با کامکار دوستی داشت چند نوبت آگهی مطبعه کامکار را بدینقسم چاپ کرده است: «مطبعه کامکار. مطبوعات شمارا بارزانتترین قیمت قبول مینماید شماره ۴ سال دوازدهم توفیق مورخ دوشنبه ۶ آذر ۱۳۱۲».

مرحوم کامکار سال ۱۳۱۲ را بزرحت در طهران بیابان رسانید و در نتیجه خسارات مادی که بعلت حمل و نزل مطبعه از شهری بشهر دیگر عایدش شد و تألمات روحی روز اول سال ۱۳۱۳ شمسی بدرو دزدندگانی گفت و جان شیرین را بر سر کار روزنامه نویسی گذاشت. روزنامه توفیق در شماره ۳۰ سال دوازدهم مورخه ۲ شنبه ۱۳ فروردین ۱۳۱۳ تحت عنوان (تأسف) خبر فوت کامکار را اینطور نوشته است: «بطوریکه از اصفهان اطلاع میدهند آقای فضل الله کامکار در اثر کسالتی که داشته دار فانی را وداع و عده را متأثر نموده است. بیازماندگان آن مرحوم تسلیت میگوئیم.» مرحوم فضل الله کامکار برادری موسوم بمزیزاله داشت که در اداره تلفنخانه کار میکرد.

(۹۱۴) كانون

روزنامه كانون در طهران بدیر مسئولی و صاحب امتیاری آقای (حسین مطیعی) تاسیس و شماره اول آن در تاریخ دوشنبه اول فروردین ماه ۱۳۱۷ شمسی مطابق ۱۸

مهرم ۱۳۵۷ قمری، با چاپ سری طبع و منتشر شده است. این شماره در هشت صفحه بزرگ قطع ۶۴ در ۴۸ سانتیمتر طبع گردیده ولی از شماره دوم تعداد صفحات چهار صفحه تنزل کرده و از آن پس مرتباً در چهار صفحه منتشر شده است. در صفحه اول شماره اول تصویر اعلیحضرت فقیدرضا شاه پهلوی و والاحضرت ولایتعهدگراور شده است مقاله افتتاحی روزنامه که در حقیقت حکایت از مرام و مسلک روزنامه و عقیده مدیران مینماید بدینقسم شروع و ختم میگردد: «بنام یزدان یاک - جای تردید نیست که جامعه ایرانی بیشتر از هر چیز احتیاج بکتاب و روزنامه قابل استفاده و سود بخش دارد تا از این راه بتواند بطرز بسیار پسندیده و مطلوبی از اقدامات اساسی و بزرگی که هر روز در کشور بعمل میآید بهره‌مند گردد ۰۰۰۰۰۰ همانطوریکه در بالا اشاره شد صفحات این نامه بنام خدا و در پرتو عنایات شاهنشاه نشر مییابد و تا آنجا که ممکن است سعی خواهیم کرد مندرجات آنرا طوری قرار دهیم که هر کس از خواندن آن استفاده‌ای برگرفته و فایده حاصل نماید. از خداوند پاک توفیق ادامه این امر را خواستار بوده و ارز و داریم که باخامه ناتوان خویش بتوانیم بانجام وظایفیکه در پیشگاه قائم نامدار و مبین عزیز خود داریم نائل‌ائیم.»

مندرجات روزنامه کانون مانند سایر جرایدیکه در سالهای اخیری سلطنت رضا شاه فقید نشر میشده خیلی خشک و بیروح و مطالب آن منحصر باخبار داخلی که آن هم بیشتر جنبه تعریف و ذکر اقدامات شاه و دولت را دارد و حوادث خارجی و چند ستون آنهم مخصوص درج مقالات تاریخی و ادبی و اجتماعی است البته قسمی که با جانی بر خورد ننماید. در باره همین روزنامه است که در مقدمه کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران، در جاییکه از سیر تحول تاریخ جراید گفتگو نموده، یادآور شده ایم که طبق پاسخی که مدیر روزنامه بدرخواست نگارنده مبنی بر چاپ اعلان تقاضای شرح احوال مدیران جراید نوشته، یادآور شده است که اگر اداره آگاهی شهربانی اجازه بدهد اعلان مذکور چاپ و منتشر خواهد شد. این مطلب حکایت از شست‌سانسور و کمال مراقبت شهربانی از مندرجات جراید مینماید. در همین ایام است که تمام ارباب جراید باید قبلاً مقالات و حتی اخبار کوچک خود را با اداره اطلاعات شهربانی، چه در مرکز و چه در ولایات، نشان بدهند و برای طبع آن اجازه بگیرند. چه بسا مقاله‌یی اهیتی بعلت داشتن کلمه مبهمی از چاپ آن جلوگیری میشد.

با همه این احوال در سال اول روزنامه کانون مقالات مسلسلی تحت عنوان (چگونه باید نوشت؟) بقلم آقای سمید نفیسی درج شده که قابل توجه است. در صفحه دوم روزنامه کانون چهار جدول کوچک و یک جدول بزرگ که جدول کوچک قرینه یکدیگر و در دو طرف جدول بزرگ قرار گرفته ترسیم شده است. این جدولها مربوط بنگاهبانی دواخانه‌ها و میزان درجه حرارت و نمایشات و سینماها و تهویم کانون و حرکت پستهایمیشد. علاوه بر مندرجات مذکور در اغلب شماره‌های کانون چند تصویر از بناهای تایضی و اشخاص مربوط به حوادث و وقایع داخلی چاپ شده است. روزنامه

کانون بعد از شهریور ۱۳۲۰ نیز گاهگاهی بطور غیرمرتب با تجدید نظر در مطالب و مندرجات آن انتشار یافته است .

محل اداره روزنامه : طهران . خیابان لاله زار . پست شهرداری . بهای اشتراک سالیانه کانون در داخله ۱۰۰ ریال و در خارجه ۲۰۰ ریال، ششماهه ۵۵ ریال و ۱۰۰ ریال است . بهای آگهیهای روزنامه صفحه اول سطری ۴ ریال و صفحات دیگر يك ریال و صفحه آخر دو ریال . تک شماره سی دینار است .

آقای حسین مطیعی - آقای حسین مطیعی مدیر روزنامه کانون فرزند آقای حاج عباس در سال ۱۲۸۰ شمس متولد شده و دارای ذوق شاعری و طبع شعر میباشد نامبرده علاوه بر انتشار روزنامه کانون و کانون شعرا چندی روزنامه تجدید ایران به مسئولیت ایشان منتشر میشده و زمانی در انتشار روزنامه ادبی نسیم شعر در طهران همکاری داشته اند . از آثار ایشان گرد آوردن مطالب و نشر کتاب اسرار خلقت است که آقای سرهنک اخگر اشعار آنرا سروده اند . در کتاب نامه سخنوران تألیف مرحوم ایزدگشپ در زیرعکسی که از آقای مطیعی چاپ کرده دو غزل نیز از نامبرده طبع نموده که یکی از آنها بعنوان (دوره وصال) میباشد .

(۹۱۵) کانون جهانگردی

مجله کانون جهانگردی که از انتشارات انجمنی بهین نام بوده در طهران تأسیس و در سال ۱۳۱۵ شمس بطور ماهانه منتشر شده است . وظیفه انجمن مذکور تشکیل وسایل سیاحت جهانگردان در داخل کشور بوده و از اعضاء میرز آن آقایان عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات و دکتر متین دفتری میباشد .

(۹۱۶) کانون شعرا

روزنامه کانون شعرا در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (حسین مطیعی) و سردیری (اسدالله صابر همدانی) تأسیس و در سال ۱۳۱۳ شمس منتشر شده است . کانون شعرا معمولاً در هشت صفحه بقطع وزیری متوسط در مطبعه سربی (مهر) چاپ و روزهای پنجشنبه هر هفته منتشر شده . گرچه این روزنامه در عنوان آن (روزنامه ادبی - اجتماعی فکاهی - اخباری - مصور) معرفی شده ولی بیشتر مندرجاتش اشعار شعرای معاصر که در پایتخت و یا شهرستانها میزیسته ، میباشد . در هر شماره مختصر شرح حال و عکس شعرا بیکه شعر آنها چاپ شده درج گردیده و از این جهت روزنامه کانون شعرا اسم بامسماست و دوره این روزنامه تذکره مختصری از شعرای معاصر میباشد . در بین شعرائی که شرح احوالشان در روزنامه کانون شعرا ذکر شده عددی یافت میشود که بهیچ وجه شایستگی ثبت نام نداشته و نیز در شرح احوال بعضی از آنها باندازه مبالغه گردیده که از حقیقت دور افتاده است ولی رو بهرفته با این معایب در جنب معاسنی که در ضبط نام و شعر و چاپ عکس شعرا در این روزنامه یافت میشود ناچیز است .

علاوه بر مطالب مذکور مقالات اخلاقی و ادبی در روزنامه درج شده که خوانندگان برای اطلاع از آنها باید باصل روزنامه مراجعه نمایند. سرلوحه روزنامه که در هر شماره نصف صفحه اول را گرفته علاوه بر خصوصیات روزنامه شامل اشعار و کلمات قصاری میباشد و نیز در وسط سرلوحه عکس نیم‌تنه اعلیحضرت رضا شاه پهلوی که در بالای آن تاج کیانی قرار گرفته و در طرف راست تاج جمله (بنام خداوند) و این فرد شعر : (از هر جهت ز صورت و معنی قوی شدیم) و در طرف چپ تاج جمله (بخشنده مهربان) و فرد دیگر شعر : (تامتکی بسطنت پهلوی شدیم) چاپ شده است . در زیر تصویر پهلوی اسم روزنامه (کانون شعرا) بخط نستعلیق و در دو طرف تصویر این اشعار درج گردیده است : حامی و منجی وطن - مرد دلیر متعین - قائد کشور کیان - بکه خدیو کلردان - ضیغم بیشه عجم - حارس مرز و بوم جم - درخور تاج خسروی - نیست بغیر پهلوی . هماشم که یاد آور شدیم علاوه بر این خصوصیات در هر شماره اشعار و کلمات قصاری نیز در عنوان روزنامه چاپ شده و فی‌المثل در شماره چهار سال اول مورخ پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۳ شمس مطابق ۱۸ محرم ۱۳۵۳ ، این چهار شعر از جمال‌الدین دکنی درج شده : « چو صاحب سخن زنده باشد سخن † چو صاحب سخن مرد آنکه سخن بنزد همه رایگانی بود † به از گوهر و زر کانی بود . » این جمله نیز از کلمات قصار است در همین شماره چاپ شده : « شرف المرء بالعلم والادب لا بالاصل والنسب . محل اداره روزنامه : طهران . خیابان سیروس . کوچه عزت الدوله . قیمت اشتراک در مرکز و ولایات سالیانه طبقه اول ۵۰ ریال طبقه دوم ۴۰ ریال . شعرا و نویسندگان ۳۰ ریال . محصلین و محصلات ۲۵ ریال . تک‌شماره پنجاه دینار . پس از دو روز یکریال اجرت اعلانات و لواجیح با دفتر اداره است . کانون شعرا بیشتر یک روزنامه ادبی بوده و اشعار مندرج در آن متعلق بشرائنی است که در انجمنهای ادبی طهران ، اصفهان ، همدان و شیراز عضویت داشته و گاهی هم اشعاری از شعرای دیگر در آن دیده میشود . روزنامه کانون در فروردین ۱۳۱۴ شمس با انشمار شمار ۴۶ وارد دومین سال خود گردیده و در سال ۱۳۱۵ سال دوم را بیابان رسانیده و داخل در سال سوم شده و سال چهارم آن نیز نشر شده و روزنامه تعطیل گردید و بجای آن روزنامه کانون انتشار یافته است . شرح احوال آقای مطیعی مدیر روزنامه را بطور اختصار در ذیل روزنامه کانون نوشتیم در اینجا فقط بذکر مختصر شرح حالی از آقای صابر همدانی سردبیر روزنامه اکتفا مینمائیم :

آقا میرزا اسدالله خان صابر همدانی - مولدش در سال ۱۲۷۸ در همدان بوده . شاعر است بلند پایه دارای قریباً ۱۰۰۰ پاك و فکری تابناک سخنش تیز و دلکش و اشعارش ملیح و شیواست . وی بسبب صائب تیرزی شعر میسراید نظر بنوستی که با آقای مطیعی داشته سردبیری روزنامه را قبول کرده و آقای مطیعی در شماره اول سال اول دورنامه از مشارالیه سپاسگذاری کرده است .

۹۱۷ (کاوِه)

یکی از روزنامه‌های بسیار خوب و مفیدیکه بزبان فارسی منتشر شده روزنامه کاوه است. گرچه این روزنامه درخارج ایران منتشر گردیده ولی از لحاظ خدمتی که بزبان و ادبیات فارسی نموده و چند سال جمع زیادی از فضلا و دانشمندان ایرانی در راه طبع و نشر آن رنج فراوان متحمل گردیده جای آنرا دارد که بطور مشروح و مفصل از آن گفتگو نمائیم.

روزنامه کاوه در شهر برلین پایتخت آلمان بزبان فارسی هر دو هفته یکبار طبع و نشر میشده و شماره اول سال اول آن در هشت صفحه بقطع بزرگ در تاریخ دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۲۸۵ یزدگردی مطابق ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ قمری و ۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ میلادی منتشر گردیده است. انتشار روزنامه کاوه بدو دوره قسمت میشود دوره قدیم کاوه و دوره جدید و در هر یک از این دو دوره روزه کاوه دارای علائم و ممیزات مخصوصی است که آنرا از دوره دیگر جدا میسازد. و در هر دو دوره سرلوحه روزنامه عبارت از مردیست که درفش کاویانی در دست گرفته و عده سپاهیان و شورشیان بالات و اسلحه‌های گوناگون بدنبال او حرکت میکنند. شرح درفش کاویانی و خصوصیات آن در صفحات ۳ و ۴ شماره اول کاوه بقلم اوسکارمان مستشرق و پروفیسور معروف چاپ شده و برای اطلاع از آن بدانجا رجوع شود. برای اینکه جزئیات این روزنامه مهم معلوم گردد بشرح هر یک از دو دوره جداگانه میپردازیم:

دوره قدیم کاوه - دوره قدیم کاوه با انتشار شماره اول سال اول مورخ ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۴ قمری شروع میگردد و بانشر شماره ۳۵ مورخ ۱۸ ذی القعدة ۱۳۳۷ قمری خاتمه پیدا میکند. روزنامه کاوه در این دوره کاملاً يك روزنامه سیاسی بوده و بیشتر مندرجات آن طرفداری از آلمان و متحدینش یعنی عثمانی و اطیش و بلغاراست و همه جا فتوحات و وقایع جنگ آلمان را با آب و تاب تمامی نقل میکند و بالعکس از هر گونه انتقادی ارا انگلیس و فرانسه کوتاهی ندارد. بنا بر این کاوه قدیم يك روزنامه سیاسی و تبلیغاتی است

برون در کتاب تاریخ ادبیات (مجلد سوم صفحات ۳۳۸ و ۳۳۹) درج نمائیکه از روزنامه کاوه گفتگو میکند درباره مقالات دوره قدیم کاوه مینویسد: « در اوقاتی که کاوه جنبه تبلیغی داشت مندرجاتش بیشتر سیاسی بود و هر چند راجع بوقایع و حوادث ایران و اعمال ملیون (کمیته دفاع ملی) مطالب سودمند درج میکرد اما در موضوعهای ادبی تا بعد از متار که جنگ جز در بعضی شماره‌ها وارد نمیشد مثلاً در شماره ۴ يك قطعه شعر کردی دیده میشود. در نمره ۲۰ شرح حالی از ادیب بزرگوار سید محمد صادق قائمقامی ملقب بادیب الممالک و متوفی در ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۵ درج است. در شماره ۲۱ مطالبی راجع بنتایج حاصله از مأموریت کاپیتان نی در مایر باقنستان مسطور است در نمره ۲۳ مقاله از پروفیسور میتوخ درباره رضای عباسی که از صنعتگران مشهور ایرانست

درج گردیده . در شماره ۲۶ شرحی راجع به مصطلح ایران و آلمان دیده می‌شود در نمره ۳۳ بناسبت وصف کتاب جدیدی که موسوم است براه نو ولی بزبان آلمانی تحریر یافته شرحی راجع باقدمات و مساعی مختلفه که برای اصلاح یا تغییر خط فارسی شده است بنظر میرسد . در شماره ۳۴ شمه در باب تأسیس انجمن ادبی ایرانیان در برلن و مکتوبی از میرزا محمد خان قزوینی در خصوص نکته راجع باملای فارسی درج گردیده است . در نمره ۳۵ مقاله مفصل و جالب توجهی بقلم میرزا محمد خان راجع بقدمترین شعر فارسی که بعد از فتح عرب باقیمانده مندرج است .

این بود فهرستی از مقالات مهم دوره قدیم کاوه بنظر برون اکنون بدنباله توضیحات راجع باین دوره کاوه می‌پردازیم .

سال اول دوره قدیم کاوه بشماره ۱۷ مورخ ۵ ربیع الاول ۱۳۳۵ قمری خاتمه پیدا کرده و در این سال کاوه با نظم و ترتیب مخصوصی که در شماره اول دیده می‌شود انتشار یافته و در سال اول قطع و تعداد صفحات هر شماره یک اندازه است . سال دوم کاوه بشماره ۱۸ و ۱۹ مورخ ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۳۵ قمری مطابق ۱۵ فوریه ۱۹۱۷ میلادی که یکجا منتشر شده شروع میشود . سرمقاله شماره اول سال دوم بدینقسم شروع میگردد : « سال دوم کاوه - روزنامه کاوه که در هجدهم ربیع الاول سال گذشته شروع بانشار کرده بود اینک قدم بسال دوم خود میگذارد . باین مناسبت میخواهیم یک نظر اجمالی بخود سیر جنگ در دنیا عموماً و ایران خصوصاً بیفکنیم . » این شماره در ۱۶ صفحه و بی اندازه مطالب آن مفید است و من جمله انقلابات یک ساله ایران فهرست وار ذکر و نیز نقشه های جنگهای اروپا در آن ترسیم شده است . سال سوم کاوه بشماره ۲۵ مورخ ۳ جمادی الاولی ۱۳۳۶ قمری شروع میگردد سرمقاله سال سوم که تحت عنوان (سال سوم کاوه) نوشته شده بدینقسم آغاز می‌گردد : « - همین سال نشر روزنامه کاوه آغاز میشود . باوجود مشکلات فراوانی که در کار این روزنامه اهرحیث فراهم است بار کارکنان اداره آن بهر ترتیبی بوده تا بحال ۲۵ شماره نشر نموده که رویهمرفته ماهی یکشماره میشود . این روزنامه با آنکه توزیع مرتب و کامل آن در ایران فعلاً بواسطه جنگ ۰۰۰۰ در حال سوم نیز طرز واسلوب روزنامه مانند سالهای قبل بوده و همانقسم که یادآور شده ایم روزنامه چکیده جنگ اروپا میباشد . »

دوره قدیم کاوه با انتشار شماره ۳۵ مورخ ۱۸ ذی القعدة ۱۳۳۷ قمری خاتمه پیدا میکند و در همین شماره است که در صفحات هفت و هشت آن عهد نامه متار که جنگ بین الملل بین آلمان و متفقین چاپ شده است .

قبل از آنکه بحث درباره دوره قدیم کاوه را خاتمه دهیم بی مناسبت نیست قسمتی ارمقاله افتتاحی روزنامه که بعنوان « آغاز » در ستون اول شماره اول روزنامه چاپ شده نقل نمائیم زیرا که در نقل این قسمت خوانندگان تا اندازه بطول پیدایش کاوه بی میبرند : « آغاز - کسی کو هوای فریبون کند از سر از بند ضحاک بیرون

کند . دريك زمان فوق العاده تاريخی دنيا هستيم که عظمت و اهميت آن ار شدت ظهورخفا بهم رسانيده وماچون درجریان وقایع عظیمه آن هستيم درست ملتفت دهشت هولناک آن نيستم و فقط اخلاف ماحکایات اين زمان پرهراس را با هول و عجب خواهند خواند . اين طوفان مهيب آتش و خون که روی زمین را فرا گرفته نه تنها بعد از طوفان نوح بزرگترين واقعه انقلابات عالم است بلکه در طوفان آب بقا و فناى انواع و اجناس را فلك مشحون نوح ضامن بود و فقط يك قوم عاصی محکوم باقراض بودند ولی در اين طوفان بسياری از تر و خشک در نتیجه غفلت غرق جهانگیر امروزه خواهند شد چند تن از بومیان يك کشور بدبخت و زبون دشمن یعنی ايران نیز در اين روز دستخيز ملل و فزع اکبر در شهر برلین مرکز حرکات معير العقول جنگ جهانگیر گرد آمده و در باره مملکت ستمديده خود فکر میکنند (در اینجا شرح میدهد که چگونه قشون روس و انگلسی پيايتخت صفويه و داریوش رسیده و خائنين و ملت نجيب ايران زیر بار اطاعت آنها رفته است .) سپس مینویسد : در اين حال تکلیف ماست که باز بیکار نمانيم و اگر از دور هم باشد برای بيدار ساختن و برانگیختن هموطنان خود فریاد زنیم و برای همراهی با اردوی جهاد ملی استغاثه نماييم . همین است مقصد اين روزنامه کوچک که صدای ضعیف خود را در میان غلغله عالم گیر از دارالسلطنه برلین میخواهد بگوش ایرانیان برساند (بعد مینویسد که انگلسی و روس بايران رحم نمی کنند و استقلال آنرا معترم نیشمارند و وظیفه ایرانیان است که انتقام از اين دو دشمن گرفته و استقلال ايران را باز گردانند . انگاه از مظالم روسها در شمال و آذربایجان و اینکه چقدر از بزرگان ايران را بدار آویخته و هم چنین انگلسیها اطراف خلیج فارس را باسارت در آورده شرح داده تا میرسد باینکه ..)

باین امید که بتوانیم صدائی بصدای اولاد بيدار ايران که در هر گوشه که هستند اهميت موقع امروز را ملتفت شده و فریاد میزنند بدهیم بنشر اين ورقه مبادرت کردیم و اسم آنرا تيمناً کاوه گذاشتيم . بدبختانه فریدونی در ايران پیدا نشد و قیام ايران برضد دشمنان کار خود ملت است و بس خائنين بزرگ اربناء خانواده سلطنتی بر میخیزند لهذا ما نیز رمز رسم و راه خود را کاوه آهنگر قرار دادیم و با توسل باین اسم مبارک ايران پاک و مقدس ، ايران نامدار و نجيب را مخاطب ساخته با تمام قوت روح و قلب خود فریاد میونیم : برخیز ای کشور نامور بلند اختر ۴۰۰۰۰

قيمت اشتراك كاوه در دوره قدیم سالیانه در ايران يك تومان و در سایر ممالک پنج فرانك و عنوان مراسلات که بألمانی نوشته شده بدینقسم است : (روز نامه كاوه - برلین - شارلو تنبورك - لیبینز - ۶۴) نکته شایان توجه این است که در روزنامه كاوه اسی از مدیر و صاحب امتیاز و مدیر مسؤل نیست و همه جا در ذیل مقالات كاوه امضاء شده است . ولی در خارج میدانیم که مدیر روزنامه آقای تقي راده است . محل طبع روزنامه مطبعه كاویانی واقع در برلین است .

دوره جدید كاوه - این دوره که ارغره جمادی الاولی ۱۳۳۸ قمری شروع

گردیده روزنامه كاوه ، برخلاف دوره قدیم که غیر منظم و بی ترتیب منتشر میشده کاملاً مرتب و ماهیانه يك شماره در ۱۲ و بعداً در ۱۶ صفحه بزرگ طبع و انتشار یافته است . راجع بمبیزات این دوره برون شرح جامع و مفصلی در جلد سوم کتاب تاریخ ادبیات ایران ذکر کرده که ترجمه آنرا بنقل از صفحات ۳۱۸ و ۳۱۹ ترجمه آقای رشید یاسمی . نقل مینمایم : « در ۲۲ جانوری ۱۹۲۰ میلادی نخستین شماره دوره جدید كاوه از طبع خارج شد این بار بکلی از سیاست صرفنظر کرد و توجه خود را به ادبیات و علوم معطوف داشت اما در طرز تدوین و سبک تحریر و حسن طبع میزان عالی سابق را از دست نداد . این دفعه جریده كاوه ماهی یکبار انتشار می یافت و دو سال دیگر دوام کرد آخرین شماره « نمره ۱۲ » در تاریخ اول دسامبر ۱۹۲۱ چاپ شد و تقریباً دارای ۳۳ صفحه بزرگ دستونی بود . بغير از این قسمت درجای دیگر شرحی تحت عنوان « مقام ارجمند دوره جدید كاوه در ادب و انتقاد » آورده است .

شماره اول دوره جدید که دارای شماره مسلسل ۳۶ است در تاریخ غره جمادی الاخره ۱۳۳۸ قمری مطابق ۲۲ ژانویه ۱۹۲۰ میلادی منتشر گردیده و سرمقاله این شماره تحت عنوان « دوره جدید » بدینقرار است : « مقصود از دوره جدید تغییر اساسی است که در تاریخ روزنامه كاوه حادث میشود . روزنامه كاوه در زمان جنك پیدا شد روزنامه كاوه زائیده جنك بود و لهذا روش این روزنامه نیز با موقع متناسب بود و حالا که جنك ختم شده و صلح بین الملل در رسید كاوه نیز دوره جنگی خود را ختم شده میداند و يك دوره صلح شروع میکند و لهذا اساس و خط روش تازمانی که از اول سال ۱۹۲۰ میلادی مطابق با ۹ ربیع الثانی ۱۳۳۸ كاوه جدید پیش میگردد نسبتی با كاوه سابق ندارد و در واقع روز نامه تازه میشود که مندرجات آن بیشتر مقالات علمی و ادبی و تاریخی خواهد بود و مسلک و مقصدش بیشتر از هر چیز ترویج تمدن اروپائی است در ایران ، جهاد برضد تعصب - .. » در پایان این مقاله مینویسد از این سال مسؤلیت اداره و هم چنین مندرجات روز نامه رسماً با سید حسن تقی زاده است . از همین شماره اول تحت عنوان مشاهیر شعرای ایران ، شرح حال فردوسی ذکر گردیده است .

سال دوم دوره جدید كاوه در تاریخ ۵ شهریور ماه قدیم ۱۲۹۰ یزدگردی و غره جمادی الاولی ۱۳۳۹ قمری و ۱۱ ژانویه فرنگی ۱۹۲۱ میلادی شروع گردیده و اولین شماره آن دارای دیباچه ایست بعنوان « دیباچه سال دوم كاوه دوره جدید » و باین قسمت شروع میگردد : « با این شماره سال دوم روزنامه كاوه شروع میشود و ما خوشوقتیم که بهمت اشخاص علم دوست ایرانی با وجود صعوبت و سایل مرارده پستی بار روزنامه كاوه در ایران و سایر ممالک مشرق زمین انتشار لازم یافت و سال خود را بی پایان رسانید . مقصود از انتشار لازم آنستکه اغلب مردم اسم این روز نامه را شنیدند - یا نمونه آنرا دیدند و رنه دایره انتشار آن هنوز هم بآن وسعت نرسیده که عایدات کافی اداره آن بشود . از همت دوستان علم و معرفت امیدواریم که : مسال

وسعت انتشار کاوه بعد مطلوب برسد .

در سال دوم دوره جدید روزنامه کاوه مزایای دیگری نیز پیدا کرده از قبیل اینکه تعداد صفحات آن از ۱۲ به ۱۶ ترقی نموده و نیز در هر چهار ماه یکمرتبه جزوه « تاریخ روابط روس و ایران » مستقلاً در ۱۶ صفحه چاپ شده و با شماره های ۴ و ۸ و ۱۲ روزنامه بیشتر کین داده شده است . و نیز بواسطه ترقی قیمت کاغذ و طبع وجه آبونه در آلمان صد مارك و شش ماهه ۶۰ مارك و در ایران سالیانه سه تومان و نیم و ششماهه دو تومان ترقی کرده و در سایر ممالک سالیانه بهمان قرار سابق يك لیره انگلیسی معین شده است . برون در کتاب تاریخ ادبیات ایران در باره سال دوم دوره جدید کاوه تحت عنوان « سال آخر کاوه ۱۹۲۱ » اینطور مینویسد : « کاوه در سال اخیر هم دارای همان مقالات عالی بود و در تاریخ و ادبیات مطالب سودمندی انتشار میداد که با تحقیقات مستشرقین اروپائی پهلو می‌زد . يك سلسله مقاله مهم تاریخی بعنوان « روابط ایران و روس در زمان آق قویونلو و سلسله صفویه تا اول سلطنت آغا محمد خان قاجار » بقلم سید محمد علی جمال زاده هر ماهه بطور ضمیمه کاوه منتشر میشد و نشان میداد که مؤلف کلیه منابع صحیحه شرق و غرب را از نظر گذرانیده و در آنها قضاوت کرده است . قطع شدن جریده کاوه بعد از دسامبر ۱۹۲۱ لطمه بزرگی بفن ایران شناسی وارد ساخت . « روزنامه کاوه یکی از بهترین روزنامه هائی است که تا کنون بزبان فارسی منتشر شده و از حیث مطلب و مندرجات و از جهت چاپ و کاغذ در بین مطبوعات فارسی کمتر نظیر داشته است . هما قسم که یادآور شدیم مدیریت کاوه بعهده آقای سید حسن تقی زاده بوده ولی تنظیم و تموین مقالات آن بعهده دانشمندانی بوده که در خارج ایران در آلمان مجتمع بوده اند . ذیلا شرح حال آقای تقی زاده مدیر کاوه را ذکر مینمایم :

سید حسن تقی زاده — آقای تقی زاده از دانشمندان و سیاستمداران بنام ایران بشمار میرود و لذا شرح احوال ایشان بتفصیل در اغلب جراید و مجلات داخلی و خارجی چاپ و منتشر شده و ما در اینجا برای ناقص نبودن کتاب و اینکه حسبالمعمول شرح حال مدیران جراید را ضبط می‌کنیم بذکر شرح حال ایشان مبادرت می‌شود . شرح زیر از مجله « شفق مطبوعات » که یکی از همشهریان آقای تقی زاده چاپ نموده نقل می‌گردد . در عنوان این شرح یاد آور می‌گردد که شرح مذکور تلخیص از کتاب « تاریخ رندگانی تقی زاده » می‌باشد .

« آقای سید حسن تقی زاده در سال ۱۲۹۶ هجری قمری در يك خانواده روحانی متولد گردید وی مطالعات کلاسیک خود را از کتابخانه محمد علیخان تربیت شروع کرد . آقای تقی زاده در نتیجه آشنائی با اشخاصی که برای مطالعه در کتابخانه مزبور جمع میشدند در انتشار مجله گنجینه فنون (۱۳۲۰ هجری قمری ، ژانویه ۱۹۰۳) شرکت کرد و دو سال قبل از صدور فرمان مشروطیت بمصر رفت . از موقع انتخابات مجلس اول آقای تقی زاده در طهران بود و چون انتخابات مجلس اول صنفی بود وی از طرف

تجار با چهل و یک رای بنماینده‌گی مجلس انتخاب شد. آقای تقی زاده در مجلس اول ارمبرز ترین و کلای ایران و در نتیجه مخالفت با محمد علی‌شاه قاجار باسلامبول تبعید شد ولی هنگامیکه تبریز بر علیه محمد علی شاه قیام کرد برای کمک بشروطه‌خواهان تبریز بازگشت پس از شکست محمد علی شاه و خاتمه یافتن استبداد صغیر انتخابات عمومی شروع شد آقای تقی زاده هم از تبریز و هم از تهران بوکالت انتخاب شد، وی وکالت تبریز را قبول کرده وکالت تهران را رد نمود.

نمایندگان مجلس دوم پس از اشغال آذربایجان بوسیله روسهای تزاری، بدو دسته منقسم شدند، دسته اول بنام اعتدالی «معاظه کار» دسته دوم بنام دمکرات، آقای تقی زاده لیدر دسته دمکرات بود پس از کشته شدن بهبهانی که از مخالفین دمکراتها بود تقی زاده مجبور بترك تهران شد و از راه گیلان و تبریز باسلامبولرفت وی در اسلامبول مجلسی بنام جمعیت نشر معارف تشکیل داد تامهاجرین ایرانی توسط این مجلس با دنیای جدید آشنا شوند. آقای تقی زاده پس از چند ماه از اسلامبول بامریکا رفت، در انتخابات مجلس سوم بنماینده‌گی مجلس انتخاب شد او بایران نیامد و در مجلس شرکت نکرد ولی هنگامیکه جنگ اول جهانی شروع شد برای استفاده از وضع بین‌المللی در حفظ استقلال ایران بکشور خود بازگشت. پس از تشکیل متحدین در اروپا آقای تقی زاده وعده از دموکراتها بآلمان رفتند. در برلین تقی زاده در رأس ایرانیان مقیم آلمان قرار گرفت و رور نامه کاوه را بیاد کاوه آ هنگر منتشر ساخت. آقای تقی زاده در کنفرانس صلح استکهلم پایتخت سوئد که از سران سوسیالیست های دنیا تشکیل شده بود شرکت کرد و بنام کارگران ایران سخن راند پس از پایان جنگ بین‌الملل اول بنماینده‌گی ایران بادولت شوروی يك عهد نامه تجارتي منقد ساخت آقای تقی زاده قبل از کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ شمسی بنماینده‌گی مجلس چهارم انتخاب شد ولی بایران باز نگشت. در انتخابات دوره پنجم تقی زاده از تهران بنماینده‌گی مجلس پنجم انتخاب شد و پس از مراجعت بتهران در مجلس شرکت کرد. پس از قتل عشقی مدیر روزنامه مصلحت آقای تقی زاده بی‌باکانه در مقابل سردار سپه فدا فراشت و باتقییر سلطنت جداً مخالفت کرد او میگفت تغییر سلطنت مستلزم تغییر قانون اساسی است بنا بر این حاضر نبود سند بردگی ملت ایران را امضا کند. در کابینه مستوفی‌الممالک که پس ارسقوط کابینه فروغی (۱۵ خرداد ۱۳۰۵) تشکیل شده بود سمت وزارت امور خارجه را داشت ولی او بلافاصله در اولین جلسه کابینه جدید استعفا داد. وی پس از چندی از طرف اهالی طهران بنماینده‌گی مجلس ششم انتخاب شد و در تاریخ ۱۴ تیر ماه ۱۳۰۵ بریاست غرفه ایران درنمایشگاه بین‌المللی فیلادلفی «امریکا» تعیین شد و بامریکا حرکت کرد. آقای تقی زاده در سال ۱۳۰۷ والی خراسان شد و در تیرماه ۱۳۰۸ بو زیر مختاری ایران در لندن انتخاب شد ولی پس از چند ماه بایران احضار شد و در ۲۸ فروردینماه ۱۳۰۸ بو وزارت راه منصوب گردید و در ۱۴ مرداد ۱۳۰۹ با داشتن کفالت وزارت راه بو وزارت مایه منصوب شد و چندی بعد فقط عهده دار وزارت

مالیه گردید رضا شاه درمقابل خدمات گرانبهایی که تقی زاده در وزارت مالیه انجام داده بود او را ارکار معزول کرد و بداور دستور داد که پرونده برای متهم کردن تقی زاده تنظیم نماید ولی خوشبختانه عملی نشد . سپس تقی زاده بسمت وزیر مختار ایران درپاریس منصوب گردید و پس از آنکه وارد پاریس گردید طو لی نکشید که معزول شد و در عهد رضا شاه دیگر شغلی بوی محول نشد ، وی بانگلستان رفت و در آنجا مشغول تدریس و تألیف شد تا سوم شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد و او بسمت وزیر مختار ایران درلندن منصوب گردید .

درحال تحریر این شرح آقای تقی زاده مدت دو سال است که بریاست مجلس سنای ایران انتخاب شده و در این مقام بکشور خود مشغول خدمت میباشد . آقای تقی زاده علاوه بر فعالیتهای سیاسی ، فعالیتهای علمی و ادبی نیز داشته و بغیر از مقالات روزنامه کاوه درمجلات و جراید دیگر نیز مقالاتی نوشته وهم چنین کتابی بنام از پرویز تا چنگیز تألیف و منتشر نموده است .

چاپخانه کویانی - روزنامه کاوه درچاپخانه کویانی واقع در برلین چاپ میشده و این چاپخانه را میرزا عبدالشکور وسایر ایرانیانیکه در برلن اقامت داشته محض تسهیل طبع کتب فارسی واهتمام درصحت و پاکیزگی مطبوعات ایرانی چاپخانه کویانی را تأسیس نمودند . برون در کتاب تاریخ ادبیات ایران جلد سوم صفحه ۳۴۴ درباره این شرکت مینویسد : « مدیران این شرکت علاوه برطبع نمایشهای جدید و رسالاتی راجع بموسیقی وفلاحت وغیره یا تجدید طبع کتب قدیم مثل گلستان سعدی وموش وگر به عبید زاکانی باین فکر افتادند که نسخ نادره نویسدگان بزرگ قدیم را بدست آورده چاپ کنند مثلاً رادالمسافرین ناصر خسرو واکنون که نوامبر ۱۹۳۳ است مشغول چاپ وجه الدین هستند .» اسامی بعضی از رسائلیکه باعانت و کمک صاحبان همت ویا بخرج خود آنها درمطبعه کویانی چاپ شده بدینقرار است : ۱ قابوس وشمگیر زیاری ۲ جیجک علیشاه یا اوضاع دربار ایران درعهد فاجاریه ۳ رستم و سهراب ۴ - سلسله النسب صفویه ۵ - معارف در عثمانی ۶ هفتاد و دو ملت ۷ - شرح حال شیخ محمد خیابانی ۸ - شرح حال سید جمال الدین اسد آبادی .

(۹۱۸) کنخوا

کنخوا بمعنای کوکب و مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان (ص ۴۱۲) راجع باین روزنامه مینویسد : « روزنامه نیم ماهه منتشر در رضائیه در زبان کادانی بدیربت (رابی بوخن موسی) در ۳۶ - ۱۹۰۶ . هیئت تحریریه آن هنت نفر است » برون نیز در کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۲۶ مفاد شرح مذکور را بدینقسم نوشته است : روزنامه سیاسی کنخوا بزبان کلدۀ در شهر ارومیه در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده ومدیر آن « موسی بوخنا » است .

(۹۱۹) کردار

رورنامه کردار در سال ۱۳۰۰ شمسی در طهران تأسیس و هفته‌تربار منتشر شده است.

(۹۲۰) کرمان

هماقسم که در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران در ذیل جریده کرمان یاد آور شده ایم از شماره ۱۲ جریده کرمان تغییر اسم پیدا کرده و بنام (کرمان) منتشر شده است و بنا بر این روزنامه کرمان دنباله همان جریده کرمان است که از آن بتفصیل گفتگو کرده ایم و در اینجا بذکر خصوصیات روزنامه کرمان میپردازیم. شماره اول روزنامه کرمان بدون اینکه ذکری از حذف کلمه جریده از نام روزنامه بیان آورد در هشت صفحه بقطع وزیری با چاپ سر بی بدیری (میرزاغلامحسین کرمانی) در شهر کرمان تأسیس و در تاریخ ۱۷ شعبان المعظم ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. محل اداره روزنامه: کرمان. جنب اداره بلدیه و طرز انتشار آن ماهی سه نمره معین شده. قیمت اشتراک یکساله کرمان ۲۰ قران و ولایات داخله ۲۴ قران ششماه ۱۲ قران و ۱۵ قران. تکنمره شش شاهی. قیمت اعلانات سطری دهشاهی بشاگردان مدارس ده دو تخفیف داده میشود. در زیر اسم روزنامه، بسم الله الرحمن الرحیم، چاپ شده و در زیر عنوان روزنامه این سطر درج شده است: «جریده‌ایست سیاسی اسلامی اخباری با مسلك مستقیم مقالا تیکه مطابق مسلك ماست اداره در درجش آزاد و با عدم درج رد نمیشود.»

سرمقاله شماره اول روزنامه کرمان بعنوان «قابل توجه عموم اهالی آسیا» و بدینقسم شروع میشود: متغلبین مآل اندیش دول اروپ و دسیسه کاران عاقبت بین ممالک مغرب یعنی همان مدعیان تمدن که باسم حمایت نوع انسان و آسایش فرزندان صفحه کره ارض را نطع قربانگاه و میدان قتلگاه بنی البشر قرار داده اند.....» غیر از سرمقاله مذکور چند تلگراف از انجمنهای ایالتی و مجلس شورایی و غیره چاپ شده است. شماره دوم کرمان که نمره مسلسل ۱۳ را دارد در سلخ شعبان ۱۳۲۹ منتشر شده و بالای اسم روز نامه سال ۱۳۲۹ که سال تأسیس رورنامه میباشد قید گردیده است.

از شماره ۱۸ مطالب انتقادی در پاورقی روزنامه چاپ شده و این مطالب تحت عنوان (مقاله دوم از رؤیای صادقه در شرح و بیان حال مستخدمین و استنطاق حاجی ریخته‌گر) میباشد. مقاله مذکور باین شعر شروع میگردد: (من گنگ خواب دیده و عالم تمام گریه من عاجزم رگفتن و خلق از شنیدنش.) از شماره ۲۲ جغرافیای کرمان بعنوان پاورقی چاپ شده پاورقی مذکور بدینقسم شروع میشود: «کرمان بفتح یا بکسر کاف ایالتی است از ولایات اربعه ایران که منقسم میشود بولایات حدود ایالت از طرف شمال بکویر نوت که فاصله است مابین کرمان و خراسان متصل میشود...»

درباره مذهب کرمانیان بنقل از شماره ۲۲ از جغرافیای کرمان مینویسد: «مذهب شان عموماً شیعه اثنی عشری و متشرعه مقلد علمای اصولی جماعتی هم شیخی از شعبه حاج محمد کریم خان گروهی متصوفه از نعمت اللهی و قلیلی اسما عیلی معتقد آقایان محلاتی و معدودی بهائی و ازلی و سنی در بلوچستان و زردشتی که طایفه قدیم ایران هستند و آنها را کبر گویند و یهودی که محله مخصوصی دارند ...» از روزنامه کرمان نگارنده تا شماره ۱۱ سال سیم مورخ ۶ محرم‌العرام مطابق با ۲۲ برج عقرب توشقان نیل ۱۳۳۴ قمری در دست دارم. این شماره در چهار صفحه و با چاپ سنگی (مطبوعه کرمان) طبع و مندرجات آن پس از درج سرمقاله عبارت از اخبار محلی کرمان و توابع و تلکرافات متظلمین و قسمتی از اخبار جنک بین‌الملل میباشد.

(۹۲۱) کرمانشاه

روزنامه هفتگی کرمانشاه در شهر کرمانشاه بدیری (فصیح المتکلمین) تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. شماره اول روزنامه کرمانشاه در تاریخ سوم ذی‌قعدة ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته و پس از سه ماه که غیر مرتب این روزنامه نشر شده توقیف گردیده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۲۶) مینویسد من نمره ۱۱ کرمانشاه را دارم. این نمره در چهار صفحه بقطع ۱۲ در ۸ و یک چهارم طبع شده و در تاریخ هفتم ذی‌حجه ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. وجه اشتراك سالیانه روزنامه در کرمانشاه ۱۲ قران، در سایر شهرها ۱۵ قران و در خارج ایران ۸ فرانک. روزنامه کرمانشاه بار دیگر دز شهر کرمانشاه بدیر مسئول و نگارندگی آقای (فرج‌الله کویانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر گردیده و شماره اول این دوره در آبان‌ماه سال مذکور بوده است. در عنوان روزنامه در این دوره نوشته است: «موسسه مرحوم میرزا احمد خان وزیر و مرحوم فصیح‌المتکلمین. مدیر و نگارنده مسئول: ف. کویانی». روزنامه کرمانشاه در این دوره نیز پس از مدتی که از انتشار آن گذشته تعطیل و مجدداً در سال ۱۳۰۹ شمسی بدیری آقای فرج‌الله کویانی پادبایره انتشار گذاشته است در این دوره که در حقیقت دوره سوم روزنامه کرمانشاه است در زیر اسم روزنامه جمله (عصر پهلوی) و (بادگار ۹ آبان ۱۳۰۴) چاپ شده. و نیز در عنوان روزنامه در هر شماره در یکطرف اسم روزنامه این شعر: (فرشته خروشد بیانک قوی - که گیتی بود کشور پهلوی) و در یکطرف دیگر: (ورا فر دور جوانی دهد - برو رونق باستانی دهد). درج گردیده است. کرمانشاه (نامه ملی آزاد کرمانشاه) معرفی شده و در بازه مرام آن مینویسد: (روزنامه ایست که فقط وظیفه روزنامه نگاری را انجام میدهد).

شماره ۹۶ سال هفتم کرمانشاه که دارای شماره مسلسل ۳۲۶ است در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبوعه سربی (شرافت احمدی کرمانشاه) طبع و در تاریخ سه شنبه ۲۴ آبان ۱۳۱۱ مطابق ۱۵ رجب ۱۳۵۱ قمری و ۱۵ نوامبر ۱۹۳۲ میلادی

توزیع شده است. محل اداره روزنامه: مطبعه شرافت احمدی. وجه اشتراك: کرمانشاه ۸۰ ریال. خارجه بلاوه اجرت پست. از محصلین و کارگر و زارع ۵۰ ریال گرفته میشود. تک نمره شش شاهی. تعیین قیمت اعلانات با دفتر اداره است. مند رجات روزنامه مانند سایر جراید محلی عبارت از اخبار محلی و مقالات و ترجمه های مختلف و خلاصه ای از اخبار داخله و خارجه و صفحه سوم و چهارم آن نیز مشتمل بر آگهی های بیتی و غیر بیتی است.

(۹۲۲) کرنا

روزنامه کرنا در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (رضا - مینو) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ شنبه دهم رجب ۱۳۴۲ مطابق ۲۷ دلو ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. روزنامه کرنا معمولاً در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط با چاپ سربی (مطبعه سعادت) چاپ و توزیع شده و سرمقاله شماره اول آن که بعنوان (مرام ما) نوشته شده بدیقتم شروع میگردد: « در این موقع که قهر ادبی ما بسرحد کمال رسیده و حتی به تصدیق مظلمین از ایام فترت عرب و مغول هم ناچیز تر شده است... مایک قسمت از روزنامه خود را! بادیات و لطایف علمی - اخلاقی - فکاهی اختصاص خواهیم داد. » پس از سرمقاله مذکور، مقاله دیگری بعنوان (مجلس پنجم) درج شده است.

محل اداره کرنا: طهران. خیابان طلاه الدوله. عنوان تلگرافی: نامه کرنا. وجه اشتراك آن طهران سالیانه ۵۰ قران، ششماهه ۳۰ قران. ولایات ۶۰ قران و ۳۵ قران. تک شماره شش شاهی. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و در زیر اسم روزنامه پس از درج سال تأسیس (۱۳۴۲) نوشته است (هفته يك شماره طبع و نشر میشود) از روزنامه کرنا فعلاً تا شماره سوم مورخ پنجشنبه ۱۴ شهر ذیحجه ۱۳۴۲ مطابق ۲۶ سرطان ۱۳۰۲ در دست است.

(۹۲۳) کشاورز

روزنامه کشاورز در طهران بدبیری و صاحب امتیاری (سلیم ایزدی) تأسیس و در سال ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است. شماره سوم سال اول روزنامه کشاورز در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (بوسفور) طبع و در تاریخ اول برج عقرب مطابق سوم ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری منتشر گردیده است. روزنامه کشاورز دارای سرلوحه بزرگ است که در آن مناظر مختلف کشاورزی و آلات و ادوات آن نشان داده شده و اسم روزنامه (کشاورز) بخط نستعلیق روی آن نوشته شده و در بالای آن این شعر: (دهقان سالخورده چو خوشگفت بایسر: کی نورچشم من بجز از کشته ندروی) بعنوان شعار چاپ شده است.

و نیز در عنوان روزنامه کشاورز اینطور معرفی شده: « روزنامه ایست فلاحتی علمی، قنی، اقتصادی. مقصد کلی آن توسعه امر فلاحت و تحریک حس اشخاص بصنعت

کشاورزی و تشویق زارعین بتکمیل عمل زراعت « درحقیقت مندرجات روزنامه از این قبیل مطالب و مخصوصاً مطالب راجع بکشاورزی خارج نیست چنانچه سرمقاله شماره سوم تحت عنوان (زارع و سرباز) و بقیه مطالب آن نیز مربوط بکشاورزی (جنگل و فواید آن) و خالصه جات دولتی است. طرز انتشار روزنامه هفتگی است. محل اداره: خیابان لاله زار. کوچه حاجی باقر. قیمت روزنامه سالیانه ۴۰ قران. شش- ماهه ۲۵ قران. قیمت روزنامه در چهار قسمت متساوی در اول هر سه ماه يك ربع دریافت خواهد شد. برای طبقه زارع نصف قیمت تخفیف داده میشود. تك شماره ۷ شاهی. قیمت اعلانات بادفتر اداره است.

(۹۲۴) کشتکول

روزنامه کشتکول در طهران بدیری (مجدالاسلام کرمانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع و زیری با چاپ سنگی طبع و در تاریخ شنبه پانزدهم شهر صفر المظفر ۱۳۲۵ قمری مطابق ۳۰ مارس ۱۹۰۷ میلادی منتشر گردیده است. در این شماره پس از درج مقاله افتتاحی که ذیلا نقل مینمائیم، بقیه صفحات آن مشتمل بر چند کاریکاتور است و منجمله صفحه ۴ آن مشتمل بر کاریکاتور بانك ملی و هجوم مردم در بانك برای گذاشتن پول در آنجا میباشد. در این کاریکاتور از زبان هر کسی مطلبی نوشته یکی میگوید (هرچه داشتم دادم آسوده شده نه از دزد میترسم نه از مدعی) دیگری میگوید: (داداش بگذار ما برویم پولمان را بدهیم راحت شویم) ثالثی میگوید: (جائیکه وقت پول دادن آتقدر شلوغ باشد آیا وقتی که بغواهم بگیریم چه خبر خواهد بود). کاریکاتور صفحه سوم مربوط به (شرکت عمومی) است که مردم را از مقابل آن دور میکند و میگوید (پولتان را بگیرید ولم کنید) ولی آنها جواب میدهند: (خیر اینطور نیست ما پول داده راه ساخته ایم که نایامت فایده ببریم). در نیسی از صفحه دوم تصویر دو نفر که مشغول مذاکره اند چاپ شده یکی میگوید: (بانك ملی دایر شده پول لازم دارد) دومی جواب میدهد: (ما که هرچه داشتیم بشرکت عمومی دادیم رندان خوردند) امضای (حسینعلی) که ترسیم کننده کاریکاتور هاست در صفحه چهارم چاپ شده است. تمام صفحات چهارم روزنامه و در بعضی از شماره ها صفحات سوم و دوم روزنامه مشتمل بر کاریکاتور است و از این جهت در عنوان روزنامه نوشته است که هر يك از دانشندان که صور موهوم خنده آمیز عبرت انگیزی که بکسی بر نخورد طرح نموده با اداره بفرستد درج و ترسیم خواهد شد.

مقاله افتتاحی روزنامه که تا اندازه خواننده را بسلك و مرام روزنامه آشنایی سازد بدینقرار است: « بنام خداوند بخشنده مهربان عقلای عالم بعد از هزار سال فکر و تأمل از برای تهذیب اخلاق ملت و اشاعه تمدن و تربیت در اصقاع مملکت بالاخره اتفاق کرده اند که بهترین وسائل این است که اعمال زشت آنها را مجسم نموده

بمردم نشان بدهند تا ازدیدن آنها عبرت بگیرند بکارهای نیک پردازند و براه ناستوده نروند. برای تجسم اعمال دو وسیله سهل و ساده بدست آورده اند آن دو وسیله یکی تیآتر است که درحقیقت غرضش ارتشکیل همان تجسم اعمال است و نواختن موزیک و رقص برای ازدیاد رغبت مردم است بتماشا و دیگری ساختن صورموهومه خیالی موسوم (بکاریکاتور) درروز نامها بعموم مردم نشان دادن و چون تشکیل و تربیت مجلس تیآتر و بازیگر خانه منافی آئین دین مبین حضرت سیدالمرسلین است لهذا بر ماست که آن وسیله اولی را ترك گفته وسیله دومرا پذیرفته باشیم .

سابقاً هم روزنامه مبارکه ادب که یکچند بنده بتحریر آن مفتخر بود و اینک خود صاحب امتیاز و مؤسس آن جناب استاد اجل آفای ادیب‌الممالک - ما قریب دا یر خواهند فرمود و عالم مطبوعات را آب و رنگی تازه و هیكل معارف را جلوه و رونق بی اندازه خواهد بخشود يك صفحه کاریکاتور که ضمیمه داشت و ما خیال میکردیم چندان محل توجه دانشمندان نبوده است ولی این اوقات اطراف و اکناف مملکت جداً ما را ترغیب باحداث و ترسیم و ترتیب آن فرموده اند ما هم این موقع را که از توجهات ذات مقدس اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ترقی خواه و ازبرکت مجلس مقدس شورایلی بیان و بنان دانشمندان بخلعت مهر طلعت آزادی مفتخر شده است و هرکس آنچه راجع بخیر دولت و ملت میدانند میتوانند بنویسد و بگوید و عموم مردم میخزند و میخوانند مفتنم دانسته شروع باین مشروع نمودیم و چون احتمال دادیم بسیاری مردم باین روزنامه تنها راغب باشند نخواستیم آنها را مجبور بقبول اشتراك (ندای وطن) نمائیم و هکذا اشخاصی هستند که فقط ندای وطن را میخواهند مجبوراً این روزنامه را هفتگی قرار دادیم و قیمت اشتراك آنرا هم با آنکه مخارج زیاد از بابت ترسیم و طبع برمیدارد ارزان و مناسب قرار دادیم يك نسخه را هم تقریباً بهمان قیمت که تمام میشود با جزئی ملاحظه مخارج مورع و حق العمل فروشنده درسه شاهی نرخ گذاردیم و امیدواریم از این جهت هم بتوانیم خدمتی بملت و کمکی بتمدن مملکت بنمائیم بتوفیق باری تعالی .

این بود مقاله افتتاحی روزنامه کشکول . آنچه از این مقاله مستفاد میشود اینستکه روزنامه ندای وطن که مدیری آن بامجدالاسلام کرمانی بوده چون کاریکاتور نداشته ، برای ترسیم کاریکاتور ، روزنامه کشکول تاسیس گردیده و قیمت آن جدا گانه است . درعنوان روزنامه (کشکولی) رسم شده و بدیواره آن نوشته است : (همه چیز دارد) و درریر آن اسم روزنامه درج است . درزیر عنوان در ضمن دو سطر روزنامه کشکول بدینقسم معرفی شده است . « این روزنامه ازقید رسمیت و صحت و مسئولیت بکلی خارج است ابداً باشخص خاصی طرف نیست و غرضش برانداختن عادات زشت بربریت و مجری ساختن رسوم تمدن و تربیت است هر يك از دانشمندان که صور موهوم خنده آمیز عبرت انگیزی که بکسی برنخورد طرح نموده باداره بفرستند درج و ترسیم خواهد شد . »

اداره روزنامه کشکول : طهران . اداره روزنامه ندای وطن است . آ بو نه اشتراك سالیانه طهران هفت قران ، در سایر ولایات داخله یکتومان . فرنگستان پنج فرانك . قفقاز و روسیه سه منات ، هندوستان چهار روپیه . قیمت يك نسخه سه‌شاهی هماغسم که یادآور شدیم بیشتر اهمیت روزنامه کشکول برای کاریکاتور آنست و در صفحه اول آن مقالات مختلف و گاهی اشعاری چاپ شده است . اخبار داخله و خارجه بطور اختصار در آن درج گردیده . چون روزنامه کاریکاتور داشته لذا با چاپ سنگی طبع شده و در هر شماره جمله (سلاله السادات آقا سید مرتضی بسمی و اهتمام آقا میرا حسن و میرزا عباسخان انطباع پذیرفت) چاپ شده است . ترسیم کاریکاتور روزنامه بعهدہ (میرزا علی) نامی بوده که امضای او در بیشتر شماره ها دیده می شود . روزنامه کشکول بخط (مرتضی نجم آبادی) است و (کتبه‌العبد مرتضی النجم آبادی) در بعضی از صفحات چاپ شده است . نویسندگان کشکول بغیر از مدیر آن مرحوم مجدالاسلام کرمانی ، آقای (ضیاء لشکر) است که از شماره ۱۹ اشعاری بنام (اشعار وطنیه ضیاء لشکر) سروده و درج گردیده . چند شعر از اشعار وطنیه بدین قرار است :

ما مملکتی خراب داریم ✽ بنیان بقا بر آب داریم ✽ از کرده شیخ و گفته ناب
افسانه شیخ و باب داریم ✽ از نغمه شیخ و شورش شب ✽ هنگامه شیخ و شب داریم
در هر بلدی با نتخابی ✽ غوغای بی انتخاب داریم ✽ در هر گذری هزار مثنوی
داش و بز و غراب داریم ✽ لوطی سبیل چاخماقی ✽ با حربیه و پیشتاب داریم
در شماره های ۲۱ و ۲۲ نیز اشعار و قصایدی از جناب ضیاء لشکر چاپ شده و نیز
از شماره ۲۸ مقالات نثری از مشار الیه درج گردیده است . در شماره ۲۵ سال
اول مورخ نهم شوال ۱۳۲۵ قمری قطعه راجع بمعاهده روس و انگلیس اثر طبع
جلال‌الممالک چاپ شده که چند شعر اول قطعه چنین است :

گفتند که انگلیس باروس بعهدی بسته است تازه امسال ✽ تا در پلٹیک هم در ایران
زین پس نکنند هیچ اخلاص ✽ افسوس که کافیان این ملک ✽ بنشسته غافلند از این حال
کز صلح میان گربه و موش ✽ ویران گردد دکان بقال
در شماره ۳۴ قصیده ای از آقای آقا میرزا سید عبدالله خان مستوفی درج شده
که باین شعر شروع می شود :

غرض زانجمن و اجتماع جمع قوا است چرا که قطره چو شد متصل بهم دریاست
ر قطره هیچ نیاید ولی چو دریا گشت هر آنچه نفع تصور کنی در او گنجاست
آخرین شماره سال اول کشکول شماره چهارم است که در تاریخ سه شنبه ۱۱ شهر
ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری منتشر شده و شماره اخیر نیز مانند شماره اول صفحات سوم
و دوم مشتمل بر کاریکاتور است و این کاریکاتور وسیله باربری را در ایران و اروپا
(خط آهن در اروپا و شتر در ایران) نشان میدهد .

(۹۲۵) کشکول

روزنامه کشکول در اصفهان بمدیری و صاحب امتیازی (مجدالاسلام کرمانی) مدیر روزنامه ندای وطن تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. روزنامه کشکول منتشره در اصفهان دنباله کشکول تهران میباشد و پس از حوادث طهران و توقیف جراید و فرار آزادیخواهان که در نتیجه بمباران مجلس و استبداد صغیر پیش آمد، مجدالاسلام باصفهان آمده و روزنامه کشکول را در این شهر دایر کرده است و بنا بر این کشکول چاپ اصفهان سال دوم روزنامه است.

شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی که صفحه چهارم آن مشتمل بر کاریکاتور میباشد طبع و در تاریخ یوم شنبه ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. مقاله افتتاحی این شماره بعنوان (مقدمه) نوشته شده و در آن علت انتقال روزنامه باصفهان و طرز توزیع آن شرح داده شده و ما برای مزید اطلاع عین آنرا نقل مینمائیم: «مقدمه - ایام هجر را گذرانندیم و زنده ایم ✽ ما را بسخت جانی خود این گمان نبود. بر واقفان رموز سیاست و عالمان فن تاریخ بخوبی مکشوف است که هیچوقت تاریخ ایران باهویت این دوره نبوده و حوادثی که در این سه ساله در این مملکت پیش آمده که در ظرف چهار هزار دوره عمرانی ایران از عهد کیومرث که مبدأ تاریخ ایرانیان است ابداً نظائر آنها دیده نشده است مخصوصاً در این ده ماه تعطیل مجلس مقدس شورای ملی بقدری حوادث جسیه و وقایع وخیمه عظیمه دیده شد که اگر تاریخ چهار هزار ساله ایران را در یک مجلد بنویسند و تاریخ ده ماهه زمان فترت را هم در یک مجلد بنگارند البته جلد تانی براتب بزرگ تر و حجیم تر از جلد اول خواهد شد ۰۰۰۰ مجلد در این ایام که مختصری از احوال اوضاع را نگاشتیم اداره کشکول هم مثل سایر ادارات جراید ملیه پایمال ظلم و استبداد درباریان شد تا این اوقات که نسیم آزادی از طرف اصفهان وزیدن گرفته و کلیه جنوب ایران هم ملحق بشمال شده و احراز بختیاری اشراک مستبده را از اصفهان فرار دادند و حکومت ملیه در انجا استقرار گرفت و بر حسب اتفاق عبور مدیر سابق کشکول باصفهان اتفاق افتاد جماعتی از بزرگان علماء اعلام و رجال گرام اصرار و ابرام در توقف نگارنده کردند تا چندی بتحریر مقالات مفیده اشتغال پذیرد شاید افکار عامه توسعه گیرد و هموطنان ما مقصد بزرگ آزادی طلب آنرا بجهند که چرا جان در راه حریت میدهند بنده هم حسب الضرورة اطاعت کرده جریده فریده جهاد اکبر را برای انتشار مقالات سیاسیه انتخاب نموده و با عدم اجتماع اسباب اداره معطله کشکول راهم دایر داشته امیدواریم از این راه هم بتوانیم خدمت بوطن عزیز خود بنمائیم.

و چون اداره کشکول بواسطه مصائب وارده برهم عصران گرامی و شهادت بعضی از آنها عزادار است لهذا عاجلاً نمیتواند تمام مندرجات خود را مثل سال اول از قید صحت و مسئولیت خارج بداند ب علاوه کمی جراید ما را مجبور دارد که نصف مندرجات

کشکول را رسمیت بدهیم تا آنکه فائده اش زیاد تر گردد. و مخفی نماید که چون ده ماه تمام کشکول تعطیل بوده و حالا هم اطمینان بتوقف این شهر و دوام اداره ندارم لهذا بقدر مقدور درطبع و انتشار جریده سعی نموده هر هفته دوسه نمره منتشرخواهم کرد و از کسانی که قبول اشتراك مینمایند تمنا دارم جزئی وجه اشتراك را تقدأ بدهند که معاونت اداره شده باشد و از خدا توفیق میطلبم.

پس از سرقاله مذکور مقاله تحت عنوان (جغرافیای تاریخی و پلتيکی مملکت استبدادی که هنوز در تحت سلطه حکومت استبدادی است) نوشته و منجمه در باره رودخانه های مملکت مینویسد : (قنات باغ شاه - قنات فرمانفرما - رودخانه کرج قنات آقای نایب‌السلطنه - قنات اکبرآباد) . در صفحه چهارم « مبارزه ملت با استبداد » رسم شده . شماره دوم کشکول در تاریخ چهارشنبه شانزدهم ربیع الاول ۱۳۲۷ قمری منتشر شده و سرقاله آن بعنوان « ملت یعنی چه ؟ » و سرقاله شماره سوم بعنوان « بقیه ملت یعنی چه » میباشد . روزنامه کشکول در سال دوم در بیشتر خصوصیات مانند سال اول است و من جمله در قطع صفحات و چاپ و دوسطریکه در زیر عنوان نوشته شده و نیز در ترسیم کاریکاتور با سال اول تفاوتی نکرده است . اداره کشکول : اصفهان جنب قنصلخانه انگلیس . آبونه اشتراك سالیانه : در اصفهان یکتومان . در سایر بلاد ایران ۱۲ قران . در تمام بلاد خارجه ۵ فرانك . قیمت تك نسخه دوشاهی . در سایر بلاد ایران سه شاهی . طرز انتشار روزنامه هفته دوبار بوده چنانچه شماره هشتم آن در تاریخ چهارشنبه ۷ ربیع الثانی و شماره نهم در تاریخ سه شنبه ۱۲ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است .

مندرجات روزنامه کشکول علاوه بر اخبار عمومی ایران ، تمام اخباری که منتهی به تجمع سران بختیاری در اصفهان و حرکت آنها برای مقابله با قشون استبداد و جنگ با محمد علیشاه است درج شده و از اینرو کشکول تاریخچه فیزی از خدمات بختیاری و مردم اصفهان بمشروطیت ایران میباشد . علاوه بر این سواد تلگرافاتی که بین دولت و سران بختیاری ردو بدل شده در این روزنامه چاپ شده است . در شماره ۱۴ روزنامه بعوض سرقاله فرمانی را که - فرای روس و انگلیس از محمد علیشاه در باره عضو مقصرین سیاسی گرفته و بوسیله قنصلگری دولتین در اصفهان با اطلاع علماء اعلام و مصممام السلطنه رسیده ، درج گردیده . آخرین شماره که از روزنامه کشکول در دست است شماره ۲۷ و در ۵۵ شماره ۲۶ شهر جمادی الثانی ۱۳۲۷ قمریست . در این شماره است که تعداد افراد قشونی که برای تصرف طهران از اصفهان حرکت نموده بدینقدم ضبط کرده است : « در این اواخر که بنای فرستادن اردو بطرف طهران شد در قلیل مدتی شش اردوی منظم فرستاده شده اردوی اول که مشتمل بر پانصد نفر بود در تاریخ بیست و هفتم جمادی الاول (۱۳۲۷ قمری) بریاست منتظم العوله فرزند اسفندیار خان . اردوی دوم که مشتمل بر هزار سوار جرار بود در تاریخ غره شهر حال بریاست حضرت آقای حاجی علیقلی خان سردار اسعد اردوی سوم که مشتمل بر چهار صد نفر

سوار بود در تاریخ ۱۴ بریاست جناب منظم‌الملک برادر والاگهر منتظم‌الدوله حرکت کرد. اردوی چهارم که مشتمل بر چهارصد نفر بود در تاریخ ۱۵ شهر حال بریاست جناب ضرغام السلطنه که در میان بختیاری به‌هوری نظیر است و همانا فتح اصفهان نشان درجه شجاعت ایشان است. (منظور فتح اصفهان در جنگ اقبال‌الدوله است. مولف) اردوی پنجم که مشتمل بر عده کافی بود در تاریخ ۱۷ شهر حال بریاست مهدیقلی خان فرزند سردار ظفر. اردوی ششم که مشتمل بر هزار نفر سوار بود بریاست آقای غلام‌حسین خان سردار محتشم. اینک عده سواری که از اصفهان برای طهران حرکت کرده بالغ بر چندین هزار نفر است. و نیز در حاشیه صفحه آخر همین شماره بمنوان (تلگراف مژده) این خبر درج شده است: امروز صبح مشروطه خواهان بقدر سه هزار نفر طهران را تصرف نمودند و فعلاً در لاله زار و خیابان سفارت‌ها شلیک از طرفین میکنند قزاقها هم در میدان جمع شده اند. مشروطه خواهان از چهار طرف دور آنها را گرفته صدی توپ متصل شنیده میشود بموجب انتشار این خبر در اصفهان حسب الامر حضرت صمصام‌السلطنه نقاره‌خانه را کوبیدند و چهارده تیر شلیک نمودند.

مرحوم مجدالاسلام کرمانی علاوه بر روزنامه کشگول روزنامه های ندای وطن و محاکمات را نیز طبع و منتشر نموده و ما بتفصیل شرح حال آن مرحوم را در ذیل روزنامه ندای وطن بیان خواهیم کرد.

(۹۲۶) کشگول دهقان

مجله کشگول دهقان در طهران در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور ماهانه تأسیس و منتشر شده است.

(۹۲۷) کفاسر

روزنامه کفاسر یعنی ریبادوست بزبان اردنی در شهر تبریز در سال ۱۹۱۹ میلادی بطور ماهانه منتشر شده است. (فهرست جراید از کتاب دانشمندان آذربایجان ص ۴۱۲)

(۹۲۸) کلید میامی

روزنامه هفتگی کلید سیاسی در طهران بمدبری (یوسف خان هراتی معروف به محمد یوسف خان سردار مهاجر هروی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است این یوسف خان روزنامه دیگری بنام، فواید عامه، منتشر نموده که در آن در حرف کتاب گفتگو نموده ایم. نامبرده در قضایای بیساران مشهد بدست روسها ارتباط داشته است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۲۷) مینویسد من نمره سوم روزنامه کلید سیاسی را در دست دارم و این نمره در ۲۲ صفحه بقطع هفت در ۳ و ۳ چهارم اینچ چاپ و در تاریخ هفتم ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. وجه اشتراك روزنامه در طهران ده قران، در سایر شهرهای ایران ۱۲ قران، در روسیه ۳ منات و در هندوستان چهار مجیدبست.

(۹۲۸) کمال

روزنامه کمال در شهر تبریز بصاحب امتیازی میرزا حسین طیب راده (مدیر مدرسه کمال) تأسیس و شماره اول سال اول آن در تاریخ چهارشنبه دهم رجب ۱۳۱۷ قمری مطابق ۳ ابانماه جلالی ۸۲۱ و ۱۵ نوامبر ۱۸۹۹ مسیحی منتشر شده است.

روزنامه کمال ماهی سه‌دفعه در مطبعه سنگی با خط نستعلیق متوسط در هشت‌صفحه کوچک خشتی طبع و توزیع شده و در شماره‌های موجود اسمی از مطبعه که روزنامه در آن چاپ شده نیست. محل اداره روزنامه: تبریز در اداره مدرسه کمال. وجه اشتراك روزنامه: در تبریز ۸ قران سایر ولایات محروسه ۱۰ قران. ممالک روسیه سه منات. ممالک فرانک ۶ فرانک. هند ۶ روپیه. قیمت نمره در تبریز پنجشاهی. قیمت اعلان سطری پانصد دینار و حقوق پست همه جا بعهده اداره است.

در عنوان هر شماره اسم روزنامه (کمال) دومرتبه بخط رقاع و در زیر آن اسم روزنامه بفرانسه درج شده و بار در عنوان روزنامه نوشته است (مداخل روزنامه صرف مدرسه کمال خواهد شد). گرچه شماره و قطع صفحات کمال بیشتر شبیه به مجله است ولی همه جا اسم روزنامه بآن داده شده و مثلاً مینویسد اداره روزنامه. مندرجات روزنامه کمال چنانچه در عنوان هر شماره معرفی شده (جریده علمی و ادبی که هر گونه مقالات و اخبار دایر بترقی ملت و انتشار معارف در آن درج خواهد شد). مشتمل است بر مطالب علمی و اخبار خارجه و مقالات گوناگون ارقبیل (افتخار وطن) که در شماره دو و سه سال اول درج شده و همچنین اخبار راجع بمدرسه کمال و اخبار متفرقه دیگر در آن دیده میشود. درباره تأسیس روزنامه کمال شرحی در صفحات اول و دوم شماره اول آورده که برای مزید اطلاع عین آنرا نقل مینمائیم:

« اعلان - چون مدرسه مبارک کمال قریب هشت ماه است که بنا شده امروز تا حدی حالت منظمی داشته و مدیر آنرا از نوایب آنیه او فی‌العمله فراغتی حاصل شده از این جهت بتایید خداوند و امداد هموطنان معارف پرور بنشر این جریده اهتمام رفت. مقصود کلی از آن فقط ترقی ملت و انتشار معارف و مذاکره بعضی علوم بعبارات ساده و خالی ارتکافات است که کم‌کم الناظ علم و آداب و شروط انسانیت گوشزد مردم ایران باشد و برای اینکه اداره خوب راه افتد و کالای علم رونقی گیرد قیمت سالیانه پیش گرفته میشود و از مشترکین محترم مستعدی آنکه در هر جای روزنامه که عیبی بینند فوراً اداره را مطلع سازند و همه کس در رد و قبول آن مختار و در صورت رد غیر از دونه اولی هرچه داده شده قیمت نمره‌ها گرفته میشود. »

پس از مقاله مذکور، مقاله‌ای تحت عنوان (دعای ذات اقدس همایونی) درج شده که در انتهای آن شرحی راجع با همیت جراید در مملکت نوشته و نیز در همین مقاله خیر تأسیس مدرسه لقمانیه تبریز را که چند روز قبل لمان الممالک جشن افتتاح آنرا گرفته و ادیب‌الممالک خطابه مبنی بر تمجید علوم و تشویق مردم در آن

جشن انشا کرده ، درج کرده است . در هر شماره علاوه بر اینکه اسم مدیر روزنامه در عنوان روزنامه چاپ شده در آخر صفحه هشتم نیز نام « حسین طبیب زاده » درج است . شماره دوم سال اول کمال با همان سبک و اسلوب شماره اول روز یکشنبه ۲۱ شهر رجب ۱۳۱۷ قمری طبع و توزیع شده . در صفحه پنجم نمره سوم که در تاریخ شنبه غره شعبان سال مذکور منتشر شده شرحی راجع به مدرسه کمال نوشته که معجمی از آن چنین است : مدرسه کمال در دوم شهر ذی‌القعدة ۱۳۱۶ تأسیس شده و پانزدهم همان ماه شروع بدروس گردیده و چهار ماه بعد از تأسیس امتحان مفصلی در پیش جمعی از اکابر عالی همت داده . جناب آقای ادیب‌الممالک خطابه بسیار مؤثری اظهار داشته و عموم را با عانت مدرسه تکلیف فرمودند .

سال اول روزنامه کمال با انتشار شماره ۲۹ مورخ دوشنبه ۲۱ شهر شوال‌المکرم ۱۳۱۸ قمری پایان یافته و در همین شماره شرحی بعنوان « ختام سال اول جریده کمال » نوشته که مفاد آن اینست : در اثر توجهات شاهنشاهی روزنامه کمال را بسال دوم رساندیم . گرچه در اواسط روزنامه تعویقات متعدده اتفاق افتاده و غالباً نمره ها در موقع انتشار نیافته و لذا آخر این ماه که ختام سال دوم مدرسه کمال است روزنامه را انتشار که بیک کرشه دوکار سازیم یعنی هم بقدر امکان عده نمره های روزنامه را بپردازیم و هم آغاز سال دوم او را با ابتدای سال سوم مدرسه مصادف نماییم .

و نیز در همین شماره است که خبر انتشار روزنامه ادب را در مشهد بمندبری ادیب‌الممالک که سابقاً در تبریز اشاعت مییافته ، نوشته است . از روزنامه کمال فزلا تا شماره ۲۹ در دست است و نگارنده اطلاعی ندارد که بعد از این شماره بازهم روزنامه کمال منتشر شده باشد . قدر مسلم این است که مرحوم میرزا حسین طبیب زاده تاریخ‌الثانی ۱۳۲۱ قمری در تبریز بوده و پس از آن بشرحیکه بعداً یاد آور میشویم و بسیار قفقاز و مصر گردیده است ولی آیا در این مدت بازهم روزنامه را منتشر می نموده اطلاعی ندارم .

(۹۲۹) کمال

روزنامه کمال بطور پانزده روزه در شهر قاهره مصر بمندبری « میرزا حسین طبیب زاده مدیر سابق روزنامه کمال تبریز » تأسیس و در سال ۱۳۲۳ قمری منتشر شده است . هما قسم که در نمره قبل در ذیل روزنامه کمال یاد آور شدیم میرزا حسین طبیب زاده مدیر مدرسه کمال تبریز ابتدا روزنامه کمال را در تبریز منتشر مینموده و پس از آنکه مدرسه و مطبعه او را غارت کرده اند عازم مصر گردیده و در شهر قاهره مصر روزنامه کمال را تأسیس و منتشر نموده است .

مرحوم کسروی در صفحه ۴۲ تاریخ مشروطه ایران درباره خرابی و غارت مدرسه و مطبعه کمال مینویسد : « در ربیع الثانی ۱۳۲۱ قمری که محمد علی میرزا در تبریز بود مردم برضد بلژیکی ها شورش نموده و در تبریز بازارها را بستند و بالاخره طلبه ها

بیرون ر بخته و میخانه ها و مهمانخانه ها و دبستانها را تاراج کردند و آشوب و غوغای بزرگی ربا گردید . یکی از دبستانهایی که در این پیش آمد تاراج شد دبستان کمال بود که راهبرش میرزا حسینخان میبود و روزنامه ای نیز بهمان نام مینوشت و پس از این پیش آمد در تبریز مانده و بقفقاز و مصر رفت . « این بود خلاصه از آنچه مرحوم کسروی نوشته است . مدیر روزنامه کمال در اوائل سال ۱۳۲۳ قمری باتفاق آقایان تقی راز و میرزا محمد علیخان پس از طی شهرهای قفقاز و ترکیه وارد مصر گردیده و ورود او را بمصر در شماره ۸۴۳ سال ۱۳ قمری روزنامه حکمت مورخ ۱۰ صفر ۱۳۲۳ قمری بدینقسم نوشته است : « تشریف فرمائی جگر گوشگان وطن بمصر ۰۰۰ از آنجمله در این ایام جناب میرزا حسین خان مدیر مدرسه و جریده « کمال » و جناب سیادت مآب آقا سید حسن و جناب میرزا محمد علیخان مدیران جریده فریده « گنجینه فنون » و کتابخانه « تربیت » در تبریز باتن خسته و دل پر امید با ضمیر پاک وارد گلشن سرای علوم و معارف مصریه شدند . »

پس از آنکه مدیر روزنامه کمال چند ماهی در مصر توقف نمود در ماه جمادی الاول ۱۳۲۳ قمری روزنامه کمال را در قاهره تأسیس و منتشر نموده است . متأسفانه نگارنده تاکنون نمونه از روزنامه کمال منتشره در قاهره مصر بدست نیاورده ام ولی روزنامه حکمت چاپ قاهره در شماره ۸۵۲ مورخ پنجشنبه ۱۰ جمادی الاول ۱۳۲۳ طلوع آنرا تحت عنوان « تقریظ جریده گرامی کمال » پس از آنکه شرحی دائر باهمیت روزنامه نوشته بدینقسم یادآور شده است : « از آن ستازگان سپهر وطن پروری یکی جریده گرامی « کمال » است که در تبریز چندی درخشیده و از آنجا افول کرده اکنون در جو صاف و شفاف مصر که پر از ستاره های درخشان معارف است دیگر باره شارق گردید . امیدواریم که این ستاره درخشان گاه دوازده از این افق تابان گشته و کم کم بدر تمام و بعد کمال برسد . » شرح مذکور اشاره بتاریخچه تأسیس کمال ابتدا در تبریز و سپس در مصر مینماید .

روزنامه کمال متأسفانه برخلاف آرزوی مدیر حکمت دوام زیادی در مصر نکرده و پس از اندک مدتی بعلت عزیمت مدیر آن از مصر کمال نیز تعطیل شده است . روزنامه چهره نما با عباراتی نفی و دلکش و مؤثر در شماره ۲۲ سال دوم چهره نما مورخ غره جمادی الثانی ۱۳۲۴ قمری تحت عنوان « چهره نما و هزاران اشق » اشاره بتعطیل روزنامه کمال و حرکت مدیر آن از مصر بطرف قفقاز نموده که بی مناسبت نیست عین آن شرح را ذیلا نقل نمایم . « نهال تناور کمال که در اوج کمال و نهایت جلال رسیده بود و از استمداد جبلی و درایت فطری که یزدان پاک در نهاد نوع ایرانی بودابع گذاشته باندکی کم این نمره شجره تربیت و کمال درختی تنومند بار آور پیدا کرد که سرافرازی بکیوان کشید درین درد از غفلت و جهالت هموطنانش در تبریز چنان قامتی را مجوف کرد که دلش خسته و مرسه اش بسته و قلمش شکسته و رشته سلسله روزنامه اش گسته گردید پس از کرم خوارگی و برگ

ریزی از تبریز ریشه حیات بخاک طربناک مصر دوآید و سربیزی از این خاک بیرون کرد و دوباره آغاز نشو و نما فرمود کالای ادبیات را رونق داد و بازار مطبوعات را زینت نمود ۰۰۰۰۰ بازهم افسوس که هنوز از میوه نورش مذاق معارف پژوهان متلذذ نگردیده که صرصر بدبختی ایرانیان وزیدن گرفت و این درخت تنومند لرزان لرزان برگ ریزان دو بانحطاط گذارد هموطنان مامقیم مصر خزان او را دیده با وجودیکه میدانستند در هر ثمرش اثری است نافع از بی همتی قدرش نشناخته و تبش پرداخته و این نهال برومند را پوسانیدند که شرح حال اسف اشتمال او هر سنگدلی را آب می کند این بود که شماره های کمال بآخر سال نرسید و مدیرش رخت عزیمت از ساحت مصر بسوی قفقاز کشید .

اشرح مذکور معلوم میگردد قبل از آنکه روزنامه کمال سال خود را پایان برساند ، مدیر آن از مصر خارج شده است .

(۹۳۰) کمالی

روزنامه کمالی در شهر همدان بمدیری آقای (علی کمالی) تأسیس و در سال ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و ابتدا در مطبعه سربی (همدان) طبع میشده و از سال ۱۳۱۷ پس از خریداری مطبعه مخصوصی ، در مطبعه (کمالی) چاپ شده است . وجه اشتراك روزنامه سالیانه ۲۴ قران و شش ماهه ۱۲ ریال است . کمالی معمولاً با قطع کوچک چاپ شده و صفحات دو سه آن مخصوص درج آگهیهای ثبتی همدان است . زیرا که مدتی تنها روزنامه منتشر در همدان همین روزنامه کمالی بوده و ناچار تمام آگهیهای ثبتی این شهر در روزنامه کمالی چاپ میشده است . روزنامه آینده ایران مورخ ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۲ درباره سال چهارم کمالی اینطور مینویسد : « جریده کمالی که هرچه قطع صفحات آن کوچک و لسی مطالب آن بزرگ است با مدیریت آقای رسولی و زحمات مادی و معنوی آقای کمالی سال سوم انتشار خود را خاتمه داده و قدم بمرحله چهارم نامه نگاری خود گذاشته است اهالی همدان را مخصوصاً با استفاده از آن توصیه مینمائیم .»

مندرجات روزنامه کمالی پس از سر مقاله عبارات است از اخبار محلی همدان و مختصری اخبار کشور و اعلانات ثبتی . روزنامه توفیق مورخ ۹ تیر ماه ۱۳۱۴ اتمام سال پنجم این روزنامه و ورود بسال شش آنرا تبریک گفته است . کمالی تا اواخر سال ۱۳۳۰ نیز منتشر میشد .

سید علی کمالی - سید علی کمالی فرزند حاج آقا محمد مجتهد کمالی تحصیلات جدید را در مدرسه شرافت همدان که در بدو تأسیس بنام الفت موسوم بوده نموده و تحصیلات قدیمه را در مدت پانزده سال اقامت در نجف انجام داده پدر و جدش از علمای بزرگ همدان و کتب مختلفی در فقه و اصول تألیف نموده اند و چون از خانواده (کمالا) در همدان بوده نام خانوادگی کمالی انتخاب کرده است . در نامه که در

سال ۱۳۱۸ شمسی با بنجانب مرقوم داشته مینویسد : (از فضل پدر مرا چه حاصل . در همدان دهسال تمام است که روزنامه کمالی را تأسیس نموده ام و مقالاتی که از خود اینجانب بوده کمتر منتشر شده نمونه در اسرار خلقت که چندی قبل بمساعدت روزنامه کانون منتشر شد مختصری نگاشتم برای اینکه جزء نویسندگان محسوب شویم . »

(۹۳۱) کنکاش

روزنامه کنکاش در شهر رشت بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (محمد علی حسن زاده) تأسیس و شماره اول آن در ۱۳ ذیقعده ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . شماره ۲۸ سال اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ و زبیری در مطبعه سربی (رشت - مطبعه عروۃ الوقتی) طبع و در تاریخ پنجشنبه ۱۲ جمادی الاولی ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . مندرجات این شماره پس از درج مقاله اساسی تحت عنوان (غم و شادی یا انصاف بهترین چیزهاست) شامل اخبار گیلان و اخبار طهران و نامه های شکوائیه است .

مرکز اداره کنکاش: رشت. سبزه میدان . منزل حاج حسن آقا . عنوان تلگرافی رشت کنکاش . در بگطرف عنوان روزنامه پس از ذکر محل اداره این جملات (مقالات عام المنفعه پذیرفته میشود - مقالاتیکه با اداره برسد و هیئت تحریریه درج آنرا صلاح بدانند در رد کردن بصاحبش مجبور نخواهند بود و در درج و تعدیلش مختصراً است) و در طرف دیگر قیمت اشتراك و قیمت اعلانات بدینقسم چاپ شده است . رشت سالیانه ۲۰ قران . ششماهه ۱۲ قران . سه ماهه ۱۰ قران . سایر ولایات بترتیب ۳۰ قران . ۲۰ قران ، ۱۲ قران . مسألك خارجه : ۴۰ قران . ۲۲ قران ، ۱۳ قران . قیمت اعلانات صفحه اول - سطر ۱۰ شاهی . صفحه چهار سطر پنجشاهی . تک نمره رشت ۳ شاهی سایر ولایات ۴ شاهی . از روزنامه کنکاش فضلا تا شماره ۳۲ سال اول مورخه شنبه ۲۶ جمادی الاخر ۱۳۲۹ قمری در دست است :

آقای محمد علی حسن زاده - روزنامه جارچی ملت در شماره ۳۲ سال اول مورخ شوال ۱۳۲۹ قمری تحت عنوان (ورود و خیر مقدم) شرحی راجع بآقای حسن زاده و ورود او از رشت بطهران نوشته که برای اطلاع عین آنرا نقل مینمائیم:

« جناب مستطاب فاضل کامل یگانه غیور وطن پرست آقا میرزا محمد علیخان حسن زاده مدیر روشن ضمیر جریده شریفه کنکاش منطبقه رشت دیدت برگاه که از اجله اعیان و در شماره اولین مجاهد و آزادی طلب و حریت خواه گیلانند در تاریخ شنبه ۱۳ شوال از طرف انجمن محترم ایالتی گیلان مأمور بوصول ۲۵ هزار تومان حقوق باقی مانده افواج بطرف طهران حرکت نموده بحمدالله تعالی صبح دو شنبه ۱۵ شهر حال سالماً وارد دارالخلافه طهران شده چشم دوستان بل تمام جراید نگاران طهران را روشن نمودند لدیالورد جناب بطرسخان از برای مهمانداری و پذیرائی مشارالیه تهیه منزل نموده وعده کثیری از اهالی طهران خاصه اعیان و تجار و بعضی از جراید نگاران

تا دروازه‌باستقبال شتافته احترامات فوق‌العاده بعمل آمد پس از ملاقات مستقبلین روانه منزل شدند. مقدم ایشان را تبریک میگوئیم.

ظاهراً پس از ورود آقای حسن زاده بطهران روزنامه کنکاش دیگر در رشت منتشر نشده و چند سال بعد یعنی در سال ۱۳۳۶ قمری در طهران با بدایره انتشار گذاشته است. و این مطلب از آن لاینکه در شماره ۵۴ سال نهم روزنامه وطن مورخ ۲۵ صفر ۱۳۳۶ قمری چاپ شده و خلاصه آن بشرح زیر میباشد، حدس زده میشود: «اعلان جریده کنکاش بمساعدت معارف پروران امیدوار است که عن قریب دوره قلم‌فرسایی خود را تجدید نماید. جریده کنکاش با همان مسلك سابق با قطع بزرگ طبع و نشر خواهد گردید. اولیای جریده کنکاش پس از طی جریان قانونی و ترتیب امورات داخلی و اداری بوسیله جراید و طلبیه تاریخ طبع جریده خود را بسم قارئین خواهد رسانید فقط عجاناً بموجب این اخطار کارکنان جریده کنکاش خواطر شرکاء خود را مستحضر میدارند که از تاریخ نشر این اخطاریه مدیر اداره حاضر است که معاً سه گذشته شرکاء محترم را ارائه دهد آقایان محترم با اداره جریده وطن که موقتاً دفتر جریده کنکاش نیز در آنجا دایر است بمذیر اداره رجوع و اشخاصیکه نیز مطالباتی از این اداره دارند میتوانند اسناد خود را آورده وجه آنرا دریافت دارند.

در دنباله این قسمت شرحی راجع به پنج هزار متر زمین واقع در پشت دروازه باغ شاه متعلق بشرکت جریده کنکاش برای پرداخت قروض آنجریده و تکمیل اثاث برای طبع جدید آن نامه ملی اقرار ندعی دوقران بیانند بلیط بهره لاطار گذاشته است. این اعلان بامضای (میر تقی حشمت مدیر شرکت کنکاش و عضو اول هیئت تحریریه وطن) است.

(۹۳۲) کورتز

روزنامه کورتز یعنی کار در شهر تبریز بزبان ارمنی منتشر شده است. مرحوم تربیت دوفرست جراید آذربایجان (ص ۴۱۲ دانشمند ان آذر بایجان) در باره این روزنامه مینویسد: کورتز روزنامه هفتگی منتشر در تبریز در زبان ارمنی در ۱۹۰۳ میلادی.

(۹۳۳) کوشش

روزنامه کوشش در طهران بمذیری آقای (شکره صفوی) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است. شماره اول این روزنامه درجیدی سال مذکور انتشار یافته و از آن تاریخ مرتباً هفته سه شماره در چهار صفحه هر صفحه ۵ ستون منتشر شده پنجسال بنحو فوق منتشر شده و در اول سال ششم روزنامه کوشش بطور یومیه هفته شش شماره با قطع بزرگ و حروف خیلی ریز در چهار صفحه هر صفحه ۷ ستون انتشار یافته است. قیمت اشتراك روزنامه در آغاز تأسیس سالیانه یکصد ریال و شش ماهه ۵۵ ریال و تکشماره ۲۰ دینار تعیین گردیده شعار روزنامه که در هر شماره

بالای اسم روزنامه چاپ شده آبه (لیس للانسان الا ماسمی) است .
 روزنامه کوشش تا حین تحریر این قسمت هنوز منتشر میگردد و شماره مسلسل آن ۷۶۹۵ سال سیام کوشش در تاریخ دوشنبه ۱۲ ابانماه ۱۳۳۱ شمسی در چهار صفحه بقطع بزرگ انتشار یافته است . معمولاً از آغاز تأسیس ثبت عمومی در ایران صفحات دوم و سوم روزنامه‌ها مخصوص درج آگهیهای ثبتی است . بقیه مندرجات روزنامه پس از سرمقاله که غالباً مربوط باوضاع روز میباشد اخبار داخله و خارجه و اخبار مجلس شورای ملی است . بیشتر قوانینی که در طول مدت سی سال وضع شده در روزنامه کوشش چاپ شده است .

شماره ۲۳ سال دوم روزنامه کوشش در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری در تاریخ ۲۲ حوت تنگوزنیل ۱۳۰۱ شمسی چاپ و منتشر شده است . محل اداره : طهران . اول خیابان جلیل آباد و آدرس تلگرافی : طهران . کوشش . معین گردیده است سرمقاله این شماره بعنوان (قیام ملی) و بدینقسم شروع میگردد : « برخلاف آراء سخیفه معدودی کهنه پرست و متحصین رسوم عصر جاهلیت و درباریان حامی سلطنت مبلغین فساد و ناشرین اراجیف نهضت ملی باقیافه جدی و محرور شروع شد و احساسات تفر آمیز جامعه مانند سیلاب آتش فشان برای انهدام بارگاه کیوان رفت مهر سپهر سلطنت خدیو کامکار شهریار معدلت شعار (۲) رو بگریاس عرش اساس (۱) سرازیر گردیده . . . » تمام این سرمقاله علیه سلطنت قاجاریه و تشویق بحکومت جمهوریست من جمله در همین شماره بعنوان (پیشنهاد مهم) صورتی ارحقوقیکه سالیانه بخانهزاده سلطنتی داده میشود درج نموده و از نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای ملی درخواست نموده است که این مبلغ که مساوی با بودجه سالیانه وزارت معارف و اوقاف و مدارس دولتی و صعبه عمومی است و سالهای سال از خزانه فقیر مملکت باین شاهزاده های بی عاطفه و بی علاقه بمملکت داده شده است ، حذف گردد

و نیز در همین شماره کوشش است که (سرود جمهوری) و (مارش جمهوری) ایران چاپ شده . سرود جمهوری مشتمل بر دو غزل که غزل اول بدین مطلع میباشد :

بمردم اینهمه بیداد شد ز مرکز داد	زدیم تیشه بر این ریشه هرچه بادا باد .
از این اساس غلط این بنای پایه بر آب	نتیجه نیست بتعمیر این خراب آباد .
غزل دوم بدین مطلع است :	

سوی بلبل بوی گل باد صبا خواهد برد	خیر مقدم گل تا همه جا خواهد برد .
.....

رحم اینخدای دادگر کردی نکردی	ابقا باحقا ب قجر کردی نکردی
------------------------------	-----------------------------

مارش جمهوری

روی اندر موی دیجور	روی اندر موی مستور .
دست کز این غره این حور	کو کشته جز دست جمهور .
ساقی از این دور خسته	ساغر روین شکسته .

مطر با ای پی خجسته باره کن این سیم ناجور .
 آخر درد است و مستی بست بادا شه پرستی .

نیست دوران فجر باد ☞ این شجری بارو بر باد . تا قیامت داد گرباد ☞ بازوی پر زور جمهور
 کار ایران رو بره باد ☞ نام شاهی روسیه باد . زنده سردار سه باد ☞ باغریو کوس شیور
 روزنامه کوشش از روزنامه هائیت که با اوضاع زمان و ایران جلو رفته و از
 اینجهت تا کنون توانسته است خود را حفظ نماید . آقای شکره صفوی چند دوره
 نمایندگی مجلس شورایی را داشت و تا دوره شانزدهم در مجلس بود . مطبعه سیروس
 که روزنامه در آن چاپ میشود بهمت و با مساعی و کوشش آقای صفوی تأسیس و بکار
 افتاده است . در کتاب تاریخ نهضت ایران درباره آقای صفوی مینویسد : «میرزا شکره
 صفوی صاحب و مدیر روزنامه کوشش در طریق عمل سیاسی و زبان روسی را
 بخوبی میدانند »

(۹۳۴) کوکب ایران

روزنامه کوکب ایران در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (رکن الاسلام خلغالی)
 تأسیس و در سال ۱۳۳۵ قمری منتشر شده است . شماره اول کوکب ایران در چهار
 صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری در مطبعه (بوسفور) طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۹
 ذیحجه ۱۳۳۵ قمری مطابق ۴ میزان ۱۲۹۶ شمسی منتشر گردیده . مندرجات این
 شماره پس از مقاله افتتاحی که بدین‌قسم شروع میشود : « وضعیت عمومی - يك نفر
 نویسنده هر قدر هم که زبردست باشد ۴۰۰۰ » و در آن راجع بنشر روزنامه کوکب
 ایران پرداخته ؛ بعد اخبار طهران و مطبوعات خارجه را نقل کرده است . وجه
 اشتراك روزنامه که مقدماتاً دریافت میشده از اینقرار است : یکساله داخله ۷۰ قران
 ولایات ۸۰ قران ، خارجه ۱۰۰ قران ، ششماه بترتیب ۴۰ قران ، ۴۵ قران ، و ۶۰
 قران . تاریخ اشتراك از اول هر برج شروع میشود . طرز انتشار روزنامه هفته سه
 نمره در ایام دو شنبه و چهارشنبه و شنبه طبع و نشر میشده . محل اداره روزنامه
 طهران . خیابان لاله زار . در عنوان روزنامه این جمله چاپ شده : « برای خدمت
 باستقلال مملکت تأسیس شده است . » . قبل از انتشار شماره اول روزنامه بقسمیکه
 روزنامه کاشف اسرار چاپ اصفهان تحت عنوان (بشارت) طلیعه روزنامه منتشر شده
 و عبارت روزنامه کاشف اسرار از اینقرار است : « این دو روزه طلیعه جریده فریده
 کوکب ایران در تحت مدیریت آقای رکن الاسلام خلغالی که یکی از رحمتکشان باین
 آب و خاک محسوب هستند باداره رسیده است . »

روزنامه کوکب ایران یکی از روزنامه های مفید و دارای سرمقاله های آتشین
 و اخبار داخله و خارجه بتفصیل در آن چاپ شده عنوان بعضی از سرمقاله های آن از
 این قرار است . سرمقاله شماره ۴۰ سال اول (مطالعات سیاسی) و بدین‌قسم ختم میشود

« حالا که ادامه حیات ما ولو چند روزه موکول بر گ همسایه است . حالا که اسلامبول و طهران هر دو در مخاطره ولی بلبیدن یکی موقتاً اسباب نجات دیگری میشود چه باید کرد . البته ایرانی در فکر سلامت خود و ترك در فکر سلامت خود است . روس در شمال سنگرهای تازه را اشغال کرده جابجا میشود . جلوگیری از اصلاحات ایران - تشویق و تقویت از تمام عناصر ارتجاع حمایت از شجاع السلطنه ها و سالار الدوله ها و شجاع الدوله ها که نصف بزرگتر ایران را بخون و آتش کشیدند اصول سیاست روس است . مانگیسها گاهی ابراز احساسات موافق نسبت با ایران میکنند ولی در موقع عمل مخالفتی با سیاست روس ابراز نمیشود . »

(خوش بینی یا بد بینی) عنوان سرمقاله شماره ۱۹ و (سیاست خارجی ما) عنوان سرمقالات چند شماره است . از روزنامه کوکب ایران نگارنده مجموعه کاملی تا شماره ۵۷ سال اول مورخ چهار شنبه ۲۹ جمادی الاول ۱۳۳۶ قمری در دست دارم .
سید خلیل رکن الاسلام خلخالی - در صفحه ۱۴۲ تاریخ نهضت ایران مینویسد « رکن الاسلام مدیر روزنامه کوکب ایران شربت ناگوار مرگ اجباری را چشیده است . » تفصیل قتل آن مرحوم بدین نحو بوده که در شب غره جمادی الاخر ۱۳۳۹ قمری در طهران از طرف دو نفر شخص مجهول مورد حمله شده و بسا چند تیر موزر بقتل رسیده است .

(۹۳۵) کوکب درخشان

مجله کوکب درخشان در شهر کرمانشاه بصاحب امتیاری و مدیر مسئولی (میرزا احمد جواهری - بروجردی) و سردبیری (واحدی) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . شماره اول مجله کوکب درخشان در ۲۳ صفحه بقطع کوچک خشتی و با چاپ سربی طبع و در تاریخ ۳۰ شهریور ماه ۱۳۰۶ شمسی مطابق ۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۶ قمری انتشار یافته . محل اداره (مطبعه شرکت سعادت کرمانشاه) و قیمت اشتراك آن در کرمانشاه سالیانه ۱۲ قران . شش ماهه ۶ قران . خارج اجرت پست افزوده میشود . طرز انتشار آن ماهانه بوده و مندرجات آن عبارت از مطالب دینی و اخلاقی است .

در شماره اول بعنوان مرام و مسلک مجله پس از درج آیه شریفه (انا زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب و حفظاً من کل شیطان مارد) اینطور مینویسد : « دو فرد شمر ذیل را دوست عزیز می‌توانیم نام ببریم . اول آنست که در سال ۱۳۰۶ قمری در طهران از طرف دو نفر شخص مجهول مورد حمله شده و بسا چند تیر موزر بقتل رسیده است .

قطعه

در سماه دین بنگر کوکب درخشان را داده پرتوش زینت سرزمین ایران را
صفحه دل آرایش گشته مظهر عرفان نهضت سمن سایش رانده است شیطان را
مجله کوکب درخشان مقالات عام‌المنزعه متروعه که سبب اتحاد کلمه اسلامیه

و حفظ حقوق ملت و دولت باشد پذیرفته و درج میشود مسلک و قلم ما در مزایای اسلام و دعوت اسلامی و فلسفه احکام و اخلاق و مواعظ نافه جهت معاش و معاد و ترغیب در اتحاد و اتفاق و رفع شبهات مخالفین و جواب تنقیدات ملت نصاری خواهد بود .

در حقیقت مندرجات مجله کوکب درخشان در آنچه در این مقدمه ذکر شده تشکیل میدهد . اولین قسمت مندرجات شماره اول قصیده مولودیه اثر طبع ادیب الممالک است که بنسبت عید سعید میلاد حضرت ختمی مرتبت در ۱۷ ربیع الاول ، در مجله چاپ شده است . قصیده مذکور همان قصیده مشهور ادیب الممالک میباشد که بنده اول آن اینست:

بر خیز شتر بانا بر بند کجاوه کز چرخ عیان گشت همارایت کلاه
از شاخ شجر بر خاست آوای چکاوک در طول سفر حسرت من گشت علاوه
بگنر بشتاب اندر از رود ساوه در دیده من بنگر در با چه ساوه

در سینه ام آتشکده فارس نمودار

پس از این اشعار بتفسیر ادعای سبیل ربك پرداخته و بعد اشعاری بعنوان (متفرقات) نقل نموده و در خاتمه باز شرحی در اطراف مندرجات مجله نوشته و مینویسد : (بیاری حق بنذاکرات مندرجه در مجله کوکب درخشان حق محقق و باطل عاطل خواهد شد.)

(۹۳۶) کوکب دری

روزنامه کوکب دری و یا بنا بر ضبط برون (کوکب دری ناصری) در طهران بمدیری (ناظم الاسلام کرمانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . این روزنامه بجای روزنامه (نوروز) بوده که از آن در حرف نون کتاب گفتگو خواهیم کرد برون در باره این روزنامه مینویسد روزنامه کوکب دری ناصری منتشره با چاپ سنگی در سال ۱۳۲۵ قمری در طهران بمدیری (ناظم الاسلام کرمانی) مدیر روزنامه نوروز و مؤلف تاریخ بیداری ایرانیان) . برون اضافه میکند که من نمره ۱۲ این روزنامه را که در تاریخ ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده دودست دارم و این شماره در هشت صفحه و با چاپ سنگی است . وجه اشتراک روز نامه در طهران ۲۰ قران ، دوسایر شهرهای ایران ۲۵ قران . در روسیه ، پنج منات .

در شماره ۷۸ روزنامه مجلس مورخ ۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۵ قمری شرحی راجع بظلولع روزنامه کوکب دری نوشته که بی مناسبت نیست عین آنرا نقل کنیم . شرح مذکور تحت عنوان (ستاره بدرخشید و ماه مجلس شد) نوشته شده است : « معارف پژوهان را بشارت باد جریده شریفه نوروز که چند سال پیش از این با خامه جناب مستطاب استاد معانی طرار آقا میرزا محمد ناظم الاسلام دایر و سایر بود در این ایام بنام (کوکب دری) از افق مجد معالی طالع و نور ارشاد و هدایت بمصداق (کانه کوکب دری یوقد من شجرة مبارکه) از جبهه آن ساطع است نگارنده این نامه نامی که از پیش قسمان عالم مطبوعات و اساتید انجمن دانش به شمر میرود سالیان دراز در محضر بندگان حضرت حجة الاسلام والسلیخ محی الملة و الدین آقای آقا

میرزا سید محمد مجتهد طباطبائی مد ظلّه العالی بتحصیل علوم وحکم و تهذیب اخلاق و شیم پرداخته و اکنون گنجینهٔ بجواهر هنر مغزون است و سفینه بلثالی حکم‌مشحون در باره او توان گفت (اذّا نطق فهو بحر مواج) و (اذّا سکت فهو بحر عمیق) اگر چه در این عهد دمان جراید و سستی یافته زالی با کلافی بخریداری یوسف‌دانش تافته است ولی براهل خبرت پوشیده نخواهد ماند **ماکل فافحه ریا ولاکل عقد عقد ثریا** (همه گویند و سخن گفتن سعدی دگراست) (همه خوانند مزامیر نه همچو داود) نور کوکب دری روزگار تمدن را چون صبح صادق روشنی داده و صیت معارف در مجلس هوطنان بفاقد (**ولتعرفهم فی لحن القول**) شایع نموده . دعوت حق آشکار است از صدای مقصد شیطان پدید است از ندا .

(۹۳۷) کوکب غرب

در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمس امتیاز روز نامه کوکب غرب در شهر کرمانشاه بدیری (حاج میرزا عبدالله کرمانشاهی) از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۹۳۸) کوکب مسعود

روزنامه کوکب مسعود در طهران در سال ۱۳۰۴ شمس بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۹۳۹) کوکب ناصری

روزنامه کوکب ناصری در شهر بیبئی هندوستان بدیری (میرزا مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی) تأسیس و در سال ۱۳۰۹ قمری مطابق ۹۲ - ۱۸۹۱ میلادی منتشر شده است . این روزنامه با چاپ سنگی و خط تطبیق طبع گردیده و نمره سوم - سال اول آن در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۸۹۲ میلادی انتشار یافته است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۲۹) مینویسد من نمره ۴ و ۵ و ۶ و ۷ سال اول این روزنامه را دارم . هر نمره آن در هشت صفحه بقطع ۱۷/۵ در ۱۱/۵ اینچ میا شد . وجه اشتراك آن در بیبئی ۱۵ قران . در هندوستان و خلیج فارس و عربستان ۲۰ قران در سایر شهرهای ایران و ترکیه و اروپا ۲۵ قران . برون پس از شرح مذکور مدیر روزنامه رامیرزا مصطفی و دکتر سیلستر ! (نام دکتر را باعلامت تعجب نوشته است) و ناشر را مصطفی شیخ الاسلام بهبهانی معرفی کرده است .

(۹۴۰) کوهرنگ

روزنامه کوهرنگ در اصفهان بدیری امیر قلی امینی مدیر روز نامه اخگر و اصفهان تأسیس و قط طلبه آن منتشر شده است . طلبه روز نامه روی يك ورق

بامضای امیر قلی امینی در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۱۳ شمسی انتشار یافته و با این عبارات شروع میگردد : « ترقی اوضاع معارف و مطبوعات يك مملکت عالیترین و بلکه کامل ترین نمونه ترقی و تعالی حقیقی آن مملکت است از میزان رشد و کثرت مطبوعات يك ملت میتوان بخوبی بمیزان رشد سیاسی یا اجتماعی آن ملت پی برد ... » در این طلیعه اشاره باختلاف و تفاوت مقام روزنامه نگاری در گذشته و حال نموده و باین عبارات آنرا ختم مینماید : « و بهمین جهت استکه در آتیه نزدیکی بانتشار جریده کوهرنک مبادرت و تا آنجا که محیط اصفهان با آنهمه محدود بودن وسایل کار اجازه دهد يك نشریه قابل استفاده در دسترس همشهریان عزیز خویش بگذارم . روزنامه کوهرنک در نیمه ماه شهریور و در صورت فراهم شدن اسباب کار حتماً در اول مهر ماه بصورت يك روزنامه مفید اجتماعی و ادبی منتشر خواهد شد . ما سعی خواهیم کرد که این روزنامه برای مشترکین محترم اخگر بطور مجانی و برای دیگران بناز لتر بن قیمت های ممکنه فرستاده شده و خلاصه در آینه یکی از آثار سودمند این عمر بشمار آید . اصفهان امیر قلی امینی مدیر اخگر . » ولی مناسفانه این وعده هیچگاه صورت عمل بخود نگرفته و از روزنامه کوهرنک هاسم که یاد آور شدیم بیش از این طلیعه منتشر نشده است .

(۹۴۱) کیان

در تاریخ هشتم آذر ماه ۱۳۰۴ شمسی امتیاز روزنامه کیان بدیبری (محمد اسماعیل خان شریف قمشه‌ای) در اصفهان تصویب شورای عالی معارف گذشته ولی این روزنامه هیچگاه انتشار نیافته است . میرزا اسماعیل خان کیان از اشخاص کاردان و برجسته شهرضا و از کسانیست که در راه پیشرفت امور مردم شهرضا در هر قیمت فدمهای بزرگی بر داشته نامبرده در تاریخ يك شنبه ۱۷ مهر ۱۳۲۲ شمسی در موطن خود شهرضا دار دنیا را بدرود گفت .

(۹۴۲) کیمیا

روزنامه کیمیا در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (پرفسور - م مجد زاده) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . روزنامه کیمیا بطور هفتگی و در عنوان آن روزنامه (علمی - ادبی - تاریخی) معرفی شده است . در تمام شماره ها این سطر در زیر عنوان روزنامه درج است . « شماره های این روزنامه را مریاض ضبط کنید که در آخر هر سال صاحب سه کتاب نفیس جدید علمی و ادبی و تاریخی خواهید بود » منظور از سه کتاب جدید یکی (تاریخ انقلاب ایران) و دیگر کتاب « طب جدید » و سوم « کتاب اصول طب » میباشد که در هر شماره قسمتی از آنها درج شده است . جای اداره روزنامه : طهران . سرچشمه . چهار راه سادات اخوی . قیمت اشتراك طهران یکساله دو تومان . شش ماهه ۱۲ قران . ولایات بترتیب ۲۵ قران و ۱۵ قران

تک نمره شش شاهی . اعلانات سطری دو قران . روزنامه کیما با چاپ سری و معمولاً در چهار صفحه بقطع وریری چاپ شده و مندرجات آن بغیر از سه کتابی که در بالا ذکر کردیم اشعار است از مرحوم مجد الاسلام کرمانی ، پدز مدیر روز نامه و ادیب الممالک و دیگران . شماره ۹ و ۱۰ روزنامه یکجا در ۸ صفحه با چاپ سری در مطبعه «تمدن تهران» طبع و در تاریخ ۶ اسفند ماه ۱۳۰۶ شمسی مطابق ۴ رمضان ۱۳۴۶ قمری منتشر شده است . در این شماره در صفحه اول «بهاریه» و «تغزلی» چاپ شده و بهاریه آن بدین شعر شروع میگردد :

باز زمین را بهار ساخت مرصع از گل وریحان ولاله طرز مشعشع
باد صبا کرد بوعروس چمن را از طرف شاه نو بهار مخلص .
مطلع تغزل نیز بدینقرار است :

قرار داد من و تو بتا سیاسی نیست ز روی نقشه و افکار دیپلماسی نیست
حدیث عشق و محبت بود نه قول و قرار قرار لیره و تقسیم اسکناسی نیست
پس از این قسمت اشعار مجد الاسلام در باره (اوضاع عدلیه سابق و یا شهر خاموشان) در صفحه هشتم نیز اشعاری تحت عنوان (اندرز پارسی) از مرحوم مجد الاسلام کرمانی طبع گردیده است . و در شماره ۱۳ و ۱۴ سال اول تحت عنوان (حکایت آدم ابوالبشر و جنگ بین الملل) اشعاری چاپ شده که باین مطلع شروع میشود :
گذشت عمر و ندارم زرقش افسوس بگو بمرک بیا تا زخم پیاپیش بوس
در هر شماره بالای اسم روزنامه این شعر بعنوان شعار چاپ شده است : « سخن در کیمای جسم و جانست - اگر خود کیمایی هست آنست . »

(۹۴۲) کیوان

در جلسه سیزدهم اسفند ۱۳۱۹ شمسی شورای عالی فرهنگ صلاحیت آقای ربیع انصاری را برای چاپ و نشر روزنامه کیوان در رضائیه تصویب نموده است . روزنامه کیوان بدیری آقای انصاری چندی در رضائیه منتشر میشد و در وقایع آذربایجان و آمدن دموکراتها بآن صفحات باصفهان منتقل گردید و دوشه سال در اصفهان منتشر میشد و باز برای دفعه دوم برضائیه رفت و روزنامه کیوان تا اواخر سال ۱۳۳۰ شمسی در شهر رضائیه منتشر میشد . با اینکه نمونه های زیادی از این روزنامه چا از هنگامیکه در رضائیه نشر شده و چه از نمونه های اصفهان بتعداد زیادی در دست است اما چرن بیشتر دوره انتشار آن مربوط ببعد از سال ۱۳۲۰ است لذا شرح آنرا مفصلاً در ذیل کتاب ذکر خواهیم کرد .

حرف‌الکاف

(۹۴۳) گذران توده

روزنامه گذران توده در شهر رشت بدیری و صاحب امتیازی (میرزا خلیل یوسف

زاده نوعی (تاسیس و منتشر شده است . این روزنامه ابتدا موسوم به (معیشت ملی) بوده و امتیاز روزنامه باین نام در تاریخ ۱۵ تیر ۱۳۰۵ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است . پس از آنکه مدتی روزنامه بنام معیشت ملی منتشر میشده تغییر نام داده و باسم گنران توده انتشار یافته است . آقای خلیل نوعی مدیر روز نامه در نامه‌ای که بنکارنده مرقوم نموده یاد آور نشده اند که در چه تاریخی این تغییر اسم پیدا شده و فقط یاد آور شده‌اند که در سنه ۱۳۰۵ شمسی موفق بتحصیل امتیاز جریده موسوم بمعیشت ملی شدم .

روزنامه گنران توده و یا معیشت ملی پس از وقایع شهریور بار دیگر تغییر اسم داده و بنام (سپید رود) در طهران منتشر شده است . روز نامه سپید رود که بصاحب امتیازی و سردیری (خلیل نوعی) و در تحت نظر (هیئت تحریریه) اداره میشده شماره مسلسل ۲۰۹-۸ آن روی یک ورق بزرگ در تاریخ سه شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۲۵ شمسی انتشار یافته و این تاریخ مطابق با سال بیستم روزنامه بوده است . از روزنامه معیشت ملی در حرف میم کتاب در همین مجلد گفتگو خواهیم کرد آقای خلیل نوعی در تاریخ ششم اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ در پاسخ نامه نگارنده شرح حال خود را اینطور مرقوم داشته اند :

«تاریخ نامه نگاری از سنه ۱۳۰۵ آغاز و تا امروز در این خدمت ادبی و اجتماعی بدون وقفه و تعطیل پایداری کرده ام . قبل از نامه نگاری که شغل رسمی اینجانب اختصاص بتجارت روسیه داشت بپیچوجه تصور نیکردم که یک روزی داخل این خدمت ادبی واجتماعی خواهم شد زیرا تجارت را که مسافرت با آن همراه باشد بی اندازه دوست دارم که بواسطه تغییر اوضاع جهانی و پیش آمد های مکرر که تمام بر زیان تجارت همگانی تمام شده دار و ندار تجار را در معرض تحولات قرار میداد ناگزیر مرا از عمل تجارت باز داشت و بنامه نگاری آشنا کرد باین معنی پس از انقلاب گیلان که دوره سعادت وخوشبختی ایرانیان آغاز شده قلع و قمع ملوک الطوائف ایران را بسیر اقتصادی وادار میکرد از لحاظ ایقاظ و راهنمایی در جراید محلی بنشر مقالات اقتصادی و تجارنی با ذوق و عشق زایدالوصفی مبادرت نموده . کم کم فکر تاسیس چاپخانه و نامه نگاری وتشویق دوستان که نگارشات ناچیزم را حسن تلقی مینمودند وحلاوت نگارشات اجتماعی نیز ذوق وقریبه تحریر را تهویت وتبیین مینمود بفرکتحصیل امتیاز روزنامه افتاده تادرسه ۱۳۰۵ موفق بتحصیل امتیاز جریده موسوم بمعیشت ملی شدم .

مقالات مهم اقتصادی من عبارت از انحصار تجارت خارجی - لغو امتیاز بانک شاهنشاهی - استقلال اقتصادی - جنگ سرمایه - طرق تاسیس شرکتهای سندیکاها - نفت در سیاست بین الملل و در این قبیل مسائل اساسی وحیاتی دور زده که الحمدلله با توجه شاهنشاه محبوب انجام و آنچه که از خدا طلب میکردم کامیابی حاصل آمد ولی باید دانست قبل از شروع بنامه نگاری که ذوق اداره کردن یک جریده اقتصادی در محیط ثروت خیز گیلان کمک قلمی ادبانه محلی را نیازمند بود اوضاع اقتصادی ار

کمک قلمی ادب‌آه معلی‌معروم و دوستان نویسنده هریک در مشاغل ملی و دولتی سرگرمی پیدا کردند و این سبب شد تنظیم هرگونه مقاله و اخبار را شخصاً عهده بگیریم که بدیهی است این وضعیت انسان را از تهیه عواید که وسعت نشریات منوط بآنست باز میدارد. در هر حال ادامه نامه نگاری منوط بوجود چاپخانه اختصاصی است که در بدو نامه نگاری در رشت تأسیس نمودم و چون تکمیل وسائل چاپ از هر حیث برای من غیر مقدور بود چاپخانه های رشت را دعوت بشرکت و اتحاد نمودم تا پس از ۱۴ سال بتشکیل شرکت سهامی چاپ با سرمایه چهارصد هزار ریال توفیق حاصل گردید که امید است در اثر اقدامات هیئت مدیره و اهالی معارف پرور وسائل چاپ درآئیه کامل گردد و یادگار نیکی در گیلان باقی بماند.

در دوره نامه نگاری گذشته از نشر رساله های اقتصادی دو جلد کتاب تألیف و انتشار داده ام اولی موسوم بتاریخچه زندگانی دومی موسوم بگذشتگان که حاوی تاریخ مشروطیت ایران است. محل تولد نگارنده اردبیل در سال ۱۲۶۹ می باشد. خلیل یوسف نوعی مدیر و نگارنده روزنامه گذران توده معیشت ملی سابق رشت»

(۹۴۴) گفتار راست

روزنامه گفتار راست در شهر شیراز بدیری آقای (سید نورالدین گلستان) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمس منتشر شده است. ظاهراً آغاز انتشار این روزنامه در اسفند ماه سال مذکور بوده و تا چهار سال دوام داشته و طرز انتشار آن هفتگی بوده است. مجله تحفه‌الادب‌آه در شماره دهم مورخ اسفند ۱۳۰۱ بعنوان تقریظ راجع باین روزنامه مینویسد: «نامه نامی گفتار راست از افق مطبوعات فارس طالع و از منسوجات مفیده اش لغت واقعی بردیم. موقبت کارکنان آنرا از خداوند خواهانیم»

(۹۴۵) گل آتشی

مجله گل آتشی در شهر شیراز بمسئولیت آقای نوبخت و بدیری آقای حسام زاده خوشنود تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمس منتشر شده. شماره اول این مجله در دلو ۱۲۹۹ منتشر شده و روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان طلوع آنرا در شماره ۴۸ سال اول خود بدینقسم ذکر کرده است: «مجله شریفه گل آتشی که درچندی قبل طلوع آنرا بشارت دادیم اینک با سبکی نیکو از آسمان معارف شیراز بدیریت آقای نوبخت مدیر بهارستان و دنیای ایران طلوع نموده است.»

مجله فکاهی گل آتشی قبل از انتشار موسوم به (گل سرخ) بوده و در اعلانات متعددی که درجراید آن ایام منتشر شده انتشار مجله (گل سرخ) را بنام نوبخت وعده داده است و ما برای نمونه یکی از این اعلانات را بنقل از روزنامه زبان زنان چاپ اصفهان شماره ۲۴ سال دوم مورخ شنبه ۲۱ سنبله ۱۲۹۹ شمس ثبت مینماییم: «ار آنجائیکه ثبات اعتماد بنفس عالیترین صفات انسانی است بهارستان بهارستان را»

که بتصدیق بینان تا کنون راه ترقی را پیموده است ادامه داده و علاوه مجله بنام (دنیای ایران) تأسیس و تا شماره سوم آنهم طبع و نشر شده و بخواست خداوند و اعتماد و اتکائیکه بخود داشته و داریم هر دو نامه را ادامه خواهیم داد چون بهارستانیان در نظر دارند که عموم خاصه بطبقه سوم اهالی و سواد اعظم خدمت خود را تکمیل کنند اخیراً تصمیم نموده اند که نامه فکاهی، انتقادی، علمی و سیاسی با زبانی ساده که در هر بازده روزی طبع و نشر شود بنام (گل سرخ) تأسیس نمایند آقایان محترم را خاطر نشان مینماید که این نامه با یک سبک مطلوب مستحدث قدم بعالم مطبوعات خواهد گذاشت و قسمتهای فکاهی آن خیلی جالب خواهد بود. قیمت این مجله خیلی ارزان است فقط به ۱۵ قران یکسال میتوانند این نامه را اشتراک نمایند هر کس طالب است قیمت آنرا قبلاً بوسیله امانت پستی یا تبریکشاهی و سه شاهی یا برات تجارتنی ارسال داشته تا اسم ایشان در دفتر مشترکین ثبت گردد. نوبخت صاحب و نگارنده جریده بهارستان و مجله دنیای ایران شیراز ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۸

از شرح مذکور و اعلانات دیگریکه در جراید آن ایام بهمین مضمون نشر شده معلوم میگردد که آقای نوبخت درصدد انتشار مجله بنام (گل سرخ) بوده و چون امتیاز این نام را مدیر گلستان گرفته آقای نوبخت مجله خود را بنام گل آتشی منتشر نموده است. در این باره نیز اعلانی در شماره ۳۸ سال دوم روزنامه زبان زنان مورخ ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۹ قمری بدین شرح نوشته است: «گل آتشی مطابق شرحیکه از اداره روزنامه بهارستان از شیراز رسیده روزنامه ایکه موسوم به (گل سرخ) قرار بود از حوزه بهارستانیان انتشار یابد و چون بعداً امتیاز آنرا مدیر گلستان گرفتند و بنابراین بهارستانیان روزنامه مذکور را بهمین پروگرام که قبلاً انتشار داده بودند وعده میدهند بهمین زودیها بنام (گل آتشی) چنانچه درمراسله مذکوره شرح داده اند و همچنان اعلان آنرا چند ماه پیش داده بودند، سزاوار بود آقای مدیر گلستان بنام گل سرخ امتیاز میخواستند ورنهش بهارستانیان که دریک ایالت، هم‌مقدم نشسته اند، چنین آتشی نمیگردند.». مجله گل آتشی مدت یکسال یا یکسال و نیم منتشر شده و در موقع کودتای سوم حوت چون مجله و روزنامه نوبخت طرفدار کودتا بوده مورد حمله مخالفین واقع گردیده و مدتی کناره گرفته و متعاقب آن پس از چندی بطهران حرکت کرده است.

(۹۴۶) گلبن

مجله گلبن در سال ۱۳۱۵ شمسی در طهران بطور ماهیانه تأسیس و منتشر شده است.

(۹۴۷) گل‌بهار

روزنامه گل‌بهار در شهر یزد بدبیری آقای (ع. مولوی) و سردبیری آقای محمدکیوانفر در سال ۱۳۱۲ شمسی تأسیس و منتشر شده است. شماره ۲۶ سال دوم

روزنامه با چاپ سنگی روی يك ورق طبع و در تاريخ سه شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۱۴ مطابق ۲۷ ذیحجه ۱۳۵۳ قمری منتشر شده . مسلك روزنامه ادبی ، اخلاقی ، اقتصادی و طرفدار معارف معرفی گردیده . محل اداره : یزد . دفتر مطبعه ایران و گلبهار . بهای آبونمان . داخله سالیانه ۳۰ ریال ، شش ماهه ۲۰ ریال ، تک شماره ۳۰ دینار قیمت اعلانات با دفتر اداره است . طرز انتشار روز نامه ابتدا هفتگی و بعد هفته سه شماره بوده است . مندرجات گلبهار پس از سرمقاله که غالباً مربوط باوضاع محلی یزد میباشد عبارت از اخبار شهری و مختصری از اخبار خارجه و ترجمه از مجلات خارجی و غیره میباشد . آقای عبدالمولی مولوی از خدمتگذاران مطبوعات و مطبعه بنام مطبعه گلبهار در یزد دائر نموده است .

گلزار (۹۴۸)

مجله گلزار در سال ۱۳۰۱ شمسی در طهران بطور ماهیانه تأسیس و منتشر شده است

گل زرد (۹۴۹)

مجله گل زرد در طهران در تحت نظر و بدیبری میرزا یحیی خان - ریحان در سال ۱۳۳۶ قمری تأسیس و شماره اول آن در شعبان سال مذکور منتشر گردیده است . این مجله هر پانزده روز یکمرتبه طبع و توزیع میشده و شماره دیم آن در تاریخ ۱۲ رمضان ۱۳۳۶ منتشر گردیده است .

وجه اشتراك سالیانه مجله بدین قسم معین شده : در تهران و سایر ولایات ۲۰ قران و در فرنگستان ۳۰ قران . و قیمت تك نمره در تهران ۷ شاهی و در ولایات ۸ شاهی در شماره ۲ ص ۳ سال اول در اثر شوق و رغبتی که عموم جوانان و اطفال در خواندن گل زرد پیدا نموده مدیر مجله آبونمان یکساله مجله را برای دختران و پسران و کلیه اطفال مکتب از دو تومان به پانزده قران تخفیف داده و نیز زنها ی بی بضاعت و کسبه بازار را مشمول همین حکم دانسته است . بنا بر این برای این قبیل اشخاص آبونمان سالیانه ۱۵ قران بوده است .

در همین شماره محل تکفروشی مجله نقاط ذیل در طهران معین شده است : ناصریه کتابخانه گنج دانش ، بالای لاله زار کتابخانه حسینی . چهارراه حسن آباد درمانستان جاوید .

قیمت تک نمره نیز از شماره ۴ در همه جا شش شاهی شده است . و برای این تخفیف دفتر مجله در ص ۳ شماره ۴ شرح مفصلی تحت عنوان (گل زرد در دست مردم) نوشته و در آنجا حساب مختصری از تك فروشی مجله نموده و از استقبال شایانیکه مردم نسبت بقرات مجله نموده سپاسگذاری کرده و در خاتمه متذکر شده است : حق آن بود که وزارت جایله معارف با اداره گل زرد که بتوسط يك عده از بهترین نویسندگان و شعرا ی دانشمند جوان اسباب قرانت عده کثیری از هموطنان خود را فراهم

آورده و مدخلیت تامی با عالم ادبیات ایران دارد همراهی شایانی نبوده و نگذار د اسباب دلسردی کارکنان آن فراهم بیاید .

چنانچه اشاره نموده ایم گل زرد مجله ایست ادبی و اشعار آن در طرز نوین شعر و انقلاب شعری ایران کمک بزرگی نموده و در حقیقت گویندگان اشعار این مجله باین سبک پیشروان سبک انقلابی شعر فارسی بوده اند .

اشعار فکاهی و ادبی بامضای (جوجی) و (زره) و (لغتی) در این مجله دیده میشود که در محل خود قابل خواندن است .

اشعار بامضای (لغتی) متعلق با آقای میرزا سید عبدالعزیز خان (حسابی) است در شماره دوم بمناسبت انتشار آن در ماه رمضان اشعاری بامضای (جوجی) تحت عنوان (ماه رمضان است) درج شده که دو فرد اول آن این است :

ای یار بده مؤده که ماه رمضان است	✽	ماه رمضان است
شد وقت دعا خواندن و هنگام اذان است	✽	ماه رمضان است
ماه رمضان است و بر و جانب مسجد	✽	ای مردک عابد آه

در همین شماره اشعاری بامضای (زره) تحت عنوان « دکترای پول ندارم بطلی » آورده شده که بند اول آن این است :

سوی بازار روان گسردیم	✽	نا که از دور حکیمی دیدم
راستی خیلی ازش تر سیدم	✽	این سخن را ر یکی بشنوم
دکترای پول ندارم بطلی	✽	دخل مقول ندارم بطلی

در شماره سوم « مورخه ۲۷ رمضان المبارک ۱۳۳۶ » نیز اشعاری بامضای « جوجی » تحت عنوان (خوشه چینی !!) مندرج که قسمتی از آن این است :

ای بچه‌ها بیاید شد وقت خوشه چین ✽ باید میان حاصل از هر طرف دویدن .
باداس خوشه‌ها را یکباره سر بریدن ✽ تا کی ر دست گردون جور و - م کشیدن .
شد وقت عیش و شادی روز بدو بدو شد

هم فصل خوشه چینی هم موقع درو شد
نیروز بهر گردش رفته میان صحرای ✽ تا بر مزارع سبز یک دم کنم تماشا
ناگاه پیرمردی دیدم من اندر آنجا ✽ با طفل خویش میگفت مردم که جان بابا

شد وقت عیش و شای روز بدو بدو شد
هم فصل خوشه چینی هم موقع درو شد

در همین شماره اشعاری بامضای (لغتی) تحت عنوان (نزدیک از ممرکهای مسجدشاه) درج است که قسمتی از اول آن ذیلا ذکر میشود : **آمرشد - پسر جون**
امسال عجب سال غریبی است آمرشد ✽ در شهر های هو ی عجیبی است آمرشد
از غم همه راسهم و غصیبی است آمرشد ✽ اما نه حکیمی نه طبییبی است آمرشد
ای دادار این شهر شرر بار آمرشد

ما از همه جا قصه شنیدیم پسر جون ✽ زین شهر بدان شهر دویدیم پسر جون

چون مرغ بهر سوی پریدیم بسر جون ❖ يك شهر چنین شوم ندیدیم بسر جون
کس نیست از این قصه خبردار آمرشد
گل زرد در مطابع سربی مختلف طهران مانند (مطبعه تمدن) و مطبعه (روشنائی)
طبع شده است . در شماره ۱۹ مجله مورخ ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۷ قمری تحت عنوان
(آری یا نه) بامضای ذره اشعاری چاپ شده که دو شعر اول آنها چنین است .
باغها يك سره امروز معطر شده است ❖ کوه صحرا همه پرزینت و زیور شده است
از گل ولاله جهان یکسره محشر شده است ❖ تا به بینیم چه امسال مقدر شده است
بهر امسال تو تقویم خریدی یا نه
دش حسن حال بقصود رسیدی یا نه

این اشعار يك صفحه مجله را فرا گرفته است . محل اداره مجله گل زرد
طهران خیابان لاله زار و قیمت آبونمان بطور مطلق دو تومان و تک نمره شش‌شاهی
است . اسم روزنامه (گل زرد) بخط نسخ درشت در عنوان مجله نوشته شده است
در روزنامه ایران مورخ دوشنبه ۲۰ ذیحجه ۱۳۴۱ قمری مطابق اسد ۱۳۰۱ اعلانی
از طرف (دفتر گل زرد) چاپ شده که شماره فردای گل زرد جالب توجه است و
نیز در شماره دوشنبه ۱۱ جمادی‌الثانی سال مذکور ایران یاد آور شده که جریده
گل زرد امروز منتشر شد . از این دو اعلان معلوم میشود گل زرد تا سال مذکور کم
و بیش منتشر میشده است .

در شماره سوم مجله دانشکده چاپ طهران مورخ ۱۳۳۶ قمری شرحی بدینقسم
تحت عنوان (گل زرد) نوشته است : « مجموعه گل زرد که در تحت نظر آقای
میرزا یحیی خان ریحان عضو دانشکده و بساعادت عدّه از جوانان هوشمند ماهی دویار
نشر میشود در حقیقت نمونه‌ایست از طرز ادبیات جدیدی که بلسان عمومی و برای فهم
بازاریان و کلیه عوام با جلب توجه خاص ایجاد شده و امید میرود که با تشویق ادبا
و فضلا این سیاق نظمی و نثری رایج شده و این ورقه ترقی نماید . این مجموعه بدستور
مجمع دانشکده ایجاد شده است . مجمع دانشکده در این مجموعه مستقیماً نظری ندارد
ولی اطمینان بترقی و صلاحیت آن دارد . »

نمره یازدهم سال سوم گل زرد در تاریخ شنبه ۲۳ محرم و نمره ۲۱ سال چهارم
آن در تاریخ دو شنبه ۸ جمادی‌الاول منتشر شده . در سال سوم و چهارم مجله گل زرد
بمدیری (س . ابراهیم - الفت) و همه جا مؤسس « ریحان » معرفی شده و در سایر
خصوصیات مانند سال اول و دوم است . نمره ۳۱ سال چهارم که آخرین شماره سال
چهارم میباشد بمدیری آقای الفت و در تاریخ دو شنبه ۱۹ ذی‌قعدة الحرام « بدون ذکر
سال » منتشر شده و نگارنده فلا تا همین شماره در دست دارم . سر مقاله این شماره
اشعار است بعنوان (قسمت ادبی) بدینقسم :

مملکت از چه پر از هلهله و شور و نواست . این زبی حسی ماست
هر طرف مینگر م‌فتنه و شوری بر پاست . این زبی حسی ماست

برون در جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران (ص ۳۴۳ ترجمه کتاب) در جائیکه از مطبوعات ایران بعد از جنگ بین‌المللی نام میبرد مینویسد « اما هیچ يك از این ها (منظور مجلات فارسی است) در خوبی مطالب و زیبایی شکل بایرانشهر نمی‌رسند و بطریق اولی با کلاه نیز برابری نمی‌کنند اما از این حکم گویا میتوان مجله گل‌زرد را مستثنی دانست . این نامه در اواخر اگست ۱۹۲۰ در طهران تأسیس گردید و مدیرش میرزا یحیی‌خان ریحان اشعاری بتخلص ریحانی سروده در آن طبع می‌کرد »

(۹۵۰) گلستان

روزنامه گلستان در شهر رشت بمدیرزی (آقا.محمد حسین رئیس‌التجار) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در تاریخ ۱۴ شعبان ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و بنا بر نوشته برون (ص ۱۲۹ تاریخ مطبوعات) از روزنامه گلستان جمعاً چهار شماره نشر شده و شماره آخر که شماره چهارم باشد در اول ذیحجه انتشار یافته است . برون مینویسد من این چهار شماره را در دست دارم و هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۶ و سه چهارم در ۱۱ اینچ و وجه اشتراك آن از اینقرار است : برای ابرانیان غیرت و انصاف و برای خارجیان عدالت و مساوات . در ضمن نامه که از رشت برای روزنامه مساوات طهران فرستاده شده و آن نامه در شماره ۵ سال اول مساوات مورخ ۱۰ شوال ۱۳۲۵ چاپ شده شرحی راجع بآبونه روزنامه گلستان رشت نوشته که بی مناسبت نیست آنرا نقل نمائیم . در این نامه مینویسد : « چه شد آن غیرت و تعصب مجاهدین غیور که آوازه وطن پروریشان گوشزد تمام بلاد بود مدیر معترم گلستان رشت گویا از وجوه آبونه خود چیزی جمع آوری نکرده تا در این موقع بمصرف برساند . (گلستان جریده است در رشت که وجه آبونه اش در بلاد داخله غیرت و انصاف و در خارجه تعصب‌منهی و وطن پرستی بقلم آقای محمد حسین رئیس‌التجار است »

(۹۵۱) گلستان

روزنامه گلستان در شهر شیراز بمدیرزی آقای (سید محمد تقی گلستان) تأسیس و در سال ۱۲۹۷ شمسی منتشر شده است . روزنامه گلستان از روزنامه های و زین و آبرومند شیراز بوده و تا حین تحریر این قسمت منتشر می‌گردد . شماره های ۲۲ و ۲۳ سال دوم گلستان در برج اسد و شماره های ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ از سال دوم آن در برج قوس و شماره های ۴۶ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۱ از سال دوم آن در برج جدی و شماره های ۵۲ ؛ ۵۳ در برج دلو و شماره های ۱ ؛ ۲ ؛ ۳ ، ۴ از سال سوم گلستان در برج حوت سال ۱۲۹۹ شمسی بداره مجله فلاح و تجارت واصل شده است . روزنامه توفیق مورخ دو شنبه ۱۷ دیماه ۱۳۱۳ شمسی شروع هیجدهمین سال آنرا بدین قسم تبریک گفته است : « روزنامه گلستان شیراز

سال هفتم خود را بیابان رسانیدم و اکنون وارده بجد مینمیرم. جمله جریده نگاری خود گردیده‌ام. این وقت در آق‌آباد هی گلستان مدیر دانشندش تبریک گفته و بقاء آنرا خواهانیم. « روزنامه گلستان در سال دوم خود، هنگامیکه فرمانفرما والی فارس بوده، دوچار توقیف گردیده و پس از چندی بعلت فشار مطبوعات از توقیف خارج شده است. روزنامه اختر محمود چاپ اصفهان در شماره ۱۵ سال اول خود مورخ ۲۲ نور ۱۲۹۹ شمس راجع بتوقیف گلستان مینویسد: « مطابق مکتوب واصله از شیراز جریده گلستان یکماه است توقیف شده است. « در شماره ۱۹ همین روز نامه مینویسد با معارف پروری آقای فرمانفرما والی ایالت فارس بچه مناسبت مدتیست بدیسه بعضی مفتخواران بی باک روزنامه گلستان توقیف شده. پس از آن بنام قانسون آزادی مطبوعات تقاضای رفع توقیف از روزنامه را نموده است.

این توقیف دوام زیادی پیدا نکرده بوسیله روزنامه زبان زنان مورخ ۱۴ ذیحجه ۱۳۳۸ خبر رفع توقیف آنرا اینطور نوشته است: « روزنامه گلستان که چندی پیش معلوم نبود چرا و بچه وسیله توقیف شده بود اینک مجدداً از افق شیراز درخشیده شده است و با این پست شماره ۱۱ و ۱۳ آن رونق افروز اداره ما شد. علت این توقیف بنا بتقاضای جمعی از علمای شیراز از قبیل شیخ معین و شیخ علی و غیره بوده که در روزنامه راجع بتبریت نوان شرحی نوشته بوده است.

شماره ۸ سال دوم روزنامه گلستان که در عنوان آن (صاحب و مدیر سیاسی) س. ملك الحق بن هوی معرفی شده در چهار صفحه بقطع وزیری بزرگ با چاپ سنگی در مطبعه (محمدی) شیراز طبع و در تاریخ شنبه ۷ حمل ۱۲۹۹ منتشر شده است. بهای گلستان: شیراز سالانه ۴۰ قران؛ ۶ ماهه ۲۲ قران و سه ماهه ۱۲ قران و در دخیله بترتیب ۴۵ و ۲۵ قران معین گردیده است این شهر گلستان (از گلستان من بیرورقی) بعنوان شمار بالای اسم روزنامه چاپ شده است.

روزنامه گلستان مورخ ۸ قوس ۱۲۹۹ سال اول آن بعنوان (اخبار شیراز) این خبر را درج کرده است: « میهمانان عزیز آقای مساوات و آقای میرزا محمد علی خان کلوی و آقای ناصر الاسلام و آقای کرازی و آقای نیرالسلطان و جمعی دیگر از احرار و آزادیخواهان که در پنجسال قبل بواسطه پاره پیش آمدهای سوء از ایران بارو با هجرت کرده بودند در هفته گذشته بشیراز ورود و از طرف هم ملکان آقایان دموکرات استقبال از آقایان بعمل آمد. « چون خبر مذکور مشتمل بر اساسی چند تن از ارباب جراید بود آنرا نقل کردیم و نیز در شماره مورخ ۲۴ قوس ۱۲۹۹ در باره دو روزنامه (اقتصاد ایران) و (سلامت) بنطور مینویسد:

اقتصاد ایران - پس از مدتی زجر کشیدن و توقیف شدن اخیراً شماره‌های ۱۴ و ۱۵ اداره گلستان رسیده. با قلبی مملو از محبت موقت مدیرش را تبریک میکنیم. سلامت - جریده سلامت که مدتی تعطیل بود اینک شروع بسال دوم کرده شماره اولش با تفسیر قطع اداره رسیده است.

روزنامه گلستان مدتی یومیه بوده و هر نوبت در چهار صفحه طبع و منتشر میشده شماره ۱۹۴۷ سال نوزدهم آن که عنوان یومیه داشته بصاحب امتیازی و مسئولی (س. تقی گلستان) در چهار صفحه با چاپ سری (مطبعه موسوی شیراز) طبع و در تاریخ شنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۱۵ مطابق ۲۱ شعبان ۱۲۵۵ قمری منتشر شده است. محل اداره روزنامه: شیراز سرباغ (دره‌مین شماره اعلان تغییر محل گلستان از سرباغ بدربند نزدیک دبیرستان سلطانی چاپ شده است). اشتراك یگساله ۷۰ ریال خارجه يك پهلوی تك شماره نیم ریال. مندرجات روزنامه گلستان مانند سایر جراید ولایات عبارت از اخبار و مقالات گوناگون است. در شماره مذکور نیز سر مقاله آن عنوان (تأثیر تمدن اسلام بر تمدن اروپا) ترجمه از مجلات دیگران است و در صفحه دوم اخبار خارجه و صفحه سوم و چهارم مخصوص آگهیهای ثبتی است. سر مقاله شماره ۱۹۴۸ روزنامه تحت عنوان (قیامت سعدی) و بقلم آقای استخر است.

روزنامه گلستان تا سال ۱۳۳۱ شمسی منتشر میشده و در این سال مطبعه و اداره آن بدست جمعی آتش زده شد و از آن پس منتشر نشده است. آقای گلستان در امور سیاسی و اجتماعی فارس وارد و از اینراه خدماتی بهمشهریان خود نموده وی از طرف اهالی فارس بنمایندهگی مجلس مؤسسان دوره اول انتخاب شد و در مجلس مذکور عضو هیئت رئیسه بود. آقای گلستان مدتی نیز شهردار شیراز بوده است.

(۹۵۲) گلستان سعادت

روزنامه گلستان سعادت در طهران در سال ۱۳۲۵ قمری بدبیری (میرزا نصرالله خان) بطور هفتگی تأسیس و شماره اول آن در ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. برون که شرح مذکور را نوشته اضافه میکند که هر نمره این روزنامه در چهار صفحه با چاپ سنگی و خط تعلیق چاپ شده و وجه اشتراك آن در طهران ۲۰ قران؛ در روسیه ۶ منات؛ در هندوستان ده منات و در اروپا ۵ فرانك است. روزنامه چهره نما چاپ مصر مورخ دهم جمادی الاول ۱۳۲۶ قمری در فهرست جراید منتشره مینویسد روزنامه گلستان در طهران بدبیری (میرزا نصرالله) منتشر شده است.

(۹۵۳) گل سرخ

مجله گل سرخ در شهر شیراز بدبیری آقای تقی گلستان تأسیس و شماره اول آن در برج جدی سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است.

مجله حقیقت چاپ اصفهان در شماره ۱۱ سال دوم خود مورخ ۱۸ حوت ۱۲۹۹ شمسی طلوع این مجله را بدینقسم مینویسد: «مجله شریه گل سرخ که عندلیب گلستان سخن سنجان را در افاضای هر پاره زده روز از انتظار و شکفتنی خود بی تاب میکند اداره ما را منور و مطرب نموده. ماموقیت یکا۹ دانشمند بارع آقای ملك المحققین مدیر محترم و کارکنان آن اداره را از خداوند مستات نموده اشتراك سالیانه شیراز ۱۲

قران . سایر نقاط ۱۳ قران .

آقای ملك المحققين گلستان همان مدیر روزنامه گلستان است که نام ایشان و روزنامه شان را جداگانه ذکر کردیم . هاتقسیم که در ذیل مجله گل زرد یاد آور شدیم ابتدا آقای نوبخت در نظر داشته است مجله بنام گل سرخ در شیراز منتشر نماید و اعلانی بشرح زیر درج نماید و مجلات آن ایام منتشر نموده : « گل سرخ - از آنجائیکه ثبات اعتماد بنفس عالیترین صفات انسانی است بهارستانیان بهارستان را که بتصدیق بینایان تاکنون راه ترقی را پیموده است ادامه داده و علاوه مجله بنام (دنیای ایران) تأسیس و تا شماره سیم آنهم طبع و نشر شده و بخواست خدا و اعتماد و اتکاتی که بخود داشته و داریم هر روزنامه را ادامه خواهیم داد . چون بهارستانیان در نظر دارند که عموم خاصه بطبقه سوم اهالی و سواد اعظم خدمت خود را تکمیل کنند اخیراً تصمیم نموده اند که نامه ، فکاهی ، انتقادی ، علمی ، سیاسی با زبانی ساده که در هر پانزده روزی طبع و نشر شود بنام (گل سرخ) تأسیس نمایند . قیمت اشتراک ۱۵ قران . نوبخت صاحب و نگارنده جریده بهارستان و مجله دنیای ایران ، ولی آقای نوبخت بعلت پیشدستی آقای گلستان با انتشار مجله گل سرخ توفیق نیافته و مجله گل سرخ را آقای گلستان منتشر نموده است . شماره سوم مجله گل سرخ در برج دلو ۱۲۹۹ انتشار یافته است

(۹۵۴) گلشن

روزنامه گلشن که در ابتدا چندی بصورت مجله هفته دو بار در مطبعه (باقر زاده) طبع و هر نوبت یکصد نسخه از آن منتشر میشد سردبیری و سردبیری (آقای آسید محمد رضا امیر رضوانی) در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۶ شمسی منتشر شده است . از این دوره گلشن نگارنده نمونه در دست ندارد ولی همین قدر میدانیم که پس از چندی بصورت روزنامه در آمده و مدتی توقیف بوده تا اینکه در نور ۱۲۹۹ شمسی از توقیف خارج و مجدداً با بدایره انتشار گذاشته است .

شماره اول سال پنجم روزنامه گلشن با قطع نزرک و چاپ سربی بدبیری و سردبیری (س . رضا . امیر رضوانی) که دارای شماره مسلسل ۲۸۲ میباشد در چهار صفحه در تاریخ جمعه دوم ذی‌قعدة الحرام ۱۳۳۹ مطابق ۱۷ سرطان ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . سرمقاله این شماره بعنوان (پنجمین سال است) و از همین شماره در باورقی صفحه ۴۸۱ « پلیس لندن تألیف شارلوس انگلیسی و ترجمه میرزا سلیمان خان خسروی » و باورقی صفحات دو و سه رمان « مرد سابقه دار » ترجمه میرزا باقر خان معلم تبریزی چاپ شده . انتشار این شماره پس از آنستکه در کابینه سید ضیاء الدین تمام روزنامه های طهران توقیف شده و مجدداً در تاریخ فوق منتشر شده است و لذا آقای امیر رضوانی در همین شماره از تمام دوستان و رفقاییش که در مدت توقیف روزنامه اظهار همدردی نموده سپاسگذاری کرده است . از مطلب فوق نتیجه میشود که روزنامه گلشن از مخالفین سرسخت سید ضیاء الدین طباطبائی بوده و بشدت

بوی حمله میکرده است. بهر صورت پس از رفتن سید ضیاءالدین باردیگر روزنامه گلشن در سال ۱۳۰۱ توقیف شده و خبر توقیف آنرا روزنامه خلق تحت عنوان باز هم توقیف می‌معا که بدین قسم نوشته است: «جریده شریفه گلشن توقیف گردید خیلی متأسفیم که باینگونه توقیفها چه معلی بیاییم عجالتاً غیر از اظهار تأسف سخن نمیگوئیم تا بعد چه شود.» شماره سوم روزنامه فلق مورخ شنبه ۲۲ برج جدی ۱۳۰۱ شمسی. شماره ۸۱ سال ششم گلشن در تاریخ دو شنبه ۲۷ رمضان ۱۳۴۱ مطابق ۱۴ نور ۱۳۰۲ شمسی و شماره ۱۷ سال هفتم آن که دارای شماره مسلسل ۴۴۲ میباشد در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری «مطبوعه شرکت برادران باقر زاده» طبع و در تاریخ پنجشنبه ۲۳ محرم‌الحرام ۱۳۴۲ مطابق ۱۳ سنبله ۱۳۰۲ منتشر شده است. روزنامه گلشن در این تاریخ هفته دو شماره روزهای یکشنبه و چهارشنبه منتشر میشده و محل اداره آن طهران. خیابان ناصریه. مقابل درب انزلی و عنوان تلگرافی: طهران. گلشن است. وجه اشتراك آن طهران یکساله ۸۰ قران ششماه ۴۵ قران داخله ۹۰ قران و ۵۰ قران. خارجه ۱۰۰ و ۵۵ قران. وجه اشتراك همه جا قبلاً دریافت میشود. تکمره ۸ شاهی. روزنامه گلشن در آن ایام یکی از بهترین جراید پایتخت و مشتمل بر مقالات سیاسی و اخبار داخله و خارجه بوده است و ضمناً مقالاتی در مدح و ذم اشخاص در آن چاپ میشده و منجمله در شماره نمونه یعنی شماره ۱۷ سال هفتم آن این رباعی اثر طبع امیر رضوانی درج است:

ای منتظر الصدرة کیلانی ✪ وی شهره به یشعوری و نادانی
خواهی که زمامدار ما گری تو ✪ خا که ذلیل گشته است ایرانی

مجله فلاح و تجارت و وصول شماره های سال چهارم روزنامه گلشن را بدین نحو بدفتر مجله ضبط کرده است: شماره های ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۱۰، در برج اسد، شماره ۲۳ در برج سنبله، شماره ۲۴ در برج میزان و شماره های ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲ در برج قوس و شماره های ۳۶، ۳۹، ۴۰ در برج جدی و شماره های ۴۲، ۴۳، ۴۴ در برج دلو و شماره ۴۶ سال چهارم در برج حوت و تمام متعلق بسال ۱۲۹۹ شمسی است. شماره ۶۱ سال یازدهم گلشن که دارای شماره مسلسل ۸۱۰ میباشد در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سری (بوسفور) طبع و در تاریخ یکشنبه ۹ مهرماه ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده. در این تاریخ گلشن روزهای یکشنبه و پنجشنبه منتشر میشده و قیمت اشتراك آن مانند سال هفتم است. ظاهراً روزنامه گلشن تا اواخر سال ۱۳۱۴ شمسی که مصادف با فوت مرحوم امیر رضوانی است کم و بیش منتشر میشده است
رضا امیر رضوانی - رضا امیر رضوانی متجاوز از بیست سال بمالم مطبوعات خدمت نموده و تا قبل شب ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱۴ فوت نموده است. آقای ساعی مدیر - روزنامه نسیم شمال بعنوان (ماده تاریخ فوت امیر رضوانی مدیر روزنامه گلشن) در شماره ۲۲ سال شانزدهم روزنامه نسیم شمال مورخ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۵ اشعار زیر را سروده است:

مدیر نامه گلشن امیر رضوانی
از این سراچه فانی که بی ثبات و بقاست
نمود طایر جانش هوای گلشن قدس
روان با کش ازین خاکدان برفت برون
همیشه با همه کس مهربان و خوشخو بود
ز حسن خلق و صفای ضمیر و طبع بلند
ز نظم و نثر همه روزه گونه گونه کهر
تمام عمر همی بود هم او مصروف
فردی گشت دل جمله اهل مطبوعات
خدای شاد کند روح او بگلشن قدس
ز عقل سال و فانش چو خواست ساعی داد
بکسا چار عدد از امیر رضوانی

۱۳۱۴

که بود شاعر و نامه نگار و چاهه سرا
برفت و کرد روانش مکان بملک بقا
ز خوق ارقس تن پر ید بی پروا
بداد ایزدش اندر ریاض رضوان جا
ساخت رنجه دلی را ز خویش درد دنیا
بهیچ کس نپسند ید غیر مهر و وفا
نثار کرد بسردم ز طبع گوهر را
بخدمت وطن و اهل آن بصدق و صفا
زمرک او که غم انگیز بود و جانفرسا
دهد متمام مر او را به جنت المأوا
چنین جواب بدو کی سخنوردا نا
که تا شود بتو سال وفات او پیدا
ساعی نسیم شمال

(۹۵۵) گلگون

روزنامه گلگون در شهر همدان تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی هفته سه بار

منتشر شده است .

(۹۵۶) گلوش

مجله گلوش در شهر شیراز تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است .

(۹۵۷) گمرک

مجله گمرک از انتشارات اداره کل گمرک بوده و در طهران منتشر شده است .
انتشار این مجله ماهانه بوده و شماره اول آن در آذر ۱۳۰۸ شمسی نشر شده و مرتباً
تا آخر سال ۱۳۱۰ شمسی جمعاً ۲۸ شماره انتشار یافته است . این مجله برای تجار
و کسانی که علاقه های تجارتی دارند نافع است .

(۹۵۸) گنج شایگان

روزنامه گنج شایگان در سال ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۹۰۷ میلادی در طهران

منتشر شده است .

(۹۵۹) گنجینه انصار

مجله گنجینه انصار در اصفهان به مدیریت و نگارندگی (حاج میزا حسن خان انصاری
صدرالادبایه) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره اول این مجله در

۱۶ صفحه بقطع کوچک خشتی با چاپ سری در (مطبعه فرهنگ جنب بانک) طبع و در تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۱۵ قمری منتشر شده. عنوان مراسلات: اصفهان. درب مسجد ذوالفقار حاج میرزا حسن خان انصاری صدر الادبیه. طرز انتشار مجله ماهی دومره بوده ولی جمعا از مجله گنجینه انصار بیش از سه شماره نشر نشده است. وجه اشتراك مجله: اصفهان سالیانه يك تومان و دوهزار دینار. دیگر بلاد يك تومان و چهار هزار و قیمت يك نمره بانصد دینار و اعلان سطرى يك قران.

مقاله افتتاحی مجله گنجینه انصار بدینقسم شروع میشود: «بسم الله تعالى شانه كل ما یرتقى الیه بوهوم من جلال و قدرة و سناء. فالذی ابداع البریه اعلى منه سبعان مبدع الاشیاء. الہی حبیب عرض میکند: لا احصى ثناء علیک ولیت بجز میآید که ان لم تبدئنی الرحمة منك فمن السالك بی الیک. ملکا پادشاهها درماندگان را پناه ده و راندگان را راه از پنا افتاده ایم تودست گیر ۰۰۰» در صفحه اول مجله تصویر يك آخوند بنام (ملا ضیح هراتی) و يك جوان بنام (آقا وجیه گجراتی) طبع شده و این دو تصویر حکایت از دو عقیده مختلف بیوجوان و باشیخ و شاب مینماید. مندرجات مجله تماماً مذاکراتیست بین شیخ و شاب که اکثر آن مربوط با آزادی و استبداد است گرچه در عنوان مجله مقصد (در ترقی دولت و ملت و ثروت عمومی است و غرض خصوصی با احدی ندارد) نوشته شده ولی همانطور که یاد آور شدیم تمام مندرجات مجله عبارت از مذاکرات بین شیخ و شاب میباشد. نمره دوم مجله با همان سبک نمره اول در تاریخ دوم دیقده ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است.

در سال ۱۳۱۸ شمسی نگارنده از زنجان نامه بمحض آقای شیخ جابری مدیر مجله گنجینه انصار نوشته و از ایشان درخواست نمود شرحی درباره این مجله بنگارنده مرقوم دارند. آقای جابری بخط خود: شان نامه ذیل را در پاسخ نگارنده نوشته اند که از لحاظ اطلاع بسبک نگارش ایشان عین آنرا نقل مینمایم. و چون شرح احوال ایشان بتفصیل در جلد اول کتاب آمده لذا از تکرار آن خوددای مینمایم و نیز از نقل اشعار سره ضمیمه نامه بملت خوف از اطناب چشم میپوشیم. اینک نامه آقای جابری: «فدایت کردم ملطفه مرسله حضرت صدر زنجان و دستخط یار به از جان بامحتویاتی که یغرج منها اللولو والمرجان پیر رنجور ناتوان روان و جان بخشود و بر ارادت افزود در خصوص مجله اسرار الانصار آنرا بسال ۱۲۹۷ بنده نوشته و از وزارت معارف اجازت خواسته و مرقوم داشته و بطور دروس مرتبه منظم نموده که اطفال دبیرستانها بخوانند شامل سه رساله بود یکی اخلاق بطریق رمان و پادشاهی عشق و جنگ عقل و حق و علم و جهل و صدق و کذب و معارضات و مفاوضاتشان متضمن شواهدی از کلام الہی و ترجمه اخبار و تفسیر سخنان حکمای هر ملل و نحل و اندکی نظم ادبای عرب و عجم و دوم تمدن و تدین و رد مسلك ویران کنی جهان کمونیستی و معاصر آداب و مملکت متدینین هر ملتی فرخیرات و احسان بقراء بطرق ادیان خودشان و حس آثار دیانت و صنعت و قناعت در نظم جهان و اخبار بچنگ امروزه در اروپا با خصوصیات واقعه سوم

ادیبانی نظم و نثر و امروزه نسخه اش چون عنقای مغرب شده سال گذشته یکی داشتم برای کرمان فرستادم بایست نمیدانم رئیس پست آنجا درجه مرا می بود که موجبات زحمت را چند ماه برای بنده فراهم آورد تا عاقبت بر اولیای دولت خدمات بنده واضح شد عجالتاً اگر اصفهان تشریف آوردید ازدوستان يك نسخه باید پیدا نمود تقدیم کرد و اما مجله گنجینه انصار را بنده در ۱۲۸۴ شمسی و ۱۳۲۵ قمری سه نمره نوشته و طبع کرده سعاسن مشروطیت صحیحه و اتحاد اسلام و اتفاق دولت و ملت و اخبار بسیاری ارحوادث آتیه امروزه و تشویق بتربیت افکار و ترتیب مجالش چون از آن مجالس منعقد در لندن آگاهی داشتم و در بمبئی حساً دیده بودم و اگر نسخه از نمره اش پیدا شود خود نمره يك تومان خریدارم زیرا ایام جوانی وقوت فکر و قلم بود و مطالبی عالیه در آن و دیمه نهاده که امروز معیرالمقول است و هر که به بیند حیران شده کسی و چهار سال قبل از کجا غیب دانسته بود که حوادث آتیه را با معالجاتش نوشته بود و اینک اخلاص خود را اهداء مینمایم با ایباتی پارسی سره که با ترجمه پیری و دردمندی گفته ام اگر درج در منطبعات خود نمائید موجب امتنان است.

(۹۶۰) گنجینه دانش

روزنامه گنجینه دانش در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است.

(۹۶۱) گنجینه فنون

مجله گنجینه فنون بدیری (مرحوم محمد علی تربیت) در شهر تبریز هر پانزده روز یکمرتبه طبع و توزیع میشده و تاریخ تاسیس آن غره ذیقعد ۱۳۲۰ قمری مطابق ۳۰ ژانویه ۱۹۰۳ میلادیت، در نمرات منتشره گنجینه فنون اسمی از مدیر مسئول آن برده نشده و قطعاً عنوان مکاتیب و قیمت وجه اشتراك روی جلد مجله و در عنوان آن نوشته ولی از خارج اطلاع داریم مدیریت مجله بعهده آقای تربیت بوده است. خود مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان مینویسد:

«گنجینه فنون مجله نیم ماهه منتشر در تبریز بدیریت محمد علی تربیت در ۱۳۲۰ یکسال نشر شده است». مرحوم کسروی در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان (ص ۶۳ کتاب) بغیر از تربیت آقای تقی زاده و اعتصام‌الملک را جزو مؤسین مجله گنجینه می‌شمارد و عین عبارت او چنین است: «همچنین آقا سید حسن پسر آقا سید تقی پیشماز که جوان دانشمندی بود و از پیش از مشروطه با آزادیخواهان همراهی مینمود و از جمله در سال ۱۳۲۰ به راهی آقا میرزا محمد علیخان تربیت و آقا میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک ماهنامه بنام (گنجینه فنون) چاپ مینمودند که پس از یکسال بسته گردید.» از شرح مذکور معلوم میگردد که مؤسین گنجینه فنون سه نفر «تقی زاده - تربیت اعتصام‌الملک» بوده ولی در عین حال مدیر مجله تربیت است. اشتباه مرحوم کسروی

در اینستکه طرز انتشار گنجینه فنون را ماهانه دانسته در صورتیکه طبق نمونه های موجود هرپانزده روز بگبار منتشر میشده است .

عنوان مکاتیب و محل اشتراك در کتابخانه تربیت دم مدرسه طالبیه دار السلطنه تبریز - ایران. وجه اشتراك سالیانه در تبریز ۱۵ قران و در خارج بلاوه اجرت پست و قیمت يك نمره هشتصد دینار است . مجله گنجینه فنون هر شماره آن بنام جزوه موسوم است و فی‌المثل جزوه دهم و هفدهم نام گذاشته شده است . مندرجات مجله عبارت از مطالب مربوط بجغرافی و سیاحت نامه ر ریاضیات فلکی و امثال این امور می باشد که اغلب از زبانهای اروپائی ترجمه شده و قسمتهای سیاسی و ادبی کمتر در آن دیده میشود و از طرفی مطالب آن فهرستی نیز ندارد . ما برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست قسمتی از مندرجات مجله را ذیلا نقل مینمائیم :

مندرجات جزوه ۱۰ بقیه جغرافی احصائی روسیه و اروپا . خط راه آهن - کاه کشان - اودو کولونی . هنر آموز (این قسمت که بقیه از جزوه های سابق و از صفحه ۳۷ این جزوه شروع میشود مشتمل بر مطالبیست از قبیل « عمل صابون شفاف ، عمل صابونهای معطر ، عمل جوهر صابون ، صابون لکه گیری . » تمدنات قدیمه و سفینه غواص جزوه ۱۱ : بقیه جغرافی احصائی فرانسه ، اختراع ورقه پستی . خطر نفت و غار تاریخ چراغها و انوار - هنر آموز (این قسمت که دنباله جزوه سابق است از صفحه ۴۱ شروع و بصفحه ۴۴ ختم میگردد) . تمدنات قدیمه (از صفحه ۴۱ تا ۴۴) سفینه غواص (از صفحه ۴۰ تا ۴۴) . هما قسم که خوانندگان ملاحظه میفرمایند گنجینه فنون مجموعه ایست که در هر نوبت قسمتی از چند رساله بنام های هنر آموز ، رساله تمدنات قدیم ، سفینه غواص در آن طبع میشده و بشکل مجموعه منتشر میشده است و از خصوصیات مجله این است که هر قسمت از آن دارای صفحه شمار مخصوصیت و نیز خود مجله صفحه شمار جداگانه دارد .

در باره رساله های هنر آموز و تمدنات قدیمه و سفینه غواص که در مجله چاپ شده شرحی در جزوه ۱۹ چاپ شده که عیناً آنرا نقل مینمائیم : « هنر آموز که کتاب صنعتی است از تمام صنایع مفیده بشر بوجه اکمل و بطریق کفایت سخن خواهد راند و فصول عمده آن که از باب مثال ذکر میشود : آئینه سازی و صابون پزی ، میناسازی و عطر کشی و رنگ آمیزی و آتش بازی و شیشه گری و دباغی و شمع و شکر و مرکب و تذهیب و غیره . رساله تمدنات قدیمه مشتمل است بر تمدنات منقرضه ملل قدیم شرق زمین و آن حاوی هفت کتاب است که کتاب اول در نشو و نما تمدنات و کتاب دوم در عوامل مؤثره و مولده تمدنات و سیم در تمدن مصری و چهارم در تمدن کلدانی و آشوری و پنجم در تمدن یهود و ششم در تمدن ایرانی هفتم در تمدن فنیکی و در هر يك از اینها شرح خواهد داد از جغرافی و تاریخ مختصر و زبان و ادیان و علوم و صنایع و عادات و رسوم و معماری و حجاری .

سفینه غواص رشته و حلقه ایست از سلسله روم - نهضت علمی بعنوان سیاحتات

خارق‌العاده از تالیفات رومان نویس ماهر (ژول) که دو هریک از آنها علمی از علوم در ضمن يك افسانه دلچسب و داستان شیرین بخوانندگان می آموزد و موضوع علمی این کتاب که یکی از شیرین و مفیدترین آنهاست علم دریا و نباتات و حیوانات و سایر محتویات بعریمت .

برون در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۳۰) در باره قسمتهای چهارگانه مجله گنجینه فنون اینطور شرح میدهد مجله گنجینه فنون که جمعاً ۲۴ شماره منتشر شده از چهار قسمت ترکیب گردیده . قسمت اول تحت عنوان (گنجینه فنون) مشتمل بر مطالب علمی و هنری . قسمت دوم بعنوان (هنر آموز) است و این قسمت کتاب کاملی است که میرزا محمد علیخان تربیت آنرا نوشته . قسمت سوم تحت عنوان (تمدن قدیمه) است که اصل آن بفرانسه و تألیف گوستا لوبون میباشد و آقای سید حسن تقی زاده بفارسی آنرا ترجمه کرده . قسمت چهارم بعنوان (سفینه غواص) میباشد که اصل آن از ژول ورن رمان نویس است و آقای میرزا یوسفخان اعتصام‌الملک آن را ازفرانسه ترجمه کرده است .

مجله گنجینه فنون درهر نوبت در ۱۶ صفحه بقطع خشتی و با چاپ سنگی بدون آنکه ذکری از مطبعه آن شده باشد چاپ شده و از حیث کاغذ و طبع متوسط و نمونه از مطبوعات سنگی آن ایام است .

محمد علی تربیت - مرحوم محمد علی تربیت در سال ۱۲۹۵ در تبریز متولد شده و روز چهارشنبه ۲۶ دیماه ۱۳۱۸ شمسی در طهران فوت نموده است . شرح احوال ایشان را بتفصیل در ذیل مجله گنجینه معارف نقل خواهیم نمود فقط در اینجا بذکر عباراتی که مرحوم اسفندیاری رئیس مجلس شورایی پس از فوت آن مرحوم بعنوان (اظهار تأسف) ایراد نموده میبرد داریم :

اظهار تأسف از فوت آقای تربیت

آقای رئیس - بنده یقین دارم که آقایان همکاران بنده مثل من در این قضیه مولمه که واقع شده است واقعاً متاثر و متأسف هستند (صحیح است) بنده از سال های دراز با مرحوم محمد علی تربیت از نزدیک دوستی داشتم و باحوالات و مزایای ایشان با خبر بودم ایشان يك شخص واقعاً متینی ؛ سنگینی ، با زبان پاك باقلب خوش بین و با اقدامات خیلی موثری راجع بخدمات کشور همیشه خودشان را معرفی کردند همه آقایان میدانند که چون ایشان ملتفت بودند که بهترین راه ترقی هر کشور بسته بعلم است باین جهت در مسائل علمی و فرهنگی آنقدریکه مقدر بود ایشان سعی کرده و همیشه خدمات خودشان را در کشور نمودار کردند چه در جاهاتیکه شخصاً بودند و چه در جاهاتیکه از طرف دولت مأموریت داشتند همیشه بتأسیس بنگاههای معارفی و بخدمات علمی مشغول و خود را برای این منظور معرفی میکردند و علاوه چون میدانستند که علم بدون کتاب کمتر ممکن میشود باینواسطه يك عشق و علاقه ای بکتاب داشتند که در هر جائی که رفتند کتابخانه هائیکه اسباب شتون کشور و

برای اهالی موثر و مفید بود تأسیس نمودند ملاحظه فرمودید که در آذربایجان و در گیلان که مأموریت داشتند این خدمت را بحوبی انجام دادند و کتابخانه های ممتازی در آنجا تأسیس کردند که فعلاً مبالغی کتاب در آنها موجود است که برای خدمت بمعارف خیلی مفید و مؤثر است .

بنده حقیقتاً فوت و فقدان ایشان را که می توانم عرض کنم هیچکدام منتظر نبودیم و مایل بودیم که این خدمتگذار خوش نیت سالهای زیاد بکشور خدمت کند و اثر بدهد مآسفانه اینطور واقع شد که در نتیجه بیماری که از مدتی پیش داشتند و بواسطه آن همتی که خدا بیامرزد مرحوم محمد علی تربیت را داشت و نشان نینداد یکمرتبه از با درآمد و واقعاً اسباب تأسف و تألم همه گردید (صحیح است) امیدوارم که خداوند آن مرحوم را غریق رحمت کند و در مقابل خدمات بکشور و حسن خدمت بشاهنشاه معظم خود انشاءالله مغفور باشد و بیازماندگان آنهم خداوند توفیق بدهد که بسیره پدر بزرگوارشان تأسی نموده اسباب تسلی خاطر دوستان آن مرحوم باشد بواسطه این فقدان اگر اجاره می دهید با احترام آن مرحوم مجلس را ختم کنیم مجلس آینده روز ۵ شنبه چهارم بهمن ماه سه ساعت پیش از ظهر دستور لواجی که موجود است یکساعت و نیم بظهر مجلس ختم گردید .

(۹۶۲) گنجینه معارف

مجله گنجینه معارف در شهر تبریز بدیرری (محمد علی تربیت) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . شماره اول این مجله در هجرت ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۲۴ اکتبر ۱۹۲۲ میلادی انتشار یافته . طرز انتشار آن در هر برج شمسی یک بار بوده . مندرجات آن بیشتر مطالب علمی و ادبی و فلسفی است . محل اداره مجله در تبریز عمارت لقمان و قیمت سالیانه آن در داخله ۱۵ قران و در خارجه ۱۶ فرانک و تک نمره یک قران است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان واجع باین مجله چنین مینویسد : « گنجینه معارف - مجله ماهانه منتشر در تبریز بدیرری محمد علی تربیت در ۱۳۴۱ قمری هشت شماره منتشر شده است . علت تعطیل مجله مسافرت ایشان بخارج بوده است .

شماره چهار مجله گنجینه معارف در ۳۲ صفحه بقطع خشتی در مطبعه (فاروس تبریز) طبع و در تاریخ ۲ جمادی الاخری ۱۳۴۱ قمری مطابق اول دلو ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . در این شماره شرح مفصل و فاضلانه بقلم آقای تربیت درباره (حکیم زلالی خونساری) درج است . هما قسم که در فهرست جراید آذربایجان تصریح شده از این مجله بیش از ۸ شماره منتشر نشده است .

محمد علی تربیت - محمد علی تربیت فرزند مرحوم میرزا صادق خان پسر میرزا جواد پسر میرزا علی اکبر پسر میرزا مهدیخان وزیر و منشی نادرشاه میا شد محمد علی تربیت در ششم خرداد ۱۲۵۶ خورشیدی در شهر تبریز متولد و همواره به

کسب علوم و تحصیل فنون در همان شهر مشغول و بیشتر بفرآ گرفتن علم هیئت و طبیعیات و طب همت میگماشته و در این رشته ها تا سرحد امکان تحصیلات خود را ادامه داده است. از سال ۱۳۱۱ قمری تا ۱۳۱۳ معلم طبیعیات آموزشگاه دولتی تبریز شده و آموزشگاه تربیت را که نخستین آموزشگاه ملی تبریز است شخصاً در ۱۳۱۵ قمری در تبریز دایر ساخته در ۱۲۷۶ شمسی الی ۱۲۸۱ معلم هیئت و جغرافیا و ادبیات آموزشگاه لقمانیه بوده و در ۱۲۸۸ بواسطه خدمات شایان و درخشان بعالم فرهنگ و علم و فداکاری های بسیار در راه مشروطیت و آزادی از طرف اهالی تبریز بنماینده گی دوره دوم مجلس شورایی انتخاب و تا ۱۲۹۰ در مجلس شوری سمت نمایندگی داشت و پس از آن چندین بار بمصر و اسلامبول و فرنگستان مسافرت کرد و در تمام دوره مسافرت چون در کتبخانه های بزرگ اروپا و مصر و ترکیه بمطالعه و تحقیق کتب ایرانی میپرداخت اطلاعات گرانبهای بسیار از کتب باستانی و تازه ایران در محفظه خاطر یادگار داشت بعدیکه میتوان گفت از کتب و تألیفات ایران و خاور هیچکس از ایرانی و اروپائی باندازه وی دارای اطلاع نبود چنانکه هر کتابی از هر مولفی را میدانست در کدام کتبخانه موجود است و ابواب و فصول وی چیست و در کدام عصر تألیف شده و مولف آن کیست ؟

مرحوم تربیت پنجسال یعنی از سال ۱۳۰۰ الی ۱۳۰۴ رئیس فرهنگ آذربایجان بوده و خدمات فرهنگی مشارالیه در زمان تصدی این سمت درخورد همه گونه ترمیم و ستایش میباشد. يك کتبخانه و قرائتخانه عمومی دائر و با همت فراوان کتاب های نفیس و سودمندی در آنجا گرد آورد که هم اکنون سالیانه هزارها نفر از دانشمندان و دانشجویان با مطالعه از آن کتبخانه استفاده کامل میکنند.

از سال ۱۳۰۵ الی ۱۳۰۶ ریاست فرهنگ گیلان را عهده دار بود. از ۱۳۰۷ الی ۱۳۰۹ عهده دار ریاست بلدیة تبریز بوده و با دائر کردن باغ ملی بزرگی بنام گلستان يك گردشگاه و تفریحگاه زیبا و دلکش بر اهالی تبریز از خود یادگار گذاشته است. بعد از آن در دوره هشتم قانون گذاری بسمت نمایندگی مجلس شورایی انتخاب شده و تا دوره حاضر سمت نمایندگی مجلس شورایی را داشته است از آثار مرحوم تربیت یکی کتاب زاد و بوم در جغرافیای ایران ویژه آذربایجان است. مجله گنجینه فنون و گنجینه معارف نیز از آثار ادبی آن مرحوم میباشد که در زمان ریاست فرهنگ آذربایجان انتشار یافته است (زین مطلب در باره مجله گنجینه معارف صحیح ولی در باره گنجینه فنون درست نیست چه طبق نمونه های موجود گنجینه فنون قبل از این تاریخ منتشر شده است. مولف) تاریخ مطبوعات ایران از مهمترین تألیفات آن مرحوم میباشد که های شرح نام و آمار جراید ایران و جرایدی که در خارج ایران بزبان فارسی طبع شده میباشد. این کتاب را پرفسور براون بزبان انگلیسی ترجمه کرده و با چاپ و گراورهای بسیار ممتاز منتشر نموده است و این اثر در نوع خود یکتا و بسیار مهم است

آخرین تألیف مرحوم تربیت کتاب نفیس دانشمندان آذربایجان است . علاوه بر این تتبعات و تحقیقات ادبی و تاریخی زیاد از آن مرحوم بصورت مقالات در مجلات و روزنامه های مختلف انتشار یافته است مخصوصاً در مجله ارمغان مقالات شیوای بسیار از او یادگار و در خور هر گونه استاده است

این قطعه مرثیت مشتمل بر ماده تاریخ رحلت وی اثر طبع آقای امیر خیزی است و بر فراز سنگ قبر وی تهر شده :

ماده تاریخ

در یفا بدی مه سیده دمان	کل گلشن تربیت شد بیاد
دریغ چنان مرد روشن روان	کش افسردشع دزون باهداد
دریغ نهان شد بمیخ اندرون	فروزنده خورشید فرخ نهاد
معمد علی تربیت آنکته بود	بجان ارجمند و بتن پاکزاد
چوبگنشت سالی بدوشصتودو	مه عمرش اندر معاق اوقتا د
بمرغ دلش تنگ شد این جهان	بسوی جهان دگر پر گشاد
یغشا ند دامن این خاکدان	بجانان سپرد آنچه جانانش داد
(بشد تربیت) ماند از او یادگار	سخنها که گیتی ندارد بیاد

۱۳۱۸

مگر بد دل آزرده از زندگی	همی خواستدل کردن از ره رشاد
که بر گوش دل روزمر گش سروش	سرودی (دل تربیت شاد باد)

۱۳۰۸

شرح حال مرحوم تربیت بطور خلاصه از شماره ۷ و ۸ سال بیستم مجله ارمغان نقل گردید . در اصل مجله تهر ویر مرحوم تربیت نیز چاپ شده است .

(۹۶۳) گیتی نما

روزنامه گیتی نما در اصفهان بصاحب امتیازی (مهدی اژمی مخترع کبریت اصفهان) تأسیس و در سال ۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است . طبق معمول جراید ، روزنامه گیتی- نما نیز قبل از انتشار مبادرت بنشر طلیعه نمود که در آن ارمرام و مملک روزنامه گفتگو نموده است . ذیلا شرح مختصری از طلیعه مذکور داده - پس اصل روزنامه میپردازیم طلیعه روزنامه گیتی نما روی یک ورق بقطع بزرگ در مطبعه سربی (اتحاد) طبع و در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی مطابق ۲۴ ذیحده ۱۳۴۸ قمری و ۲۴ آوریل ۱۹۳۰ میلادی منتشر شده است . در این طلیعه تمثال رضا شاه پهلوی و در دو طرف آن اشعاری در تنای آن پادشاه طبع گردیده شمر آخر این اشعار این است :

آری آری مرد چون گیرد زمام کشوری همچو شاه پهلوی ویرانه گلشن میکند
دوزیر اشعار چند سطر بعنوان عرض تبریک پنجمین جشن تاجگذاری اعلیحضرت رضا شاه پهلوی از طرف ملت ایران و مخصوصاً مردم اصفهان چاپ شده . مقاله طلیعه

روزنامه بدیتقرار است : «بنام خدا - معمولا در نخستین شماره های جراید نویسندگان زبردستی خود و توانائی قلم خویش را بمرض نمایش و آزمایش گذاشته و باصطلاح حماسه سرائی میکنند که ماچنین وچنانیم وچه میکنیم وچه خواهیم کرد ولی کارکنان گیتی نما چون به یک قلم بی آرایش و یک روح پاک و یک فکر عاشق اصلاحات قدم بیدان هیوت قلمی میگذارند بهتر اینست این روح پاک و صداقت و راستی را در مقام حماسه سرائی هم نگذاریم جریحه دار شده و بگوئیم ماهیچ نیستیم تا سرنوشت و عملمان ما را در چه پایه قرار دهد . و در سهم خود هیچ نیکنیم جز اینکه خیر و صلاح ملک و ملت در آن باشد و هیچ نیخواهیم جز آنکه اصلاحات اجتماعی ، اخلاقی اقتصادی ، علمی و ادبی که دوره سراسر افتخار قائد توانا و مایه مباهات و شرافت ملی اعلیحضرت شاهنشاه (پهلوی) خلدالله ملکه شروع و دولت های مورد اعتماد ذات همایونش بسرعت برق در کار انجام و اجرای نیات مقدسه او هستند روز بروز عملی تر شده و در نتیجه بنیان و اساس کاخ عظمت ملت کهن ایران که ویران شده بود بیش از پیش در ظل عنایت و فکر بلند این شهریار عظیم الشأن براستحکام مبانی آن افزوده شود . و از درگاه ایزد متعال آرزو مندیم که ما را بعمل کردن آنچه میگوئیم توفیق و سعادت بخشد (گیتی نما)

پس از مقاله مذکور مقاله دیگری بعنوان (ایران دیروز - ایران امروز) درج شده است باینکه در این طلیعه طرز انتشار روزنامه یومیه نوشته و یاد آور گردیده که جز روزهای تعطیل همه روزه منتشر میشود ولی هیچگاه بصورت یومیه نشر نشده و بعداً که نگارش روزنامه بمهده مرحوم (ادیب فرهنگد) واگذار شده گیتی نما هفته چهار شماره منتشر شده است .

جای ادا . روزنامه : اصفهان . خیابان سپه مطبعه اتحاد . آدرس تلگرافی : اصفهان گیتی نما . بهای رو نامه : یکساله ۴۰ قران . ششماهه ۲۰ قران . سه ماهه ۱۰ قران . تک شماره ۲ شاهی . بعد از یک روز دهشاهی . بار بساب صنایع وطنی و معارفیون نصف قیمت تخفیف داده میشود . بهای اعلانات صفحه اول سطری دو قران صفحات دیگر یک قران . در عنوان روزنامه گیتی نما بدیتقسم معرفی شده : «روزنامه علمی ، ادبی ، سیاسی ، تاریخی ، کاریکاتوری . » . مندرجات روزنامه مانند سایر جراید محلی عبارت از یک مقاله اساسی و اخبار محلی اصفهان و اخبار ایران و خلاصه از اخبار دنیا و مقالات گوناگون و گاهی اشهزی از آثار انجمن ادبی اصفهان در آن درج است یکی دو صفحه روزنامه نیز مخصوص درج آکپیهای نیت عمومی است . از روز نامه گیتی نما نگارنده فعلا تا شماره ۸۲ سال اول مورخ پنجشنبه ۵ اسفند ۱۳۱۰ شمس مطابق ۱۸ شوال ۱۳۵۰ قمری را در دست دارم . در این شماره صاحب امتیاز (مهدی اژنی) و نگارنده (ادیب فرهنگد) معرفی شده است .

میرزا مهدی اژنی از طلاب روشن فکر اصفهان و در مدرسه جده کوچک سکونت داشت . وی مدت زمانی از عمر خود را صرف تهیه کبریت وطن نمود و بالاخره پس از

تکمیل آن چون از لحاظ قیمت نمیتوانست با کبریت‌های خارجی رقابت کند دنبال آنرا رها کرد و بهمین جهت دلسرد و مأیوس گردید. آنچه بخاطر دارم در آن ایام کبریت خارجی دانه یک‌گصد دینار بفروش میرسید در صورتیکه کبریت اژنی یک‌گصد دینار و نیم تمام میشد زیرا که قسمت عمده کارها را با دست انجام میداد. البته تهیه کبریت و قوطی آن در آن ایام خیلی تازگی داشت و نام میرزا مهدی مخترع کبریت در اصفهان مشهور بود و بهمین مناسبت هم در عنوان روزنامه پس از ذکر نام خود عنوان (مخترع کبریت اصفهان) را بدان اضافه کرده است. مرحوم میرزا مهدی اژنی در اطاق فوقانی مقابل در ورودی مدرسه ساکن بود. نگارنده سال حقیقی فوت او را بخاطر ندارم و گویا بین سنوات ۱۱ - ۱۳۱۲ شمسی فوت کرده است. شرح احوال مرحوم ادیب فرمند نویسنده کیتی نما را در ذیل مجله تحفة الادبا بتفصیل یاد آور شده ایم.

(۹۶۴) گیلان

روزنامه گیلان در شهر رشت به‌مدیری و صاحب امتیازی (میرزا حسن خان اسد زاده) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. روزنامه گیلان از انتشارات انجمن ولایتی گیلان بوده و جمعه ۱۲ شماره از آن انتشار یافته است. شماره اول آن در تاریخ ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۶ قمری از طبع خارج شده است.

(۹۶۵) گیلان

روزنامه گیلان در شهر رشت تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. طرز انتشار گیلان يك روز در میان بوده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۳۱) مدیر و ناشر این روزنامه را (M.S) و مسلک سیاسی آنرا اعتدالی دانسته و تاریخ اولین شماره آنرا ۲۶ شعبان ۱۳۲۸ ضبط کرده است.

(۹۶۶) گیلان

روزنامه گیلان در شهر رشت بصاحب امتیازی (سعید صفی) و مدیری (محمد خان) تأسیس و در سال ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است. شماره ۵ سال اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربی در مطبعه (اتحاد رشت) طبع و در تاریخ یازدهم ربیع الاخر ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۲ جدی ۱۲۹۸ شمسی انتشار یافته است. انتشار این شماره پس از مدتی توقیف بوده و در مقاله افتتاحی روزنامه اشاره باین مطلب نموده مینویسد: > در این مدت که جریده گیلان در تحت توقیف بوده مابادیده حسرت بامورات گیلان نگریسته و پیوسته مناظر هولناک و مراحل خطر انگیز را مشاهده میکردیم و پیوسته منتظروقت و اجازه نشر روزنامه بوده با کمال بی‌صبری روز می‌شمردیم اینک که بازحماتی زیاد تحصیل اجازه نشر روزنامه را نمودیم با-الموئی محکم شروع بکار کرده باوجود هیئت حاضره امیدواریم که من بعد جریده گیلان که

بغیال نشر معارف و بسط اطلاعات اهالی این سرزمین است دچا ر مشکلات و موانع پیش نشده بتوانیم ازعهده اینای وظیفه برآئیم ۰۰۰۰۰

بقیه مندرجات این شماره عبارت از تلگرافاتی است که بین وثوق الدوله رئیس الوزرای وقت و میرزا کوچک خان جنگلی رد و بدل شده که ما برای ضبط در تاریخ صورت تلگرافی را که میرزا بوثوق الدوله نموده نقل مینمائیم :

« تلگراف میرزا کوچک خان - حضور مبارک بندگان حضرت اشرف اعظم آقای وثوق الدوله رئیس الوزرای مملکت ایران : اامت شوکته‌العالی . در این موقع که حضرت آقای میرزا احمد خان آذری کفیل محترم ابالت گیلان ابلاغ اوامر مطاعه و نیات مقدسه بندگان حضرت اشرف اامت عظمته را با این جمعیت فرموده اند ببقام جسارت آمده خاطر مقدس را مستحضر میدارد این جمعیت ازچندین سال با این طرف بافداکاریها و جان فشانیهای فوق‌العاده که متحمل شده اند بغیر از خدمت‌گذاری بابناء وطن و استقلال مملکت و رفاهیت و آسایش عامه بهیچ اقدامی مبادرت نورزیده همیشه آرزومند قدرت و سطوت اولیای دولت بوده اند ولی متأسفانه بعضی از عناصر مفرض این نیات پاک جمعیت را درحضور مبارک سوء تفسیر نموده و بدبختانه موفق بایجاد یک نوع سوء تفاهمی گشته فدویان را متمرّد و مغفل آسایش مملکت قلمداد نموده و بالاخره باعث اینهمه خسارات و خونریزی گشتند . در تمام این مراحل باز هم جمعیت بهیچ وجه قصد مخاصمه نداشته درمقابل قشون دولتی همیشه راه دفاع را پیش گرفته در این موقع که جمعیت مقاصد مقدسه بندگان حضرت اشرف را برای حفظ قومیت و شرافت مملکت تصدیق مینمایند با کمال افتخار و صمیمیت بحضور مقدس اطمینان کامل میدهد که چا کر و تمام افراد جمعیت از این تاریخ کاملاً مطیع اوامر دولت معظم خود بوده و بکلی ترک مخاصمه نموده ایم و بهیچ وجه در اجرای اوامر مطاعه و درجان فشانی و خدمت گذاری مملکت قصور نخواهیم ورزید عموم جمعیت از طرف قرین الشرف بندگان حضرت اشرف امیدواریم بمراحم عالیّه برسیم و یقین دارند که در سایه مکارم و ائیه در آئیه شرافت آنها کاملاً تأمین خواهد شد . کوچک است » با اینکه معمولاً ما مطالب زیادی از مندرجات جراید نقل نمیکنیم ولی این قسمت بخصوص را برای ضبط در تاریخ و روشن شدن روابط جنگلیها بادولت مرکزی بعینه نقل کردیم . ضمناً امضای میرزا که با کلمه (کوچک است) دیده میشود قابل توجه است .

اخبار داخله و خارجه و چند اعلان که در صفحه چهارم گیلان چاپ شده تمام مندرجات این شماره را تشکیل میدهد . محل اداره روزنامه (رشت . سبزه میدان) و عنوان تلگرافی گیلان است . وجه اشتراك آن سالیانه داخله ۴ و خارجه ۶۰ قران . ششماه بترتیب ۲۵ و ۳۵ قران . تك نمره ۴ شاهی . اعلانات صفحه اول سطری ۳ قران و صفحات دیگر سطری دو قران . طرز انتشار روزنامه هفته دو شماره بوده و در زیر عنوان روزنامه که طرز انتشار معین شده این جمله نیز (مقالات وارده کلبه بانظریه سردبیر است) درج گردیده است . اهم روزنامه (گیلان) در مریع مستطیلی چاپ شده

و بالای آن در خارج مستطیل جمله (بسه تعالی و به نستین) دیده میشود. نگارنده اطلاع ندارد که تا چه مدت روزنامه گیلان منتشر شده ولی قدر مسلم این است که تا برج نور ۱۲۹۹ شمس انتشار مییافته در شماره اول سال دوم مجله اقبال مورخ اول برج نور ۱۲۹۹ مطابق ۲ شعبان ۱۳۳۸ شرحی بدیقه مینویسد: «روزنامه گیلان منطبقه رشت بقلم آقای خسروی مدیر و سر دبیر جریده تهذیب بطبع میرسد. این روزنامه دارای اخبار داخله و خارجه و مقالات مفیده است و هفته سه بار طبع میشود.» شرح مذکور چون مشتمل بر توضیحی راجع به روزنامه گیلان بود بقل آن مبادرت کردیم.

حرف‌اللام

(۹۶۷) لاپاتری

روزنامه لاپاتری بعضی وطن در طهران بزبان فرانسه بدبیری (بارون نورمان Baron de Norman) تأسیس و در سال ۱۲۹۳ قمری منتشر شده است. از روزنامه لاپاتری بیش از يك شماره منتشر نشده و این شماره مورخ بتاریخ ۹ محرم ۱۲۹۳ قمری بوده و چون در آن دم از آزادی و مساوات میزده موافق طبع ناصرالدین شاه و اطرافیان او نیفتاده و برای همیشه توقیف شده است.

در باره تأسیس روزنامه مذکور شرحی مرحوم تربیت در شماره ۱۲ سال چهارم مجله تعلیم و تربیت نوشته که برای مزید اطلاع عین آنرا نقل مینمایم: «در تاریخ ۱۲۹۰ که ناصرالدین شاه بفرنگستان میرفته است در موقع عبور از استانبول يك دستگاه مطبعه بقیمت پانصد لیره عثمانی در آنجا خریده و بایک نفر مطبعه چی بطهران فرستاده اند و بعد از مراجعت شاه بایران میرزا حسنخان وزیر امور خارجه که از اوضاع فرنگ بی اندازه متأثر شده بود یکنفر از مملکت فرانسه که بارون نورمان نام داشته است بطهران خواسته روزنامه بعنوان لاپاتری تأسیس نموده ولی جز يك شماره از آن قط در دهه اول محرم سال ۱۲۹۳ در آن مطبعه چاپ شده و دیگر انتشار نیافته است زیرا که شبوه نگارش آن روزنامه بمذاق اولیاء امور آن زمان توافقی ننموده و فوراً مدیر مقصر آنرا معزول و روزنامه را هم تعطیل کردند.» در شماره پنجم سال دوم دوره جدید کاهه ملیت بارون را بلژیکی دانسته و بامقتصر تغییری در باره روزنامه لاپاتری اینطور مینویسد:

«تا آنکه در سال ۱۲۹۰ در حین مسافرت ناصرالدین شاه بفرنگستان در اثنای توقف در استانبول يك دستگاه چاپخانه با حروف عربی و فرنگی بقیمت پانصد لیره عثمانی ابتیاع شد و آن دستگاه را بایک نفر حروفچین روانه طهران کردند ولی در طهران اهمال شد و در بوته تمویق ماند تا آنکه در سال ۱۲۹۲ بارون نورمان اجازه نشر روزنامه فرانسوی باسم پاتری (وطن) تحصیل کرده و چرخ مطبعه را تعمیر و حروف را صاف کرده و بکار انداخت.» در شماره ششم همین دوره کاهه مینویسد: «ولی از این روزنامه قط يك شماره نشر شد مورخ ۹ محرم ۱۲۹۳ و چون دم از

آزادی زد موافق طبع شاه نيفتاد و توقیف شده برون در کتاب مطبوعات و شرفارسی خود یگجا در مقدمه کتاب (صفحه ۱۶) و جای دیگر در صفحه ۱۳۱ بطور اختصار یاد آور میشود که این روزنامه بطور هفتگی در طهران بزبان فرانسه تأسیس و شماره اول آن در تاریخ پنجم فوریه ۱۸۷۶ میلادی مطابق ۱۲۹۳ قمری منتشر شده است .
 واما بارون نرمان بلژیکی در تشکیلات در بار ناصرالدین شاه همه جا نام او جزو مترجمین ذکر شده و مخصوصاً در تقویم ضمیمه جلد سوم منتظم ناصری بدین ست او را یاد کرده است .

(۹۶۸) لسان‌الغیب

روزنامه لسان الغیب در سال ۱۳۱۹ قمری در طهران تأسیس و بسا طبع ژلاتینی منتشر شده است . روزنامه لسان الغیب بوسیله کمیته سری که از جمعی از احرار از قبیل میرزا محمد علی خان ، شیخ عبدالعلی موبد ؛ حاج میرزا حسن رشدیه و شیخ یحیی کاشانی و غیره ، بر علیه (امین‌السلطان اتابک اعظم) تشکیل شده منتشر میشد . از این کمیته و چگونگی اطلاع بر آن در جای دیگر این کتاب بتفصیل گفتگو کرده‌ایم .

(۹۶۹) لقمان

مجله لقمان در شهر مشهد در سال ۱۳۰۹ شمسی تأسیس و بطور ماهیانه منتشر شده است

(۹۷۰) لوای اسلام

روز نامه لوای اسلام در اصفهان بدیری (ابوالقاسم معروف ببوید الشریعه کیلانی) مدیر روزنامه کاشف اسرار منتشر شده است . طلوع این روزنامه در ذیحجه ۱۳۳۵ قمری بوده و پس از انتشار سه شماره لوای اسلام توقیف و جوش آن باهمان سبک و قطع روزنامه (کاشف اسرار) منتشر شده است . در این باره در انتهای صفحه ۸ شماره اول کاشف اسرار که در حقیقت شماره ۴ لوای اسلام میباشد اینطور اخطار نموده است : « چون لوای اسلام مظلومانه توقیف شد بهما کاشف اسرار بهمان سبک و روش مشترکین لواء اسلام را معظوظ خواهد نمود و متنی است خوانندگان بهمان ست بشناسند . دفتر اداره . »

محل اداره روزنامه : اصفهان . خیابان خوش . قیمت روزنامه : یکساله ۶۰ قران ششماهه ۳۵ قران . داخله یکساله ۷۰ قران . ششماهه ۴۰ قران . قیمت تکمیره شششاهی در شماره اول کاشف اسرار که بجای لوای اسلام توقیف شده در هشت صفحه با چاپ سنگی چاپ و منتشر شده در ابتدای صفحه اول آن در مستطیلی که اطراف آن سیاه گرفته شده اینطور نوشته است : « بازماندگان لواء اسلام با کمال تأثر و اذیتین جلیلتین معارف و عدلیه را از شهادت آنجریده مقدسه مستحضر میسازند . » بجز از این تسلیت سرمقاله مؤثری در باره توقیف قلم نوشته که جلات اولیه آن چنین است :

« افسوس بر شکستگی قلم در مشروطیت - ای قلم‌ای آرایش‌دهنده قوم‌خلیه وای زینت افزای قوم فکریه تاکی برقع پوش در پس پرده خفا مستوری - تقاب از روی خود بردار و بنما روی زیبا را - فرزانه رویت گردان عاشق سرمست شیدا را - مشتاقا نیرا بهوای طلعت ظریف و عذار شریف جان بلب آمد - شبهای هجریرا گفراندیم زنده ایم ۴۰۰۰ » همان‌قسم که یاد آور شدیم شماره چهار لواى اسلام که بنام کاشف اسرار منتشر شده در هشت صفحه مشتمل بر يك سرمقاله و اخبار داخله و دو صفحه کاریکاتور درباره مالیه ایران که دو مأمور یکی دست خالی منصوب و دیگری با کیسه پول معزول گردیده نشان میدهد وزیر آن نوشته است (هر که را پنج روزه نوبت اوست) و نیز قسمت غیر جدی تحت عنوان (مہ را لولو برد) درج نموده و در آن اشاره بتوقیف نمره سوم روزنامه لواى اسلام نموده است. در صفحه هشتم نیز تحت عنوان (بزرگان عالم) حکایات ادبی از تحفه سلیمانیه و کلیله و دمنه و اشعاری از سعدی ذکر کرده است از روزنامه کاشف اسرار و مؤید الشریعہ کیلانی در معجل خود گفتگو کرده ایم .

در خاتمه بی مناسبت نیست شرحی را که راجع بانشار لواى اسلام در شماره ۳۳ سال نهم روزنامه وطن مورخ سه شنبه ۱۴ ذیحجه ۱۳۳۵ قمری آورده بینه نقل نماییم : « جریده لواى اسلام جریده فریده لواى اسلام که بدیری آقای مؤید الشریعہ کیلانی در این چند روزه از افق اصفهان طلوع نموده بایک قسمت کاریکاتورهای علمی عالم مطبوعات اصفهان را بخود جلب و از بشارت طلوع آن جریده معارف خواهان را بشارت میدهد در این دو روزه نمرات آن با دایره رسیده موقتیت مدیر آنرا مبیلت داریم »

(۹۷۱) لواى بين النهرين

روزنامه لواى بين النهرين در طهران به صاحب امتیازی و مسئولی (ع . شرافت) و مدیری (س . ح . ادیب السادات فہاری) تأسیس و در سال ۱۳۴۲ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در ۱۲ صفحه بزرگ با چاپ - ریبی (مطبعہ بوسفور شعبه ۱) طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۴ قوس ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است .

در زیر عنوان روزنامه ، لواى بين النهرين اینطور معرفی شده است : « روزنامه ایست علمی ادبی ، اخلاقی تاریخی سیاسی راجع بسیاست ایران و عراق عرب » جای اداره : طهران . خیابان شاه آباد - عنوان تلگرافی : لواى بين النهرين ، و چه اشترک هر پنجاه شماره داخله ۳۰ قران خارجه ۴۰ قران ، ششماه بترتیب ۲۵ قران و ۳۰ قران ، طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده ، قیمت تک شماره ۸ شاهی و استثنائاً نمره اول آن ده شاهی است .

روزنامه لواى بين النهرين بدو زبان فارسی و عربی نوشته شده و در شماره اول پس از ذکر خطبه بزبان عربی بذکر وجه تسمیه و سبب صدور این روزنامه در ایران پرداخته است . مقاله افتتاحی روزنامه که بزبان عربی نوشته شده باینقسم

شروع می‌گردد: « بسم الله الرحمن الرحيم - قل يا اهل الكتاب تعالوا الي
كلمه سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئاً ۰۰۰۰ الفایة من
هذه الجريدة ۰۰۰۰ الفرض من اصدار هاباللفتين - وجه التسميه : »

پس از این مقاله خبر ورود آقای خالصی زاده را بعنوان (اکبر مراسم استقبال فی
ایران - ورود اکبر فائد اسلامی) درج نموده و بعد اخبار و تلگرافاتی بزبان عربی
چاپ شده . همین مطالب بعینه در قسمت فارسی طبع گردیده که ما برای روشن
شدن وضع روزنامه قسمتی که مربوط بتأسیس و انتشار آن است نقل مینمائیم :

« علت صدور این جریده در ایران این است ایران یگانه مرکز بلاد شرق
است و این مملکت محاط است بجمیع ملل اسلام حدود او هند و افغان و بلاد ترک و
قفقاز و اناتول و کرد و عراق است و مقابل خلیج فارس ساحل نجد و عمان است
از جزیره العرب و در ایران يك نوع آزادی و حریت واسعه ای هست که نظیر آن
در بلاد غرب هم یافت نمیشود گذشته از بلاد شرق خصوصاً بلاد عربستان بدینست
که گرفتار حکام جائزه اروپا گشته اند پس ایران نسبتاً سوریای کوچکی در شرق
بشمار میرود و ایران یگانه مرکز شرقی است که ممکن است واسطه تفاهم بشود
در بین ملل اسلامی با اختلاف مناصری که در آنها هست و لذا نظر ما بر این قرار
گرفت که جریده عربیه را در ایران اصدار کنیم . (وجه تسمیه) علت آنکه اسم
(لواء بین النهرین) را اختیار نمودیم برای این جریده آن بود که حزب وطنی
عراقی بسیار جد و جهد کرد که امتیاز روزنامه باسم (اللواء العراقی) از حکومت
محتله در بغداد بگیرد و اصدار کند موفق بآمال خود نشدند چونکه انگلیسها که
همواره دشمن آزادی و مدنیّت بودند متفرق کردند اعضاء آن حزب را در تاریخ
اول محرم سال گذشته ۱۳۴۱ بعضی را بحبس بعضی را تبعید از آنجائیکه در بغداد
از این خدمت بزرگ بعالم اسلامیت معروف شدند بعضی از اعضاء موسسه آن حزب
در ایران اصدار کردند این جریده را و اختیار نمودند این اسم را برای او چونکه
این رسم متداول است در بین عرب و فرس و هر دو فرقه بحاق معنای او میرسند .
مقاصد جریده :

۱ - آگاه نمودن مسلمین عموماً و عرب را خصوصاً بر آنچه احاطه کرده است
بآنها از بلايا و محن و آنچه را که کرده و میکنند دول اروپا بقصد اضمحلال شرق
و اسلام ۲ - ذکر حقایق اسلامی که دعوت میکند بسوی تمدن حقیقی ۳ - تعریف
و ترغیب نمودن بر ترک بدعتها و خرافات و مرهوماتی که شایع شده است بین بعضی
طوائف مسلمین و سبب اضمحلال آنها گشته . ۴ - دعوت بسوی وحدت اسلام و اتحاد
مسلمین کما اینکه خداوند امر کرده است و هر مسلمان صحیح العملی آنرا واجب
لازم میداند . ۵ - نقل اخبار عالم اسلامی جیباً تا آنکه واقف و مطلع بوده باشند
تمام مسلمانان از جیب اموریکه جریان دارد در بلاد برادران دینی خود از حوادث
و اموریکه موجب مضرت و مسرت خواهد بود ۶ - اهم مقاصد این جریده شریفه

قضیه عراق عرب است و ذکو خواهیم کرد سیر و ادوار آن نواحی را و جنایات و مظالمی که انگریزها در آن صفحات مرتکب شده‌اند و آن حرکات زشت و اعمال قبیحه که از فیصل ظاهر شد از مصائب و لطامات و صدماتی که بر بلاد بد بخت نکبت زده عراق وارد کرد و دست از اینگونه وظائف بر نخواهیم داشت تا زمانی که پروردگار عالم آماده کند از برای عراق يك استقلال تام و تمام منجزی و فائز بشوند اهالی آن صفحات يك آزادی حقیقه را .»

این بود در حقیقت ترجمه مقاله افتتاحی روزنامه لواء بین‌النهرین و هما قسم که ملاحظه میفرمائید ترجمه خیلی سست و نارساست . بغیر از مطالبی که از شماره اول نقل کردیم ، بعنوان پاورقی روزنامه (نطق حضرت آیت الله زاده خالصی دامت برکاته در مسجد سلطانی - ليله جمعه غره ربیع الاول ۱۳۴۲) از صفحه دوم روزنامه شروع و بصفحه ۱۱ ختم شده است . نطق مذکور بدین قسم شروع و ختم می‌گردد : > بسم الله الرحمن الرحيم - قل لو كان البحر مداً لكلمات ربی - بمناسبت ذكر احوال اسلام و اوامر شرع این آیه را عنوان کردم - دپروز وعده دادم که امروز قدری در تفسیر این آیه ۰۰۰ بنده خیال دارم که در آیه يك میتینگی در اینجا داده شود باید از زن و مرد همه اصناف جدیت کنند و در این متینک حاضر شوند و برای نظم کوشش کنند و عموم سفرا و رؤسای دولت دعوت شود و مظالم انگلیسها گته شود خدا شما را توفیق دهد .»

در شماره دوم که در تاریخ سه شنبه دوم جمادی الاولی ۱۳۴۲ مطابق ۱۹ قوس ۱۳۰۲ انتشار یافته ، در زیر عنوان بزبان فارسی و عربی نوشته است : بهمت مجتعمین مسجد سلطانی تأسیس شده است > در این شماره مقاله افتتاحی آن بعنوان (الی اهل العراق) میباشد و نیز از صفحه دوم نطق خالصی مربوط بشنبه دوم ربیع الاولی ۴۲ ، بصورت پاورقی درج گردیده است . در این شماره مقاله بعنوان (ایران و بین‌النهرین) بقلم آقای عبدالرحمن فرامرزی مدیر و نویسنده آینه روزنامه کیهان چاپ شده و در آن بشدت به بعضی از جراید عراق حمله کرده است در شماره سوم که در ۲۵ قوس ۱۳۰۲ انتشار یافته و تعداد صفحات هشت است ، (نطق حضرت حجة الاسلام خالصی زاده ليله ۳ ربیع الاول) بعنوان سرمقاله چاپ شده است . شماره پنجم لواء بین‌النهرین در تاریخ ۱۰ جدی ۱۰۳۲ منتشر شده نطق خالصی متعلق بليله سه شنبه ۵ ربیع الاولی) را بعنوان سرمقاله چاپ کرده و در آن اخبار داخله و خارجه چاپ شده این شماره نیز در هشت صفحه و با چاپ سری طبع شده است . رویهمرفته بیشتر منظور از تأسیس و انتشار این روزنامه ترویج از آیت الله زاده خالصی بوده است .

از روزنامه لواء بین‌النهرین شش شماره بیشتر منتشر نشده و بعوض شماره هفت آن روزنامه (اتحاد اسلام) بدبیری شیخ حسین لنکرانی منتشر شده است . رجوع شود بجلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران ذیل روزنامه (اتحاد اسلام)

(۹۷۲) لودیانه اخبار

روزنامه لودیانه اخبار در شهر کلکته هندوستان بطور هفتگی منتشر میشده و انتشار آن در سال ۱۲۶۲ قمری ۱۸۴۶ میلادی بوده است. برون که در صفحه ۱۳۱ کاب مطبوعات و شعر فارسی شرح مذکور را نوشته اضافه میکند که نمونه آنرا ندیده است

حرف‌المیم

(۹۷۳) ماه

در سال ۱۳۰۱ شمسی مجله ماه در طهران تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است.

(۹۷۴) ماهتاب

مجله ماهتاب در شهر تبریز بدیری آقای (محمد امین ادیب) تأسیس و در سال ۱۳۱۶ شمسی منتشر شده است. این مجله مدت یکسال منتشر و تعطیل شده است. آقای محمد امین ادیب - وی در سال ۱۲۸۳ شمسی در مشهد مقدس متولد پدر ایشان حاج شیخ محمد حسین از علماء و اصولا اهل تنکابن و از شاگردان میرزا مرحوم شیرازی است. تحصیلات اولیه آقای ادیب طوسی در مکاتب قدیم و بعد ها در مدارس قدیم بتحصیل علوم دینی پرداخته - در علوم ادب شاگرد استاد قید میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری و در حکمت شاگرد حاج میرزا عباسعلی معروف بفاضل و علوم فقه را در محضر پدر خود تحصیل کرده و از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۰۷ مسافرتها در هند، ایران، ترکستان، عربستان، مصر، شامات، آسیای صغیر نموده و از زبانهای امروز زبانهای عربی، ترکی، اردو، انگلیسی، فارسی، و از زبانهای قدیم سنسکریت اوستایی، پهلوی، عبری، کلدانی را بخوبی میدانند و در این زبانها شاگرد هر تفسد آلمانی و متر و یلسن امریکائی و پروفیسور مار روسی و جکسن امریکائی بوده اند. آقای ادیب در ادبیات فارسی و عربی متخصص و کتب زیادی نوشته اند که قسمتی از آنها بطبع رسیده فعلاً چهار سال است در تبریز متوقف و متاهل میباشند کتابهاییکه نوشته اند از اینقرار است ۱- تاریخ دینی ایران از قدیمترین دوره های عصر حاضر در دو دوره و ۲۲ جلد که جمعاً دارای سه هزار ورق است و یک قسمت از آن بضمیمه مجله ماهتاب بچاپ رسیده ۲- دستور زبان فارسی در سه دوره - برای دبستانها و دبیرستانها و دانشکده ها تهیه شده و بچاپ رسیده ۳- بوداد هند رساله ایست در ۱۵۰ صفحه چاپ شده ۴- تخت سلیمان رساله ایست در دوست صفحه در ایران باستان چاپ شده ۵- دوره یکساله مجله ماهتاب که در تبریز نشر شده ۶- ایام کودکی و پیام فردوسی که در جشن هزاره فردوسی بطبع رسیده است (قل باختصار از سالنامه تمدن رضائیه سال دوم)

(۹۷۴) ماهتابان

امتیاز مجله ماهتابان بدیری آقای (آقاسید جلال الدین بدری) در تاریخ

۴ شهریور ۱۳۴۰ شمسی در بندر پهلوی از تصویب شورایعالی معارف گذشته است طرز انتشار این مجله ماهانه بوده است .

(۹۷۶) ماه نو

روزنامه ماه نو بصاحب امتیازی و مدیری (علی کافی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۴۰ قمری منتشر شده است . شماره اول روزنامه ماه نو در چهار صفحه قطع کوچک در مطبعه سربی (باقر زاده) طبع و در تاریخ دوشنبه غره صفر ۱۳۴۰ قمری منتشر گردیده . در زیر اسم روزنامه سال (۱۳۳۹) که معلوم میشود سال تأسیس است قید شده ولی تاریخ شماره اول همانست که نقل کردیم . ضمناً از مفاد سرمقاله شماره اول معلوم میشود که روزنامه قبل از این تاریخ بنا بوده است منتشر شود و گرفتار توقیف گردیده است . بهر صورت مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میشود:

« ماه نو - دیروز برای تحمیل حصه از مصائب و متاعب و شرکت در زندگانی اجتماعی فکر جریده نگاری و هدایت افکار و افشاء حقایق و دریدن پرده های ارتجاع کارکنان ماه نو تصمیم گرفته بودند که قبل از کودتا طلوع نمایند بدیختانه در همان ایام که مصادف با زمزمه های افتتاح پارلمان بود (ماه نو) ما هم گرفتار ابرهای تاریک حوادث و توقیف شد . اینک امروز ، امروز که مجلس شوراییلی ۰۰۰۰ (سپس شرحی دائر با مادگی خود برای خدمت گذاری و اینکه بانویسندگان مبرز خود را برای خدمت حاضر کرده ایم ، نوشته است » پس از این سرمقاله اشعاری بعنوان (ادبیات) بامضای (س. خسروی) و بعد مقاله (بلدیة آلمان) که تا انتهای صفحه چهارم را گرفته درج است .

روزنامه ماه نو هفتگی بوده و شماره دوم آن در چهارشنبه ۱۰ صفر انتشار یافته . از شماره ۱۱ مورخ ۹ رجب ۱۳۴۰ قطع روزنامه بزرگتر شده و بیشتر مندرجات روزنامه مقالاتی بحمایت از کارگران است و بعلاوه اخبار در آن چاپ شده است . از جمله تغییراتی که پس از چند شماره در عنوان روزنامه داده شده یکی درج آیه (ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت) و هم چنین عبارت : (مسلک این جریده طرفدار سهضت کارگران اسلام است) و نیز (لوایح کارگران در صورت مطابقت بودن با مسلک جریده مجاناً درج میشود) میباشد خلاصه اینکه روزنامه ماه نو جنبه کارگری و حمایت از کارگر را پیدا کرده است . از این روزنامه نگارنده فعلاً تا شماره ۳ سال دوم مورخ یکشنبه ۱۵ ربیع الاول ۱۳۴۱ مطابق ۱۳ عقرب ۱۳۰۱ شمسی در دست دارم . محل اداره روزنامه : خیابان لاله زار توزیع کل جراید - قیمت اشتراك سالیانه همه جا ۵ تومان است . تك نمره پنجشاهی

در روزنامه پیکار مورخ قوس ۱۳۰۱ شرحی بعنوان (اخطار و بشارت) از طرف مؤسسين جریده کارگری ماه نو ، خطاب بر قفا چاپ شده و خلاصه در آن وعده افتتاح قرائتخانه ماه نو و کلاس اکابر و مجلس خطابه و کنفرانس و غیره را داده است .

(۹۷۷) ماه نو

مجله ماه نو در سال ۱۳۱۲ هجری در طهران تأسیس و بطور ماهیانه منتشر شده ولی نگارنده تاکنون نمونه از آن بدست نیاورده ام .

(۹۷۸) مجاهد

روزنامه مجاهد در شهر تبریز بدبیری (سید محمد شبستری ملقب بابوالضیاء) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . شماره اول آن در تاریخ ۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری و شماره ۲۲ آن در تاریخ نهم ذیحجه سال مذکور انتشار یافته است این روزنامه معمولاً در چهار صفحه بقطع ۶/۵ در ۱۰ و یک چهارم اینچ طبع گردیده . وجه اشتراک در تبریز ۱۵ قران، در سایر شهرهای ایران ۲۰ قران و در ممالک خارجه ۲۵ قران است . برون که شرح مذکور را نوشته اضافه میکند که نمرات ۱، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ روزنامه مجاهد را بدست دارم .

روزنامه مجاهد پس از انقلاب تبریز و فلک شدن مدیران ابوالضیاء تعطیل شده و مرحوم کسروی در بخش دوم تاریخ مشروطه ایران (صحه ۳۸۹) راجع بروزنامه مجاهد مینویسد: «ما روزنامه های تبریز چنانکه نوشته ایم مجاهد را ابوالضیاء مینوشت که با آن سرگذشت دچار آمد (منظور فلک شدن اوست) و روزنامه نیز از میان رفت.» در همین مجلد کتاب کسروی عکس ابوالضیاء نیز چاپ شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان بطور اجمال مینویسد: «مجاهد روزنامه منتشر در تبریز با چاپ سری بدبیری سید محمد شبستری در ۱۳۲۵ . مدیر روز نامه مجاهد علاوه بر این روزنامه های الحدید و ایران نورا منتشر مینموده و ما در محل خود از آن دو گفتگو کرده ایم .

(۹۷۹) مجاهد

روزنامه مجاهد در شهر رشت در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . از روزنامه مجاهد پنج شماره که شماره اول آن در تاریخ ۹ شوال ۱۳۲۵ قمری و شماره آخر آن دوم محرم ۱۳۲۶ قمری بوده بیشتر منتشر نشده است . برون مینویسد من نمره یک و چهار آنرا در دست دارم هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۶ و سه چهارم در ۱۲ اینچ است . وجه اشتراک سالیانه آن در گیلان ۱۲ قران . در سایر شهرهای ایران ۱۵ قران در روسیه ۲ منات .

(۹۸۰) مجلس

روزنامه مجلس در طهران بدبیری (میرزا محمد صادق طباطبائی) و دبیری (ادیب‌الممالک) تأسیس و شماره اول آن در هشت صفحه بقطع ۲۰ در ۴۶ سانتیمتر

با چاپ سری (مطبعه سری خورشید واقع در خیابان ناصریه) طبع و در تاریخ یکشنبه هشتم شوال المکرم ۱۳۲۴ قمری مطابق ۱۲۸۵ شمس و ۲۵ نوامبر ماه فرانسه وانگلیسی و ۱۲ نوپاسر روسی ۱۹۰۶ میلادی و ۱۳ تیر ماه ۱۲۲۶ یزدگردی و ۱۳ تشرین الاخر ۲۲۱۸ رومی و ۹ آذرماه ۸۲۸ جلالی انتشار یافته است .
 طرز انتشار روزنامه مجلس در ابتدا تا مدت سه ماه هفته چهار شماره (ایام شنبه و یکشنبه و ۳ شنبه و ۵ شنبه) و پس از سه ماه یعنی از شماره ۶۸ مورخ بتاریخ ۲۵ صفرالمطفر ۱۳۲۵ قمری یومیه گردیده و باستانی روزهای جمعه سه روزه منتشر میشده است .

در هر شماره در زیر عنوان روزنامه مجلس بدینقسم معرفی شده : « اینروزنامه بکلی مطلق و آزاد است و درمباحث و مذاکرات و مشروحات مجلس شوراییلی ایران و کلیه امور پلتیکی و تجارتمی و اجتماعی و آنچه راجع باصلاحات ملکی و امور ملی و مربوط بفرایده عامه و هواید نوعیه و دائر بحقوق عالم اسلامیت و اجراء احکام اسلام و مدافعه حدود وطن باشد با کمال آزادی سخن میراند ، مذاکرات یومیسه دارالشورای کبری و لوایح و مقالات و افکار ملت را در مواد مذکوره با لخصوص منتشر خواهد نمود . »

در شماره اول روزنامه ، در صفحه اول ، سواد دستخط مبارک همایونی را با علامت شیر و خورشید چاپ نموده بدینقسم : « جناب اشرف صدراعظم چون روزنامه موسومه بمجلس که اجازه طبع آن داده شده است اول روزنامه است که در هر گونه مقالات مفیده راجع بفرایده عامه و مصالح امور ملکیه و ملیه و حفظ شرائط دولت خواهی با آزادی قلم مخصوص و ممتاز خواهد بود و لازم است در تحت نظر و صوابدیده شخصی باشد که جامع اطلاعات علمی و شرعی و سیاسی و درستی و دیانت او کاملامعلوم و مشهود باشد لهذا بموجب این دستخط مبارک جزئی و کلی این امر مهم را اراتنخاب اعضاء و تعیین وقایع نگاران و کیفیت طبع و نشر و غیره بجناب آقا میرزا محسن مجتهد سلمه الله که علاوه بر جامعیت مراتب مرقومه از خانواده بزرگ محترم و مقبول موم ملت و محل کمال اعتماد دولت و براتب دولتخواهی و وطن دوستی متحلی و معلومات عصر جدید بصیر و مطلع هستند مرحمت و بعهده کفایت و درستی ایشان واگذار و این امتیاز بزرگ را بایشان عنایت فرمودیم تا مجلس از بی فرضان خبیر و دولت خواهان بصیر تاسیس و تشکیل نموده با کمال دولتخواهی و نهایت دقت و مراقبت این امر مهم را عاجلا بحسن ترتیب قرین انجام دارند . شعبان ۱۳۲۴ . »

از دستخط مذکور چنین مستفاد میشود که در حقیقت صاحب امتیاز روزنامه آقا میرزا محسن (برادر صدراالعلماء) و مدیری آن بمهدیه میرزا محمد صادق طباطبائی بوده است . مرحوم کسروی در جلد اول تاریخ مشروطه ایران ص ۲۵۱ مینویسد : « پس از داده شدن مشروطه در تهران روزنامه (جزاها که از پیش میبود) برپا نشده بود تا امتیاز روزنامه ای بنام (مجلس) با آقا میرزا محسن (برادر صدر

العلماء) داده شد که براهبری (مدیری) میرزا محمد صادق طباطبائی (پسر شاد روان طباطبائی) و نویسندگی ادیب الممالک فراهانی از ماه آذر آغا زبده شد و شماره یکم آن روز یکشنبه شوم آذر (هشتم شوال) بیرون آمد. این روزنامه چنانچه از نامش پیدا بود بیش از همه گفتگوهای مجلس را مینوشت تا آنجا که مامی دانیم پس از روزنامه (انجمن) تبریز، دومین روزنامه زمان آزادیست. در شماره اول پس از چاپ سواد دستخط شرحی تحت عنوان (مقدمه) نوشته که بی‌مناسبت نیست قسمتی از آنرا ذیلا نقل نماییم:

«بسم الله الرحمن الرحيم - بموجب دستخط مبارك همايون مندرجه فوق قلم این روزنامه بکلی آزاد و مطلق است و درمباحث و مذاکرات مجلس شورای ملی و کلیه امور پلنیک و تجارتي و اجتماعي و آنچه راجع باصلاحات ملکی و امور ملی و مربوط بخوابد و هواید عامه و دائر بحقوق وطنیه و مدافعه حدود عالم اسلامیت باشد با کمال آزادی سخن خواهند راند و وظیفه مهم این روزنامه نشر اخبار یومیه و مذاکرات و کلاهی دارالشورای کبرای ایران و احکام صادره از مجلس و گفتگو درمباحث پلنیک است اخبار ولایات و وقایع شهری و اخبار مخصوص تجارتي و آنچه راجع باسما رعمومی است کسب و درج میشود تلگرافات و اخبار خارجه و آنچه از اخبار جراید معتبره اروپا مربوط بحجری و مسلک پلنیک و دایر بامور داخله باشد ترجمه و نقل میشود اخبار علمی ادبی و اقتصادی و صنعتی و صحیح و تاریخی و سایر مقالات مفیده بر حسب اهمیت و اقتضاء وقت نقل و درج خواهد شد اخبار فوریه بوسیله سیم تلفون مخصوص اداره تلگراف کسب و درج میشود ۰۰۰۰۰»

پس از توضیحات مذکور که تمام آن راجع بخصوصیات نشر روزنامه مجلس است مقاله ای بعنوان (فواید مجلس) بقلم ادیب الممالک چاپ شده و پس آن مقاله بعنوان (افاده مخصوص) بقلم (محمد صادق العینی الطباطبائی) درج گردید و در دنبال آن (مذاکرات دارالشورای کبرای ایران روز پنجشنبه پنجم شوال ۱۳۲۴ قمری) طبع شده است.

این قسمت در حقیقت اولین صورت مذاکراتی است که از مجلس چاپ شده و بدین قسم شروع میگردد: «پس از اجتماع و کلا و انعقاد مجلس. جناب حاج شیخ‌الرئیس از ترتیب عمل نان شوال کردند. جناب صنیع‌الموله رئیس گفتند عمل نان مفوض بعهده حاج امین‌الضرب است ۰۰۰» اخبار ولایات و تلگرافات و چند اعلان آخرین قسمت مندرجات شماره اول روزنامه مجلس را تشکیل میدهد. آخرین اعلان مندرج در این شماره بدینقرار است: «اعلان - هر کس طالب اشتراک جریده بومیه مجلس باشد آدرس خود را با نام و نشان منزل خود باداره روزنامه مجلس که در خیابان جلیل آباد است یا در مطبعه خورشید که در خیابان ناصریست بفرستد که بهمان عنوان برای ایشان بتوسط فراش اداره ارسال میشود. محمد صادق العینی الطباطبائی» خصوصیات روزنامه مجلس که در عنوان هر شماره چاپ شده بدینقرار است:

اداره مرکزی : طهران خیابان‌جلیل آباد . مدیر کل میرزا محمد صادق فرزند حضرت حجة الاسلام آقای آ میرزا سید محمد طباطبائی . دیر اداره ادیب‌المالک . مکاتیب بدون امضاء و تعرفه کافی و تبر پست قبول نمیشود . عنوان مراسلات . اداره روز نامه مجلس طهران . عنوان تلگرافی : جریده مجلس ، قیمت اشتراك طهران سه ماهه ۱۴ قران ، ششماهه ۲۶ قران ، یکساله ۴۵ قران . ولایات داخله ایران : بترتیب ۱۷ قران ؛ سه تومان ، ۵۵ قران ، مالک خارجه نیز بترتیب ۸ فرانک ، ۱۴ فرانک ، ۲۶ فرانک . قیمت يك نسخه سه شاهی . وجه اشتراك پس از سال پنج نسخه مطالبه و دریافت میشود .

در شماره اول و دوم و سوم بالای اسم روزنامه (مجلس) بسم الله الرحمن الرحيم و از شهر چهارم به بعد (هو) و در زیر نام روزنامه سال تأسیس (۱۳۲۴) چاپ شده است . شماره دوم روزنامه که بهمان قطع شماره اول منتهی در چهار صفحه چاپ و در تاریخ سه شنبه دهم شوال المکرم ۱۳۲۴ قمری منتشر شده با قصیده اثر خامة ادیب‌المالک شروع میگردد . قصیده مذکور باین مطلع است .

شاد باش ای مجلس ملی که بینم عنقریب از تو آید درد ملت را در این دوران طیب شاد باش ای مجلس ملی که از تو چیره گشت سور مسجد بر کلیسا نور فرقان بر صلیب هما قسم که قبلا یاد آور شدیم بیشتر منظور از تأسیس روزنامه مجلس چاپ جریان مشروح مذاکرات نمایندگان مجلس میباشد و از این جهت این روزنامه مرتب مدتی هتته سه شماره و از آن پس روزانه منتشر گردیده و مذاکرات نمایندگان را بنام هر کس چاپ کرده است . صورت مذاکرات تحت عنوان (وقایع و مذاکرات روز ۰۰۰ دارالشورایملی) درج گردیده و برای اطلاع از مذاکرات نمایندگان و تاریخ آغاز مشروطیت ایران روزنامه مجلس از منابع مفید و معتبر است . روزنامه مجلس تا موقع بباردمان و پیش آمد وقایع خونین طهران مرتب منتشر میشده و با پیدایش این حوادث و تبعید مدیران آقا میرزا محمد صادق طباطبائی این روزنامه نیز مانند سایر جراید طهران تعطیل گردیده است . روزنامه ندای وطن چاپ طهران در شماره ۲۷ سال سوم خود مورخ دوشنبه ۶ شعبان ۱۳۲۷ قمری درباره بازگشت مدیر روزنامه مجلس تحت عنوان (تبریک ورود) اینطور مینویسد :

« تبریک ورود - جناب مستطاب شریعتدار اجل آقای حجة الاسلام زاده آقا میرزا محمد صادق گرامی مدیر جریده شریفه مجلس بعد از چهارده ماه تبعید و تحمل آنهمه خسارت که همه هوطنان مستحضر هستند و بالاخره بارض اقدس مشهد مقدس مشرف بعد از انهدام اساسی ظلم و عدوان در خدمت حضرت آیت الله عازم طهران شدند و از بین راه جدا شده چاپاری تشریف آوردند عصر شنبه با نهایت حشمت و اجلال کمال عزت و اقبال وارد دارالخلافه شدند ، اعضاء اداره ورود موکب محترم ایشاخرا از صمیم قلب تبریک میگویند . » . روزنامه مجلس پس وقایع انقلاب دوم رتبه انتشار یافته ولی این بار مدیری و سر دبیری آن مهده مرحوم (شیخ یحیی کاشانی) واگذار شده است

در این دوره قطع روزنامه بزرگتر شده و مانند سایر جراید پس از ذکر سر مقاله باخبار ولایات و اخبار خارجه و تلگرافات پرداخته است .

شماره ۱۴۹ سال چهارم مجلس در چهار صفحه با چاپ سری در (مطبوعه مجلس خیابان ناصری) طبع و در تاریخ دو شنبه ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۲۹ قمری مطابق ۲۰ اوت ۱۹۱۱ میلادی ، بمدير مسئول و دبیری (شیخ یحیی کاشانی) منتشر شده است . در این شماره ، در ستون اول ، پس از چاپ چند اعلان ، سر مقاله روزنامه تحت عنوان (روابط خارجه - اوضاع داخله بنسبت عریضه وزراء و دستخط نایب السلطنه) تدوین شده است در این دوره مجلس (روزنامه یومیه ملی ، سیاسی ، تجارتمی ، مشتمل بر اخبار و مذاکرات مجلس شوراییلی) معسرفی شده و محل اداره آن : طهران - خیابان ناصریه - اداره جریده مجلس ، معین گردیده است . آغاز انتشار دوره دوم روزنامه مجلس شعبان ۱۳۲۷ قمری بوده و خبر انتشار آن را روزنامه حکمت چاپ قاهره در شماره ۲ سال هیجدهم مورخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ بدیقسم نوشته است : « در این هفته نسخ اولیه از جراید گرامی مجلس و (نجات) و (ندای وطن) رسیده . مدیر جریده مجلس جناب میرزا محمد صادق طباطبائی سر حضرت مستطاب گلگون قباة عاشورای محرم و پیشتاز شهادی وطن در نامه بیست و سیم آقا سید محمد مجتهد است و دبیر نفر تحریر آن جناب پروانه شمع وطن پرستی و سینه سپر بلا گردان روزنامه نگاران احرار ابرار شیخ یحیی کاشانی بوده که بارها در راه آزادیخواهی و آزادگویی نیمه شهید بشمار رفته است . » از شرح مذکور معلوم میشود ابتدا آقای شیخ یحیی کاشانی عنوان همکار ی داشته و بعداً مستقلا اداره روزنامه مجلس را بعهده گرفته است .

مرحوم کسروی در جلد اول کتاب تاریخ مشروطه ایران (ص ۳۷۶) شرحی در باره روزنامه مجلس نوشته است : « نخستین روزنامه پس از مشروطه روزنامه مجلس گردید . امتیاز آن بنام آقا میرزا محسن و راهبر دانش با دست میرزا محمد صادق طباطبائی بود و خود با کاغذ و حروف خوب چاپ می یافت و یکی از روزنامه های آبرومند شمرده میشد . در این روزنامه نیز گفتار بد انسان که روزنامه ها نویسنده کمتر دیده میشود ولی خود از سودمند ترین روزنامه ها میبود : یکی از داستانهای این روزنامه آنستکه چون گفته های نمایندگان را در مجلس ، مینوشت نخست تادیر گاهی نام هر نماینده را هم میبرد ، سپس گویا بخواهش خود نمایندگان نام بردن را کنار گذاشت و هر گفته را بنام (یکی از و کلا) آورد ولی مردم این را ایراد گرفته و از تبریز و دیگر جاها نامه ها فرستادند که ناگزیر شد باز بشیوه نخست باز گردد . » کسانیکه بعنوان مدیری و دبیری در کار روزنامه مجلس دخالت داشته یکی مرحوم ادیب الممالک است که شرح احوال او بتفصیل در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات در ذیل روزنامه ادب چاپ شده و دیگر شیخ یحیی کاشانی است که در ذیل روزنامه ایران امروز شرح احوال او طبع گردیده و در اینجا بذکر شرح حال آقای سید محمد صادق

طباطبائی میبردازیم .

آقای سید محمد صادق طباطبائی - نامبرده در سال ۱۳۰۰ هجری قمری توان یافته قسمت عمده تحصیلات ایشان در مدارس قدیم انجام گرفته است . در آغاز مشروطیت مدیریت روزنامه (مجلس) را عهده دار بوده و در پیشرفت مشروطیت زحمات فراوان کشیده اند و از لیدرهای بزرگ مجلس بشمار میرفتند . در آغاز سلطنت پهلوی سفارت ایران در ترکیه منصوب و پس از آنکه از این مأموریت بازگشتند ناپایان سلطنت پهلوی خانه نشین و بی‌کار و تحت نظر بودند در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بریاست انجمن نظارت انتخابات طهران انتخاب و از طرف اهالی پایتخت نمایندگی برگزیده شدند . (شماره ۱۶۰ سال چهارم اطلاعات هفتگی) . آقای طباطبائی در دوره های پانزدهم و شانزدهم نیز در مجلس شورای ملی بوده و در تمام دوره چهاردهم ریاست مجلس بعهدہ ایشان بود . آقای طباطبائی دارای کتابخانه ممتازی بود که تمام کتابهای آنرا که اغلب نفیس و بعضی نسخه منحصر بفرد بود بکتابخانه مجلس شورای ملی اهدا نمودند .

(۹۸۱) مجله رسمی

مجله رسمی از اول خردادماه ۱۳۰۷ شمسی بدستور وزارت دادگستری تأسیس و بدبیری آقای (علی صادقی) در طهران منتشر شده است . مجله رسمی که در حقیقت روزنامه رسمی دولت میباشد ابتدا هفته سه شماره (تا اواخر سال ۱۳۰۷) و بعد بطور روزانه انتشار یافته و تا کنون که سال ۱۳۱۷ شمسی میباشد قریب ۱۱ سال تمام است باستثناء ایام تعطیل رسمی يك شماره بعلتی یا بدون علت تأخیر نکرده و تا این تاریخ (۱۷/۱۲/۲۷) ۳۰۴۱ شماره منتشر شده است .

مندرجات مجله رسمی بر طبق ماده ۶ قانون مدنی عبارت از اربع ؛ فوائین ، تصویب نامه های دولتی ، آئین نامه - بخشنامه و آگهیهای محاکم و ثبت اسناد و غیره میباشد . میزان صفحات مجله رسمی مختلف بوده مواقعی که آگهیهای عمومی کشور منتشر میشود صفحات روزانه آن ازدویست صفحه تجاوز کرده ومدتی است یکصد صفحه و یا کمتر منتشر میشود و در اوقات عادی بعد متوسط کمتر از چهل صفحه نیست . آبونمان سالیانه این مجله بااعلانات ۸۰ قران واوراق اولیه آن ۴۰ قرانست . تشکیلات مجله رسمی مرکب از پنج شعبه ارسال ، بایگانی ، توزیع تصحیح وحسابداری بوده عده اعضاء با مستخدمین فنی و اعضاء جزه در حال حاضر قریب بیست نفر است . اداره مجله رسمی تا مهرماه سال ۱۳۱۵ اصولاً مر بسوط به ثبت کل بوده و از آن تاریخ به بعد بر طبق قانون ضمیمه تشکیلات فنی وزارت داد گستری شده است : حقوق اعضاء مجله جزو بودجه رسمی وار بودجه ثبت کل تا دیه میشود . عایدات مجله رسمی هم ازوجه اشتراك وحق الطبع اعلانات جزو عایدات کشور است . شرح مذکور در باره مجله رسمی ازنامه که در تاریخ ۱۷/۱۲/۲۷ آقای علی

صادقی مدیر مجله در پاسخ درخواست نگارنده نوشته اند اقتباس شده است . ضمناً اضافه مینماید که مجله رسمی با تشکیلات وسیع تری تا کنون نیز منتشر میگردد و از بدو تأسیس تمام اعلانات انحصار وراثت و اعلانات ثبت شرکتهای و نیز آگهیهای اختطاری علاوه بر درج در روزنامه های محلی در این مجله نیز منتشر میشود .

آقای علی صادقی علاوه بر شرحی که در باره مجله رسمی نوشته اند شرح حال خود را را نیز برای درج در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران بدین نحو مرقوم داشته اند :

آقای علی صادقی - نگارنده بعد از پایان تحصیل خود که در جریان انقلاب مشروطیت ایران مشغول بودم مدتی بطور افتخاری در بعضی از جراید یکه در تبریز (مسقط الرأس اصلی) از قبیل شفق و غیره چاپ میشد مقالاتی انتشار داده و بعد در اثنای مسافرتی که برای بنده در قفقاز پیش آمد در بعضی از جراید آنجا مانند ارشاد ، حیات و غیره و در مجله های فکاهی معروف از قبیل ملا نصرالدین و غیره و همچنین در بعضی از مجلات علمی و سیاسی آنجا مقالاتی انتشار دادم .

بعد از شروع جنگ بین المللی در سال ۱۳۳۴ هجری قمری مطابق با سال ۱۲۹۵ شمسی و ۱۹۱۴ میلادی بایران و تهران برگشته ابتدا در روزنامه ستاره ایران که تحت مدیریت مرحوم حسین صبا (کمال السلطان) و سردبیری مرحوم سید حسین اردبیلی انتشار مییافت مشغول کار شده بعد در روزنامه ایران که مؤسس اصلی آن همان مرحوم سید حسین اردبیلی بود داخل شده پس از فوت آن مرحوم و انتقال روز نامه مذکور بآقای زین العابدین رهنما همچنین در موقعیکه از ایشان هم بآقای ملک الشعراء نوبهار منتقل شد در همان روزنامه اشتغال داشتم .

در اواخر سال ۱۲۹۷ شمسی وارد خدمت وزارت دادگستری شده تا سال ۱۳۰۰ در آنجا بودم در این سال بعنوان تقلیل بودجه وزارت مذکور بنده و عده زیاد دیگری از خدمت منصرف و مجدداً بشغل اصلی یعنی خدمت جراید رفتم . در سال ۱۳۰۱ بنگاه خبرنگاری مرکز اطلاعات را تأسیس کردم که درخواست امتیاز آن بنام بنده در وزارت فرهنگ موجود است قریب سه سال بنگاه مذکور را اداره کرده بعد بعللی که شرح آن از این مبحث خارج است بنگاه مذکور را بر ققای خود که عبارت از آقایان علی اکبر سلیمی ، جها نگیر مصور رحمانی و عباس معودی بودند واگذار کردم که یکسال بعد روزنامه اطلاعات که فعلاً در انتشار مییسا شد از آن بنگاه تولید گردید .

از این پیش آمد تا سال ۱۳۰۶ در جراید شفق سرخ : ایران ، ایران جوان و مجله بهار و غیره کار میکردم اوقاتی برایم پیش آمد که در یک شب (بهت متجاوز از دو سال) چهار و پنج روزنامه متعدد را تصحیح می نمودم . در اواخر سال ۱۳۰۶ بر طبق دعوت وزارت دادگستری دو باره داخل خدمت دولتی شده و در ثبت کل تا تأسیس مجله رسمی وزارت دادگستری مشغول بودم .

(۹۸۲) مجمع حقوق و اقتصاد

مجله مجمع حقوق و اقتصاد در سال ۱۳۱۳ شمسی در طهران تأسیس و بطور ماهیانه منتشر شده است .

(۹۸۳) مجموعه حقوقی

مجله مجموعه حقوقی در طهران تأسیس و از اول فروردین ۱۳۱۶ شمسی به دستور وزارت دادگستری از قرار هفته یک شماره منتشر شده است . ابتدا هر شماره آن دارای پنجاه صفحه بوده و پس از یکسال در چهل صفحه منتشر شده و تا آخر سال ۱۳۱۷ بدون تأخیر قریب یکصد شماره از آن نشر یافته است . این مجموعه از حیث تشکیلات اداری جزء مجله رسمی بوده و از طرف دو عضو و دو نفر مستخدم جزء اداره میگردد . و تصحیح آن نیز بعهده مصححین مجله رسمی بوده است .

(۹۸۴) مجموعه اخلاق

مجموعه اخلاق در طهران بمدیرى و نگارندگى (میرزا علی اکبر خان) تأسیس و جزوه اول آن در ۸ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سر بی (مطبعه خورشید طهران خیابان ناصریه) طبع و در سال ۱۳۲۲ قمری منتشر شده است . از جزوه اول مجموعه اخلاق تا جزوه هفدهم فقط سال (۱۳۲۳) در زیر اسم مجله چاپ شده و تا این جزوه مجموعه در هر ماه دو مرتبه یکی در غره و مرتبه دیگر در پانزدهم هر ماه طبع و توزیع میشده ولی از جزوه ۱۷ که ضمناً روی پشت جلد تاریخ (غره ذیقعد ۱۳۲۴) ثبت شده مجموعه اخلاق در هر ماه سه نمره (غره - دهم - بیستم) طبع و توزیع شده است . در هر جزوه روی پشت جلد مجموعه اخلاق بدینقسم معرفی گردیده است : « این جزوه که بالمآل کتابی خواهد شد بنام مجموعه اخلاق چنانچه اسمش حکایت میکند رسمش بر تهذیب اخلاق و ادب است از پلتیک و سیاسی و مندهبی سخن نمیگوید هر کس راجع باخلاق و علم و ادب فصلی بنگارد پذیرفته و درج خواهد شد . »

در حقیقت مندرجات مجموعه اخلاق که بیشتر بقلم عرفا نوشته شده ، جز مطالب اخلاقی و تفسیر و تاویل آیات قرآنی چیز دیگری نیست . از جزوه چهارم باآنطرف تا چند شماره این رباعی که ماده تاریخ تأسیس مجموعه بوده ، روی پشت جلد درج شده است :

از انجمن اخوت آمد بظهور
مجموعه اخلاقی آ یا مطلع نور
(۱۳۲۳)

لوحی بمثل همچو کتاب مسطور
دیدش چو سروساز پی تاریخش گفت

اداره مجموعه اخلاق : طهران خیابان دولت . انجمن اخوت . قیمت اشتراک

جزوی پنجشاهی. در سایر بلاد اجرت پست اضافه میشود. شمار و سرلوحه مجله عبارت از دایره ایست که در وسط آن دو تبرزین عمود بر یکدیگر قرار گرفته و در بین آنها در قسمت پائین کشکول و تسبیحی آویزان است. در مقابل یعنی قرینه کشکول و تسبیح. جمله (هو العلی الاعلی) نوشته شده و نیز اعداد (۱۳) و (۱۷) در دو طرف دیگر درج است. (این سرلوحه خیلی شبیه سرلوحه مجله اخوت کرما نشاء است.) در باره تأسیس مجله مجموعه اخلاق در مقاله افتتاحی شماره اول پس از حمد خداوند و ستایش از مظفرالدین شاه که با درویشان چنان در آمیزد که گوئی از ایشان است مینویسد: «پس از آنجائیکه مردم را با ید بروش پادشاه خویش گرایند که الناس علی دین ملوکهم پس برای نشر و تعمیم این شیوهٔ پسندیده و تشویق و ترغیب عام بدین آرایش معنوی (انجمن محترم اخوت) که اساسش بر ترویج اخلاق و تکمیل خصائص انسانیت است خدمت بنوع را در مقام تالیف مجموعه برآمد که از کلمات آسمانی و مواعظ ربانی و اخبار ائمه طاهرین و اقوال حکمای الهی و گفتار متکلمین عرب و عجم آنچه بتواند در این مجموعه شریف بگنجانند و بر زبان وقت و لهجه حال مزیدی و توضیحاتی بر آن بیاورد و در هر پانزده روزی يك جزو فیما بین اخوان توزیع مینماید و چون این مجموعه برای نشر اخلاق است البته هر يك از اخوان و اشخاصی که بیان و بنان شان بر صلاحیت و تربیت نوع است فصلی راجع باخلاق و آداب مردمی بنگارند در این مجموعه بنام نگارنده درج خواهد شد درخاتمه از خداوند در انجام این عمل استمداد مینماید.»

قسمتی از مندرجات مجموعه اخلاق ترجمه خطبه حضرت امیر بمالك است هنگامی که حاکم مصر بوده و این ترجمه را میرزا صادق وقایع نگار با مر فتحعلی شاه انجام داده است. بقیه مندرجات مجموعه عبارت از اشعار است از ملای رومی و سعدی و بعضی از بزرگان صوفیه و شمرای متصوف آن زمان از قبیل اشعار (علی اکبر شیدا) و اشعار صنی علیشاه. از مجموعه اخلاق فعلا تا جزوه هیجدهم که بدون تاریخ است و مجموع صفحات مجله تا این جزوه ۱۴۴ صفحه خشتی میباشد در دست است

(۹۸۵) مجموعه ماورای بحر خزر

روزنامه هفتگی (مجموعه ماورای بحر خزر) در سال ۱۳۲۲ قمری در شهر عشق آباد تحت مدیریت (فیدروف Fedoroff) روسی منتشر شده است. این روزنامه ارگان سیاست روسیه در ایران بوده و در مدت جنگ روس و ژاپن برای انتشار فتوحات روسیه بوسیله کنسولگری روس در ایران نشر یافته است. نمره چهارم سال چهارم آن در تاریخ ۱۳ ذوالقعدة ۱۳۲۷ قمری منتشر گردیده است. سرلوحه روزنامه عبارت از تصویر عقاب است که در حال پرواز است و در زیر آن بخط فارسی و روسی (مجموعه ماورای بحر خزر) نوشته شده و نیز در عنوان روزنامه مجموعه ماورای بحر خزر (روزنامه مصور فارسی) قید گردیده و در زیر اسم روزنامه

سال تأسیس (۱۳۲۲) ثبت شده است . قیمت آبونه در روسیه سالیانه ۳ منات . ۶ ماهه ۲ منات . در بلاد خارجه سالیانه ۴ منات . ۵۰ کاپیک . قیمت اعلان در صفحه اول ۳۰ کاپیک و در صفحه آخر ۲۵ کاپیک . هر نمره این روزنامه از چهار تا هشت صفحه میباشد برون در کتاب مطبوعات و شمر فارسی (۱۳۴) يك صفحه روزنامه را گراوز کرده و این صفحه از نمره سوم سال سوم آنست و این نمره در تاریخ جمعه ۲۵ محرم ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۵ فورال سنه ۱۹۰۸ میلادی انتشار یافته است .

در شماره ۸ سال سوم روزنامه ادب چاپ طهران صفحات ۶۰ و ۶۱ آن شرحی بدینقسم راجع بروزنامه مذکور نوشته است : « مجموعه ماورای خزر جریده ایست که در شهر عشق آباد روس بمدیری (فیدروف) منتشر میشده و دو شماره از آن برای روزنامه ادب فرستاده شده است . این روزنامه در صفحات بزرگ با تصاویر زیاد به زبان فارسی ، ترکی ، روسی هفته سه روز بطبع میرسیده و فهرست مندرجات دو شماره آن بقرار ذیل است : امور سیاسی ، مراسلات اروپا و روسیه و ایران و خیوه و بخارا و افغانستان اخبار و وقایع داخله راجع بصنایع و حرف و اتفاقاتیکه متعلق است ببلاد ماوراءالنهر . مقالات ادبیه از نوادر و ظرایف . تلگرافات از طرف وکلای تلگرافخانه . اعلانات . »

از آقای فیدروف مدیر روزنامه نگارنده تا کنون اطلاعی بدست نیاورده ام .

(۹۸۶) محاکمات

روزنامه محاکمات در طهران بمدیری (مجدالاسلام کرمانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . این روزنامه ارگان وزارت عدلیه و مخصوص درج محاکمات عدلیه بوده و ابتدا هفته يك شماره و پس از مدتی يك روز در میان منتشر میشده است . شماره اول روزنامه محاکمات در تاریخ ۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۱۱ و یکچهارم در ۶ و سه چهارم اینچ بوده است . قیمت اشتراک سالیانه آن در طهران ۱۵ قران ، در سایر شهر های ایران ۱۸ قران ، در ترکیه و مصر دو مجیدی ، در روسیه و قفقاز چهار منات و در اروپا ۱۸ فرانک .

روزنامه محاکمات را در آغاز مشروطیت مجدالاسلام کرمانی تأسیس نمود و بعداً روزنامه رسمی وزارت عدلیه شده است . در شماره ۳۸ سال اول روزنامه ندای وطن مورخ شنبه ۱۰ جمادی الاولی ۱۳۲۵ قمری شرحی بعنوان (اخطار و اعلان) راجع بروزنامه محاکمات بدینقسم نوشته است : « هیئت اداره ندای وطن بحمد الله موفق شدند بر ایجاد روزنامه با اسم محاکمات و این روزنامه چنانکه اسمش حکایت میکند مسلکش فقط ثبت محاکمات عمده است که در وزارت عدلیه اعظم یا وزارت معارف و اوقاف یا محاکمات تجارت یا محاکمات خارجه واقع میشود که خلاصه اسناد مدعی و مدعی علیه باصورت احکام صادره در مورد آنها را مینگارد . از مطالب

متفرقه و اخبار داخله و خارجه و اعلانات و مقالات بکلی معذرت دارد. عرایض متظلمین را بوزارت جلیله عدلیه تدمیم مینماید مشروط باینکه عارض را اجزاء اداره بشناسند و اطمینان بصحت عرض او داشته باشند ۰۰۰۰۰۰ مجلاً روز نامه محاکمات برحسب اجاره مخصوص و امتیاز مفوض از اولیاء دولت در اداره ندای وطن طبع و توزیع میشود و عجالتاً چون هنوز اسباب کامل نیست هفته دو نوبت در یک ورق طبع میشود و بعد انشاء الله یومیه خواهد شد و شماره اول آنرا برای مشترکین ندای وطن میفرستم. توضیحات دیگری راجع روزنامه محاکمات در دنبال مطالب مذکور نوشته که برای اطلاع از آنها باید باصل روزنامه ندای وطن مراجعه شود.

روزنامه محاکمات پس از انتشار چند ماه گرفتار تعطیل شده و پس از بیست روز تعطیل مجدداً منتشر شده است. در شماره ۹۶ سال اول ندای وطن مورخ ۲۶ رمضان ۱۳۲۵ قمری مرحوم مجدالاسلام مدیر روزنامه مینویسد: «روزنامه محاکمات ما بواسطه تعطیل اداره محاکمات عدلیه و نبودن وزیر چندی معطل ماند حالاً که جناب مخیرالسلطنه بوزارت عدلیه منتخب شدید و شروع بکار کردند روزنامه محاکمات از غره شوال مرتباً طبع و توزیع میشود و امید است محاکمات مفیده در آن درج شود و عوض تعطیل این بیست روز را خواهم داد» پس از بمباردمان مجلس و تفرقه آزادبخواهان و تعطیل جراید قهراً روزنامه محاکمات نیز تعطیل شده و مجدداً در سال ۱۳۲۷ قمری با بدایره انتشار گذاشته اس خبر انتشار مجدد آنرا مرحوم مجدالاسلام در ضمن شماره های ۱۰ و ۲۵ سال سوم ندای وطن مورخ ۱۶ رجب و ۴ شعبان ۱۳۲۷ قمری، بدینقسم چاپ کرده است: «برای توضیح مطلب دو قمره از محاکمات عدلیه را فعلاً بطور خلاصه نگارش میدهم و انشاءالله تا آخر همین ماه جریده یومیه محاکمات را منتشر میسازیم.» و «اعلان - روزنامه محاکمات که روزنامه رسمی وزارت جلیله عدلیه است تا یک هفته دیگر دایر میشود و چون جمع و خرج آن را جمع بعدلیه است مقرر شده که قیمت اشتراك پیشگی گرفته شود لهذا اعلان میشود هر کس طالب اشتراك باشد باید قبل از وقت بداره ندای وطن اطلاع بدهد و قیمت یکساله را که مبلغ بیست و پنجزار در طهران و سه تومان در سایر ولایات است بپردازد و الا فرستاده نخواهد شد.»

هماقسم که در باره مندرجات روزنامه محاکمات یاد آور شدیم مطالب این روزنامه، محاکمات واقع در عدلیه بوده و من جمله از محاکمات مندرج در روزنامه (محا که و استنطاق گماشته حاج سید علی آقا و خود ایشان در اطاق جزاء) است متن این محاکمه در شماره ۸ مورخ یکشنبه نهم ربیع الاخر ۱۳۲۶ قمری روزنامه محاکمات چاپ شده و مقدمه آن بدینقسم شروع میگردد: «چند روز قبل اعلانی بدر و دیوار شهر چسبانیدند که حاصل مفهوم آن اعلان که با ژلاتین طبع شده این است: این مجلس را ما طایفه بهائیه دایر کردیم و تمام این اقدامات از طرف ماها بوده و اغتشاشات ولایات هم از ماهاست و تا آزادی منتهی بمانندند ممکن نیست امور

این ملک منظم شود ۰۰۰۰ استنطاق سید علی آقا یزدی . س . میرا حیدر علی چند سال است نوکر جنابعالی است . جواب . میرزا حیدر علی نام بنده از وقتی که خود را شناختم نوکر نداشته‌ام نه در تبریز و نه در طهران نه در عتبات . « لازم بتوضیح است که این محاکمه که از سید علی آقا یزدی پدر آقای سید ضیاء‌الدین طباطبائی سیاستمدار معروف ایران بعمل آمده و در روزنامه محاکمات نقل شده غیر از ماجرای واقعه معروف توپخانه است . در این محاکمه سید علی آقا متهم است که از بهائیا پول گرفته و بقصد تخریب مشروطیت بنام بهائی شب‌نامه برانی کرده است .

شرح حال مجد الاسلام در ذیل روزنامه ندای وطن چاپ خواهد شد .

(۹۸۷) محاکمات

روزنامه محاکمات در شهر تبریز بمدیری (میرزا محمود غنی زاده سلماسی) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری مطابق ۱۹۰۸ میلادی منتشر شده است . (کتاب مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۳۵) مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان سال تأسیس روزنامه محاکمات را در تبریز ۱۳۲۸ قمری ضبط کرده اینطور مینویسد : « محاکمات روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سری بمدیریت محمود غنی زاده در ۱۳۲۸ . »

محمود غنی زاده بخیر از محاکمات روزنامه های سپند ، فریاد و بوقلمون را نیز تأسیس و منتشر نموده است و ما جداگانه از هر کدام در محل خود گفتگو نموده‌ایم .

(۹۸۹) محاکمات یزد

روزنامه محاکمات یزد در شهر یزد بمدیری (محمد صادق) تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . این روزنامه هفتگی بوده و با چاپ سنگی طبع می شده . روزنامه محاکمات یزد پس از ورود سردار جنک بختیاری بحکومت یزد بجای روزنامه معرفت انتشار یافته و دو یا سه نمره بیشتر از آن نشر نشده است . برون که شرح مذکور را در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۳۵) نوشته اضافه میکند که من نمره دوم آنرا دارم و این نمره در تاریخ ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۷ قمری منتشر گردیده هر نمره آن در چهار صفحه بقطع ۱۱ در ۶ و یکچهارم اینچ و با خط تعلیق پهن و روشن میباشد . وجه اشتراك سالیانه آن در یزد ۱۶ قران در سایر شهرهای ایران ۲۰ قران در خارج ایران ۲۳ قران .

(۹۹۰) محشر

روزنامه محشر در طهران بمدیری (کاظم زاده علوی) تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است . روزنامه محشر که بعلت بعضی ناملازمات

چندی در محاق تعطیل بود ، شماره اول سال چهارم آن بموسی و مدیری (کاظم زاده علوی) در چهار صفحه بقطع بزرگ در تاریخ یگشنبه ۲۷ شهر جمادی الثانی ۱۳۴۵ قمری مطابق ۱۱ دیماه ۱۳۰۵ منتشر شده . مقاله افتتاحی این شماره بعنوان (قلم و مطبوعات) است . در این شماره در پاورقی صفحه دوم و سوم (تاریخ سید جمال‌الدین) تألیف پرفسور برون ترجمه و چاپ شده . جای اداره روزنامه لاله زار و تک شماره آن ۸ شاهی است .

محرر روزنامه ایست اجتماعی و سیاسی و بطور تفصیل اخبار داخله و خارجه و مجلس در آن درج است . از روزنامه محرر فلانا شماره ۵۵ سال ۴ مورخ سه شنبه ۹ صفر مطابق ۱۷ مرداد ۱۳۰۶ در دست میباشد . در این شماره مقاله مفصلی تحت عنوان (چرا ما روزنامه ننویسیم) درج شود و خلاصه آن چنین است این چه مملکت و این چه مشروطه ایست هر روز دزد ها حمله میکنند ، حزب وجود ندارد تا میرسد باینکه ما این وضعیت سخت فداکاری نموده ایم و امروز اطمینان نداریم مثل ادوار سابق که عهده دار چندین قمره روزنامه بودیم و بی پروا حقایق مینگاشتیم حالا هم بتوانیم . اینست که ادامه خدمات خود را بوقف دیگر میگذاریم و در این هنگام هم اگر ملت و جامعه پشتیبان واقعی نامه ملی ما باشند باز حاضریم که کما فی السابق فداکاریهای خود را ادامه و آنچه خیر و صلاح عمومی است بگوئیم .

با در نظر گرفتن اوضاع آن ایام و شروع حکومت دیکتاتوری پر واضحت که ادامه کار برای آقای کاظم زاده علوی مشکل بوده ولذا از کار روزنامه نگاری باجبار دست کشیده و شغل وکالت داد گستری مشغول شده است . روزنامه صدای شرق چاپ مشهد در شماره ۲۰ سال هفتم خود مورخ ۲۱ ابان ۱۳۰۹ شمس راجع بآقای علوی و شغل وکالت عدلیه او اینطور مینویسد : « یاد آوری - حضرت آقای علوی مدیر جریده شریفه محرر که یکی از آزادیخواهان حقیقی بشمار میروند و از روز نخستین اعلان حکومت مشروطه عهده دار خدمات ملی و مسئول و مؤسس و مدیر چندین جراید مرکز بوده اند اینک هم برای ادامه خدمت گذاری نسبت بهم وطنان خود شغل وکالت عدلیه را عهده دار شده اند چون کاملاً با علم حقوق آشنا در تمام مراحل قضائی وکالت قبول مینمایند لهذا عموم آقایانی که فرمایشاتی در مرکز داشته باشند رجوع فرمایند . عنوان تلگرافی علوی . »

(۹۹۱) مخزن دانش

مجله مخزن دانش در سال ۱۳۰۱ شمس در شهر همدان تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است .

(۹۹۲) هدائن

در تاریخ هشتم آذر ۱۳۰۴ شمس امتیاز مجله مداین در اصفهان بدیری (میرزا

عبدالحسین بنان زاده (از تصویب شورای عالی معارف گذشته است . گرچه تصویب امتیاز مداین بنام مجله بوده ولی هنگام انتشار با اسم روزنامه نشر شده است روزنامه اختر مسعود چاپ اصفهان در شماره ۹ سال هشتم خود مورخ سه شنبه ۲۳ شوال ۱۳۴۵ قمری بعنوان تقریظ در باره انتشار روزنامه مداین اینطور مینویسد : « روزنامه مداین در تحت مدیریت آقای ادیب فرهنگد از آسمان مطبوعات اصفهان طلوع و چشم معارفخواهان را روشن نموده ما موفقیت هم قلم خود را خواهانیم . »
 آقای ادیب فرهنگد علاوه بر روزنامه مدائن مجله تحفه‌الادبا و روزنامه گیتی‌نما را نیز در اصفهان منتشر نموده و ما از این دو مجله و روزنامه بتفصیل در محل خود گفتگو کرده ایم .

(۹۹۳) مدرس فارسی

مجله مدرس فارسی در شهر بمبئی هندوستان تأسیس و بدو زبان فارسی و انگلیسی در سال ۱۳۰۰ قمری مطابق ۱۸۸۳ میلادی منتشر شده است . قسمت فارسی مجله با چاپ سنگی و قسمت انگلیسی آن با الفبای کتابی طبع گردیده .
 مندرجات مجله مدرس فارسی عبارت از دستور زبان فارسی و ادبیات و حکایات فارسی و ضرب‌المثل و داستان‌های کوچک میباشد . شماره اول این مجله در تاریخ سه شنبه اول جاری ۱۸۸۳ میلادی طبع و توزیع شده و در هر شماره این شعر بعنوان شعار مجله چاپ شده است :

ز لاف حمد نعت اولی است بر خاک ادب خفتن

سجودی میتوان کردن درودی میتوان گفتن

مجله مدرس فارسی رویهمرفته سه سال در ۳۶ نمره منتشر شده و شماره آخر که شماره سی و ششم باشد در ماه دسامبر ۱۸۸۵ انتشار یافته است . هر نمره آن در ۱۶ صفحه و قیمت اشتراك سالیانه آن برای کسانیکه قبلاً وجه اشتراك را بپردازند ۴ روپیه و برای کسانیکه در پایان سال پرداخت نمایند ۵ روپیه . ناشر مجله (خان بهادر منشی) و پسرش و نویسنده و موسس مجله آقایان (میرزا محمد جعفر و میرزا محمد صادق خراسانی کنسول ایران در کراچی) بوده اند .

در فهرستی که برای بعضی از جراید فارسی در سال دوم دوره جدید کاوه ضبط شده در باره این مجله مینویسد : « روزنامه مدرس فارسی در بمبئی در ربیع الاول ۱۳۰۰ دائر شد و مدتی دوام کرد . » اشتباه تنظیم کننده فهرست در اینست که مدرس فارسی را روزنامه ضبط کرده در صورتیکه مجله است .

(۹۹۴) مدنیت

روزنامه مدنیت در شهر تبریز بهمدیری (اژانس ارامنه ملقب بصدرا) تأسیس و با چاپ سنگی در سال ۱۳۰۱ قمری منتشر شده است . نمره دوم این روزنامه در

۱۲ جمادی الثانی ۱۳۰۱ مطابق ۹ آوریل ۱۸۸۴ میلادی انتشار یافته . مرحوم تریست در فهرست جراید آذربایجان درباره روزنامه مدنیت اینطور مینویسد :
 « مدنیت - روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سنگی بمدیریت صدرا در جمادی الاخر ۱۳۰۱ . »

(۹۹۵) مدی

روزنامه هفتگی مدی در طهران بمدیری و نویسندگی (شیخ عبدالعلی ملقب بمؤید) تاسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . پس از وقایع بیباردمان مجلس شیخ عبدالعلی موبد طهران را ترك و بجانب گیلان رهسپار شد و از آنجا باسم (میرزا شیخ علی مجتهد) بسن پترز بورك عزیمت نمود . (مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۳۲)

(۹۹۶) مذاکرات مجلس

مجله مذاکرات مجلس در طهران بوسیله اداره کار پردازى مجلس شوراییلی تاسیس و شماره اول آن در آذرماه ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است . مجله مذاکرات مجلس طبق قانون هشتم آذرماه ۱۳۰۵ دوره ششم تقنینیه تاسیس و انتشار یافته و مندرجات آن عبارت از مذاکرات نمایندگان مجلس بوده است . این مجله ز ابتدای تاسیس مرتب منتشر شده و از دوره یازدهم مجلس بطور رایگان و مجاناً توزیع میشده است . طبع و نشر این مجله ضمن کارهای اداری مجلس شوراییلی منظور و يك مجله دولتی است . مدتی ناشر مجله آقای امیر جاهد مدیر محترم سالنامه پارس و چندی هم آقای هاشمی نماینده کرمان و مدیر روزنامه بیداری بوده اند .

(۹۹۷) مرآت

روزنامه مرآت در شهر طهران بمدیر مسئولی (مرآت‌الذاکرین) تاسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . شماره سوم سال اول آن در دو صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (قناعت طهران) چاپ و در تاریخ چهارشنبه ۱۴ برج قوس ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . سر مقاله این شماره بدینقسم شروع میگردد : « عادت ما این است . چنانچه مشاهده میکنید نویسندگان و ناطقین در حرف زدن و مناله نوشتن سعی دارند که افکار خود را طرفدار ضغاف و فقرا و دهاقین معرفی نمایند بلکه آرزو و آمال بعضی از آنها ۱۰۰۰۰ پس از این سر مقاله (اخبار هفتگی) و بعد اخبار مجلس چاپ شده است .
 در شماره پنجم تحت عنوان (استغاثه و ناله مظلومانه ملت به پیشگاه اعلیحضرت همایونی) تمام صفحه اول زشتیها و خرابکاریهای قوام‌السلطنه را خطاب بشاه شرح داده و این مطالب سر مقاله شماره پنجم را تشکیل میدهد .

حرف المیم بعدہ الراء ، مرآت ، مرآت السفر و مشکوٰۃ الحضرم ، مرآت الملہ

طرز انتشار روزنامہ مرآت ہفتگی بودہ ولسی در عنوان روزنامہ وعدہ دادہ است (عما قریب یومیہ خواہد شد) • محل ادارہ خیابان لالہ زار - کوچہ معین التجار بوشہری • بہسای روزنامہ : ماہیانہ • داخلہ دو قران بملاوہ اجرت پست ، خارجہ سہ قران بملاوہ اجرت پست • تک نمرہ سہ شاہی • از روزنامہ مرآت فعلا تا شمارہ ۸ - سال اول مورخ شنبہ ۷ رجب ۱۳۴۱ قمری مطابق ۵ حوت ۱۳۰۱ در دست است • سر مقالہ این شمارہ (کودتای سوم حوت یا یک روز تاریخی) است •

(۹۹۸) مرآت السفر و مشکوٰۃ الحضرم

روزنامہ مرآت السفر کہ پس از چند شمارہ لفظ (مشکوٰۃ الحضرم) نیز بعنوان آن اضافہ شدہ از ربیع الاول سال ۱۲۸۸ قمری درسفر ناصرالدین شاہ با رندران از طرف (محمد حسنخان اعتماد السلطنہ) در عرض راہ و منازل نشر میشدہ و جمعاً ۱۳ شمارہ از آن منتشر گردیدہ است .

روزنامہ مرآت السفر روزنامہ ایست مشتمل بروقاہع اسفار ناصرالدین شاہ و شکارہای او در سفر مازندران و احوال و مقالات او کہ بدستیاری محمد حسنخان اعتماد السلطنہ در عرض راہ نوشتہ شدہ و چون وسائل طبع ہمہ وقت در اسفار ناصرالدین ہمراہ بودہ در عرض راہ طبع و توزیع میشدہ است

محمد حسنخان وزیر انطباعات روزنامہ ایران را نیز در زمان ناصرالدین شاہ منتشر نمودہ و در نمرہ ۱۶ سال اول آن مورخ بتاریخ چهارشنبه یازدہم ربیع الاول قوی ٹیل ۱۲۸۸ قمری تحت عنوان اعلان راجع برویوزنامہ (مرآت السفر) شرحی نوشتہ کہ ما در جلد لول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران ذیل روزنامہ (اردوی ہمایون) آنرا نقل کردہ ایم . قسمتی از سفرنامہ مازندران ناصرالدین شاہ کہ بقلم خودش نوشتہ شدہ یعنی ہمین روزنامہ مرآت السفر در شمارہ های سنوات ۱۲۸۸ و ۱۲۸۹ روزنامہ ایران چاپ شدہ است •

روزنامہ مرآت السفر و مشکوٰۃ الحضرم تا سال ۱۳۰۰ قمری باین نام منتشر گردیدہ و از آن پس بنام (اردوی ہمایون) انتشار یافتہ است . برای اطلاع از روزنامہ اردوی ہمایون بجلد اول کتاب مراجعہ شود (صفحہ ۱۱۲)

(۹۹۹) مرآت الملہ

روزنامہ مرآت الملہ در شہر رشت در سال ۱۳۰۱ شمسی بطور ہفتگی تاسیس و منتشر شدہ است

(۱۰۰۰) مرآت جنوب

روزنامہ مرآت جنوب در شہر کرمان بدبیری و مؤسسہ (سید نصراللہ مؤیدالاشراف) تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شدہ است . طرز انتشار این روزنامہ ہفتگی بودہ و شمارہ اول آن در چہار صفحہ بقطع ۶ و یک دوم در ۱۱ و یک دوم اینچ طبع

طبع و در تاریخ سوم محرم ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته است . این روزنامه با چاپ سنگی و خط نسخ طبع گردیده . وجه اشتراك سالیانه آن در کرمان ۲۰ قران . برون در کتاب تاریخ مطبوعات (صفحه ۱۳۸) مینویسد در صفحه يك شماره اول تصویر (میرزا حسین خان سردار نصرت) چاپ شده است .

روزنامه مرآت جنوب بیش از یکسال منتشر نشده و بامحکومیت وزندانی شدن مدیران مؤید الاشراف روزنامه تعطیل شده است . شرح محکومیت مدیر مرآت جنوب را در شماره ۱۷ سال اول روزنامه دهقان چاپ کرمان مورخ ۲۱ شهر صفر ۱۳۳۰ قمری تحت عنوان (محکومیت) بدینقسم نوشته است : « جناب آقای سید نصرالله مؤید الاشراف مدیر مرآت جنوب بواسطه درج بعضی لوايح و مقالات مفرضانه و رسم تصویرها و کاریکاتورهای غیر منصفانه در روزنامه خود همواره موجب توهین نسبت به محترمین و ادارات دولتی و مدارس میشدند . چون حال ایشان معلوم بود اغلب اهمیتی بنگارشات ایشان داده نمیشد تا اینکه در یکی از نمرات روزنامه نسبت با آقای شوکت الوزاره رئیس پست خانه توهین وارد آورده و نسبتهای خلاف واقع بایشان داد . جناب ایشان متحمل این بی احترامی نشده و بمحض ورود ایالت جلیله حضور ایشان متظلم شدند . حضرت اقدس والا رجوع بعذلیه نمودند مؤید الاشراف در عدلیه متعهد شد تا ده روز دیگر از عهده اثبات آنچه نوشته برآید و چون در این مدت از عهده بر نیامد لذا از طرف عدلیه محکوم بدادن سیصد تومان مجانی و حبس یکساله و توقیف روزنامه شده و فعلا محبوس است . « مدیر روزنامه دهقان پس از شرح مذکور مینویسد چون حال فقر و پریشانی مؤید الاشراف معلوم است و همه میدانند که این روزنامه در واقع روزی نامه بکنفر هم وطن ماست از رؤسای عدلیه درخواست تجدید نظر و تخفیف مجازات مشار الیه را خواستگاریم .

(۱۰۰۱) هری

مجله هری در طهران بمدیری و صاحب امتیازی (میرزا علی اکبر خان سلیمی) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار این مجله هفتگی بوده است . آقای علی اکبر سلیمی علاوه بر انتشار مجله هری بنشر مجموعه مفید دیگری بنام (گلهای رنگارنگ) در طهران اقدام نموده که ذیلا شرح مختصری در باره آن مجموعه مینگاریم . علت آنکه در حرف گاف کتاب از مجموعه گلهای رنگارنگ اسمی بمیان نیآورده چنین است که گلهای رنگارنگ مجله نبوده و بلکه از طرف ناشر بنام مجموعه منتشر شده است .

مجموعه گلهای رنگارنگ که آقای (علی اکبر سلیمی) صاحب موزه هری ، ناشر آن بود در طهران بطور ماهانه منتشر شده و جلد اول آن در دیماه ۱۳۱۲ شمسی در ۲۴۰ صفحه بطبع کوچک خشتی در مطبعه هری (مهر) طبع و توزیع شده بهای هر جلد در همه جا ۵ ریال و ۶ شماره آن ۲۰ ریال و ۱۲ شماره (برای کسانی

که وجه آنرا قبلا پردازند) ۵۰ ریال است. شماره اول گل‌های رنگارنگ در سه هزار نسخه طبع گردیده است. برای اطلاع از مندرجات این مجموعه عین مقدمه زیرا که بقلم ناشر آن آقای علی اکبر سلیمی نوشته شده در اینجا نقل مینمائیم: «بخوانندگان عزیز افتخار دارم که نخستین شماره این مجموعه نوظهور را که حاوی داستانها کوچک و شیرین، ورق و افکار پراکنده، منتخب ادبیات منثور و منظوم از شعراء ایرانی و خارجی، انواع بازیهای عمومی و ملی، عجایب آداب و اخلاق ملل، چیزهای تازه و شنیدنی، افسانه‌های ملی، شرح حال رجال و خدام بشراشعارمحلی و خلاصه مندرجات شیرین و جذاب و سودمندی که موجب سرگرمی و تفریح خوانندگان و روشن ساختن افکار آنانست بدوستاران کتاب تقدیم میدارم. ع. سلیمی.»

مندرجات مجموعه گل‌های رنگارنگ عبارت از موضوعهای مختلفی است که اغلب آنها بقلم نویسندگان مشهور ترجمه و تدوین شده و بصورت قطعات کوچک از نظم و نثر در آمده است. در هر شماره فهرست مندرجات در صفحات اول مجموعه با ذکر نویسنده و یا مترجم طبع شده و برای اطلاع بیشتری فهرست شماره اول مجموعه را ذیلا نقل مینمائیم:

مقدمه. بخوانندگان عزیز. ع. سلیمی. توحید (نظامی). گل‌های رنگارنگ (ابوالقاسم پاینده). شرط بندی (آنطون چکوف). زینت (موپاسان). زن زیبا (م. فرمون). علی دشتی درس و کتاب. آنا طول فرانس (محمد سعیدی). آداب و رسوم (بهمن کرمانی). کلیسا. (ولتر). جوانی. هوگو (نصراله فلسفی). زن در نظر ملل. گوشه انزوا (فرج‌اله بهرامی). زیبایی. بعمشوقه خود. لامار تین. فلسفی. کولیها (پوشکین). رضا شهزاد. ارسطو (باتصویر او). دستگیری کنید. هوگو فلسفی. ویولون (ضیاء هشرودی). مهتاب و شهاب (سرمد) پادشاه گل کوب. دخترک بدبخت. پیر لویس. مرگ مادر. (علی دشتی) دنیا در نظر سعدی. هلال ماه. (نصراله فلسفی) تمدن بشر (اناتول فرانس). محمد سعیدی. بیچاره سزارین. سرود اطفال (تصویر) اذان مغرب (سعید نفیسی) آراء بزرگان. دین در نظر خیام. نومیدی. میرزاده عشق و لامارتین. سیدجمال اسدآبادی با تصویر او. امید (شیلر) رضا کلانتری جهنم چین. آلبالو و گیلان (امیر قلی امینی) آدمکش (ملک الشعرا بهار) گمنام. تعریف کلمات. (عبیدزاکانی). عروسی در ایران (ع. س). سرود آبخار (محمدجناب راده). عروس دیوانه (غفار سیاهپوش) بخشش (فرانسوا کوپیه). کمدی پهلوان کچل. چین (انصاری). تصویر بازیکنان. نیکی (سعدی) فرادا (یحیی ربیعان). خزان. (لامارتین. فلسفی) چند نصیحت بخانها باهارون ولات (مکرم اصفهانی) سه بازی علمی (غلامحسین مصاحب). ای آرزو (اسداله طاهری). غنچه معصوم (ابوالقاسم پاینده). هفت (دکتر افشار) قیمت خنده. یک صفحه خونین از تاریخ. اندرز (امیر قلی امینی). بوسه (محمود عرفان). رویا. تاریکی. (پور رضا) سلاطین پهلوان. آیا میدانید؟ هدف عشق. انا کرئون (محمد علی گلشائیان). از گوشه و

کنار . اندوهناك نشويد . (صادق نشات) چند شوخی . گل‌های شقایق . (عبداله وزیري) عشق (ناتول فرانس) محمد سعیدی . سخن اهل دل (حافظ) .

هما قسم که ملاحظه میفرمائید بواسطه تنوع مطالب رویهمرفته گل‌های رنگا رنگ مجموعه مفید و تازه است که آقای سلیمی آنرا ابتکار نموده است . جلد دوم گل‌های رنگارنگ در بهمن ماه ۱۳۱۲ در ۳۰۰ صفحه خشتی طبع و توزیع شده و نوع مندرجات آن مانند جلد اول است بجز اینکه در این جلد رؤس اخبار مهمه و وقایع يك ماهه ایران و سایر ممالک نیز درج شده است .

جلد سوم گل‌های رنگارنگ در اسفندماه ۱۳۱۲ در ۲۱۶ صفحه بقطع کوچک خشتی و جلد چهارم مجموعه در فروردین ماه ۱۳۱۲ در ۲۰۲ صفحه اصلی و چند صفحه رنگی برای آگهیها بهمان سبك و روش مجموعه‌های سابق طبع و منتشر شده است . آقای علی اکبر سلیمی علاوه بر نشر مجله مربی و مجموعه گل‌های رنگارنگ و شرکت در تأسیس مرکز اطلاعات مؤسسه بنام (مؤسسه مربی) تأسیس نموده که کتاب های زیر را بنام آن مؤسسه منتشر نموده است : ۱- دیوان عشقی ۲- سه یار دبستانی ۳- رهبر جوانان ۴- دسته گل ادبی ۵- تاریخ نهضت ایران ۶- اسناد محرمانه سیاسی - ۷- در تلاش معاش ۸- نه سال در امریکا ۹- منم گریه کردم ۱۰- عشق و ادب ۱۱- کلیات مصور عشقی که بمناسبت (بیستین سال شهادت میرزاده عشقی) آنرا با مقدمه مفصلی در شرح حال عشقی انتشار داده است .

آقای میرزا علی اکبر خان سلیمی از نویسندگان باذوق و از خادمین بمطبوعات و مدتی مدیر داخلی روزنامه شفق سرخ راعهده دار بوده است . تنظیم و چاپ کلیات مصور عشقی بهترین گواه برای ذوق و سلیقه مشار الیه است .

(۱۰۰۲) مرد آزاد

روزنامه مرد آزاد در طهران بمدیري وصاحب امتیازی (داور نماینده دارالشورای ملی) تأسیس و شماره اول روز بکشنبه ۸ برج دلو ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۱۰ جمادی الثاني ۱۳۴۱ قمری و ۲۸ ژانویه ۱۹۲۳ میلادی منتشر شده است .

محل اداره مرد آزاد : طهران خیابان علاء الدوله وجه اشتراك آن : داخله سالیانه ۱۰۰ قران . ششماهه ۵۵ قران خارجه بعلاوه اجرت پست . قیمت تك شماره تا يك ماه ۴ شاهی . اعلانات صفحه اول سطری ۲ قران و دوم و سوم ۲ قران و چهارم ۱ قران . طرز انتشار روزنامه از همان ابتدا یومیه بوده و باقطع بزرگ در چهار صفحه در (مطبعه بوسفور) طبع و توزیع گردیده . در عنوان روزنامه بالای اسم روز نامه (مرد آزاد) این عبارت (اول اصلاح اقتصادی) درج است .

مرد آزاد دارای سرمقاله های تند و آتشین و در اغلب مسائل باوزرا و وکلای مجلس مخالف و دارای عقائد و نظریات سیاسی است سرمقاله های روزنامه در ستون اول شروع و بعنوان (یادداشت یومیه) نوشته شده . در سرمقاله شماره اول که تنظیم آن

مصادف با تغییر کابینه و دولت درصدد تأسیس کابینه جدیدی بوده که در آن آقای مستوفی الممالک نامزد ریاست وزراء بوده است. داور بسا ریاست وزرایی مستوفی الممالک پشت مخالفت نموده و معتقد است باید بکنفر جوان مأمور تشکیل کابینه گردد نه کسانی که دز عهد استبداد باشال و قبا برای سلام حاضر میشده اند. از همان شماره اول رمان (ارسن لوپن) تألیف موریس بلان ترجمه (نصراالله فلسفی) بعنوان پاورقی در روزنامه درج شده است.

بغیر از سرفقاله بقیه مندرجات روزنامه عبارت است از مقالات مختلف و مذاکرات مجلس شوراییلی و اخبار داخله و خلاصه از اخبار خارجه و خلاصه روزنامه مرد آزاد در آن ایام نظیر روزنامه اطلاعات و ایران بوده است.

میرزا علی اکبر خان داور - آقای داور مدیر روزنامه مرد آزاد آغاز فعالیت سیاسی خود را از نمایندگی دوره چهارم مجلس شوراییلی شروع نمود و در این دوره مجلس از خوار و ورامین انتخاب گردید و در جلسه سه شنبه ۱۰ میزان ۱۳۰۱ شمس اعتبارنامه او در مجلس بوسیله شیخ العراقین زاده بمجلس تقدیم شد و با کثرت آراء تصویب گردید. مرحوم داور از آن پس در جریان امور سیاسی کشور وارد شد و در تغییر سلطنت قاجاریه بسلسله پهلوی سهم بسزایی داشت. وی مدتی وزارت عدلیه را عهده دار بود و در این وزارت خانه تغییرات مهمی داد و قضات تازه را سرکار آورد. آخرین شغل دولتی او وزارت دارایی بود و موقعیکه این سمت را داشت خود را انتحار نمود و بزندگی خود خاتمه داد.

(۱۰۰۳) مردان کار

روزنامه مردان کار در طهران بصاحب امتیازی و مسئولی (لطفعلی امیر ابراهیمی) و مدیری (سید محسن مجتبیوی مرد کار) تأسیس و در سال ۱۳۰۳ شمس منتشر شده است. شماره اول روزنامه مردان کار روی دو ورق بزرگ با چاپ سری طبع و در تاریخ دوشنبه اول برج نور ۱۳۰۳ مطابق ۱۶ رمضان ۱۳۴۲ قمری انتشار یافته. در عنوان روزنامه این عبارات و جملات درج است: «قال من انا بعثت لا تم مکارم الاخلاق» و «ان الدین عندالله الاسلام» و «یکی برای همه - همه برای یکی». مقاله افتتاحی روزنامه بدینقسم شروع میگردد:

«بسم الله الرحمن الرحیم. بیان مقصود و مرام ما. مقتضیات زمان و پیچیدگی اوضاع بر ما الزام نمود که ما هم در نوبه خود قدم بعرضه پر خطر هدایت افکار عموم گذاریم...» بقیه مندرجات شماره اول عبارت است از اخبار داخله و خارجه و در صفحه دوم پاورقی روزنامه بعنوان (سفیدپوشان) چاپ شده است. شماره سوم مردان کار در تاریخ ۲۱ نور ۱۳۰۳ شمس طبع و توزیع گردیده است. این روزنامه بعنوان (ناشر گروه مردان کار) معرفی شده است.

(۱۰۰۴) مرد کار

روز نامه مرد کار در تهران بمدیری و صاحب امتیازی (لسان) تأسیس و در سال ۱۳۰۲ منتشر شده است. شماره اول این روزنامه با چاپ سنگی در چهار صفحه بقطع کوچک در مطبعه (عبدالرحیم) طبع و در تاریخ یوم جمعه ۲۶ رجب ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۰ حوت ۱۳۰۲ شمسی انتشار یافته است. محل اداره: گذر مستوفی. وجه اشتراك آن طهران سالیانه ۵۰ قران. شش ماهه ۳۰ قران. ولایات بترتیب ۶۰ قران و ۳۵ قران. تك نمره ۴ شاهی.

در عنوان روز نامه مرد کار اینطور معرفی شده: «این جریده فقط طرفدار آزادی مطابق قوانین اسلامی» است. مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (نزاع بین مشروطه و جمهوری و کشف حقیقت) نوشته و بدینقسم شروع میشود: «بزرگان از عقلا و سیاسیون عالم اقسام دولت را به قسم شمرده اند اول دولت مستبده....» تمام مطالب شماره اول دنباله همین مقاله و راجع بنزاع جمهوری و مشروطه است.

(۱۰۰۵) مریخ

یکی از روزنامه‌های زمان ناصرالدین شامروزنامه مریخ است. نمره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع خشتی، باطبع سنگی در دارالطبایع خاصه در اركه‌هایون و بخط نستعلیق ریز خوب چاپ و در تاریخ روز دوشنبه پنجم شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ هجری مطابق ۳۰ دسامبر ماه فرانسه ۱۸۷۸ مسیحی منتشر شده است. ادای قیمت سالیانه روزنامه ۹ هزار دینار و در سه قسط بوده و قیمت اعلان سطرهای پنجشاهی است. اسم روزنامه (مریخ) باخط درشت در عنوان روزنامه چاپ شده و در دو طرف آن خصوصیات روزنامه درج است. منظور از تأسیس روزنامه مریخ درج وقایع و تواریخ نظامی و همچنین ضبط برخی مطالب علمی و اموریکه انتشار آنها برای اطلاع ایرانیان لازم است بوده چنانچه در شماره اول در زیر عنوان روزنامه مریخ بدینقسم معرفی شده: «این روزنامه مریخ حاوی وقایع رسمیه نظامی عا کردولت علیه ایران و ترجمه تلگرافهای رسمیه دول وجامع بعضی فصول مرتبطه بانتشارعلوم متداوله در فرنگستان و غیره و برخی مطالب که راجع ببدنیت و حقوق انسانیت است میباشد و در ذیل تاریخ قیصره رومبه الکبری که تا کنون بزبان فارسی ترجمه نشده و در خاتمه جنك آخر که مابین دولتین روس و عثمانی روداده مسطور است.» قطع نظر از مقالات متفرقه که اشخاص بعنوان روزنامه فرستاده و در روزنامه بنام آنها درج شده، بقیه مذوجات مریخ عبارت از اخبار رسمی نظامی است و معلوم میشود روز نامه برای همین منظور تأسیس گردیده است. برای اینکه بطلت تأسیس و نشر روز نامه بی بیرم مقدمه که در شماره اول درج شده نقل مینمائیم:

مدتی این مثنوی تا خیر شد مهلتی با بست تا خیرن شیرشد

روزنامه نظامی که مرات اطوار وحالات و حاکی مراتب ترقیات کلیه اهالی نظام ظفر انتظام است و افراد قشون نصرت نمون از صاحب منصب و تاین درهر رتبه و درجه که باشند از تعلیمات و مطالب آن میتوانند بهره مندی حاصل نمایند چندگاهی وجدان مانع و فقدان مقتضی باعث ترك و انتشار آن آمد این اوقات که بطور اهمیت ترتیب و تکمیل دوایر دولتی بتوجهات مخصوصه بندگان اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه مزیت اختصاص دارد اداره جلیله نظام که دائماً بوضعی خاص مورد توجه ملوکانه بوده و هست لــــوای اعتلا بر افزاشته و همت بر انتظام و انتساق و جزئی و کلی امورگماشته بروز و اظهاراین معنی را روزنامی نظامی مجدداً برقرار و موجب اشتها و انتشار اخبار اهالی نظام و مولنات و نوشته جات مفیده حاوی مطالب جنگی و لشکرکشی و تشکیل اردوها از روی علم و طرح و نقشه دانشمندان فن و نکات و بیانات دیگر و ذکر دریافت مناصب عالیه چاکران محترم و جان نثاران معظم استان معدلت بنیان همایون و شرح خدمات و زحمات و رنج اغتراب و اسفار ایشان بهر دیار میگردد .»

هماقسم که در مقاله مذکور یادآور شده بیشتر مندرجات روزنامه مربخ همان اخبار رسمی نظامی است و بغیر از مقالات متفرقه که بقلم نویسندگان در روزنامه درج شده و کمی مغایرات خارجه بقیه عبارت از اخبار رسمی نظامی است . در شماره اول پس از مقاله افتتاحی ، حساب خزانه نظام و در پاورقی آن ترجمه تاریخ (قیاصرة رومیة الکبری) درج گردیده است . ترجمه مذکور اینطور آغاز میشود : « صیت قیاصرة رومیة الکبری که شرق و غرب ۰۰۰۰ » اخبار رسمی نظامی مندرج در روزنامه مطابق صورت رسمی منصدیان نظام بوده که برای درج در روزنامه میفرستاده اند . چنانچه مثلاً در نمره ۱۳ مینویسد : اخبار رسمی نظامی مطابق صورتیکه اللهبیار خان آجودانباشی کل نظام و غیر نظام داده است .»

روزنامه مربخ درمطبعه سنگی بخط نستعلیق خوب وریز طبع شده و هر صفحه آن دارای دوستون و در انتهای صفحه چهارم این جمله : « رئیس کل دارالطباعة و دارالترجمه ممالك محروسه ایران صنیع اللوله محمد حسن » و یا کلمه (محمد حسن) درج است . و نیز در هر شماره فهرست مندرجات روزنامه در زیر عنوان آن چاپ شده فهرست مندرجات نمره سوم که در تاریخ دوشنبه ۱۷ صفر المظفر ۱۲۹۶ با رس تیل انتشار یافته بدینقرار است : « اخبار رسمی . (شرف) مختصری از تفصیل جشن میلاد شرافت بنیاد همایون و تغزل میرزا محمد حسین ادیب . رقعہ جناب حکیم الهی . جنگ روس و عثمانی . تلگرافهای خارجه . تاریخ قیاصره . از روزنامه مربخ جمعاً ۱۸ نمره که نمره آخر آن مورخ بتاریخ ۴ شنبه ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۹۷ هجری لوی تیل میباشد منتشر شده است .»

(۱۰۰۶) هریخ

روز نامه هریخ در سال ۱۳۰۳ شمسی در شهر مشهد بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۱۰۰۷) مژده

در تاریخ ۷ دی ۱۳۰۴ شمسی شورایعالی فرهنگ امتیاز مجله مژده را در شهر شیراز بمدیری (میرزا محمد جواد خان مدیر جریده عصر آزاد دی) تصویب نموده . و این مجله ظاهراً هیچگاه منتشر نشده است . برای اطلاع از شرح حال مدیر عصر آزادی بحرف عن کتابذیل روزنامه عصر آزادی مراجعه شود

(۱۰۰۸) مسأزه دو طهران

روزنامه مسأزه دو طهران (پیامبر طهران) در شهر طهران بمدیری (فرانسوا ملك كرم) بزبان فرانسه تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است . اولین شماره این روزنامه در شهریور سال مذکور انتشار یافته و روزنامه ایران مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۰۴ شمسی در باره آن مینویسد : « مسأزه دو طهران - در تحت عنوان فوق اولین شماره روزنامه بزبان فرانسه بداره ما رسید روزنامه مذکور بمدیریت مسیو فرانسوا ملك كرم هفته پنج شماره بزبان فرانسه منتشر میشود . روزنامه مذکور دارای تمام اطلاعات خارجی و اطلاعات داخلی و بعلاوه دارای مقالات مهمه ایست برای اشخاصی که بزبان فرانسه آشنا هستند بهترین روزنامه ایست که برای اولین دفعه در طهران منتشر شده است . آنچه روزنامه ایران درباره مسأزه دو طهران نوشته درست و بجاست بغیر از آنکه این روزنامه اولین روزنامه زبان فرانسه در ایران است زیرا که همانقسم که در حرف لام کتاب یادآور شده ایم روزنامه لاپاتری قبل از این روزنامه بزبان فرانسه نشر شده است .

طرز انتشار مسأزه دو طهران بومیه بوده و در چاپخانه (ملك كرم) بطور بومیه طبع و منتشر میشده . قیمت تک شماره آن ۳۰ دینار و سالیانه ۱۲۰ ریال است . روزنامه مذکور تا سال ۱۳۱۵ شمسی مرتب نشر شده و هرنوبت ۱۳۰۰ نسخه از آن طبع گردیده و عده اعضاء آن چهار نفر بوده است .

(۱۰۰۹) مساوات

روزنامه مساوات در شهر طهران تأسیس و بمدیری (سید محمد رضا مساوات) در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . روزنامه مساوات یکی از روزنامه هائیت که در موقع انقلاب مشروطیت تأسیس شده و برون در کتاب تاریخ ادبیات خود آن را جزو چهار جریده مهم دوره انقلاب شمرده است . شماره اول مساوات در تاریخ یکشنبه

• شهر رمضان المبارک ۱۳۲۵ قمری مطابق ۲۶ مهر ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۳ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی انتشار یافته . این شماره در هشت صفحه بقطع متوسط وزیری و باندازه قطع روزنامه صور اسرافیل می باشد و در مطبعه سری (حقوق) طبع گردیده است .

روزنامه مساوات از حیث شهرت و اهمیت بیای روزنامه صور اسرافیل نمیرسد ولی از جهت اشتمال آن بر مقالات سیاسی و پیشنهاد های مفید کم از روزنامه مذکور نیست . سرلوحه روزنامه عبارت از دوفرشته بالدار است که در دستهای خود صفحه ایراکه در آن کلمه (مساوات) بخط نستعلیق و در بالای آن آیه (ماتری فی خلق الرحمن من تفاوت) چاپ شده . علاوه بر این قیمت اشتراک و تاریخ انتشار و کلمات (حریت) ، (عدالت) و (اخوت) در سرلوحه روزنامه طبع گردیده است .

طرز انتشار مساوات هفتگی بوده و وجه اشتراک آن بدینقرار است : سالیانه در طهران ۱۲ قران و در سایر شهرها ۱۷ قران و در خارجه ۱۵ فرانک . تک نمره در طهران یک عباسی و در سایر بلاد ایران ، پنج شاهی است . عنوان مراسلات ، اداره مساوات و از شماره دهم با نظرف طهران . مدرسه اصفیه بعنوان محل اداره روزنامه معرفی شده است . از شماره ششم مورخ یگشنبه ۱۷ شهر شوال المکرم ۱۲۳۰ قمری نام (سید عبد الرحیم خلخالی) بهلوی اسم مدیر روزنامه (سید محمد رضا شیرازی) درج شده ولی سمت نامبرده در روزنامه معین نشده است تعداد صفحات روزنامه بیشتر ۸ صفحه و گاهی بده صفحه نیز رسیده است . و نیز روزنامه در مطابع مختلف طبع گردیده چنانچه شماره اول آن در مطبعه (حقوق) و از شماره دوم بعد در مطبعه (شرقی) که بدیری شیخ الملك در طهران تأسیس شده چاپ شده است . مقاله افتتاحی مساوات که خوانندگان را بملت تأسیس و مرام و مسلک روزنامه آشنا میسازد بدینقرار است :

« من مدتها در کتب و رسائل و اوراق منتشره خوانده ام که یکی از بهترین وسائل برای ترقی ملت و صلاح و فلاح مملکت و آبادی کشور جرائد است و یگانه واسطه نجات و وسیله تمدن و ترقی همان روزنامه و رسائل موقته است و این قدر از فواید و محسنات روزنامه و مزایا و منافع جراید در خود روزنامه ها دید که گمان میکردم آدم باید هرچه از هرجا بهر زحمت بدست بیارد بروزنامه بدهد و اگر روزی چیزی بگیرش نیامد باید جل و یلاس خانه را زحمت داده گرو گذاشته یا فروخته و به آنرا در جیب گذارده فوراً بچه های روزنامه فروشی را صدا نماید و همه را خدمت ایشان بندگی کرده اوراق رنگین و گوناگون از بزرگ و کوچک باسامی مختلفه گرفته روانه منزل گردد گاهی در خود جرائد مدائمی برای روزنامه میدیدیم که شبیه بدمجه هائی بود که شعرا بسلاطین قدیم و متمولین میساختند و اغلب دو صفحه مثل اشعار مقفی بعنوان روزنامه است که ۰۰۰۰ روزنامه است تا آخر و صد مرتبه تکرار این جمله در تعریف صنعت و ترویج حرفت خودشان مینوشتند ولی برای اینکه بفهمیم که آیا این فواید واقعاً در این اوراق هست یا نه باید نتیجه که از این وسائل تاکنون ب مردم عاید شده نظر انداخت چون ملاحظه این نکته را میکنیم می بینیم که این فوائد منتظره ب ملت ایران از جراید خودشان حاصل نگشته و با وجود و فورنسی جراید در ایران و افراط بیل مردم و صرف وقت ایشان در اینراه نسبت بشروت و تمدن و تعمیم معارف در ایران حتی تفوق

ایران در این شعبه بر سایر ملل بنسبت سایر احوال مدنی و اوضاع اجتماعی خود دیگران باز صد یک از آن منافع مذکور مرتقه بایران عاید نگشته ۷۰۰۰

سبک نگارش روزنامه مساوات خیلی آزاد و بی تکلف است و مدیر آن در تمام مسائل سیاسی بانگمی بی پروا مقاصد و مطالب خود را بیان نموده و مخصوصاً از مدهانه و تملق گوئی که شیوه بعضی از جراید آن ایام بوده بکلی برکنار است. دهر شهر و یا منصبی که متظلمین از جور و ظلم حکام استبداد تنگ آمده و عریضه و شکایتی نوشته مدیر مساوات آنرا بدون پروا و واهمه چاپ نموده است و بهلت پیش گرفتن همین سبک و روش بوده که پس از وضع قانون مطبوعات از طرف مجلس شورایی در تاریخ شنبه ۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری که تا اندازه مطبوعات را محدود و مقید میازد، در شماره ۱۹ سال اول مورخ یکشنبه سوم ربیع الاول ۱۳۲۶ قمری بعنوان اعتراض بقانون جدید مطبوعات، سبک روزنامه را عوض نموده و بعکس نمرات سابق که تمام مندرجات آنها را مخصوص ذکر افعال و اعمال قبیحه حکام ظلم و جور گردانیده است. مطالب این نمره را بموضوعات علمی و ادبی اختصاص داده و عنبر آنرا تحت عنوان (اخطار) بدینقسم شرح داده است، «اخطار - یقین داریم که همه خوانندگان از تخیر مسلك مساوات و سیاق تحریر آن واله و متفکر شده اند ولی اگر علت این حسن اسلوب را بدانند حتماً تعجب نکرده بلکه مساوات را از این اطاعت قانون و اتقا ذ مسلك عاقلانه و صلح جویانه تحسین هم خواهند نمود چه ظهور باهرالنور (قانون نامه مبارکه مطبوعات علی مفتیها الاف التحیات) بیش از آنچه در این نمره مبارکه و غیر از آنرا اجازه نمیدهد و باید بعد از این هرچه زود تر همه جراید فرائد فارس و وروزنامهجات مبارکه این روزنامه و روزنامه مبارکه ایران پیروی نموده اطاعتشان را بقانون مقدس جناب مستطاب ملاذالانام آقای (آقاسید مهدی) وکیل ۷۷ کروور ملت ایران اظهار کنند»

سر لوحه این شماره یعنی شماره ۱۹ که مصادف باتصویب قانون مطبوعات است و بنظر ارباب جراید این قاتون با آزادی قلم منافات دارد، برنک قرمز ملون شده و علاوه در این شماره کلاریکاتور (عبد ظهور قانون مطبوعات) ترسیم گردیده و در کلاریکاتور مذکور صفحه‌ای که عبارت (عبد ظهور قانون مضبوطات) روی آن باخط طلائی نوشته شده بدست دو فرشته قرار گرفته و این دو فرشته نیز بارنک قرمز رنگ آمیزی شده اند خلاصه اینکه مدیر مساوات با این عناوین میخواست تأثیر قانون جدید مضبوطات را در عدم آزادی قلم نشان بدهد. فهرست مطالب و مندرجات این شماره که کاملاً با شماره های قبلی منافات دارد بدینقرار است،

مکاشفات لاهوتی - اشراقات عرشی - نتیجه - سیاسی - جفرانی - هیئت - تسخیر آفتاب - تجارت - تاریخ - دول قدیم شرق - طب - ادبیات - فقه - صنعت - اخلاق - استخراج معادن - اخبارات ممالک ایران - اخطار -

در قسمت اخبارات ممالک ایران در ذیل (اخبار آذربایجان) اینطور مینویسد، «از حسن اقبال بی زوال ملك الملوك صاحب السیف سلطان الہازل الباسل الہادل ارواحنا فداء و از کفایت حضرت اشرف ارفع امنع والاحکمران کل ممالک آذربایجان شهر در کمال امنیت و رعایا در رفاهیت هوا صاف ارزاق فراوان» و در ذیل (اخبار راجع بخراسان) مینویسد، «شکر خدا را زمین

سبز هوا خرم بازندگی بوقع و تجارت تریاک در ترقی ۴۰ این سبک که در شماره ۱۹ بکار رفته خواننده را پیاد روزنامه های درباری ایران و اطلاع می‌افکند که باعبارت بی منز و جملات خشک حوادث را ذکر مینموده اند.

آخرین شماره روزنامه مساوات که در طهران چاپ شده شماره ۲۵ است که در تاریخ گشبه سلخ ربیع الثانی ۱۳۲۶ قمری انتشار یافته و با پیش آمد بمباردمان مجلس و تفرقه آزادیخواهان و گرفتاری مدیران جراید روزنامه مساوات نیز تعطیل شده و مدیران آن آقایان (آقا سید محمد رضا شیرازی) و (آقا سید عبدالرحیم خلخالی) رهسپار قفقاز گردیده و پس از مختصر آرامشی که در ایران روی داده بتبریز بازگشته و روزنامه مساوات را در شهر تبریز دایر نموده اند.

(۱۰۱۰) مساوات

روز نامه مساوات در شهر تبریز بمدیری (سید محمد رضا شیرازی) تاسیس و اولین شماره آن با چاپ سنگی در تاریخ ۷ محرم ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است. اولین نمره مساوات منتشر در تبریز نمره ۲۶ روزنامه مساوات طهران بوده و بشرحی که ذیلا خواهیم نوشت پس از تفرقه آزادیخواهان و پراکنده شدن آنها بخارج ایران منجمه آقا سید محمد رضا شیرازی مدیر مساوات بفقاز رفته و پس از گردش و سیاحت آن نواحی مجدداً بایران بازگشته و روزنامه مساوات را در تبریز دایر نموده است.

روزنامه حکمت چاپ مصر در شماره ۲۷ سال ۱۷ مورخ غره صفر ۱۳۲۷ قمری در باره روزنامه مساوات چاپ تبریز اینطور مینویسد ، «جریده گرامی (مساوات) که در طهران باداره جناب (آقا سید محمد رضا شیرازی) و (آقا سید عبدالرحیم خلخالی آذربایجانی) منطبق و منتشر میشد ، پس از ثلثه ۲۳ جمادی الاولی که از آتشباری قزاقان و فوج نظامی ملایر کعبه آمال ایرانیان ویران و ادارات جراید منسوب و مسلوب و مکسر و مدیر جریده (صوراسرافیل) و (روح القدس) شهید گشته آنگاه این دو تن از ذراری رسول الله هم بهر نحو که بود گریبان از دست دژخیمان رهانیده و وارد تفلیس شدند ، همینکه راه جلفا بتبریز از صولت دلبران تبریز گشوده گشت بمرکز احرار ابرار رفته و دوباره بطبع و نشر آن گرامی جریده فریده پرداخته و شماره ۲۶ غره محرم ۱۳۲۷ که نخستین شماره در تبریز است باداره حکمت فرستادند . بقا و دوام این نامه نامی را از خدای غالب خواهانیم .» پس از این شرح روزنامه حکمت دوسه صفحه از روز نامه مساوات تبریز را نقل کرده است .

و نیز روزنامه چهره نما چاپ مصر در شماره ۳ سال ششم مورخ غره صفر ۱۳۲۷ قمری تحت عنوان (نقل از گرامی روز نامه مساوات منطبقه تبریز) اینطور مینویسد ، «یقین مشترکین محترم اعتراض خواهند فرمود اکنون که چهار ماه از تاریخ سال دوم ولادت مساوات میگنجد میبایست لااقل این نمره را شماره اول از سال دوم قرار بدهد نه شماره ۲۶ از سال اول . با کمال شرمساری از هموطنان اعتدار میخواهم که بلی چنین است قانون جریده نگاری هم همین را حکم

میکنند اما افسوس که این قانون مقدس نه بروفق مزاج مملکت ماست چه بد بختانه در ایران بواسطه تکوین جانورهای موزی جرائد را افتهاست چنانچه روز ۲۳ جمادی‌الاول قاطر چموشی که از جنگل استرآباد فرار کرده و گاو کاغذ خوری که از بلده نورگریخته افسار و زنجیر را پاره کرده یگسره از طویله باغشاه بداره صور و مساوات حمله کرده نسخه‌ها را گاو خورد و قلمهارا لگد قاطر شکست مساوات تاخیر اقتاد حال که سر گاو درخمره گیر کرد ویای قاطر بکمند اقتاد بکوری چشم آزادی ایران از همان نمره (۲۴) سال اول که ترك شده بود شروع نمود تا بدانند خدا خواسترا منع نتوان کرد . ه نمره مساوات در ۸ صفحه بقطع شش و سه چهارم در دوازده اینچ است ووجه اشتراك سالیانه مساوات منتشر در طهران ، ۱۲ قران در طهران ، ۱۷ قران در سایر شهرهای ایران . در خارج ایران ۱۵ فرانك . و مساوات منتشر در تبریز ، ۱۲ قران در تبریز . در خارج تبریز ۲۰ قران و در مالک خارجه ۵ منات .

مدیر مساوات پس از مسافرت باذربایجان و تبعد و دوری چند ماه از طهران در رجب ۱۳۲۷ قمری باتفاق آقای تقی زاده بطهران بازگشت نموده و بنا براین بموران روزنامه‌نگاری او در تبریز خاتمه داده شده است . روز نامه ندای وطن در شماره ۱۴ سال سوم مورخ یکشنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۷ قمری تحت عنوان (تهنیت ورود) اینطور مینویسد : « جناب مستطاب حکیم دانشمند و مصنف ارجمند قاموس فضل و دانش اقبانوس معرفت و بینش منادی با زار مساوات و مروج عالم مواسات آقای آسید محمد رضای شیرازی که بوسایل حیرت افزا و مقدمات اصجاز نما از واقعه فحیمه یوم العطف و جنگال ظلم و استبداد ددباریان بی دین و شرف مستخلص گردیده و با تحمل مشاق فوق‌العاده بعد از چندی بر کز غیرت و مجمع انسانیت یعنی شهر تبریز وارد گردیده شمع مجاهدان و ماه محفل آزادگان بود و با عزمی آهنین و قلمی آتشین ریشه استبداد را کند و نهال پرومند عدالت و مساوات را خرم و سر بلند نمود اینک در مصاحبت آقای تقی‌زاده وارد دارالخلافه گردید . واردین محترم لدی‌الورود بر سر مقبره یاک مرحوم حاج میرزا ابراهیم آقای شهید رفته و آن تربت منور را تقدیس کردند و روح پر فتوحش را بمصول و انجام مقاصد ملت بشارت دادند . » اینک بذکر مختصری از شرح احوال مرحوم سید محمد رضا شیرازی مدیر روزنامه مساوات میردازیم :

سید محمد رضا شیرازی

سید محمد رضای مساوات فرزند سید محمد حسن براز جانی شیرازی نویسنده و مدیرروز نامه مساوات واز این جهت معروف بمساوات میباشد . نامبرده از کسانی است که قبل از انقلاب مشروطیت عضو مجمع آزاد مردان بوده واز اینراه چه قبل از برقراری مشروطیت و چه بعد از آن خدمات مهمی نموده است . مجمع آزاد مردان که مرحوم سید محمد رضا عضو آن بوده در طهران در روز ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۱ قمری تشکیل گردید . و قریب چهل نفر از آزادی خواهان که جملگی مخالف باحکومت استبدادی بودند در آن شرکت داشتند . اسامی بعضی از این آقایان عبارت است از : ملك المتكلمین ، سید جمال‌الدین واعظ ، حاجی میرزا یحیی دولت آبادی ، میرزا سلیمان خان میکمه ، مجدالاسلام کرمانی ، معین‌العلمای اصفهانی ، میرزا جهانگیر خان صور اسرافیل و سید محمد رضا مساوات .

از عمه نامبرده بغیر از ملك‌المتكلمین و میرزا سلیمان‌خان می‌کند بقیه از ارباب قلم و بعداً روزنامه دائر کرده اند. مرحوم مساوات در واقعه مسجد شاه طهران و قتل سید حسین طلبه و محاصره مسجد بدستور عین‌الموله شرکت داشته و چون از بی رحمی قشون دولتی متأثر میگردد بدست‌خود یک‌نفر فزاق را بقتل میرساند. (کتاب زندگانی ملك‌المتكلمین ص ۱۷۲) پس از مرگ مظفرالدین شاه و جلوس محمد علی‌شاه و مخالفت این سلطان با مشروطه طلبان کمیته بنام (کمیته انقلاب) در طهران تأسیس شد و درحقیقت رهبری و اداره کردن نهضت مشروطیت بعهده این کمیته بود جاسات این کمیته سه روزه از چهار بعد از نیمه شب تا قبل از طلوع آفتاب مرتباً در منزل حکیم‌الملک تشکیل میگردد. اعضاء کمیته نه نفر و عبارت بودند از: ملك‌المتكلمین، سید جمال واعظ، میرزا جهانگیر خان، سید محمد رضا مساوات، حکیم الملك، قهی زاده، سید عبدالرحیم خلخالی، سید جلیل اردبیلی و سه نفر نیز را بط کمیته با خارج بودند. اسامی این سه نفر عبارت است از: مرحوم میرزا محمد نجات، حسین آقا پرویز، میرزا محسن نجم‌آبادی (صفحات ۲۰۰ و ۲۰۱ کتاب زندگانی ملك‌المتكلمین)

مرحوم مساوات در دوره دوم مجلس شورایی و کبیل آذربایجان بود و در مجلس سلسله دموکرات داشت. در دوره سوم نیز و کبیل طهران بود و در ۱۷ جمادی الاخر ۱۳۳۳ قمری انتخاب شد و در این دوره نیز دموکرات بوده نامبرده تا هنگام مرگ نماینده گی مجلس را داشت و در تاریخ ۷ شهریور ۱۳۰۴ شمسی پس از يك کسالت مستندی در شمیران تهران فوت کرد و در امام زاده صالح تجریش او را دفن نمودند. روزنامه ایران مورخ ۸ شهریور ۱۳۰۴ مرگ مساوات را اینطور مینویسد: «آقای سید محمد رضا مساوات نماینده مجلس شورایی دیروز بعد از ظهر در باغ فردوس شمیران برحمت ایزدی پیوست. آقایان مستوفی‌المالک و ندامانی و جمعی دیگر حضور داشتند جنازه آن‌مرحوم را بامامزاده تجریش حمل و همانجا دفن میکنند و از امروز بعد از ظهر در مسجد ناصری مجلس ترحیم منعقد خواهد شد». جراید دیگران ایام کم و بیش هر کدام شرحی در باره فوت آن‌مرحوم نوشته که نقل آنها موجب اطناب است منجمله روز نامه خلق شماره ۱۵ مورخ سه شنبه ۱۲ صفر ۱۳۴۴ قمری تحت عنوان (فقدان اسفناک) مینویسد: «آقای آقاسید محمد رضای مساوات نماینده مجلس شورایی که از پیش قدمان آزادی و مشروطیت میبود و همیشه با عوامل استبداد در ستیزه روز قبل در اثر کسالت مستندی وفات نمود. مجلس شورایی برای فوت او تعطیل گردید و دو روز دو مسجد سیه‌الارنا تجمعی باشد.»

(۱۰۱۱) مشرق

روزنامه مشرق در شهر تبریز در سال ۱۲۹۵ شمسی بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است.

(۱۰۱۲) مشرق

روزنامه مشرق در طهران در سال ۱۳۰۳ شمسی هفته دو بار تأسیس و منتشر شده است.

(۱۰۱۳) مشرق زمین

در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۵ شمس امتیاز روز نامه مشرق زمین بدیری (آقا سید حسن پرهیزکار) در شهر مشهد، از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۱۰۱۴) مشروطه یقانون

روزنامه مشروطه یقانون در سال ۱۳۲۵ قمری در شهر طهران تأسیس و منتشر شده است (تاریخ مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۴۰)

(۱۰۱۵) مشورت

روزنامه مشورت در شهر طهران تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شد . است (تاریخ مطبوعات برون ص ۱۴۰)

(۱۰۱۶) مشورت

روزنامه مشورت در سال ۱۲۹۲ شمس در طهران تأسیس و هفته دو بار منتشر شده است .

(۱۰۱۷) مصباح

روزنامه مصباح در شهر تبریز بدیریت (میرزا ابوالقاسم تبریزی) تأسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . طرز انتشار آن هفتگی بوده و ؛ چاپ سنگی طبع گردیده است . مرحوم کمروی در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان روزنامه مصباح را در جزو جرایدیکه در هنگام مشروطیت در تبریز منتشر میشده ذکر کرده است .

(۱۰۱۸) مصباح

مجله مصباح در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمس بطور ماهانه منتشر شده است .

(۱۰۱۹) مصور

اسم روزنامه مصور در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی برون (ص ۱۴۰) ذکر شده ولی خصوصیات و حتی از محل انتشار آن نامی نبرده است .

(۱۰۲۰) مظفری

روزنامه مظفری در شهر بوشهر بدیری (آقامیرزا عبدالحمید خان متین السلطنه) تأسیس و در سال ۱۳۱۹ قمری منتشر شده است . اولین شماره روزنامه مظفری با چاپ سنگی در تاریخ ۷ شوال ۱۳۱۹ قمری انتشار یافته و خبر انتشار آنرا تحت عنوان (جریده مظفری در بوشهر) در نمره ۱۱ سال دوم روزنامه ادب چاپ مشهد صفحه ۸۴ بدینقسم نوشته است :

« در این هفته (منظور هفته ایست که به ۲۴ ذیقعدہ ۱۳۱۹ خاتمه پیدا میکند) نمره نخستین از اوراق جریده مظفری مورخه شهرشوال المکرم چشم مطالعان روشنی یافت. مدیران ادیب یگانه معنی طراز آقا میرزا عبد الحمید خان (متین السلطنه) است. دارای شانزده صفحه متوسط بخط نستعلیق و مادی دو مرتبه در بوشهر بطبع میرسد. قیمتش در عموم ولایات داخله ایران غیر از بوشهر سالیانه (۲۶ قران) است. در روزنامه ادب برای نمونه چند سطر از این روزنامه را نقل کرده است.

میرزا عبد الحمید خان متین السلطنه مدیر مظفری همان کسبست که ابتدا در بوشهر روزنامه طلوع و بعد روزنامه مظفری را تأسیس و منتشر نموده و شرح احوال او را بتفصیل در جلد سوم کتاب تاریخ جرائد و مجلات ایران در ذیل روزنامه طلوع چاپ کرده ایم. پس از چندین مدیریت روزنامه مظفری بمهد (آقا میرزا علی آقا لیب الملك شیرازی) واگذار شده و شاید هم از ابتدا با متین السلطنه همکاری داشته است ولی بهر صورت با رفتن متین السلطنه بطهران اداره امور روزنامه مستقلاً بمهد آمیرزا علی آقا واگذار شده است.

شماره اول سال چهارم روزنامه مظفری در ۱۶ صفحه بقطع وزیری در بوشهر با کاغذ خوب و چاپ سربی طبع و بدون آنکه ذکر از مدیر و ناشر و مؤسس آن شده باشد در تاریخ ۱۸ شهر ذی حجه الحرام مطابق ۵ برج حوت ۱۳۲۲ هجری مصادف با ۲۳ فوریه ۱۹۰۵ میلادی منتشر شده است.

اسم روزنامه بخط شکسته (دودغه) نوشته شده و در بالای آن شیر و خورشید و دوزخ آن سال تأسیس (۱۳۱۹) درج است.

عنوان مراسلات، اداره مظفری بوشهر و قیمت اشتراك، سالیانه بوشهر ۲۸ قران. شش ماهه ۱۸ قران. در سایر ممالک محروسه ایران بترتیب ۳۶ قران و دو تومان. هندوستان ۱۰ روپیه و ۶ روپیه. در تمام اروپا ۱۸ فرانك و ۱۰ فرانك روسیه و ترکستان هفت منات و چهار منات وجه اشتراك آن هر کس و هر جا پیشکی گرفته میشود. قیمت اعلانات سطری يك قران است. مظفری (جریده ایست آزاد) و ماهی سه مرتبه طبع و توزیع میشود.

در زیر عنوان روزنامه، مظفری بدینقسم معرفی شده است: «در این جریده از هر گونه وقایع و اخبارات و مطالب مفیده راجع به صنعت و تجارت و مقالات علمیه و ادبیات و هر نوع لایحه که متضمن فواید دولتی و منافع ملی و مصالح مملکتی باشد بحث میشود نوشتجات بیفرض و عام المنفعه که منافعی با دین و دولت نباشد پذیرفته و درج خواهد شد و مکاتیبی که درج نشود صاحبش حق استرداد آنرا ندارد.» در هر شماره فهرست مندرجات در ستون اول صفحه اول چاپ شده و فهرست مندرجات شماره اول سال چهارم بدینقرار است:

«شکرانه - شرح اجمال مسافرت نگارنده - مکتوب تجار محترم بمبئی - هزینه تلگرافی عموم تجار بمبئی بدربار معدلت مدار ملوکانه - جنرال قنصلگری دولت فنیسه روسیه در بوشهر مکتوب شهری - سواد رقیبه حکمران بنادر بجنرال - پس از فهرست مذکور بعنوان (شکرانه) خطبه یزبان عربی نوشته که قسمت اول آن چنین است: «العمدته الذی وقتنا بانتشار المعارف بین عباده واکرمنا بارتقاع رایات حکمه فی بلادہ وانا قلوبنا بنور الایمان ملک الملوک

السلطان مظفر الدین شاه ۷۰۰۰۰۰ یس از خطبه مذکور چند مکتوب و اخبار بوشهر و توابع و مضامین آن چاپ شده و در هیچ کجای روزنامه اسمی از مدیران نیست. در صفحه ۱۶ این شماره شرحی بعنوان (اعلان مطبعه جدید) آورده که برای اطلاع از تأسیس مطبعه در بوشهر خلاصه آنرا ذیلا نقل میکنیم: (در سایه همت ملوکانه و توجهات مخصوصه حضرت والا شاهزاده عین الدوله صدر اعظم چند دستگاره ماشین تیس و سنگی باتمام لوازم وارد بوشهر شده و طبع این شماره باهمان حروف سربی است که جدیداً وارد شده و نمونه از آنست. این مطبعه انواع حروف ریز و درشت را دارد. یس از این شماره يك شماره روزنامه را نیز در مطبعه سنگی مظفری طبع میکنیم که در خارج به بینند.)

مرحوم میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری برای تهیه مطبعه سربی سفری به هندوستان نموده و پس از تهیه مطبعه بیوشهر بازگشته و از ابتدای سال چهارم روزنامه را با چاپ سربی منتشر نموده است. روزنامه حکمت چاپ مصر در شماره ۸۴۱ مورخ یکشنبه ۲۰ محرم ۱۳۲۳ در باره خرید مطبعه و سفر هندوستان، تحت عنوان (تیریک و تهیت مظفری) مینویسد: «جریده فریده مظفری که از آثار قلم و تذکار همت جناب ادیب ارباب فیروزمند هوشیار آقا (علی آقای شیرازی) زید فضله بوده و از مدت سه سال در بندر بوشهر بسنگک چاپ منطبع میشود مدیر مکارش معض خدمت دولت و ملت و سرعت انتشار معارف زحمت سفر را بر خود هموار کرده مدتی در هندوستان بی تدارک مایلزم مطبعه باحروف رصاصی بوده تا اینکه از همت بلند خویش مقضی المرام بیوشهر برگشته و باصدار شماره اول از سال چهارم از آن گرامی جریده خود دل معارف خواهان و هنر پژوهان را خرم شادان نمود. امید واریم خداوند ویرا مامون و مصون فرماید. این نامه نامی در ماهی سه بار طبع شده و قیمت اشتراک سالیانه اش در بوشهر ۲۸ قران و در سایر بلاد ایران ۳۶ قران و در هندوستان ده روپیه و در اروپا ۱۸ فرانک و در روسیه هفت منات است» از شرح مذکور و از نمونه موجود معلوم میگردد که انتشار روزنامه مظفری با چاپ سربی از شماره اول سال چهارم بوده و برای کسانی که در تاریخ مطالع ایران تحقیق و تتبع مینمایند اطلاع بر این قسمت لازم و حتی است. و نتیجه این میشود که مطبعه سربی در بوشهر از اواخر سال ۱۳۲۲ قمری بوجود آمده است.

شماره اول سال هفتم روزنامه مظفری در ۱۶ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سربی که باید همان مطبعه مظفری بوشهر باشد و اسمی از آن در روزنامه نیست در تاریخ ۲۶ شهر صفر مطابق ۹ برج حمل ۱۳۲۶ هجری و ۲۹ مارس ۱۹۰۸ میلادی طبع و توزیع شده است. سرلوحه روزنامه مانند سال چهارم و دارای شیر و خورشید است. سایر خصوصیات روزنامه نیز مانند سال چهارم منتهی قطع صفحات قدری کوچک شده و در عوض ماهی چهار نمره طبع و توزیع گردیده است. در شماره اول سال هفتم بعنوان (عرض مخصوص) شرحی دائر باینکه سال ششم جریده ملیه اسلامیه مظفری سیری شد و دوستان نادان جریده مظفری مانع پیشرفت و ترقی اوشدند و این شماره منتشر میشود تا اگر خدا توفیق و کمک نمود بشغل روزنامه نگاری خود ادامه دهیم. در این شماره احکام عامه و حجج اسلام نجف راجع بوجوب اطاعت از مجلس شورای ملی درج است.

توقیف روزنامه مظفری در بوشهر

در صدرت عین الدوله و در همان ایام که حاج میرزا حسن رشیدی و مجدالاسلام مدیر روزنامه ادب و ندای وطن و میرزا آقا اصفهانی بدستور عین الدوله بکلات تبعید شدند روزنامه مظفری نیز در بوشهر توقیف و مدیران (آقا میرزا علی آقا لیب الملك) محبوس گردید و این توقیف مصادف با سال چهارم انتشار روزنامه مظفری بوده است . پس از چندی که آن سه نفر از تبعید خلاصی پیدا میکنند (شرح آن در ذیل روزنامه ندای وطن در ضمن شرح حال مجدالاسلام چاپ شده است) بواسطت جناب آقای اعتماد السلطنه وزیر انطباعات مدیر مظفری نیز از حبس نجات یافته و روزنامه اش از توقیف خارج میشود . و این مطلب را در شماره ۲۶ سال سوم چهره نما چاپ مصر مورخ ۲۰ رجب ۱۳۲۴ قمری تحت عنوان (هیئت معارف و ملیون را مزده) بدینقسم ذکر کرده است :

« جناب ۰۰۰ آقا میرزا علی آقا لیب الملك مدیر گرامی روزنامه مظفری که از تضاول دهر دون و تهاجم بلا یای چرخ نیلگون مطرود و محبوس و اداره روزنامه اش توقیف و اعلیتش بغم مانوس بود بواسطت شناسنده قشر از لباب و امتیاز دهنده دریا از سراب جناب ۰۰۰ اعتماد السلطنه وزیر انطباعات که جهان معارف راهرون معارف پروری فرموده از قید طرد و حبس آزاد و مضیبه خودش بخودش واگذار و هیئت معارف دلشاد شد . » از شرح مذکور معلوم میشود سختگیری عین الدوله بآزادبخواهان منحصر بیابخت نبوده و هر جا قلمی بوده شکسته و در هر شهری آزادیخواهی یافت میشد گرفتارش میساخته است .

پس از دو سال توقف در بوشهر

همانقسم که یاد آور شدیم در اواخر سلطنت مظفرالدین شاه یعنی در رجب ۱۳۲۴ قمری بواسطت اعتماد السلطنه وزیر انطباعات وقت ، مدیر مظفری از حبس نجات پیدا کرد و دو مرتبه بنشر روزنامه پرداخت . پس از دو سال توقف در بوشهر و انتشار روزنامه مظفری مجدداً در سال ۱۳۲۶ قمری هنگام وقوع حوادث بمباردمان مجلس و نفی آزادیخواهان از طهران ، مدیر مظفری چون جان پاکش را در بوشهر در خضر دیده بموجب (الفرار مما لا یطاق من سنن المرسلین) از آن شهر فرار و رهسپار هندوستان شده است . در بیٹی هندوستان (مدیر الممالک هرندی) مدیر روزنامه (تمنن) منتشر در طهران را که در این هنگام از ترس دشمنان آزادی بخارج ایران سفر کرده ، ملاقات نموده و باتفاق یکدیگر روانه مصر میشوند . توقف مدیر مظفری در مصر بیش از دو روز نبوده و از آنجا از طریق ترعه سویز رهسپار مکه میگردد . روزنامه چهره نما چاپ مصر در نمره ۶۲ سال پنجم مورخ ۱۵ ذیقعدة تحت عنوان (ورود معارف نمود) شرح ورود مدیر مظفری و مدیر الممالک را بمصر اینطور نوشته است : « بیا بیا که غم شرح تو دلم خون سکرد ❁ هزار لیلی بیچاره را چه بجنون سکرد . ۲۹ شوال ۱۳۲۶ دو مهاجر آواره و نو دل داده دلپاره یگانه بلاکشان راه وطن و مصیبت زدگان وادی معن (آقا میرزا علی آقا لیب الملك شیرازی مدیر روشن ضمیر گرامی نامه نامی (مظفری) که هفت سال اوراق حیات بخشش در بوشهر سحاب تریب بود و چه قطرات ذیقیت میاشید و آقا میرزا محمد رضا خان مدیر الممالک هرندی اصفهانی مدیر صائب التدییر روزنامه (تمنن) که یگسال و اندی صفعات معرفت بخش نهال امال ملت بدبخت بود و چه شکوفهای مد نیت بخش می بخشید ساحت معارف مساحت مصر را رونق افزودند (این دوشخص پس از استقبال شایانی ، وارد منزل حاج میرزا عبدالجواد مشکی تاجر اصفهانی گردیدند)

جناب مدبر الممالك از طریق اسکندریه رهسپار اسلامبول خواهند شد و جناب لیبب الملك از طریق سویس بمکه مشرف خواهند گردید. در همین شماره چهره نما در جزو اخبار طهران مینویسد: «مدرسه و مطبعه‌ها و روزنامه‌ها همه موقوف و بسته شد مگر مطبعه فاروس روسی و مطبعه شاهنشاهی و روزنامه ایران امروز.»

پس از آنکه مدیر مظفری از مصر رهسپار مکه شد در آنجا نیز روزنامه مظفری را تأسیس و یک شماره از آن منتشر نموده است. از این روزنامه جداگانه گفتگو خواهیم کرد. روزنامه حکمت چاپ مصر نیز در شماره ۹۲۳ مورخ غره ذیقعد ۱۳۲۶ قمری خبر ورود مدیر مظفری و مدیر جریده تمدن را بدینقسم نوشته است: «شرح مهاجرت دو بلبل گویای گلزار وطن جناب آقا میرزا علی آقایی شیرازی مدیر جریده (مظفری) در بوشهر و جناب آقا میرزا رضا خان مدبر الممالك مدیر جریده (تمدن) در تهران راپس از نامه ۲۳ جمادی الاولی بسوی هندوستان در شماره‌های حکمت نوشته بودیم روز دوشنبه ۲۹ شوال حضرات معزی البها از راه سویس تشریف فرمای مصر شدند و پس از اندک آرامی به انجام خدمات وطن اقدس رهسپار فرنگستان خواهند شد. این قصد صورت تحقق پیدا نکرده و هیچکدام بجانب اروپا نرفته و مدیر مظفری بطرف مکه رفته است»

بازگشت مدیر مظفری ببوشهر و تبعید از این شهر

پس از برقراری مجدد رژیم مشروطیت و بازگشت آزادخواهان بدیار خود مدیر مظفری نیز از مسافرت هندوستان و مصر و حجاز بازگشت و برای بار دیگر روزنامه مظفری را در شهر خود منتشر نمود. روزنامه حکمت چاپ مصر مورخ سه شنبه ۱۵ جمادی الاول ۱۳۲۸ قمری اشاره ببازگشت او و انتشار مجدد روزنامه مظفری نموده چنین مینویسد: «جریده فریده مظفری منطبع بوشهر که پس از تیرباران نمودن کعبه آمال وطن را در تهران در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ از ظلم و ستم پیدادگران و مستبدین معطل شده و مدیران العاج میرزا علی آقا شیرازی از بیم جان در بدر و سرگردان و دل از خویش و تبار و فرزندان و خانمان برکنده گاهی در هندوستان و هنگامی در مصر و گاهی در حجاز امرار وقت نمود تا مجدداً از مشرق طهران آزادی درخشین گرفت لذا این ستاره سیار بسوی یار و دیار شتافت و باز سنگین جریده نگاری را متحمل شد و ما از مطالعه دوشماره از آن گرامی جریده فریده خرسند گشتیم.»

پس از دو سال توقف در بوشهر و انتشار روزنامه مظفری روز ۱۸ صفر ۱۳۳۰ قمری هنگامیکه مدیر مظفری در حمام بوده دونفر مأمور از طرف حاکم بوشهر (موقر الدوله) در حمام رفته و از همانجا میرزا علی آقا شیرازی، مدیر مظفری را به بندر بیک تبعید مینمایند و برای بار دیگر روزنامه مظفری تعطیل میشود. تفصیل این تبعید از حمام را روزنامه چهره نما در شماره ۴ سال نهم مورخ غره ربیع الثانی ۱۳۳۰ قمری از قول مخبر خود در بوشهر اینطور مینویسد: «از وقایع مهم این چند روزه بوشهر نقی مدیر مظفری از بوشهر است که روز ۱۸ صفر هنگامیکه مدیر جریده مظفری در حمام بود از طرف ایالت جلبله دونفر مأمور شده بر در حمام آمدند پس از بیرون آمدن از حمام مدیر مظفری را سوارو بطرف بندر بیک از بوشهر اخراجش کردند مأموریتشان هم چنان فوری بود که او را اذن ندادند بخانواده اش بیاید. حالیه اقوال در نقی از بسیار است بعضی

میگویند از طهران حکم رسیده برخی میگویند انگلیسها سبب شده والا جناب موقر الدوله نهایت طرفدار معارف بوده اند و مخصوصاً با اداره مظفری نهایت مودت را داشتند و البته ایشانهم ناچار بوده اند که او را باین قسم از بوشهر نفی کردند خیلی جای افسوس است که رنود نتوانستند يك روزنامه در تمام بنادر به بینند که ما داشته باشیم . باز هم امید است موقر الدوله او را عودت دهد .»

مطالب مخبر چهارم نما بخوبی می‌رساند که انگلیسها نخواستند روزنامه مظفری در بوشهر چاپ و منتشر شود .»

اهمیت روزنامه مظفری - روزنامه مظفری از روزنامه های آزاد و ارجمندی بوده که دوش بدوش روزنامه جبل المتین هندوستان پیش میرفته منتهی چون جبل المتین در خارج ایران طبع و توزیع میشده دشمنان آزادی ایران دسترس توقیف و جلوگیری از انتشار آن نداشته اند فقط یکی دوسه بار توانسته اند از ورود آن بظاک ایران جلوگیری کنند اما بیچاره مدیر مظفری چون در داخل ایران میزیسته دوچار همه گونه عذاب و شکنجه شده و نگذاشته اند با قلم خود مردم جنوب را بیدار کند و از این جهت وقایع ناگوار و سختی برای او پیش آورده و هاقبت هم او را از بوشهر تبعید و در بندر ریک و بصره و کربلا سرگردانش ساخته اند . با همه مشکلات و موانع این آزاد مرد هنگام تبعید و آوارگی دست از اظهار عقاید و دشمنی خود با انگلیسها و مستبدین برنداشته و روزنامه را در مکه و کربلا بنام غیرت منتشر ساخته است . اکنون دنباله سرگذشت اسف آور مدیر مظفری .

پس از یکسال و نیم تبعید و توقف در بندر ریک و کربلا ناگهان در ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری مدیر مظفری وارد بندر بوشهر شده و در صدد بوده است که در صورت عدم موافقت با توقف او در بوشهر با نفیوش اسباب خانه و لوازم مطبعه بخارج ایران رهسپار شود اما مخالفین بدون آنکه بدو فرصت دهند مجدداً او را از بندر بوشهر اخراج مینمایند . شرح این حادثه رقت آور را مدیر چهارم نما باز لظ قول مخبر خود در بوشهر که خود شاهد حوادث بوده اینطور مینویسد :

« حادثه مهمتر آمدن ناگهانی جناب حاجی میرزا علی آقا مدیر جریده مظفری از عتبات بیوشهر که پس از یکسال و چیزی که در حبس بندر ریک و فرار و در بدری و مهاجرت و بانواع عذاب های هر گونه گرفتار شده بود آمده بود گویا اسباب خانه و مطبعه و غیره خود را کوچ بکربلا بسند ولی بدبختانه این کربلائی پر بلا وارد نشد . حکومت قانونی او را طلب می‌نمایند و از آمدنش هراسان میشوند و پس از گفتگوهای زیاد قرار میشود سه روزه حرکت کند علت استعجال در حرکت او را وجوهات متعدد می‌شمارند برخی میگویند اصل حکومت مایل بماندن او بیست برخی میگویند انگلیسها برخی میگویند حکم از طهران است که مدیر مظفری باید نفی ابدی بشود علت این شدت و سخت گیری معلوم نشده از کجا بوده است .» شماره ۶ سال ۱۰ چهره نما مورخ ۱۰ جمادی - الاول ۱۳۴۱ . در سال ۱۳۴۲ قمری ، پس از چند ماه سرگردانی در بصره ، مدیر مظفری باز بخیال مراجعت بیوشهر می‌افتد ولی حکومت بوشهر و دولت ایران اجازه باو نمیدهند و حکومت بوشهر باو پاسخ میدهد که باید از قونسول انگلیس در بوشهر کسب اجازه نمائید . مدیر مظفری با قونسول انگلیس مکاتبه میکند و قونسول با جواب میدهد که باید پنج هزار رویه در بانک شاهنشاهی

ضمانت بگذارید که اگر روزی برضد سیاست انگلیس و مصالح انگلستان مطلبی نوشتید به پنج هزار رویه حتی نداشته باشید. مدیر مظفري در پاسخ قسم یاد میکنند که دیگر قلم روی کاغذ نخواهد گذاشت چه رسد. بروزنامه نویسی ویا برضد مصالح انگلستان مطلبی نوشتن. قونسول انگلیس باین پاسخ قناعت نکرده و میگوید: ورود شما بایران منحصرأ بسته بسیردن پنج هزار رویه در بانک شاهنشاهی والا با ورود شما موافقت نخواهد شد. اینک متن آنچه روزنامه چهره نما چاپ مصر از قول مجبر خود در بصره در شماره ۶ و ۷ سال ۱۱ مورخ غره جمادی الاول ۱۳۴۲ قمری نوشته، نقل مینمائیم:

«قریب سه ماه است مدیر بیچاره مظفري در بصره سرگردان بسر میرد گویا خیالش رفتن بوشهر بوده ولی از طرف دولت ایران و حکومت بوشهر و دولت انگلیس اجازه حاصل نشده. معلوم نشده که این بیچاره چه گناه بزرگی مرتکب شده که سه مدعی پر زور دارد در صورتیکه اینگونه مدعیین سیاسی دزدانیا بسیار بوده و پس از آنکه یکسال یا شش ماه حبس کشیده یاد برادر و بیرون از وطنشان بوده اند گناهشان آمرزیده شده و قانون اجازه دخول را باو داده است که داخل وطنش گشته سری باهل و عیال و زندگی خود بزند بهر جهت بقراریکه شنیدم از جناب موقر الدوله حاکم بوشهر اجازه طلب کرده است ایشان جواب داده اند باید از قونسولات انگلیس اجازه بخواهید بقونسولات انگلیس طرف مکاتبه شده قونسول نوشته است باید پنج هزار رویه در بانک شاهنشاهی ضمانت بگذاری که اگر روزی برضد پلتيك انگلیس و مصالح انگلیسها چیزی بنویسی بآن پنج هزار رویه حق نداشته باشی. مدیر مظفري قسم میخورد که من تا زنده هستم قلم روی کاغذ نخواهم گذاشت چه رسد بروزنامه نویسی و برضد مصالح انگلستان چیز نوشتن قونسول جنرال انگلیس باین حرفها گوش نمیدهد فقط آمدن او را بسیردن پنجهزار رویه در بانک بسته است. حاکم بوشهر هم دیگر جوابی نمیدهد که بمن: خلی ندارد لیکن جای شکفت است که یکنفر ایرانی بنا ببیل و خاطر همسایه جنوب باید از وطن و دیدار خویش و غیره محروم باشد. میگویند مابین مدیر مظفري با حاکم بوشهر خوب نبوده و هر چه هست بواسطه تقار حاکم بوشهر موقر الدوله است که مانع آمدن مدیر مظفري است خدارد خودش اصلاح میکند. مدیر مظفري يك مطبعه باسم مطبعه (حسینی) در کربلا دایر کرده است و يك پسر دیگرش ماشاء الله مشغول کار میباشد و خوب ترقی کرده یعنی هر دو شان دو مطبعه را راه میبرند.»

پس از چندی در بدری و آوارگی بالاخره مدیر مظفري بکربلا رفته و در آنجا تا هنگام مرگ اقامت میکند. این نکته را نیز لازم است یاد آور شویم که پس از آنکه مدیر مظفري از آمدن بایران مأیوس میشود، درصدد برمی آید که برای انتقام از مظالم انگلیسها روزنامه در کربلا تأسیس نماید و بدین جهت در سال ۱۳۴۴ قمری روزنامه باسم (انتقام) تأسیس و منتشر مینماید. از روزنامه انتقام در جلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران گفتگو کرده ایم. مدیر مظفري در سال ۱۳۴۷ قمری در کربلا فوت میکند. روزنامه چهره نما چاپ مصر در یکی از نمرات سال ۱۶ مورخ غره ربیع الاول ۱۳۴۷ قمری در ماه پایان زندگی مدیر مظفري از قول مغیر خود در بوشهر چنین مینویسد: «جراید مرکزی طهران نیز مدتهاست بواسطه تاختن بیگدیگر و هوا خواهی بزرگان و آبروی آشنا و خود ریختن توقیف و تعطیل شده و در طهران روزنامه

بطبع نیرسد مگر یکی دومجله تجارت وفلاحت . در بوشهر کسی بفکر ایجاد و طبع جریده نیست چون خواهان نیستند .

سابق در بوشهر جریده مظفری بهمت میرزا علی آقا مدیرش طبع میشد ار اثر شومت حکومت چند روزه (موقرالذوله) که در ضمن آنهمه فضایح تاریخی موقر- الذوله رویداد آن بیچاره نیز در بستر شد و بعتبات رفت و در کربلا اقامت جست تا چند ماه قبل از این خبر فوت او رسید که بیچاره در کربلا وفات کرد خدایش بیامرزد. « پس از فوت مدیر مظفری روزنامه مظفری بمدیرری فرزندش (میرزا محمد کریم شیرازی) منتشر شده و شماره سوم و چهارم آن یکجا در تاریخ ۱۵ رمضان المبارک ۱۳۳۸ قمری مطابق ۱۳ برج جوزای ۱۲۹۹ شمسی با همان خصوصیات و سبک سابق در ۸ صفحه بقطع کوچک طبع و منتشر گردیده است . عنوان مراسلات : بوشهر . اداره مظفری . طرز انتشار آن ماهی چهار نمره بوده است .

مقاله افتتاحی شماره های سوم و چهارم تحت عنوان (سال نوزدهم از تاسیس جریده مظفری) نوشته شده که خلاصه آن چنین است :

این روزنامه ملی در سنه ۱۳۱۹ هجری در زمان مظفرالدین شاه در تحت مدیریت والد ماجدم حاجی میرزا علی آقا لیب‌الملك شیرازی در بندر بوشهر تاسیس گردید و با وجود موانع بیشمار و تعدید قلم آنرا نشر داد تا اینکه در اثر تهدید شدید مرکز ناچار بزم فرنگستان مهاجرت کرد و بالاخره بسکه مشرف شد و در آنجا چندی باسب مظفری جریده دایر نمود (بیش ازیک شماره منتشر نشده است . مؤلف) این مهاجرت در نتیجه بیماریان مجلس و سقوط مشروطیت در دوره استبداد چند روزی محمد علی میرزا بوقوع پیوسته فلما جاء الحق و زهق الباطل مجدداً معاودت بیوشهر و با عزتی قویتر از اول شروع بنشر این روزنامه ملی نمود و کاملاً بوظایف ملی خود عمل نمود تا در سنه ۱۳۳۱ حوادث دوران و عدم مساعدت زمان مقتضی مفقود مانع موجود نمود . مهاجرت اخیر بعتبات عالیات پیش آمد در یام جنگ در بغداد روزنامه باسب صدای اسلام طبع و منتشر نمود . در ۱۲۰۱۲ هـ صفر سنه ۱۳۳۶ در کربلا برحمت ایزدی پیوست (بقرار گذارش مخبر جریده چهره نما مدیر مظفری در سال ۱۳۳۷ قمری فوت کرده است . بهر صورت اهل‌البیت ادری بما فی‌البيت) عجالاً حقیقت واقعه را از مامنتظر نباشید زیرا (من عاجزم زگفتن خلق ازشنیدنش) از هیجدهم ماه صفر ۱۳۳۰ تا سلخ شعبان ۱۳۳۸ این روزنامه ملی از خدمت بوطن و ملت معذور بوده و مراحل ثمانیه را بخموشی و انزوا گذرانیده . اکنون ما این اثر مقدس را تعقیب نموده و برای يك دوره دیگر روزنامه مظفری برای خدمت بوطن محبوب حاضر نمائیم . فعلا بافتتاح دوره دوم این جریده ملی موفق شدیم . «

در حقیقت سرمقاله مذکور تاریخچه از ادوار مختلف روزنامه مظفریست که با آنچه قبلاً نوشتیم مطابق و منطبق است . شماره هفتم دوره دوم در چهار صفحه طبع و در تاریخ ۱۵ شهر شوال ۱۳۳۸ قمری منتشر شده است . آنچه نگارنده بخاطر

دارد روزنامه مظفری مدت چند سال پس از تاریخ مذکور نیز منتشر میشد ولی علی‌العجالة نمونه هائی از آنرا در دسترس ندارم .
در پایان این شرح لازم است اضافه نمائیم که مدیر روز نامه عصر جدید ، مرحوم عبدالحمید خان متین‌السلطنه ، نیز در تأسیس روزنامه مظفری در بوشهر شرکت داشته و در شماره اول روزنامه عصر جدید چاپ طهران تحت عنوان (بعد از چهارده سال) مینویسد : « در چهارده سال قبل نویسنده عصر جدید جریده مظفری را در بوشهر تأسیس نمود و پس از چندی بمدرحالیه آن که نمیدانم اکنون در کجاست واگذار نمود ۰۰۰۰۰ »

برای اطلاع از بقیه این مقاله و شرح حائ متین‌السلطنه بهمین مجلد کتاب حرف (ع) و جلد سوم کتاب کلمه طلوع مراجعه شود .

(۱۰۲۱) مظفری

روزنامه مظفری در شهر مکه بمدری (میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری بوشهر) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است .

مدیر مظفری پس از خروج از بوشهر و عزیمت بجانب مصر از آن کشور بکه بقصد زیارت حرکت نموده و در شهر مکه یکشماره روز نامه بنام مظفری منتشر نموده است . این شماره در ماه ذی‌الحجه ۱۳۲۶ قمری انتشار یافته است .

روزنامه حکمت چاپ مصر در شماره ۹۲۶ مورخ ۱۵ محرم ۱۳۲۷ قمری تحت عنوان (صوت حق یا بانگ مظفری ار مکه) در باره این روزنامه ره‌مدیر آن چنین مینویسد : « صوت حق یا بانگ مظفری از مکه - آزاده مرد یگانه راج حاج میرزا علی آقا شیرازی مدیر جریده (مظفری) پس از ثلثه ۲۳ جمادی‌الاولی چون جان‌باکش را در خطر دید بموجب الفرارمالا یطاق من سنن المرسلین دست از یار و دیار ، آل و عیال ، برداشته برهنمائی این یک بیت شعر : روم بپند که جای سیاه بختیان است بخ سیاه بختم و در هند جای من خالی است . به بومبای و کلکته رفته و چند ماهی در آنجا همدم وهمدرد با تیمارکش آوارگان وطن اقدس بود . بعد بهراهی جناب مدیر خوش تحریر جریده (تمدن) بمصر آمده و چند هفته چشم از دیدارشان روشن و دل از گفتارشان خرم شد . نغست جناب مدبرالممالک دل دوستانش را از فراق داغدار نموده رو بسوی استامبول پوئید و جناب مدیر (مظفری) را هم او از خوش و پس از ادای حج بر می جمرات دیده دشمنان را کور نموده و شماره اول بعنوان (ناله اسلام) در کمبه‌الاسلام بنشر جریده (مظفری) پرداخته و منتشر نمود سبحان‌الله این چه سر پر شوربست که پس از اینهمه مصائب دمی از فکر وطن محبوب نیارمیده باری میخواستیم در این شماره بنقل برخی از مقالات آن گرامی نامه پیردازیم ولی بمناسبت نبودن جا بشماره های بعد موکول شد . »

روزنامه چهره نما در شماره سوم سال ششم مورخ غره صفر ۱۳۲۷ قمری (نقل

از روزنامه شریفه مظفری منطبقه مکه یا ناله ملت) بعنوان (احرار عثمانی) بدینقسم آورده است : « شخص وقتیکه يك از سران احرار و پیران تجربه کار و جوانان بختیار غیور ترك را ملاقات میکند يك جذبۀ خوبی يك عالم مودتی از آنها احساس مینماید و لذتی از آن استراک میکند که الذ لذات است . ای جان بقریان این سرهای پر شور و جوش ای فدای این وجودهای غیرتمند . » پس از آوردن این مقاله که تقریباً يك ستون از روزنامه چهره نما را فرا گرفته اضافه میکند : « شاخ گل هر جا که می‌روید گل است بخم می‌هرجا که می‌جوشد مل است . سوانح اسف شرایح عمری یگانه آزاد مرد غیور و آواره بلاکش اروطن مهجور حاج میرزا علی آقامدیر روشن ضمیر روزنامه مظفری از هذب روزنامه موقتی یا ورقه شرف تاریخی پیدا است که در هر جا قدم فرسوده ذکرش یا وطن یا وطن بوده اوقات توقف مصرمکرر بتحریمی گمنام در صدد نشر افکار بودند ولی تألمات مشاهدات مصر بایشان و مدیر جرید . تمدن اصابت کرد و هر دو بفاصله دو روز حرکت کردند و ما را بآتش فرقت افکارشان مبتلی ساختند . »

گرچه شرح راجع بروزنامه مظفری و مدیر آن قدری طولانی شد ولی چون این روزنامه از روزنامه های قدیمی ایران و مدیر آن نیز گرفتار حوادثی گردیده جای آنرا داشت که شرح جامعی در باره آن بنویسیم ولذا آنچه در این باره امکان داشت سعی و کوشش کردیم تا مطالب مذکور جمع آوری گردید امید است مورد استفاده خوانندگان واقع شود .

(۱۰۲۲) مظهر

روزنامه مظهر در شهر تفلیس تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . يك قسمت از این روزنامه بترکی و یکقسمت بفارسی و روسی نوشته شده . هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ده در شانزده و يك دوم اینچ ووجه اشتراک آن شش منات است . در عنوان هر شماره روزنامه مظهر اینطور معرفی شده : « ادبی سیاسی اقتصادی و وطنه خدمت ایتر هفته لك ترك غزته سی . »

برون که شرح مذکور را در صفحه (۱۴۱) کتاب مطبوعات و شعر فارسی نوشته اضافه میکند که من نمره ۱۳ این روزنامه را در دست دارم و نمره مذکور در تاریخ ۲۷ ذیحده ۱۳۲۷ قمری منتشر شده و وروی يك صفحه آن تصویر (سردارهایون) ژنرال کنول ایران در شهر تفلیس رسم شده است .

(۱۰۲۳) معارف

روزنامه معارف در شهر طهران بصاحب امتیاری (انجمن معارف) تأسیس و ندره اول آن در چهار صفحه بخط نسخ و بقطع وزبری و چاپ سنگی (بدون ذکر اسم مطبعه) طبع و در تاریخ غره شعبان المعظم ۱۳۱۶ قمری منتشر شده است . اینکه نوشتیم

بصاحب امتیازی انجمن معارف عین عبارتی است (صاحب امتیاز انجمن معارف) که در سر لوحه روزنامه قید گردیده است .

و نیز در عنوان روزنامه نوشته است (این روزنامه از قید رسمیت آزاداست) ماهی دو مرتبه طبع و توزیع میشود . در دارالخلافه طهران بطبع میرسد . قیمت سالیانه در طهران شش هزار دینار .

در زیر عنوان روزنامه این دو سطر چاپ شده است : « در این روزنامه فقط مطالب راجعه بمدارس و مکاتب ملیه و فواید عامه نوشته میشود و هر نوع مطلب و اعلان دایر باین مسائل و مفید بحال ملت که منافی با دین و دولت نباشد پذیرفته و مجاناً طبع خواهد شد . » مندرجات روزنامه معارف عبارت از اخبار راجع به تأسیس و افتتاح مدارس در ایران و بعضی اخبار مربوط بمدارس در خارج ایران است .

مقاله افتتاحی روزنامه از اینقرار است : « بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم - چون بفضل‌الله المتعال و بیمن اقبال بی زوال بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه ظل‌الله اسلامیان پناه مظفرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه و اید جیشه اجزای انجمن معارف در ایجاد مدارس و مکاتب ملیه مظفریه که بهترین وسیله برای ترقی دین و دولت و بزرگترین سرمایه برای تربیت انبای ملت است بر طبق نیات مقدسه همایونی بقصد خود نائل شده و در این قلیل مدت چند مدرسه معظمه جدیده با ترتیبات لازمه ایجاد و دایر کرده و باز هم در خیال ایجاد و تأسیس مدارس و مکاتب عدیده دیگر چه در دارالخلافه طهران و چه در سایر بلدان ایران هستند لهذا آرای اعضای انجمن معارف بر این قرار گرفت که يك روزنامه مخصوص دایر ترتیبات و تنظیمات مدارس و مکاتب ملیه و مطالب راجعه بآنها و مفید بحال عامه ایجاد و منتشر سازند تا هم عموم عقلای مملکت و هوشمندان ملت که بالطبع و فی نفس الامر از اعضای محترم شمرده میشوند از خیالات ابن انجمن و از وضع و ترتیبات مدارس و مکاتب جدیده کاملاً مستحضر شده و هم غیرتمندان ملت و هوشمندان مملکت خیالات عالیه و افکار مفیده خود را از اذهر و نزدیک نوشته باین مجلس ارسال و القا دارند که در صحایف این روزنامه درج و منتشر شده و عموم اهالی مملکت از آن مطلع و منتفع گردند . بنا بر این پس از تحصیل اجازه و امتیاز مخصوص از طرف قرین‌الشرف همایونی به مبارکی و میمنت بترتیب و انتشار این روزنامه اقدام کرده و آنرا موسوم بروزنامه (معارف) نموده و بعد از این ماهی دو نمره از آن بطبع خواهد رسید انشاء‌الله تعالی و هر نوع نوشتجات راجع بامور مکاتب و مدارس ملیه و مفید بحال عامه که باین اداره برسد در صورتیکه منافی با دین و مخالف با دولت نباشد پذیرفته و مجاناً طبع خواهد شد ولی مخصوصاً اجزای این مجلس محترم خواهش میکنند که نوشتجاتی را که برای مندرج شدن در این روزنامه میفرستند بکلی خالی از اغلاقات لفظیه و اغراقات معنویه و تملقات رسمیه باشد تا همه کس از خواص و عوام منتفع از آن توانند شد

و در ذکر اسامی اعظام و اعیان هر طبقه هم از ایراد عنوانات زائده و تکلفات فائمه بکلی معترز باشند زیرا که اجزای اداره معارف نیز همین شیوه مرضیه را معمول خواهند داشت .

در شماره اول پس از ذکر این مقاله که تا آخر ستون اول صفحه دوم را گرفته (هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون است) تحت عنوان (اخبار راجعه بانجمن معارف) شرحی از رضایت مظفرالدین شاه از انجمن نوشته و ضمناً دستخطی که شاه خطاب بنیرالملك وزیر علوم و معارف وقت راجع بمراقبت زیاده‌تری در امر مدارس ، صادر نموده نقل کرده است . این دستخط در رجب ۱۳۱۶ قمری نوشته شده است . پس از این قسمت (اخبار راجعه بمدارس) را نوشته و در آن از باز دید اعضای انجمن از مدرسه (افتتاحیه) شرح مفصلی درج کرده و در نصف آخر صفحه چهارم شرح حال (آموزن حکیم) را که ناتمام میباشد ، نقل نموده است .

نمره دوم روزنامه معارف بهمان سبک نمره اول در تاریخ ۵ شنبه ۱۵ شعبان ۱۳۱۶ قمری چاپ شده و ستون اول آن (اخبار متعلقه بانجمن معارف) و بعد (اخبار متعلقه بمدارس ملیه مظفریه) درج گردیده است . روزنامه معارف از بهترین منابع برای اطلاع از اوضاع معارف و مدارس زمان مظفرالدین شاه میباشد . در بعضی از نمرات آن مطالب علمی که با صور و اشکال توضیح داده شده از قبیل حرکت زمین و بعضی تجربیات فیزیکی و شیمیائی چاپ شده است .

روزنامه معارف مدت چند سال بیک سبک و قطع انتشار یافته و نمره ۷۲ سال سوم آن در تاریخ ۵ شنبه ۲۴ شهر شوال ۱۳۱۸ منتشر گردیده و قطع مختصر تغییر یافته که در آن داده شده عبارت از این است که از نمره ۲۶ سال دوم (پنجشنبه دهم شهر شعبان ۱۳۱۸) ماهی سه مرتبه طبع و توزیع و نیز اداره روزنامه (محل رجوع و توزیع مدرسه افتتاحیه) معین شده است . در پایان شرح راجع باین روزنامه لازم است یاد آور شویم که برون در کتاب (مطبوعات و شعر فارسی ص ۱۴۱) اشتباهاً سال تأسیس و انتشار روزنامه معارف را ۱۳۱۷ قمری ضبط کرده و شرح مختصری در باره آن نوشته است .

(۱۰۲۴) معارف

مجله معارف در طهران بمدیری (شیخ محمد علی بهجت دزفولوی) تأسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است . معارف ابتدا بصورت جریده هفتگی بوده و بعداً بشرحی که ذکر خواهیم کرد بصورت مجله درآمد و نامدنی باین وضع ادامه داشته است . شیخ محمد علی بهجت از سال ۱۳۲۱ قمری در طهران ابتدا انجمنی بنام انجمن علمی و بعد بنام (مجموعه معارف) تأسیس نموده و قبل از آغاز مشروطیت در این مؤسسه بارهٔ انشربات از قبیل مجله دعوت الحق و بعضی از کتب کلاسیک تحریر شده است از آغاز مشروطیت یعنی از اواخر سال ۱۳۲۴ قمری بنوشتن و انتشار جریده

هفتگی معارف موفق گردیده . برون که شماره های اولیه این جریده را در دست داشته مینویسد شماره ۱۶ جریده معارف در تاریخ ۱۲ صفر ۱۳۲۵ قمری منتشر گردید . و نیز اضافه میکند که نمرات ۳۱،۲۵،۱۳ آنرا در دست دارم . هر شماره آن در ۸ صفحه بقطع شش و سه چهارم در یازده و یک دوم اینچ طبع گردیده و وجه اشتراک آن در طهران ۱۷ قران ، در سایر شهرهای ایران ۲۰ قران و در خارج ایران ۱۲ فرانک است .

دوره چهارم مجله معارف از سال ۱۳۰۱ شمسی شروع بنشر نموده و ۴۸ شماره بنام دوره چهارم و ۳۶ شماره بنام دوره پنجم و ۶ شماره از دوره ششم تا آخر اسفند ۱۳۰۹ شمسی منتشر گردیده و در سال ۱۳۱۰ شمسی تعطیل بوده است .

شماره اول سال سوم دوره پنجم مجله معارف در فروردین ۱۳۰۷ شمسی در ۲۰ صفحه بقطع خشتی متوسط بضمیمه چهار صفحه راجع بروش پرورش بقلم بهروز خاوری با چاپ سری طبع و توزیع شده است .

در عهد آن پست جلد مجله پس از درج اسم مجله (معارف) در دو طرف آن خصوصیات مجله بدینقسم شرح داده شده است : در یکطرف طهران . اولین مؤسسه مجموعه معارف . نمره تلفن ۱۷۷۱ . سالیانه ۱۲ شماره انتشار می یابد . مؤسس شیخ محمد علی بهجت . سال ۲۳ تأسیس تاریخ تأسیس شوال ۱۳۲۴ . در طرف دیگر : قیمت اشتراک سالیانه بشرح ذیل . تک شماره دو قران . برای مدارس با کاغذ وسط یکقران اگر قبلاً سفارش داده بشود بقیمت تمام شده . قیمت اعلانات و لوايح با دفتر است . پس از این قسمت فهرست مندرجات هر شماره در پشت جلد آورده شده و در زیر فهرست مندرجات وجه اشتراک بدینقرار معین شده است :

داخله : ۱ - رجال درجه اول مملکت و طبقه اعلى ۱۰ تومان . ۲ - معارف پروران ۵ تومان . ۳ - کارکنان معارف و مدیران مدارس ۳ تومان . ۴ - معلمین و قرائتخانه ها و محصلین طبقه بالا ۲ تومان . ۵ - شاگردان مدارس ۱ تومان ۶ - اشخاصیکه قبل اشتراک نموده اند مطابق سابق . خارجه : افغانستان ، هندوستان ، بلوچستان ، کردستان ، ترکستان و کلیه ممالکی که علاقه مخصوص بزبان فارسی دارند وجه اشتراک فقط یکتومان است . سایر ممالک خارجه ۳ تومان . محل فروش تک شماره - خیابان مدرسه فنی هنر کتابخانه مجموعه هنر .

مندرجات مجله معارف چنانچه در طرف چپ سر لوحه مجله معرفی شده بدینقرار است :

این مجله خادم حوزه بشری ، محرک جامعه ایران ، حامی افراد و مجامع منوره حاوی افکار طبقات عامه . طرفدار حکومت فاضله ، مسبب ایجاد دمه - آرنی بر وفق استعداد و در خور احتیاجات مملکت و ناشر افکار اعضاء مجموعه معارف و عموم معارف پروران .

در شماره اول همین سال در صفحات ۵ و ۶ و شرحی تحت عنوان (مجموعه معارف) و اینکه این مؤسسه چیست ؟ بیان نموده بغلاصه اینکه مجموعه معارف تأسیس شده است

برای خدمت بحوزه بشر عموماً و بجامعه ایران خصوصاً و برای پیشرفت مقصود دوسيله كوچك و محقر در دست داریم : مجله و مدرسه • مجله بزای نشر آثار و معلومات و مدرسه برای انجام خدمات و اجرای تجارب و امتحانات • ما طرفدار بسط و توسعه تعلیمات عمومی هستیم در صورتیکه مطابق قانون اساسی معارف تعلیمات عمومی عبارت باشد از تربیت حقیقی ابناء نوع و راهنمایی افراد در ایجاد وسائل زندگی و مدرسه قائم بر چهار رکن باشد : علم • صنعت • اخلاق و مزاج • در سنه ۱۳۰۰ مقارن آغاز دوره چهارم در طی يك بيانيه مخصوص مقاصد مجموعه معارف در ۱۶ صفحه انتشار یافت و پس از ۶ سال که در جریانات اوضاع مجموعه پاره‌ای تغییرات رخ داده است باز لازم دانستیم تجدید مطلع نموده دوباره مرآه و مقصد خود را از نو گوشزد نماییم •

شماره دوم این سال بهمان سبک شماره اول در اردیبهشت ۱۳۰۷ و شماره سوم در خرداد این سال و شماره ۱۲ دوره پنجم سال سوم در شهریور ۱۳۰۸ شمس‌المنشر شده است • چنانچه خوانندگان ملاحظه میفرمایند چند شماره از این سال در موقع خود منتشر نشده است و این تأخیر انتشار چنانچه در پشت جلد شماره هشتم تنسکر داده شده برای اینست که سال مجله سال تحصیلی شده و اولین شماره سال نو در اول مهر ۱۳۰۸ قرار داده شده و در حقیقت سال مجله معارف مطابق سال مدرسی است و این موضوع برای اینست که چون بیشتر مشترکین مجله از طبقه محصلین است و محصلین در سه ماه تابستان چون تغییر منزل میدهند مجله بآنها نیرسیده است. ضمیمه شماره ۱۲ این سال فهرست مندرجات ۱۲ شماره این سال مفصلاً آورده شده است •

اشتراک - باوجود آنکه مندرجات مجله اختصاصی به طبقه مخصوص ارباب فضل دارد و هرکسی نمیتواند از مندرجات آن استفاده بنماید و به این واسطه مانباید انتظار داشته باشیم مانند جراید سیاسی اخباری و فکاهی پیشرفت بنماید مع ذلك ترقیات روز افزون مجله رضایت بخش است چنانچه تقاضای اشتراک جدید را از چندی است نتوانستیم بپذیریم و وعده به آخر سال نو دادیم برای نمونه مطابق مدارک موجوده قریب هزار نفر از محصلین ایالات و ولایات داخله و خارجه از قرائت مجله استفاده و بوسيله این مدرسه متحرک کسب علم و فضیلت مینمایند

خیلی مایه خرسندی است که مجله معارف پیش از چندین مدرسه خدمت به معارف منسک می‌نماید. پیشرفت محصلین بواسطه قرائت مجله از سبک تحریرات واصله از آنان بخوبی هویدا است

مندرجات - از پیش تاکنون مندرجات مجله آمیخته بیکدیگر و نظام مخصوص نداشته و بمقتضای تکامل تدریجی از اول سال نو عناوین آن معین و در تحت قسمتهای ممتاز انتشار خواهد یافت و در این جا به اصول برجسته آن ذیلا اشاره نموده و تشریح مترعات آن را در شماره اول سال نو قرائت خواهید نمود . ۱- تربیت ۲- علوم - اکتشافات و اختراعات ۳- ادبیات ۴- تاریخ ۵- فلسفه ۶- زبان پارسی ۷- زن و زندگی ۸- قسمت محصلین ۹- طرحهای مفیده سابقها و موضوعهای تازه برای نگارش ۱۰- محیط معاصر ۱۱- خدمات برجسته اشخاص معارف پرور ۱۲- اخبار معارفی ۱۳- مقالات وارده ۱۴- پرسش و پاسخ .

جنبه مالی - اگر بخواهیم مجله معارف را به یک شخص شبیه بکنیم مانند یک شخص معیل خواهد بود چه آنکه ، اولاً باید کلبه مخارج مجموعه معارف را بپردازد زیرا با وجود آنکه بنام اعضاء در دفتر احصائیه مجموعه بعنوان ورودیه و سالیانه و یا شهریه مبالغی قید شده است لیکن از چندین پیش تا کنون وجهی گرفته نشده و این وجوه را بطور ذخیره برای یک خدمت مهم معارفی در نظر گرفته ایم . ثانیاً باید کسر بودجه مدرسه فنی هنر را کار سازی دارد . ثالثاً باید مخارج گراف جاری و غیر مترقبه طبع کاغذ تجلید تلفون روشنائی مستخدمین فنی و اداری لوازم التحریر اثاثیه کرایه ذهاب و ایاب و غیره و غیره را راه بباندازد و از همه بیشتر تخفیف کالمی است که در- اشتراك برای محصلین داده شده وهم آنان اکثریت مشترکین را تشکیل می‌نمایند و ابدأ وجه اشتراك ایشان بامخارج مجله تکافو نمی‌نماید . خیلی مایه مسرت و خرسندی است که باین اقلامزیاد و مخارج گراف و موانع سخت مجله پایدار و برقرار مانده است .

ب - مدرسه فنی هنر و شعب کوچک آن ، مدرسه فنی هنر با تازه ترین سبک مدارس دنیا هم عنان است و وسائلی که برای تربیت جدید در آنجا تهیه شده است در هیچک از مدارس موجوده نیست و مقصد ما از این تأسیس نشان دادن نمونه ایست از طرز تربیت جدید و همین طرز بدیع و دلربای آنست که ویرا پیش بی بضاعت ترین خانواده ها مطلوب و مورد قبول عامه ساخته است چنانچه می‌بینیم اشخاص بی بضاعت با بودن مدارس مجانی زیاد در اطراف و حول و حوش با اشتیاق مفرطی اولاد خود را باین مدرسه می‌آورند . (در اینجا شرح مفصلی از فواید مدرسه هنر نوشته است) محل مدرسه در محله شرق ناحیه ۷ مدرسه فنی هنر است .

شماره دوم از سال اول دوره ششم مجله معارف در آبانماه ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده . این شماره بهمان سبک و روش شماره های قبلی است و در آن مؤسس (م . ع . بهجت) معرفی و سال ۲۵ تأسیس مجله معین شده است . در این شماره شرحی از بی مهری مشترکین نوشته که از آن آثار انحلال مجله هویدا است . در این شرح اضافه میکند که مشترکین نباید از تعویق انتشار مجله گله داشته باشند و تا آخر شهریور ۱۲ شماره را بیشتر کین می‌دهیم . در جای دیگر آن مینویسد تمام مؤسسات مابطوری دچار بحران مالی و اقتصادی گردیدند که نزدیک بود خدمات معارفی خود را تودیع نموده و خاتمه بدهیم . این شماره در ۲۲ صفحه میباشد .

مجموعه معارف غیرا - مجله معارف است - چون ممکن است بعضی از خوانندگان مجموعه معارف را با مجله معارف مخلوط و اشتباه نمایند برای رفع اشتباه یادآور میشویم که مجموعه معارف مؤسسه بوده که آقای شیخ محمد علی بهجت ذرفوای در طهران تأسیس نموده و همه هفته عصرهای دوشنبه تشکیل میشده و عده زیادی از فضلا و دانشمندان عضو این انجمن بوده و در بعضی از شهرها نیز شعبه از انجمن دایر بوده است و مجله معارف از نشریات مجموعه معارف بشمار میرفته . در شماره ۱۲ دوره پنجم سال سوم مجله معارف مورخ شهریور ۱۳۰۸ بعنوان (خلاصه خدمات یکساله مجموعه معارف) شرحی نوشته که قسمتی از آن ، چنین است : « اینک که سال مجموعه معارف مانند سال مجله در آخر شهریور پایان میرسد و سال نو از اول مهر آغاز میشود شایسته است خلاصه خدمات کارکنان مجموعه معارف را در این یکساله تذکر بدهیم . (۱) تشکیلات مجموعه معارف ۰۰۰ (۲) مؤسسات . الف . مجله معارف . جنبه تاریخی . باین شماره سال ۲۴

تأسیس مجله معارف خاتمه مییابد و از اول مهرماه سال ۲۰ آغاز میشود .
در تمام مدت انتشار مجله معارف از خط سیر معارفی خود منحرف نگردیده و خیلی خرسند هستیم که توانستیم بوسیله تبلیغات شدید در راه علم و فضیلت همه زیادی را با خود هم آواز نمائیم مجله معارف در اول این سال دز ۱۶ صفحه انتشار می یافت و بتدریج توانستیم به ۲۲ صفحه برسانیم که صفحه ای دو ستون و هر ستونی باندازه دوصفحه از مجلات معمولی مطلب دارد و جمعاً می شود حاصل ۱۲۸ صفحه معمولی . امید است باز برعهده صفحات بیفزائیم . . .

آقای میرزا محمد علی بهجت دزفولی بهروز خاوری - در سالنامه ۱۴۰۸
پارس این شرح را درباره آقای بهروز خاوری مدیر مجله معارف نوشته است : « آقای بهروز خاوری دارای رتبه استنباط در علوم معقول و منقول و اجازه اجتهاد از مرحوم خراسانی در ۱۴۲۱ رئیس کمیسیون تصحیح کتب و ترجمه عربی انطباعات معارف و مؤسس انجمن علمی ، کتابخانه معارف و مجله دعوت الحق و جریده رسمی معارف نماینده خوزستان و در ۱۲۸۸ مفتح علوم معقول و منقول و متعددی مشاغل مختلفه در معارف مخصوصاً قسمت اخیر که با تأسیس مدرسه فنی هنر و مجله و مجموعه معارف بایک ذوق سرشار و مسامی خستگی ناپذیری خدمت معارفی خود را ادامه میدهد »
کسروی نیز در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان جائیکه مختصری از جراید مرکز و تبریز که در هنگام مشروطیت برپا شده گفتگو مینماید (صفحه ۹۰ کتاب) مینویسد : « سومی روزنامه معارف که وزارت معارف برپا کرده آقای میرزا محمد علی بهجت همه دار نگارش آن بود

(۱۰۲۵) معرفت

روزنامه معرفت در شهر تبریز بدبیری و مؤسی (هیرزا عبدالله خان فرزند میرزا تقی) تأسیس و در سال ۱۳۱۹ قمری منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۲) مینویسد مدیر روزنامه معرفت میرزا عبدالله خان پسر میرزا تقی وزیر عدلیه ملقب بصدر عدلیه و از سادات جهانشاهی تبریز و مدیر مدرسه معرفت تبریز بوده است . و نیز مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان مینویسد : « معرفت روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سنگی بدبیریت عبدالله جهانشاهی در ۱۳۱۹ در مدرسه معرفت . . . »

(۱۰۲۶) معرفت

روزنامه معرفت بدبیر کلی (حاجی شیخ ابوالقاسم افتخار العلماء) و دبیر اداره (شیخ احمد) در شهر یزد تأسیس و شماره هشتم سال اول آن در چهار صفحه بقطع متوسط وزیرری در مطبوعه سنگی (مطبوعه اداره معرفت) با خط متوسط نسخ طبع و در تاریخ دوشنبه ۱۸ رمضان ۱۳۲۷ قمری مطابق سال چهارم مجلس مقدس شورای ملی و سال اول جلوس (در عنوان روزنامه همین قسم نوشته است) منتشر شده است . عنوان مراسلات ، یزد . اداره معرفت . قیمت اشتراك ، سالیانه یزد یکتومان ، شش ماهه ۶ قران داخله ، دوازده قران و هفت قران . اعلانات سطرری دهشاهی در صورت تکرار تخفیف داده میشود . نك نمره چهارشاهی . روزنامه معرفت چنانچه در

عنوان آن نوشته شده روز های دوشنبه طبع سه شنبه توزیع میشده است . در عنوان روزنامه جائیکه اسم روزنامه بخط نسخ در وسط يك مربع مستطیل درج گردیده در چهار گوشه آن این کلمات نوشته شده است : عدالت - مساوات - حمیت - غیرت .

روزنامه معرفت در ضمن يك سطر در زیر عنوان هر شماره بدین‌قسم معرفی شده است : روزنامه ایست دارای مطالب علمی و اخبار ولایتی و تلگرافی و مقاله عام المنفعه پذیرفته میشود . «
سبک مطالب روزنامه مانند سایر جراید آغاز مشروطیت عبارت از وقایع و حوادث انقلاب ایران و حوادث داخلی و وقایع شهر یزد میباشد و نیز مقالاتی از متظلمین و کسانیکه مورد اجعاف و ظلم مستبدین واقع شده در آن درج شده است .

برای اطلاع بیشتر خوانندگان از مندرجات آن عنوان مطالب شماره ۹ سال اول آنرا در اینجا نقل میکنیم : حقوق و حفظ آن (مقاله افتتاحی این مقاله دو صفحه و نیم از روزنامه را گرفته است) ترجمه اخبار تلگرافی روتر . (این قسمت راجع بفرار شاه ایران است بروسیه که از خبرگزاری خارجه رویتر نقل شده است) صورت تلگراف وزیر داخله باهالی یزد . اخطار .

روزنامه معرفت بخط نسخ متوسط باطبع سنگی طبع گردید و هر صفحه آن مشتمل بر دو-ستون است . از حیث طبع و کاغذ بانبودن وسائل کافی در شهر یزد ممتاز و زیباست . این روزنامه مدتی در یزد منتشر میشده و نگارنده فعلا تا شماره ۱۸ سال اول آنرا که در تاریخ دو شنبه ۲۷ ذیحجه ۱۳۲۷ انتشار یافته در دست دارم .

(۱۰۲۷) معرفت

مجله معرفت در سال ۱۲۹۷ شمسی در شهر اصفهان بطور (۱۵ روزه) تأسیس و منتشر شده است .

(۱۰۲۸) معرفت

مجله معرفت در سال ۱۲۹۹ شمسی در شهر بروجرد بطور ماهانه تأسیس و منتشر شده است .

(۱۰۲۹) معرفت‌الاخلاق

روزنامه معرفت‌الاخلاق در طهران تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است .

(۱۰۳۰) معیشت ملی

روزنامه معیشت ملی در شهر رشت بدیبری (میرزا خلیل یوسف زاده نوعی) تأسیس و در سال ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است .
امتیاز روزنامه معیشت ملی در تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۵ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته و روزنامه مذکور در مطبعه (معیشت ملی) طبع و قیمت اشترک آن ششماه ۲۵ ریال و سالیانه ۵۰ ریال است .

روزنامه معیشت ملی پس از مدتی تبدیل نام پیدا کرده و باسم گنران توده منتشر شده و در سال ۱۳۲۴ شمسی گنران توده و یا معیشت ملی سابق نیز تبدیل اسم پیدا کرده و بنام (سپید رود) در طهران تحت نظر هیئت تحریریه و به صاحب امتیازی و سردبیری (خلیل نوعی) منتشر شده است . از روزنامه گنران توده در همین مجلد کتاب بتفصیل گفتگو و شرح حال آقای خلیل نوعی را نیز چاپ نموده ایم . شرح روزنامه سپید رود نیز چون تاریخ انتشار آن پس از وقایع شهریور ماه بود . بدیل کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران موکول مینمائیم .

(۱۰۳۱) مفتاح الظفر

روزنامه مفتاح الظفر در کلکته هندوستان بزبان فارسی بسر پرستی مدیر جبل المتین (آقای موید الاسلام) و مدیر کلی (میرزا سید حسن کاشانی) تأسیس و نمره اول سال دوم آن در ۸ صفحه با چاپ سنگی طبع و در تاریخ هشتم ماه ربیع الثانی ۱۳۱۷ قمری مطابق ۱۰ ماه اگست ۱۸۹۹ میلادی منتشر شده است . با انتشار این شماره ۲۴ نمره در ۳۶۰ صفحه روزنامه مفتاح الظفر طبع و توزیع گردیده است .

در عنوان روزنامه بالای اسم آن جمله (بنام خسرو گیتی مظفرالدین شاه) و در زیر آن سال تأسیس روزنامه (۱۳۱۰ - ۱۸۹۲) درج شده طرز انتشار مفتاح الظفر روزهای یکم و هشتم و پانزدهم و بیست و دوم هرماه بوده و محل اداره آن (کلکته . فوجداری بالاخانه شیشه کلی نمره ۲) مبن شده است . آبونه روزنامه بدینقرار است ، هندوستان و برمه و خلیج فارس ده رویه ممالک محروسه ایران و افغانستان ۴۰ قران . چین و ژاپن و روسیه اروپا ۲۰ فرانک . ممالک عثمانی از عراق و مصر و فیه ۵ مجیدی . درباره قیمت تک شماره روزنامه در شماره های اول و دوم نوشته است (خریداران آزاد را مجانی داده میشود) و از نمره نهم بجای این جمله نوشته است (اداره خریدار کم از ششماه را قبول نخواهد کرد) . در هر شماره روزنامه مفتاح الظفر بدینقسم معرفی شده ، داین روزنامه ملی کلیه بحس علمی است مقالات علمیه و مضامین حکمیه بنام نویسنده طبع و نشر خواهد شد . در حقیقت تمام مندرجات این روزنامه مقالات ریاضی و مطالب علمی است .

برای نمونه عناوین مطالب شماره اول سال دوم را نقل مینمائیم ،
فلسفه طبیعی (در این مقاله شرح لنگر بطور تفصیل چاپ شده) . علم الارض . (در این مقاله شرح اشکال مثلث و مربع و مستطیل و اشکال دیگر بیان شده) . اقلیدس مقاله دوم شکل ۷ اثباتی . زراعت جای . تحقیقات حکما درباره طاعون . در انتهای صفحه هشتم امضای (حسن - العسینی) درج است .

نکته شایان توجه اشتباهی است که در چاپ سال انتشار روزنامه (۱۳۱۷) رخ داده در صورتیکه باید ۱۳۱۶ قمری باشد و این اشتباه از نمره اول سال دوم تا چند نمره تکرار شمولی از نمره مورخ بتاریخ نوزدهم رمضان اصلاح گردیده و سال ۱۳۰۶ و از آن پس در تمام نمرات همین سال چاپ شده است . از روزنامه مفتاح الظفر تا شماره ۲۲ سال دوم مورخ سوم ماه ربیع الاول ۱۳۱۷ قمری در دست است .

مرحوم مؤید الاسلام و برادرش میرزا سید حسن کاشانی علاوه بر روزنامه مفتاح-الظفر روزنامه معروف جبل‌المتین چاپ کلکته و طهران را طبع و منتشر نموده و برای اطلاع از شرح احوال آنند و بجلد دوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران ذیل کلمه جبل‌المتین رجوع شود .

(۱۰۳۲) مفتش‌ایران

روزنامه مفتش‌ایران در اصفهان بمدیری و صاحب امتیازی (س . نورالدین) و سردبیری (ابراهیم راه نجات) و مدیر مسئولی (ادیب حضور) تأسیس و هر نوبت در ۴ صفحه بقطع متوسط در مطبعه سربی (جبل‌المتین) طبع و در سال ۱۳۲۷ قمری توزیع شده است .

شماره اول سال پنجم روزنامه مفتش‌ایران در تاریخ سه شنبه دوم ذیقعد ۱۳۳۲ قمری توزیع و در ۸ صفحه بقطع وزیری در مطبعه سربی (اصفهان - مطبعه جبل‌المتین) طبع گردیده است . شماره دوم این سال نیز در هشت صفحه ولی از شماره سوم در چهار صفحه بقطع مذکور چاپ شده است . سر مقاله شماره اول تحت عنوان (بمناسبت سال پنجم) نوشته شده و بی‌مناسبت نیست قسمتی از آنرا ذیلاً نقل نمائیم : « بحمداله والمنه سال چهارم روزنامه سرآمد و با یک‌نیا راستی و درستی و صداقت و وظائف ملت پرستی خویش را اداء نمود و قدم در سال پنجم نهاد امید است آن وظایفیکه در مد نظر دارد در این سال پنجم بخوبی ازعهده برآید و قلم خود را بصداقت و راستی بجولان آورده و خدمات جان فشانه خود را بملت محبوب خویش کاملاً ادا نماید اگرچه این روزنامه در بدو طلوعش در آسمان سیاست قلم خود را براستی معرفی نمود و آنچه را که وظیفه خود میدانست بی‌پروا سر در کف دست نهاد و بمیدان جانبازی درآمد و بیک طرزی سلوک نمود که آثار قلمیه اش بر احدی پوشیده نیست نهایت ارزوی ما در این سال پنجم همانست راستی و درستی و صفت گوئی است امید است که باین آرزوی خود نائل شویم . »

مندرجات روزنامه مفتش‌ایران علاوه بر سر مقاله عبارت از شکایات و تلگرافات و اخبار داخله و خارجه میباشد و در عنوان هر شماره بدینقسم معرفی شده است : ((مفتش‌ایران جریده ایست سیاسی ، علمی ، اخباری ، اخلاقی و از هر گونه مطالب سودمند با آزادی سخن میراند .)) و محل اداره روزنامه در سال پنجم ؛ اصفهان - پشت مسجد شاه و عنوان تلگرافی (مفتش‌ایران) و قیمت اشتراک آن سالیانه در اصفهان ۲۴ قران و ولایات داخله ۲۰ قران و ممالک خارجه ۲۵ قران و قیمت اعلانات در صفحه اول سطری ۲ قران و در صفحه آخر سطری یک قران است . طرز انتشار روزنامه گرچه در عنوان آن قید نگردیده ولی از روی تاریخ شماره های منتشره معلوم میشود هفتگی است .

در سال دهم روزنامه صاحب امتیاز و سردبیر سیاسی آقای (ادیب حضور) معرفی شده و نیز در انتهای صفحه چهارم مدیر مسئول (ادیب حضور) نوشته واسمی از راه نجات و سید نورالدین در روزنامه نیست . شماره دهم سال هفتم که در چهار صفحه بقطع نسبتاً بزرگ در مطبعه سربی جبل‌المتین چاپ شده ، در تاریخ شنبه ۱۳ ذیقعد ۱۳۳۵ قمری منتشر گردیده است . در این سال تغییراتی در خصوصیات روزنامه داده شده و من جمله در عنوان آن نوشته‌است

((این روزنامه برای خدمت باین آب و خاک تجدید شده است .)) که معلوم میشود مدتی روزنامه منتشر نمیشده است . در سال هفتم روزنامه با کاغذی خوب و جایی مرغوب طبع شده و بر خلاف سنوات قبل این مزایا را داراست و مندرجات آن بیشتر اخبار محلی اصفهان و مربوط باوضاع داخلی ایران است . در سال دهم روزنامه بدیقسم معرفی شده ؛ ((ملک این روزنامه تقبش در تمام ایالات و ولایات ایران قویا طرفدار مظلوم و صاعقه خرمن جان خائنین است .)) و بعد ها خواهیم دید که همین عنوان یعنی تقبش در تمام ایالات و ولایات ایران مشکلاتی برای مدیر روزنامه پیش آورد و منتهی بتمطیل روزنامه گردید .

در سال یازدهم روزنامه مفتش ایران با همان خصوصیات سالهای قبل بدیر مشغولی (ادیب حضور مکی) منتشر و شماره اول این سال در تاریخ چهارشنبه دهم شهر شعبان مطابق ۲۰ حمل ۱۳۰۰ شمسی طبع و توزیع شده است . در این شماره تحت عنوان (اخطار و معذرت) اینطور مینویسد ؛ ((اینک که یازدهمین سال مفتش ایران در رسید و جریده ما مرحله یازدهمین را باید به پیماید با عزمی ثابت و فکری ناقب و قدیمی استوار زمینه های مساعدی را فراهم و لوازم و وسائل ثابتی را تهیه نموده وبا مناسبترین اسلوب و روشترین طبع و قلم سیاسی آتشین بانضمام کاریکاتور های مفید و موثری در صفحه اخیر داخل عرصه جریده نگاری گردیده و مستمداً من اله تعالی نمرات مفتش ایران را مرتباً و بطور هفتگی نشر و اشاعه خواهیم داد . دفتر مفتش ایران .))

هما نظور که وعده داده شد روزنامه مفتش ایران از این پس در ۸ صفحه و هر صفحه مشتمل بر دو ستون در مطبعه سنگی (گلپهار) طبع شده و صفحه آخر آن دارای کاریکاتور میباشد . اولین کاریکاتور روزنامه اوضاع ارویائیان را نسبت بملل مشرق نشان میدهد . در سال ۱۲ باز تعداد صفحات روزنامه کم شده و شماره ۱۸ این سال در تاریخ یکشنبه ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۴۱ قمری منتشر شده است . از این شماره دبیر و مدیر داخلی روزنامه آقای (میرزا باقرخان عراقی) معرفی گردیده است . آقای عراقی از اهالی اصفهان و مسکن او در محله یاقلمه و چندی در ادارات فرهنگ و ثبت اسناد مشغول کار بود و زمانی هم در دادگستری و کات مینمود . چند سال پیش در اصفهان فوت کرد .

در سال شانزدهم روزنامه مفتش ایران بصاحب امتیازی و مدیر سیاسی (س . ادیب حضور مکی) مانند سنوات قبل منتشر و در این سال مدیر داخلی روزنامه (ع . ب . ر . مکی) معرفی شده است شماره ۱۵ این سال در چهارم صفره بقطع وزیری در مطبعه سری (جبل المتین) طبع و در تاریخ چهارشنبه ۲ ربیع الثانی ۱۳۴۴ قمری منتشر شده است و این شماره دارای نمره مسلسل ۳۰۶۵ میباشد . در سال هفدهم مفتش ایران بطور هفتگی در چهارم صفره انتشار یافته و شماره ۷ این سال در مطبعه سری (پروین موسه عرفان) طبع و در تاریخ سه شنبه ۲۶ جمادی الثانی (بدون ذکر سال انتشار) منتشر گردیده است . در این سال اسی از مدیر داخلی نیست و مندرجات آن پس از درج مقاله اساسی . اوضاع اصفهان و مختصری اخبار ایران است . نمره مسلسل این شماره ۳۰۸۶ است .

در سال نوزدهم روزنامه بصاحب امتیاز و مدیر مؤلی (س . ایران مدار مکی) و مدیر داخلی

(س. م. حسن گلستانه) هفته سه مرتبه طبع و توزیع شده. علت این تغییر بواسطه آگهی‌های ثبتی بوده که در روزنامه چاپ شده و روزنامه هفته سه بار روی یک ورق که از همان صفحه اول آگهی‌های نوبتی ثبتی چاپ و منتشر شده. شماره ۲۴ این سال که دارای شماره مسلسل ۴۱۲۸ میباشد در مطبعه سربی (پروین) طبع و در تاریخ دوشنبه ۱۴ جمادی الاول ۱۳۴۷ انتشار یافته است. روزنامه مفتش ایران بشرح مذکور مدت بیست و یکسال در اصفهان منتشر میشده و آخرین شماره منتشره آن در این شهر که دارای شماره مسلسل ۳۸۱۳ میباشد در سال ۱۳۱۰ شمسی انتشار یافته و پس از آن بشرحیکه در ضمن بیان حال مرحوم ایران مدار مکی ذکر خواهیم نمود محل انتشار روزنامه ب عراق منتقل شده و شماره مسلسل ۳۸۱۴ روزنامه در تاریخ ۲۹ تیرماه سال ۱۳۱۰ شمسی در شهر اراک منتشر گردیده است. و پوهمرته روزنامه مفتش ایران یکی از روزنامه های مهمی بوده که در مدت خیلی درازی در ولایات منتشر میشده و به علت شهادتی که در مدیران بوده غالباً دارای مقالاتی تند و آتشین است. و به علت همین تندگی در ابتدای سلطنت اعلیحضرت رضا شاه فقید مدتی در محاق تعطیل بود و در سال ۱۳۰۰ شمسی مجدداً طلوع نمود.

(۱۰۳۳) مفتش ایران

روزنامه مفتش ایران بمدیرری و صاحب امتیازی (ایران مدار مکی) در شهر اراک در سال ۱۳۱۰ شمسی منتشر شده است. این روزنامه دنباله همان روزنامه مفتش ایران است که متجاوز از بیست سال در اصفهان منتشر میشده و در سال ۱۳۱۰ شمسی مدیر آن دستگاہ روزنامه را بشهر اراک منتقل نموده است و از این جهت در عنوان روزنامه (سال بیست و دوم تأسیس) و شماره مسلسل (۳۸۱۴) نوشته شده منتهی شماره منتشر در اراک را شماره یک ضبط کرده است. شماره اول روزنامه مفتش ایران در اراک به صاحب امتیازی و سردبیر سیاسی و مدیرمسئولی (ادیب ایران مدار مکی) و مدیر داخلی (سید محمد اطائی) در چهار صفحه در مطبعه سربی (شرکت مطبعه عراق) طبع و در تاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۱۰ شمسی مطابق ۱۱ ژوئن ۱۹۲۱ میلادی منتشر شده است. خصوصیات روزنامه بدینترتیب است: محل اداره، عراق. خیابان اردیبهشت. وجه اشتراک، داخله، ۵۰ قران. خارجه، ۸۰ قران. تک نمره چهارشاهی. اجرت پست علاوه میشود قبول کنندگان شماره یک در عداد مشترکین ثابت محسوب خواهند شد. قیمت اعلانات صفحه اول سطری دو قران. سایر صفحات یک قران. طرز انتشار مفتش ایران هفته سه شماره روزهای یکشنبه - سه شنبه پنج شنبه بوده است. مرام و مسلک روزنامه در ضمن یکسطر در زیر عنوان آن بدینقسم شرح داده شده: «این جریده سیاسی - اخلاقی - علمی - ادبی - اقتصادی - فکاهی و اجتماعی و تفتیشی در تمام ایالات و ولایات ایران است. و نی این مطالب فقط در عنوان روزنامه نوشته شده و مفتش ایران بیش از یک روزنامه محلی نیست و مندرجات آن غالباً یک مقاله مختصر و ترجمه های کوچک و حوادث محلی عراق و مختصری اخبار داخله و گاهی یک قطعه شعر و غزل و بقیه مندرجات آن عبارت از آگهی‌های ثبتی است.»

مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (نامه نگاری در ایران. تاثیر افکار در روحیات جامعه) میباشد و در آن پس از آنکه شرحی درباره تفاوت قوای موجودات و حرکات و سکنات در بشر موجود است

و نیز ضعیف همیشه مقهور قوی میباشد و اینکه ما افکار خود را زوی کافذ برای آیندگان گذاشته ایم و نویسندگان دزد دنیا مقام بلندی را دارا هستند ، در ایران مقاله مینویسد ، (مطبوعات ما هم همه یکی از دیگری اخذ اریتکل و خبر کرده و اخبار داخله و خارجه آنها تقریباً یا تحقیقاً يك نحو است و هر گاه اختلافی هم در مطالب باشد فقط عبارت از اختلافات اعلانات ثبت است آنها هم در اسم ناحیه نه در اصل موضوع اگر امروز اعلانات جرایم نمیبود از عده جرایم کاسته میشد و آنها بیکه بیشتر بکسب میردازند ازین میرفتند بهر جریده که نگاه میکنید آنرا مملو از اعلانات ثبت می بینند حتی بعضی از جرایم بجای سرمقاله و جز از صفحه يك شروع بنشر اعلان ثبت مینمایند عده جرایم در مرکز و ولایات بسیار است و اغلب بلکه تمام آنها بر خوانندگان محترم تحمیل میشوند بطوریکه قلبی فقط برای استفاده از قرائت جریده اشتراک میکنند و اگر اصرار و ایراد ارباب جرایم در تحمیل مطبوعات نمیبود هیچ يك از خوانندگان باین قبیل اوراق که بهیچ وجه نفعی ندارد توجهی نمیکردند . تمام این تقصیرات متوجه مردم این محیط است زیرا خود مستوجب این میباشد که امروز دارا هستند . هر گاه خوانندگان ارباب فضل و ادب را تشویق میکردند - اگر قدر فکر و قیمت مبادی فاضله و عقاید مقدسه معلوم میشد اشخاص ذی متصدی این شغل مهم نمیشدند . مدتی بود که ما روزنامه را بطبیعت واگذار کرده بتحریر مطالب مفیده اهتمام نمیکردیم زیرا عدم تلافیه مردم موجب دلسردی ما بوده هست ولی فعلاً بر اثر اصرار یکمده از اشخاص منور الفکر آزادینخواه این شور خود را ناگزیر دیده که برای هر شماره جریده مقالات مفیده تهیه و منتشر کنیم بنابراین منتظر توجه خوانندگان میباشیم که اگر قدر زحمات ما را بدانند هر روز بر مزایای جریده مفتش ایران خواهیم افزود . تا مگر لطف خدا بیش نهد گامی چند . س . ایران مدار . این اول باریست که مدیر روزنامه در ایران حقایق اوضاع روزنامه نگاری را بدون پروا و اوامه شرح داده و در حقیقت هم وضع بهمین منوال است زیرا که مفتش ایران پس از بیست و دو سال روزنامه نگاری ناچار برای اداره روزنامه اصفهان را ترك و برای آنکه بتواند روزنامه را منتشر سازد بشهر اراک رفته و آنجا مقیم شده است .

سالنامه عراق متعلق بسال ۱۴ - ۱۳۱۵ راجع باین روز نامه مینویسد : « روزنامه مفتش ایران در عراق در سال ۱۳۱۱ بمدیری آقای ایران مدار مکی تأسیس و پس از یکی دو ماه بتمدن ایران موسوم گردیده و بیش از چند ماه انتشار نیافت . » علت تغییر اسم بواسطه فشاری بود که شهربانی آنوقت بر مرحوم ایرانمدار وارد آورده که مفتش ایران معنی ندارد و او را مجبور نموده که اسم روز نامه را عوض نماید . ذیلا شرح حال مرحوم ایران مدار بقلم فخرالدین ایران مدار فرزند آن مرحوم نقل میگردد .

آقای سید نورالدین عراقی . (ادیب حضور ایران مدار مکی)

خلف مرحمت مآب مرحوم حاج سید محمد علی عراقی از علماء معروف که در اواخر عمر در تهران اقامت گزیده و سپس بر حمت ایزدی پیوست مرحوم آقا سید محمد علی دو فرزند ذکور داشت یکی بنام سید ابوالحسن و دیگری آقا سید نورالدین که هر دو آنها را برای تعلیم علوم مقدماتی تحت نظر دانشمندان و علماء هم عصر خود سیرد مرحوم سید نورالدین در سن یازده سالگی از علوم مقدماتی فراقت حاصل نموده و با چند تن از اقارب و بستگان خود برای تعلیم علوم عالی

در بیروت رفته و پس از فراغت علوم عالیّه در سن بیست و ۲ سالگی در علوم مذهبی موفق باخذ گواهینامه اجتهاد گردید و سپس بتحصیل زبان خارجی (فرانسه) و بعداً بعلوم طبیعیات - نجوم - ریاضیات - مینست - اقتصادیات پرداخت و پس از پنجسال تحصیل بعنوان سیاحت بکلکته و سایر نقاط دیگر هندوستان مسافرت و در انجمن های مذهبی و سیاسی آن کشور داخل و پس از چند مادی بوطن عزیز خود بازگشت و در سن ۲۸ سالگی خود را برای خدمت بمیهن عزیزش آماده ساخته و بمادرت بتأسیس مدرسه شرف مظفری نموده و مدرسه را بوسیله معلمین با اطلاع مانند مرحوم فروغی و مرحوم مهندس السلطان و مرحوم نبیل الدوله و چند تن از دانشمندان آن عصر در توران افتتاح و بتعلیم و تدریس علوم جدیده پرداخته و از این راه خدمات عثمشی بفرهنگ ایران نمود و در دوازدهم ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری بموجب اصل ۲۴ قانون روزنامه مفتش ایران را در توران منتشر و عالم مطبوعات را فروغ و روشنی مخصوص داد. سپس آن مرحوم در صد اصلاحات و رفع نواقص کشور برآمده و انجمنی بنام انجمن آزادی خواهان باتشریک آقای طباطبائی در تهران تشکیل و بخدمات ملی خود ادامه داده و خائنین که از اقدامات او واقف شدند در صد هلاک آن مرحوم برآمده و بمنازعه با او برخاستند تا اینکه خدمات آن مرحوم توجه عمومی را بخود جلب و در سن ۳۰ سالگی از طرف نواحی شمال (مازندران) بوکالت دار شورای ملی انتخاب و چون مومی علیه حسن ظن مردم را بخود تلقی کرد از هیچ گونه مساعدت و همراهی واقدمات نافع خود ببرد و کشور فروگذاری ننمود تا اینکه مشروطه بنظر مرحوم محمد علی شاه بد جلوه کرد و امر به توپ بستن مجلس را داد در این گیرودار مرحوم سید نور الدین بارفقی فراکسیون خود فوراً در صد رفع آسیب و پنهان خود برآمدند و چون شلیک توپخانه راه فرار را برای آنها مسدود کرده بود ناچاراً در یکی از کنجه های مجلس مخفی و پس از سی و دو ساعت دیگر بوسیله مرحوم سرتیب محمد اسماعیل خان نجات و شبانه ایشان را بمنزل خود مخفی نمودند پس از این واقعه ایشان در صد رفع فائله برآمده و برضد حکومت محمد علی شاه باهمراهان خود جداً قیام و سپس محمد علی شاه یکی را بعد از دیگری دستگیر و در باغشاه زندانی و هر یک را بعد از دیگر بعنوانی و طرز مخصوصی از قبیل صور اسرافیل ، ملك المتكلمین و غیره اعدام تا اینکه نو بت مومی علیه که میرسد بوسیله شاهزاده ناصر الملك مورد وساطت قرار گرفته و محمد علی شاه پس از بدست آوردن معلومات و اطلاعات ایشان وی را مورد لطف خود قرار داده و لقب (ادیب حضوری) آنموقع بمشار الیه داده شد و در همان تاریخ روزنامه خود که امتیاز آن از شورای عالی وزارت فرهنگ مجلس شورای ملی ایران بموجب اصل ۲۴ قانون اساسی گذشته بود که در تمام کشور میتواند روزنامه خود را منتشر نماید .

وبعداً بواسطه اختلافات سیاسی و نفوذ شاهزاده های قاجار ایشان را باصفهان تبعید و قریب ۲۲ سال هم روزنامه خود را در اصفهان و در کرمانشاهان و از سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۱۱ شمسی در اراک بنام مفتش ایران مرتباً منتشر میساخت تا اینکه از طرف حسودان و خود شیرین ها شکایتی مبنی بر اینکه روزنامه مفتش ایران چه علت دارد که با توازن قانون مطبوعات هر روز در یک شهرستانی منتشر شود تا آنکه سابق مومی علیه را بوسیله شهر بانی اراک بر مرکز احضار پس از اجبار به تمویض نام فامیل خود از ایران مداری چون نتیجه مطلوبه حاصل نشد بمنابین مختلفه ایشان را مجبور به تمویض امتیاز روزنامه مفتش ایران نمودند و از اواسط ۱۳۱۱ روزنامه مفتش

ایران تعطیل و بنام روزنامه تمن ایران درازاک ازانق مطبوعات ظاهر گردید و تا سال ۱۳۱۶ کم و بیش روزنامه خود را بدستیاری فرزند خود فخرالدین ایرانمدار که مامور تنظیم مقالات و اداره کردن امور داخلی اداره روزنامه بود انتشار و بعداً بواسطه ضعف مزاج روزنامه خود را تعطیل و در سال ۱۳۱۹ مجدداً شرحی بوزارت فرهنگ نوشته که در تهران منتشر نمایند اجازه از طرف وزارت فرهنگ برای انتشار صادر ولی اداره سیاسی و نگارشات وزارت کشور بعلت تنیدی قلم و سوابق روزنامه های ۱۳۰۴ اصفهان که بر علیه شاه سابق میبود مانع از انتشار آن گردید . رفته رفته ضعف ایشان شدت یافت و در ۲۱ اسفند ماه ۱۳۲۰ در بیمارستان مرسلین انگلیس اصفهان در سن ۶۰ سالگی دنیا را برود ابدی گفته و بدیاری رختی بر گرفت و در تخت فولاد اصفهان تکیه ملک دراطاق شمالی مدفون اند .

(۱۰۳۴) مفرح القلوب

روزنامه مفرح القلوب در بندر کراچی هندوستان بزبان فارسی تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است . روزنامه مفرح القلوب مدت مدیدی در کراچی منتشر می شده و بیشتر از سی سال انتشار آن ادامه داشته است . آغاز تاسیس آن ظاهراً سال ۱۲۷۲ قمری بوده و تا حدود سال ۱۳۰۲ قمری منتشر می شده و درازمنه مختلف ناشران تغییر کرده و من جمله از اوائل تاسیس تامدتی (محمد شفیع) و بعداً (میرزا محمد جعفر و میرزا محمد صادق مشهدی ، قنصل ایران در کراچی) متصدی نشر روزنامه بوده اند . و در شماره های نمونه این عبارت در انتهای صفحه آخر هر شماره چاپ شده است : « مالک و مهتم این اخبار نامه مفرح القلوب کراچی و مطبع اش میرزا محمد شفیع خلف مرحوم میرزا مخلص هلیست . » اسم روزنامه بخط نسخ در مرجمی نوشته شده و اطراف آن این اشعار درج است : ای نام تو راحت دل و جان ● سرمایه فرخت فراوان ● هر سبزه که از زمین بر آید ● بروحت تو زین گشاید ● نامت چو مفرح القلوب است ● فرخنده کسب که دل بتوبت ● کاریکه بر تو کل تو کردم ابتدا ● یارب بفضل خویش رسانش بانتهای .

درد زیر عنوان مذکور تاریخ انتشار و (تفصیل قیمت و اجرت پست) بحساب سیاق معین شده و قیمت یک نسخه اخبارنامه (۸ ز) و اجرت طبع اشتهاارنامه و مضامین مفیده خاص فی سطر ۰۴ . اجرت طبع اشتهاارنامه و مضامین مفیده عام (معاف) . بغیر از سطور مذکور این دو سطر در انتهای صفحه اول درج است : « هر کسب که بدون دادن زر قیمت اخبارنامه گرفتن اخبارنامه بنام خود نبه خواهد کرد تا زمانیکه وجه قیمت آنرا ادا نکنند همیشه قیمت آن بدمه اش محسوب شده هر وقت مطالبه و حساب از او گرفته خواهد شد وجه موصوله بازرگزمترد نخواهد گردید . » از روزنامه مفرح القلوب نگارنده نمونه های مختلف مربوط بجلد ۲۴ در دست دارد من جمله نمره ۴۶ از جلد ۲۴ است که در تاریخ ۲۲ شهر ذیقعد ۱۰۹۶ مطابق ماه نوامبر ۱۸۷۹ میلادی در ۱۲ صفحه بقطع وزیری و با چاپ سنگی طبع و توزیع شده و نیز نمره ۳ جلد ۲۴ در تاریخ ۱۸ شهر محرم الحرام ۱۲۹۶ هجری مطابق ۱۲ ماه جنوری ۱۸۷۹ میلادی منتشر شده است . معمولاً هر شماره مفرح القلوب در ۱۲ صفحه چاپ شده و مندرجات آن عبارت از مقالات مختلف و اشعار و اخبار جهان و اخبار هند و اخبار بندر کراچی است . برای اینکه خوانندگان بسبب عبارت و اخبار

روزنامه آگاه گردند یکی دوخبر از نمره ۴ جلد ۲۴ آنرا نقل مینمائیم ،
 « پيشاور ۲۱ دسامبر - منفذ عام در میان علی - مجد و جمرو بسبب رهزنی فرقه کوکی خیل بند
 شده بود مگر خبر بلجیان راه صاف کردند - حکمنامه بنام روسی حاکم ترکستان شرف صدور
 یافته است که سامان جنک موجود ومهیا دارد . « قسمتی از فهرست مندرجات نمره ۵ جلد ۲۴
 مورخ ۳ صفر ۱۲۹۶ قمری بدینقرار است . التماس در خدمت مشتریان اخبار نامه - کتاب
 رقوم المسالك - ناصر الملك محمود خان وزیر دولت ایران - حسین حامد بيك افندی - اظهارات
 انگلیس در باب اصلاحات اناطولی - خرج جنک افغانستان - افواه هوام - دولت روس ودولت روم
 جلال آباد - مختصر حالات تهذیب وشایستگی قوم روس ونظم ونسق گورنمنت - تناسب اهل اسلام
 و اهل هند - ربورت از قندرها - شکار پور -
 در شماره های نمونه این سطر در انتهای صفحه آخر هر شماره درج است : « مالک
 و مهم این اخبارنامه مفرح القلوب کراچی و مطبع اش میرزا محمد شفیع خلف مرحوم میرزا
 مخلص علیست »

روزنامه مفرح القلوب از حیث چاپ و کاغذ مانند سایر مطبوعات هندوستان باخط نستعلیق
 وروی کاغذ زرد است . رو بهرفته این روزنامه بیشتر از جهت اخبار جهان وهند اهمیت دارد
 وگرنه از لحاظ مقالات علمی و ادبی چندان قابل توجه نیست و در حقیقت همانقسم که بآن نام
 گذاشته (اخبارنامه) مفرح القلوب است . واز این حیث نظیر روزنامه های ایران واطلاع میباشد .

(۱۰۳۵) مكافات

روزنامه مكافات در شهر خوی بدیری (میرزا آقاخان) وصاحب امتیازی (میرزا نوراله
 علی زاده) تاسیس ودرسال ۱۲۲۷ قمری منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست جراید
 آذربایجان (ص ۴۱۱) مینویسد : « مكافات - روزنامه هفتگی منتشر درخوی باچاپ سری بدیریت
 میرزا آقا مرندی ومحمد علی زاده (امیرحشمت) در ۱۲۲۷ »

برون در تاریخ مطبوعات وشرق فارسی ص ۱۴۲ مینویسد : روزنامه مكافات منتشر درخوی
 بدیری (میرزا آقاخان هرندی مدیر مدرسه مساوات) وصاحب امتیازی (میرزا نوراله یگانی)
 وقسمت اشعار آن متعلق به آقای (ابوالحسن خان ، محمد علی زاده ملقب به سعید المالك) و
 (امیر حشمت) که در آن ایام درخوی و سلساس میزیسته است ، میباشد . (اشتباهی که برای
 برون دست داده این است که میرزا آقاخان را هرندی دانسته در صورتیکه اهل مرند آذربایجان
 بوده است . مولف) برون نیز اضافه میکند که من نمره ۵ روزنامه مكافات را در دست دارم واین
 نمره در چهارصفحه بقطع شش وبك دوم وپارده يك دوم ودر تاریخ ۴ صفر ۱۲۲۷ قمری منتشر شده
 است . قیمت تك شماره آن يك عباسی است .

روزنامه حکمت چاپ قاهره در شماره ۹۳۴ مورخ فرم جمادی الثاني ۱۲۲۷ قمری شرحی
 بدینقسم درباره روزنامه مكافات نوشته است : « روزنامه مشگین شامه (مكافات) نام که از دارالسرور
 خوی بنام جناب آقا (میرزا ابوالحسن محمد علی زاده) نگاشته شده ومدير ياك دلش جناب آقا
 (میرزا آقاخان) وصاحب امتیاز آن جناب (میرزا نورالله علی زاده) بوده بتاريخ ۲۲ ربیع الثاني

۱۳۲۷ در آن شهر دلکش منطبق گردیده است . خدا شاهد است دلم از دیدن آن شاد گردید»

(۱۰۳۶) مکافات

روزنامه مکافات در سال ۱۳۰۴ شمسی در طهران تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است . شورا یحالی فرهنگ امتیاز این روزنامه را بمدیبری (میرزا باقرخان جعفری) در تاریخ ۶ خرداد ۱۳۰۴ تصویب نموده است .

(۱۰۳۷) مکتب

روزنامه مکتب در سال ۱۳۲۳ قمری در طهران بمدیبری (حاج میرزا حسن تبریزی ملقب برشده) تأسیس و منتشر شده است . روزنامه فریاد چاپ تبریز (بنقل روزنامه دماوند شماره ۸۷ مورخ دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۳۲۳ شمسی) پس از آنکه شرح حال نسبة مفصلی از رشديه ذکر کرده در باره روزنامه مکتب مینویسد ، (رشديه هنگامیکه در طهران بود خدمت فرهنگی را ضمیمه خدمت سیاسی ساخت و با همگان بنشر و ترویج افکار آزادی پرداخت . نخست (انجمن تنویر افکار) را با دوستان خود بنیاد گذاشت و شروع بتبلیغ کرد و از راه (شب‌نامه) نویسی و بخش آن بی‌باکانه در اطراف قصر سلطنتی و دربار پیشرفت فکر آزادیخواهی کمکهای شایان نمود . در سال ۱۳۲۲ بتأسیس روزنامه (مکتب) پرداخت و با عین‌الدوله صدراعظم و مظالم وی مبارزه شروع کرد مخصوصاً موضوع سانور را که از طرف وزیر انطباعات مقرر شده بود شدیداً انتقاد کرد و در کتاب (کفایة‌التعلیم) (کتاب تنبیه‌الفالین) بنشر افکار تجدیدو ترقی پرداخت عین‌الدوله که دشمن آزادی و تجدید بود رشديه را مورد غضب شد بدفتر اراداد و بهراهی دوتن دیگر او را بکلات تبعید کرد و پس از نهمه‌ماه که آزادیخواهان قدرت پیدا کردند و فرمان مشروطه داده شد رشديه هم از منقای خود بیرون آمده بطهران برگشت .) برای اطلاع بیشتری از شرح تبعید مشارالیه بحرف نون روزنامه ندای وطن رجوع شود .

(۱۰۳۸) ملامعو

روزنامه ملامعو در شهر تبریز بحاجب امتیازی و مدیری (میرزا احمد مدیر مدرسه بصیرت) تأسیس و بزبان ترکی و با چاپ سنگی منتشر شده است . این روزنامه در سال ۱۳۲۶ قمری بوسیله مخالفین انقلاب مشروطیت و بدست اعضاء (انجمن اسلامیه محله دوجی شهر تبریز) انتشار یافته . مرحوم کسروی در کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان (ص ۲۰۴) از روزنامه ملامعو نام برده و در باره آن مینویسد ، « در این زمانهاست که روزنامه ملامعو در دوجی بزبان ترکی پدید آمد و تا چند شماره از او پراکنده گردید ، دوجی یکی از محلات معروف تبریز است که در حوادث مشروطیت بین‌اهالی آن - «یر محلات شهر تبریز مانند - رخاب و خیابان و امیرخیز همیشه نزاع و زد و خورد بوده است برای اطلاع از این کشمکشها بصفحات ۱۰۲ و ۱۰۴ کتاب تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان رجوع شود .

مرحوم تربیت در فهرست جراید آذربایجان نام این روزنامه را (آلامعو) ضبط کرده و برون نیز در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی (ص ۲۲) همین نحو نوشته است . شرحیکه تربیت در

بارہ این روزنامہ نوشتہ بدینقرار است (آملامو روزنامہ نیم ورقی منتشر دتبریز باچاپ سنگی از طرف ارتجاعیون وانجمن اسلامہ در ۱۳۲۶ در مقابل روزنامہ اتحاد . »
 میرزا احمد مدیر روزنامہ ملاعمو ، علاوہ بر این روزنامہ ، روزنامہ های اخوت ، اتحاد و اسلامیہ را نیز منتشر کردہ است .

(۱۰۳۹) ملانصر الدین

روزنامہ ملانصر الدین در شہر تبریز بمدیری (جلیل نججویانی) در سال ۱۳۳۸ قمری تاسیس و منتشر شدہ است . تربیت دوفہرست روزنامہ های آذربایجان در بارہ روزنامہ ملانصر الدین مینویسد : « ملانصر الدین ، روزنامہ ہزلی ہفتگی منتشر در تبریز باچاپ سربی و تصاویر رنگین بمدیریت جلیل نججویانی در ۱۳۳۸ . شش شمارہ منتشر شدہ . »

(۱۰۴۰) ملت

روزنامہ ملت در شہر شیراز بمدیری (میرزا حسین خان پرتو) تاسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شدہ است . تاسیس روزنامہ ملت در اواخر سال مذکور یعنی در حوت این سال بودہ و بنا بر آنچه در سالنامہ ۱۴ - ۱۳۱۵ فارس نوشتہ بعد از ۲۵ شمارہ تعطیل میگردد . طرز انتشار آن ہفتگی بودہ است .
 میرزا حسین خان پرتو علاوہ بر روزنامہ ملت روزنامہ دیگری بنام (اتحاد اسلام) در شیراز منتشر نمودہ کہہ برای اطلاع از آن بجلد اول کتاب تاریخ جراید و مجلات ذیل اتحاد اسلام رجوع شود . در کتاب فارس و جنگ بین الملل صفحہ ۲۹۲ در شرح حال پرتو مینویسد : « پس از برگشتن بشیراز چند شمارہ روزنامہ ملت را نگاشته کہ مطبوع طبع ملت شدہ . » برای اطلاع بیشتری از این قسمت باصل کتاب مذکور مرجمہ شود .

(۱۰۴۱) ملتی پاروزنامہ ملت سنہ ایران

روزنامہ ملتی در طهران باچاپ سنگی در تحت اداره (علیقلی میرزا اعتضاد السلطنہ) تاسیس و بطور ماہانہ در سال ۱۲۸۳ قمری منتشر شدہ است . این روزنامہ ابتدا یعنی شمارہ اول آن کہ در تاریخ ۱۵ محرم ۱۲۸۳ قمری منتشر شدہ باسم (روزنامہ ملت سنہ ایران) انتشار یافتہ و بعد منقطع گردیدہ و پس از دو ماہ باز بہمان عنوان در تاریخ جمعہ چہار دہم ربیع الاول ۱۲۸۳ قمری منتشر گردیدہ و از شمارہ سوم اسم (روزنامہ ملتی) موسوم گردیدہ و جمعاً از این روزنامہ بفرہ از شمارہ اول کہ مورخ ۱۵ محرم میباشد ، ۳۴ نمرہ از آن نشر شدہ و آخرین شمارہ آن در تاریخ یوم جمعہ بیستم شہرجمادی الاخر ۱۲۸۲ قمری منتشر گردیدہ قیمت سالیانہ روزنامہ ملتی بانضمام روزنامہ دولتی و علمی سہ تومان و شش ہزار دینار بودہ و در مطبعہ سنگی (در الخلافہ ناصرہ

در کارخانه دار الانطباع دولتی در مدرسه مبارکه دار الفنون (طبع شده است .
 عده صفحات روزنامه از ۵ تا ۷ بقطع ۲۲ در ۳۴ سانتیمتر میباشد و هر صفحه آن
 مشتمل بر ۲۵ سطر بخط نستعلیق ریز است . سرلوحه روزنامه عبارت از دورنمای مسجد
 شاه طهران است که در بر آن (مسجد شاه) نوشته شده و این سرلوحه در تمام سی و
 چهارنمره موجود است . در نمره اول این عبارت بخط نستعلیق ریز در زیر سرلوحه
 نوشته شده : « از جانب سنی الجوانب همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان امر و
 مقرر است که روزنامه ملتی برسبیل آزادی نگارش یابد تا خاص و عام از فواید آن بهره
 یابند . » . مندرجات روزنامه ملتی اغلب مربوط بشرح حال شمرای قدیم و جدید
 ایران و در بعضی از نمرات آن آگاهی مختصری از وقایع دربار در آن درج شده و چون
 مجموعه نمرات این روزنامه خیلی کمیاب است برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست
 تمام سی و چهارنمره را ذیلا بقرینینماییم :

نمره اول : شمس الشعرا میرزا محمد علیخان اصفهانی متخلص بسروش . نمره دوم
 شرح حال دقیقی شاعر . آگاهی از طرف دولت راجع بمنع شبیه و تعزیه خوانی . نمره
 سوم : شرح احوال هادی نوری افکره تخلص . آگاهی راجع بمنع احتکار . نمره
 چهارم : شرح حکیم قاآنی . آگاهی راجع باشخاص منلس . نمره پنجم : شرح احوال
 عسجدی شاعر بضمیمه جدول معرفت اوایل شهور عرب . نمره شش شرح حال حکیم
 فردوسی . نمره هفتم : شرح احوال داود شاعر . نمره هشتم : کیفیت احوال منوچهری
 شاعر . نمره نهم : شرح احوال میرزا محرم . نمره ده : شرح احوال آذرشاعر . نمره
 یازده : شرح احوال هاتف شاعر . نمره دوازده : شرح حال حکیم خاقانی . نمره سیزده
 بقیه حکیم خاقانی . نمره چهارده : شرح احوال وحید شاعر . نمره پانزده : شمه از
 حال سلطان بایزید . نمره ۱۶ : شرح احوال کلیم شاعر . (این نمره نه صفحه است .)
 نمره ۱۷ : شرح احوال حکیم سنائی علیه الرحمه . نمره ۱۸ : درک بهار . (این نمره
 بدینقسم شروع میشود بسم الله تعالی میرزا علینقی حکیم الممالک تفصیل تاره بطور
 حکایت در ادراک بهار و تاثیرات نوشته بود چون خالی از مزه و فایده نبود در این روز-
 نامه طبع نمود .) . نمره ۱۹ و ۲۰ بقیه شرح درک بهار و قصه جوان حکیم الممالک
 نمره بیست و یکم : ترجمه میرزا رضای دکترا از قواعد مجمع الصحه که مقرب الخاقان
 دکترا طولوزان مرتب نموده . نمره بیست و دوم : ترجمه مجمع الصحه که حکیم باشی
 حضور همایون شاهنشاهی دکترا طولوزان نموده است . نمره ۲۳ راجع بصفت عکاسی
 نمره ۲۴ : شرح حال نظیری شاعر . نمره ۲۵ : ترجمه دستور اطباء حافظ الصحه که
 دکترا طولوزان حکیم باشی مخصوص وجود مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی بجهت ملاحظه
 و جستجوی سبب عموم و شیوع و بامر ترتب کرد و میرزا تقی مترجم مجمع الصحه ترجمه
 نموده است . نمره ۲۶ : شرح حال میر عبدالعال اصفهانی متخلص بنجات . نمره ۲۷
 شرح حال مسعود سعد سلمان بضمیمه نمره ششم از ترجمه محمد حسنخان پیشخدمت خاصه
 حضور همایونی . فصل پنجم در ذکر پیدا نمودن ینکی دنیا . نمره ۲۸ : سام میرزا ملقب

بشمس الشعرانی متخلص برضوان بضمیمه نمره هشتم از ترجمه محمد حسنخان پیشخدمت در پیدا کردن جزیره هیس بان یولا . نمره ۲۹ : تفصیل قانون جدید دولت عثمانی در خصوص تشخیص تبعیت اندول بضمیمه نمره ده از ترجمه محمد حسنخان در بیان مراجعت کریستوف کلمب . نمره ۳۰ : شرح احوال حکیم انوری ایوردی . نمره ۳۱ : شرح حال حلاوت اشتمال بسحق اطعمه . نمره ۳۲ : در بیان قصیده ایست بعربی اثر طبع مرتضی قلیخان از نواده های مرحوم امین الدوله اصفهانی که همان مضمون بفارسی اثر طبع سام میرزای شمس الشعرا نیز ذکر شده و تفصیل دو قصیده بدینقرار است که در روز دو شنبه ششم شهر ذی القعدة ۱۲۸۶ که ناصرالدین شاه در منزل دره ملاعلی بطرف پل لوشان حرکت مینموده در بین صحبت بمجد الدوله اظهار داشته که تو دلیل راه مائی مجد الدوله جواب داده انشاء اله دلالت غراب نیست . ناصرالدین شاه برای اینکه شعر معروف :
 اذا كان الغراب دليل قوم سیهدهم سبیل الهالکینا • خوانده نشود این شعر را گفته است : اذا كان القطاء دليل قوم سیهدهم صراط المستقیم . پس از ورود بطهران شاه دستور میدهد که باید قصیده بفارسی و عربی بهمین وزن و قافیه گفته شود و لذا دو قصیده فارسی و عربی گفته شده و در باغ قصر قاجار برای ناصرالدین شاه خوانده شده است •

مطلع قصیده عربی بدینقرار است : سقى الرحمن باقیث المیم ✽ معارجنا بنعرج المیم و مطلع قصیده فارسی این است : بفال سعد و ای مستقیم ✽ بدریا شد روان ابر کریمی •

نمره ۳۲ : شرح احوال ناصر خسرو • نمره ۳۴ : شرح احوال مهری شاعر • این بود فهرست مندرجات روزنامه ملتی وهما قسم که در روزنامه های علمیه و دولتی یاد آور شده ایم در این روزنامه نیز نامی از نویسنده مقالات در بین نیست ولی از خارج میدانیم که منشی روزنامه (حکیم سامانی) بوده است •
 میرزا فتحعلی آخونده زاده که شرح حال او در صفحات دووم و چهار کتاب دانشمندان آذر بایجان بتفصیل نوشته شده رساله راجع بروز نامه ملتی خطاب بمنشی آن مرحوم حکیم سامانی تدوین و در آن ایراداتی بسرلوحه و طرز تنظیم مطالب روز نامه نموده است • این رساله در تاریخ یوم جمعه ۱۴ ربیع الاول سنه ۱۲۸۲ پس از رسیدن روزنامه ملتی در تفلیس با خوانده زاده نوشته و خلاصه آن این است که آخوند زاده اشکالاتی بمنشی روزنامه نموده و من جمله مینویسد :

شکل مسجد نه تودر روزنامه خود علامت ملت ایران نگاشته در نظر من نامناسب مینماید بعلت اینکه اگر از لفظ ملت مراد تو معنی اصطلاحی است یعنی اگر قوم ایران را مراد میکنی مسجد انحصار بقوم ایران ندارد بلکه جمیع فرق اسلام صاحب مسجدند علامت قوم ایران قبل از اسلام آثار سلاطین قدیم فرس است از قبیل تخت جمشید و قلمه اصطخر و امثال آن و بعد از اسلام یکی از مشهورترین آثار پادشاهان صفویه است که در ایران مذهب اثنی عشری را رواج داده اند و طوایف مختلف آن را در سلك ملت واحده

منتظم داشته اند و باعث سلطنت مستقله جدا گانه ایران شده اند پس بر تو لازم است که بجهت اشته زملت ایران علامتی پیدا بکنی که از یکطرف دلالت بر دور سلاطین قدیمه فرس داشته باشد و از طرف دیگر پادشاهان صفویه را بیاد آورد چون شکل تاج دوارده ترك قزلباش از سقرلات سرخ .

اشكال دیگر آخوند زاده راجع باوردن شرح حال سروش است که در يك روزنامه چه فایده بر پر کردن چند صفحه از روزنامه است در شرح حال شمس الشعرا سروش است و در این قسمت گفتگوی زیادی درباره نسب سروش بنجم نانی میکند . این رساله در ۴۸ صفحه و در تاریخ ۱۷ شهر رمضان پارس ۱۲۸۳ و در تفلیس نوشته شده و يك نسخه از آن در کتابخانه دانشکده معنوی و منقول طهران موجود و به نمره ۲۷۷۶ ثبت دفتر کتابخانه است . ناگفته نماند که در همین کتابخانه يك دوره از روزنامه ملتی که در کتابخانه اعتضاد السلطنه بوده و بعداً جزو سایر کتب کتابخانه مشارالیه وقف مدرسه سپهسالار جدید شده ، موجود است و مهر اعتضاد السلطنه پشت این مجموعه دیده میشود .

(۱۰۴۳) ممات و حیات

مجله ممات و حیات در طهران بدیری (کاشف السلطنه پرنس دوچای) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . این مجله بصورت يك رساله ایست که در باره فواید خط آهن در ایران نوشته شده و در ۶۰ صفحه بقطع خشتی چاپ و در تاریخ برج نور ۱۳۰۱ مطابق شهر رمضان ۱۳۴۰ و ماه مه ۱۹۲۲ منتشر گردیده ولی چون در پشت و عنوان آن (مجله ممات و حیات) نوشته ما آنرا در ردیف مجلات ذکر ننمودیم . محل طبع آن : طهران . مطبعه مجلس شورای ملی . مقدمه مجله بدینقسم شروع میشود : « روزی در گوشه عزلت نشسته و در بروی خود بسته باحالی افزوده و دلی پژمرده بر اوضاع وطن عزیز تأسف میخوردم و اییاتی از مرحوم میرزا فتح الله خان شیبانی در خاطر میسرودم و بریچارگی نوع خود میگریستم .

یار پریشان و زلف یار پریشان ✽ شهر پریشان و شهر یار پریشان
کاررمانه چه گشت در هم و برهم ✽ مردم کارند گاه کار پریشان

تا آخر غزل . در این بحر تفکر و غم چندان فرو رفته و غوطه ور بودم که از همه چیزم فراموشی حاصل و از خود بی خبر بودم ناگهان در برهم خورد و از صدای آن بخود آمده دوستی که همیشه مشتاق صحبت او بودم وارد گردید ۰۰۰۰۰ بالجمله از هر دری سخن گفتیم تا آنکه بالطبع از پریشانی اوضاع مملکت صحبت بمیان آمد در مقام چاره جوئی مباحثات رد و بدل شد (خلاصه اینکه نویسنده یاد آور می شود اساس خرابی ایران نداشتن راه آهن و این رساله را در موضوع منافع راه آهن نوشته است .) از مجله ممات و حیات بیش از همین يك شماره منتشر نشده است .

(۱۰۴۴) منارت

روزنامه منارت در شهر تبریز بزبان ارمنی تأسیس و در سال ۱۹۱۹ میلادی منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست روزنامه های آذربایجان در باره این روزنامه مینویسد : منارت (مناره) روزنامه هفتگی منتشر در تبریز در زبان ارمنی در ۲۰-۱۹۱۹ .

(۱۰۴۵) موسیقی

مجله موسیقی در طهران بمدير مسئولی (سرگرد مین باشیان) تأسیس و در سال ۱۳۱۸ شمسی منتشر شده است . این مجله از انتشارات (اداره موسیقی کشور که یکی از ادارات تابعه وزارت معارف) بوده است .

شماره اول و دوم مجله موسیقی یکجا در ۳۶ صفحه بقطع پستی با چاپ سربی در مطبعه (تابان طهران) طبع و متعلق بدوماه فروردین وارد بیست ماه ۱۳۱۸ می- باشد . روی جلد مجله این جمله ار و اکثر موسیقی دان معروف چاپ شده : « آنجا که سخن بار میباند موسیقی آغاز میگردد . » . در این شماره پس از طبع عکس اعلیحضرت قید و اعلیحضرت محمد رضا شاه که آنوقت ولیعهد بوده و تصویر فوزیه ملکه آینده ایران ، مقاله افتتاحی مجله تحت عنوان (موسیقی کشور) نوشته شده . چند سطر از ابتدا و انتهای مقاله مذکور بدینقرار است : « در این عصر فرخنده که جمیع شئون کشور و حیثیت میهن رو بکمال حقیقی میرود و برای احیای قوای مادی و معنوی این سرزمین باستانی همه گونه وسائل بکار برده میشود نسبت بامر موسیقی نیز بنوبه خود از طرف ذات مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و والا حضرت اقدس همایونی توجه خاصی مبنول شده و مقرر فرموده اند که موسیقی کشور تعمیر کرده از حالت حزن و اندوه بیرون آید ۰۰۰ برای اجرای این منظور امر بتأسیس اداره بنام اداره موسیقی کشور در وزارت فرهنگ داده شده تا تمام کارهای مربوط بموسیقی در یکجا - - - - - تحت اصول صحیحی اداره شود ۰۰۰۰۰ برای همین منظور و نیز از آنجا که یکی از وظایف اداره موسیقی کشور آشنا نمودن فکر و ذوق عامه بموسیقی علمی و ترویج آنست بمنشر این مجله که برای اولین بار در ایران اشاعه مییابد اقدام نمود سعی خواهد شد در هر شماره مطالب سودمند فنی برای شناساندن ادبیات موسیقی و ترکیبات استادان بزرگ و شرح زندگی آنها درج گردد و باگراورهای مناسب زینت یابد ۰۰۰۰ » .

درحقیقت مندرجات مجله موسیقی از همین گونه مطالب خارج نیست چنانچه فهرست مندرجات شماره اول و دوم این مطلب را بخوبی ثابت می نماید . اینک فهرست مندرجات موسیقی کشور - وظایف اداره موسیقی کشور - تاریخچه مختصری از زندگی بتهون درعالم موسیقی - پرورش ذوق موسیقی نزد خردسالان - حافظ و موسیقی - مغنی نامه حافظ - از چه سنی باید موسیقی را تعلیم خردسالان داد - تازه و کهنه موسیقی . «

مجله موسیقی دزنوع خود بی نظیر ولی متأسفانه بیش از چند شماره منتشر نشده و تعطیل گردیده است .

(۱۰۴۶) مؤید

روزنامه مؤید در شهر لاهیجان تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری باطبع ژلاتین منتشر شده است .

(۱۰۴۷) مهدی جمال

روزنامه مهدی جمال در شهر رشت بمدیری (اکبر زاده) تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (صحه ۱۴۴) مینویسد از این روزنامه فقط یک شماره منتشر شده و آنهم در تاریخ ۱۶ رمضان ۱۳۲۸ قمری است طرز انتشار آن هفتگی و سبک آن فکاهی بوده است .

(۱۰۴۸) مهر

مجله مهر در طهران بمدیری وصاحب امتیازی آقای (مجید موقر) تأسیس و در سال ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار آن ماهانه بوده و مرتباً چهار سال تمام منتشر گردیده و تعطیل شده و مجدداً در سال ۱۳۳۰ یابدایره انتشار گذاشته است شماره اول این مجله در خرداد ماه ۱۳۱۲ منتشر شده و اکثر نویسندگان و شعرای معاصر در این مجله که از حیث زیبایی طبع و خوبی کاغذ کمتر نظیر دارد ، چیز نوشته اند . مجله مهر دارای تصاویر گوناگون و چند صفحه رنگی ضمیمه آن و روی جلد آن گراورهای رنگی چاپ شده است . وجه اشتراك مجله یگسا له در طهران و ولایات ۵۵ ریال و در خارجه یک پوند . ششماه ۲۸ ریال و ده شلینگ ، بمحصلین و محصولات و نظامیان صد ده ازوجه اشتراك تخفیف داده میشود . محل اداره : طهران . خیابان سعیدی هما قسم که یاد آور شدیم طرز انتشار مجله ماهانه بوده و در هر ماه مرتب منتشر می- شده است چنانچه شماره اول سال چهارم در یکصد و هشت صفحه بقطع و ریرری با چاپ سری (مطبعه مهر) در خرداد ۱۳۱۵ و شماره دوم در تیرماه و سوم در مرداد ماه و چهارم در شهریور و پنجم در مهر و ششم در آبانماه و هفتم در آذر ماه و هشتم در دی- ماه نشر یافته است .

برای اطلاع از خصوصیات و طرز انتشار دوران چهارساله مجله بهتر آنستکه قسمتی از مقاله افتتاحی سال چهارم را که بقلم مدیر مجله نوشته شده نقل نمایم ، « سال چهارم مجله مهر- سال سوم مجله مهر را با همان حسن انتظام و انتشار مرتبی که در بادی امر بخوانندگان محترم وعده داده بودیم و حقا هم باید در امر مجله نگاری مخصوصاً در این دوره نهضت معارفی رعایت نمود ، بیایان رسانیدیم . اینک باین شماره سال چهارم مجله مهر را آغاز میکنیم مجله مهر بواسطه دارا بودن مطبعه مخصوصی توفیق یافت سی و شش شماره را که در طی سه سال گذشته انتشار داده

اول هرماه بدون تأخیر توزیع و تقدیم مشترکین کند. و اما از بابت تهیه مندرجات مجله بشهادت صفحات مجله مهر نهایت اهتمام بعمل آمده که مجله حتی الامکان دارای مقالات عام المنفعه داخلی و ترجمه های مفید و اقتباسات سودمند باگراورهای جالب توجه باشد. بزرگترین شعرا و بهترین نویسندگان ایران آثار قلمی خود را زین صفحات مجله نموده اند و نیز از افکار علما و فضیای نامی جهان استفاده و اقتباس و ترجمه شده است. مجله مهر در سال اول یک هزار صفحه و در سال دوم ۱۳۰۸ صفحه (بافردوسی نامه) و در سال سوم ۱۳۹۲ صفحه تقدیم خوانندگان محترم نموده باین سابقه مشترکین مجله بهرحقاً انتظار توسعه و پیشرفت بیشتری در سال چهارم دارند. . . . (مجید موقر). آقای مجید موقر مدیر مجله مهر مدتی مدیر روزنامه ایران بوده و زمانی هم روزنامه خوزستان را منتشر نموده و نیز مجله مهرگان را تأسیس و انتشار داده است. نامبرده چند دوره نمایندگی مجلس شورای ملی را عهده دار بوده و یکی از نویسندگان ایران بشمار میرود.

(۱۰۴۹) مهرگان

مجله مهرگان در طهران بمدیرری و صاحب امتیازی (مجید موقر مدیر مجله مهر) تأسیس و در سال ۱۳۱۴ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است. قیمت تک شماره این مجله يك ريال و شش ماهه آن ۱۲ ريال و سالیانه ۲۴ ريال است. منظور عمده از تأسیس و انتشار مجله مهرگان این بوده که چون مجله مهر مجله ادبی و تاریخی است این مجله قدری مطالب آن نزدیکتر بفهم باشد و مندرجات آن بیشتر داستانهای عشقی و حکایات نزدیک بفهم کودکان است. مهرگان نیز سه چهار سال منتشر شده است.

(۱۰۵۵) مهر منیر

روزنامه مهر منیر در شهر مشهد بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (محمد اسماعیل منیر مازندرانی) تأسیس و در سال ۱۳۳۹ قمری منتشر شده است. محل اداره روزنامه: مشهد. در بازار سرشور. آدرس تلگرافی مهر منیر. وجه اشتراك: یکساله داخله ۵۰ قران. خارجه ۶۰ قران. ششماهه بترتیب ۳۰ قران، ۲۵ قران شمار روزنامه که در زیر اسم روزنامه چاپ شده این آیه (لیس للانسان الا ماسعی) است.

شماره ۲۸ سال ششم روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری طبع و در تاریخ دوشنبه ۳۴ صفر ۱۳۴۶ قمری مطابق ۳۰ مرداد ماه شمسی ۱۳۰۶ منتشر شده است. مندرجات این شماره پس از سرمقاله که بعنوان (مالیه ایران ترقی خواهد کرد) عبارت است از (اخبار داخله) و (اخبار طهران) و چند مقاله مختلف و در صفحه چهارم تحت عنوان (یکمرد عظیم) یا (مخترع ابجد اثر: ناطول فرانس) ترجمه منیر مازندرانی. بقیه از شماره بیستم چاپ شده است. شماره های اول و دوم و سوم این روزنامه در برج قوس ۱۳۹۹ شمسی منتشر شده است.

محمد اسماعیل منیر مازندرانی - روزنامه آینده ایران در شماره نهم سال پنجم مورخ ۷ دیماه ۱۳۱۳ شمسی راجع بفوت مدیر روزنامه مهر منیر اینطور نوشته است: «ضایعه عظیم در عالم مطبوعات و ادبیات - پنجه خشمگین و دست بی امان مرک باز یکی از عوامل مطبوعات ایران را

برده و نلمه سختی بیسکر معارف این مملکت وارد ساخت . فوت جانسوز مرحوم آقا میرزا محمد اسماعیل منیر مازندرانی مدیر و نویسنده روزنامه مهرمنیر خراسان که اخیراً واقع شده ار واقعات تاثرآور و از جهت فقدان يك عنصر دانشمند و مورخ کم مانند بسیار اسف انگیز است - قسمت عمده زندگانی مرحوم منیر در ترکستان و مراحل کهنوت و شیخوخت در مشهد سیری شده و مقالات تاریخی و ترجمه های مختلف آن مرحوم در جراید خراسان و بالاخره انتشار چندین سال جریده مهر منیر در شهر مشهد مقدس نمونه از فعالیت ادبی و سیاسی آن مرد دانا و توانا بود ما با تأسف از فوت یکی از ارکان مهمه مطبوعات ایران پیرادر عالی مقام آن مرحوم آقای حاج محمد جعفر آقا تاجر مازندرانی معروف بکشمیری تسلیت گفته شرکت خود را در این مصیبت اظهار میداریم . »

(۱۰۵۱) میزان

روزنامه میزان در طهران بمدير مسئولی (فخر الواعظین کاشانی) تاسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . میزان روزنامه ایست سیاسی ، اخلاقی و هزلی که هفته يك نمره طبع و توزیع میشده . محل اداره روزنامه ؛ خیابان ناصریه نمره ۱۴ . وجه اشتراك سالیانه آن یکتومان و تك نمره صد دینار و در ولایات بانضمام کرایه است . در عنوان روزنامه میزان در بالای اسم آن آیه (واقیموالوزن بالقسط ولا تخسر والمیزان) و در زیر آن (الا ان حزب الله هم الغالبون) درج است . میزان معمولاً در چهار صفحه بقطع و زیری با چاپ سنگی طبع شده و هر صفحه آن مشتمل بر دو ستون و صفحه چهارم آن مخصوص کاریکاتور است .

شماره هشتم سال اول میزان با خصوصیات مذکور در مطبوعه سنگی که اسمی از مطبوعه آن نیست طبع و در تاریخ دو شنبه غره شوال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است . سرمقاله این شماره بدینقسم شروع میگردد ؛ « موضوع مشروطه و ماحصل آن دو کلمه است . (حریت) ، (مساوات) حریت یعنی آزادی کدام آزادی آزادی هر شخص از تصرف دیگری در مطلق حدود و حقوق او . مساوات یعنی برابری . کدام برابری یکسان و برابر بودن تمام نفوس است در حقوق بشری و این هر دو مطلب از مقررات الهیه » پس از این سرمقاله اشعاری بعنوان (ادبیات) درج شده که چند تای آنها چنین است ؛

رسید غره شوال و رفت سلخ صیام
هزار حیف که ماه عزیز گشت تمام
مه صیام بسی بود محترم لیکن
نبود حاصل او بهر ما بغیر از نام

بعد از این اشعار اخبار یزد و کاشان را نوشته و در انتهای صفحه سوم اعلانی راجع بکتاب (محمود) که راجع بهضرات تریاک و از تألیفات فخر الواعظین کاشانی مدیر روزنامه میباشد چاپ شده و نوشته است این کتاب در خیابان ناصریه در اداره روزنامه مجلس نمره ۳۴ برای فروش حاضر است . در صفحه چهارم که مخصوص کاریکاتور است تصویر محمد علیشاه طبع شده . در این کاریکاتور محمد علیشاه خطاب يك آخوند و دونفر دیگر میکند که غصه نخورید مطمئن باشید برك شعاع السلطنه کاری بکنم که جنگیز نکرده باشد مشروطه خواهان را قتل عا و عیال و اولادشان اسیر اموالشان را تاراج خواهیم فرمود طهران را سه روز بدست ترکمان خواهیم داد .

(۱۰۵۲) میطق

روزنامه میطق در شهر تبریز بمدیری (الکساندر دروارتانیانس) بزبان ارمنی تأسیس و در سال ۱۳۳۰ قمری منتشر شده است. تربیت در فهرست روزنامه‌های آذربایجان (ص ۴۱۴) راجع باین روزنامه مینوسد: «میطق. روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سری بمدیریت الکساندر دروارتانیانس در ۱۳۳۲ بجای توفیق پس از نشر شماره یک توقیف شده است.» بنابراین روزنامه میطق پیش ازیک عمارة منتشر نشده است. واما اختلافی که درباره سال انتشار روزنامه مشاهده میشود آنچه ما نوشته ایم (۱۳۳۰) نقل از کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی برون (ص ۱۴۴) میباشد ولی نوشته تربیت معتبر تراست. دروارتانیانس علاوه بر روزنامه میطق روزنامه فکر را بزبان فارسی منتشر نموده است.

(۱۰۵۳) مینو

روزنامه مینو در شهر مشهد بمدیری (صدر المدرسین) تأسیس و در سال ۱۳۳۲ قمری منتشر شده است. طرز انتشار مینو هفتگی بوده است.

(۱۰۵۴) میهیان

مجله میهیان یعنی رنجبرد طهران بمدیری (اودیس یقینانس) بزبان ارمنی تأسیس و امتیاز آن در ۱۵ قوس ۱۳۰۳ شمسی از تصویب شورایعالی معارف گذشته است

(۱۰۵۵) میهن

روزنامه میهن در شهر اصفهان بمدیری و نگارندگی (ا.ب شیروانی) تأسیس و در سال ۱۳۹۸ شمسی مطابق ۱۳۳۷ قمری منتشر شده است. روزنامه میهن هفته دو بار چاپ و بخش میشده و در عنوان هر شماره مرام و مسلک روزنامه بدینقسم معرفی شده است (فرخونی، میانه جوئی، سیاسی، فرهنگی، سخن سرائی، پیام گستری). میهن از روزنامه هائی بوده که در آن موقع طرفدار بکار بردن واژه‌های فارسی سره بوده و جلاتی که در آن بکار میبرده حتی المقصور بیاری سره نوشته شده چنانچه سطر فوق شاهد آنست و نیز بجای کلمات مدیر و نگارنده که در عنوان روزنامه‌ها معمولست در این روزنامه (پراهم گرونکارنده) آورده شده نیز بعضی از مقالات روزنامه در اطراف چگونگی زبان فارسی و آلودگی آن با زبان عربی میباشد.

باوجود اینها میهن پیش ازیک روزنامه معلی نیست. میهن باقطع متوسط و با چاپ سری در مطبعه (حبل المتین اصفهان) طبع و در چهار صفحه توزیع نمده. علاوه بر سر متاله و مقالات دیگر روزنامه، اخبار اصفهان و سایر شهرهای ایران نیز در این روزنامه دیده میشود. شعار روزنامه که در عنوان آن نوشته شده جمله (حب الوطن من الایمان) است که بخط نسخ نوشته شده و در زیر آن یکی از اشکال مجسمه‌های تخت جمشید (اسب بالدار و چند ستون از ستونهای تخت جمشید) و در روی آن اسم روزنامه (میهن) با خط نستعلیق نوشته شده است. بهای میهن، کشور ایران یکساله ۵۰ قران.

ششماهه ۲۸ قران • خاک بیگانه • یکساعه ۶۰ قران • ششماهه ۳۵ قران • پس از کبیل چهار شماره بها دریافت میشود . محل اداره • اصفهان . خیابان خوش • شماره ۱۵ سال اول میهن در تاریخ ۸۱ صفر ۱۳۳۸ قمری مطابق ۹ عقرب ۱۲۹۸ شمسی منتشر شده و پس از تاریخ مذکور تا اواسط حمل ۱۲۹۹ شمسی مطابق رجب ۱۳۳۸ قمری باز در اصفهان انتشار یافته و از آن پس تعطیل شده است علت عدم انتشار میهن در اصفهان گرفتاری بوده که برای مدیر آن آقای شیروانی پیش آمده و منتوی بزندانی شدن و پس از خلاصی از زندان عزیمت بطهران و انتشار روزنامه در طهران شده که از آن جداگانه گفتگو خواهیم کرد .

روزنامه راه نجات چاپ اصفهان در شماره دوم سال پنجم خود مورخ یکشنبه ۲۹ حمل ۱۲۹۹ شمسی شرح دستگیری مدیر میهن را تحت عنوان (اتفاق غیر مترقبه) اینطور مینویسد ، « در چند روز قبل آقا میرزا ابوطالب خان شیروانی مدیر جریده میهن که شبانه از کلوب ایران و انگلیسی مراجعت مینموده از طرف مأمورین ژاندارمری حبس و توقیف در آن اداره میشود . بعضی اشخاص متاع بر تصور نمودند که از شلان خوردن مدیر میهن افکار آزاد نیز شلاق خورد . اما باید بدانند روح مقدس آزادی شلاق نخورده است . رئیس ژاندارمری اصفهان در آن هنگام مازور - فضل‌اله خان بوده و عمل او در جراید اصفهان و طهران مورد گفتگو واقع شده و باتفاق درخواست مجازات او را نموده‌اند من جمله شرح زیر در شماره ۳۷ روزنامه زبان زنان مورخ ۲۱ ذیحجه ۱۳۳۸ قمری نقل از فوق‌العاده روزنامه آسایش نوشته شده است ، « آیا مازور فضل‌اله خان به مجازات نمیرسد ؟ قابل توجه هیئت محترم دولت • در فوق‌العاده آسایش توجه دولت را باصلاحات بعضی جزئیات که کلیات از آنها مرکب میشود جلب مینماید و پاس احترامات نظام و مقام ژاندارمری را محترم خوانده و سپس ترقیات برقیه مازور فضل‌اله خان را باطلاعات مطلعین حواله داده و عدم استحقاق مشارالیه را در ریاست سه هزار نفر ژاندرم و غیره علناً گفته در پایان خیانتی را که نسبت بمدير محترم روزنامه میهن مرتکب شده تقاضای محکمه صالحه را نموده که مازور مذکور بمجازات رسد • عقیده آسایش در مجازات مازور فضل‌اله خان اقل درجه اخراج وی برای همیشه از صف نظام است . »

برای استخلاص مدیر میهن از زندان مرحوم عارف قزوینی که در این وقت در اصفهان و در صدد دادن نمایش رستاخیز ایران بوده است اقدام نموده بالاخره نامبرده را در تاریخ یوم پنجشنبه ۲۵ رجب ۱۳۳۸ قمری از زندان ژاندارمری مستخلص میگردد و مدیر میهن پس از چند روز یعنی در شعبان سال مذکور بجانب طهران حرکت مینماید . حرکت او را روزنامه راه نجات در شماره ۴ سال پنجم خود تحت عنوان (حرکت مدیر جریده میهن) اینطور مینویسد ، « مدیر جریده میهن پس از خوردن شلاق و مرخصی از اداره ژاندارمری مجدداً کالسکه برای او گرفته شد و تحت الحفظ بطهرانش روانه نمودند • علت اینگونه اقدامات را از روی قانون مادک نگردایم .

روز نامه اختر مسعود چاپ اصفهان مینویسد ، مطابق تلگرافی که مدیر روز نامه میهن برادرش آقای شیروانی (نام برده کلر مند اداره ثبت اصفهان و در آن اداره مشغول کار است و اخیراً باز نشسته شده) . نموده روز جمعه ۱۱ شعبان ۱۳۳۸ بطهران وارد شده و ضمناً از رئیس‌الوزراء و وزیر داخله در خواست نموده که چون عفو از بزرگتر است از گناه مدیر میهن صرف نظر

نماید. همین روز نامه در شماره ۲۰ سال اول خود مورخ ۲۵ جوزای ۱۲۹۹ شمسى راجع بازاد شدن مدير میهن مینویسد «مطابق اطلاعات واصله آقای میرزا ابو طالب خان مدیر محترم روز نامه میهن را از حبس باغ شاه آزاد نموده اند و حاله در طهران با کمال آزادی حرکت مینماید». پس آزاد شدن مدیر میهن دیگر باصفهان نیامده و همانجا روز نامه میهن را منتشر نموده که از آن جداگانه گفتگو مینمائیم.

همانقسم که یاد آور شدیم پس از آزادی مدیر میهن در طهران دیگر باصفهان بر نگشته و همانجا روز نامه میهن را در اواخر سال ۱۲۹۹ شمسى منتشر نموده است. روز نامه زبان زنان در شماره ۲۷ سال دوم مورخ شنبه ۵ قوس ۹ ۱۲ شمسى راجع بطبعه روز نامه میهن که در طهران بمدیرى شیروانى منتشر شده اینطور مینویسد:

«دیشاهنک میهن- با این چاپ بزرگ دوباره درخشانى روز نامه میهن بنگارش میرزا ابوطالب خان بنان السلطان شیروانى با آناز باین سرواد، ایام هجر را گذرانیدیم و زنده ایم» ما را بسخت جانی خود این گمان نبود. در طهران بما رسیده است. فیهون و و سر دیر جان باز این نامه از درخشندگی دوباره میهن بنام پاک ایران، خامه تازی کرده و دژنامه‌های بس سنگین را بر سر و چهره آنانیکه در ته زندان بوی سر ریزی داشته. افشانده است و نیز از یاری همکاران میهن سیسگداری نموده و در پایان بازگشت زندگانی نامه میهن را بهمان نخستینروش مزده و پیام میدهد» روز نامه میهن در طهران بهساحبو مدیرى (ا. ب. شیروانى) تأسیس و شماره ۹۱ آن در هشت صفحه بقطع بزرگ با چاپ سربى در مطبعه (نهضت شرق) طبع و در تاریخ سه شنبه ۹ جمادى الاخر ۱۳۴۰ قمرى مطابق ۱۹ دلو ۱۳۰۰ شمسى و ۷ فوریه ۱۹۲۲ منتشر شده است.

میهن در طهران معمولاً در سانه‌های اول و دوم خود در هشت صفحه انتشار می‌یافته و دارای مقالاتى تند و آتشین و یک روز نامه سیاسى و اجتماعى بوده است. سر لوحه روز نامه عبارت از نقشه ایران است که روی آن اسم روز نامه (میهن) چاپ شده و معمولاً برنگ قرمز ویا آبی رنگین است. در گوشه سر لوحه تصویر (فرور) در بالای آن فرشته آرادى در پرواز است طرز انتشار میهن هفته دو روز شنبه و سه شنبه بوده. جای اداره، طهران خیابان چراغ برق عنوان تلگرافى. میهن بهای میهن، طهران یکساله ۶۰ قران. شش ماهه ۳۵ قران. ولایات داخله بترتیب ۷۰ قران و ۴۰ قران. خارجه باضافه اجرت پست، وجه اشتراك بعد از ارسال شماره اول دریافت میشود تک نمره ۸ شاهی.

ظاهراً اول دمه که کتاب (اعتماد بنفس) تألیف (سموئیل اسمیت) را آقای (دشتى) ترجمه و چاپ نموده بعنوان یا ورقى در همین روز نامه بوده و در صفحات شش و هفت بنام (ترجمه، ش. ع. دشتى) طبع شده است. بغير از این یاورقى کتاب دیگرى هم باسم (شصت مسافرت در ایران) بصورت یا ورقى چاپ شده و در شماره ۹۴ قسمت راجع بکاشان بدینقسم ملاحظه میکردد: «در کاشان مرکب خود را دو باره بکالسه که تبدیل و اول شب بسمت جنوب حرکت نمودیم - بقدرى راهبى اطراف کاشان خراب و بر گرید و خاک است که در تابستان عبور از آن مشکل ترین اقدامات است. از مؤلف و مترجم این کتاب ذکرى نشده است.

مندرجات میهن هم‌اکنون که یاد آور شدیم عبارت از مقالات تند و آتشین سیاسی و اخبار مرکز و ولایات و مقالات مختلف و ترجمه‌های متنوع است. و نیز گاهی اشعاری در آن دیده می‌شود. شماره اول سال چهارم میهن در هشت صفحه در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده و سر مقاله آن تحت عنوان (یک نوروز دیگر) نوشته و خبر (مراسم سلام) را در صفحه اول این‌طور درج کرده است: «فردا دو ساعت قبل از ظهر مراسم سلام عید نوروز در گلستان در حضور والا حضرت نیابت - لعلت عظمی بعمل خواهد آمد. از مقالات خیلی شیرین روز نامه میهن، مقالینست که با مضای (ریزه) چاپ شده و من جمله یکی از این مقالات بعنوان (روز نومه حروم است) که در شماره ۱۱۳ مسلسل چاپ شده است. سر مقاله این شماره بعنوان: «مملکت می‌سوزد ولی» میباشد و در ۱۷ جوزای ۱۳۰۱ منتشر شده است. میهن مرتباً در طهران بطور یومیه و با قطع بزرگ (بقطع روزنامه ایران) چاپ شده و من جمله در سال پنجم بدین نحو بوده است: شماره ۱۲ سال پنجم که دارای نمره مسلسل ۲۳۸ میباشد در چهار صفحه بزرگ در تاریخ شنبه ۲۲ قوس ۱۳۰۲ مطابق ۶ جمادی‌الاولی ۱۳۴۲ قمری انتشار یافته. در این سال دو یا ورقی یکی بنام (ملیونهای مار سونن - مترجم علی صادقی) و دیگر (رنکرو و کیل ترجمه عباس انتظامی) در صفحات دوم و سوم چاپ شده است.

آخرین شماره که نگارنده از میهن در دست دارم شماره ۷۷ سال هفتم میباشد که دارای نمره مسلسل ۴۰۲ و در چهار صفحه بقطع بزرگ و سر مقاله آن تحت عنوان (نوروز) و دارای تمام اخبار خارجه و داخله است. این شماره در تاریخ جمعه ۳۰ اسفند ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است. در صفحه چهار این شماره تحت عنوان (اصفهان) اشعاری اثر طبع دولت آبادی چاپ شده که چند شعر اول آن این است:

برای دین ارحام خود زخوش و تبار	باصفهان رفتم در یگهزار و سیصد و چار
چند ساعت رفتم باصفهان اری	بیای مرکب خود رو از جاده نزار
مرا علاقه با اصفهان برون از حد	مرا روابط با اصفهان فزون ز شمار
یادگار صفاهان و دوستان عزیز	بجمع ادبی میفرستم این اشعار

میرزا ابوطالب خان شیروانی - جامع ترین شرح حالی که از مدیر روزنامه میهن دیده ام شرحی است که در روزنامه جارچی ملت نوشته و ما عیناً آنرا نقل می‌نماییم: «آقای میرزا ابوطالب خان شیروانی نماینده شهرضا (فمه) در شوال ۱۳۰۹ قمری در شهر اصفهان متولد در سن هشت سالگی در اولین مدرسه جدیدی که در آنجا دایر شده شروع بتحصیل و در سن ۱۲ سالگی دوره ابتدائی را ختم و وارد مدرسه انگلیسیها که بهترین مدرسه آن عصر بود تحصیلات متوسطه پرداخته و در عین حال در خارج بتکمیل علوم ادبی و دینی و منطلق صرف عمر فرموده و در خلال تحصیلات خود مصادف با تغییر رژیم و انقلاب مشروطیت گردیده و علاوه بر فداکاری‌های بزرگی که در این راه نشان داد تأسیس انجمن و مدرسه رشديه که سومین مدرسه جدید در اصفهان بود از آثار معظم‌الیه است. در سن ۱۹ سالگی بحضرت دفتر انجمن ولایتی اصفهان منتخب و در بیارده مان مجلس و کودتای محمد علی میرزا مورد تعقیب قشون استبداد واقع‌خانه ایشان عارت و خودشان جمعیت مرحوم حاج سید اسدالله اصفهانی و کیل فارس در دوره اول (خانواده

معظم الیه) فرار و بطرف عتبات عالیات رهسپار و از آنجا با کسب دستور از مرحوم آیت الله خراسانی بخلیج فارس معاودت و عامل مؤثر انقلاب خلیج در مقابل محمد علی میرزا ایشان و مرحوم حاج سید اسداله اصفهانی بوده اند.

پس از معاودت از جنوب تا قبل از مهاجرت در اصفهان مشغول خدمات دولتی در ادارات امنیه و نظمی و مالیه بوده در موقع مهاجرت بصاحبت آقای چراغعلی خان سردار صولت بختیاری بکمیته دفاع ملی پیوسته و بهمین مناسبت علاقه و خانه و هستی او مورد نهب قشون تزاری و بستگان ایرانی آنها شده و این زدو خورد با اجانب تا موقع قرار نداد ۱۹۱۹ و واقعه موله مازور فضل اله و توقیف روز نامه میهن ادامه داشته. پس از استعلاص از حبس قرار داد در طهران رحل اقامت افکنده بدو آروز نامه آسایش را اداره نموده و سپس روز نامه رشید میهن را از توقیف خارج و ندای تجدد فعلی ایران قبل از همه در صفحات میهن بلند و بعد از کودتا در دوره پنجم به نمایندگی شهرضا و نیز در دوره ششم با یک حسن استقبال بی نظیری بنماینده کی محل مزبور منتخب و فعلا یکی از وکلای میرزا این دوره بشمار میرود. شماره ۹ و ۱۰ سال بیستم جارچی ملت مورخ ۱۳ تیر ماه ۱۳۰۶ شمسی.

پس از دوره ششم مجلس و در تمام مدت سلطنت اعلیحضرت قجقمیدیر میهن از امور سیاسی برکنار و تقریباً خانه نشین بود تا پس از وقایع شهریور برای بار دیگر در شهریور ۱۳۲۳ شمسی روز نامه میهن را پس از مدتها تعطیل در طهران منتشر نمود و چندی نیز ریاست اداره تبلیغات را بعهده داشت و در دوره یازدهم و شانزدهم در صدد بر آمد که بنماینده کی شهرضا بمجلس شورای ملی برود ولی در دوره یازدهم آقای سردار اعظم کاندید ای شهرضا و در دور. شانزدهم دکتر کیان بر اوقالب شدند و وی توفیق حاصل ننمود. این بود اجمالی از زندگانی میرزا ابو طالب خلن شیروانی. نامبرده مردی فعال و جدی و خستگنزار مردم است. البته دشمنانش نیز برای او عیو بی ذکر میکنند که ما از ذکر آنها صرف نظر میکنیم. در پایان این شرح بی مناسبت نیست آنچه را آقای شیروانی تحت عنوان (میهن) در شماره ۴۷۵۸ سال شانزدهم روزنامه اطلاعات مورخ دوشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۲۰ شمسی نوشته بینه نقل نماییم.

روز پنجم سنبله (مردادماه) ۱۲۹۸ خورشیدی يك روزنامه تند خو و عصبانی، در ۸ صفحه با قطع متوسط بنام میهن در اصفهان با بمرصه انتشار نهاد. این روزنامه پس از انتشار شماره دوم، هر روز با زد و خورد و کشمکش و انواع گرفتاریها و بدبختیها دست و گریبان بوده تا آنکه بالاخره در سی ام حمل (اسفند) ۱۲۹۹ بایک حادثه فجیع و خونینی باتفاق نویسنده آن بسپاهچال توقیف و سپس تبعید و حبس باغشاه افکنده شد. روزنامه میهن در سال ۱۳۰۰ بدو هفتهگی و بعد بطور هفتهگی و هم یومیه در تهران بنجدید انتشار موفق و درست روز سی ام اسفند ۱۳۰۴ یعنی بعد از هفت سال در زیر فشار سا نور نظمی نا توان شده و بالنتیجه غروب کرد. سرگذشت پر حادثه این روزنامه تند و منتقد و تاریخ طلوع و غروب آن که در اصفهان منتهی بیک سلسله وقایع سیاسی گردید فعلا از موضوع بحث خارج است. فقط

یکی از گناهان کبیره این روزنامه اسم آن میهن بود و روی همان منبری که حکم حکم تکفیر نویسنده آن صادر شد ، گفتند اسم این روزنامه هم (ارمنی) اس و خود یکی از دلایل کفرنا شر است . فراموش نمیکم که مدتی بین اهل لغت و دانشمندان با نگارنده بر سر کلمه میهن گفتگو و مشاجرات قلمی جریان داشت و آنها نیز زیر بار اینکه میهن بمعنای وطن است نمیرفتند . . . و گرچه با نهایت تاسف قدرت استفاده از این بازار آزادی قلم را در خود نمی بینم و خوبستن را لایق همکاری با اربابان جراید کمزنی نمیدانم ولی لاعلاج انتشار جدید نام میهن را بوزارت فرهنگ اعلام داشته ام که لدى الاقتضا بنشر آن همت گمارم .

حرف التون

(۱۰۵۶) نادره ایران

روزنامه نادره ایران در طهران بمدیری (میرزا موسی خان) تاسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است . امتیاز این روزنامه در تاریخ خرداد ماه سال مذکور از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۱۰۵۷) ناصر الملله

روزنامه ناصر الملله در طهران بصاحب امتیازی و موسی (میرزا عیسی زنجانی) تاسیس و در سال ۱۳۴۲ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در هشت صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سربی در (مطبعه بوسفور) طبع و در تاریخ یکشنبه سلخ ربیع الثانی ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۷ برج قوس ۱۳۰۲ شمسی و ۹ دسامبر ۱۹۲۲ میلادی توزیع گردیده است . طرز انتشار ناصر الملله هفتگی بوده و محل توزیع : خیابان جباخانه مقابل سبزه میدان معین شده است . وجه اشتراك که همه جا قید شده مقدمتاً دریافت میشود سالیانه با اضمام یکصد سطر اعلان در طهران ۵ تومان ولایت داخله با اجرت پست . حارجہ ۶ تومان است . و برای ارباب معارف و مستخدمین جزه و کارگران نصف است . تک شماره هفت شاهی .

اسم روزنامه (ناصر الملله) بخط نستعلیق درشت نوشته شده است و در زیر آن سال تاسیس (۱۳۴۲) و در زیر عنوان روزنامه بدینقسم معرفی شده است : « جریده ایست مستل الافکار - سیاسی - اقتصادی - اخلاقی - اجتماعی - ادبی . » مقاله افتتاحی ناصر الملله تحت عنوان (مقصد و مقصود) نوشته شده و قسمتی از آن بدینقرار است : « در موقعی که از یکطرف شغل مهم با افتخار جریده نگاری معض دخالت اشخاص نا اهل و قلمهای نا یاک فاقد اهمیت و حیثیت گردیده - از طرف دیگر تنگدستی عمومی بدرجه اعلی رسیده است - مسلما خوانندگان محترم و واقفان بعقیده و سلیقه بنده از این اقدام بی موقع جریده نگاری متحیر خواهند گردید بناء علیه لازم است که بدو مقصود خود را در فرا های ذیل عرضه داشته و آنگاه حل جریده نگاری و

انتشار جریده (ناصر المله) را بطور اجمال شرح داده و بعد شروع بمقصد بنمایم...
این علل را در چهار چیز شمرده اول نشان دادن نمونه يك جریده و وظیفه شناس دوم
خدمت بتحکیم مرکزیت و تقویت دولت سوم . کوشش باستقرار حکومت ملی چهارم
سمی قلمی بایجاد منابع ثروت .

این سرمقاله تمام صفحه دوم را فرا گرفته است . سپس مقاله دیگری تحت عنوان
(مقاله نجات یا وسیله حیات) چاپ شده که آنهم نه صفحه روزنامه را اشغال کرده
است . این دو مقاله هر دو بامضای (ناصر المله) میباشد یعنی از طرف اداره روزنامه
است . بعد (خلاصه اخبار داخله) و (حکایت معیب و فریب) و در خاتمه ترجمه
کوتاهی از یکی از جراید اسلامبول چاپ شده است . سرمقاله شماره دوم که بهمان
قطع شماره اول در هشت صفحه طبع و در تاریخ ۲۶ برج قوس منتشر شده است تحت عنوان
(خرابی مملکت - پریشانی ملت از نفاق است) نوشته شده . در سرمقاله شماره سوم
بنام (نتیجه مقاله نجات) اقدام دولت راجع بنفت شمال و تهیه لایحه راه آهن برای
تقدیم بمجلس را در نتیجه مقاله روزنامه دانسته و برای اینکه خوانندگان خسته نشوند
صفحات روزنامه را بچهار صفحه تقلیل داده و در عرض هفته دو شماره نموده است .
ناصر المله دارای سرمقاله های مفصل و طولانی و در چند شماره از آن بصبا مدیر
روزنامه ستاره ایران حمله کرده که یزرا نامبرده بملك الشعراي بهار تاخته است .
این روزنامه از مخالفین سر سخت جمهوریست . از ناصر المله فعلا تا شماره ۱۹ سال
اول مورخ جمعه ۸ ذیحجه مطابق ۲۱ سرطان ۱۳۰۳ شمسی در دست است .

(۱۰۵۸) ناصری

روزنامه ناصری در تبریز بمدیري (محمد ندیم باشی مدیر مدرسه مظفری تبریز)
تأسیس و در سال ۱۳۱۱ قمری منتشر شده است . این روزنامه در تحت اداره ندیم -
السلطان وزیر انطباعات بوده و در تقویم ضمیمه کتاب (التدوین فی احوال جبال
شروین) تالیف محمد حسنخان اعتمادالسلطنه درباره ارباب مشاغل در سال یونتیل
۱۳۱۱ قمری ، روزنامه ناصری منطبقه تبریز را جزو وزارت انطباعات ذکر نموده و
تشکیلات مطبعه و روزنامه را بدینقسم ضبط کرده است : « عمل روزنامه و باسم خانه
های آذربایجان بریاست نواب والا امیرزاده عباسقلی میرزا مجرر نفر . فرش دونفر
اداره روزنامه مبار که ناصری منطبقه تبریز بریاست جناب آقا میرزا محمد ندیم باشی
حضرت ولایت عهد و رئیس مدرسه مظفریه تبریز جناب صدق الملك منشی مخصوص
حضرت ولایت عهد منشی و مدیر » .

طرز انتشار روزنامه ناصری هر ده روز یکبار با چاپ سنگی بوده و مدت هشت
سال (۱۲-۱۳۱۱) منتشر گردیده است . مندرجات آن نیز مطالب مربوط باقتصاد
و فلاح و صنعت بوده و من جمله در شماره ۲۹ سال دوم مورخ شنبه ۱۱ رجب ۱۳۱۲
قمری مقاله راجع به (کشت کنان) و در شماره ۳۴ مورخ شنبه غره رمضان شرحی

راجع باختراع هوايما نوشته است روزنامه ناصري مدتي هم تحت نظر (اقبال الكتاب) و در سالهاي اخير بمديري (حاج ميرزا مسعودخان صناءالممالك فرزند حاج سيدحسن عدل الملك تبريزي) منتشر گردیده . هر شماره آن در چهار صفحه بقطع شش و سه چهارم در دوازده اينچ بوده است . قيمت اشتراك ساليانه آن ۱۶ قرآن در ايران ، چهارمنا در روسيه و قفقاز . ۴۰ مجيده در تركستان . ۵ رويه در هندوستان شماره ۳۲ سال سوم ناصري در تاريخ قره رمضان ۱۳۱۴ قهری منتشر شده است . تربيت در فهرست روزنامه هاي آذربايجان بيك سطر در باره اين روزنامه قناعت کرده مي نويسد : « ناصري روزنامه ده روزه منتشر در تبريز با چاپ سنگي بمديريت محمد نديم باشي مدير مدرسه مظفري و بعد از آن مسعود عدل در ۱۷ - ۱۳۱۱ »

(۱۰۵۹) ناطق الاسلام

روزنامه ناطق الاسلام در شهر مشهد بمديري (آقا شيخ حسين تربتي) تاسيس و بطور هفتكي در سال ۱۳۰۴ شمسي منتشر شده است . امتياز ايسن روزنامه در خرداد ۱۳۰۴ از تصويب شوراي عالي معارف گذشته است .

(۱۰۶۰) ناغور

روزنامه ناغور در اصفهان بمديري (آقامسيح تويسرگاني) تاسيس و در سال ۱۳۲۶ قهری منتشر شده است . اسم روزنامه در مبرمي كه اصلاح آنرا كلمات (عدالت - حریت - مروت - حمت) تشكيل داده نوشته شده و در بالای آن آيه شريفه ، (فاذا نقر في الناغور فذلك يومئذ يوم عسير) و در زير آن (على الباكترين غير يسير) طبع گردیده . طرز انتشار ناغور هفتكي بوده و آيوه اشتراك ساليانه آن ، اصفهان ۱۴ قران ، ساير بلاد ۱۷ قران تك نمره اصفهان ۴ شاهی . ساير بلاد ۵ شاهی اعلانات مطري دوفران . روزنامه ناغور مع مولاد ۴ صفحه بقطع شش و يك سوم در يازده و سه چهارم اينچ با چاپ سنگي طبع گردیده و در زير عنوان بدینچه م معرفی شده است ، « جريده ايسن سياسي اخباري ، علمي ، تاريخي ، اخلاقي و خلاصه مذاكرات انجمن ولايتي دروي درج ميشود . » ، عنوان مراسلات و معل توزيع ، اصفهان . تيمچه قهوه اداره آقا سيد حسن مؤمن زاده . مندرجات ناغور مانند ساير جرايد معلى صدر مشروطيت عبارت از يك سرمقاله و اخبار معلى و مقالات مختلف راجع بمشروطه و تظلم از مستبدین میباشد . اما مطلب تازه كه در روزنامه ناغور ديده ميشود قسمتي است كه در اغلب نمرات آن تحت عنوان (زشت و زيبا) نوشته شده و در حقيقت نظير (چرند و پرند روزنامه صور اسرافيل) میباشد . بيرون در كتاب تاريخ مطبوعات و شعر فارسي م ۱۴۵ كه شرح مختصري در باره روزنامه ناغور نوشته راجع باين قسمت مي نويسد ، « قسمتي از مطالب روزنامه ناغور شرحيست انتقادي و كميك تحت عنوان زشت و زيبا كه حكاييت از ذوق مطبوع ادبي نويسنده آن مينمايد . » براي نمونه قسمتي از زشت و زيبا مندرج در نمره ۱۶ ناغور را ذيلا نقل مينمائيم .

زشت و زیبا

یکی بود و یکی نبود . غیر از شما خدا هیچکس نبود چرند و پرند مقدمات است علم حاصل میکند خبر مقدم بر مبتدا است صبر داشته باش صغری و کبری است نتیجه بدست میدهد یا در حالت اختیار مجبور نشویم یا در بین آزادی گرفتار نشویم آخر میبینی حسن گول میزند از حسین اندیشه کن آخر میبینی آقا تجاهل میکند تو عاقل باش آخر میبینی یارو خر است تو آدم شو . آخوند ملا هورا ازیرا نشد ازوزرا یا از این مرحله بگذریم آخر تاکی بیکار بیکار راه برویم ؟ آخر تاکی گرد و غبار کثیف استنشاق کنیم آخر تاکی خرج باشد دخل نداشته باشیم ؟ یا از این مقدمه هم بگذریم ؟ آخر تاکی نفاق و رقابت ، آخر تاکی دشمنی و عداوت ، آخر تاکی تدلیس و شقاوت ، سبحان الله . آخر در مملکت آد یافت نمیشود ؟ آخر این وطن ما آباد نمیکردد ؟ مگر اهل این مملکت از جرگه آدمیت دورند ؟ مگر قوای انسانی از افراد ایرانی سلب شاه ؟ مگر آساش و راحتی برای ما مخلوق خلق نشده ؟ مگر در فضای ایران مهب آدمیت نیوزد ؟ ... بی مناسبت نیست برای مزید اطلاع خواننده گان بقیه مندرجات نمره ۱۶ ناقور را که در ۸ صفحه چاپ شده و در تاریخ دوشنبه جمادی الاول ۱۳۲۷ قمری منتشر گردیده نقل نمائیم ، بعضی سرفقاله (قصیده‌ای که جناب افضح المتکلمین و صدرا الواعظین آقای فصیح الزحان شیرازی در احبای مشروطه سروده‌اند) تر کرده و چند شعر اول این قصیده چنین است :

مژده صفت مشروطه زد لوی مجدد	کالبد ملک یافت روح مجرد
مژده که افکند باز مجلس شوری	برسرهفت آسمان دوبرتبه‌صند
نوبتی طبع کوفت کوس بشارت	برزبر طاق نه رواق زبرجد

بعد از این اشعار مقاله تحت عنوان (فاصله‌ها بین اخویکم باشتی به برای نور دیده گوی فلاح) درباره مشروطیت مجدد سپس (۱۰-تدعیات ده گانه ملت ایران از دربار معدلت مدار همایونی) و آن شرحیت که سیهدار اعظم و انجمن ولایتی قزوین همه جاتلگراف نموده . پس از آن (توضیح و اختطاری است که از طرف جنرال قنول دولت روس بعنوان انجمن ولایتی ارسال داشته) و (توضیح از طرف اداره مالیه) و (اعلان بلدیة) و درخاتمه (زشت و زیبا) چاپ شده است . نمره اول ناقور در تاریخ ۲۱ ذیقلمه ۱۳۲۶ قمری و نمره نهم روزنامه در ۲۴ صفر ۱۳۲۷ قمری منتشر شده . روزنامه بخط نسخ خوب است . از ناقور جمعاً ۲۵ نمره منتشر گردیده است .

آقا مسیح قویسرگانی - آقا مسیح قویسرگانی مدیر ناقور از عناصر صالح و میهن دوست و از بانین مشروطیت و خدمتگذار مملکت بوده نامبرده در سالهای ۱۳۲۵ قمری به جده چندی رئیس معارف و بوقاف یزد و قبل از آن نیز امین لوقاف اصخهان بوده و از این راه نیز خدماتی نموده است .

(۱۰۶۱) ناله ایران

روزنامه ناله ایران در طهران در سال ۱۳۰۲ شمسی بطور هفتگی تأسیس و منتشر شده است .

(۱۰۶۲) ناله ملت

روزنامه ناله ملت در تبریز بدیری (میرزا آقا) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. روزنامه ناله ملت در چهار صفحه بقطع دوازده و یک چهارم در هشت و یک چهارم اینچ با چاپ سنگی طبع شده و مندرجات آن پس از سرمقاله و یکدیگر دو مقاله دیگر، اخبار ولایت آذربایجان و دادخواهی‌های مردم از ادارات دولتی و اخبار محلی تبریز و شهرهای ارومیه و سلماس است عنوان مرسلات، تبریز جنب کمیون اهانه، هیئت تحریریه، قیمت اشتراک سالیانه تبریز ۸ قران ممالک داخله ۱۰ قران خارجه ۴ منات، تک نمره صد دینار.

در هر شماره در زیر عنوان ناله ملت اینطور معرفی شده است: «روزنامه ایست که در مصالح عامه و منافع ملیه در نهایت آزادی سخن میگوید مکاتیب سودمند را با امضاء معروف قبول و درج مینماید». نمره ۲۸ سال اول روزنامه در چهار صفحه در تاریخ شنبه ۱۸ شهر شوال ۱۳۲۶ قمری منتشر گردیده. لازم است یاد آور شویم که برون در تاریخ مطبوعات (ص ۱۴۵) اشتباهاً تاریخ نمره ۳۸ سال اول روزنامه را که در دست داشته ۱۴ محرم ۱۳۲۶ نقل نموده و ناچار شده است که تاریخ تأسیس روزنامه را اواخر سال ۱۳۲۵ قمری بدانند نه سال ۱۳۲۶ در صورتیکه سال انتشار همان ۱۳۲۶ میباشد و چون طبق نمونه موجود شماره ۲۶ سال اول در شوال ۲۶ منتشر گردیده یقیناً نمره ۳۸ باید در محرم ۱۳۲۷ انتشار یافته باشد. و ممکن است تاریخی که برون نقل کرده در نمره نمونه او اشتباه چاپ شده باشد و برون بدان توجه ننموده است. بهر صورت سال تأسیس و انتشار روزنامه همان ۱۳۲۶ قمریست. تربیت نیز سال ۲۶ را سال انتشار ضبط کرده و مینویسد: «روزنامه هفتگی منتشر در تبریز با چاپ سنگی بدیریت میرزا آقا در ۱۳۲۶».

کسروی در جلد سوم تاریخ مشروطیت ایران (ص ۲۰۸ چاپ اول) در جاییکه از انجمن تبریز گفتگو نموده شرحی راجع بروزنامه ناله ملت نوشته و معتقد است که شماره اول این روزنامه بنام (نوی ملت) از طبع خارج شده و از شماره دوم نامش را (ناله ملت) گردانیدند. سپس اضافه میکند: «از روزیکه اسلامیه سربرافراشت (منظور انجمن اسلامیه است بدست مخالفین مشروطه. مؤلف) و از شهر ایمنی برخاست روزنامه‌ها بریده شد و چاپخانه‌ها بسته گردید. در تبریز یک چاپخانه سری بزرگی میبود که گویا شادروان سعید سلماسی آنرا برپا گردانیده آنرا نیز روزتاراج مغازمهای مجیدالملک سواران قره داغ و مرند تاراج کردند و بهمزدند».

تا کنون روزنامه نیبود تا (ناله ملت) آغاز یافت. این روزنامه چنانکه از نامش پیدا است بیش از همه بهر نوشتن ستمگریهای دولتیان و ستمدیدی که توده میبود ولی کم کم زمینه دیگر گردیده بیش از همه زبونی دولتیان و فیروزی توده در آن نوشته میشد. سپس روزنامه انجمن نیز دوباره منتشر شد و چون این زمان چاپخانه سری نیبود، آن نیز بروی سنگ چاپ میشد. هنگامیکه در ایران روزنامه نیبود (جز از روزنامه دولتی در تهران) بدینسان در تبریز دو روزنامه نوشته میشد.

مرحوم کسروی پس از بیان شرح مذکور یک قسمت از اشعاری را که آنوقت در تبریز مشهور

بوده و در یکی از شماره‌های ناله ملت چاپ شده نقل کرده است ،
 من ایخدا بتو نالم ززامدان ریائی سکه عالمی بفرینند با قباوردائی
 این اشعار از جعفر آقا خامنه‌ایست و برای اطلاع از بقیه آنها باصل کتب تاریخ شروطه ایران
 رجوع شود . و نیز اشعار دیگری که بزبان ترکیست از ناله ملت نقل شده و یک‌شمر آنها چنین‌است
 ای ستمگر او لماراغب ماتین افنا شد
 پادشاه سن گیت گلن بیگانه لرد هواسنه

آنچه از عبارات کسروی در کتاب تاریخ مشروطیت ایران معلوم میشود این است که روزنامه
 ناله ملت در موقع سختی نان و شوریدگی اوضاع تبریز دیگر منتشر نشده ولی روزنامه انجمن پس
 از دیری چند شماره بیرون آمده است .

میرزا آقا ناله ملت مدیر روزنامه ناله ملت علاوه بر این روزنامه ، روزنامه استقلال
 را نیز منتشر نموده و برای اطلاع از آن و شرح حال میرزا آقا بجلد اول کتاب ذیل استقلال
 رجوع شود . در این جا فقط شرحی را که روزنامه چهره نما چاپ مصر در شماره ۵ سال هشتم
 مورخ ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری از قول مغیر خود در تبریز نوشته نقل مینمائیم خلاصه شرح
 مذکور این است : « در حکومت حاج مغیر السلطنه (منظور حکومت آذربایجان اوست . مؤلف)
 پس از ورود رحیم خان بتبریز عده عزل مغیر السلطنه را خواسته و نزدیک بود تبریز آشوب شود
 لذا از طهران تلگراف شد بمغیر السلطنه که هر قسمی هست فتنه را بخواباند . مغیر السلطنه عده
 را گرفتار و معبوس مینمایند جمله (مشهدی میرزا آقا مدیر روزنامه) را . « سپس مدیر روزنامه
 چهره نما اضافه میکند که حبس جناب آقا میرزا آقا مشهدی ناله ملت و استقلال و (حشرات
 الارض) که نخستین شماره اش این هفته با داره رسیده ما ندانستیم بچه سبب بوده و باید منتظر
 خبر مفصل مغیر خود باشیم زیرا مغیر السلطنه مرد معارفخواه است .

(۱۰۶۳) ناهید

در سالنامه ۱۴ - ۱۳۱۵ معارف فارس ذکری از روزنامه ناهید نموده که در سال ۱۳۲۶
 قمری در شیراز منتشر شده است و ای نگارنده تا کنون نمونه و یا اطلاعی از آن بدست نیاورده‌ام .

(۱۰۶۴) ناهید

روز نامه ناهید در طهران بدیری و سر دیری (میرزا ابراهیم خان ناهید) تأسیس و در
 سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . شماره اول ناهید در تاریخ ۲۲ حمل ۱۳۰۰ انتشار یافته
 و تا اول دیماه ۱۳۰۶ جمعاً سیصد و یک نمره از آن منتشر گردیده و در این مدت چند مرتبه توقیف
 و سه دفعه تحت عنوان (ستاره صبح - افلاک - خلق) انتشار یافته است . ناهید اولین روز نامه
 کاریکاتورست که در میان توده مردم رواج پیدا کرده و چون مقالات آن بزبان ساده عوام‌فهم
 نوشته شده مورد استفاده عموم طبقات بوده است .

ناهید یک مرتبه در پایان سال اول توقیف شده و در تاریخ سه شنبه ۲۴ شعبان ۱۳۴۱ مطابق
 ۲۰ حمل ۱۳۰۲ از توقیف خارج گردیده و سر مقاله این شماره تحت عنوان (مرام ناهید)

چاپ شده و بدین‌قسم شروع میگردد: « ناهید يك مرتبه دیگر عرض اندام كرد. برای چه؟ چه مقصودی دارد؟ » در این شماره موسس و صاحب امتیاز ابراهیم ناهید و مدیر حسن علوی معرفی شده است. در شماره ۱۳ سال دوم که در تاریخ شنبه ۱۷ صفر مطابق ۶ میزان ۱۳۰۲ منتشر شد موجد میرزا ابراهیم خان ناهید و صاحب امتیاز و مدیر (حسین زبده) تعیین گردیده است. و نیز در شماره ۱۴ سال دوم و ۱۵ سال دوم که دارای نمرات مسلسل ۱۹ و ۲۰ است و در تاریخ ۲۹ سرطان ۱۳۰۲ منتشر شده موجد ناهید و صاحب امتیاز و مدیر (حسین زبده) معرفی شده است.

پس از انتشار شماره ۲۴ - ۲۹ بار دیگر ناهید توقیف شده و همین مناسبت پس از خروج از توقیف سه مقاله شماره ۲۵ تحت عنوان (ریخت و یاش لوطی گری یا توقیف روزنامه ناهید) درج شده و برای اینکه نمونه از سبک مندرجات ناهید در دسترس خوانندگان گذاشته باشیم تمام این مقاله را نقل مینمایم.

« روز نامه هفتگی ناهید که در ماتمکه ایران حکم تفرجگاه عمومی را دارد پس از انتشار شماره ۲۹ و ۲۴ توقیف گردید. چرا و بچه جهت؟ دزست نمیدانیم. اگر هم حرفی گفته و دری از درهای حقیقت سفته بودیم خیلی سر بسته و مرموز و در حکم معما و لغز بود. بدرفتاری روزگار دون کج گردی چرخ بوفلمون طوری همه را عصبانی کرده که از مزاج و شوخی هم مبرنجند. اگر قارئین گرام ما از تعطیل موقتی ناهید و از حرمان ملال آوری که دو سه هفته نصب آنان شد ملولند خودما با همه خسارات مادی و معنوی چندان دلتنگ و متأثر نیستیم زیرا در این دنیا. خاصه دنیای شرب البهود ایران بقول مرحوم جواد شله که یکی از معارف لوطیها و اجلاء خوشمزه های عصر ناصری بود هر کاری يك ریخت و یاشی دارد.

مرحوم جواد شله طالب نراه که از فعول این سلسله و از طراز اول لوطی های اصفهان و از اهل قمشه بود - بواسطه بیانات شیرین و نمکین و خوشمزگی و حسن معاشره با همه حکام و رجال دولت آشنا و مورد توجه ظل السلطان و صیت فضایل و اشتهاش تا در بار شاه هم رسیده بود. شاهکار های این لوطی نامی زیاد و در پیش قنما معروف است.

يك روز از طرف شاه برای ظل السلطان خلعت آوردند، در موامیکه شاهزاده با کوبه و تشریفات هرچه تمام تر بغلتم پوشان میرفت. در جلو موکب والا تقاره مینواختند - پهلوانها گبور که میگرفتند - مطربها میزدند، رقاصها میرقصیدند. جواد شله در بین راه تعظیمی کرده شمری مناسب خواند ظل السلطان آنتنایی باو نکرد جوادمکسر شده بحارم الموه شوهر بانوی عظمی که در حریم شاهزاده حرکت میکرد گفت: « برفیقت بگو ای بیخیرت مدتی است دستی بسرو گوش مانمالیده ای یادی از ما نکرده ای - آیا اینست وفا و عهد یاری؟ حالا که باین جلال میروی درد مارا بتقندی دوا کن ظل السلطان شنید فوراً مبرغضب خواست حکم داد گوشهای جواد را بریده مهارش کرده در بازار بگردانند.

حکم بوقع اجرا گذارده شد میر غضبها طشت و سر مهار را بدست گرفته در کوچه و بازار گردانند؛ هر يك از رقفا که بجواد میرسید میگفت: « آقا جواد خدا بد ندهد. » میگفت: « داداش بد نبینی بعلوی و لوطی گری ریخت و یاش دارد؟ يك روز رفت بانگ شاهنشاهی

اصفهان بر رئیس گفت دوهزار تومان بول میخواهم - رئیس بطور تمجب گفت مگر نشینده ای ما پول بمون ضامن و گرو نیبیطیم گفت من هم ضامن میدهم - پرسید ضامنت کیست ! خصیتین خود را نشان داد رئیس متغبر و فوراً سوار شد رفت خدمت ظل‌السلطان شکایت کرد ظل‌السلطان هم که دل پری از لوطی داشت و بی بهانه میگشت فرستاد جواد را آوردند بمون سئوال و جواب حکم کرد سرش را بریدند .

این است سر نوشت غم انگیز یکی از بزرگترین لوطیهای ایران که بالاخره جان عزیز خود را روی بیماری و خوشمزگی گذاشت . حالا ما بخوانند کن محترم عرض میکنیم ریخت و پاش ناهد هم که در چنین محیط هرج و مرج میخواهد حرفهای ناگفته بگوید و راههای نرفته پیود تو کوك همه برود حجاب خرافات و موهومات و عادات و رسوم مذموم ، ا ببرد توقیف است . باز جای شکرش باقیست مثل مرحوم جواد شله حکم برین گوش و مهار کردن دماغ ظاهری و در مازار گرداندن در باره ما صادر نشد . نمیدانم در این باب باید بمقتضیات عصر حاضر دعاگفت یا بجنبه بخشایش و مکارم اخلاق حکمداران چیزی که هست باید جد از این خبلی دست بصا راه برویم و حتی المقذور از دخالت در سیاست خارجی خود داری کنیم زیرا میترسیم باعث شکایت مقلعات خارجی شده و برای حکم قتل و اختناق طوطی شیرین گفتار جامعه ناهد بهانه جوئی بدست زنود افتد .»

این بود یکی از مقالات روز نامه ناهد . همین سبک نگارش سبب گردیده که از همان ابتدا تأسیس روز نامه نفوذ فوق العاده در طبقات مختلف مردم بنماید و در تغییر جهت افکار مردم موثر واقع شود و عاقبت هم بشرحیکه جداً خواهم نکاشت اداره روزنامه ناهدرا آتش زدند . باری در مقاله که بعنوان (قربون همه پسرای خوب) در همین شماره ۴۰ نوشته و یاد آور گردیده است که روز نامه ناهد این دفته سوم است که توقیف شده یکی در کابینه سید ضیاء الدین طباطبائی ولی چون همان روز دوم توقیف اطلاع داد که این توقیف از روی قانون عدالت و مردانه شده و بمعکه مراجعه شده داخوش شده ناهد حق دارد باو دعا کند زیرا يك مرد توانائی که در کابینه نود روزه اش هزار ها کار خوب کرد اگر يك کارهائی هم مثل توقیف ناهد میکرد میخواست حتی الامکان از روی قانون و حساب باشد .

يك دفته هم دائی حسن بچه گذر مستوفی توپوزی زد که بواسطه بزرگتری و آقائی و بیش کسوتی که دارد گذشت کردم (منظور میرزا حسن خان مشیر الدوله است) اما این دفته سوم بنامردی و جهود بازی توپوزی بناهد زدند و معلوم نشد از کی خوردیم دفته چهارم که روزنامه ناهد توقیف شده در جوزای ۱۳۰۳ شمسی است و خبر توقیف آنرا روز نامه ایران مورخ ۱۵ جوزای ۱۳۰۳ تحت عنوان (توقیف غیر قانونی) اینطور نوشته است: «جریده شریفه ناهد اخیراً مع التأسف توقیف گردیده است ما نمیتوانیم تأسف خود را از این نوع توقیفاتیکه مبنی بر اساس قانونی و مستند بمعاکه و صدور حکم قضائی نبود . و فقط تابع نظریات خصوصی اشخاص است کتمان کنیم .»

از جمله مطالب بکری که در اغلب شماره های ناهد دیده میشود مقالات تحت عنوان (شهر

فرنك) و نیز (بیم ناهید) و بعضی از یادرفتهای روزنامه از قبیل غبث خشت مال است. و نیز در هر شماره روزنامه دو صفحه آن مخصوص کلریکاتور میباشد که متناسب با اوضاع روز چاپ شده و همین کلریکاتور به پیشرفت روزنامه کمک بزرگی نموده است. گاه گاهی اشعاری نیز در روزنامه چاپ شده است؛ و من جمله در شماره ۱۵ سال دوم این رباعی از (ح. کرامی) درج است:

امراض بحال لا علاجی تا سکی بازار ستم بدین رواجی تا سکی
معتاد بخواب ناز غفلت تا چند؟ مشتاق بنا کشی مزاجی تا کی.

سرلوحه روزنامه ناهید عبارت از فرشته آزادیست که در مقابل دیو استبداد قرار گرفته و در بالای آن دو اسم روزنامه چاپ شده است در زیر سرلوحه که خصوصیات روزنامه نوشته شده ناهیدرا (هفتگی - اخلاقی - فکاهی - کلریکاتور) معرفی کرده است. محل اداره؛ چراغ برق کوچکه عظیمی. عنوان؛ طهران. ناهید. قیمت اشتراک سالیانه ۴۰. شماره ۲۵ قران تک نمره دهشاهی. اعلانات مطری دو قران.

سال نهم ناهید - با اینکه روزنامه ناهید پس از سال ۱۳۰۶ که در شب جمعه دوم تیر ماه ۱۳۰۶ بافتار ششمین سال انتشار این جریده جشن با شکوهی در باغ سهم النوله از طرف رفقای ناهید و کارکنان آن روزنامه برپا شده و عده زیادی از رجال و نمایندگان مجلس و معارف در آن حضور داشته و طبق اظهار بعضی از جراید آنوقت اولین جشنی بوده که با این شکوه بنام یک روزنامه در ایران منعقد گردیده. غیر مرتب منتشر شده. شماره اول سال نهم آن به صاحب امتیازی و مؤسسی و سردبیری (میرزا ابراهیم خان ناهید) در ۲۶ صفحه بقطع بزرگ در تاریخ سه شنبه ۴ تیر ماه ۱۳۰۸ منتشر شده است. در این سال نیز ناهید (جریده سیاسی و اجتماعی) معرفی شده و سرلوحه آن مانند سنوات سابق است.

سرمقاله این شماره مقاله مفصلی است که با همان سبک مخصوص ناهید تحت عنوان (جشن تیر و ناهید بمناسبت تجدید سال روزنامه) نوشته شده و سایر مندرجات آن عبارت است از خلاصه وقایع مملکتی و مجلس شورای ملی در مدت یکسال و قسمتی از رمان (گل آقا - گلنار) و مقالات دیگر از قبیل در محفل بانوان و کنفرانس راجع بصلاح و نیز آنگه‌های مختلف در ضمن صفحات درج است. کلریکاتور این شماره در دو صفحه برنک فرمز که تصویر (منظومه شمس) یا جشن تیر و ناهید) میباشد. تصاویر متعددی از السوار و اشعار ارستان در این شماره چاپ شده است.

یکسال پس از انتشار این شماره در اثر حریق ناگهانی اداره روزنامه ناهید با خاک یکسان شد و بعضی حریق را صدی و به تیمورتاش وزیر دربار وقت نسبت داده‌اند. روزنامه آینده ایران در شماره سوم سال اول خود مورخ سه شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۰۹ تحت عنوان (اداره ناهید با خاک یکسان شد) اینطور مینویسد: «روز جمعه بعد از ظهر روزنامه ناهید بر اثر حریق ناگهانی با خاک یکسان گردید و با تمام کوششی که در اطفاء حریق نمودند مؤثر نشد و قریب این قبضه ملاقمندان بطبوعات و ناهیدرا متأسف نمود امیدواریم موجبات خسارت و دلجوئی آقای ناهید فراهم آید.» اداره روزنامه ناهید در این هنگام در خیابان لاله زار. کوچه امین السلطان بوده است.

پس از این حریق ظاهراً دیگر روزنامه نامه‌مند منتشر نشد تا اوائل سال ۱۳۱۲ شمسی که باز چند شماره منتشر کرده و تعطیل شده است درباره این انتشار مجدد آقای کومی کرمانی مدیر مجله نسیم صبا اشعاری بعنوان تقریظ سروده که چند شعر آن چنین است :

خدا را شکر کز لطف شه‌نشاہ
دگر بلره فروغ و فر‌ن‌امید
برون شد یوسف نامه‌د از چاه
دگر ره کرد جنبش کلک نامه‌د
بیا شد یرتو افکن همچو خرشید
که تا ظاهر کند آثار جلوی‌د

بر واضح است که اوضاع و احوال دیگر بنامید اجازه انتشار نداده و از این جهت تعطیل شده است .

(۱۰۶۵) نامه ادب

نامه ادب در سال ۱۳۰۹ شمسی بطور مامانه در طهران تأسیس و منتشر شده است .

(۱۰۶۶) نامه آزاد

روزنامه نامه‌آزاد در طهران بمدیریت و صاحب امتیازی (افراسیاب آزاد) تأسیس و در سال ۱۳۰۳ منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سری (برادران بافرزاده) طبع و در تاریخ شنبه ۲ جمادی مطابق ۷ قوس ۱۳۰۳ انتشار یافته و با سرمقاله زیر شروع میشود : « اثر و ضمیمه آزاد . آنچه سبب ظهور اثری شود قوه باشد اثری بدون وجود قوه وجود نیاید » پس از این سرمقاله مذاکرات مجلس و بعد اخبار داخله و دریاورقی صفحه دوم (علوم اسرار روحانی) راجع بتسخیر ارواح و علم مغناطیس چاپ شده است . محل اداره روزنامه ، خیابان سیه . عنوان تلگرافی ، تهران آزاد . وجه اشتراك سالانه : داخله ۴۰ ، خارجه ۵۰ قرلن برای کسانی‌که از نمره اول تقاضا کنند و برای کسانی‌که بعد تقاضا کنند بترتیب ۶۰ و ۷۰ قران خواهد بود . طرز انتشار روزنامه به قسمیکه در عنوان روزنامه نوشته . (فلا تا اول حمل ۱۳۰۴ روزهای شنبه منتشر میشود) هفتگی بوده است . کتب‌طلوه اسرار روحانی اثر آقای بهروز املی است .

(۱۰۶۷) نامه آزادگان

نامه آزادگان در طهران بمدیریت و مؤسسی (عزت پور) تأسیس و در سال ۱۳۰۵ شمسی منتشر شده است

شماره اول نامه‌آزادگان در دو صفحه بقطع وزیر بزرگ در مطبعه سری (باقر زاده) طبع و در تاریخ شنبه ۸ بهمن ۱۳۰۵ مطابق ۲۴ رجب ۱۳۴۵ و ۲۹ ژانویه ۱۹۲۷ بمصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (عزت پور) و نگارندگی (میر احمدیان) منتشر شده است . محل اداره : طهران . خیابان چراغ برق . کوچه سراج الملك و عنوان تلگرافی : طهران نامه‌آزادگان معین گردیده . مقاله افتتاحی روزنامه بدین - قسم شروع میگردد : « بنام خدا . آغاز سخن کرده گوئیم برارباب بصیرت پوشیده

نیست هر کسی از هر راه و بهر مقدار که بتواند باید بوطن وجامعه خود خدمت
شماره دوم روزنامه در تاریخ شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۰۵ و سرماله آن تحت عنوان (عقیده ما) نوشته شده . از شماره دهم قطع روز نامه بزرگتر شده شماره ۳۵ سال اول در تاریخ ۲ دیماه ۱۳۰۶ انتشار یافته است .

نامه آزادگان معمولا در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری طبع و منتشر شده . نامه آزادگان در مطابع مختلف سری طهران از قبیل مطبعه (برادران باقر زاده) و (مهر) چاپ شده و این شعر در دو طرف اسم روزنامه بعنوان شعار درج گردیده است : (خوشا مرغی که در بند قفس نیست ، بجز آزادگان دلشاد کسی نیست)
محل اداره : طهران . میدان سرچشمه دست چپ . وجه اشتراک روزنامه : داخله ۶۰ درممالک خارجه ۷۰ ریال . بهنام معارف تخفیف کلی داده میشود . تک شماره ۶ شاهی . طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و روز های شنبه منتشر میشده است .

شماره ۸ سال دهم نامه آزادگان در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری در تاریخ شنبه ۸ دیماه ۱۳۱۴ مطابق ۲ شوال ۱۳۵۴ قمری منتشر شده . سر مقاله این شماره تحت عنوان (بوسه) و بقیه مقالات و مندرجات آن عبارت است از مقاله (فطریه) و (گلپای خوشبو) و (آیا میدانید که ؟) و (اخبار جهان) و مقاله (بمناسبت عزاداری حضرت مولای متقیان علی) و چند خبر داخله و (مسابقه نوسمتمل بریک جدول) و چند اعلان . روزنامه نسیم شمال تجدید سال دهم نامه آزادگان را اینطور تبریک گفته است : « نامه نامی آزادگان که از جراید مصور هفتگی و آبرومند است و همه هفته با مطالب سودمند ادبی و اجتماعی و گراور هائی از وقایع روزمره و اخبار مهمه هفتگی منتشر میشود در هفته های اخیر وارد دهمین مرحله عمر مطبوعاتی خود گردیده و بر مزایای هیشگی آن در این سال نوا افزوده شده است ما این موفقیت بزرگتر : بهم قلم دانشمند خود آقای عزت پور و کارکنان آن تبریک میگوئیم . »

شماره ۹۹ سال یازدهم نامه آزادگان در چهار صفحه با چاپ سری در تاریخ چهارشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۶ انتشار یافته و تاریخ انتشار آن در هفته روزهای چهارشنبه معین شده است . سر مقاله این شماره تحت عنوان (شخص عجیب) است . صفحه چهارم روزنامه مشتمل بر یک جدول و شرح حال (فاتح دریا یا جون سیب زمینی) است اینها نمونه از مقالات جراید دوره دیکتاتوری رضا شاه است .

(۱۰۶۸) نامه اعمال

امتیاز روزنامه نامه اعمال در طهران بدیری (میرزا صادق خان ایران آزاد) در تاریخ ششم خرداد ۱۴۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۱۰۶۹) نامه امروز

نامه امروز در طهران در سال ۱۴۰۶ شمسی تأسیس و هفته سه بار منتشر شده است . این

روزنامه قیلا بنام (صدای اسلام) منتشر میشده و شورایی فرهنگی در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۴۰۶ شمسی تصویب نمود که اسم جریده مذکور به (نامه امروز) بدبیریت افتخار آشتیانی تبدیل گردد .

(۱۰۷۰) نامه باستان

امتیاز مجله نامه باستان در شیراز بدبیری (میرزا محمدرضا خان احتشام نظام) در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۴۰۴ شمسی از تصویب شورایی معارف گذشته است . مدیر این مجله در شیراز روزنامه بنام آثار جم نیز تأسیس و منتشر نموده است . برای اطلاع از آن بحرف الف کتاب ذیل آثار جم مراجعه شود .

(۱۰۷۱) نامه بازرگان

نامه بازرگان که از انتشارات اداره عهود وزارت بازرگانیست در سال ۱۴۰۶ شمسی در طهران تأسیس و منتشر شده . طرزانتشار این روزنامه ماهانه بوده و هر نوبت از آن ۵۰۰ نسخه بقیمت هر نسخه دویزبال منتشر میگردد . انتشار آن تا اوائل شهریور ۲۰ بطور غیرمستقیم بوده است .

(۱۰۷۲) بانوان

روزنامه نامه بانوان در طهران بدبیری و سردبیری (شبنام آزاد) تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در هشت صفحه بقطع خشتی و با چاپ سری در مطبعه (حکیمیان) طهران طبع و در تاریخ روز آدینه ۵ ارداد ۱۱۵۲۰ باستانی مطابق ۱ اسد ۱۲۹۹ شمسی و ۱۲ ذیقده ۱۴۲۸ قمری و ۲۲ ژوئیه ۱۹۲۰ مسیحی منتشر شده است . یک صفحه ضمیمه این شماره باسم (فرهنگ آزاد) تألیف (ابوالقاسم آزاد مراغه) چاپ شده و مؤلف در مقدمه فرهنگ آزاد مینویسد من ۲۴ سال است برای نوشتن این فرهنگ حمت کشیده‌ام و بواسطه نبودن حروف نازه و مختلف در مطابع طهران ناچار شده‌ام آنرا ضمیمه روزنامه چاپ کنم . فرهنگ آزاد بدینقسم شروع میشود ، (AB) پدر FATHER . A آب (ABB) چشم انداز چراگاه . مرغزار .

مقاله افتتاحی نامه بانوان بدینقسم شروع میگردد ، « بنام یزدان دانا و توانا . وجوب تعلیم نسوان یا ششصد کرور زنده . بگور . بگفتن آسان و تصورش خارج امکان آیا در همه روی زمین یکتا پیدا میشود که بتواند این عدد را در مد نظر داشته باشد ؟ و آیا هنرمندی در گیتی یافت میگردد که بتواند ششصد کرور را بشمارد ؟ آیا سنگدلی در جهان هست که به بیند سجد مایون شبیه زنده بگور است دلش ریش نگردد » این سرمقاله دو صفحه روزنامه را فرا گرفته است . مندرجات شماره اول بعد از این سرمقاله عبارت است از مقالات مختلف راجع بنسوان و مختصری (اخبار مهمه داخله) و اخبار مهمه خارجه و خلاصه بیشتر مندرجات نامه بانوان طبق آگهی مخصوص بانوان است . در صفحه هفتم شماره اول شعاری به عنوان (کفن سیاه یا شاهزاده خام دختر خسرو پرویز در خرابه های مداین) اثر طبع میرزاده عشقی چاپ شده و قسمت اول اشعار مذکور بدینقرار است :

در تکابوی سفر گشت ز گردون خورشید
دل خونین سپهرزانی غریب پدید
چرخ از رحلت خورشید سبمیوشید
که سر قافله با زمزمه و زنگ رسید

درحوالی مداین بلعی.

ده تاریخی و افسانه کهن.

شماره دوم. نامه بانوان بهمان سبک شماره اول در تاریخ ۲۰ اسد ۱۲۹۹ شمسی و شماره ۵ آن در تاریخ ۱۹ میزان ۱۲۹۹ و شماره ۸ و ۹ آن دهم برج دلو سال مذکور منتشر شده است. طرز انتشارنامه بانوان ماهی دو بار بوده جای اداره: طهران گلبنک. عنوان تلگرافی: نامه بانوان. وجه اشتراك سالیانه ۳۰ قران ششماهه ۲۰ قران و قبلادریافت میشود. در عنوان روزنامه بالای اسم آن جمله (زنان نخستین آموزگار مردانند) بعنوان شعار چاپ شده و زیر آن مقصود از انتشار روز نامه این طور نوشته شده است «این روز نامه برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستکشی ایران است.»

خانم شهناز آزاد - خانم شهناز آزاد از زنانی است که در نهضت بانوان ایران پیشقدم بوده و بکمک شوهرش مرحوم آزاد مرافقه و با انتشار نامه بانوان خدمات گرانبهایی به پیشرفت طبقه نسوان نموده است و در این راه دچار صعوبات و مشقاتی گردیده و بجرم پیشوائی زنان و آزادی زنان و کشف حجاب گرفتار حبس و زندان شده است. مرحوم آزاد د نامه که بنکارنده نوشته یاد آور شده است که مدت یازده ماه هم همسر بانو شهناز آزاد نامه بانوان را در طهران منتشر ساخته. بد بختانه بر اثر بارها حبس و تبعید من و خانواده ام بجرم پیشوائی آزادی زنان و کشف حجاب همه آنها از میان رفته. (برای اطلاع بیشتری از شرح حال مرحوم ابو القاسم آز بجلد اول کتاب ذیل روز نامه آزاد مراجعه شود.)

روز نامه زبان زنان چاپ اصفهان در شماره ۳۰ خود مورخ شوال ۱۳۲۸ قمری در مقاله اول ستون اول شرحی تحت عنوان (نامه بانوان) نوشته که قسمتی از آن چنین است: «پروردگار را شکر کردیم که دوره بدبختی و خاموشی ما زنان سیری شد و خواهران دانشمند برای ترقی نسوان راه معارف میسازند. این مژده بقبری کارکنان زبان زنان را شاد کرده که یکباره تمام سختیها و فشار هارا فراموش کردیم.»

خواهر گرامی ما بانو شهناز آزاد یکی از دختران وطن پرست ایران است که در دامن پدر دانشمند بزرگوارشان دانا و برومند و توانا پرورش یافته و خوشبخت تر آنستکه در رفاقت زندگانی بیمان زناشویی با دانشمند فرزانه آقای حاج میرزا ابوالقاسم خان آزاد مدیر روز نامه آسایش بسته و اکنون دو عضو در يك روح برای پیشرفت تجدید کار میکنند.»

در شماره ۳۳ همین روز نامه «متن طلسمه نامه بانوان را چاپ کرده و این طلسمه که بیش از چند سطر نیست باین سطور ختم میگردد: «آنچه بر هر فرد یا هیئت اجتماعی آمده از جهل و نادانی خود او بوده است و بس. برای پیش بردن همین مقصود مقدس نامه بانوان اشاعتی یابد که در آن تنها نوشته زنان پذیرفته خواهد شد. بزرگترین نقیصه ای که در نلمه بانوان

میباشد همانا نبودن سرمایه شخصی که عجلتاً نسبتوان یش از مایه دو شماره انتشار داد ولی امید واریم که پس از سه چهار ماه هفتگی و پس از آن بیشتر تا رفته رفته بخواست یزدان وهمت صارف پروران روزانه گردد .

(۱۰۷۳) نامه بانوان ایران

نامه بانوان ایران در طهران بمدیری وسردیری (خانم عادل خلعت بری رئیس دبیرستان بانوان) تأسیس و در سال ۱۳۱۷ منتشر شده است . بهای اشتراك سالیانه پنجاه ریال و نشانی ، طهران ، خیابان شاهپور کوجه دبیرستان بانوان . نامه بانوان ایران معمولاً در هشت صفحه به قطع روزنامه آئینه ایران و با کاغذ اعلی و مصور و رنگین چاپ شده و مندرجات آن بقلم بانوان دانشور تهیه گردیده است .

(۱۰۷۴) نامه پارسی

نامه پارسی در طهران بمدیری و صاحب امتیازی (حاجی میرزا ابوالقاسم خان آزاد مراغه) تأسیس و شماره اول آن در روز دوشنبه یکم خرداد ۱۳۲۰ باستانی برابر ۱۷ ماه هشتم تازی ۱۳۲۴ در ۱۶ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سری (طهران برادران باقر زاده) طبع و توزیع شده است .

نامه پارسی چنانچه در عنوان هر شماره آن نوشته (نخستین روزنامه پارسی در ایران) تمام خصوصیات و مندرجات آن بزبان فارسی خالص میباشد و منظور از تأسیس و چاپ آن در مقدمه که در شماره اول تحت عنوان (راز و نیاز با مادرمیهن) آورده همین است خلاصه از مقدمه مذکور بدین قرار است : «ایران ، ای مادر مهربان ! ای نخستین و بهترین کشورهای جهان ! ای آرامگاه شاهان و کبان . ای پرورش گه یلان و شیردلان زبان شیوا و شیرین ترا بزبانهای تلخ بیگانگان آمیخته تیشه بریشه خود زدند بدتر از همه اینکه هنوز هم چشم باز نکرده و هشیار نشده اند نمی بینند که دیگران برای روایش (ترویج) و پیشرفت زبان خود چه جان فشانیها میکنند و خونها میریزند . ای ایران ای مادر مهربان میدانم که دلت از دست این فرزندان نا هنجارت خون است مگر بدان و دل خوشدار که چنین نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند انگیزه (سبب) نگارش نامه پارسی . این بنده در هیفده سالگی بنجف اشرف رفته پس از شش سال در آنجا ماندن و دانشهای تازی را آموختن بایران برگشت و از اینجا به فرنگ و آموختن زبانها و دانشهای آن سرزمین شتافتم و هیچ در اندیشه زبان پارسی نبودم تا اینکه نه سال پیش که در لندن بودم دیدم که انگلیسان برای روایش (ترویج) زبان خود در کشور های دیگران چنان میکوشند که بگفتن و نوشتن در نگنجدشمارها دست (میلیاردها لیره) فراهم آورده در هر یک از گوشه و کنارهای روی زمین پراکنده شده از آن پس آلمانها را دیدم میکوبند اگرچه لاتین زبان کشیش و آئین ماست . . . سخن کوتاه اینکه نه تنها در این روزگار همه برای روایش زبان خود میکوشند بلکه تا جائیکه داستان (تاریخ) بما نشان میدهد میبینیم از آغاز تا کنون هر یک از هاوشان (قوم) جهان . . . این بود ار همان هنگام که در

نمن بودم باندیشه زنده کردن زبان پارسی و برگردانیدن ایرانیان از این راه نیستی فرجام افتادم و خواستم که نامه‌های دوستان را بیارسی سره (خالص) نگارم دیدم که بسیار دشوار است (در این جا نویسنده شرحی نوشته که برخلاف آنچه تصور می‌رود که زبان پارسی محتاج بزبان بیگانه نگان است، آنرا احتیاجی نیست و باید فضلا و دانشمندان فرهنگی از لغات پارسی درست کنند و من مدتها ب فکر تصویر چنین فرهنگی بودم.) ناچار و نا امید روزها و شبها در این اندیشه باسوز و گداز می‌گذراندم و بر بی کسی ایران مینالیدم تا اینکه خداوند آب و دانه مرا به هندوستان نهفته (حواله) بلیکر کالج برای آموزگاری انگلیسی فرستاده شدم و خوشبختانه در آنجا بستانگانی (موجب) هنگفت و روزانه يك (تسو) ساعت ونیم یادوتسو بیشتر کار نداشتم. (نویسنده دنباله سخن را اینطور ادامه میدهد که خوشبختانه فرصت زیاد و دست یافتن بکتابخانه بزرگ آنجا را فنیست شمرده چنان خانه نشین گشتم که بهیمانی دوستان گرامی و گردش گلگشت هم نبرفتم. در هنگامیکه نمن بودم و آن پنج سال هندوستان و این یکسال ایران نزدیک هشت هزار لغت گرد آورده فرهنگی بنام فرهنگ نو بهار ایران از تازی بیارسی وانگلیسی نوشتم میخواستم همانجا حق الطبعش بکمیانیهای انگلیسی بفروشم ولی با خود اندیشه کردم که آنرا برای برادران ایرانی بایران ارمغان ببرم مگر هزار افسوس که آمدم و دیدم تنگدستی وی یولی ایرانیان را باری چون دیدم کار چاپ کردن فرهنگ نو بهار ایران شاید در زندگی من سر نخواهد گرفت خواستم کم کم بنگارش گفتارهای پارسی در روزنامه ارشاد گوش مردم را باینکار آشنا نمایم تا اینکه در این انجامها (اواخر) برخی از ایرانیان يك نژاد و بیارسی خواه مرا بنوشتن این نامه پارسی واداشتند و چون امیدوارم که ایرانیان رشکمند (غیور) همراهی یولی باینده کرده نگذارند از یا بیفتم، بتنهائی این کار دشوار را آغاز نمودم و در انجام هر يك از شماره های آینه چند چهار (صفحه) از فرهنگ نو بهار ایران خواهم نوشت تا خریداران آنرا گرد نموده سرانجام دارای يك جلد) فرهنگ چاپ شده باشند. نیایش بدرگاه یزدان پاك میکنیم که مرا در این کار دشوار یارو یاور باشد. « این بود مقدمه و یا مقاله افتتاحی نامه پارسی که چون شرح مختصری از زندگی مرحوم آزاد مراغه در آن یاد شده بتفصیل نقل کرد اینك بذکر بقیه خصوصیات نامه پارسی میپردازیم.

در صفحه ۱۵ و ۱۶ شماره اول قطعه از (ریزش خامه تیمسار حاجی شیخ الرئیس) در مدح و ماده تاریخ نامه پارسی ذکر نموده که چند شعر آن اینست :

ستاره بدرخشانده مردی از رادی	که داد تیره دلان را فروغ آزادی
زبان پارسی از نغزنامه اش گردید	درست و سخته پس از سخت مست بنیادی
سیاس ایزد کز کوشش ابوالقاسم	رسید سود پس از روزگار بر بادی
چو خواست سال نمودش زخامه بنده	روان نوشت بیائی فروغ آزادی ۱۳۳۴
فرهون (اداره) تهران. پاچنار. سرکار و دارنده (مدیر) و یزش نامه (امتياز) حاج میرزا	
ابوالقاسم خان آزاد مراغه. بهای سالانه بیشکی، تهران يك تومان. پروون تهران ۱۲ قران.	
ماه‌ی دو شماره شهنش (اشاعت) میشود. بهای يك شماره تهران هشت شاهی. پروون دهشاهی.	
پس از يك ماه از روزمه (تاریخ) شهنش بهای هر يك شماره دو قران است. گفتارهای سودمند	

با سیاست‌گذاری پذیرفته شده پس داده نمیشود ، (لغات داخل پرانتز از خود مجله است) . شماره دوم سال اول بهمان سبک و قطع شماره اول در تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۰۵ پارسی مطابق ۲۳ رمضان ۱۳۴۴ تازی در ۱۶ صفحه در (خبا بان جبا خانه چاپخانه مرکزی) طبع و توزیع شده است .

سال اول مجله نامه پارسی بشماره های ۲۲ و ۲۳ که یکجادر يك مجلد طبع گردید . و در تاریخ ۲۰ رجب ۱۳۲۵ اری منتشر شده ، خاتمه پیدا میکند . در صفحه اول این مجله تحت عنوان (سال دوم نامه پارسی) شرحی مبنی بر سیاست‌گذاری از خداوند که توفیق اتمام سال اول را داده نوشته و یاد آور شده است که چون وجوه اشتراك سال اول بسیارش از بین رفته از کسانیکه قبلا بهای سال دوم را فرستاده اند دیگر چشم براه نامه پارسی نباشند .

سال اول نامه پارس جمعاً در ۳۶۸ صفحه بقطع کوچک خشتی طبع و توزیع شده . برای اطلاع از نوع مندرجات این سال قسمتی از عناوین مندرجات آنرا نقل مینمایم ؛ راز نهران (نگارش تیمسار والا تبار اعتصام الدوله) . آنچه خوبان همه دارند ما تنها داریم - اشعار در ستایش آقای حاج شیخ الرئیس - نامه پارسی - اشعار - افسانه پارسی - پیری و جوانی (سرگذشت خارین) سرگذشت سنک و رود بار . نوشته شهری .

نوع مطالب و مندرجات مجله بیشتر ادبی است . از این مجله نگارنده تا شماره ۲۲ و ۲۳ سال اول را در دست دارم . برای اطلاع از شرح حال مرحوم آزاد مراغه رجوع شود بجلداول کتاب تاریخ جراید ذیل کلمه آزاد و همچنین بهمین مجلد ذیل روز نامه نامه بانوان . لازم است یاد آور شویم که در همه جا نامه پارسی روز نامه قید شده و در عنوان آن نیز نوشته است نخستین روز نامه و یا جریده پارسی در ایران ولی چون از حیث قطع صفحات و تعداد بیشتر شبیه مجله میباشد لذا ما آن را بنام مجله یاد کردیم .

(۱۰۷۵) نامه پزشگان

مجله نامه پزشگان در سال ۱۳۱۳ شمسی بطور ماهیانه تأسیس و منتشر شده است.

(۱۰۷۶) نامه پیام

روزنامه نامه پیام در طهران بدبیری و صاحب امتیازی (سید محمد پیامی) تأسیس و در سال ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است . نامه پیام معمولاً در چهار صفحه بقطع متوسط و با چاپ سربی طبع و روزهای شنبه منتشر شده . محل اداره : طهران . لاله زار . مطبوعه مهر . وجه اشتراك : سالیانه طهران ۳۰ ریال . ولایات ۳۵ ریال . خارجه ۴۵ قرانك . ششماهه بترتیب ۱۵ ریال ، ۱۸ ریال ، ۲۰ قرانك . بمحصلین و محصلات و نظامیان صدی ده تخفیف داده میشود ، تك شماره ۳۰ دینار . شمار روزنامه که در شماره بالای اسم آن چاپ شده جمله (خدا بشتیبان ماست) میباشد و در زیر اسم روز نامه (نامه پیام) سال تأسیس و کلمات (ادبی ، اخلاقی ، فکاهی) درج گردیده است . مندرجات نامه پیام بیشتر مقالات مختلف تربیتی ، اخلاقی و ادبی و اشعار است . و نیز در بعضی از شماره های آن جدول و مسابقه های فکاهی طرح شده . داستان

وقستهای تفریحی ، بخشی ۱ مندرجات روزنامه را تشکیل میدهد .
 شماره دهم سال اول پیام در چهار صفحه طبع و در تاریخ شنبه ۱۰ آذر ۱۳۱۳
 شمس مطابق ۲۳ شعبان ۱۳۵۳ قمری منتشر شده است .
 سرمقاله این شماره تحت عنوان (تربیت اطفال سرآمدآمال است) نوشته شده
 مقاله دوم آن بعنوان (باید راه استفاده از وقت را فهمید) بقلم ابوالفضل حاذقی دیر
 ادبیات فارسی و عربی ، میباشد . (ترقی بشر منوط بوجود انبیاء است) بقلم سید محمد
 انجوی شیرازی و (قربانی) بقلم محمد مرتضوی ، مقاله سوم و چهارم روزنامه را تشکیل
 میدهد . پنجمین مقاله روز نامه تحت عنوان (جنون مقاله نویسی) تمام صفحه سوم را
 گرفته و نویسنده آن بامضای عاریتی (بیغم) است که اسم عاریتی حسن آقای نوری
 ثقفی نویسنده مقالات فکاهی روزنامه است . صفحه چهارم روزنامه (قسمت تفریحی) و
 اشعار (مایه تنبلی بود کرسی) و داستان (شاش کرک) و جدول و در اطراف مسابقه
 مندرجات آنست .

شماره ۲۰ سال دوم نامه پیام در تاریخ جمعه ۲۶ تیرماه ۱۳۱۵ شمس طبع و
 توزیع گردیده نویسندگان و مترجمین روزنامه در این سال بغیر از آقایان ابوالفضل
 حاذقی و مرتضوی ، آقای (عنایت‌الله شکیباپور) است که پاورقی روزنامه (گلنار) بقلم
 اوست و نیز آقای (طاهری شهاب) ترجمه هائی دارد .

پس از وقایع شهریور ۲۰ / نامه پیام بصاحب امتیازی و مسئولی (سید محمد پیامی)
 و مدیری (محمود مهین پو) مجدداً یا بدایره انتشار گذاشته و شماره اول سال هشتم
 آن در هشت صفحه بقطع متوسط در تاریخ ۵ شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۲۱ شمس منتشر
 شده است . سرمقاله این شماره بعنوان (پیام امروز) و قسمتی ار آن چنین است :
 « نامه که اکنون بدست خوانندگان گرامی میرسد همان نامه ایست که پیش بهین
 نام در هفته یکبار منتشر میشد البته کسانی که شماره های آنرا در آن موقع ندیده اند
 بخوبی بروش ما آشنائی دارند و میدانند که سرلوحه این انتشار فقط و فقط خدمت بهین
 عزیز وهم مبهنان گرامی بوده ۰۰۰۰۰ بنا بر این این نامه در هشت صفحه بانواع
 مطالب که شامل قسمتهای اساسی ، دینی ، ادبی ، فکاهی باشد منتشر که تمام انتظارات
 گیرندگان پیامرا طبق ذوق و خواستاری ایشان تأمین و درحقیقت باتمام طبقات گفتگوی
 خودرا سرگرفته باشیم . ۴ : به مندرجات این شماره مقالات مختلف بعنوان (محبت) ،
 (دین و اجتماع) و (سه جنابت من) و اشعاری بعنوان (زن و کار یعنی چه ؟) میباشد .

(۱۰۷۷) نامه تمدن

مجله نامه تمدن در شهر مشهد بمدیري آقای (ع . تمدن) تأسیس و در ابتدای سال ۱۳۱۰
 شمس منتشر شده است . نامه تمدن مجله ایست علمی ، ادبی ، اجتماعی ، اقتصادی که بطور ماهیانه
 شماره اول آن در فروردین ۱۳۱۰ انتشار یافته . مجله آرمان چاپ طهران در شماره ۶ و ۷
 خود مورخ خرداد ۱۳۱۰ بعنوان مطبوعات جدید مینویسد ، « نامه تمدن - اسم فشنکی است که

درمشهد انتشار یافته و تا کنون سه شماره آن با اداره آرمان رسیده . . .
 ظاهراً بجز از مجله مذکور در شهرمشهد روزنامه‌ی نیز بنام (نامه تمدن بمبئی) تمدن
 خراسانی منتشر شده است ولی نگارنده تا کنون نمونه‌ای از آن بدست نیاورده‌ام . آقای تمدن
 مدیر مجله چندی مفتش فرهنگ خراسان بوده است .

(۱۰۷۸) نامه جوانان

روزنامه نامه جوانان درطهران بمبئی وصاحب امتیازی (ابراهیم خواجه نوری)
 تأسیس و درسال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است نامه جوانان در چهار صفحه بقطع
 بزرگ و باچاپ سری (مطبعه بوسفور) طبع و هفته یک شمره منتشر میشده . این
 رباعی بعنوان شمار بالای صفحه اول چاپ شده است :

تا کی کفن سیاه در بردارید تاچند نقاب ننگ در سردارید
 گرطالب آزادی و علم و هنرید ترکانه حجاب جهل را بردارید

آبونمان داخله سالیانه ۵ تومان . ششماهه ۳ تومان . سه ماهه دوتومان خارجه
 بترتیب ۶ تومان ، چهار تومان ، تک شماره چهار شاهی . شماره اول سال اول نامه
 جوانان در چهار صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری طبع و در تاریخ سه شنبه ۶ صفر
 ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۶ سنبله ۱۳۰۲ شمسی منشر شده است : مقاله افتتاحی روزنامه
 بعنوان (امید) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد : « امید . امروزه مأیوس بودن
 از زندگی فحش دادن بجنس ایرانی مد شده . هر یک از جوانها یاپیرها را به بینی
 اول حرفی که (بعد از گفتن امروز هوا گرم است یا سرد است) میزند این است که
 آقا ایران محکوم بزوال است ایرانی آدم نمی شود خون ایرانی فاسد شده جز اینکه
 ریخته شود چاره نیست (بقیه این مقاله خطابهائست بجوانان که مأیوس نباشید
 و بلکه امیدوار باشید .)

پس از مقاله مذکور ، مقاله ایست بعنوان (پیشنهاد مهم) راجع به عدم لزوم
 حجاب و فواید بی حجابی . پس از آن مقالات و مکاتیب دیگری درج است . در صفحه
 چهارم اشعاری بعنوان (داماد ناکام) چاپ شده که چند شعر اول آن اینست :

دکتری سالها اروپا بود عادی رسم و طرز آنجا بود
 بدتکمیل طب بشوق تمام بوطن کرد رجعت آن ناکام
 کاملاً یک نفر اروپائی بازمین کوب و جغت و غوغائی

و بدین شعر ختم میشود :

رفتو نشنید اسم اودبگر من ندانم چه آمدش بر سر .

درهمین شماره اعلان (درام عروس ناکام تألیف ابراهیم خواجه نوری که عنقریب
 نمایش داده میشود) چاپ شده است . انتشار این شماره روزنامه ومندرجات آن باعث
 تحقیر از طرف دولت گردید و طبق رأی محکمه آقای ابراهیم خواجه نوری محکوم
 بچهار ماه حبس ودویست تومان جزای نقدی ودو سال توقیف روزنامه شده است .

روزنامه ناصرالملله در شماره اول مورخ ۱۷ برج قوس ۱۳۰۲ خیراین محکومیت را تحت عنوان (محکومیت) اینطور نوشته است :

« محکومیت - ابراهیم خان نام (مدیر نامه جوانان) که سابق شرحی در شماره اول روزنامه مزخرف نوشته بود از طرف دولت تعقیب شده و در محکمه مطبوعاتی محکوم بچهار ماه حبس و دو بیست تومان جزای نقدی و دو سال توقیف روزنامه شده است و گویا مشارالیه مصمم است که استدعای تمیز نماید. » در زیر این خبر مدیر ناصر الملله اینطور اظهار نظر مینماید : « مانظریات عادلانه و اسلام پرستانه امنای دیوانعالی تیزرا باهویت موضوع جلب نموده و بنام حفظ اصول اسلام و انتظام مملکت تشدید مجازات مشارالیه را انتظار داریم. » نگارنده از روزنامه نامه جوانان بیش از همان شماره اول ندیده ام و شاید هم دیگر منتشر نشده است.

(۱۰۷۹) نامه حقیقت

روزنامه نامه حقیقت در شهر اصفهان بمدیری (حاج سید احمد دهکردی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است نامه حقیقت در چهار صفحه که هر صفحه آن مشتمل بر دو ستون میباشد با چاپ سنگی و خط نسخ طبع شده و تاریخ شماره اول آن (لیلة ارحمة ۲۲ محرم الحرام ۱۳۲۵ قمری مطابق سنه ۱۲۸۵ هجری شمسی) میباشد. عنوان مراسلات : اصفهان - محله بیداباد. طرز انتشار آن هفتگی بوده است. سرلوحه روزنامه عبارات از اسامی پیغمبر و ائمه علیهم السلام میباشد. علاوه بر این مطالب شکل ذوالفقاری رسم شده که در درون آن (القدره لله جمیماً) و جمله (لا فتی الا علی لا - یف الا ذوالفقار) و در زیر آن بسم الله الرحمن الرحیم که روی میم بسم الله (یا صاحب ذوالفقار وقت مدد است) طبع گردیده. در دو طرف ذوالفقار این شعر :

ای نهان در پس سراق اسم ❁ کس نداند بجز تو راز طلسم) درج گردیده است .

در شماره اول پس از این سرلوحه خطبه زیر : ارسى و عربى نوشته شده است :
 «احمدك وسبحانك جل تناؤك من ذابعرف قد رتك فلا يضافك و من ذابعلم ما انت فلا يهانك الفت بقدرتك الفرق و فلتت برحمتك الفلق و انرت بكرمك دياجى الفسق صل - اللهم على المصطفى محمد (ص) والمرضى على و بتول فاطمة والمجتبى حسن والحسين سيد الشهداء وزين العباد على بن الحسين ومحمد بن على الباقر وجعفر بن محمد الصادق (ع) وموسى بن جعفر الكاظم (ع) وعلى بن موسى الرضا ومحمد بن على التقى وعلى بن محمد النقى والحسن بن على الزكى المسكرى (ع) ومحمد بن الحسن الهادى المهدي صاحب العصر والزمان صلواتك عليهم رب اشرح لى صدرى ويسر لى امرى واحلل عقدة من لساني يقهواقولى .»

آغاز نامه حقیقت

بنام بخشنده مهربان شاهنشاه واجب الوجود آنکه بوده است وهست و خواهد بود سلطان مستقل حقیقی که سلطنت مشروطه ظاهریه منوط باراده سنیه او جل حضرته است مالك الملوكى که قدرت مطلقه و سلطنت مستقله در ملکوت ملك آرائى نمود و با وجود افلاکیان از سلاله خاك اراده جعل خلیفه فرمود مجلس آرائى که در ملاء اعلى باملانکه بالا مجلس شورای آسمانى

چند و مملکت کبابی را بنحسین حدیو کشورکشای عالم حضرت ابوالبشر آدم صفی بخشید تاج و لقد کرمنای بر سرش نهاد و فرمان علم الاسماء بدستش داد خرقه آدمبترا تن پوشش نمود و ردای انسانیت را زیب آغوش فرمود بتخت سلطنت ما سوی استوارش کرد و ملائکه را بسجود حضرتش آورد . بوالفضولانه بلیس جهل گفتانی که من * بهترم زادم از آندم رانده درهرجاستی . رب نجنی بمعهد وعلی نامه حقیقت مبنی برحق پرستی وحاکی ازصدافت وراستی صرف درعبودیت خدا و آزادی از ما سوی بدون چون و چرا در حمایت حضرت مولی است . مطلقاً بیان حال و شرح احوال است با کسی غرضی نیست و دردل مرضی نی شخصاً بکسی نظر ندارد هرگاه یکی ازبرادران کوشه دید یا توشه برد در خود اوست دخلی بگوینده ندارد ملتفت باشید دم خروس از جیشان پیدا نباشد اگر باشد در نامه حقیقت باسم و رسم بدون غرض ومرض درج خواهد شد یمیزالله الخیث من الطیب . روزنامه نگاران هم ملتفت باشند دروغ نویسنده دروغگودشمن خدا است این نامه حقیقت -فتش روزنامه ها هم هست راستی را پیشه کنید هر کجا هستیم برادرهستیم ابونا آد والام حواء حق یار همه وحق پرستی کارهمه باد . فقیرالی الله سید احمد نوربخش .

پس از این مقدمه (فهرست مندرجات) بخط نسخ دشت بدینقسم آورده شده : فهرست مندرجات . تعبد و ستایش خدا . تعبد و ستایش انبیاء و اولیاء علیهم السلام تعظیم سلاطین تاجداره . تکریم مجتهدین شرایع مدار . هدیه رساله خراج و مقاسمه حضرت شیخ الملمه حاجی میرزایحیی دام ظلّه العالی . مشاهده بلوای غریب و غوغای عجیب . مقاله علیه منقوله از رسایل اخوان الصفا در ذیل نامه . پس از این فهرست مقاله (تعبد و ستایش خدا) بدین قسم شروع میشود :

بسم الله الرحمن الرحیم . الحمد لله رب العالمین خمداً ازلیا بابدیته و ابدیا بازایت سرمداً فی اطلاقه متجلیاً فی مزایا آفاقه حمدالحامدین دهر الداهرین . ای خداوند واحد یکتا * ای به یکتائیت همه گویا . ای دوتا پشت ماسوی پشت * هست بیگانه کو نشد خویش ، (این مقاله صفحه دو و سه روزنامه را گرفته است .) پس از این مقاله تحت عنوان (هدیه) چنین نوشته است : هدیه . انجمن مقدس ملی و رساله خراج و مقاسمه از تألیفات شریعت آیات حضرت شیخ العلماء و المجتهدین علم الهدی آقای حاجی میرزا یحیی ادام الله ظلّه العالی است لا رب فی هدی للمتقین فی کل سطر منه روض من المنا و فی کل سطر منه عقد من اندرر . حقه سطرش روض مقصود و هر سطرش عقدی از لؤلؤ منظود است معض خدمتگذاری بملت و ادای حقوق دولت است فراغ و سع و بذل جهد فرمود و از برای اخذ مالیات بطور صحت و عدالت و تسویه عموم رعیت بدون ملاحظه و طرف گیری اراحدی این رساله را مرقوم تحفه انجمن مقدس ملی نمودند . . . (پس از این مقدمه اصل رساله بدینقسم شروع میشود : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه و اشرف بریته محمد وآله الطیبین الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم ومخالفيهم الی یوم الدین و بعد چنین میگوید اقل العلماء علماً و عملاً یحیی بن محمد شفیح الاصفهانی ملکه الله نواصی الامانی و ذلله هواجس المعانی که چون در این اوان بغت عامه ایرانیان از خواب بیدار و بالطف الهیه و توجهات حضرت خلیفه الله صاحب العصر و الزمان ارواحنا فداء باب رحمت واسمه الهیه مفتوح و بحکم مرحوم مفطور مظفر الدین شاه البسه الله حلل النور وصعت و امصاه اعلی حضرت شاهنشاه دین پناه محمد دلی شاه خلدالله ملکه و سلطانیه مقرر گردیده است

تأمل امور مملکت و مهم مصالح رعیت که ودایع الهیه اند با اجتماع آراء اهل مجلس مقدس ملی مرکزی باشد که محل اجتماع علماء اعلام و حجج‌الاملام و ازکان و ایمان
 پس از این رساله مقاله (مشاهده بلوای غریب و غوغای عجیب) بدین‌قسم شروع میشود . خدا یناه بتو می‌بریم تا سگی در مانده و پریشان و در بدیریم نبدانیم این وضع تمهید مقدمه چه قضیه است و از تشکیل این صغری و کبری ما را از فضایی قدری چه حمله است ، شهر پریشان و شهریار پریشان ❁ روز پریشان و روزگار پریشان . کار خلاق با اضطرار کشیده ❁ گشته دل خلق ز اضطرار پریشان . خاطر شاه از بجمع ملک نکوشد ❁ کار بباد بدین فرار پریشان . خدایا خیر پیش آر و ما را بخود وامگذار گر ما مقصیریم تو دریای رحمتی
 مطالب روز نامه باین مقاله که نا تمام است خاتمه پیدا میکند . مقاله علمیه منقوله از رسائل اخوان الصفا از همان صفحه اول بطور یا ورقی درج شده و در صفحه اول و دوم و سوم روزنامه درج است . سال و شماره روز نامه در تمام صفحات در دایره بدین‌صورت - سال اول - نمره اول - قید شده است .

مقاله منقول از رسائل اخوان الصفا آغازش این است : «حمد بی‌حد سزاوار خدا نیست که واجب الوجود است و هر چیز را از عدم پدید آورده است و هر چیزی را جداگانه از انواع و اجناس جلتی پدید کرده و هیچ چیز را بی علت نیافریده»
 آیه روز نامه : «اعلان . آیه اعانه الاخوان طبعاً . اصفهان سالیانه چهارده قران . سایر بلاد ایران بلاوه اجرت است . من اعان فقد اعانه الله » . قبل از نوشتن آیه این سطر نیز چاپ شده است : «انجا نامه حقیقت - سلام حق پرستان جان نثاران محمد و خاکساران علی بروح پاک گنشتگان سلف و روان تابناک آیندگان خلف باد آمین یارب العالمین .»
 برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۲۸) نام این روز نامه را (حقیقت) نوشته و مختصر شرحی از آن یاد کرده است . در صورتیکه اسم آن (نامه حقیقت) میباشد و بهمین جهت آنرا در حرف نون کتاب نوشتیم . و شاید آنچه را برون باسم (نامه حقیقت) ضبط کرده و محل انتشار آنرا طهران قید نموده همین نامه حقیقت باشد .

در نامه حقیقت ذکر از مطبعه آن نشد ، و از بعضی از مردم اصفهان شنیدم که مرحوم حاج سید احمد دهکردی مدیر روز نامه با جمعی از دوستان از خوف ظل السلطان حاکم وقت دستگاه طبع روز نامه را بکوه صفا که در جنوب اصفهان است نقل کرده و روز نامه آنجا چاپ میشد است و ذکر تاریخ (بله ۲۲ محرم) نیز موبد این شایعه میباشد و معلوم میشود محل طبع و عمل آن خیلی مخفیانه انجام میگرفته است . بهر صورت از نامه حقیقت بیش از یک‌شماره که همان شماره اول باشد در دست ندارم .

حاج سید احمد دهکردی - در مقدمه دیوانیکه از مرحوم نور بخش چاپ شده این القابرا برای او نوشته‌اند : حضرت سلطان العارفین بهمان الواصلین قطب الوجودین آقای حاج سید احمد نور بخش روح بخش دهکردی . وی در طریق تصوف مقام ارشاد را داشته و جمعی از مردم اصفهان و شهرگرد از او پیروی مینمودند . مردی بوده از علائق دنیوی رسته و بی‌مقامات اخروی بی‌بسته . قبرش در محله درب کوشک اصفهان و زیارتگاه خاص و عام است . قسمتی از

اشمار او بطبع رسیده و مشهور است. برای اطلاع بیشتری از احوال او بقمعه کتاب اشمارش مراجعه شود.

(۱۰۸۰) نامه حقیقت

روزنامه نامه حقیقت در طهران در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. (کتاب مطبوعات و شعر فارسی برون س ۱۴۶)

(۱۰۸۱) نامه ری

مجله نامه ری در طهران بدیری آقای (عبد العزیز جواهر کلام) تأسیس و در سال ۱۳۱۴ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است. آقای عبد العزیز جواهر کلام از فضلا و دانشندان ایران و دارای تألیفات و تصنیفات فراوان میباشد و من جمله دو جلد فهرست برای کتابخانه معارف تألیف و وزارت فرهنگ آن را چاپ کرده و بجز کتاب تاریخ کتابخانه های ایران و کتاب آثار الشیعه که جلد ۳ و ۴ آن چاپ شده از تألیفات ایشان است مجله نامه ری بیش از چند شماره منتشر نشده است.

(۱۰۸۲) نامه شهر بانی

رجوع شود بجلد سوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران کلمه (شهر بانی)

(۱۰۸۳) نامه شهر داری

نامه شهر داری که از انتشارات شهر داری طهران بوده در سال ۱۳۰۵ شمسی تأسیس و منتشر شده است. طرز انتشار آن ماهانه بوده و هر نوبت ۵۰۰ شماره از آن طبع شده و قیمت هر شماره آن يك قران و بیست و پنج دینار است.

(۱۰۸۴) نامه عمل

روزنامه نامه عمل در طهران بسردبیری و صاحب امتیازی (م. ضیاء هشرودی) و مدیر مسئولی (حسن روستا) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است. نامه عمل در چهار صفحه بطبع بزرگ و با چاپ سری (مطبوعه بوسفور) طبع و توزیع گردیده طرز انتشار آن هفته دو روز روزهای سه شنبه و جمعه بوده. جای اداره: طهران. خیابان شاه آباد آدرس تلگرافی: عمل. بهای روزنامه: در طهران سالیانه ۶۰ قران. شش ماهه ۳۵ قران. داخله بترتیب ۸۰ قران و ۴۵ قران. خارجه بترتیب یکصد قران. ۵۰ قران. تک نمره ۷ شاهی.

شماره اول روزنامه در چهار صفحه بقطع بزرگ طبع و در تاریخ سه شنبه ۱۷ ربیع الاول ۱۳۴۱ مطابق ۱۵ غریب ۱۳۰۱ شمسی و ۷ نوامبر ۱۹۲۲ میلادی منتشر شده است. مقاله افتتاحی روزنامه بعنوان (عمل و عمله) و بدینقسم شروع میشود.

«نامه ما بنام عمله مفتوح میگردد اسما شرافت آهنگر، زارع - کفشدوز و غیره یعنی اسم هر آن کارگری که با دست رنج خود اعاشه میکند- ادبیات ما را تزیین مینمایند...» این سرمقاله بقلم محمد ضیاء هشترو دیست. پس از آن مقاله دیگری بعنوان (اصلاحات لازمه) و در صفحه دوم اخبار مجلس و اخبار داخله و در پا ورقی صفحه دوم و سوم کتاب (آرسن لوین. مجادله با شرلوک هولمز تألیف موریس لوبلان ترجمه نصراله فلسفی) چاپ شده است. طبق آگهی مندرج در روزنامه آقای نصراله فلسفی جزو هیئت تحریریه روزنامه بوده است. در صفحه چهارم چند اعلان و اخبار خارجه درج است. شماره نهم نامه عمل در تاریخ شنبه ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۴۱ قمری منتشر شده و از این شماره طبق اخطار موجود آقای (حسن روستا) از کار روزنامه کناره گرفته و بجای او نام (میرزا حسن خان هشترو دی) در عنوان روزنامه با اسم مدیر مسئول نوشته شده است. در این شماره مقاله شدید اللحنی بعنوان (شاهمی آید) نوشته و خلاصه آن این است که شاه ناپلئون و پطر کبیر است که پس از فتوحاتی بر میگردد!! شاه پول های ملت را برده اروپا خرج کرده و حالا بر میگردد.

در روزنامه ایران مورخ ۲ جنی ۱۳۰۱ شرحی راجع باختلاف روستا و هشترو دی نوشته و اشاره کرده است که روزنامه نامه عمل اخیراً توقیف شده است. شرح مذکور از اینقرار است: «نامه عمل - نویسندگان نامه جوان عمل (که اخیراً در نتیجه حق گوئی توقیف گردید) با اطلاع عموم مشترکین گرام خود می رسانند که جزئی سوء تفاهات بین آقایان هشترو دی و روستا نکلی رفع شده و بالتبینه مجدداً با یک روح قوی و بایک عزم ثابتی باتفاق خدمت جریده نگاری را ادامه خواهند داد ضمناً نظر به کثرت مشغله آقای روستا در هیئت تحریریه عضویت داشته و آقای میرزا حسن خان هشترو دی مستقیماً و رسماً مدیر مسئول خواهند بود. (هیئت تحریریه نامه عمل)

(۱۰۷۵) نامه فرهنگ

روزنامه نامه فرهنگ که ابتدا در شهر کرمان منتشر میشده، از سال ۱۳۰۴ شمسی بمدير مسئولی (محمود درگاهی کرمانی) بطهران منتقل و در آنجا منتشر شده است. از روزنامه فرهنگ منتشر در کرمان در حرف کتاب گفتگو کرده اکنون بذکر خصوصیات نامه فرهنگ منتشر در طهران میپردازیم. همانقسم که اشاره کردیم نامه فرهنگ در طهران بمدير مسئولی (محمود درگاهی کرمانی) تأسیس و شماره سوم سال چهارم آن در هشت صفحه بقطع و ریزی بزرگ و با چاپ سری در مطبعه (برادران باقر زده) طبع و در تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است. جای اداره: خیابان صفیعلی شاه. وجه اشتراك داخله ۴۰ قران خارج با اجرت پست. تك شماره ۸ شاهی. طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده است.

در عنوان روزنامه بالای اسم آن (نامه فرهنگ) جمله (ومن یونی الحکمة فقد اوتی خیراً کثیراً) و در زیر آن (نوانا بود هر که دانا بود) درج است. مندرجات نامه فرهنگ علاوه

حرف‌النون بعد الالف

نامه فرهنگ ، نامه قابوس

برسر مقاله ، عبارت است از شرح احوال بزرگان (در شماره سوم شرح حال بودا از يك كتاب انگلیسی ترجمه شده) و (قانون انتخابات) و ترجمه از بعضی از مجلات خارجی (دنیای هزار سال دیگر) و اخبار مجاری و اخبار داخله و حوادث خارجه میباشد. از کتب هندی که ترجمه آن بصورت یاورقی در این روزنامه چاپ شده کتاب (سرگذشت حاجی بابای اصفهانی در انگلستان) است که آنرا (دکتر موسی خان حکیم الممالک) ترجمه کرده و بتدریج در روزنامه طبع گردیده است. سرمقاله های روزنامه غالباً مربوط بمسائل اجتماعی و سیاسی است ، و من جمله سرمقاله شماره ششم بعنوان (خط مشی مشترك - ایتلاف احزاب - دفاع از ارتجاع) و شماره هفتم تحت عنوان (پرده جدید - تا شدم حلقه بگوش در میخانه عشق) در مردم آید غمی از نوببارك بادم) نوشته شده است بمناسبت تغییر تقویم و انتخاب ماههای شمسی آقای (مجتبی مینوی) قطعه زیر را سروده و در شماره ششم مورخ سه شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۴ طبع شده است .

چونکه هرور دین گذشت آید مه اردیبهشت زان بسبب خرداد تیر آنگه امردادش زین
بعد شهریور مه مهر و ابان آذر است سال گردد بادی و با بهمن و اسفند طی
شش مه اول سی و يك پنجمه بعد سی و آخرین رایك زسی کم بشمرای فرخنده بی

(۱۰۸۵) نامه قابوس

روز نامه نامه قابوس در شهر گرگان بدیبری و صاحب امتیازی (م.ع.عبهری) تأسیس و در سال ۱۳۱۴ شمسی منتشر شده است. این روز نامه در چهار صفحه بقطع متوسط و با چاپ سری در چاپخانه (گرگان) طبع و توزیع شده. محل اداره آن (چاپخانه گرگان) و عنوان تلگرافی (قابوس) وجه آبرنمان آن ، یکساله داخله ۳ ریال ، شش ماهه ۱۸ ریال ، خارجه بترتیب ۵۰ ریال ۳۰۰ ریال اعضاء معارف و محصلین ۲۰ ریال. تک شماره هفت شاهی. نامه قابوس گر چه در عنوان روز نامه علمی ، ادبی ، اخلاقی ، اجتماعی ، فکاهی ، اقتصادی معرفی شده ولی این روز نامه نیز مانند سایر جراید معنی که پس از تأسیس ثبت عمومی یا بدایره انتشار گذاشته بوقاصدات اول و دوم آن بعد از سر مقاله مشتمل بر قسمتی از اخبار داخله و خارجه و حوادث معنی میباشد و گاهی نیز از روز نامه های مرکز بکسی دو مقاله نقل شده و بقیه مخصوص درج اعلانات ثبتی است .

شماره ۲۱ سال اول نامه قابوس در چهار صفحه طبع و در تاریخ دوشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۱۴ مطابق ۱۱ شوال ۱۳۰۴ قمری و ۶ ژانویه ۱۹۲۶ میلادی منتشر شده است. در مقاله این شماره چند خبر خارجی از (آژانس پارس) بنقل از روز نامه اطلاعات است. پس از سر مقاله مقاله نا تمام راجع به (کاغذ ساری) نوشته و در صفحه دوم (قسمت صحی) مطالبی راجع بتعدیه بقلم آقای دکتر سهری و مقاله دیگر بعنوان (دیروز و امروز) و در صفحه سوم و چهارم اعلانات ثبتی و مقاله راجع به (معجزه قرآن) بنقل از روز نامه شامین درج است. روز نامه توفیق در شماره ۲۸ سال سیزدهم خود مورخ دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۱۴ راجع بطلوع نامه قابوس اینطور نوشته است : « شماره اول روز نامه جدید التاسیس قابوس در گرگان با قطعی مناسب انتشار

یافته و باداره‌اصل گردیده . این نامه بمدیریت دانشمند معترم آقای عبهری استر آبادی که يك نفر از ادبای معاصر و آثار گرانبهای ایشان سابقاً در توفیق طبع شده منتشر میشود . آرزو مندیم که نامه قابوس در عالم مطبوعات رونق بزرانی گیرد .

(۱۰۸۶) نامه ملی

روز نامه ملی در طهران در سال ۱۲۹۹ شمسی تاسیس و بطور هفتگی منتشر شده است .

(۱۰۸۷) نامه وطن

روز نامه وطن با چاپ سنگی در شهر حیدر آباد دکن بمدیر (صحاف باشی که از طهران فراری بوده) تاسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است . برون که شرح مذکور را در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۶) نوشته است اضافه میکند که من نمره هفتم سال دوم این روز نامه را در دست دارم . این نمره در ماه صفر ۱۳۲۶ قمری توزیع و در ۱۶ صفحه بقطع ۶/۵ در ۱۰/۵ اینچ و با چاپ سنگی طبع گردیده و بغط تعایق نوشته شده و وجه اشتراك آن فید نگردیده است .

(۱۰۸۸) نامه هنر

مجله نامه هنر که از انتشارات وزارت پیشه و هنر بوده در طهران تاسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی بطور ماهانه منتشر شده است از این مجله هر نوبت بگزارنده طبع و بقیمت سه ریال منتشر میگردد . نامه هنر تا سال ۱۳۱۶ غیر مرتب انتشار یافته است .

(۱۰۸۹) نجات

روز نامه نجات در طهران بمدیر (میرزا محمد خراسانی) تاسیس و شماره اول آن در تاریخ سوم جمادی الثانی ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است . روز نامه حکمت چاپ قاهره در شماره دوم سال هجدهم خود مورخ ۱۵ شعبان ۱۳۲۷ قمری در جزء اخبار طهران مینویسد روز نامه هائی که نسخ اوله آنها در این هفته رسیده یکی روز نامه نجات است مدیر و معرر جریده نجات میرزا محمد خراسانی است که تازه یا بمیدان جهاد گذارده و عبارات شیرین روز-نامه اش بر مطالعین روشن میگردد . روز نامه نجات هفته دو شماره طبع و توزیع شده و شماره ۲۵ آن در تاریخ چهارم شوال ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته است .

روز نامه نجات معمولاً از چهار تا هشت صفحه بقطع ۶ و سه چهارم در ۱۲/۵ اینچ طبع گردیده و قیمت اشتراك سالیانه آن در طهران ۱۰ قران . در سایر شهر های ایران ۱۷ قران . و در خارج ایران ۱۵ فرانك است . این روز نامه در کابینه سعد العموله جلت حمله که در آن بمجاهدین شده بود توقیف گردیده و روپهم رفته یکی دو سال منتشر شده است .

میرزا محمد خراسانی — میرزا محمد خراسانی مدیر روز نامه نجات و روز نامه حقوق از طلاب خراسانی مقیم طهران بوده که پس از انتشار روز نامه نجات معروف بنجات شده است

در دوره دوم مجلس شورای ملی که در تاریخ دوم ذی‌قعدة ۱۳۲۷ قمری افتتاح و در تاریخ سوم محرم ۱۳۳۰ انفصال یافت، از تبریز بنماینده‌گی مجلس انتخاب شد و سلك دموکرات داشته‌است در دوره سوم نیز از شهر بیرجند انتخاب گردیده است شرح احوال مشارالیه را بتفصیل آقای مرتضی مدرس چهاردهمی در شماره پنجم‌سال اول‌مجله جلوه نوشته و ما عیناً از آنجا نقل‌بنمائیم، محمد نجات فرزند عبد‌الکریم ملك‌التجار خراسانی نواده حاج قاسم طهرانی می‌باشد که در سال ۱۲۵۶ شمسی در شهر مشهد تولد یافته تحصیلات مقدماتی خود را در آنجا آموخت و بعد بقصد ادامه تحصیل بنجف اشرف رفت و پس از مدتی تحصیل و اقامت در آن صفحات بشهد مراجعت نمود تا اواخر صدارت میرزا علی اصغر خان بامر دولت بطهران آمده در باب آمدن خود به طهران چنین یاد داشت نموده است:

(در اواخر صدارت میرزا علی اصغر خان بواسطه اختلافات ملکی بامر دولت بطوران آمده دو سال تمام در محاکم شرعی و عرفیه سرگردان و مبتلی بودم و از وضع حکومت استبدادی و رفتار حکام شرع و عرف که کاملاً منافی با اسلام و حقیقت عدالت بود بقدری نا‌ملایمات دیدم که عاقبت تنگ‌آمده با جمعی از مظلومین و ستم‌دیدگان در صدد تخریب حکومت استبدادی برآمدم و شروع بکار نمودم مقارن این احوال جمعی بعنوان عزل عین‌السوء و بعضی از مقاصد دیگر از این قبیل بحضرت عبدالعظیم‌رفته موفع را مقتنم شمرده و با آنها بیوسته متحصنین را بخط عدالت خانه خواستن و داشته تا آنکه دستخط تأسیس عدالت‌خانه صادر و متحصنین بشه آمدند چون غرض اصلی و رفتن بحضرت عبد‌الظیم چیزهای دیگر بود و پس از آمدن بشهر مسئله عدالت خانه مسکوت ماند لذا مجدانه اقدامات خود را تعقیب و وسائل حاضر نمودن افکار عمومی را بر ضد حکومت فراهم تا اینکه مسئله مسجد جمعه پیش آمد.)

مرحوم نجات بطوریکه خود نوشته و بعضی دوستان وی که هنوز بخاطر دارند در وازگون ساختن حکومت استبدادی زحمات بسیار کشیده در انقلاب مشروطه ایران مدتی روز نامه (حقوق) و سپس روز نامه (نجات) را منتشر و چندین دفعه از طرف جلادان محمد علی میرزا گرفتار و زندانی گردید راجع بیکى از گرفتاریهای خود چنین نوشته است: «چهارشنبه سیزدهم ذیحجه هزارویصد و بیست و هفت قمری نیم‌ساعت از شب گذشته غفله جمعی مسلحانه داخل بنده منزل شده مرا بایک حالت شدید از منزل بیرون کشیده از فحش دادن و ناسزا گفتن بطوریکه رسم ایام قدیم بود که بایک مقصری معمول میداشتند کوتاهی نکرده با سرو پای برهنه و پشت گردنی در نهایت عجله مرا بنظمیه (خیابان جلیل آباد خیام) آوردند و بمجلس انداختند در آن چند روز بقدری صدمه و آزارم دادند که از زندگانی قطع امید نمودم تا آنکه مرا بمنزل سعد‌المواه رئیس دولت وقت آوردند هفتاد و پنج روز در منزل او محبوس بودم تا آنکه بی گناه بودم ثابت و مستخلص گردیدم.»

مرحوم نجات از مؤسین و مروجین افکار حزب دموکرات ایران بوده و برای بقای این حزب زحمات بسیار کشیده است. یکی از زحمات نوع پرستانه آن، مرحوم تأسیس مدرسه خریه ایتم در سال مجامعه بوده که عمده از صفار و ایتم بی بضاعت را جمع‌آوری و بتحصیل و تربیت آنها همت گماشته و تا مدت سه سال از آنها نگاهداری نموده است. مدرسه ایتم را در سال

مجموعه ۱۳۲۷ در طهران تأسیس کرد روزنامه حقوق و روزنامه نجات در سال هزار و سیصد و هفت قمری در طهران تأسیس و يك دوسالی منتشر شد .

نجات چندین دوره متوالی از اوائل مشروطیت ایران بنماینده‌گی مجلس شورایی انتخاب دوره اول از آذربایجان و دوره دوم از قایبات و دوره سوم از خراسان و دوره چهارم از مازندران و دوره پنجم از زنجان و کیل شدند و از سال ۱۳۰۱ شمسی نظر بجهت و مقتضیاتی زندگانی اجتماعی و سیاسی خود را بکلی ترك و از مصاحبت و مجالست دوستان صکاره گیری اختیار و بتدریج خانه نشین و منزوی گردید تا در شب جمعه سوم آذرماه ۱۳۱۲ شمسی در سن پنجاه و شش سالگی دارفانی را وداع گفت آرامگاه نجات در امامزاده عبدالله در حضرت عبدالعظیم میباشد . مرحوم نجات با وجود گرفتاریهای زیاد و اشتغالات سیاسی اشعاری که نشانه بارزی بر طبع بلند اوست در بعضی مواقع بنسبتهی سروده که از وی بیادگار مانده است .

در اینجا آقای مدرسی يك غزل و يك قطعه از آن مرحوم نقل نموده و غزل به مطلع زیر شروع میشود .

آن تجلیها که گل در چشم بلبل میکند بادل مسکین من آن روی چون گل میکند
مطلع قطعه چنین است :
گر در جهان قیافه زیبای زر نبود جنگ و جدال اینهمه بین بشر نبود

(۱۰۹۰) نجات

روزنامه نجات در شهر خوی در سال ۱۳۲۰ قمری تأسیس و منتشر شده است . مرحوم تربیت در فهرست روزنامه های آذربایجان در باره روزنامه نجات مینویسد : « نجات - روزنامه هفتگی منتشر در خوی با چاپ سری در سال ۱۳۲۹ ملك روزنامه سیاسی و دموکراتیک است . »

(۱۰۹۱) نجات

روزنامه نجات با طبع زلالتین در شهر رشت منتشر شده است . برون که این روزنامه را یاد داشت نموده مینویسد انتشار آن محقق نیست . (س ۶ : ۱)

(۱۰۹۲) نجات ایران

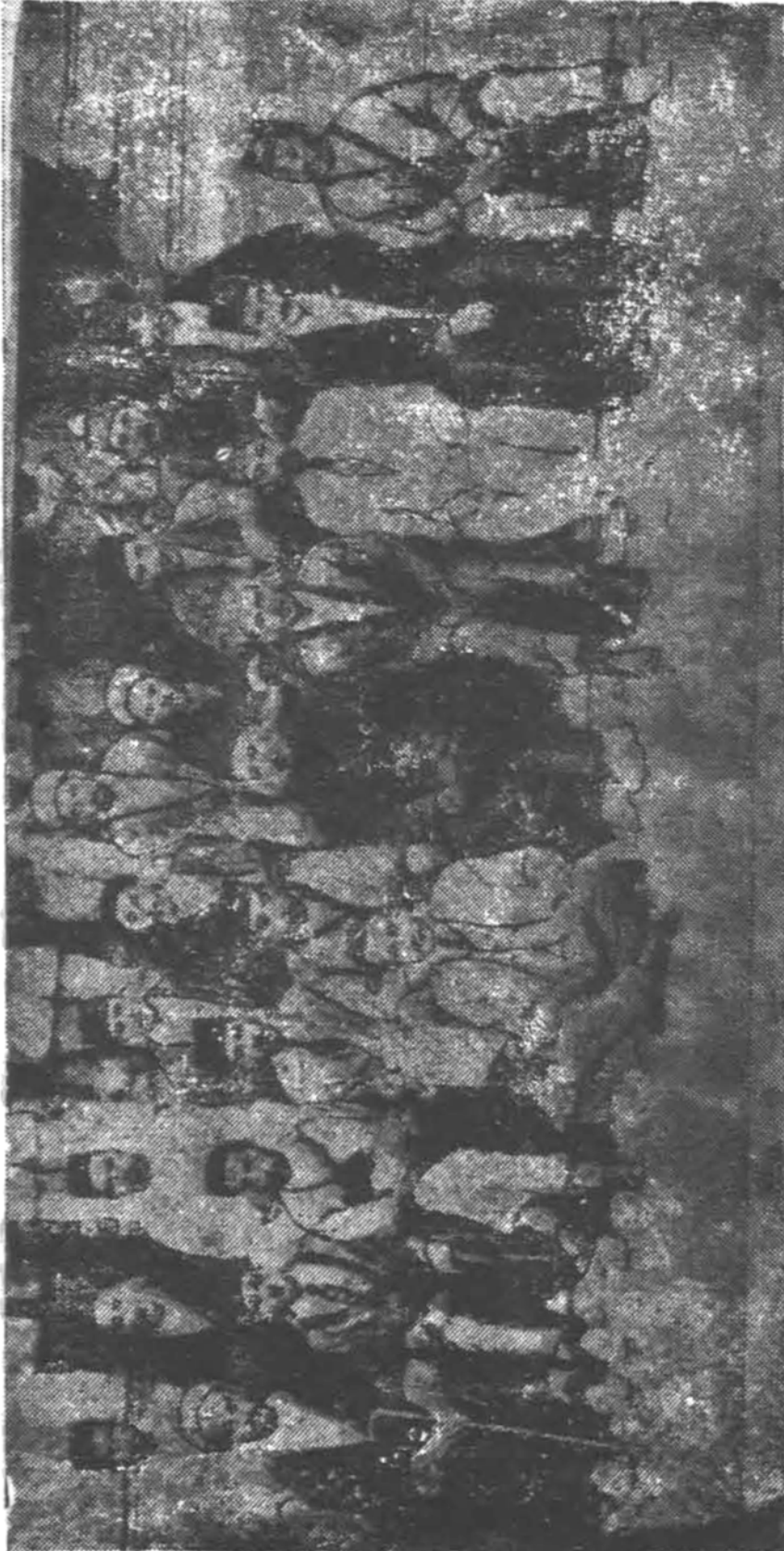
روزنامه نجات ایران در طهران بهمدی و نویسنده‌گی (زین العابدین فروزش) تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . طرز انتشار نجات ایران هفته دو روز روزهای سه شنبه و جمعه منتشر میشده . شماره پنجم سال اول نجات ایران روی يك ورق بزرگ طبع و در تاریخ جمعه شوال ۱۳۴۰ قمری مطابق ۲ برج سرطان ۱۳۰۱ شمسی منتشر گردیده و نیز شماره ۶۵ - سال اول آن بهمان قطع در تاریخ ۵ شنبه ۲۸ جمادی الثانی مطابق ۲۶ برج دلوا ۱۳۰۱ انتشار یافته است . نجات ایران تا سال ۱۳۰۵ شمسی بطور غیر مرتب منتشر شده و برای مدت مدیدی تعطیل گردیده است . پس از حوادث شهریور ۲۰ مجدداً نجات ایران با بدایره انتشار گذاشته و شماره ۱۱۴ سال بیستم آن در چهار صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری در تاریخ سه شنبه

۲۱ شهریور ۱۳۲۱ شمسی برابر با ۱۰ رمضان ۱۳۶۱ قمری منتشر شده است. در این شماره عکسی از (مدیر جراید پایتخت در سال ۱۳۰۱) بشرح زیر چاپ شده، « آقای زین‌العابدین فروزش مدیر روزنامه نجات ایران - آقای نوبخت مدیر بهارستان - آقای علی دشتی مدیر شفق سرخ - میرزا آقاخان مصراغلاب - مرحوم حسین صبا مدیر ستاره ایران - آقای معدنچی (کیانیور فعلی) - آقای جعفر دادگر - آقای هاشم معبط مدیر روزنامه وطن - مرحوم ندائی مدیر جارچی ملت - آقای سیف آزاد مدیر شرق آزاد - آقای حسن حلاج مدیر حلاج - مرحوم فرخی مدیر طوفان - ابراهیم ضیاء الواعظین مدیر ایران آزاد - آقای لطف اله ترقی مدیر روزنامه ترقی »

در زیر این عکس، عکس دیگری از (مدیران جراید پایتخت در حال حاضر) بشرح زیر چاپ شده است، « یقیناً مدیر ایران کنونی - مجید موقر مدیر مهر ایران و مجله مهر - عبد - القدیر آزاد مدیر آزاد - رحیم زاده صفوی - مدیر قمی مدیر ناهید - عادل خلعت بری مدیر نامه دانشوران - کسروی مدیر پرچم و مجله پیمان - امیر ابراهیمی مدیر مردان کار - خلیلی مدیر اطلاعات ایران - وفیق مدیر توفیق - محمد تقی عرفان مدیر داخلی کانون شعرا - نوروز مدیر نوروز - عباس نعمت صاحب امتیاز طهران مصور - محمد جواد عوتمند مدیر سعادت بشر - سید حمد بیامی مدیر پیام - شکراله صفوی مدیر روزنامه کوشش - دهقان مدیر طهران مصور - جواد مسعودی مدیر زوربان دو تهران - طباطبائی مدیر تجدید ایران - عباس مسعودی اطلاعات و مجله اطاق بازرگانی و اطلاعات هفتگی - مگردیچ مگردیچیان مدیر آلیک - مدیر صدای ایران - بازار گد مدیر روزنامه خورشید ایران - علی اکبر سلیمی مدیر مری و گهای رنگا - رنگ - حیرچیان ساعی مدیر سیم شمال - مدیر روزنامه بوبوخ - رهسار مدیر روزنامه آفتاب تابان - احمدملکی مدیر ستاره و ستاره هفتگی - میرسید محمد معبط طباطبائی مدیر مجله معبط - عزت پور مدیر آزادگان - ابوالفضل حاذقی سردبیر کانون - سیف پورفاطمی مدیر باختر - مدنی مدیر پرورش - احمد مطیمی - حسین مطیمی مدیر کانون شعرا - محمدعلی فمین مدیر نسیم سرخ »

شماره ۱۱۴ روزنامه نجات ایران در تاریخ ۱ شنبه ۲ مهر ماه ۱۳۲۱ منتشر شده در این شماره و شماره‌های قبلی روزنامه بنسبت شغل و کالت دادگستری که آقای فروزش داشته و در دیوان کیفر و کیل مدافع سرباس مختاری رئیس کل شهربانی دوره دیکتاتوری بوده، متن دفاع نامبرده چاپ شده است. بالای اسم روزنامه (نجات ایران) آیه و (جیناه و من‌القم) بعنوان شعار چاپ شده. محل اداره روزنامه خیابان فردوسی و پهای اشتراك روزنامه در دوره دوم بدین قرار است، سالیانه ۱۲۰ ریال، ششماهه ۷۰ ریال، سه ماهه ۴۰ ریال.

هنکامیکه نگارنده در ملایر بودم آقای فروزش مدیر روزنامه، نامه بشماره ۴۶ بتاريخ ۲۱/۱/۹ دریاسخ نگارنده بدین شرح راجع برورنامه خود نوشته اند، «انتشار روزنامه نجات ایران از سال ۱۳۰۱ شروع و تا سال ۱۳۰۵ در طهران منتشر میگردد. این روزنامه در ترقیات فرهنگی دارای معتقدات و روش خاصی بوده و چنین مینداشت که باید در اصول تربیت و تلمیم و تعمیم فرهنگ و ایجاد روحیه عالی ملی انقلابی در معارف ایجاد نمود و در اینراه کوشش های بسیار نمود و از این جهت سبک آن مورد پسند متجددین و ترقیخواهان بود، در سیاست



تصویر مدیران جراید پایتخت در سال ۱۳۰۱ شمسی
شرح احوال و تصویر بعضی از این آقایان در محل خود چاپ شده است .



نیز مترجمی تند و اصلاح طلبانه و اصلاح بمعنی واقعی داشت . ضمناً دارای جنبه ادبی بود و غالباً بهترین قطعات نثر و ترجمه‌های بسیار ممتاز از آثار بزرگترین نویسندگان را دارا بود . این روزنامه حامی بالا آمدن سطح لیاقت و شایستگی و طرفداران بود که مقامات و مشاغل را باید بر طبقه شایسته و لایق علی قدر مراتبهم رجوع نمود بهر حال از ۱۳۰۵ تا حال بواسطه فشار و تضییق آزادی قهرآ تعطیل بوده و اینک با همان سلیقه و سبک باضافه جنبه تربیت دینی و ملی خاصی منتشر میشود . مدیر مسئول و صاحب امتیاز نجات ایران - ز فروش .

آقای زین العابدین فروزش

(۱۰۹۳) نجات وطن

روز نامه نجات وطن در شهر اصفهان تأسیس و در سال ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . برون که نام این روز نامه را نوشته اضافه میکند که از این روز نامه بیش از هشت یا نه نمره منتشر نشده است .

(۱۰۹۴) نجات وطن

روز نامه نجات وطن در طهران بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (س - ح مدنی کاشانی) تأسیس و شماره اول آن در دو صفحه بقطع بزرگ و با چاپ سری در (مطبعه برادران باقرزاده) طبع و در تاریخ شنبه ۶ ذیحجه ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۹ سرطان ۱۳۰۲ منتشر شده است . مقاله افتتاحی روز نامه که تحت عنوان (پایه و اساس) نوشته شده بدینقسم شروع میگردد ، « عمده مطبوعی که ما را داخل صحنه بر آشوب کرد و بزرگترین جهنی که ما را از زاویه انزوای تماشای این جنگل مولا ببیدان مبارزه حیاتی پرتاب نمود همانا افعال متضاد و اقوال پریشان‌توده بود » در صفحه اول این شماره رباعی زیر درج است :

گویم سخنی گرزتومن داری گوش برخیز زخواب جهل منشین خاموش
گر خیر صلاح خویشتن میطلبی از بهر نجات وطن خویش بگوش

چاپ این رباعی بمناسبت ذکر کلمه نجات وطن که نام روز نامه است ، میباشد . بقیه مندرجات شماره اول عبارت از اخبار داخه و تلگرافات و شکایات مردم ولایات است . ضمناً در همین شماره نکذیبی بامضای (مدنی کاشانی) مدیر روزنامه چاپ شده که خلاصه آن این است که در نمره ۱۲ و ۱۴ روزنامه قلم - پاک در سر لوحه آن آقای مدنی کاشانی بعنوان مدیر روزنامه معرفی شده در صورتیکه این روزنامه ارتباطی با ایشان ندارد .

شماره دوم نجات وطن در تاریخ شنبه ۱۳ ذیحجه ۱۳۴۱ قمری مطابق ۵ اسد ۱۳۰۲ منتشر شده . محل اداره روزنامه ، ایران . طهران . خیابان ناصریه . رو بروی شمس‌العماره . وجه اشتراك سالانه ، طهران ۵۰ قران . ششماهه ۳۰ قران . ولایات اجرت پست اضافه میشود خارجه ۶۰ قران . تكشماره شش شاهی قیمت اعلانات ولوایح خصوصی با دفتر اداره است ، طرز انتشار روزنامه هفتگی است . بالای اسم روز نامه جمله (النجات فی الصدق) بعنوان شعار روز نامه چاپ شده است . از این روز نامه فعلاً تا شماره پنجم سال اول در دست است .

(۱۰۹۵) نجف

روزنامه نجف در شهر نجف بمدیری (سید مسلم رلون زاده) و (حاجی محمد بن حاجی حسین) و (شیخ حسین طهرانی) تاسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری بطور هفتگی منتشر شده است . شماره ششم نجف در هشت صفحه بقطع ۶ و يك دوم در ۹ و يك دوم اینچ طبع و در تاریخ ۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۸ قمری انتشار یافته . وجه اشتراك آن در نجف ۲۵ روپیه ، در تركستان ۳۰ روپیه ، در ایران ۱۵ قران و در سایر ممالک ۸ فرانك .

در شماره ۴ سال نوزدهم روزنامه حكمت چاپ قاهره مورخ شوال ۱۳۲۸ قمری شرحی راجع بشیخ حسین طهرانی مدیر روزنامه نجف نوشته که بی‌مناسبت نیست آنرا نقل نمائیم . وی می‌نویسد : « از قرار معلوم شیخ حسین طهرانی مدیر روزنامه (نجف) از نجف بیکی از همدستان خود در محرمه نوشته که سامه را برئیس بایه عكا ببرد و مقداری دینامیت برای قتل آخوند خراسانی یا چند نفر فدائی برای کشتن آخوند که اخیراً نظر خوبی بشروطه نداشته ، بفرستد . این نامه شیخ حسین بدست آمده و شیخ مذکور گرفتار شده است . »

(۱۰۹۶) نجم باختر

روزنامه نجم باختر در شهر واشنگتن از بلاد ممالک متحده امریکا از طرف (بهائیان امریکا) تاسیس و در سال ۱۹۱۱ میلادی منتشر شده است . این روزنامه هر نوزده روز یکبار به طبع و توزیع شده و پس از چندی اسم آن تغییر کرده و بنام (پیامبر باختر) منتشر گردیده .

برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۵۹) مینویسد من از دوره دوهم این روزنامه که بنام پیامبر باختر منتشر شده از نمره ۱ تا ۴ و از ۷ تا ۸ و از ۱۴ تا ۱۶ آنرا دارم . نمره اول آن در ۲۱ مارچ ۱۹۱۱ میلادی و نمره آخر آن در ۳۱ دسامبر همین سال منتشر شده .

این روزنامه بدوزبان فارسی وانگلیسی نوشته شده و منظور از انتشار آن ترویج مذهب بهائی بوده است

(۱۰۹۷) نخستین

روزنامه نخستین دو شهر اراک تا - بیس و در سال ۱۳۱۰ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است

(۱۰۹۸) ندای اسلام

آقای سید ضیاء الدین طباطبائی در سال ۱۳۲۵ قمری روز نامه موسوم بندای اسلام را در شیراز انتشار داده و در سال ۱۳۲۸ قمری که بطهران مسافرت کرده روز نامه نیز تعطیل گردید. ندای اسلام با چاپ سنگی و بطور هفتگی منتشر شده و صد صفحات آن از چهار تا هشت صفحه می باشد. وجه اشتراک روز نامه در شیراز ۳۰ قران در سایر شهر های ایران ۳۶ قران. در خارجه ۴۰۰ قران.

شماره اول روز نامه ندای اسلام در تاریخ ۱۱ صفر ۱۳۲۵ قمری منتشر شده و روز نامه ندای وطن مورخ ۲۵ صفر در باره طلوع این روز نامه مینویسد: «در شهر شیراز روز نامه باسم ندای اسلام با اسلوبی غریب بقلم یگانه دانشمند فرزانه آقا سید ضیاء الدین است». بیرون در کتب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۸) مینویسد من - خمرات ۷ و ۱۴ و ۲۵ روزنامه را در دست دارم در کتاب رسرار سیاسی کودتا - زندگانی آقای سید ضیاء الدین طباطبائی (صفحات ۱۴ و ۱۵ و ۱۶) در باره سید ضیاء الدین و انتشار روز نامه ندای اسلام مینویسد: «پس از آنکه سید ضیاء الدین با پدرش سید علی یزدی تبریز رفت در آنجا مادرش که شیرازی بود فوت میکند در نتیجه سید هازم شیراز میشود. در شیراز در کوی و برزن در خانه و انجمن همه جا وارد میشد و نطق میکرد. کم کم برای هدایت توده بفکر انتشار روز نامه افتاد. وارد چهاردهمین مرحله زندگانی شده بود و روز نامه بنام (اسلام) منتشر کرد و بارنگ سبز آنرا نشر داد. پس از قیام مستبدین شیراز بر علیه او و توقیف کردن روز نامه اش فوراً با زبان آتشین شروع به انتشار شب نامه ها کرد و چند روزی نگذشت که روز نامه (ندای اسلام) را با لحنی بیارتند بیرون داد و بمتنفذین فارس و مخالفین مشروطه بسختی تاخت. مستبدین فارس کمر قتل او را بستند برای شخص ۱۴ ساله اینگونه حوادث فوق العاده ناگوار و طاقت فرسا بود شی با یکی دو نفر از کارمندان روز نامه اش در دفتر خود نشسته بود که صدای گلوله فضای اطلاق راپر کرد سید ضیاء الدین جانش بطور حتم در خطر بود. بالاخره بادل بیجان از شیراز بطور ناشناس خارج شد و بطهران رفت و در طهران با پدرش (حاج سید علی آیت اله یزدی) بر علیه استبداد قیام نمود و از پیش آمد های تبریز و توج بستن روسها بحرم حضرت رضا برای تحریک احساسات مردم استفاده نمود تا اینکه محمد علی شاه حکم قتل و غارت خانه حاجی سید علی را میدهد ولی حکم قتل او اجرا نمیشود و سید علی را بسیاری تجید میکنند و سید ضیاء برای مدت دو سال بفرانسه تبعید میشود ۴۰.

آقای سید ضیاء الدین طباطبائی علاوه بر روز نامه ندای اسلام روز نامه شرق و برق را نیز منتشر نموده و برای اطلاع از آنها بکلمات ب و ش کتب رجوع شود.

ندای اسلام (۱۰۹۹)

روزنامه ندای اسلام بمدیري (حاج میرزا علی آقا صفهانی) در اسفهان تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی بطور مفتگی منتشر شده است. امتیاز روزنامه ندای اسلام در چهارم قوس ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است.

ندای آسمانی (۱۱۰۵)

روزنامه ندای آسمانی در طهران بمدير مسئولی و سردیري (سید محمد تقی) تأسیس و در سال ۱۲۴۱ قمری منتشر شده است. محل اداره، طهران، خیابان شاه آباد. بهای روزنامه، طهران ماهیانه ۳ قران سالیانه ۳۰ قران. در ولایات خرج پست اضافه میشود. تک شماره ۴ شاهی. برای محصلین و کارگران تخفیف داده میشود. طرز انتشار روزنامه بقسمیکه در عنوان آن فید شده روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه طبع و نشر میشود.

شماره چهارم سال اول ندای آسمانی در دو صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (ایران) طبع و در تاریخ ۵ شنبه ۱۴ قوس مطابق ۲۶ ربیع الثاني ۱۲۴۱ قمری منتشر شده است. سر مقاله این شماره تحت عنوان (کاینه و استیضاح) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد: «اینک ماه ششم کاینه دوم قوام السلطنه میرود بآخر برسد. دو کاینه ایشان تشکیل دادند در هیچ يك از این در کاینه و کلای دست چپ یعنی نمایندگان آزاد بخواه بمظلم له رأی اعتماد نداده...» پس از این سرمقاله، دو مقاله دیگری بکلی بعنوان (هبت منصفه) و دوم (معارف باید اصلاح شود) و سپس اخبار خارجه چاپ شده است. روزنامه ندای آسمانی از مخالفین سرسخت قوام السلطنه رئیس دولت وقت میباشد. از این روزنامه فعلا تا شماره ۹ سال اول مورخ سه شنبه چهارم جدی ۱۳۰۱ مطابق ۷ جمادی الاول ۱۲۴۱ در دست است. سرمقاله این شماره بعنوان (وتوق الدوله تظهير نمیشود) میباشد.

ندای ایران (۱۱۰۱)

روزنامه ندای ایران در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی بطور مفتگی منتشر شده است.

ندای شرق (۱۱۰۲)

مجله ندای ترقی در مشهد مقدس بمدیري (دکتر لقمان مبینی) و مؤسسی (میرزا عباسخان عظیم زاده) تأسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است. مجله ندای ترقی ماهی یک شماره بطور غیر مرتب در ۲۴ صفحه بقطع کوچک خشتی با چاپ سربی در مطبعه (نور و ایران) طبع و شماره اول آن در فروردین ۱۳۰۸ انتشار یافته. وجه اشتراك سالیانه آن ۱۸ قران و در خارجه ۵ رویه انگلیسی و تک شماره آن در مشهد بکتران و دهشاهی و در خارج باضافه وجه پست است. محل اداره، مشهد. کوچکه ارک.

مندرجات مجله ندای ترقی مطالبی است دینی و ادبی و اخلاقی و طبی و گاهی اشعار و اخبار

خراسان و مخصوصاً شهید مشهد در آن درج است. روی جلد مجله ندای ترقی (نامهٔ دینی، علمی، اخلاقی، طبّی و ادبی) معرفی شده شماره چهار سال اول مجله در ۲۶ صفحه بقطع کوچک در مطبعه سربى نور طبع و در تیرماه ۱۳۰۸ مطابق محرم ۱۳۴۸ قمری و زوئن ۱۹۲۹ میلادی منتشر گردیده. مقاله اول این شماره خطبه است بزبان عربی و بدینقسم شروع میشود: «بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذى شرف الانسان باعظم نعمائه...» پس از این خطبه سکه در ۸ سطر نوشته مقاله بعنوان (مبحث اخلاقی - عدالت) درج شده و فهرست بقیه مندرجات شماره مذکور از اینقرار است: صفت جور - حقوق پادشاه شیعه مذهب - نتیجه و علت غائی سفارت پیغمبر خاتم - علو معنوی سلطنت شیعی و علمای شیعه مذهب - مبحث طبّی - قابل توجه آقایان اطباء.

در سال اول یعنی از فروردین ۱۳۰۸ تا فروردین ۱۳۰۹ بیش از شش شماره از مجله منتشر شده و شماره هفتم آن بعنوان (سال دوم - جلد هفتم) در فروردین ۱۳۰۹ انتشار یافته و در سال دوم یعنی تا فروردین ۱۳۱۰ نیز بیش از شش شماره منتشر نگردید. در شماره اول سال دوم تمثال اعلیحضرت رضا شاه تقدیم چاپ شده و در زیر آن نوشته است: «برای مبارکی و میمنت سال دو مجله ندای ترقی گراور اعلیحضرت را طبع نمودیم» که منظور سال دوم تأسیس مجله میباشد نه سال دوم انتشار. در سال دوم مدیر مجله (حاج سید محمد سی نجفیان رضوی) معرفی شده قیمت اشتراك در این سال ۱۲ قران. خارج مشهد با اضافه پست. هند و عراق عرب سه رویه. قیمت شماره ۲ قران. در شماره اول سال دوم یکت تقویم سال ۱۳۰۹ در چهار صفحه به آخر مجله ضمیمه دارد.

مجله دهوت اسلامی مورخ فروردین ۱۳۱۰ شمسی شرحی بدینقسم راجع بمجله ندای ترقی نوشته است: «مجله ندای ترقی - این مجله که از هر جهت برجسته و فوق‌العاده قابل توجه میباشد دو سال است بدیریت فاضل دانشمند آقای حاج سید محمد علی نجفیان رضوی و بقلم عدّه از دانشمندان در مشهد مقدس طلوع و انتشار یافته. در اثر فشار اقتصادی چند ماهی بود که در محاق تعطیل واقع بود و اخیراً از تعطیل خارج و اولین شماره سال دوم (منظور سال دوم انتشار است. مؤلف) آن بامطالبی وزین زیارت شد. نگارنده فلاتاً شماره ۸ سال سوم این مجله مورخ ابلن ۱۳۱۰ مطابق جمادی الثانی ۱۳۵۰ قمری را در دست دارم.»

حاج سید محمدعلی نجفیان - در شماره ۴ سال اول مجله ندای ترقی عکس آقای نجفیان چاپ شده و در زیر آن نوشته است که زحمات ایشان ترقیات مهمی برای ندای ترقی حاصل کرده است و نیز در شماره ۹ سال دوم مجله دهوت اسلامی شجره‌نامه‌نمبرده را چاپ کرده. طبق این شجره‌نامه نسب ایشان بچند واسطه بدینقسم ختم میشود: ابن موسی البرقع ابن الامام الهمام محمدجواد التقی بن علی بن موسی الرضا علیهم السلام. وهم چنین در شماره چهارم ندای ترقی و عکس عظیم زاده بعنوان یکی از جوانان معارف پرور که اقدام بتأسیس مجله ندای ترقی نموده چاپ شده است.

ندای جنوب (۱۱۰۳)

روزنامه ندای جنوب در طهران بصاحب امتیازی (میرزا باقرخان معلم و مترجم

حرف النون بعد الدال ، ندای جنوب ، ندای حق ، ندای دهقان ، ندای رشت

در تبریز) و مدیر مسئولی (معهده باقرخان تنگستانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۹ قمری منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در شوال و شماره دوم آن در ۲۲ ذیقعده ۳۲۹ در هشت صفحه بقطع ۱۵ در ۸/۵ اینچ انتشار یافته. وجه اشتراك آن ۱۸ قران در طهران. ۲۰ قران در سایر شهرستانهای ایران و ۲۲ قران در خارج ایران.

(۱۱۰۴) ندای حق

روزنامه ندای حق در شهر خوی بمدیری (کاظم مرندی) تأسیس و در سال ۱۳۳۳ قمری منتشر شده است. طرز انتشار این روزنامه هفتگی است. اسم این روزنامه در فهرست جرایدیکه در مجله پروین چاپ طهران چاپ شده و سال اول انتشار آنها بوده دیده میشود ولی در فهرست روزنامه های آذربایجان تألیف تربیت نامی از این روزنامه نیست.

(۱۱۰۵) ندای حق

در مجموعه از جراید مختلف نمونه ای از روزنامه ندای حق دیده ام و در آنجا مدیر روزنامه (جبرئیل اعلامی) معرفی شده ولی از خصوصیات دیگر آن چیزی یاد داشت نکرده ام.

(۱۱۰۶) ندای دهقان

روزنامه ندای دهقان در سال ۱۳۰۰ شمسی در طهران بطور هفتگی منتشر شده است.

(۱۱۰۷) ندای رشت

روزنامه ندای رشت در سال ۱۳۲۹ قمری در شهر رشت منتشر شده است. برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۸) که نام این روزنامه را نوشته اضافه میکند که از روزنامه ندای رشت فقط دو شماره که شماره اول آن در تاریخ ۲۸ ربیع الاول و شماره دوم آن در تاریخ دوم ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته است.

(۱۱۰۸) ندای صحت

مجله ندای صحت در طهران بصاحبان نیازی و مدیر مسئول (دکتر سیدرضی صحت طباطبائی) و (تحت نظر هیئت اتحادیه اطباء دیلمه) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منتشر شده است. مجله ندای صحت با چاپ سربی در ۳۲ صفحه بقطع خشتی طبع و شماره اول آن در تاریخ مرداد ۱۳۰۶ انتشار یافته است. محل اداره: خیابان سپه - چهار راه حسن آباد. وجه اشتراك در داخله سالانه ۳ تومان شش ماهه ۲ تومان سه ماهه يك تومان. خارجه و ولایات قیمت تمیر اضافه میشود. تك نمره دو قران و دهشاهی. این مجله معروف در زیر اسم مجله چاپ شده: «العلم علما و علم الادیان و علم الابدان».

مجله ندای صحت چنانچه از اسم آن پیدا است و در پشت مجله قید گردیده (از مباحث علمی و اخلاقی بحث مینماید) و همانقسم که یاد آور شدیم (تحت نظر هیئت اتحادیه اطباء دیپلمه) منتشر میشده است.

در شماره اول پس از چاپ تصویر اعلیحضرت نقید (عکس تاجگذاری) مقاله افتتاحی آن تحت عنوان (و به نستین) چاپ شده و قسمتی از آن بدینقرار است: «بشر چون پا برصا وجود گذارد و دوران طفولیت بیایان رسد تکلیفی بر عهده دارد که مسامحه در انجام آن خیانت مطلق است - تکلیف انسان در یک اجتماع آنکه تقوی را شعار خود سازد. اوضاع اسفناک صحنی و هجوم امراض گوناگون در اقطار مملکت اخبار موحش تلفات سنگین در شهرها و قصبات تقلیل نفوس هر روزی ساکنین ایران ضرف و بیماری و خمودگی باقیمانندگان اینها بلایائی است که نژاد ایرانی را بدون تعارف و مبالغه بانقراض قطعی سوق میدهد. ولی منت خدایرا که از شش سال قبل همینکه ستاره ایران مداری اعلیحضرت اقدس شاهنشاه پهلوی درخشین گرفت مردم این مملکت یکباره از خواب غفلت و نومیدی بیدار و جنبشی کمناست با روح باعظمت ایرانی است در هر طرف پدیدار گردید جمعی از اطباء دیپلمه پایتخت نیز گرد هم جمع شده و پس از مطالعه بسیار از سایر همکاران دعوت بعمل آمده تا بالاخره در قرب چهار سال قبل اکثریت قریب باتفاق اطباء دیپلمه مجمعی تشکیل و مرامی در ترویج اصول صحنی و دعوت عام بمبارزه با امراض جسمی تدوین و هم از آن روز شروع بازار تهیه و وسائل نموده و من جمله اینک مجله (ندای صحت) را که مفاد ماده (۵) مرانامه است تأسیس مینماید.

اتحاد اطباء دیپلمه کوشش میکند که مندرجات مجله خود را در دسترس فهم عامه گذاشته با زبان بسیار ساده اصول حفظ الصحه را بساکنین دهات ایران هم بیاموزد و نا آنجا که مقدور است این وظیفه خود را بیایان رساند که لبس للانسان الا ما سعی و علیه التکلان. « فهرست مندرجات شماره اول با ذکر اسامی نویسندگان آنها، ۱- علل و موجبات تأسیس اتحادیه اطباء و مجله و شرح مرانامه اتحادیه اطباء دیپلمه بقلم آقای دکتر سید رضا خان صحت طباطبائی. ۲- تاریخ طب بقلم آقای دکتر سید ولی اله خلن نصر. ۳- باکتریولوژی و اهمیت ابن قسمت بقلم آقای دکتر رسولی. ۴- حفظ الصحه اطفال بقلم آقای دکتر رستگار. ۵- مضرات الکل و مسمومیت آن بقلم دکتر علیخان مستثنی. ۶- فهرست عملیات یکسال و تیم صحنه کل مملکتی ۷- راپورت اقدامات صحنه بلدیة. ۸- مرض کریپ یا انفلو انزاه بقلم آقای دکتر افضل الدوله ۹- دستور تربیت اطفال شیر خوار بقلم آقای دکتر شفاء الدوله.

(۱۱۰۹) ندای طهران

روز نامه ندای طهران در شهر طهران بمدیری (اقاحسین سلطان زاده) در سال ۱۳۰۴ شمسی تأسیس و بطور روزانه منتشر شده است. شورایعالی معارف امتیاز این روزنامه را در تاریخ آذر ۱۳۰۴ شی تصویب نموده است.

(۱۱۱۰) ندای قدس

مجله ندای قدس در طهران بمدیری (حسین قدس) تأسیس و شماره اول آن در مهر ماه جلالی ۱۳۰۴ شمسی مطابق ربیع الاولی ۱۳۴۴ قمری منتشر شده است . مجله ندای قدس در ۱۵ برج در ۸۲ صفحه بقطع ۱۳ در ۲۰ سانتیمتر طبع و توزیع گردیده و وجه اشتراك آن تا شماره چهارم ماهه همه جا ده قران و برای محصین طهران ۸ قران و از شماره چهارم مجله تا هفت سه ماهه هشت قران و از شماره هفت بیحد برای چهارماه يك تومان گردیده است . از مجله ندای قدس بیش از ۹ شماره منتشر نگردیده و بشماره ۸ و ۹ که یکجا طبع و توزیع شده ختم گردیده و این شماره متعلق به ابان و آذر ۱۳۰۵ است و بنابراین دوره مجله شمارمذکور ختم شده است . ندای قدس در مطابع مختلف طهران از قبیل سعادت و مجلس چاپ شده و مجموع صفحات آن ۲۹۸ میا شد . محل اداره تا انتشار شماره هفتم خیابان ناصریه کوچه دکتر منصور خانه نمره ۳۱ و محل مراجعه مشترکین دواخانه شریف و کتابخانه شرق و کلاه و کتابخانه طهران در لاله زار بوده و از شماره ۷ محل اداره بخیا بان نگارستان جنب مجلس انتقال یافته است .

بر طبق مندرجات صفحه سوم شماره اول ، خارج طبع و نشر مجله را پنج نفر از جوانان که عبارتند از آقایان شریفه نشید ، خطیبی ، فرزاد ، امیری ، و کلاه دیلمه های مدارس عالی و سیاسی دار الفنون و لسانیه مدرسه حقوق از نظر حسن عقید تیکه بنوشتهات و آثار فکری مدیر مجله داشته جهه گرفته اند .

قسمتی از مقاله افتتاحی مجله را برای مزید اطلاع خوانندگان گرام نقل مینمائیم : « برای خدمت باخلاق ، روحیات ، ادبیات ، حیات اجتماعی ، تجدید حقیقی و اصول اساسی تکامل ملی دست بکاری میزنم که مخلوط با هزار رنج و مرارت و بسی ضرر و خسران است . با وجود آن منت خدای را که باین بهترین آرزوی خود رسانیده و اینک عهد دار کاری میکنم که خدمت باخلاق و معارف ایناه وطن است . من از هر چیز در دوره حیات خود بیشتر بخدمتی علاقه مند بوده ام که در آن يك قدم بلند بطرف اصلاح اخلاق ، معارف و ادبیات وطن عزیزم بتوانم برداره و تصور میکنم که در نشر این مجموعه اکنون بآرزوی خود رسیده باشم . خاطرهای معزونی که از دوره های زندگی مجلات و جراید باقیمانده و عواقب حرمان بخش که بر اثر بیطلاکی عموم نسبت بسطیوعات ازبیه يك بوده است میخواست که قلوب برادران عزیز را برای لطایف حیات و روح فالایق جلوه دهد و چراغ این امید و آرزوی مسعود را در من خاموش ننماید ولی بالاخره فلین شدید عشق فداکاری و خدمت به موطنان باین باد و سر سر یاس و حرمان فائق آمد زیرا وضع ناگوار دیروز بشکر پروردگار بگذشت و کشتی طوفان دیده ما بساحل نجات رسید ندای قدس همه ماهه یکبار در هشتاد صفحه الهی صدم صفحه انتشار مییابد و موضوعات گوناگون اخلاقی ادبی اجتماعی و تاریخی را به بهترین طرز دلنشین و زیبا ترین اسلوب دلپسند به برادران موطن عزیز خود عرضه میدهد . ندای قدس بامید وفاداری احساسات و علاقه موطن وعده میدهد که در این خجسته فصل کهرانی ایران جز با گل و ریطان ، طراوت و جوانی ، خوبی و زیبائی ، با هیچ چیز دیگر قرین و مایوس نگردیده و در تمام دو ، پایداری خود پای از جاده راست و مسلك بی آرایش خود بیرون نکندارد . »

مندرجات مجله ندای قدس عبارت از مطالب مختلف تاریخی ، ادبی ، اخلاقی است برای اطلاع

فهرست مندرجات شماره دوم آنرا نقل مینمائیم ، -بی و عا، - وطن - بهای درستی و راستی -
مضامه دوره زندگانی - پرورش نفس - ماچه آرزوئی امروز باید داشته باشیم ؟ - زن - دعای زفاف
پارسیان - از اشعار سعدی - برای پسر ها - ار قصاید ابو الفتح بستى - شکایت دختر جوان
صیاد - بزکلمات شبلر - هیهات - از کلمات حضرت امیر - کتاب دانش و تقدیر - آلات موسیقی قدیم ایران
صفولیت اشخاص مشهور - دختر شاهسون - اسب و اهمیت آن در قدیم - داگلس امریکائی -
از کتاب من - از نامه های نادر افشار - ماهی واز ویک - غذا - کوه کبوتران - غزلیات شاطر
عباس - باران خون - قیافه شناس - دق بلبل - سوزاندن زن با شوهر - هروس انوج - جن در
شرق - انسان قبل از تاریخ - سه هراس سه کورباس - فد متوسط ملل - گوناگون - پنجه مریم
نکته شایان توجه این است که تمام این مطالب بدون امضاء و بقلم مدیر مجله
نوشته شده است .

(۱۱۱۱) ندای کرمان

امتیاز روزنامه ندای کرمان بمدیری (دکتر عیسی خان وزیری) در شهر کرمان
در تاریخ ششم خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۱۱۱۲) ندای گیلان

روزنامه ندای گیلان بمدیری (م. مدنی) در شهر رشت تأسیس و در سال ۱۳۰۲
شمسی بطور روزانه منتشر شده است . روزنامه ندای گیلان بمرتبه درجی ۱۳۰۲
شمسی توقیف گردیده و پس از چند ماه یعنی در حوت ۱۳۰۲ از توقیف خارج و منتشر
گردیده است . روزنامه طلوع چاپ رشت خبر توقیف آنرا در شماره ۲ سال اول مورخ
دو شنبه ۹ جدی ۱۳۰۲ و خبر رفع آنرا در شماره ۱۴ سال اول خود مورخ ۲۰ حوت
۱۳۰۲ بدین شرح نوشته است : « تشکر و تأسف - جریده شریفه ندای گیلان نسبت
بناه طلوع ابراز احساسات صمیمانه نموده و در عین حال شنیده میشود که در معاق
توقیف مستور شده است .

ما بعد از تقدیم عواطف تشکر آمیز خود از اظهار تأسف خود داری نکرده
بنام آزادی مطبوعات از اولیای محترم امور رفع توقیف آن گرامی نامه را مترصدیم
«رفع توقیف - جریده شریفه ندای گیلان که چندی قبل دچار توقیف شده بود اخیراً
از توقیف خارج و شماره ۲۵ آن با داره ما رسیده است ماموقیت مدیر آنرا خواستاریم»
و نیز در شماره ۲۴ سال اول طلوع مورخ ۱۶ ثور ۱۳۰۳ شرحی بامضای مدیر ندای
گیلان درباره توقیف مجدد روزنامه بدینقسم نوشته است : « بگمربه دیگر روزنامه
ندای گیلان بدون هیچ جهت و هلی از طرف دولت توقیف گردید . این توقیفهای
پیایی و خسارات متوالی ارکن انزجار و انتقام برانست به مسببن واقعی این قضایا به
هیچ وجه متزلزل ننموده و در نتیجه حق بحق دار خواهد رسید . مدیر ندای گیلان .
م . مدنی ۴۰ »

(۱۱۱۴) ندای وطن

روزنامه ندای وطن در طهران مؤسسی و مدیری (مجدالاسلام کرمای) تأسیس و در سال ۱۳۲۴ قمری منتشر شده است. ندای وطن با چاپ سربیی در مطابع مختلف از قبیل (مطبعه شرقی) و غیره طبع گردیده و در ابتدا هفته یکبار روزهای پنجشنبه طبع و جمعه توزیع (در عنوان روزنامه نوشته است ماهی چهار نسخه طبع و یک جلد کتاب هم بیشتر کین تقدیم میشود.) میشود. محل اداره آن ابتدا همان (مطبعه شرقی) بوده و روزنامه همانجا توزیع میشده است. آری به اشتراك سالیانه روزنامه: ط. ان ۲۵ قران. سایر بلاد محروسه ۳ تومان. در عثمانی و مصر ۴ مجیدی. در امریکا و فرانک ۱۴ فرانک. روسیه و قفقاز ۸ منات. در هندوستان ۱۲ روپیه. قیمت يك نسخه سیصد دینار. اجرت اعلانات سطرئ يك قران و در صورت تکرار دهشاهی است.

در بالای اسم روزنامه (ندای وطن) جمله (حب الوطن من الایمان) و در زیر آن جمله (هل من ناصر ینصرنی) و کلمات (آرادی - آبادی) چاپ شده است. ندای وطن معمولاً در هشت صفحه بقطع وزیری بزرگ طبع گردیده و هر صفحه آن مشتمل بر دو ستون است.

شماره اول روزنامه ندای وطن در هشت صفحه بقطع مذکور و با چاپ سربیی طبع و در تاریخ پنجشنبه ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ قمری مطابق ۲۷ دسامبر ماه فرانسه ۱۹۰۶ میلادی و ۱۱ دیماه سال ۸۲۸ جلالی توزیع گردیده است. در صفحه چهارم این شماره تحت عنوان (تشکر و افتخار) شرحی نوشته که خلاصه آن این است:

پس از دو سال خدمت بدت و ملت و زحمات زیاد اکنون که مجلس شورای ملی تأسیس شده این بنده از محبس کلات با هزاران رنج و ملال عودت نموده قریب. و بست نامه از ولایات و دارالخلافة رسیده که اینجانب دو مرتبه بشغل روز نامه نگاری مشغول شوم و چون اشتغال باین امر بر حسب درخواست دوستان بود لذا نام آنرا به (ندای وطن) نام گذاردم و مانند همان روزنامه ادب هفته یکنمره طبع و توزیع میشود.

پس از شرح مذکور چند درخواست از مشترکین و خوانندگان روزنامه نموده است.

آنچه در اینجا مجدالاسلام اشاره برورنامه ادب نموده برای این است که قبلاً یعنی قبل از تبعید بجانب کلات (شرح آنرا بعداً خواهیم نوشت) ابتدا با ادیب‌الممالک مدیر روزنامه ادب همکاری داشته و چندی هم مستقلاً روزنامه ادب را منتشر میکرده است قبل از تصویب قانون مطبوعات انتشار روزنامه منوط با اجازه صدر اعظم و هم چنین شخص شاه بوده است. و از اینجهت در صفحات دو و سه شماره اول عین فرمان صدارت عظمی و مظفرالدین شاه بدین نحو چاپ شده است: «ابلاغ مبارک از مقام منبع صدارت عظمی - جناب مستطاب شریعتمدار آقای مجدالاسلام. عرض میشود عرضیه و مدیحه جنابعالی بغا کلمی مبارک همایون تقدیم و استدعای جنابعالی در خصوص طبع و توزیع روزنامه موسوم بنه‌ای، وطن در خاکبای مبارک مقبول و اجاره مرحمت شده

البته با کمال امید و استظهار بمرام و لطاف ملوکانه بطوریکه لازمه دولتخواهی و وطن پرستی جنابعالی است و امتحانات کامله داده اید مشغول خدمت بدولت و نشر معارف و ایفاظ ملت باشید بوزارت جلیله انطباعات هم نوشته شد که اجازه طبع روزنامه بجنابه لی مرحمت شده است . زیاده چه نگارد . شهر ذیقعدہ ۱۳۲۴ ۰۴۰ سواد دستخط انجم نقط همایونی - جناب اشرف صدر اعظم اجازه طبع روزنامه مرحمت شود . شوال ۱۳۲۴ .

در صفحه اول اغلب شماره های ندای وطن عکس یکی از درباریان و بزرگان مملکت گراور شده و اطراف آن اشعاری بزبان فارسی و عربی طبع گردیده است . در شماره اول عکس مظفرالدین شاه ، شاه وقت طبع شده و اطراف آن هشت فرد شعر فارسی و چهار فرد شعر عربی نوشته شده است . شعر اول اشعار فارسی اینست :
 شه اساس نیک بختی در جهان محکم نهاد
 خوش اساسی مرحبا شامش اعظم نهاد
 و مصرع اول اشعار عربی چنین است : هو الامر شوری بیننا جائنا بها .

وز آن بهالتاریخ (عدل مظفر) ۱۳۲۴
 در شماره دوم تصویر محمد علیشاه قاجار چاپ شده و اطراف آن اشعاری ب عربی در مدح او طبع گردیده است . در شماره چهارم تصویر صدر اعظم و در شماره ششم تصویر حاج میرزا علیخان امین الدوله صدر اعظم سابق ایران چاپ شده است . از شماره چهارم سال اول روزنامه هفته دوشماره روزهای شنبه و سه شنبه و از شماره ۵۸ سال اول ندای وطن عنوان بویه پیدا نموده و سوای ایام تعطیل همه روزه طبع و توزیع میشده است . این شماره در تاریخ سه شنبه ۸ رجب ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و در آن خبر فوت مشیرالدوله صدر اعظم سابق ایران در رستم آباد شمران درج است . چنانچه در شماره سوم سال اول تحت عنوان (مصیبت عظمی) خبر مرگ مظفرالدین شاه قاجار نوشته شده است .

در باره مطالب و مسلک روزنامه در هر شماره در زیر عنوان آن این سه سطر چاپ شده : « این روزنامه بکلی آزاد است و از مطالب سیاسی و فواین اساسی و ملخص آثار و نتایج دارالشورای ملی ایران و کلیه اخبار داخله و خارجه بحث مینماید . مالات علمی و ادبی تجارتمی که مفید بحال ملت و منافی بآیین و دولت نباشد پذیرفته و درج میشود تصویر بزرگان و مؤسین محترم و و دلای منمخ مجلس شورایی را تدریجاً باگراور نشان میدهد . » بطور کلی مندرجات ندای وطن مانند سایر جراید صدر مشروطیت عبارت از مذاکرات مجلس شورایی و اخبار داخله و بیخت و نظریات جراید خارجی درباره حوادث ایران راجع بشروطیت و مکاتیبی که از ولایات فرستاده میشده و اخبار ولایات میباشد . از قسمتهای جالب و شیرین روزنامه که در سال اول روزنامه چاپ شده (گفتگوی شیخ بهلون و ملا نصرالدین) است .

از شماره پنجم سال اول (فهرست مندرجات) روزنامه در بالای ستون اول صفحه اول چاپ شده و برای نمونه فهرست چند شماره را نقل مینمائیم : فهرست

مندرجات شماره ۱۹ : «مجلس مقدس شورایملی - پارسی گور نکه تقزو دلکش است - رابورت انزلی - بقیه گفتگوی شیخ بهلول و ملا نصرالدین - بقیه ناله وطن - مکتوب شهری - اعلیٰ یا اولوالالباب - وزارت جلیله عدلیه . فهرست مندرجات شماره ۴۸ : « توضیحات ندای وطن - العجب ثم العجب بن الحسنی و الرجب - سواد دستخط اعلیٰ حضرت هایونی - مکتوب ساری - مکتوب بوشهر . « فهرست مندرجات شماره ۵۶ ، « مجلس مقدس شورایملی - انا لله و انا الیه راجعون - وطن ما در خطر است - رفع اتهام - مکتوب بهبهان - بقیه گفتگوی میرزا عبد الله و میرزا صادق . « شماره ۱۰۹ روزنامه در تاریخ دوشنبه ۱۱ شوال و شماره ۱۴۶ آن : در تاریخ سه شنبه ۲ ذی‌الحجه ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است .

روزنامه ندای وطن از روزنامه های بسیار مفید و کثیرالانتشار اول مشروطیت ایران بوده و تمام وقایع و حوادث مشروطیت ایران را در بردارد و انتشار آن تا موقع ببادرمان مجاس ادامه داشته است . برای اطلاع بیشتری از مندرجات مفید آن باید باصل شماره های روزنامه مراجعه نمود . مجد الاسلام کرمانی علاوه بر این روزنامه ، روزنامه های کشکول و محاکمات را نیز تأسیس و منتشر نموده و ما در محل خود از هر یک از این دو روزنامه بتفصیل گفتگو نموده ایم . اکنون بذکر شرح حال مرحوم مجد الاسلام میپردازیم و مخصوصاً شرحی که در ضمن نامه راجع بتبعید و شارالیه بکلات نوشته شده عیناً نقل مینماییم :

مجد الاسلام کرمانی - وی ادیبی فاضل و نویسنده مشهور و شاعری عالی مقام بوده در آغاز مشروطیت چند روزنامه مهم در طهران و اصفهان منتشر نموده و نیز شعر را با کمال سهولت و روانی میسروده است . منظومه شهر خاموشان را راجع باوضاع عدلیه که در مطبعه تمدن در ۹۰ صفحه در سال ۱۳۰۸ شمسی چاپ شده ، اوسروده است مجد الاسلام در اواخر عمر در کرمان میزیست و در سال ۱۳۰۲ شمسی در همانجا فوت کرده است . شرح احوال آن مرحوم بتفصیل در شماره ۲۶۵ مجله خواندنیها چاپ شده اما آنچه کمتر در جانی نقل شده است ، آن تبعید او بکلات است با اتفاق مرحوم رشديه و میر آقا اصفهانی که آنرا از روزنامه حکمت چاپ قاهره نقل مینماییم . قبل از نقل این قسمت شرحی را که مرحوم کسروی در باره علت تبعید مجد الاسلام نوشته ذکر نموده سپس بنقل آن می پردازیم . کسروی در جلد اول تاریخ مشروطه ایران صفحات ۱۲۳ و ۱۲۴ می نویسد : « از آنسوی عین الدوله خواست کسانی را از تند روان از شهر بیرون راند و چشمهای دیگران را بترساند و باشد که میخواست از این راه پروبال کوشندگان را بکند و هندستان ایشان را گرفته و دور گرداند شب شنبه ۲۵ خرداد (۲۴ ربیع الثانی) سه تن را که حاجی میرزا حسن رشديه و مجد الاسلام کرمانی و میرزا آقا اسپهانی بودند از خانه هاشان دستگیر کردند و هر یکی را بدسته دیگری از سواران کشیکخانه سیرده و بکهریزك فرستادند و از آنجا هر سه را بدرشکه نشاندند با سواران سوی کلات نادری روانه گردانیدند

اینان هیچک از کوشندگان نبودند. رشد به بنیاد گذار دبستان و خود مرد زباندار و بی پروائی میبود و در اینجا و آنجا از بدگوئی عین الدوله باز نمی ایستاد مجدالاسلام یکی از کارکنان عین الدوله و بگفته آنزمان را برتجن از می بود و از دستگاه او نان میخورد ولی این وقت کار کوشندگان را در پیشرفت میدید میخواست جایی هم برای خود در میان اینان باز کند و این بود در اینجا و آنجا نشسته زبان به گوئی از عین الدوله گشاده میداشت. « ناگفته نماند که کسروی نسبت به مجدالاسلام نظر خوبی نداشته و در جای دیگر از تاریخ مشروطه ایران (صفحه ۲۷۲) راجع باو مینویسد: « نویسنده فدای وطن مجدالاسلام کرمانی بوده که نامش را در بیش برده ایم. این مرد بدنام میبود و سپس بد نام تر گردید و از روزنامه‌اش هم باهمه آراستگی بیرون آن پیدا است که جز برای نان خوردن نوشته نشده. »

هماقسم که یاد آور شدیم تفصیل تبعید مجدالاسلام و میرزا آقا اسپهانی را، حاج میرزا حسن رشیدی، مدیر روزنامه (مکتب و طهران) که خود نیز جزو تبعید شدگان بوده در نامه خصوصی که از کلات بخانواده خود نوشته شرح داده است. این نامه را بواسطه اشتمالش بر نکات دقیق واقعه تبعید بکلات و از نظر اهمیتی که در تاریخ جراید و مجلات ایران دارد در اینجا نقل مینمائیم. « **مکتوب از قلعه کلات** - خدمت مخادیم یعنی خواتین مجلله و اولاد و اطفال معززه در طهران و بدیگر قوم و خویشان میرزا محمد این مکتوب را بخدمت حضرات اهل بیت قرائت نموده تسلیم علویه کند. **عنوان مسافرت** - عصر جمعه که از خانه بیرون آمدم، نایب علی اکبر خان را دیدم دم در ایستاده منتظر است چون مرا دید گفت که حضرت والا شاهزاده (نیرالدوله) باشما ملاقاتی لازم دارد. من حمل بر قضیه عمل م-ر-سه و عمارت خانه و مسئله اجاره نموده اجابت کردم. چون بدارالحکوه رفتم شاهزاده تشریف نداشت، با تلفون اطلاع دادند احضار بخانه فرمودند. در خیابان (یوشان نیه) عمارت دارند وارد شده پاسی از شب را منظر تشریف نشسته در ساعت چهار شرفیاب گردیدم. صرف شام کرده افتتاح سخن شد. فرمودند صلاح چنین دیده شده که مسافرتی کرده باشید ولی بنهطه که بعد از حرکتان معلوم خواهد شد. عرض کردم من از پیش آمد تقدیر هرگز امتناع قبول نکرده و ملول نشده‌ام لکن هیتقدر بدانید که بنیه من ضعیف است و طاقت رکوب ندارد. اگر خطر حرکت را میدانستم از اداره راحله آن راه را حتی با پول خود تهیه میکردم. اگر پول نقدی برای ادای وجه کرایه ندارم استعمال میکنم. حضرت والا اندکی نامل کرده با (صدارت عظمی) مخا. بره تلفون نموده اجازه گرفت که بخرج دولت درشکه بجهت ما بیاورند. در ساعت خبر آوردند که راحله حاضر دم در منتظر است.

نواب والا نیرالدوله (و نوق السلطان) را فرمود که سرهنک را بخواهید بیاید یکمدم سرهنک قرداغی (اسماعیل خان) نام وارد شد. دست در قبضه شمیر ایستاد حضرت معظم فرمودند که آنچه فلانی درجیب و بغل دارد صورت کرده قبض از سرهنک

بگیرید و در ضمانت ایشان محفوظ بماند . آنچه در جیب و بغل داشتم تسلیش را گفتم نوشتند و با مهر قبض از سرهنك گرفته و اسباب نزد من و قبض نزد وثوق السلطان ماند من جمله بیست تومان که نقد بود و چون سرهنك قبض ذمه داد عرض کرد که پس پول نزد من باشد که چون قبض مرا تسلیم کردند پول را رد کنم ، لهندا پول را به سرهنك تسلیم کردم . بعد فرمودند که مال حاضر است (از کیو بالسلامة و اله فیه) چون با سرهنك دم در آمدیم پانزده نفر سوار غلام کشیک خانه بایگدستگاه درشکه حاضر دیده سوار شدیم رو بحضرت عبدالعظیم حرکت کردیم ، هنوز آفتاب نروده بود که وارد کهریزك شدیم . نماز خوانده صرف چائی نموده خوابیدیم . مقارن ظهر بیدار شده بفکر نهار بودیم که پنج سوار بایک درشکه وارد شد . یکمدم (مجدالاسلام) مدیر روزنامه (ادب) را وارد کردند (در آنوقت هنوز مجدالاسلام روزنامه ندای وطن را منتشر نکرده بوده . مؤلف) در صورتیکه بیچاره مجدالاسلام نه عبا دارد نه عمامه و نه جوراب دریا و نه لباده دربر . ساعت را از بغل و کپف کاغذی را از جیب عبا را از دوش عمامه را از سر کفش را از پا در آورده بردند . بحال فلاکتی وارد کردند . درد تنهایی رفت و هیئت شادی و صحبت فراهم گردید . عمامه از سر برداشته نصف کردم هر دو معمم شدیم . چائی خوردیم و خوابیدیم . بیدار شدیم دیدیم پنج نفر سوار بایک درشکه دیگر وارد شد . بت عدد میرزا آقا تاجر اصفهانی (مجاهد) با يك حالت خنده داری وارد کردند پنج نفر سوار سیمی دستورالعمل جدید که از شهر آورده بودند با دو بیست تومان پول خرج راه تسلیم سرهنك نموده مراجعت کردند . درشکه سیمی را هم رجعت دادند فقط سه نفر اسیر و يك نفر سرهنك و بیست نفر سوار رو بحضرت عبدالعظیم مراجعت کرده ار پشت شهر بغاتون آباد رفتیم .

در اینجا مقصد بيك درجه معلوم شد که ما بخراسان میرویم یا بکلکات من با سرهنك در يك درشکه و جناب آقا میرزا و مجدالاسلام در یک درشکه ولی حرمت من بصل الهی و مرحمت حضرت والا (نیر النوله) وهم شهری بودن سرهنك ربطنی باسارت و گرفتاری نداشت خصوص که وعده های خوش آینده هم میدادم . همین قدر بدانید که از قوه قلبی که خدا بن داده حالت وجدی داشتم و رفیق مجدی هر ساعت به پستخانه رسیده اسب عوض کرده چائی خورده راهی می شدیم . بعد از هفت روز حرکت شبانه روز وارد ارض اقدس شدیم . چون نمیخواستیم کسی ما را به بیند و بتسام دروازه های خراسان بلد بودم راهنمایی کردم که از بیرون خندق بدروازه ارك برویم که متصل بدارالحکومه است همانطور وارد شده در همارت حکومتی در حیاطی که درش بسته و با احدی راه نداشتیم مانندیم تا حضرت اصف النوله بیدار شده برای ما نهار فرستادند شب احضار فرمود رسماً اعلان میهمانی و تعیین میهمانخانه و مهماندار فرمودند و من منتظر بودم که قبض و وثوق السلطان خواهد رسید و تسلیم سرهنك نموده بیست تومان را خواهم گرفت و چون قبض نرسید همانطور پول در دست سرهنك ماند بجناب شریتمدار عرض کنید که قبض مرا از وثوق السلطان گرفته در اداره حضرت اجل

امیر بهادر جنک با اسماعیل خان سرهنک تسلیم نموده بیست تومان را گرفته شما به رسانند یا از بابت طب خودش برمیبارد و اسماعیل خان حق دارد که توقع خدمت نماید لکن روزیکه از خراسان بوداع نزد من آمد ساعت را تقدیم ایشان کردم عذر زحماتشان را خواسته‌ام . بیست تومان فقط قرض ایشان است درمقابل قبضشان .

بعد از سه روز توقف در مشهد که تحت‌الحفظ بودیم و از منزل قدم بیرون نمی گذاشتیم ، دستورالعمل جدیدی از طهران رسید عازم قلعه کلات شدیم و در کلات ماندیم چنانچه چنین آسایش را شما هرگز در حق من در حالت حالیه تصور نمیکنید . اولاً دو نفر هم - نفر دارم که یکی جناب (آقا میرزا آقا تاجر اصفهانی مجاهد) باشد و یکی جناب (مجدالاسلام مدیر روزنامه ادب) هر دو عالم ، همدرد ، مهربان ، غمخوار زحمتکش ، لطیفه گو ، نکته منج ، نکته فهم ؛ مؤدب ، متین ، متقی ، معترم ، اهل راز ، وطن پرست ، معارف پرور ، صادق و شفیق . منزلی داریم دوازده فرسخ در دوازه فرسخ مضروب . آب جاری با اشجار مشمره در هم ، میوه های متنوعه روی هم ، هوای لطیف ، منزل نظیف ، آب گوارا ، نان گندم خالص ، برنج صدی ، روغن معطر با بره های پروازی ، خدام مؤدب ، مطیع ، مهربان ، صاحب خانه حاکم بلد باشد . شخصی است فلك فطرت ، برادر خصلت ، خدا پرست ، غریب نواز ، میهمان دوست . مهربان ، بزرگ منش ، فقیر پرور ، سخی طبع ؛ کریم ، قدر دان ، اندازه شناس ، مصاحب ؛ گشاده رو و دلسوز . همینقدر بدابید که الساعه ملالی جز انتظار از اوضاع حالات و گذارشات شما سر مومی نگرانی و ملالی ندارم و وسعت قلبی و تحمل صبری که خدا بر من کرامت کرده است گمانم اینکه بعد از چند روز د گمه پیراهن بجای خود نخواهد ماند و بزودی خواهم آمد . اما تکلیف معاش شما در صفحه مقابل نوشته میشود بهمان دستور رفتار بنماید . (گمان می رود این توصیفات و تعریفهاییکه رشديه از حاکم کلات و اوضاع انجان نموده بیشتر برای تسکین خانواده اش بوده است . (مؤلف) اما آنچه در صفحه مقابل نامه راجع بامر معاش خانواده نوشته عبارت از صورت قبضی است که حاج میرزا حسین رشديه بموجب آن مبلغ یکصد هزار تومان از مردم قرض میکند و بانك استقراضی روسیه در باین قبض تعهد پرداخت آنرا امضا مینماید

نمره ۰۰ ۱

قرض الحسن

سنه ۱۳۲۳

مبلغ یکتومان

اول مؤسس مدارس جدیده ایران حاج میرزا حسن تبریزی معروف بر رشديه برای بنا و ابقای دائمه يك مکتب شبانه روزی در طهران صد هزار تومان از ملت قرض می کند و در مقابل آن صد هزار چنین قبض میدهد و بانك دولتی روس را بموجب امضای ذیل بر ادای آن ضامن میسپارد .

امضاء ۰۰۰۰۰۰

بانك استقراضی متعهد و ضامن است که در وجه این یکصد هزار تومان دویت هزار تومان نقد در بین سنه ۱۳۲۳ و سنه ۱۳۲۴ بقرار ذیل بصاحبان قبوض بیردازد

و قبضی صاحب قبضی را دریافت دارد . (ترتیب پرداخت برای خسوف از اطلاع کلام حنف گردید . مؤلف)

حاج میرزا حسن رشده و مجدالاسلام و میرزا آقا اسپهانی در طول مدت صدارت عین‌النوله در کلات محبوس بودند تا در آغاز تأسیس مجلس شوراییلی ؛ در صدارت مشیرالنوله از حبس نجات یافتند و با تشریفات تمام آنها را وارد نمودند .

(۱۱۱۴) ندای هرمز

شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه ندای هرمز را در اصفهان بدیری (مؤید گیلانی) در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۰۴ شمس تصویب نموده است . آقای مؤید گیلانی علاوه بر این روزنامه های کشف اسرار و ولوای اسلام را منتشر نموده است . بعرف کف و لام کتاب مراجعه شود .

(۱۱۱۵) نرخك - گفتارنو

روزنامه نرخك بمؤسی و مدبری (س . سیونیان) در طهران تأسیس و تا نمره ۸ آن بزبان زرنی و از نمره ۸ سال اول مورخ ۱۵ تیرماه ۱۳۰۹ شمس يك صفحه آن بزبان فارسی و سه صفحه بقیه (بغیر از باورقی صفحه دوم) بزبان ارمنی چاپ و منتشر شده است . روزنامه نرخك معمولاً در چهار صفحه چاپ و راجع به اناشار آن بمو زبان فارسی و ارمنی در همین شماره هشت در سر مقاله آن تحت عنوان (سبب انتشار بزبان فارسی و ارمنی) شرحی نوشته که خلاصه آن چنین است :

« در بعضی محافل و حتی در روزنامه تجدید گفتگو میشد که چرا ارمنه تالیفات و انتشارات خود را بزبان ارمنی منتشر میسارند و در نمره چهارم همین روزنامه نوشتیم که ارمنه و ایرانیان از يك نژادند ولی هیچیک از طرفین همدیگر را آقسی که باید نی شناسند و لذا برای اینکه بتوانیم این عایق را از میان برداشته و وسیله معاشرت را ایجاد کنیم مبادرت به نشر این روزنامه بفارسی و ارمنی نمودیم ، پس مقصود از نشر این روزنامه شناساندن مدنیت ، ادبیات ، تفکرات قدیمه و جدیده و ترقیات روز افزون عصر حاضر بکلیه ارمنه دنیا و بالعکس ادبیات و عقاید و مسالک ارمنه و مخصوصاً ارمنه ایرانی ملت با شهامت فارسی زبان ایران میباشد . برای اطلاع از سبک مندرجات روزنامه نرخك یادآور میشویم که در شماره هشتم پس از سر مقاله مذکور مقاله (بکی از وسائل توسعه اقتصاد) و دیگر مقاله (قالی ایران بقلم عیسی با نس) و بعد (آخرین اخبار) و (اوضاع دنیا) درج شده . باورقی روزنامه که در صفحه دوم چاپ شده ترجمه ار آثار نویسنده فاضل (دانی) تحت عنوان (حرم) است .

محل اداره روزنامه ، طهران . جنب مطبوعه مدرن . آدرس تلگرافی : سیونیان طهران . طرز انتشار روزنامه هفته دو روز روزهای یکشنبه و پنجشنبه بوده است . بهای روزنامه : طهران سه ماهه ۲۰ قران . ششماهه ۲۵ قران . یکساله ۶۰ قران . ولایات

۲۵ و ۴۰ و ۷۰ قران . خارجه ۸ دولار تكشماره همه جا بکفران . شماره ۳۸ و ۳۹ نرخك بکجا و در تاریخ ۲ آذرماه ۱۳۰۹ شمس منتشر شده است . از روز نامه مذکور فعلا تا همین شماره در دست است .

روزنامه آینده ایران درباره جریده نرخك مینویسد این روزنامه يك صفحه فارسی و سه صفحه بزبان ارمنی هفته دو شماره بمدیریت (میسو سیمونیان) که یکی از نویسندگان مطلع ارامنه است منتشر میشود . لازم است یاد آور شویم که شورای عالی معارف در تاریخ ۱۴ دی ۱۳۰۴ شمس امتیاز روزنامه بنام (نرخك بمدیری اودیس بقیبایانس) تصویب نموده که در طهران منتشر میشود . و ظاهراً این روزنامه همان نرخك میباشد که چند سال بعد انتشار یافته است . مدیر این روزنامه (اودیس بقیبایانی) مجله باسم (میهبیان) نیز تأسیس نموده که برای اطلاع از آن بحرف میم کتاب رجوع شود .

(۱۱۱۶) نسیم سحر

روزنامه نسیم سحر در طهران بمدیری وصاحب امتیازی (میرزا محمد علی غین) تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمس بطور هفتگی منتشر شده است . امتیاز این روزنامه در تاریخ ۷ دی ۱۳۰۴ شمس از تصویب شورای عالی معارف گذشته است سیاق مطالب روزنامه نسیم سحر ادبی است . مجله عرفان چاپ اصفهان در شماره دوم سال دوم خود مورخ مرداد ۱۳۰۴ شمس درباره این روزنامه مینویسد « نسیم سحر جریده ایست ادبی ، سیاسی حاوی يك سلسله اشعار آبدار ریخته طبع گهر بار جمعی از شعرای طهران تاکنون چند شماره آن با اداره رسیده از قرائت آن بهره مند شده ایم . » . آقای مطیعی مدیر روزنامه کانون شعرا چندی با این روزنامه همکاری نزدیک داشته است

(۱۱۱۷) نسیم شمال

روزنامه نسیم شمال در شهر رشت بمدیری (سید اشرف) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است . این روزنامه معمولاً در چهار صفحه بقطع وزیری و با چاپ سربی در (رشت مطبوعه عروة الوقتی) طبع گردیده شماره اول آن در تاریخ ۲ شهبان ۱۳۲۵ قمری منتشر گردیده است . نسیم شمال روزنامه ایست ادبی و مندرجات آن اشعار است . اثر طبع مدیر روزنامه (اشرف الحسینی) انتقادی که بعنوان (ادبیات) چاپ شده است ؛ نمونه ای از اشعار مذکور بنقل از شماره چهارم نسیم شمال که بمضای (اشرف الحسینی) می باشد .

آنکه میگفت ملی بلی چطو شد
ان لمعات منجل چطو شد
آن چند سات عملی چطو شد
بیدق ظالم خوابیده ، ای والله
وقت چراغان رسیده ، ای والله

درویش نهنگ پلنگ چطو شد
ورد خفی ذکر جلی چطو شد
نور عدالت تابیده ، ای والله
صبح معارف دیده ، ای والله

آن گفتگوی اولی چطو شد های لله رقص کابلی چطو شد
 نسیم شمال عنوان هفتگی داشته ولی بطور غیر مرتب منتشر شده . برون در
 کتاب مطبوعات و شعر فارسی (ص ۱۴۹) که فقط از نسیم شمال منتشر در رشت یاد
 کرده مینویسد من نمرات ۹-۱۲-۱۴-۱۶-۱۸-۱۹-۲۲-۲۳-۲۷-۳۳-۴۵-۴۸
 و نمرات ۵-۷ و ۱۰ سال سوم روزنامه را در دست دارم . نمرهٔ آخری در تاریخ دوم
 شعبان ۱۳۲۹ قمری منتشر گردیده است . و نیز در همین کتاب در صفحات ۲۳۴ از شماره
 ۷ سال چهارم نسیم شمال اشعاری تحت عنوان (خبر دار) بامضای (فکری بررگر)
 و ۲۳۹ و ۲۴۰ اشعاری بامضای (سید نجف بنساء) نقل کرده . بند اول اشعار
 اخیر این است .

این روزنامه بر همه ایران مبارک است بر اهل رشت و مردم دهقان مبارک است
 بر زارع گرسنه و هریان مبارک است امسال از برای فقیران مبارک است
 سید اشرف‌الدین مدبر نسیم شمال بقسمیکه بعداً در شرح احوال او یاد آور خواهیم
 شد هنگامیکه از سفر آذربایجان بگیلان رفت روزنامه نسیم شمال را در شهر رشت
 دایر نمود و روزنامه مذکور تا انحلال مشروطه اولی منتشر می‌شد و در آنوقت توقیف
 گردید و در سال ۱۳۲۷ قمری از توقیف خارج شد و پس از فتح طهران و غلبه آزادبخواهان
 نسیم شمال با کمک های مادی و معنوی مرحوم محمد ولیخان سپهسالار مجدداً پا به
 دایره انتشار گذاشت و اشرف‌الدین در یکی از شماره های نسیم شمال در فتح گیلان
 و ورود سپهسالار اشعاری سروده و برون تمام اشعار را (ص ۲۰۶) نقل کرده است

شد گیلان دگر باره پر انوار	زآ یمن مقدم سعد سپهدار
سزد گیلانیان یکسر نمایند	غبار مقدمش را کحل ابصار
جهانگیرا امیر دستگیرا	که نامت منتشر گشته در اقطار
بغیر خود ندیده است و نبیند	چو تو ملت پرستی هیچ دیار
همیشه باد مداح تو اشرف	نگهدارت خداوند جهاندار

پس از آمدن اشرف‌الدین بطهران روزنامه نسیم شمال در سال ۱۳۳۳ قمری
 در این شهر پا بدایره انتشار گذاشته است . سبک مندرجات روزنامه نسیم شمال در
 طهران نیز مانند رشت انتقاد از اوضاع بزبان شعر است و بیشتر مطالب آنرا اشعار
 فکاهی و غیر فکاهی در موضوعات مختلف تشکیل میدهد . نسیم شمال با چاپ سری در
 مطابع مختلف طهران چاپ شده و معمولاً در هشت صفحه بقطع وزیری منتشر گردیده
 است در هر شماره در عنوان روزنامه این شعر درج است :

خوش خبر باش ای نسیم شمال که بسا میرسد زمان وصال

اسم روزنامه بخط شبیه بخط شکسته و سال انتشار آن در طهران (۱۳۳۳ قمری)
 در داخل آن چاپ شده است . و نیز جمله (امن یجیب المضطر اذا دعاه) در بالای
 عنوان روزنامه درج است محل اداره مدنی : لاله زار کوچه حاج باقر صراف دایره
 توزیع کل جراید بوده ، عنوان تلگرافی (نسیم شمال) قیمت تک شماره آن از شش

تاهشت شاهی و پس از يك هفته یكقران است طرزانتشار روزنامه هفتگی بوده روزهای جمعه طبع و توزیع میشده است . نسیم شمال بعلت اشتمال آن بر اشعار سهل و روان در میان طبقه سوم بخصوص خواننده فراوان داشته و مردم اشعار آنرا در مجالس بزم و طرب میخوانده اند . خود اشرف الدین مدیر روزنامه در شماره اول سال نهم به عنوان لطیفه میگوید :

امروز روح بخش نسیم شمال شد هر صفحه اش چو دختر صاحب جمال شد
در روز جمعه باز زمان وصال شد روح روان وقوت دل اهل حال شد
در خواندنش هزاران قال و مقال شد

اشعار دلکش شکرینش روان فزا است شعر نسیم روح روان است و جان ماست
ملت تمام عاشق اشعار پر بهاست کلقتد شعر او ز بنفشه شکر رباست
شماره اول سال نهم نسیم شمال در هشت صفحه بقطع و ذیری در مطبعه سربی
(کلیه بیان) طبع و در تاریخ پنجشنبه ۱۹ جمادی الثانی ۱۳۴۳ قمری مطابق ۲۵ جدی
۱۳۰۳ شمسی انتشار بیافته . سرمایه این شماره اشعار است اثر طبع اشرف الدین
تحت عنوان (تواب) و در باره ولادت حضرت زهرا علیها سلام سروده است .

از ولادت زهرا آفتاب روشن شد خاک یثرب و بطحا همچو باغ گلش شد
نور شاهد غیبی چون روزگار آمد از فلک ملک بر خاک بهر افتخار آمد
در مدینه از هرسو جبرئیل یار آمد از بهشت حور العین بانقش و نگار آمد
دیگر از مندرجات این شماره (مولودیه صدیقه طاهره) که در هفت بند گفته
شده و از مندرجات این شماره (شکایت و اگونچی هاست) که در تأیید آن اشعاری نسیم
شماز گفته و باین اشعار ختم میگردد :

از برای اهل طهران با وفا اشرف الدین را نگهدار ایخدا
چون بما هر هفته از اشعار او میشود حور بهشتی رو برو
دارد امید اینکه با سعی تمام کار واقون زودگیرد انتظام
بیکه واقونچی باید بیشتر چون شود او را مواجب بیشتر
(امضاء مسافر)

آخرین قسمت از مندرجات شماره اول سال نهم (اشعار دری وری) میباشد.
نه ما علم و نه استعداد داریم نه مشروطه نه استبداد داریم
سرمقاله شماره ۱۲ سال نهم بعنوان (ماه صیام) و بشرح است .
این ماه روزه بر همه ایران مبارک است مخصوص از برای مسلمان مبارک است
سرمقاله شماره ۳۰ سال نهم تحت عنوان (گفتگوی کلانمدی باملانما) میباشد
السلام السلام ای آخوند شیخ شیرین کلام ای آخوند
سال بگذشته من ترا دیدم مطلب خویش را نپرسیدم
مطلب این است اندرین طهران از کجا آمدی شدی اعیان
نسیم شمال بسبب مذکور تا اواخر سال چهاردهم منتشر شده و از سال پانزدهم

که مصادف بامرك مرحوم اشرف الدین بوده روزنامه بصاحب امتیازی و مدیرمسئولی (ح. حریرچیان) و سردبیری (حریرچیان ساعی) انتشار یافته است. اشرف الدین در اواخر عمر گوشه‌گیری انتخاب نموده و در یکی از حجرات مدرسه طهران مسکن گرفته بود روزنامه فروش‌ها بحجره اورفته و با دادن مختصر پولی اشعاری از او گرفته و بنام نسیم شمال منتشر می‌نمودند در شرح حالی که از آن مرحوم در روزنامه نسیم شمال نوشته در باره سالهای آخر زندگی اشرف الدین اینطور مینویسد: «مرحوم اشرف الدین در اواخر عمر جنبه اعتزال و خمول را بر حشر و معاشرت ترجیح داده و با جنبه آزادی فکر مقتضی شد از مضیف خانه آقای سردار منصور سپهدار رشتی بحجره مدرسه صدر بگریزد و اطفال روزنامه فروش همانجا میرفتند و در مقابل تقدیم وجهی بایشان چند فرد شعر و یک وظیفه یا لطیفه اخذ و بنام نسیم شمال منتشر می‌ساختند تا اینکه اخیراً شاعر جوان ما آقای ساعی که یکی از جوانان ضعیف نجیب پاکدامن و از خاندان جلیل سادات علویین و بازرگانان معروف بایتخت ما هستند آقای اشرف الدین را در خاتمه عمر بمهمانی پذیرائی و شاعر فقید ما تمام مزایای ادبی خود را به ضمیمه نامه عزیز نسیم شمال بفرزند روحانی و ادبی خود آقای سید محسن خان حریرچیان ساعی واگذار نموده روح پاکش به شاخسار جنان پرواز کرده و حال تحریر که نده این سطور یادگار را می‌نویسم امید است در آغوش رحمت خداوند و کنیاز چشمه سلسیل و نسیم پدید آورنده روزنامه نسیم مشغول خوردن مرغ و فسنجان با حور و غلمان باشد.» این شرح حال بقلم آقای فرهنگ نوشته شده است. همانطور که در شرح مذکور نوشته شده مرحوم اشرف الدین در اواخر عمر امتیاز روزنامه نسیم شمال را با آقای محسن خان حریرچیان ساعی واگذار نموده و روزنامه رسماً از طرف ایشان منتشر می‌شده است و از این هنگام است که دوره سوم روزنامه نسیم شمال منتشر می‌گردد ما شرح آنرا جداگانه می‌نویسیم:



سید اشرف الدین الحسینی - سید اشرف الدین حسینی در قزوین بدنیا آمده و در دوران طفولیت پدرش را از دست داده، پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی در شهر مولد خود بعتبات عالیات برای تکمیل تحصیلات عزیمت کرده ولی بواسطه پیش آمد هائی نتوانسته است در آنجا اقامت نماید و لذا از عتبات مراجعت ورهسپار آذربایجان می‌گردد. در آذربایجان بخدمت پیری رسید و درویشی و قلندری را پیشه گرفته است و در این وقت بیش از ۲۱ سال از عمر او نگذشته است. پس از مراجعت از آذربایجان

درگیلان توقف نوده وهینکه درسال ۱۳۲۴ قمری اعلان مشروطیت داده شد در شهر رشت روزنامه نسیم شمال را تأسیس و منتشر نمود و انتشار آن ادامه داشت تا انحلال مشروطیت اولی دوچار توقیف گردیده و باز درسال ۱۳۲۷ قمری و پس از فتح طهران و غلبه آزادی خواهان بکمک مادی و معنوی مرحوم محمد ولیخان سپهسالار و جمع دیگر از گیلانیان موفق با انتشار روزنامه گردید و بتدریج صیت شهرت اشرف الدین در داخل و خارج ایران بلند شد و اشعار او را همه جا می خواندند و تصنیفهای او ورد زبانها بود آثار و تالیفات آن مرحوم که بعضی در رشت و قسمتی در طهران بطبع رسیده بدین قرار است : کتاب کوچکی است در حکمت که در رشت چاپ شده . و رمان شیرین عزیز و غزال و کتاب ظهور امام و تاریخ سلاطین ایران بنظم که در طهران طبع شده است . مهم نراز همه دو جلد دیوان اشعار اوست که جلد اول آن درسال ۱۳۰۸ شمسی برای مرتبه سوم در بیبئی در مطبعه صفائی در ۳۰۴ صفحه پستی طبع شده است . جلد دوم در ۱۳۰۶ شمسی بار در مطبعه نادری بیبئی در ۳۲۰ صفحه پستی طبع گردیده است . قسمت عمدتاً از اشعاریکه در دو جلد دیوان او چاپ شده از روزنامه نسیم شمال گرفته شده است .

سید اشرف الدین از شعرای خوش قریحه و خیلی طرف توجه عامه و توده مردم بوده و مخصوصاً از حیث روانی اشعار در رتبه اول است . او وارد برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی در جائیکه شرح احوال چند نفر از شعرای جدید ایران را نوشته چند صفحه از کتاب خود را مخصوص اشعار اشرف الدین قرار داده و قطعاتی از اشعار او را بضمیمه ترجمه های انگلیسی آن در صفحات ۲۰۷ تا ۲۱۵ نقل کرده است من جمله قطعه ایست که اشرف الدین بمناسبت ورود سپهدار بطهران سروده و چند شعر اول آن چنین است :

حاجی بازار رواج است رواج	کو خریدار هراج است هراج
می فروشم همه ایران را	عرض و ناموس مسلمانان را
رشت و قزوین و قم و کاشانرا	بخرید این وطن ارزان را
برد و خون سار هراج است هراج	کو خریدار هراج است هراج

اشرف الدین در فروردین ۱۳۱۳ در طهران بسرود زندگی گفته و مدیر روزنامه توفیق پس از چاپ عکس او نعت عنوان (تأسف از فوت شاعر ملی) قطعه در رثاء او سروده که باین دو شعر شروع میشود :

آه که آن سید والا مقام	کرد تپهی خرقه و برداشت گام
رفت سوی خلد بعد احترام	خدمت جدش بی ذوالکرام
قطعه مذکور باین شعر ختم میشود :	
حیف از این سید نیکو خصال	رفت سوی خلد نسیم شمال

تجدید انتشار روزنامه ادبی نسیم شمال پس از فوت سید اشرف الدین مؤسس آن در خرداد ۱۳۱۳ شمسی در طهران بدبیری (حریرچیان ساهی) بوده است . نسیم شمال

در این دوره نیز سبک سابق خود را حفظ کرده و یک‌قسمت از اشعار مرحوم اشرف‌الدین که چاپ نشده در این دوره بطبع رسیده است .

در این دوره روزنامه نسیم شمال بصاحب امتیازی و مسئولی (ح - حریرچیان) و سر دیری (محسن‌الحسینی حریرچیان ساعی) تأسیس و شماره اول آن که مطابق با شماره اول سال پانزدهم روزنامه بوده در هشت صفحه بقطع و ریری و با چاپ سری در مطبعه (اطلاعات) طبع و در تاریخ پنجشنبه ۱۷ صفر ۱۳۵۳ مطابق ۱۰ خرداد ۱۳۱۳ شمسی منتشر شده است . محل اداره : خیابان عین الدوله . آبونمان - سالیانه ۳۰ ریال . شعرا و محصلین ۲۰ ریال . سالیانه خارجه ۴۰ ریال . تک‌شماره هشت‌شله‌ی طرز انتشار هفتگی بوده و روزهای پنجشنبه توزیع می شده است .

از ابتدای این دوره در تمام شماره ها این شعر در زیر اسم روزنامه چاپ شده :

بیاد اشرف دین سید ستوده خصال / مشام خویش معطر کن از نسیم شمال

سرمقده شماره اول سال پانزدهم تحت عنوان (روزنامه نگاری و مرام ما) نوشته شده و بدین‌قرار است روزنامه نگاری در مملکت متمم امر روزی یکی از بزرگترین وظیفه است که نمیتوان انرا سر سری پنداشت و اهمیتی از برای ان قائل نشد . روزنامه نگار باید در مقالات و سایر مندرجات خود چند چیز را در نظر داشته باشد تا بتواند اولاً مقام خود را حفظ و ثانیاً طرف توجه عامه گردد . بقیه من شرایطی را که نامه نگار باید واجد ان باشد اول منظور داشتن خدا و دین دوم (دوستی شاه و مملکت) سوم (شناسائی طبایع توده در نگارش) . این دستور بزرگ از مهمترین وظیفه روزنامه نگار محسوب میشود باری امروز که بحول و قوه الهی در یرتو ذات اقدس شهرباری و اجازه وزارت جلیه معارف نشر روزنامه (نسیم شمال) را متقبل شده ام بجز از سه منظور فوق که متذکر گردید مرام دیگری نداریم و نخواهیم داشت .

من الله التوفیق و علیه التکلان . حریرچیان

این بود مقاله افتتاحی روزنامه نسیم شمال در دوره سوم . پس از این سر مقاله اشعاری از

(امیرالشعرا نادری) بعنوان (ایران نو) چاپ شده که سر اول آن چنین است

ایران نورا شد روان در جسم جان دیگری / این ملک را آمد بتن از نو روان دیگری

شعرانی که در این شماره از آنها شعر نقل شده بترتیب عبارتند از (امیرالشعرا - نادری)

و (فنائی) و (گفتار شیرین شادروان اشرف‌الدین الحسینی) و (علی‌بنی خان کوثر) و (نسیم شمال

و (میرزا غلامعلی خان صافی) و (محسن حریرچیان ساعی) و (فرات منشی انجمن ادبی طهران)

د (حسین مجید) از شاعران اخیر اشعار تفریحی تحت عنوان (دلبر عزیز من) چاپ شده است

در شماره دوم جوض سر مقاله بحرطوبلی راجع بمعاکه علی اصغر قاتل طبع گردیده است .

در شماره ۳۹ سال پانزدهم که در تاریخ پنجشنبه ۷ فروردین ۱۳۱۴ شمسی منتشر

شده در صفحه اول آن عکس مرحوم اشرف‌الدین در لباس عمامه گراور شده و (بمناسبت

سال فوت اشرف‌الدین الحسینی مؤسس نسیم شمال) منظومه اثر طبع امیرالشعرا

نادری در رتاه آن مرحوم طبع گردیده . چند شعر اول منظومه بدین‌قرار است :

اشرف‌الدین بصل فروردین / رفت ودی شد بهار گلشن دین

برخ دین نشست از این غم‌گرد
 نشکفتد بیرخ نسیم شمال
 اشرف‌الدین سلیل‌پاک رسول
 آنکه ترش چونظم بودفصیح
 شد چو عرش خزان بفروردین
 از نسیم صبا گل و نسرین
 سید دین پژوه و پاک آیین
 آنکه نظمش چوثر بود متین
 شعر آخر این منظومه که مشتمل بر ماده تاریخی فوت اشرف‌الدین میباشد چنین است:
 سال فوتش دو اشرف‌الدین است
 شهری، هجری از شهر و سنین

۱۳۱۲

رو به‌رفته نسیم شمال در دوره سوم و همچنین دوره های قبل مجموعه اشعار است
 از شعرای معاصر که در موضوعهای مختلف سروده و متضمن اشعار فکاهی و جدی و بحر
 طویل و غیره می باشد. گاه گاهی نیز مقاله تشریحی نیز در آن چاپ شده و البته
 خیالی کم است.

روزنامه نسیم شمال تا قبل از حوادث شهریور ۲۰ مرتب چاپ شده و پس از آن
 بدون ترتیب انتشار یافته است. برای مزید اطلاع خوانندگان بند اول از قطعه شعر
 فکاهی که بعنوان (هنگام غذا خوردن بر جمله مجو پیشی) در شماره ۲۸ سال شانزدهم
 چاپ شده نقل مینماییم:

از بهر خوراک شب در سفره کباب اولی ✚ هنگام پلو خوردن تعجیل و شتاب اولی
 شب گشت چوساعت ده از بهر تو خواب اولی ✚ این خرقة که من دارم درو هن شراب اولی
 و بند فتر بی معنی، غرق می ناب اولی

(۱۱۱۸) نسیم صبا

مجله نسیم صبا در طهران به‌سالمالین و مدیریت (ح-ین کوهی کرمانی) تأسیس و در
 سال ۱۴۰۲ شمسی منتشر شده است. محل اداره مجله: طهران. خیابان لاله‌زار - کوچه
 حاج باقر صراف. ابونمان یکسازه مجله ۴ تومان و تک شماره شش شایسته، نسیم صبا مجله
 ایست (ادبی - فکاهی - اجتماعی) و در عنوان هر شماره این شعر بعنوان شعر روزنامه
 چاپ شده است.

چه فنچه سر نهفته نهان کی ماند
 دل مرا که نسیم صباست محرم راز -
 شماره اول سال دوم نسیم صبا در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سربی (مطبعه بوسفور شنبه‌یک)
 و در تاریخ ۱۵ حمل ۱۴۰۲ شمسی منتشر شده است. در این شماره بعضی سر مقاله
 اشعاری است تحت عنوان

شد مسخره جمهوری از آقای تدین
 شد مملکت آشفته ز غوغای تدین ،
 مجله نسیم صبا پس از مدتی تعطیل سال دهم ان در خرداد ۱۴۱۱ شمسی به‌سالمالین
 و نویسندگی کوهی کرمانی شروع شده و در هر مقاله این شماره که بقلم مدیر مجله نوشته شده
 در باره تعطیل و انتشار مجدد آن چنین نوشته است ،
 مدتی این مثنوی تاخیر شد
 مدتی بگذشت تا خون شیر شد

عشق و علاقه مفرطی که این خادم مطبوعات بمعارف و ادبیات دارم بر آنم داشت که بار دیگر مجله ادبی نسیم صبارا منتشر نمایم . روش این مجله ادبی است و در اطراف ادب و ادبیات و شعر و شاعری گفتگو مینماید و محتوی بر مطالب سودمندی خواهد بود اعم از فکاهی و جدی و در هر شماره یک قصیده از مهمترین قصائد شعرا و اساتید زبان فارس مندرج خواهد بود . امید است بعون خدای متعال این مرتبه موفق شوم بطور ماهانه بحیات ادبی ادامه بدهم و با مشکلات اقتصادی که همواره دامنگیر مطبوعات میباشد بافشاری و مقاومت نمایم . همت از ما یاری از خدا و تشویق از اهل فضل و ادب . در این شماره قصیده معروف امیر معزی بنقل از دیوان او که متعلق بآقای ملک‌الشمراوی بهار بوده و باین شعر شروع میگردد چاپ شده است ای ساربان منزل مکن جز در دیار یار من تیکرمان زاری کنم بر ربیع اطلال ودمن

مندرجات مجله نسیم صبا عبارت است از اشعار و مقالات ادبی و همچنین در بعضی از شماره ها ترانه های محلی چاپ شده ولی متأسفانه هیچگاه این مجله مرتب منتشر نشده بسمیکه در شماره ۴ سال دوازدهم مورخ مرداد ۱۳۱۳ مینویسد : « بواسطه موانع و مشکلاتی که همه کس مخصوصاً کسانیکه با مطبوعات سروکار دارند بدان دچار میشانند در سال گذشته نتوانستیم بیش از سه شماره از مجله نسیم صبا منتشر سازیم هرچند بیشتر کین سال گذشته دو جلد کتاب لیلی و مجنون مکتبی شیرازی و لوائح جامی تقدیم داشته و بقصیده خود تا درجه کسر شماره های مجله را جبران کرده ایم ولی با وجود این نمیتوانم از اظهار تأسف بر بی ترتیبی انتشار مجله خودداری کنیم و امیدواریم در این سال ماهی یکشماره مرتب به شتر کین خود برسانیم . »

آقای حسین کوهی کرمانی - آقای کوهی از شعرا و نویسندگان ایران است و کتاب دترانهای ملی) را مشتمل بر یکصد و ده دوبیتی که میان اهالی کوهستان وده نشنان کرمان معمول بوده جمع آوری و چاپ کرده است . و نیز کتاب (خلنامه کوهی) اثر قریحه اوست که در سال ۱۳۰۴ در مطبعه مجلس چاپ شده است .

(۱۱۱۹) نسوان شرق

نامه نسوان شرق در بندر پهلوی بمدیری (مرضیه خانم ضرابی) تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده است طرز انتشار این روزنامه هر ۱۵ روز یکبار بوده و امتیاز آن در تاریخ ۸ آذر ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی مآرف گذشته است .

(۱۱۲۰) نصیحت

روزنامه نصیحت بصاحب امتیازی ومدیر مسئولی (میرزا یحیی واعظ) در شهر قزوین تأسیس وشماره اول آن در چهار صفحه بقطع کوچک در مطبعه سرربی (ملی قزوین) چاپ و در تاریخ ۲ شهر رجب ۱۳۴۲ قمری مطابق ۱۹ برج دلو ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است . طلوع روزنامه نصیحت را در شماره ۱۰ سال اول روزنامه طلوع بدینقسم نوشته است : « جریده فریده نصیحت تحت مدیریت آقای آقا شیخ یحیی واعظ که از عناصر صالح و آرادبخواه می باشد بتازگی ازافق مطبوعات قزوین

طالع شده و شماره های او لیه آن به اداره ما واصل گردیده است . ما موفقیت مدیر آنرا خواستاریم .

محل اداره روزنامه : قزوین . خیابان دولت . قیمت اشتراك داخله طبقه اول یکساله ۵۰ قران . شش ماهه ۲۵ قران . طبقه دوم و سوم یکساله ۲۰ قران . شش ماهه ۱۵ قران . خارجه بعلاوه اجرت پست . تك نمره پنج شاهی . اسم روز نامه (نصیحت) باخط نستعلیق وبالای آن جمله (هوالعز) ودر زیر آن این شعر درج است
 نصیحتی کنت بشنو بهانه مگیر هر آنچه ناطق مشفق بگویدت پذیر
 سرمقاله شماره اول تحت عنوان (قسمت اقتصادی) بقلم آقای شاهرودی نوشته شده وعلاوه بر آن مقالات واخبار شهری نیز در آن چاپ شده ودر صفحه سوم وچهارم روزنامه جغرافیای قزوین بعنوان پاورقی درج است .

شماره ۴ سال دوم روزنامه نصیحت درشش صفحه باچاپ سری طبع ودر تاریخ ۵ شنبه ۲۷ شهر شوال ۱۳۴۳ مطابق ۳۱ اردیبهشت ۱۳۰۴ شمس منتشر شده است در سال دوم شمار این روزنامه این جمله است (آرزوی ما تعمیم دانش وحفظ منافع طبقه سوم است) که در زیر اسم روزنامه نوشته شده . سرمقاله شماره ۴ سال دوم تحت عنوان (استشمام رابعه موفقیت) نوشته شده . و در ضمن آن (لایحه اعطای قرضه های فلاحتی) چاپ گردیده است . در صفحه آخر این شماره تحت عنوان (ادبیات) اشعاری از مدیر روزنامه (واعظ) درج شده ودر عنوان اشعار نوشته است (نتیجه یکساعت حیرت من باوضاع آفرینش در ۳۳۷ بعد از جنك بین المللی در دامنه کوه عبدال آباد یکی از دهات قزوین)

عیان شد عاقبت کین بی حسابها در امکان ندارد منشائی جز کسب دست زاده انسان براسلاف گر بودی معما بعد از این گردد بر اخلاف ظاهر آنچه اندر پرده بدپنهان عیان گردد که این بی اعتدالها چه يك بندی بشربادست خود بر بای خود بسته است در کیهان اشعار فوق چهل بیت است .

پس از انتشار شماره ۲۱ سال دوم نصیحت روزنامه توقیف می شود و دنباله همین توقیف بوده که مدیران بطهران رفته که در آنجا برای رفع توقیف تلاش نماید وبشرحیکه بعداً خواهیم نوشت در میدان بهارستان جلوی مجلس گرفتار تیر خطا گشته وبقتل میرسد و بنا بر این آخرین شماره منتشره روزنامه نصیحت شماره ۲۱ سال دوم مورخ ابانماه ۱۳۰۴ شمس بوده است

قبل از آنکه بذکر شرح حال مدیر روزنامه نصیحت وبقتل رسیدن او را بنویسم بی مناسبت نیست آنچه را دو باره آن مرحوم روزنامه صدای قزوین نوشته و نفرینی که یکی از علمای قزوین قبل از شهادت او کرده نقل نموده سپس شرح حال را ذکر نمائیم . روزنامه صدای قزوین در شماره ۱۷۵ سال چهارم خود تحت عنوان (نصیحت مدیر روزنامه رعد قزوین بمديرنامه نصیحت) اینطور می نویسد . « زمانیکه روزنامه کهن سال رعد بمديريت مرحوم آقاسيد علی مجايی در این شهر چاپ ومنتشر می گردید

امتیازنامه نصیحت هم بنام آقای میرزا یحیی واعظ کیوانی مدیر مدرسه فرهنگ صادر و این روزنامه با پشتیبانی یک هیئت که مرکب از شبرین ارف ممان قنولگری زوس و کام بخش و آقای باقر شاهرودی و فرهودی و چند نفر دیگر بنام هیئت تحریریه با- گرفتن عدل کاغذ و ماهی ۳۰۰۰ ریال نقد با قلم آتشین خود شروع حمله نمود بهر عالم ، بهر مالک و بهر مقام ، هر چه خواست گفت یکی از علمای این شهر ده در سخاوت شهرت بسزائی دانت درهر شماره خوردید میگفت واهانت می نمود . آن عالم با سخاوت و صبور یعنی مرحوم حاج سید حسین مجتهد حاج سید جوادی صبر را ادرست نداد و گفت هر چه میخواهی بگو آخر حسابی و کتابی در کار هست . درست در نظر دارم یک روز که آن پیرمرد از در خانه خود بیرون آمد و سوار درشکه شد واعظ مرحوم از نزدیک درشکه عبور نمود سر را از میان درشکه بیرون آورده گفت : « واعظ ۰۰۰۰۰۰ » رعد مرحوم که در چند قدمی آن منظره را می نگریست از نگارنده سؤال کرد که حاج سید حسین بواعظ چه فحشی داده گفتم فحش نداد بلکه او را نفرین کرد . گفت چه نفرینی ؟ گفتم بو عظ این سخن را تحویل داد . « واعظ من سید پیرمرد که بتو کارنی نکرده ام ولی امید وارم که بتیر غیب گرفتار شوی . » اشک در چشمان رعد مرحوم حلقه زد و خیلی متأثر شد

فردا که واعظ برای چاپ روزنامه خود بچاپخانه مراجعه کرد رعد اظهار نمود واعظ بس است و قدری او را نصیحت کرد واعظ در پاسخ گفت : رعد این مردم نی هستند که بتوانند در مقابل من ایستادگی کنند . من چنین می کنم و چنان مینمایم . قبول نکرد و مقالات آتشین تحت عنوان گار انگلیسها ، سیاه پوش نقاب دار (مقصودش حجاب بود) سلام برزارع ، عزاداری و غیره نوشت تا اینکه روزنامه اش توقیف و رفقائی که زیر پای او پوست خربوزه گذارده بودند یکی بعد از دیگری جازده و تنها ماند . آنوقت دست تأسف میسائید و گفت آقای رعد من نصیحت تو را نشنیدم و امروز فهمیدم رعد او را دلداری داد و گفت حالا که فهمیدی وبشیمان شدی من میروم مرکز شایده راه حلی برای تو پیدا شود رعد بطهران رفت واعظ هم صبر نکرد و بمرکز حرکت نمود و چند روزی نکشید که بآن سر نوشت دچار گردید .

در شماره ۲ سال دوم مجله عرفان اصهبان مورخ ۲۶ ذیحجه ۱۳۴۴ قمری راجع بمدیجریده نصیحت قزوین شرح حالی نوشته که عیناً نقل میشود : بیاد واعظ کیوانی شهید فقید میرزا یحیی واعظ کیوانی مدیر جریده نصیحت که یکی از میرزین آزادی خواهان قزوین بلکه ایران بشمار میرفت بر اثر فقدان خود جگر آزادیخواهان را خراشیده محض بقاء نام آن شهید شرح حال او را می نویسیم :

یحیی بن ابی القاسم ابن ابراهیم بن معصوم القزوبنی مدیر مدرسه فرهنگ قزوین و مدیر و منشی جریده نصیحت قزوین قنیل در راه جامه و معارف ایران در ۸ ابان ۱۳۰۴ در تهران دراستانه مجلس شورای ملی به تیر خطا . جد دومش معصوم کسه . جد دوم نگارنده نیز هست (عباس کیوان بن اسماعیل بن علی بن معصوم) درقریه سیف آباد

که غربی قزوین است ساکن و زارع بود از آن قریه تا شهر قزوین ۹ فرسخت و ابراهیم و علی پسران معصوم درس خوانده و شرعیات آموخته ملائی سیف آباد و امور شرعیه را انجام منکمل بودند و در اواخر عمر خود شهر قزوین کوچیده ساکن شدند ملا ابراهیم در محله خود ساکن و معروف بزهد و صدق و امانت بود و از او چهار پسر رشید عالم باقی ماند آملای عبدالصمد که آمد بطهران ساکن شهر و منبر رفتن را پیشه خود قرار داد و در آن پیشه سابق اقران و اصدق قاریان شد و ثروتی یافت اما چیزی نیاندوخت بعزت و جاه و تجمل زندگانی نمود و آنچه دخل کرد خرج تجمل و جلال خود نمود چنانکه پس از او وراثتاش که ۳ پسر و دو دختر بودند از ارث هنگفت بی بهره شدند.

۲- ملا عبدالاحد که بمعلمی مشغول بود ملا محمد حسین که باستانجاره صوم و صلوات معاش میکرد ۴ ملا ابوالقاسم که بمنبر و وعظ پرداخت اما ثروتی نیافت و زحمت فرمود و از او چند دختر و چند پسر ماند که ارشد آنها ارشد اغلب جوانان قزوین این جناب پدگدل روشن هوش فخر قزاونی آقا میرزا یحیی بود که از خوردی بمنبر آموخته بود ولی چون اول بلوغ ورشد او مصادف شد با خلعان مشروطیت در دل ایرانیان جوان متجدد و جریان لفظ مشروطه از ترس در زبان همه ایرانیان لذا طینت باک آقا میرزا یحیی قبل از این بخرافات سرشته شد بحقایق سیاسی و آداب حیات جامعه و بروشنی فهم دانی چنان در امور سیاسی و حقوق جامعه شناسی بارآمد و تکمیل شد که از نقاط برجسته قزوین شد (و نوعاً قزوینیان صمیمی ترند و بی حيله ترند در سیاسیات از اغلب بلاد ایران حتی بلاد عظیمه) و در اواخر چون اشتغال بمنبر را مانع از تکمیل خدمت بنوع دید خدمت نوع را با تنگدستی فوق بیان بر منبر برگزید و بکلی چشم از دخلهای منبر پوشیده چشم بر احوال جوئی نوع دوخت و استخدام معارف را برای جریان خدمت بنوع پذیرفت با حقوق غیر کافی و آبرومندی و تجمل خود را در صدق خدمت بجامعه میدانست نه در خوراک و پوشاک هرگز متمکن نشد که میهمانی سنگینی از دوستان خود نماید اما خدمتهای سنگینی که او میتوانست و می کرد بجامعه دیگران نمیتوانستند و نمیکردند تا دو سال قبل از ارتعاش تأسیس روزنامه نصیحت که از جراید نامی باقی شد نمود و این خدمت قلمی برابر خدمات شاقه خود افزود و در نصیحت را داد و دندان بروی مطلب نهاد و سخن خیر خواهی جامعه را بکرسی نشاند و از اثر صدقش و درستی عزمش سخنان تلخوشش بنام خود کامان چندین تلخ و زند نیامد. (نیم صفحه بقیه شرح حال عبارتست از اینکه این بنده عباس کیوان که مقیم اسپهان بودم بقزوین رفتم و آن جوان را دیدم آشفته کمالاتش شدم و نام فامیل خود که کیوان بود باو گفتم او هم کیوانی گرفت و بنا شد مقالاتی سودمند برایش بفرستم و هنوز مقالات بده تا رسیده بود که آن جوان در نیمه عشره چهارم ما را با ماتم خود نشانده

(۱۱۲۱) نظامی علمیه و ادبیه

روزنامه نظامی علمیه و ادبیه در سال ۱۲۹۲ قمری از طرف میرزاحسین خان سپهسالار در طهران تأسیس و در مدرسه اتا مازر نشر میشده است . شماره اول این روزنامه در تاریخ ۲۹ ذی‌القمده ۱۲۹۳ قمری انتشار یافته و گویا تا سال ۱۲۹۶ قمری دائر بوده و در آن سال روزنامه مریخ جایشین آن شده است . در شماره اول روزنامه مریخ اشاره مختصری بروزنامه نظامی نموده و یاد آور شده است که مندرجات مریخ همان مطالب روزنامه نظامی است . برای اطلاع از این قسمت بحرف میم کتاب کلمه (مریخ) رجوع شود . برون در کتاب مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۹۸) شرح مختصری درباره روزنامه نظامی نوشته و خصوصیات آنرا نقل نکرده است .

(۱۱۲۲) نظمیه

مجله نظمیه در طهران (در تحت اداره نظمیه مرکزی طهران) تأسیس و شماره اول آن در ۶۴ صفحه بقطع خشتی متوسط در مطبعه سربى (اسمى از مطبعه آن نیست) طبع و در تاریخ ۱۵ میزان ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است .

مجله نظمیه چنانچه در عنوان آن نوشته شده مجله ایست نیم رسمی و ماهی یک نسخه طبع و توزیع میشده . محل اداره ، طهران . اداره مرکزی کل نظمیه ایران . قیمت اشتراك آن ، یکساله طهران . ۲۴ قران . ششماهه ۱۴ قران . سه ماهه ۸ قران . ولایات داخله بترتیب ۲۴ ، ۱۶ ، ۹ قران و ممالک خارجه ۲۶ و ۲۰ و ۱۱ قران است . تکذمره در طهران دو قران و در ولایات داخله دو قران و ده شاهی . صاحب منصبان اداره پلیس و ژاندارم مجبور از آبونمان هستند .

مجله نظمیه در ضمن دو سطریکه در زیر عنوان آن نوشته بدینتسم معرفی شده است :

«مملکت این مجله درج اخبار مهمه راجعه بداره نظمیه و امنیه و وظایف صاحب منصبان و افراد پلیس و ژاندارم و درج مقالات علمی سیاسی و اخلاقی راجع بامور نظمیه و امنیه و نشر اعلانات و بودجه راجع بنظمیه و امنیه ایران . « . در صفحه اول شماره اول مجله حکمی بامضای (فرم) تحت عنوان (اخطار جموم صاحب منصبان پلیس و ژاندارم) درج شده که چنین است : « آقایان صاحب منصبان باید این مسئله را در نظر داشته باشند که اصلاح امور و تجدد وطن که بار بسیار گرانی است و ضمناً وظیفه بسیار محترم است بدوش شماهاست - شماها که برای خدمت و وظیفه عالی که عبارت از تأمین آسایش ملت است دعوت شده اید باید بدانید که یگان یگان شماها مکلف بلکه مشول راحتی و آسایش ملت اگر چه بقیمت و بهای جان شماها باشد - گرد و غبار ایام قدیم را از خود زدوده باستقبال قواعد و رسوم مشروطیت شتایید که آنرا مستحکم نمائید نجات وطن فقط در استقرار و استحکام آن میباشد سمی و کوشش نمائید که (آنتریکهای) وطن بر باد ندهد و غرور جهالت را از خود دور سازید و بخاطر داشته باشید که دولت مشروطه بقدریکه حق شناس است هائقدر منتقم بوده و یاداش و تنبیه مینماید . هر یک از شما باید منادی عدل و حقیقت و درستی بوده باشید . شما صاحبان مناصب و تائینهای شما باید خوب بدانید که ملت امر آسایش و تأمین خود را بحکف کفایت شماها سیرده شما مجبور هستید که این خدمت عالی را بشرافت بانجام رسانید که امپواری ملت از تجدد افزوتر گردد . فرم . ۲۰ .

پس از این فرمان مقاله تحت عنوان (وظایف اجتماعه پلیس) مشتمل بر مقررات و نظامات

راجع پلیس در ۱۶ صفحه جلد چاپ شده وبس از آن صورت فهرست بودجه اعضا و دوائر کل نظمیه و مقدار حقوق هر يك از اعضا در مرکز و ولایات طبع گردیده است. فهرست مندرجات شماره اول بدان قسم که در پشت جلد مجله چاپ شده بدین قرار است: ۱ - دستخط رئیس کل ۲ - راجع بوظایف پلیس ۳ - مقاله مخصوص راجع بوظایف ژاندارم ترجمه از کتاب رهبر ژاندارم. ۴ - بودجه اداره ژاندارمری کل ممالک معروسه ایران. ۵ - بودجه اداره نظمیه کل ممالک معروسه ایران. ۶ - راپورت‌های اداره نظمیه مرکزی و ایالات و ولایات ممالک معروسه. ۷ - نظامنامه موقتی اداره نظمیه. ۸ - رمان (مهارت يك پلیس امریکائی) ترجمه از ترکی.

(۱۱۲۳) نظمیه

مجله نظمیه که از انتشارات اداره کل نظمیه در طهران بوده بمؤسسه (سرهنگ محمد خان درگاهی رئیس کل تشکیلات نظمیه ایران) و مدیر ونگارندگی (میرزا حبیب‌الله خان رئیس معاکرات اداری نظمیه) تأسیس و شماره اول آن در تیر ماه ۱۳۰۴ شمسی در ۵۱ صفحه بقطع خشتی طبع و با چاپ سریبی منتشر شده است. طرز انتشار آن ماهانه و وجه اشتراک سالیانه برای مأمورین و اعضای نظمیه مطابق حکم نمره ۴۱ و برای سایرین شش تومان است. روی جلد مجله علامت مخصوص پلیس چاپ شده است.

در شماره اول پس از آنکه شرحی تحت عنوان (وطن حق شناس مردمان بزرگ است) نوشته و عکس اعلیحضرت رضا شاه قعید را چاپ کرده و مقاله بعنوان (اخلاق و افکار) نوشته، شرح مفصلی بعنوان (شمه تاریخی) از بیدایش نظمیه و اداره پلیس در ایران درج نموده و از روی کار آمدن بیرم و سوتدیه‌ها و تشبيلات نظمیه ایران تاریخچه مفصلی نوشته در پایان آن (منظور عمده از این مجله را) پس از چند سطر مقدمه اینطور مینویسد: «... علیهذا طبق فرمان و دستور رئیس جدی و فداکار خود بقصد يك خدمت روحی و اداری کمر خدمت میان بسته و برای منظور فوق در هر شماره دو مقاله مخصوص خواهیم داشت یکی در تحت عنوان (رهبر پلیس) و دیگری تحت عنوان (عنوان اطلاعات عمومی اداری) ... و نظر باینکه چنانچه میخواستیم تمام محتویات مجله را منحصر باصول علمی نمائیم طبعاً موجب کسالت خوانندگان میگردد یک قسمت آنرا هم درج اخبار جنائی احصائیه نظمیه و ولایات احکام اداری مرکز کل تشکیلات و ترجمه مقالات جراید خارجه که مربوط بنظمیه و امور جنائی باشد و همچنین درج لوابیحی که مفید بتهدیب اخلاق و حفظالصحه عمومی باشد قرار دادیم که قرائت آنها نیز هم برای مأمورین نظمیه و هم برای سایرین دارای کمال اهمیت و مورد استفاده خواهد بود.»

بقیه مندرجات شماره اول عبارت است از: رهبر پلیس - اطلاعات عمومی اداری - اخبار جنائی مستخرجه از احکام عمومی - حفظالصحه. پس از چندینی که از انتشار مجله نظمیه گذشته نام آن به مجله پلیس تغییر پیدا کرده است. برای اطلاع از آن رجوع شود بعرف پ کلمه پلیس کتاب.

(۱۱۲۴) نظمیه

روزنامه هفتگی مصور نظمیه با چاپ سنگی بمدیر (مشهدی محمود اسکندانی) در تبریز

تأسیس و در سال ۱۳۱۶ قمری منتشر شده است . شماره اول این روزنامه که با چاپ سنگی و خط نستعلیق است در چهار صفحه طبع گردیده و تصویر (اجلال‌الملک) رئیس پلیس تبریز در آن درج شده است . وجه اشتراك روزنامه نظمیّه در تبریز ۸ قران و در سایر شهرهای ایران ده قران است آقای محمود اسکندانی علاوه بر روزنامه نظمیّه روزنامه ابلاغ را نیز در تبریز منتشر نموده است . برای اطلاع از آن رجوع شود بجلد اول کتاب کلمه ابلاغ .

(۱۱۲۵) نفعات

امتیاز مجله نفعات در شهر کرمانشاه بمدیری (میرزا حبیب‌الله خان) در تاریخ ۲۹ فروردین ۱۳۰۵ شمسی از تصویب شورایی عالی مآرف گذشته است .

(۱۱۲۶) نفحه صور

از روزنامه نفحه صور سابقاً نمونه دیده‌ام ولی فعلاً برای ذکر خصوصیات آن در دست نیست

(۱۱۲۷) نقش جهان

روزنامه نقش‌جهان در شهر اصفهان بمدیری و صاحب امتیازی (اعتلاء‌الدوله) مدیر روزنامه اصفهان تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است ؛ شماره اول این روزنامه در چهار صفحه بقطع وزیری با چاپ سنگی با خط نستعلیق متوسط (بدون آنکه ذکر از مطبعه آن شده باشد) طبع و در تاریخ ۱۲ شهر شوال ۱۳۲۵ قمری مطابق ۳۰ نوامبر ۱۹۰۷ میلادی منتشر شده است . اداره روزنامه نقش جهان : دارالسلطنه اصفهان و همان اداره روزنامه اصفهان است . وجه اشتراك سابقه لن در اصفهان ۱۲ قوان و شش ماهه هشت قران و سایر ولایات داخله و خارجه بعلوه اجرت پست . قیمت هر نسخه پنج شامی . اعلانات سطرپی پنجشامی در بالای اسم روزنامه این عبارت (موافق سال دوم مشروطیت و آزادی و مصادف مکرم و نخست ماه قسم قوی ثیل ترکی) و در زیر آن عبارت (وجه اشتراك همه جا و بهرحال پیش ماخوذ و تنها بصاحبین روزنامه اصفهان مجانی داده میشود .) چاپ شده و در زیر عنوان این دو سطر بعنوان معرف روزنامه درج است ؛ « این جریده بکلی آزاد است و بوجهی رسمیت و مشوات ندارد و نقوش مضحك و طرح و محرراتیکه پان سیق و شیرین در مذاق و مهنذب اخلاق بوده باعث بیداری و هوشیاری باشد بامتنان میپذیرد و رسم و درج میکند . »

مقاله افتتاحی روزنامه بدینقرار است : « اول کارها بنام خدا • پس مبارك بود چو فرما اغنهی از قوانین متن و کارهای نمکین که بگوشها تازه می آید وقتی شخصی درست دقت نماید احکام شرع مقدس اسلا و عادات قدیم همین مملکت ذیقدر و احترام بوده است مثلا این قبیل روزنامه را که باصصلاح جدید (اریکانور) میگویند تقریباً اقتباس از (کلبه و دهنه) و (الفیه و شلفیه) خودمان و باقی هم قیاس بانست . من جمله در عهد عتیق که جریده و چاپ نبوده وقایع و قوانین و نظایر آنرا که روی سنگ نقش و حجاری مینموده اند در حقیقت بمنزله روزنامه و برای اعلام و بقای در سنین و اعوام بوده است . خلاصه حالا که در هر گوشه انواع جرابد منطبع و منتشر میشود

در این شهر بزرگ که چند صد سال سلاطین ترک آنرا دار سلطنت و مرکز اقامت فرموده و هنوز از درودیوار شکسته آثار یدید است صنایع را مانیز خواستیم خواه باصطلاح جدید یا رسم قدیم هر کدام باشد بعون اله و یمن اقبال شاهنشاه ترقیبخواه چنین روزنامه انتشار و بمختصر خدمات ناچیزانه بمعارف انضمام نمائیم و محقر خدمتی نوع بشماریم لهذا بمناسباتی چند نام آنرا (نقش جهان) گذاردیم و بهمه حال از رب مستعان توفیق می‌خواهیم و از مطالعه کنندگان عظام در لغزشها امید عفو و اغماض داریم .

پس از این مقاله افتتاحی قسمتی تحت عنوان (تقویم یا مقویم) نوشته که قسمت اول آن چنین است ، «احوال کواکب در این ماه که اول مرحله مراتب است دلالت دارد بر کلك زدن فلک و وجود خدا و ملك و سلامتی پادشاه عزت خواجه نمایان و خواجگان از سفید و سیاه و کلفتی دم روپاه و ظهور جریده (نقش جهان) و کسادی بازار خالمان و خورسندی مردمان بی‌فرض و اسردگی ارباب مرض . . . » صفحه دوم روزنامه مخصوص کاریکاتور و در آن تصویر دو سرباز یکی (سرباز قدیم) و دیگری (سرباز جدید) که با یکدیگر از وضع خود گفتگو مینمایند . صفحه چهارم نیز مشتمل بر کاریکاتور است که در آن عمارت انجمن بلدیة اصفهان رسم شده و مأمورین قصای را که گوشت گران فروخته پایش را در فلک کرده چوب میزنند .

دو روزنامه اصفهان و نقش جهان هر دو يك اداره و يك مدیر داشته منتهی نقش جهان برای رسم کاریکاتور تأسیس شده است . برای اطلاع بیشتری از این روزنامه رجوع شود بجلد اول کتاب کلمه اصفهان . در شماره ۲۰ سال اول روزنامه اصفهان مورخ شوال ۱۳۲۰ قمری تحت عنوان (اعلان) ارجاع بروزنامه نقش جهان مینویسد ، «از آنجا که یکی از وظایف جریده نگاری تحصیل استرضا و تطبیق بلرضای مطالعه کنندگان گرام است علیهذا همچو بهتر دانستیم علی‌المجاله در هفته يك شماره از سه شمره روزنامه ناچیزانه خودمان را با تصویر و بطور کاریکاتور نشر و طبع و به (نقش جهان) تسبیح و صاحبان جریده اصفهان مجانی تقدیم و برای آنها که فقط آنرا می‌خواهند مختصر قیمتی تعیین کنیم و انشالله عما قریب اشاعت میدهیم . » برون که در کتاب مطبوعات و شعر فارسی خصوصیات روزنامه نقش جهان را نوشته یاد آور شده است که من نمره اول آنرا در دست دارم . نگارنده نیز بیش از نمره اول آن را ندیده ام و لذا شاید بیش از همین يك شماره منتشر نشده باشد .

(۱۱۲۸) نمکدان

مجله نمکدان در طهران صاحب امتیازی و مدیری آقای (عبدالحسین آینی) تأسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی منتشر شده است . شماره اول مجله نمکدان در شهر پور سال مذکور انتشار یافته و تا اسفند ۱۳۰۹ دوازده شماره منتشر شده است . شماره ۱۲ سال دوم آن در ۶۴ صفحه بقطع ربی کوچک نشر یافته و سال دوم آن پایان یافته است . در سالهای سوم و چهارم و پنجم نمکدان بی ترتیب و هر چند ماه يك شماره از آن انتشار یافته بجز سیکه شماره چهارم از سال پنجم آن در تیرماه ۱۳۱۵ نشر یافته است . نمکدان مجله ایست ادبی ، تاریخی ، انتقادی و مندرجات آن حکایات و قصص

تاریخی و اشعار و یک قسمت آن انتقاد از منهب بهائی است. زیرا بشرحیکه بعداً در شرح حال آقای آیتی ملاحظه خواهید فرمود نامبرده ابتدا از مبلغین سرسخت بهائی بوده و بعد از این مسلک باز گشته و کتب و مقالاتی علیه آنها نوشته است. من جمله در دوره های نمکدان مقالات زیادی علیه بهائی گری نوشته است. محل اداره نمکدان: طهران قلمستان. وجه اشتراك آن در ایران یکساله ۳۰ ریال. ششماهه ۱۵ ریال. خارجه نیم پوند. ذیلا شرح حال آقای آیتی که بقلم خود ایشان برای درج در تاریخ جراید و مجلات ایران تهیه شده، نقل میگردد:

عبدالحسین آیتی - نامش عبدالعزیز نام پدرش محمد (مشهور به حاجی آخوند) نسب آیتی از طرف پدر به حاج ملا محمد بزرگ میرسد که افاضل و اعظام علمای عصر بوده مضجعی در قصبه تفت مرجع مسلمین است و تاریخ وفاتش این است که از قریبه حبیب مسگر بر لوحه تبرش منقور است. (فرد) بر کشید (آ) از بی تاریخ و گفت آندم حبیب قدوة ارباب دین شد رونق افزای جنان - ۱۲۴۳ و از طرف مادر منسوب است بقطب الاولیاء سلطان ابراهیم ادهم. تولد آیتی در سال ۱۲۸۸ هجری قمری در تفت یزد واقع شده که قصبه ایست خوش هوا درسی کیلو متری شهرستان یزد. آیتی تحصیلات مقدماتی را در مکاتب قدیم انجام داده از پدر و برادر خویش تا اندازه از علوم متداوله زمان خود کسب نموده در اوان جوانی راجد طبع و قریحه انشاء و انشاد بوده نخستین غزلی که در سن ۱۲ سالگی در (۱۳۰۰ ه) انشاد کرده مصدر باین مطلع است (فرد) پدرم داد بنورور مرا جامه نو - بردم و بهر می کهنه نهادم بگرو. و دومین شعر او که ضبط شده ماده تاریخی است که در حادثه سیل خیز تفت انشاد کرده رحمت یزدان ما زحمت انسان شده - بارش ریزان او آتش سوزان شده ۰۰۰

از بی تاریخ آن رفت (یکی) چون برون - گفت به (غرقاب) تفت یکسره ویران شده (۱۳۰۲) و در آنوقت سن آیتی ۱۴ بوده مجلا آیتی در سن ۱۵ سال ۱۳۰۳ ه از تفت شهرستان یزد انتقال و در مدرسه خان بزرگ اقامت نموده دوره صرف و نحو و منطق و معانی و بیان را بیابان رسانیده در سال ۱۳۰۵ به تنبیهات سفر نمود چون وارد تحصیل فقه و اصول شد پدرش در تفت در سال ۱۳۰۶ ه در گذشت و او بوطن برگشت و در سال ۱۳۱۱ ه که سن او ۹ بیست و سه رسیده بود بر مسند پدر نشسته بامامت دومسجد وحل و عقد امور مسلمین و عقد و اقباعات شرعی پرداخته پس از نه سال موجباتی دست بدست هم داده ویرا از تفت بطهران فرستاد و از طهران بجهانگردی پرداخته متجاوز از هیجده سال در جهانگردی بود و گذشته از میهن خودش (ایران) که بکرات بهر شهری سفر نموده تمام خاک عثمانی قدیم و ترکیه جدید و همه شامات و سوریه و فلسطین و بیشتر از شهرهای مصر را از قاهره تا طنطا و دمیوط مفصلا سیر و سیاحت نموده سفری باروپا رفته بیشتر از شهرهای انگلستان و فرانسه را دیده باسلامبول رفته از آنجا بیور سعید و بار سوم بفلسطین وارد شده از راه بین-النهرین بایران باز گشته در طهران فرو نشست و از جمله در طی مسافرتهای خود دو مرتبه با عبدالبهاء عباس (رئیس دوم بهائی) معاشرتهای میند داشته یکسفر یک ماه و

سفر دیگر بنجماه با وی مؤانس و مجالس و معاشر شبان روزی شده مریدان وی آیتی را که در آنوقت آواره لقب داشت از عمده امر بهائی میسر شدند و رئیس-البلاغیر میخواندند و مقام بسیار مهمی در میان ایشان احراز کرده بود و هشتاد لوح بقلم عبدالبهاء در مدح و وصف وی صادر شده ولی اخیراً معلوم شد که دل را بدست ایشان سپرده و همواره با قدم مجاهدت و تحقیق مرحله بی‌سای مراحل تفحص و تصفح بوده زیرا پس از ورود بطهران که دو سال از وفات عبدالبهاء گذشته بود بنام کشف‌الحیل کتابی تألیف نموده در سال ۱۳۴۵ هجری منتشر نموده و متدرجاً دنباله سخن را گرفته کشف‌الحیل را تا سه مجلد انتشار داده و نشر آن مجلدات که قیامت عظمی بود بر بهائیان و حقیقتاً بنیان امر بهاء را بکلی متزلزل و متزعزع ساخت و بعد از آن مجله نمکدان را که بهترین نمونه نظم و ثروت قلم و ذریعه آیتی است در مدت چهار سال و نیم انتشار داد و پس از سی و پنج سال بوطن مألوف رفته با دوستان قدیم و اقارب خود تجدید عهدی کرد ضمناً بتألیف کتاب تاریخی در حوادث یزد مبادرت نموده کتابی بنام آتشکده یزدان در ۴۴۰ صفحه با گراوردهای تکس تاریخی در دسترس هموطنان خود گذاشت که حقاً قابل هرگونه تمجید است .

آقای آیتی هنوز در قید حیات است و پس از شهریور ۲۰ مقالات زیادی در روزنامه‌ها نوشته است . چون اشعار او جداگانه چاپ شده بنقل آنها احتیاجی نیست .

(۱۱۲۹) نوای ملت

شماره اول روزنامه ناله ملت منتشر در تبریز با اسم نوای ملت انتشار یافته است . برای اطلاع از آن بهمین مجلد کتاب روزنامه ناله ملت رجوع شود .

(۱۱۳۰) نوبهار

روزنامه نوبهار بمدیری آقای (ملك الشعراى بهار) ابتدا در شهر مشهد تأسیس و از شوال ۱۳۲۸ قمری در آن شهر شروع با انتشار گذاشته و در سال ۱۳۳۳ قمری بطهران انتقال یافته و در این شهر با قطع بزرگ در چهار صفحه هفته سه شماره نشر شده و بار دیگر در طهران در سال ۱۳۳۵ قمری مجدداً با بدایره انتشار گذاشته است و ماذیلا از هر يك از دوره های نوبهار جداگانه گفتگو می‌نمائیم :

نوبهار در مشهد - روزنامه نوبهار در مشهد بمدیری (م . بهار) که همه جا نام خود را در انتهای صفحه چهارم نوشته تأسیس و شماره سوم سال اول آن در ۴ صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (مطبعه طوس میر مرتضی الموسوی) چاپ و در تاریخ ۵ شنبه ۱۶ شوال المکرم ۱۳۲۸ قمری مطابق ۳ اکتبر ماه فرنگی ۱۹۱۰ میلادی منتشر شده است . عنوان نوشتجات : مشهد بالا خیابان . نامه نوبهار . تلگرافی بهار بهای سالیانه در مشهد ۲۵ قران . ششماه ۱۸ قران : شهرهای خودی ۳۰ قران و ۲۰ قران . کشور بیگانه ۶ منات و ۴ منات . بهای اعلانات سطری يك قران بهای

يك شماره ۵ شاهی . طرز انتشار روزنامه هفته دو بار بوده است . اسم روزنامه (نوبهار) باخط سفید روی زمینه سیاه چاپ شده و هرصفحه روزنامه سه ستون است . نوبهار در زیر عنوان بدینقسم معرفی شده : « نامه ایست سیاسی ادبی سرگذشتی اخباری خواهان یگانگی وفزونی اسلام و اسلامیان و هوادار بزرگی و نیرومندی ایران و ایرانیان . » . مندرجات نوبهار پس از درج سرمقاله عبارت است از قسمتهای ادبی اخبار خراسان و بخصوص مطالب و اخبار راجع بآستانه مقدسه و مختصری اخبار طهران و خلاصه از حیث مندرجات قطع نظر از مقالات آن یکروزنامه محلی است . قسمت عمده مقالات روزنامه که بقلم مدیر روزنامه نوشته شده علیه سیاست روسهاست و بهمین جهت هم پس از یکسال نوبهار از طرف روسها توقیف وبعوض آن در ذیحجه ۱۳۲۹ قمری ، باهمان قطع بنام (تازه بهار) منتشر شده است . مرحوم بهار در سرمقاله شماره ۳۵ سال اول نوبهار مورخ سه شنبه ۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۹ قمری مینویسد : « چون روسها ما را بشند نویسی اعتراض کرده اند لذا ما قصه استارا از روزنامه ایران نو نقل میکنیم که به بینند آیا مانند تر میرویم یا دوستان ما ، ما آتش مزاجی می کنیم یا همسایگان ما . » ظاهراً پس از نشر همین شماره نوبهار توقیف شده و به جای آن تازه بهار منتشر شده است .

مرحوم ملك الشعراء در دیباچه نوبهار (سال دوازدهم دوره چهارم) درجائیکه شرح حال خود را نوشته باین قسمت از دوره نوبهار اشاره کرده می نویسد : « بعد از فتح طهران و آغاز مداخله اجانب در ایران نوشتجات من در روزنامه (طوس) خراسان و جبل المتین کلکته و وبهار حمایت استلال متزلزل ایران و دفاع از حزب تند رو (دموکرات) منتشر میگشت . این سلسله عمر ادبی و سیاسی من بعد از طوفان اولتیماتوم ۱۳۲۹ مقطوع و دو سال عمر من در نفی و طرد و صجرا گردی و غربت و مصیبت گذشت . در این مدت که دستم از جراید داخله کوتاه بود غیر از چند قصیده در هویت زمامداران وقت و حالت روحیه طهران و خطا به معروف (سرادودگری) و دوازده بند در مصیبت و فاجعه توپ بستن گنبد مطهر حضرت رضا و چند مقاله در وصف تهران که همه این آثار در جبل المتین مندرج است خدمت دیگر در همان دوره کودتای سه ساله ؛ باصرار دوستان خراسان و مساعدت بخت ، بنشر یگدوره نوبهار در ۱۳۳۲ مبادرت ورزیده و با اینکه در این دوره کوتاه يكساله نوشتجات من فقط در پیرامون مسائل اجتماعی و اخلاقی و ادبی مخصوص نساءیات سیر مینمود ، مع ذلك حدوث جنك بين الملل و طلوع انتغابات اسباب نگرانی خارجیان شده باصرار قنسولهای دو همسایه نوبهار بعد از یکسال توقیف گردید !! » و نیز در شماره ۱۳ دوره پنجم نوبهار تحت عنوان (بقارئین) مینویسد : « در ایران گویا هیچ روزنامه یومیه یا هفتگی نیست که بقدر نوبهار مظلوم واقع شده باشد ، نوبهار دوره اول ده روز بآخر سال مانده در شوال ۱۳۲۹ بفشار قنسول روس مشهد توقیف شد و قریب هزار تومان بهای اشتراك نزد مشترکین ماند و نبرد اختند .

تازه بهار در ذیحجه ۱۳۲۹ دایر شده و در محرم ۱۳۳۰ در نتیجه غوغای اولتیا توم بامر وزیر خارجه وقت توقیف شده و بگدینار عاید نگشت !
نوبهار دوره دوم - در ۱۳۳۲ شروع شده و بعد از نه ماه انتشار باز بفشاردو قنصول روس وانگلیس و تحریک مغرضین داخلی توقیف گردید و ۱۲۰۰ تومان مطالبات ما زمین ماند .

روزنامه نوبهار در طهران

پس از انتخاب مرحوم ملك الشعرا بنایندگی مجلس و آمدن بطهران روزنامه نوبهار در سال ۱۳۳۳ قمری در طهران مجدداً منتشر شده است در این دوره نیر يك سال بیشتر منتشر شده و دو مرتبه توقیف شده است . در شماره ۱۳ دوره پنجم نوبهار وضع اسف آور نوبهار را در دوره های گذشته شرح داده تا میرسد بدوره سوم که می نویسد : « دوره سوم در تهران ده روز بآخر سال مانده در نتیجه تصمیم کابینه آقای مستوفی الممالک و تهدید مرکز اقشون روس در محرم ۱۳۳۴ توقیف شده نیمی از مطالبات آن که قریب چهار هزار تومان بوده از بین رفت . دوره چهارم دو ماه بآخر سالش مانده در حمل ۱۳۳۶ باز بامر کابینه آقای مستوفی الممالک و وزارت داخله حاج مخبر السلطنه در ضمن تمام مطبوعات ملی توقیف گردید . در صورتیکه فشار و تهدیدی از هیچ طرفی نبود فقط يك سیاست قادرانه بود که دولت اتغاذ کرده و عاقبت بائین مشوم حکومت نظامی منجر گردید و باز قسمت غالب وجه اشتراك نو بهار زمین ماند . » و نیز در دیباچه نو بهار (سال دوازدهم - دوره چهارم) درباره نوبهار در طهران می نویسد « باز در سال ۱۳۳۲ از مقام و کالت ملت ، استفاده کرده یگدوره دیگری بر عمر نوبهار در تهران افزود - مسلک بویننده در این دوره نظر بنزدیکی مدت احتیاج به تکرار نبوده و همه میدانند در این دوره که باز هم بد بختانه یگسال بیش طول نکشید دوبار روزنامه دوچار سیلی بیرحمانه توقیف گردید که آخرین آن ششم ماه محرم ۱۳۳۴ بود . در پایان این عمر کوتاه و پر مشقت ، باز یگسال فترت حاصل شد - قسمتی در بستر قسمتی در سفر و تبعید ، قسمتی برگشتن از سفر و در این یگسال هم جز قسمت کمی اشعار منثوره و منظومات اجتماعی که معروفترین آنها (قصیده لوح عبرت) است .
انقلاب روسیه ۱۳۳۵ روح افسرده آزادیخواه ایران را جوان وزنده نمود و من در نتیجه انقلاب مزبور باز خود را برای دخول در جامه نگارندگی حاضر ساخته و تشکیلات سیاسیه دموکراتها نیز بیشتر این اقدام را تسریع نمود . باری عمر یگساله آخری نوبهار ۱۳۳۵-۱۳۳۶ با يك تلخ کامی حکایت ناپذیری که تذکارش نیز دهان جان را تلخ میکند بر نویسنده تیره روز گذشت و اشتغال یگسال دیگر بطبع و نشر مجله ادبی (دانشکده) جز زبان و بیچارگی نصیب دیگری نبخشود
مخصوصاً بعد از یاس از اصلاحات در اواخر زمستان ۳۹ و پیش آمد های سوم حوت و جنجال افتتاح مجلس و غوغای مطبوعات در دو سال گذشته بکلی نگارندگی را بدرود

گفته و حتی از تکلیف قبول مدیریت روزنامه ایران نیم رسمی هم استنکاف ورزیده در يك انزوای معنوی و افسردگی روحی میزیست .

آنچه از شماره های موجود نوبهار مستفاد میشود چنین است که نوبهار از سال ۱۳۳۳ تا بهار سال ۱۳۳۶ انتشار یافته و در طول این مدت چند بار توقیف گردیده و پس از سال ۱۳۳۶ که بنا بنوشته مدیر نوبهار (از شئامت پرخاشجوئیهای اجتماعی و از تند باد يك بحران عنیفی که نتیجه هرج و مرج آن زمان بود) بنا کرده گناه از پای درآمد و سرمایه که آن را راه میبرد، یکبارہ از دست رفت (نوبهار برای مدت چهار سال منتشر نگردیده تا مجدداً در تاریخ چهارشنبه هفتم سنبله ۱۳۰۱ شمس مطابق ششم محرم ۱۳۴۱ (سال دوازدهم - دوره چهارم) نوبهار شروع گردیده است. و در همین شماره است که تحت عنوان (بعد از چهار سال) تاریخچه از ادوار مختلف نوبهار نوشته و ما آنرا فوقاً نقل کردیم. تاریخچه مذکور بدینقسم شروع میگردد:

«چهار سال میگذرد که نوبهار ما فصل روان پرور خویش را ترك نموده و در موصل فصول متواتره اختلال و استبداد و در زیر تیره ابر نا امنیهای ادبی و اجتماعی و در خلال یخ بندانهای سیاسی و سیلهای هرج و مرج و آشفتنگی بکلی متروک و محبوس و از یاد رفته است ۰۰۰۰»

روزنامه نوبهار از سال ۱۳۳۳ يك روزنامه سیاسی بوده و هر نوبت در چهار صفحه با پنج ستون و هفته سه شماره منتشر میشده و در سال ۱۳۳۵ قمری نیز بهمان قطع و سبک و بایک مسلك سیاسی و آزادیخواهی مفرطی انتشار یافته ولی از سنبله ۱۳۰۱ مطابق محرم ۱۳۴۱ که دوره چهارم نوبهار شروع شده قطع و سبک و تعداد صفحات روزنامه عوض شده و مندرجات آن یکقسمت مطالب ادبی و اجتماعیت و هر شماره آن در ۱۶ صفحه منتشر گردیده است.

روزنامه نوبهار پس از انتقال بطهران يك روزنامه کاملاً سیاسی و خبری بوده و هفته دو بار روزهای سه شنبه و جمعه در چهار صفحه بقطع بزرگ چاپ و منتشر شده است شماره ۲۴ این دوره که سال چهارم تأسیس بوده و جمعاً تا آن شماره ۱۷۹ شماره از نوبهار منتشر شده در چهار صفحه با چاپ سربی در مطبعه ایران طبع و در تاریخ جمعه ۲۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۳۳ قمری انتشار یافته است. محل اداره: طهران . خیابان ناصریه - عنوان تلگرافی: تهران - نوبهار. بهای اشتراك: تهران یکساله ۴۵ قران - ششماهه ۲۳ قران - شهرهای خودی ۵۵ قران، ۳۰ قران - کشور بیگانه ۷۰ قران و ۳۸ قران - بهای یکشماره در طهران ۵ شاهی - در سایر شهرها ۶ شاهی مندرجات این شماره عبارت از سرمقاله تحت عنوان (استعفا و سقوط کابینه) اخبار دارالشورای ملی - وقایع جنک بین الملل - شهرت تهران - مطبوعات خارجه راجع بجنک بین الملل - تلگرافات داخله - اخبار داخله . ادبیات - باورقی (بعنوان سرزمین تمدن قدیم) همانقسم که یاد آور شدیم نوبهار در این دوره يك روزنامه سیاسی و خبریست و مخصوصاً سرمقاله های آن که بقلم مرحوم بهار نوشته شده خیلی تند و آتشین است

نگارنده از این دوره نوبهار تا شماره ۵۹ مورخ سه شنبه ۷ رمضان ۱۳۳۳ مطابق ۲۸ سرطان و ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۵ در دست دارم. سرمقاله این شماره تحت عنوان (آیا بر بحران کیست؟) تدوین شده است.

دوره پنجم نوبهار - شماره اول دوره پنجم سال سیزدهم نوبهار مدیری و مؤسسی (. بهار) در ۱۶ صفحه بقطع بزرگ با چاپ سری و در تاریخ ۲ شنبه ۲ میزان ۱۳۰۱ شمس مطابق ۳ صفر ۱۳۴۱ قمری و ۲۵ سپتامبر ۱۹۲۲ میلادی منتشر شده است.

نوبهار در این دوره جنبه ادبی و تاریخی آن مبرجد و يك قسمت از مقالات تاریخی آن بقلم آقایان اقبال اشتیانی و کسروی تدوین شده است. سرمقاله شماره اول تحت عنوان (عشق و اراده) و با این شعر فردوسی شروع میشود

بنام خداوند جان و خرد
کز آن برتر اندیشه بر نگذرد

منت خدای را که هنوز قوت در دست و سودا در سر است نه حریق حادثات را در اراده ام
اتری که آنرا بگدازد و نه تند باد نو میدی را بر فضای قلبم گذری که آنرا از عشق تهی
سازد، عشق خدمت بوطن مالوف

فهرست مندرجات در دوره پنجم در هر شماره در زیر عنوان روزنامه چاپ شده، فهرست مندرجات شماره اول بدینقرار است:

سیاسگذاری - عشق و اراده - اشعار - اجتماعيون اشتراکيون - اهریمن - از اینجا - از اینجا - نظری باآسان - مسائل جاریه - اخطاراداری - خصوصیات دیگر نوبهار بدینقرار است
جای افاره، طهران لاله زار - بهای روزنامه سالانه داخله ۶ قران - خارجه ۷ قران - شش ماهه بترتیب ۲۵ قران و ۴۰ قران - یکماهه در طهران ۶ قران - تک نمره يك قران - از صفحه پنجم پاورقی روزنامه بعنوان (اهریمن اثر میخائیل یوریف دمنسلف) ترجمه و چاپ شده. شماره دوم نوبهار بهمان سبک و قطع در تاریخ ۲ شنبه ۹ میزان ۱۳۰۱ چاپ و منتشر شده و از اینرو نوبهار هفتگی بوده است. سرمقاله شماره دوم تحت عنوان (زبان سعدی) نوشته شده است در شماره دوم اشعاری بعنوان تفریظ در طلوع نوبهار چاپ شده و من جمله این رباعی از مدیر جریده گل زرد است

امروز نسیم مشکبار آمده است در گلشن عشق گل بیار آمده است :

گفتم بنسیم صبح خرم زچه ای خندان شو گفت، نوبهار آمده است

و نیز در شماره پنجم قطعه اثر طبع ناصح الممالک چاپ شده که دو شعر اول آن چنین است

عالم شکفته گشت و خزان شد ز نوبهار از طبع و نشر نام نامی نوبهار

از پاورقیهای خوب نوبهار کتاب (دیبیل) شاگرد اثر (یل بورژه) فرانسوی است که انرا رشید یاسمی ترجمه کرده است. نوبهار صفحه شمار جدا گانه ندارد و بهر طرفه در ۵۴۴ صفحه چاپ شده. آخرین شماره این دوره شماره ۳۴ میباشد که در تاریخ شنبه ۴ هجری ۱۳۰۲ منتشر شده است. در این شماره دفتر نوبهار (اخطاری) چاپ کرده است که قسمت اول آن این است
«پس از یکسال نوبهار ما بعد از این شماره عبارت خواهد بود از يك جلد کتاب نفیس ادبی که یکسال تمام در جمع آوری و تهیه و طبع و نشر آن صرف وقت شده است بهر

صورت یکسال زحمت کشیده و سه هزار تومان مقروض شده ایم همین مبلغ نیز وجوه اشتراك ما در نزد مشترکین محترم باقی است - فعلاً بنشر يك كتاب كه متجاوز از پانصد صديقه و داراي رساله ها - مقاله ها، ترجمه ها، نفايد و ترانه های دلکش است موفق آمده در حقيقت نوبهار در اين دوره از صورت روزنامه خارج شده و بی شباهت و بلکه بهتر و مفيدتر از مجلدات دوره اول کاره ميباشد و بهمين دوره هم دوران روزنامه نویسی مرحوم بهار خاتمه پيدا کرده گر چه دفتر روزنامه وعده داده است که بعد از یکماه پس از تسويه محاسبات امسال مجدداً نوبهار را منتشر ميسازيم ولی ديگر نوبهار منتشر نشده و اين روزنامه مفيد برای هميشه تعطيل شده و شايد علت آن هم ورود مديران در کشمکشهای سياسی و پارلمانی بوده زیرا که از همين ایام است که مقدمات خلع سلطنت قاجاریه و آغاز زوزه جمهوری بلند شده است . دوره یکساله نوبهار از بهترین و مفيدترین جرايد است که تاکنون در ايران منتشر شده است .

ملك الشعرای بهار - شرح احوال بهار در اغلب مجلات و جرايد و - النامه ها چاپ شده و مخصوصاً خطابه هائی در شرح احوال ان مرحوم پس از مرگش ایراد شده و من جمله خطابه آقای حبیب یغمانی مدير محترم مجله یغمانت که در شماره دوم و سوم - سال ششم مجله چاپ شده است در اینجا بطور اختصار برای خالی نمودن از ذکر شرح حال استاد مختصر شرح حالی از آن مرحوم نقل مینمائيم . محمد تقی ملك الشعرای متخاص به بهار در سال ۱۳۰۴ قمری متولد شده پدر ایشان مرحوم میرزا كاظم صبوری ملك الشعرای استان قدس رضوی بوده . تحصیلات ایشان در خراسان و در سال ۱۳۲۸ بانشار روزنامه نوبهار در خراسان پرداخته اند در سال ۱۳۳۲ از خراسان از ناحیه سرخس - کلات بنماینده گی دوره سوم مجلس انتخاب و بطهران عزیمت نموده و در طهران نیز روزنامه نوبهار را باسلوب بهتری منتشر کرده و در سال ۱۳۳۶ بانشار مجله دانشکده و در ۱۳۳۸ بمديري روزنامه رسمی ايران مشغول گردیده اند . در دوره چهارم نمایندگی مجلس را داشته و در ادوار پنجم و ششم و هفتم و یازدهم از طرف اهالی طهران انتخاب شده اند . از ۱۳۰۸ پس از تبیدهای یزد - اصفهان بطهران باز گشته بخدمت وزارت فرهنگ در داشعراي عالی مشغول شده و بتصحیح و تعشیه کتب و تدریس پرداخته اند . تالیفات ایشان علاوه بر مقالات و اشعار زیادی که در مجلات و جرايد چاپ شده عبارت است از چهار خطابه سه جلد کتب سبک شناسی مقدمه و تصحیح تاریخ سیستان - مجمل التواریخ و القرض - مطالعه در شهر حال فردوسی مرحوم بهار يك مرتبه بوزارت فرهنگ رسیده و چند ماهی بشغل وزارت مشغول بود در اواخر عمر مبتلی بمرض سل گردید و با معالجات زیاد در ایران و سوئس مؤثر واقع نشد و عاقبت در مرداد ماه ۱۳۲۹ شمسی دار دنیا ابدود گفت .

(۱۱۳۱) نور

روزنامه نور در سال ۱۳۰۱ شمسی در طهران تأسیس و بطور هفتگی منتشر شده است

(۱۱۳۲) نورافشان

نامه نور افشان در شهر بوشهر بمديريت خانم (شوکت سلامی) تأسیس و در سال

۱۳۰۹ شمسی منتشر شده است. آغ از انتشار روزنامه نور افشان در شهریور سال مذکور بوده و مجله عالم نسوان دز شماره پنجم سال هفتم خود طلوع آنرا تبریک گفته و قرائت آنرا بخوانندگان توصیه کرده است. این روزنامه در سال ۱۳۱۷ به مدیریت (محمد علی علوی) بطور هفتگی منتشر میشده و بهای یکشماره آن سیصد دینار و هر نوبت سیصد شماره منتشر میگرددیده است.

(۱۱۳۳) نورافکن

روزنامه نورافکن در طهران بهمدیری (میرزا مهدی حقیقت) در تاریخ ۴ قوس ۱۳۰۳ شمسی امتیاز آن از تصویب شورایعالی فرهنگ گذشته است.

(۱۱۳۴) نوربالکام

روزنامه نوربالکام در سال ۱۳۰۲ شمسی در طهران تأسیس و بزبان ارمنی منتشر شده است.

(۱۱۳۵) نورشرق

روزنامه نور شرق در شهر اصفهان بهمدیری و نویسندگی (شیخ نوراله دهاقانی) تأسیس و در سال ۱۳۴۴ قمری منتشر شده است. شماره اول نورشرق در چهار صفحه بقطع وزیری متوسط با چاپ سربی (شرکت مطبعه اتحاد) طبع و در تاریخ بیستو دوم شوال ۱۳۴۴ قمری انتشار یافته است. مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (بیان حال) نوشته شده و بدینقسم شروع میگردد، «شاید اغلب بدانند که اقدام اینجانب در اینگونه امور تايك اندازه عاده مخالف مقتضیات خانوادگی است و بعلاوه بغیر از تحمل زحمات و خسارات و حتی بدبینی جمعی کونه نظر نتیجه دیگری عاید نخواهد شد ولی باوجود همه اینها در این صصر که کفر و العاد رائج صدها امراض اجتماعی با ما دستو بغل شده در يك چنین صصری برهر کسی لازم است بوضعی حالی «.....» پس از سرمقاله مذکور، مقاله دیگری بعنوان (حقاید من) که در پایان آن مینویسد: «اینک بر حسب وعده خود بذکر یکی از مهم ترین رجال روحانی مبادرت جسته صوم فارین را بعظمت او توجه میسازیم.» و بدنبال این قسمت شرح حال (حاج شیخ عبدالکریم یزدی) را نوشته و آخرین مقاله مندرج در این شماره (سئوالیست از مدیر صصر پهلوی).

قبل از انتشار شماره اول طبق معمول جراید آن ایام طلبه نور شرق در رمضان سال مذکور انتشار یافته و در آن طلبه مدیر روزنامه علت تأسیس و انتشار ووزنامه را بیان کرده و من جمله مینویسد: «بدیهیست که دیگر امروز از قصور یا تقصیر اغلب رؤساء دین و زمامدارن امور دو ثلث مردم حالیه و تمام مردم بیست سال دیگر حس دین که بهترین مری انسان و دافع شرور است نداشته و نخواهند داشت.....»

عجالتاً این جانب برحسب تأکید و صلاحیتی که يك عده از مقدسین و متدینین از حسن ظن خودشان در من معتقدند امتیاز نورشرق را از وزارت معارف صادر کرده و فرض فقط انتشار مقالات است هوام فهم که مجانی و یا بقیمت خیلی خیلی مختصر با نسخه های زیاد در میان صوم

طباقات منتشر شود که هم آنها را بدیانت جلب کنند و هم اعتراضات سائرین را دفع دهد ۶ هم بر حسب حب الوطن من الایمان در اطراف نرفی وطن و قطع ایادی بیگانگان کوشش نماید و بعلاوه از خدام دین و وطن تشویق کند ۰۰۰۰۴ بایستی در اینوقع که این جنب با اجازات اجتهادی که دارم حاضر برای این امر خطیر شده با کمال خرسندی از مساعدت خود داری نکرده ۰۰۰۰ لازم است یاد آور شوم که امتیاز مجله نور شرق در اصفهان در ۱۴ دی ۱۳۰۴ ش ی لزتصویب شورای عالی معارف گذشته است .

روزنامه نور شرق ماهانه دومرتبه منتشر میشده ولی بی ترتیب . محل اداره ابتدا در نیابان چهارباغ و بعد به پشت مسجد شاه انتقال یافته . نور شرق نامه ایست دینی و مندرجات آن بیشتر مطالب مربوط بروحانیت و دین اسلام میباشد . قبت سالیانه آن روحانیون و اعیان ۵ تومان . سایر طبیات ۴ تومان . نور شرق ابتدا با حمایت و کمک آقایان مسجدشاهی و مخصوصاً شادروان حاج آقا نورالله تأسیس شده و بعداً هم چون این کمک قطع شده انتشار نور شرق نیز دوچار وقفه و تعطیل گردیده است

نور شرق در سال اول کموبیش انتشار یافته . شماره ۴ این سال در ۲۰ ذیحجه ۱۳۴۴ و با سرمقاله (فاجعه مراکش - عرایض ما بیادشاه اسلام پناه اعی حضرت بهلوی) شروع میگردد . شماره ۱۰ سال دوم نور شرق با قطع بزرگتری در چهار صفر در تاریخ ۵ شنبه ۲۴ رمضان ۱۳۴۶ قمری و شماره دوم سال سوم آن در تاریخ جمعه ۶ ذیحجه انتشار یافته است . سرمقاله شماره اخیر تحت عنوان (لفت یادین) نوشته شده است . همانقسم که یاد آور شدیم نور شرق نامه ایست دینی و از اینجهت خیلی مورد توجه واقع نشده و در سال سوم تعطیل شده است .

شیخ نورالله دهاقانی - شیخ نورالله دهاقانی از یک خانواده روحانی و پدر و جدش از اهل دهاقان واقع در چهار فرسخی شهرضای اصفهان بوده و خودش نیز در آنجا متولد شده است و بهمین مناسبت تا قبل از انتشار روزنامه دینی نور شرق معروف بدهاقانی بوده و پس از انتشار این روزنامه مشهور نور شرق گردیده است

نور شرق تحصیلات خود را در مدارس قدیمه اصفهان با تمام رسانیده و بزبان فرانسه مختصر آشنائی داشته است . وی بیشتر مطالعاتش در تفسیر قرآن بوده بمسبکه اغلب آیه قرآن را حفظ داشت علوم عربیت و علم الاجتماع نیز تسلط داشت و اغلب مقالات او که در روزنامه ها و مجلات اصفهان چاپ شده در این زمینه است . در نگارش موضوعهای اجتماعی با قلم روان و ساده برشته تحریر در می آورد . پس از تأسیس مدرسه متوسطه صاریه بدبیری عربی و فارسی مشغول شد و تا آخر عمر در مدارس مختلف اصفهان تدریس میکرد . از مرحوم نور شرق تألیف مستقلی چاپ نشده و همانطور که یاد آور شدیم قسمت عمده آثار او بصورت مقالات مختلف در روزنامه های اصفهان و مخصوصاً روزنامه نقش جهان چاپ شده است . وی در شهریور ۱۳۳۲ شمسی بمرض سکه قلبی دار دنیا را وداع نمود و جنازه اش با تجلیل تمام بتخت تولاد حمل و در آنجا بظنک سپردند

(۱۱۳۷) نور کا قاپار

روزنامه نور کا قاپار بزبان ارمنی در طهران تأسیس و منتشر شده است ولی نگارنده تا کنون

نمونه آنرا بدست نیاورده و از تاریخ و سبک انتشار آن اطلاعی ندارم .

(۱۱۳۷) نور کیانک

روزنامه نور کیانک بزبان ارمنی در طهران تأسیس و ظاهرأ در سال ۱۴۰۰ شمسی منتشر شده است . از این روزنامه نیز تاکنون نگارنده نمونه ای بدست نیاورده تا بتوانم خصوصیات آنرا ثبت نمایم .

(۱۱۳۸) نوروز

روزنامه هفتگی نوروز باجواب سنگی بمدری (ناظم الاسلام کرمانی مدیر کوکبدری ناصری) و نویسندگی (میرزا کاظم خان کرمانی) در طهران تأسیس و در سال ۱۴۲۰ قمری منتشر شده است . برون که شرح مذکور را در (صفحه ۱۵۰) کتاب مطبوعات و شعر فارسی نوشته اضافه میکند که نمره اول روزنامه نوروز در تاریخ ۲۲ ذیحجه ۱۴۲۰ قمری مطابق ۲۲ مارچ ۱۹۰۴ میلادی انتشار یافته و نیز یاد آور میشود که نمونه این روزنامه را در دست ندارم .

روزنامه نوروز مدت یکسال و نیم منتشر شده و بعد تعطیل گردیده و مجدداً در ماه صفر ۱۴۲۵ قمری بنام (کوکبدری) طلوع نموده است . ذیلا شرحی را که در این باره دو روز نامه تمدن و ندای وطن نوشته برای مزید اطلاع نقل مینمایم . روز نامه تمدن در شماره ۲ سال اول مورخ ۶ صفر ۱۴۲۵ قمری مینویسد : «نوروز برآمد ای منوچهری» با اختر سمنو کوکبدری نامه نوروز که سابقا با خامه دانشمند سترک و استاد سخن سنج آقا میرزا محمد ناظم الاسلام منتشر میشد دیرگاهی است چهره تابانش در حجاب خموشی متواری گشت و طالبان را از نشر فواید دین و وطن بی بهره گذاشت اینک بحمدالله بلبیل ناطقه اش آغاز ترنم کرد و نمره اول آن در هفته پیش اداره رسید . روزنامه ندای وطن چاپ طهران در شماره ۱۱ - ۱۱ اول مردخ سه شنبه ۲۵ شهر صفر ۱۴۲۵ قمری تحت عنوان (تقریظ و اعلان) راجع بروزنامه نوروز و طلوع روزنامه کوکبدری و تمجید از ناظم الاسلام کرمانی اینطور مینویسد :

«ستاره بدرخشیو ماه مجلس شد
دل رمیده مارا انیسو مونس شد»

روزنامه شریفه نوروز که دو سال قبل (این قسمت اشتباه است و تاریخ تأسیس نوروز پنج سال قبل بوده است . مولف) بهمت یگانه دانشمند فرزانه آقای ناظم الاسلام کرمانی دام علاه تأسیس و یکسال و نیم بتمدن مملکت خدمت نموده و بعد عوائق کثیره لانتشار آن در شاهوار را بتاخیر انداخت و دل دانشمندان را در آتش انتظار گذاخت و اینک بحمد الله تعالی باجمالی دلربا و کمالی جان فزا باسم (کوکبدری) طلوع نموده و چندین مرتبه بر جلوه و رونق سابق افزوده . پوشیده نماند که ناظم الاسلام مردیست عالم و فقیه صاحب تصنیفات فائمه و تألیفات سابقه و لاحقه مصنفات ایشان در صرف و نحو در تمام مکاتب و مدارس جدیده متداول علاوه از اینکه سالها در علوم عقلیه و نقلیه و فنون ادبیه درس خوانده و درس گفته چندین سال در محضر مبارک حبه الاسلام آقای آسید محمد استفاضه نموده و از آن منبع فیوضات اصول مسائل سیاسی و اخلاقیه را بخوبی فرا گرفته تا اینکه از مهربان آن استلن و مستمدان مخصوص

حضرت رفیع ایشان راوی اخبار و معرم اسرار شده . مختصراً ناظم‌الاسلام روزنامه نویسی امی نیست و ما هم عصر و هم وطن خود را مفخرأبطلوع ستاره درخشنده و ماه تابنده کوکب دری تهنیت می‌گوئیم « شرح مذکور را مجدالاسلا کرمانی مدیر روزنامه ندای وطن در باره همشهری خود ناظم‌الاسلام کرمانی نوشته و الحق ناظم‌الاسلام مرد دانشمندی بوده و کتاب تاریخ بیداری ایرانیان گواه فصل و دانش اوست . برای اطلاع از روزنامه کوکب دری بعرف ف کتب ذیل روزنامه مذکور مراجعه شود .

(۱۱۳۹) نوروز

روزنامه نوروز با چاپ سنگی در اصفهان تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری بطور هفتگی منتشر شده است .

(۱۱۴۰) نوروز

روزنامه نوروز در شهر قزوین بمدیری آقای (میرزا اسدالله خان نوروزی-واعظ نوروزی سابق) تأسیس و در سال ۱۳۰۶ شمسی منشر شده است . امتیاز روزنامه



آقای اسدالله نوروزی

نوروز در ۲۳ فروردین ۱۳۰۶ شمسی از تصویب شورایعالی معارف گذشته و شماره اول آن در تاریخ پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۰۶ در شهر قزوین منتشر شده است . شماره ۶۴۴ این روزنامه که آخرین شماره سال نهم آن بوده بصاحب امتیازی (اسدالله نوروزی) و مدیر مسئولی (باقر زعیم) در تاریخ سه شنبه ۲۴ اسفند ۱۳۱۴ شمسی مطابق ۲۳ ذیحجه ۱۳۵۴ قمری انتشار یافته و انتشار آن تا شهریور ۲۰ و بعد از آن نیز ادامه

داشته است . سرمقاله شماره مذکور تحت عنوان (دهمین سال ننامه نوروز) نوشته و باین قسم شروع می‌گردد : « همین شماره که بدست دارید آخرین ورنه همین سال است و از تجدید سال جدید و آمدن عید نوروز دهمین سال انتشار نامه نوروز شروع خواهد شد . حالاً زشت یا زیبا خوب یا بد نهالی که از ده سال از مرحله سنین عمرش میگذرد قابل نوازش بیشتر ... »

طرز انتشار نوروز ابتدا هفتگی و بعد هفته دوتامه شماره بوده . عنوان تلگرافی قزوین : (نوروزی) . محل اداره : قزوین خیابان سه قیمت اشترک سالیانه ۶۰ ریال مندرجات روزنامه پس از درج مقاله اساسی عبارت است از اخبار معلی و قسمتی از اخبار خارجه و گاه گاهی اشعار و مقالات اجتماعی و اخلاقی و صفحه چهارم آن مخصوص آگهیهای ادارات دولتی و ثبتی است .

(۱۱۴۱) نوروز ایران

مجله نوروز ایران بمدیری و صاحب امتیازی (میرزا محمد بدیع تبریزی) در

تاریخ ۱۳ ابان ۱۳۰۶ امتیاز آن از تصویب شورایعالی معارف گذشته است . نگارنده تاکنون نمونه این مجله را بدست نیاورده ام .

(۱۱۴۲) نورهاسگر

روزنامه نورهاسگر در سال ۱۳۱۲ شمسی در طهران بزبان ارمنی تأسیس و منتشر شده است .

(۱۱۴۳) نوع بشر

روزنامه نوع بشر در شهر رشت تأسیس هفته دو بار منتشر شده است . شماره اول این روزنامه در بیست و پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری انتشار یافته و مجموعاًش شماره ۱۱ آن نشر شده که شماره آخر آن در تاریخ ۲۳ جمادی الاول سال مذکور می باشد . برون که شرح مذکور را نوشته (صفحه ۱۵ تاریخ مطبوعات و شعر فارسی) اضافه میکند که من نمرات ۶، ۳، ۱ نوع بشر را در دست دارم . هر شماره آن در چهار صفحه بقطع ۱۱ و سه چهارم در ۶ و ۳ چهارم اینچ است و چه اشتراك سالیانه آن در رشت ۱۵ قران . در سایر شهرهای ایران قیمت پست افزوده میشود .

(۱۱۴۴) نوید

روزنامه نوید در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۵ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است

(۱۱۴۵) نهضت

در سال ۱۳۰۹ شمسی ایرانیان مقیم آلمان روزنامه بزبان فارسی بنام پیکار منتشر نموده و پس از جلو گیری از آن روزنامه دیگری در سال ۱۳۱۰ شمسی بنام نهضت در شهر برلین بزبان فارسی تأسیس و منتشر شده است ناشر روزنامه مرحوم فرخی مدیر روزنامه طوفان بوده است . روزنامه نهضت در اسفند سال ۱۳۱۰ توقیف و ناشر آن فرخی تحت تعقیب قرار می گیرد و سه ماه حبس محکوم میشود .

(۱۱۴۶) نهضت اسلام

روزنامه نهضت اسلام بصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (اسدالله باغ بادرانی) در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده است . شماره دوم سال اول آن روی يك ورق بزرگ با چاپ سری طبع و در تاریخ چهارشنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ شمسی منتشر شده . در این شماره صاحب امتیاز و مدیر مسئول (اسدالله باغ بادرانی) و سردبیران (سید مهدی رضوی قمی) معرفی شده است . جای اداره : طهران خیابان اسلامبول در اداره قرن بیستم . عنوان تلگرافی نهضت اسلام طرز انتشار روزنامه هفتگی بوده و بالای اسم روزنامه آبه (ان الدین عندالله الاسلام)

چاپ شده است. در عنوان روزنامه نهضت اسلام روزنامه دبستانی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، ادبی معرفی شده و مندرجات آن پس از سرمقاله عبارت از اخبار داخلی و یک قسمت باورقی است که در شماره های نمونه بعنوان (رد بر نیچر) نوشته شده است. از روزنامه نهضت اسلام چاپ طهران نگارنده فعلاً تا شماره ۸۱ مورخ یکشنبه ۲۳ رجب ۱۳۴۱ قمری مطابق ۲۰ حوت ۱۳۰۱ در دست دارم.

(۱۱۴۷) نهضت اسلام

روزنامه نهضت اسلام پس از چندی که در طهران منتشر میشده، محل طبع و انتشار آن باصفهان انتقال پیدا کرده و شماره اول این روزنامه که در اصفهان منتشر شده روی یک ورق بزرگ با چاپ سنگی در مطبعه حبل‌الدین طبع و در تاریخ ۸ شعبان ۱۳۴۲ قمری مطابق ۲۴ حوت ۱۳۰۲ منتشر گردیده است. مقاله افتتاحی روزنامه تحت عنوان (وضعیات حاضره) و باین قسم شروع میشود: «جمهوریت - قسمی موضوع جمهوریت دره فرح‌حاسبین مات ایران جا گرفته و بطوری این جوهر در وجود جامعه ایرانی تولید و تقویت شده که عجالتاً نیتران از تعقیق و تدقیق تدریجی در افکار عمومی حکمیت نمود. آنچه فعلاً مشاهده میکنیم این است که ملت ایران یگسدا و یکنواخت تغییر رژیم سلطنت مشروطه ایران را بسوضع حکومت جمهوری از دارالشورای ملی تقاضا دارند...» پس از این سرمقاله، مقاله (سلطنتهای گذشته و حال) و یکی دو مقاله دیگر است. باورقی صفحه اول و دوم ترجمه کتاب (پس از مرگ - تألیف فلاماربون) میباشد که هادی وثیق راده آنرا ترجمه نموده است.

یکی از مقاله های این شماره بعنوان (آثار گذشتگان) که در آن از ظل‌السلطان وقاجاریه بدگونمی کرده میباشد. محل اداره: اصفهان خیابان سینه جنب چهلستون عنوان تلگرافی نهضت اسلام، وجه اشتراک روزنامه: داخله ۶۰ قران ولایات یکساله ۷۰ قران - شش ماهه ۴۰ قران. تک شماره ۴ شاهی. باهل علم و شاگردان مدارس تخفیف داده می شود.

اسم روزنامه بخط نستعلیق درشت نوشته و بالای آن آیه (ان‌الدین عندالله الاسلام) بعنوان شعار روزنامه چاپ شده است. نهضت اسلام: اصفهان منحصرأبصاحب امتیازی و مدیر مسئولی (اسدالله باغ‌بادرانی) منتشر شده است. از این روزنامه بطور نمونه شماره اول در دست است.

میرزا اسدالله باغ‌بادرانی - نامبرده از اهالی باغ‌بادران که در قراء نزدیک اصفهان است می باشد. آنچه نگارنده از احوال او اطلاع دارم این است که در سنوات اخیر در اداره آمار اصفهان خدمت می کرد و در سال ۱۳۲۸ شمسی در اصفهان فوت نمود.

(۱۱۴۸) نهضت ایران

روزنامه نهضت ایران در طهران بمدیری و نگارندگی آقای (محمدهادی سندجی)

تأسیس و شماره اول آن در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی باقر زاده طبع و در تاریخ ۴ شنبه ۲۸ صفر ۱۳۴۱ قمری مطابق ۱۷ میزان ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. طرز انتشار نهضت ایران ابتدا هتگی بوده ولی در عنوان آن نوشته است (قریباً هفته دوبار منتشر می‌شود) مرکز جریده : طهران . علاه الدوله . اداره شفق قیمت اشتراك : داخله ۸ تومان . خارجه ۹ تومـن . تك شماره ۸ شاهی . قیمت اعلانات با دفتر است.

مقاله افتتاحی روز نامه تحت عنوان (مقدمه يك آتبه مجهول) است و بدینقسم شروع میگردد : « هم وطنان . برای اشاعه اصول محکم وافکار مقدسی که میل ندارم بوسیله تذکر تنها که شامل ادعا باشد بعرض برسانم . بتأسیس نامه نهضت ایران موفق گردیده ام . . . » این سرمقاله تمام صفحه اول روزنامه را فرا گرفته و نامضی مدیر روزنامه (معده علی سندی) میباشد . در شماره اول صفحه دوم آن چند مقاله و در صفحه سوم زیر عنوان (مطبوعات ایران) از چند روزنامه مطالبی نقل کرده و در همین صفحه اخبار داخله و يك مسابقه اقتصادی چاپ شده است . در ضمن اخبار داخله اولین خبر آن این است : « مدیر روزنامه بهلول . قبل از ظهر روز گذشته در موقعی که آزادی مدیر روزنامه بهلول از خیابان ناصریه بسمت میدان توپخانه میرفته اند جنب تلگرافخانه دو نفر قفقازی غفلتاً بمشالیه حمله نموده و بملت غیر معلومی او را سخت كك میزنند بطور یکه مجروح میشود آژان رسیده آنها را جلب و بسحاكم مربوطه دوسیه آنها را احاله میکنند . مدیر روزنامه فعلا در مرخصخانه است . » علت نقل این خبر برای این است که مربوط بمدیر يك روزنامه می‌باشد و برای مزید اطلاع خوانندگان راجع بمدیر بهلول بی‌مناسبت نیست . شماره چهار سال اول نهضت ایران در تاریخ سه شنبه ۴ ربیع الثانی ۱۳۴۲ مطابق ۲۰ عررب ۱۳۰۲ منتشر شده است .

(۱۱۴۹) نهضت شرق

روزنامه نهضت شرق در طهران بصاحب امتیازی و مدیر مشولی (ح . رجائی) و مؤسس آن (ا . آذری) تأسیس و در سال ۱۳۰۰ شمسی منتشر شده است . روزنامه نهضت شرق باستانای شماره اول که در ۸ صفحه می‌باشد بقیه در چهار صفحه بقطع بزرگ هفته دومرتبه روز های یکشنبه و چهارشنبه طبع و توزیع شده . این روزنامه در مطبعه سربی (نهضت شرق) که سابقاً موسوم به (باقرزاده) بوده و از سال ۱۳۴۰ قمری پس از تکمیل وسایل و توسعه آن بنهضت شرق موسوم گردیده چاپ شده است . نهضت شرق روی کاغذ بسیار اعلی و با حروف نسبتاً درشت و بطور متوسط هر صفحه ای ۴۱ سطر است .

روزنامه نهضت شرق دارای سرلوحه رنگی بسیار عالی است که در جراید ایران بی نظیر است و در نمازه نوهار طهران تهیه شده و بجلوت است از يك مربع مستطیل که در وسط آن بیرق ایران برنگهای سرخ و سفیدوسبز بضمیمه شیر و خورشید در یکطرف قرار گرفته و دوطرف دیگر بیرق فرمز رنگ هسانی بضمیمه ماه و ستاره دیده میشود . در روی صفحه بیرق ایران کلمه

(نهضت) بخط نستعلیق سفید و روی بیرق ششمانی کلمه (شرق) گذاشته شده. روی دسته دو بیرق بخط نسخ نیز کلمات نهضت و اسلام و در بین این دو کلمه سال تأسیس روزنامه (۱۳۴۰) چاپ شده است. همان‌قسم که اشاره شد سر لوحه رنگی بنحومذکور در آن ایام در روزنامه های ایران می سابقه است و انتخاب کلمات نهضت، شرق، اسلام، بنظور اتحاد ملل شرق و اسلامی بوده است. محل اداره روزنامه، طهران خیابان لاله‌زار، کوچه امین‌السلطان. قیمت اشتراك روزنامه سالیانه در داخله ایران ۸ قران. خارجه ۹۰ قران شش ماهه بترتیب ۴۰ و ۵۰ قران و سه ماهه ۲۵ قران و ۳۰ قران است. قیمت تک‌نمره باسثنای شماره اول که ۱۵ شاهی است بقیه ده شاهی معین گردیده است. شماره اول نهضت شرق در تاریخ سه شنبه ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰ مطابق ۲۸ قوس ۱۳۰۰ منتشر شده آغاز مقاله افتتاحی آن بدین‌قرار است: «بسم الله الرحمن الرحيم. اقراء باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقراء و ربك الاكرم الذي علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم. در محیطی که مطبوعات رو با انحطاط گذاشته و امراض مهاك اجتماعی شرافت قلم را از میان برده و نویسندگان دانشمند و ادبای ارجمند نوك خامه را چیده و در گوشه عزت خزیده اند ما خود را موظف میدانیم که با انگشتان نحیف و لرزان و سینه تنك و نفس زنان قلم را دست گرفته و بند از زبان بگشائیم.. قلم استادی است مسیحاوم و معافی است مربی امم نماینده افتخارات ملل و وثیقه سعادت بشر ۰۰۰۰ اورافی که ناشر افکار قلم ما خواهد شد بنام نهضت شرق نامیده شده است. این اسم مبارک مرام و مسلك ما را بصوم جهانیان اعلام و اخطار مینماید. این است مسلك حقیقی ما در دو کلمه مختصر و دو کلمه مقدس نهضت شرق نهضت اسلام...» این سرمقاله يك صفحه و نیم روز نامه را فرا گرفته و باین جملات ختم میگردد: «اسبابا میرود که خاتمه بخیر خواهی و دلسوزی سائین حریص اروپا و دامن بی‌تقصیر خود را از دست این قیوم‌های گركشعار رهانی بخشد. اما با چه مسلك و با چه سرنوشت آنرا در نمرات آتیه مطالعه فرموده و خواهید فهمید که فقط آزادی دنیا در زیر پرچم نهضت اسلام تجلی و دنیای خوش بخت و نيك نام را تشکیل خواهد داد» در شماره اول پس از این سرمقاله، مقاله دیگریست بعنوان مجلس شورایی ملی که در آن از اصلاح اوضاع اقتصادی کشور گفتگو کرده. آخرین اخبار داخله و خارجه قسمتی از مندرجات این روزنامه را تشکیل میدهد. موضوعی که روزنامه نهضت شرق را از جث مند رجعات در درجه اول قرارداد مطالبیست راجع بنفت جنوب و اطلاعات مهم در این زمینه چنانچه از همان شماره اول بعنوان پاووقی (راپورت مستر اسمیت ارمیتاز راجع بمعاسبات دولت با کمیانی نفت ایران و انگلیس) چاپ شده و در آن بذکر خسارات و حساب سازیهای کمیانی و دعاوی غنم ایران پرداخته است.

يك قسمت از مندرجات روزنامه که بقلم آقای (احمد آذری) مؤسس روزنامه نوشته شده مطالب تاریخی است تحت عنوان (يك قطعه تاریخ) که بصورت داستان و خیلی جالب و شیرین است. يك قسمت از مقالات مسلسل روزنامه تحت عنوان (مطالعه در امتیاز نفت شمال) است که مطلبی بخوبی واضح و روشن نموده و برای کسیکه بخواند مطالعاتی در این باب نماید مقالات بسیار مفیدیست. در شماره ششم سال اول بجای سرمقاله حکمی بامضای وزیر جنگ (رضا) مورخ

۱۴ جدي ۱۳۰۰ راجع بتشکيلات جديد فشون چاپ شده‌است . قسمت عمده سيمقاله‌های روزنامه بعنوان (بيشهاد حياتي) درباره اصلاحات لشکري و کشوري تدوين و درج شده . ياورتي راپورت مستر اميتاز اسميت تا شماره ۴۵ و مقاله مطالعه در امتياز نفت شمال تا شماره ۴۷ روزنامه ادامه داشته است . از مقالات مسلسل ديگر روزنامه مقاله (فروض خارجي ايران يا منبع بدبختي‌های او) ميباشد که در ۱۶ شماره بتدريج چاپ شده است . جملهای تحت عنوان (يك صفحه از دفتر سلطنتي) مشتمل بر شرح قسمتي از جواهرات و اشياء نفيس سلطنتي با ذکر خصوصيات آنها و اينکه بچه صورتی در آمده ، قسمت ديگر از مندرجات روزنامه نهضت شرق را تشکيل ميدهد . رويهمرفته روزنامه نهضت شرق از حيث مندرجات يکي از روزنامه‌های بسيار مفيد آن ايا است . آخرين شماره که از اين روزنامه در دست می‌باشد شماره ۴۸ است که در تاريخ ۲۰ سرطان ۱۳۰۱ شمسي منتشر شده‌است .

آقای احمد آذري - آقای احمد آذري مؤسس روزنامه نهضت شرق و نویسنده آن
تا سال ۱۳۰۹ شمسي عضو وزارت دارائی و از اعضاء عالبرته آن وزارتخانه و رئيس دارائی گيلان بوده‌است : و سپس منتظر خدمت شده و در اواخر عمر و پايان زندگي بقرار اظهار يکي از دوستان در نزديکي قزوین قلعه مغروبه را آباد و آنرا بنام (قلعه آذري) موسوم و در آنجا بزندگي فلاحتي مشغول بوده‌است . احمد آذري در سيزدهم مرداد ۱۳۱۶ شمسي بدود حيات گفته و چند فرزند از او بنامهای اوژنک ، نادر ، آذر کيوان باقيمانده‌است .

(۱۱۵۰) نيكو قايوس

روزنامه نيكو قايوس بمديري (مادرير وسيان) در طهران امتياز آن در تاريخ ۱۸ اسفند ۱۳۰۶ از تصويب شوراي ملي معارف گذشته است .

(۱۱۵۱) نير اعظم

روزنامه نير اعظم در طهران بمديري (معين العلمای اصفهانی) تاسيس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده‌است . شماره دوم اين روزنامه در تاريخ ۱۶ رمضان ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و طرز انتشار آن هفته دو بار بوده است محل اداره روزنامه ، طهران . خيابان ناصريه . وجه اشتراك طهران ، سالبانه ۱۴ قران . شش ماهه ۸ قران و ولايات داخله ۱۶ قران . ممانك خارج ۱۱ فرانك . اعلانات سطري ده ماهی . قيمت يك نسخه در طهران صددينار در بلاد داخله سه ماهی . بالای عنوان روزنامه اين شعر (آفتاب آمد دابل آفتاب * گر دليلت بايد از وي رخ متاب) بعنوان شعار و بالای اسم روزنامه (نير اعظم) که بخط نستعليق درشت نوشته شده است جمله (هوالمعین) چاپ شده‌است مرام و مسلك و سبك مندرجات روزنامه در ضمن دو سطر در زیر عنوان آن اينطور نوشته شده‌است : (اين روزنامه آزاد است و از مطالب علمي و سياسي و اخلاقي و تاريخي که مفيد بحال ملت است سخن ميراند و مقالات و لوايح مفيده با مضاه پذيرفته ميشود . » شماره ۵ سال اول نير اعظم در چهار صفحه بقطع وزيری با چاپ سربي در مطبعه شرقی طبع و در تاريخ دو شنبه ۴ شوال ۱۳۲۵ قمری مطابق ۱۱ نوامبر فرانسه ۱۹۰۷ ميلادی منتشر شده‌است

سرمقاله این شماره تحت عنوان (سیاسی) بدین‌قسم شروع میشود: «یکی از جراید خارجه را عقیده براین است که درمعامله روس وانگلیس غین فاحش با انگلیس است اوایای این دولت بامه علم وشیطنت دراین معامله مقیون شدند پس ازاین سرمقاله . مقاله دیگری بعنوان (اینهمه آوازا ازته بود) وبعده مقاله (عالم اتحادرا بشارت) و شرحی بعنوان (قابل توجه انجمن اکابر) و دو خبر ویک اظهار مجموع مندرجات شماره پنجم ا تشکیل میدهد .
آخرین شماره که از روزنامه نیر اعظم بطور نمونه نگارنده در دست دارم شماره ۱۲ سال اول است که در تاریخ ۶ ذیقعد ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است .

سید عبدالوهاب معین العلمای اصفهانی

معین‌العلماء فرزند مرحوم حاج سید مهدی نعوی که از مبارک علماء زمان خود بوده در سال ۱۲۹۴ قمری بدنیا آمده ودر شب جمعه ۶ رمضان ۱۳۰۸ قمری در اصفهان فوت نموده است . روزنامه مظفری چاپ بو شهر در شماره ۴ سال یازدهم خود مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۲۹ قمری مختصر شرح اثنی مطابق ۲۸ جوزای ۱۳۲۹ قمری مختصر شرح حال از آن مرحوم نوشته که بعینه نقل مینماییم .
« جناب معین‌العلماء شخصاً از اجله علماء اصفهان و پیر بریدر از علماء نامداران سامان بوده‌اند - در سنه ۱۳۲۰ هجری از اصفهان بطهران هجرت نموده بعد از ورود بطهران مجسمی از هواخواهان عالم انسانیت تشکیل داده و اغلب با رؤسای علماء اعلام مذاکرات در امور مینمودند تا زمان تعصن آیات بامرات و علماء اعلام به



معین‌العلمای اصفهانی

حضرت عبد العظیم - در آن موقع مطالب حق را گوشزد علماء اعلام نمودند تا اینکه بدستخط عدالتخانه نائل گردیده و بطهران معاودت فرمودند - بعد از مدتی که معلوم شد دولت باطناً همراهی ندارد باز با آقایان مجالس سری داشته تا موقع مسجد جامع طهران که علماء - اچار بهجرت از طهران شدند و رفتند بحضور مصومه قم تا دستخط مشروطیت صادر شد در اصفهان پاره شکایات راجع با نتخابات بطهران رسید - حجج اسلام و مجلس شورای ملی در آن موقع دفع فسادرا از ایشان خواست ایشان هم قبول فرموده رفتند و در مدت قبلی دفع همه گفتگوها شد در هر دوره مشروطه از طرف اصفهان تکلیف وکالت بایشان کردند ایشان قبول نکردند - بعد از مراجعت از اصفهان در طهران جریده مرسوم به «نیر اعظم» تاسیس و در آن زمان قوه هیچکس نبود برضد استعمار انطور مطالبه را می پرده گشتن و نوشتن و بالجمله در آن موقع از طرف امناه دولت همه روزه بمجلس سخت گیری میشد که باید چند کروڑ از خارجه قرض کرد - مجلس هم مهلت خواست - جناب ایشان ملت را تهیج بدان امانه و قرض ببولت نمودند و ابداع بانک ملی از ایشان است که اگر تشکیل شده بود امروز دولت و ملت گرفتار آن خسارات

حرفالوا و بعده الراء

ورادزنونند، ورزش، وطن

نمیشدند تا موقع خرابی کعبه آمال ملت رسید - در آنموقع با تبدیل لباس با طراف متواری لکن باز دست از وظیفه مقدس خود بر نداشته با علماء و تجار مذاکرات داشته تا نتیجه اقدامات رفتن بحضرت عبدالعظیم و سفارت عثمانی شد - در موقع توقف سفارت مکاتیب ایشان باصفهان رفت و علماء بتوسط ایشان حکم بر وجوب مشروطیت دادند تا اینکه کار گذشت و سرداران ملت طهران را فتح کردند و فرق سیاسی هم که در طهران تشکیل شد همه متفقاً وجودایشانرا بر خودشان مغنم دانستند تا مسافرت عتبات برای ایشان پیش آمد .

مرحوم سید عبد اوهاب مهدوی (معین العلمای اصفهانی) از ابتدای تأسیس عدلیه وارد خدمات دولتی شدند - چندی ریاست عدلیه مازندران و زنجان و گیلان و سپس قضاوت محاکم عدلیه فارس و ریاست عدلیه آباءه و کلیایگان و در اواخر قضاوت محاکم عدلیه مشهد با ایشان بود در سال ۱۳۱۸ شمسی عدلیه اصفهان منتقل و پس از دو ماه در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۱۸ در اصفهان دار فانی را وداع گفتند .

(۱۱۵۲) نیر اعظم

روزنامه نیر اعظم بدیری (شیخ علی یزدی) در اصفهان در تاریخ ۵ بهمن ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شوراجالی معارف گذشته است .

حرفالوا و

(۱۱۵۳) ورادزنونند

روزنامه ورادزنونند در سال ۱۳۰۸ شمسی در طهران بزبان ارمنی تأسیس و منتشر شده است

(۱۱۵۴) ورزش

مجه ورزش بطور ماهیانه در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۷ شمسی منتشر شده است .

(۱۱۵۵) وطن

روزنامه وطن در شهر مشهد بدیری (محیط مانی) مدیر روزنامه طوس تأسیس و در سال ۱۳۳۴ قمری منتشر شده است این روزنامه پس از آنکه روزنامه طوس بزور روسهای تزاری توقیف شد بجای آن منتشر گردید و مدت انتشار آن یکسال طول کشید و مجدداً مدیر آن بطهران تبعید گردید . از این دوره روزنامه وطن نگارنده نمونه بدست نیاورده ام .

(۱۱۵۶) وطن

روزنامه وطن در طهران بصاحب امتیازی ومدبری و سردبیری (میرزا هاشم خان محیط) در رمضان ۱۳۳۵ قمری منتشر شده است . پس از تبعید مدیر روزنامه وطن از مشهد بطهران مجدداً این روزنامه در طهران یا بدایره انتشار گذاشته و تقریباً در رمضان ۱۳۲۵ قمری نشر یافته است . روزنامه وطن در طهران با قطع بزرگ که حالیه معمول جراید است هفته سه بار منتشر شده و یکسالی هم بطور یومیه انتشار یافته ولی بعداً بواسطه خساراتی که از توقیفهای متوالی

بر مدیر آن وارد شده دو مرتبه همان هفته سه شماره منتشر شده و تا سال ۱۳۰۷ شمسی که سال نوزدهم تأسیس آن بوده کم و بیش منتشر میشده است. من جمله يك مرتبه در کابینه دیکتاتوری وثوق اللوله بجرم حق گوئی توقیف و مدیر آن مدت زمانی در باغشاه طهران حبس بود. پس از تشکیل کابینه مشیر اللوله از زندان خلاص شد و در عقب ۱۲۹۹ مجدداً روزنامه وطن منتشر شده است.

سرلوحه روزنامه وطن عبارت از نقشه ایران قدیم میباشد که مشتمل بر ترکستان، افغانستان، بلوچستان و آذربایجان و شهرهای کنونی است، با خط نستعلیق درشت کلمه (وطن) که نام روزنامه است در وسط نقشه چاپ شده و در زیر نون وطن سال ۱۳۲۷ که سال تأسیس روزنامه در خراسان است دیده میشود. محل اداره روزنامه، طهران خیابان لاله زار. عنوان تلگرافی، وطن. طهران. وجه اشتراك روزنامه، طهران و کلیه بلاد داخله یکساله، ۶۰ قران. ششماهه ۳۰ قران. خارجه یکساله ۷۰ قران. ششماهه ۴۰ قران. قیمت تک نمره ۸ شاهی و بعد از يك هفته ۱۰ شاهی.

روزنامه وطن در سال نهم هفته سه نمره روزهای یکشنبه و سه شنبه و پنجشنبه طبع و منتشر میشده و شماره چهارم سال نهم آن در چهار صفحه بقطع بزرگ در مطبعه سربی (نمدن) طبع و در تاریخ ۵شنبه ششم شوال ۱۳۳۵ قمری مطابق ۴ اسد و ۲۶ ژوئیه ۱۹۱۷ میلادی منتشر شده است. مندرجات روزنامه وطن پس از درج مقاله اساسی که بیشتر راجع باوضاع اسف آور روزاست عبارت می باشد از مقالات و ترجمه های مختلف از اوضاع سیاسی و حوادث ممالک خارجه که بیشتر از مطبوعات خارجه ترجمه شده و نیز حوادث و اخبار و تلگرافات داخلی بتفصیل چاپ شده. آنچه از روزنامه در جنگ بین الملل اول نشر شده حوادث جنگ و اوضاع اسف آوری که در نتیجه توقف قشون اجانب پیش آمده درج گردیده است. دریاورقی صفحه دوم یا سوم مقالات عام المنفعه و در بعضی از شماره ها اشعاری تحت عنوان (ادبیات) چاپ شده است. روزنامه وطن از حیث مندرجات و قطع روزنامه یکی از روزنامه های بسیار خوب و مفید بوده و در آن ایام دست کمی از روزنامه های رعد و برق و سایر روزنامه های معروف نداشته است.

شرح حال آقای هاشم محیط در ذیل روزنامه طوس در جلد سوم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران چاپ شده برای اطلاع به آنجا رجوع شود. نگارنده نمونه های مختلفی از این روزنامه در دست دارم و من جمله تا شماره ۶۹ سال نهم مورخ ۵ شنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۳۶ قمری در دست است.

(۱۱۵۷) وطن دیلی

روزنامه وطن دیلی بزبان ترکی آذربایجانی در شهر تبریز تأسیس و منتشر شده است برون که در تاریخ مطبوعات و شعر فارسی صفحه ۱۰۱ از این روزنامه اسم برده مینویسد يك صفحه از يك شماره این روزنامه را دارم که آنهم تاریخ ندارد و بخط نسخ و با چاپ سنگی چاپ شده است قطع این صفحه دوازده درشت و سه چهارم انج است.

(۱۱۵۸) وفا

مجله وفا که موجود و نگارنده آن آقای نظام کاشانی است بمدیري (عبدالحسين ميکده) در طهران تأسيس و شماره اول آن در برج حمل ۱۳۰۲ شمسی مطابق اردیبهشت ۸۴۵ جلای منتشر شده است. مجله وفا ماهانه بوده و در پانزدهم هر برج در ۳۱ صفحه بقطع متوسط در مطابع مختلف سربى طهران مانند مطبعه (ناروس) و مطبعه (روشنائی) طبع و توزيع شده است. مجله وفا مجله ايست ادبي و بیشتر مندرجات و مقالات و اشعار آن که بقلم ع. ميکده و ن. وفا نوشته شده عبارت از مطالب ادبي است. در قسمتهای ادبي گاهی اشعاری از شعراي متقدمين و شعراي متوسط چاپ شده و فی‌المثل در شماره دوم سال اول (تعزيت نامه که صباحی پس از فوت آذر برای هاتف اصفهانی فرستاده و جواب هاتف) باذکر مختصر شرح حالی از آذر و صباحی درج شده است.

محل اداره مجله: طهران. خیابان جنب گلشن. شماره دوم سال اول مجله وفادر ثور و شماره سوم آن در جو ای سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده و برای مزید اطلاع خوانندگان از مندرجات مجله فهرست شماره سوم را نقل مینمائیم: زندگانی اجتماعی گل منزوی (شعر اثر طبع نظام وفا) - اوژن پوتیه - انسان وخار - دوست - تاریخ شروع نشر فارسی (افتباس از کتاب تاریخ ادبیات ایران تألیف آقای اقبال آشتیانی) عالم نسوان (بقلم ابوالحسن ميکده) - ستاره دنباله دار - نقل از دفتر خاطرات من - از آثار بزرگان - خواب.

شماره ۹ و ۱۰ سال اول مجله یکجا در يك مجلد چاپ و درجدي ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده. شماره ۹ مجله بواسطه نرسیدن وجه اشتراك درماه قبل یعنی درموقع مدين چاپ نشده ولذا یکجا با شماره ۱۰ انتشار یافته. شماره صفحات مجله تا شماره ۱۰ ۳۲۰۰ صفحه میباشد. قسمتی از مقالات این دو شماره عبارتست از: امید - خیام - زمسان امید های موهوم انزوا - مادام روزلات - شیبانی - مرک و مورچه - بیوفائی از گل نبست محمود وایازانیسی (شعر). مجله وفا هم‌اقتم که یاد آور شدیم در فروردین ۱۳۰۲ تأسيس و تا اسفند ۱۳۰۴ دو سال مرتب ۲۴ شماره منتشر گردیده و برای همیشه تعطیل شده است. مجله وفا یکی از مجلات ادبی ایران و دارای مقالات اجتماعی و تاریخی و علمی بوده است.

نظام وفا - شرح حال آقای نظام وفا در بسیاری از مجلات چاپ شده و اشعار او نیز زینت بخش جراید و مجلات بوده است در اینجا بطور اختصار آنچه را مرحوم رشید یاسمی در کتاب تاریخ ادبیات معاصر در شرح حال ایشان نوشته نقل مینمائیم: نظام وفا فرزند میرزا محمود امام جمعه کاشان در ۳۰۵ هجری قمری در کاشان متولد و بعد از تحصیل وارد کوشهای آزادیخواهی آنزمان گشته بعد از سکونت یافتن در طهران در مدارس به تعلیم ادبیات فارسی پرداخت و اکنون سالی چند است که در اداره کل فلاح رئیس بازرسی و دفتر کل است. از موسسات او مجله وفاست که حاوی اشعار و مقالات لطیف میباشد. منظومه حبیب و رباب او بطبع رسیده است. « مثنوی حبیب و رباب در ۴۸ صفحه کوچک در سال ۱۳۰۶ در مطبعه مجلس بطبع رسیده است.

علاوه بر این مثنوی دو کتاب دیگر از آقای نظام وفا بهمت آقای امید سالار چاپ شده است یکی (پیوندهای دل) و دوم (یادگار اروپا) است . نمایشنامه های (ستاره و فروغ) و (فرور و فرزانه) و (بهرام و ناهید) از آثار قلم ایشان است . جامعترین شرح حالی که تاکنون از آقای نظام وفا خوانندهام شرحی است که بقلم آقای ابوالحسن احتشامی در شماره ۳۲۸ سال هفتم اطلاعات هفتگی مورخ ۸ ابان ۱۳۲۶ شمسی نوشته و طبع شده است .

(۱۱۵۹) وقایع

روزنامه وقایع در شهر شیراز بدبیری (میرزا علیرضاخان مترجم السلطنه) تأسیس و در سال ۱۳۰۴ شمسی منتشر شده و پس از نشر چند شماره تعطیل شده است . امتیاز روزنامه وقایع در شیراز در تاریخ ۴ قوس ۱۳۰۳ شمسی از تصویب شورایعالی معارف گذشته است .

(۱۱۶۰) وقایع اتفاقیه

روزنامه وقایع اتفاقیه بدبیری میرزا جبار تذکره چی والد سیدالسلوه و مباشرت و مترجمی (برجیس صاحب) و بشویق و همت میرزا تقیخان امیر کبیر در طهران تأسیس در سال ۱۲۶۷ قمری منشر گردیده است . اولین شماره این روزنامه در روز جمعه پنجم شهر ربیع الثانی سال ۱۲۶۷ قمری انتشار یافته و در عنوان آن جمله (یا اصدافه الغالب) و شیر و خورشید رقم شده و در طرفین آن صورت دو درخت کشیده و در وسط ورق (روزنامه اخبار دارالعلم) نوشته شده و در زیر آن دستخطی از ناصرالدین شاه بدین مضمون چاپ کرده اند : « از آنجا که همت حضرت اقدس شاهنشاهی مصروف تربیت اهل ایران و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است لهذا قرار شد که هفته بهفته احکام همایون و اخبار داخله مملکتی و غیره را که در دول دیگر کرات مینامند در دارالطباعة دولتی زده شود . در یوم جمعه پنجم شهر ربیع الثانی ایتیل ۱۲۶۷ باین کار شروع شد . « این روزنامه از شماره دوم باسم (روزنامه وقایع اتفاقیه) در هر هفته تا شماره شانزدهم مورخ ۲۱ شهر رجب ۱۲۶۷ روزهای جمعه و از آن بعد روزهای پنجشنبه مرتباً در چهار صفحه و گاهی در ۶ و ۸ صفحه انتشار یافته . و از این تاریخ تا سنه ۱۳۲۴ قمری پنجاه و هفت سال بلاقطع و فصل انتشار یافته است . شماره ۴۷۱ باسم (روزنامه وقایع یوم پنجشنبه ۲۶ شهر محرم مطابق سال بیچی تیل سنه ۱۲۷۷) و شماره ۴۷۲ بنام (روزنامه دولت علیه ایران) نشر شده است قیمت سالیانه آن ۲۴ قران و تک شماره ده شاهی بوده است . در شماره ۶ سال دوم دوره جدید روزنامه کلاه درباره روزنامه وقایع اتفاقیه اینطور می نویسد : « سومین روزنامه ایرانی و دومین روزنامه فارسی روزنامه وقایع اتفاقیه است . شماره اول این روزنامه بتاريخ جمعه پنجم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۷ انتشار یافته . این روزنامه بحکم و تشویق

میرزا تبیخان امیر نظام و مدیریت حاج میرزا جبار تذکره چی و قنول سابق ایران در بغداد و ملقب بنظام‌المهام (که پدر حاج صفرعلی خوئی و پدر میرزا جوید خان سه‌الدوله حالبه بود) و مباشرت و مترجمی برجیس صاحب دائر بود. میرزا عبدالله نامی نیز نویسنده روزنامه بوده روزنامه مذکور ظاهراً تا شماره ۴۷۴ بیشتر منتشر نشده و از این‌س باس (روزنامه دولت عالی ایران) نامیده شده و باین عنان تحت مباشرت میرزا ابوالحسن خان صفاری قاش‌کاشانی ملقب به صنیع‌الملک دائر شده است. »

در بره مباشرت و اداره روزنامه اتفاقیه شرحی در نمره ۱۵ آن مورخ سلخ شهر ربیع الاول مطابق تنگ‌کوزنیل ۱۲۶۸ نوشته که عین عبارت آن چنین است : «در باب امورات این روزنامه ها به بعضی اهالی ولایات اشتباه دست داده است و چنان خیال کرده اند که روزنامه کثرت و تذکره مرور تنخواهش در یکجا جمع میشود و صاحب جمع آن بکی است لهذا اعلان میشود که امورات این روزنامه ها بهیچوجه بامورات تذکره و کلاتذکره بکار روزنامه مدخلتی ندارد و تنخواه این روزنامه ها موافق قبوض برجیس صاحب مباشرت روزنامه کثرت و تعلیقات امنای دولت علیه باید به برجیس صاحب برسد و هر کس کاری متعلق بروزنامه داشته باشد بمشارایه اعلام نماید. » در عنوان روزنامه محل اداره آن معین نگردیده ولی محل تک فروشی آن بدینقسم قید گردیده است. «در کس در طهران طالب نسخه از این روزنامه ها باشد در بازار جدید در دکان میرسید کاظم بلور فروش فروخته میشود. » محل اداره روزنامه در بعضی از نمرات اینقسم اعلان شده است. «حسب‌الحکم امنای دولت علیه بجهت این روزنامه ها دفترخانه در میدان ارك سلطانی مشخص گردیده و هرروزه مباشرین و عمله جات روزنامه در آنجا مشغول انجام کار روزنامه میباشند و اعلان میشود که هر کس با مباشرین روزنامه شغلی داشته باشد در دفترخانه میدان ارك آنها را میبند. » نمره ۴۸ پنجشنبه ۹ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ و نیز در همین نمره راجع بمحل تکفروشی روزنامه اینطور نوشته است : «دکان میرسید کاظم بلور فروش که از این روزنامه ها در آنجا فروخته میشود بیش از این در بازار کهنه نزدیک چهارسوق کوچک بود حال در بازار جدید جنب امام زاده زید دکان دارد. هر کس از این روزنامه ها خریدار باشد در آنجا موجود است. »

دوباره محل طبع روزنامه هماقم که آقای تربیت متذکر شده اند روزنامه وقایع اتفاقیه در مطبعه سنگی که بر کتری و استادی (حاج عبدالحمید) در نزدیکی دروازه دولا ب طهران دائر بوده طبع میشده است. و این مطلب را در چندین نمره روزنامه و من جمله در نمره ۶۱ مینویسد : «کتابهای چاپی که در طهران در نزدیکی دروازه دولا ب در کلرخانه حاج عبدالحمید استاد دار‌الطباعة این روزنامه ها فروخته می‌شود از این قرار است ، کتاب حدیقه‌الشیخه یک تومان ، زینت‌المجالس ، فضول‌خوارزمی ، کتاب کشکول و کتب دیگر با قیمت آنها ذکر شده است. »

روزنامه وقایع اتفاقیه هته يك شماره روزهای پنجشنبه طبع و توزیع می‌شده دوهر نمره تاریخ انتشار و نمره آن چاپ شده است. معمولاً هر نمره روزنامه درشش

صفحه و گامی ۸ تا ۱۰ صفحه و هر صحنه آن مشتمل بر دو ستون است .

سیاق مطالب و مندرجات روزنامه - روزنامه وقایع اتفاقیه مخصوص درج و انتشار اخبار دارالخلافه و شهرهای دیگر ایران و مختصری از اخبار ممالک خارجه بوده است و لذا در طول مدت انتشار کمتر مقاله سیاسی و ادبی و تاریخی در آن دیده میشود و بیشتر منظور از تأسیس آن همان انتشار اخبار دربار و دارالخلافه طهران بوده است معمولاً در روزنامه ابتدا بذکر وقایع دارالخلافه و در حوادث دارالخلافه نیز ابتدا بذکر وقایع مربوط بشاه از قبیل شکار اعلیحضرت، دید و بازدید هائیکه از مؤسسات و اشخاص درباری می‌نموده و القاب و فرامین و عطیاتیکه باشخاص مختلف داده میشده و پس از آن از حوادث دیگری که در شهر طهران رخ داده گفتگو نموده و در نقل این اخبار از نملقات و اغراقهای بی‌جا خالی نیست و خیلی مبالغه شده است .

پس از ذکر اخبار دارالخلافه بذکر اخبار سایر ولایات پرداخته و اخبار هر شهری را تحت عنوان آن شهر درج نموده . مدرك نقل اخبار ولایات از روی روزنامه‌هایی بوده که از ولایات فرستاده میشده و در ابتدای اخبار هر شهری مینویسد : از قراریکه در روزنامه این شهر نوشته شده بود و فی المثل در مره ۵۶ در باره اخبار چند شهر اینطور مینویسد : اصفهان . از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته شده بود امورات جبه خانه ۰۰۰۰ خراسان . از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند امیر افضل خان ۰۰۰ عربستان . از قراریکه در روزنامه عربستان و لرستان نوشته شده بود عالیجاه ۰۰۰ در روزنامه شوستر و دزفول و حویزه نیز نوشته بودند ۰۰۰۰ گیلان از قراریکه در روزنامه رشت نوشته شده بود جوانی هیجده ساله ۰۰۰۰۰

لازم است یاد آور شویم که مقصود از روزنامه که در اخبار هر شهری می‌نویسد روزنامه معمولی نیست و خلاصه اینطور نبوده که در هر شهری ورقه بنام روزنامه نوشته و چاپ و نسخه از آن برای مرکز فرستاده شود و از روی آن مدیر روزنامه وقایع اتفاقیه اخبار را نقل کند بلکه مقصود از روزنامه اخبار و حوادث هر شهری بوده که حکام و عمال دولت در قلمرو حکومت خود آنها را ثبت و ضبط نموده و برای اطلاع دولت بدارالخلافه می‌فرستاده اند . بنا براین گذارشهای وقایع نگاران از اخبار جاریه قلمرو خود روزنامه هر شهری را تشکیل میداده است و این وضع در قرون اولیه اسلام نیز معمول بوده و خبرنگاران را صاحب‌البرید می‌نامیده اند .

در روزنامه وقایع اتفاقیه پس از ذکر اخبار ولایات بنحویکه نوشتیم ، یکی دو صفحه روزنامه تحت عنوان (اخبار دول خارجه) مخصوص ذکر وقایع ممالک اروپا و امریکا بوده است . در صفحه آخر هر مره یکی دو ستون آن برای اعلانات دولتی و اشخاص است .

اخبار دول خارجه روزنامه از روزنامه های خارجی ترجمه می‌شده و مترجم آن همان (برجیس صاحب) مباشر و مترجم روزنامه بوده است . این اخبار در عین حال که مختصر است برای مردم آن زمان از حیث اطلاع بر اوضاع کشورهای خارجه بسیار مفید است .

برجیس صاحب - این شخص را عباس میرزای نایب السلطنه در سفر فرنگستان همراه خود بایران آورد و مدتی در تبریز مطبعه را که عباس میرزا آورده بود اداره میکرد. بعد از مرگ فتحعلیشاه بطهران آمد و در این شهر دکانی باز کرد که در آن اجناس و کالاهای فرنگی را می‌فروخت. دوزمان ناصرالدین شاه با ولقب مترجم دادند و کار ترجمه و مباشرت روزنامه و قسایع اتفاقیه بعهده او واگذار شد و با اتفاق میرزا ابوالحسن غفاری و دیگران بکار اداره روزنامه می‌پرداخت. برجیس صاحب چون اطلاع زیادی از زبان فارسی نداشت ترجمه های او در روزنامه خیلی تحت اللفظی و گاهی اصلا مفاد و معنایی ندارد. برای نمونه چند قسمت از ترجمه های او را نقل مینمائیم: نمسه - بعد از وفات پادشاه هنوز که عموی پادشاه انگلیس بود پسر او که موافق قاعده ارثی وارث تاج و تخت آن مملکت بود بسلطنت آنجا قرار گرفت و امر دولتی آنجا در کمال نظم راه میرفت. (نمره ۵۸ وقایع اتفاقیه مورخ پنجشنبه ۱۹ جمادی الاول ۱۲۶۸). بلژ - دولت بلژ خلق را خبردار کرده اند و پول قرض میخواهند و مبلغی که از خلق میخواهند يك كرور و چهارصد هزار تومان پول ایران است و قاعده گذاشته اند که هر کس که می‌خواهد پول بدولت قرض بدهد پیش از روز معین خبر بکند و چونکه دولت مزبور خوب معتبر است مبلغی که خلق حاضر کرده بودند که به دولت بدهند بیشتر از آن است که دولت مزبور خواسته بودند و موافق روزنامه‌های فر نسه خاق سه كرور و دو بیست و هفتاد و یک هزار و چهارصد تومان حاضر کرده اند. (نمره ۶۱ مورخ پنجشنبه دهم جمادی الاخر ۱۲۶۸)

چون از روزنامه وقایع اتفاقیه نمونه های زیادی در دست هست لذا توضیحات بیشتر در باره مندرجات آنرا بمراجعه باصل روزنامه موکول مینمائیم. نگارنده از این روزنامه از نمره ۴۶ مورخ یوم پنجشنبه ۲۴ صفر المظفر مطابق سال تنگوزئیل ۱۲۶۸ تا نمره ۶۴ مورخ پنجشنبه دوم ماه رجب مطابق سال سیچقان بیل ۱۲۶۸ و نیز نمرات متفرق دیگر آنرا در دست دارم. در کتابخانه دبیرستان صارمیه اصفهان مجموعه از نمرات وقایع اتفاقیه موجود است که صارم الدوله پسر مرحوم ظل السلطان آنرا وقف کتابخانه دبیرستان صارمیه نموده. این مجموعه از نمره ۸۰ مورخ روز پنجشنبه ۲۵ شوال المکرم ۱۲۶۸ سیچقان بیل تا نمره ۲۹۱ مورخ پنجشنبه ۲۶ شهر ذیحجه العرام ۱۲۷۲ لوی بیل میباشد.

حاج میرزا جبار ناظم المهام خوئی - مرحوم تربیت در کتاب دانشمندان آذربایجان ص ۹۳ در باره حاج میرزا جبار می‌نویسد وی پدر سعدالدوله مرحوم است که مدتی قنصل جنرال بخداد بوده و معروف بمیرزا جبار تذکره چیست. میرزا قیخان اتابک روز نامه وقایع اتفاقیه را که تأسیس کرد اداره آنرا در ابتدای امر بهمین میرزا جبار واگذار نموده که صاحب مطبعه نیز بوده است. ۱۲۶۷.

برجیس صاحب - علاوه بر آنچه قبلا در شرح حال برجیس صاحب نوشتیم آنچه را در نمره ۱۵۶ وقایع اتفاقیه مورخ پنجشنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۲۷۰ درباره او نوشته

ذیلاقل می‌نمائیم : «چون خدمات برجس صاحب مباشرروزنامه و مترجم دیوان در نظر اولیای دولت علیه مقبول و مستحسن افتاده خاصه در اوقات ناخوشی و با که اغلب مردم فرار کرده و بییلاقات رفته بودند مشارالیه محض پیشرفت خدمت معوله بخود دردار الخلافه مبارکه مانده و کارروزنامه را براه برده نگذاشت که عمله جات روزنامه متفرق شوند لهذا در این اوقات از جانب سنی الجوانب ملوکانه يك طاقه شال ترمه کشمیری برسم خلعت بعالیجاه مشارالیه مرحمت گردید . وهم چنین میرزا عبدالله روزنامه نویس چون در سر خدمت معوله بخود بود يك طاقه شال کرمانی نیز بشارالیه خلعت داده شد .

(۱۱۶۱) وقت

روزنامه وقت در طهران بصاحب امتیازی و مدیری (حسین کسمانی) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ سه شنبه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری . طاق اول فرودین مامجلالی ۸۳۲ منتشر شده است . طرز انتشار روزنامه وقت یومیه بوده و همه روزه بجزایام جمعه و تعطیل های عمومی انتشار یافته است .

محل اداره روزنامه : طهران خیابان علامه الدوله نمره (۲۴) و عنوان تلگرافی : وقت . قیمت اشتراك آن بدینقرار است : بابتخت سالیانه ۵ تومان . ششماهه ۲۶ قران سه ماهه ۱۲ قران و نیم . سایر ولایات بترتیب شش تومان — سه تومان و نیم و ۱۸ قران . ممالک خارجه ۸ تومان و پنج تومان و سه تومان . بفرز شماره اول روزنامه که روی يك ورق چاپ شده بقیه شماره های آن در چهار صفحه بقطع بزرگ و در مطبعه سربی (شاهنشاهی خیابان ناصریه نمره ۹) طبع گردیده است . قیمت شماره اول دو شاهی و از شماره دوم در طهران ۴ شاهی و در سایر ولایات ۵ شاهی . خصوصیات دروز نامه در عنوان صفحه اول و اسم روزنامه (وقت) بخط نسخ درج شده است . مقاله افتتاحی روزنامه که تحت عنوان (وقت است) نوشته شده بطور خلاصه بدینقرار است :

«خدمتگذاران اداره روزنامه یومیه وقت بهر يك از اولاد ایران که از حیث نوع و وطن بهره دارند نیز بصاحبان هم عالیه و افکاریکه منافع عمومی را فرض ذمه خود می‌شمارند و بهواخواهان ترقیات معارف و مطبوعات بالجهله بآنها که در ایران نشو و نما میکنند مخصوصا بهموطنان عزیز بانهایت ادب پس از تقدیم احترامات فائقه با يك آهنگ خاس عرضه میدارند اینك که بهمت اولیای امور ایران جوانهای از جان در راه استقلال وطن گذشته حقوق منصوبه ما ایرانیان مسترد شد و حق بر کز جای گرفت و براریکه مملکت داری و رعیت نوازی بجای پادشاه مخلوع شاهنشاه جوانبخت السلطان احمد شاه قاجار دامت راقته باقوانین مشروطیت متکی گردید و از وجود حضرت اشرف نایب السلطنه امین و صدیق حریت دوست و کابینه وزراء دارالشورای کبرای ملی ایران در مغزهای افسرده ایرانیان روحی تازه و روتقی بی اندازه نصیب شد . . . ما نیز باقتضای وقت با امید کامل و رجای واثق باثرات جریده نگاری این روزنامه یومیه را باسلوبی که پیشنهاد انظار خواص و عوام وطن مینمائیم از این بیعد

طبع و توزیع خواهیم کرد»

مندرجات روزنامه وقت پس از درج سرمقاله عبارت است از مقالات متعدد و اخبار داخله و خارجه به تفصیل و نیز از شماره دوم از صفحه دوم کتاب تاریخ عمومی عالم ترجمه میرزا باقر خان تبریزی تألیف حسین کسمائی بعنوان پاورقی چاپ شده است . شماره ۴ وقت در چهار صفحه بقطع بزرگ در تاریخ چهارشنبه ۲۵ ربیع الاول ۱۳۲۸ قمری مطابق ۱۶ فروردین ماه جلالی ۸۳۲ طبع و منتشر شده است . سرمقاله این شماره بعنوان (بقیه از يك دوره ایران یا يك آتیه درخشان) و بقیه مندرجات آن اخبار و تلگرافات داخله و اخبار خارجه است . تاریخ عمومی عالم در پاورقی صفحه دوم و سوم چاپ شده است . از روزنامه وقت مجموعاً ۶۶ شماره منتشر شده و شماره ۶۶ آن در تاریخ یکشنبه ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۲۸ هجری قمری انتشار یافته است . نگارنده تا آخرین شماره آن را در دست دارد .

حسین کسمائی - شرح احوال شادروان حسین کسمائی در روزنامه فکر جوان رشت بتلم فرزند آن مرحوم نوشته شده که مابینه چون مشتمل بر نکات دقتی از زندگانی آن مرحوم است از شماره ۳۱۱ سال بیستم فکر جوان مورخ: شنبه ۷ فروردین ۱۳۲۳ نقل مینمایم :

«شادروان میرزا حسین خان کسمائی فرزند آقای محمد ابراهیم ارباب کسمائی و نیاکانش از گرجیهای قفقازند که در تحولات پس از فتح هفده شهر قفقاز بدست آقا محمد خان به آذربایجان و بتدریج از آن نمودم بسایر نقاط ایران پراکنده شدند طایفه کسمائی در شهر قزوین اقامت اختیار و بامور تجارت پرداختند پس عموی کسمائی هنوز در قزوین در تجارت معتبر و در جامعه سرشناس میباشد .

آقای محمد ابراهیم کسمائی از طرف پسرعموهایش نماینده تجارتي در شهر رشت شد و پس از چندی کارش رونق یافت و خود باتسویه نمودن سهام خود از بنی اعمامش مستقلاً در رشت بتجارت اشتغال ورزید و با طایفه آقا محمد علی طواف رشتی وصلت کرد و دارای سه پسر و شش دختر شد دخترانش هر يك تشكيل خانواده محترم و معتبري در رشت دادند پسرهای یکی شادروان نامبرده و دیگری مرحوم محمد آقا کسمائی که در سال ۱۳۱۱ خورشیدی بسن ۶۴ سالگی بدرود زندگی گفت برادر دیگر آنها علی آقا کسمائی بود که در تغلیس بواسطه ناکامی از وصل معشوقه سست پیمان که بدیگری تسلیم شد ضربه دشته بخود وارد و بهمت برادرش آقای محمد آقا موقتاً معالجه شد ولی در اثر مسافرتی که جهت دیدار برادر بزرگش میرزا حسین خان برشت نمود بخیه عمل دریدگی پهلویش منفجر و ناکام از دنیا چشم پوشید میرزا حسین خان کسمائی مرحوم بنا بمیل پدرش و بسبب نفوذ و اعتبار کلی که روحانیون آن عصر داشتند بتحصیل علم اجتهاد در مذهب اسلام پرداخت چندی در مسجد جامع شهر رشت و بعداً بنجف اشرح اعزام گردید و بتکمیل علوم پرداخت تا اینکه در آن فوت اولادش که بطور ناگهانی و خیلی اسرار انگیز واقع شد برشت وارد و بسرپرستی فامیل و نماز جماعت و وعظ و خطابه در مسجد صالح آباد سبزه میدان رشت

مشغول شد و در بلاغت و نفوذ کلام و صراحت لهجه شهرتی بسزا یافت . هنگامی که طلبه آزادی خواهی و مشروطیت ایران عزیز دل و دینش ازدست ر بود و صبح همان روزها آقا شیخ حسین کسمانی باریش تراشیده و کت و شلوار معمولی و فکل و یقه آهاری لب شکسته آنهم در آن عصر از منزل در آمد و بی مهابا بدنبد مال شاهد آزادی دوید و بقدری شورش از خود بروز داد که نیکراسوف قنصل فعال ما پشاه دولت تراری روسیه وی را تعقیب و ناگزیر از طریق روسیه بفرانسه رفت و پس از آنکه مرض قلوه هارا با عمل جراحی معالجه نمود بتحصیل زبان فرانسه و تعقیب علم اجتماع و ضمناً صنایع ظریفه در موزه لوور پاریس ادامه داد تا اینکه بمباران شدن مجلس شورای ملی ایران صبر و شکیباییش بر بود و پروانه وار برای سوختن در شمع فروران آمال و آرزوهای آزادبخواهان ایران از طرف روسیه و غلیس بسوی رشت شناخت در قفلیس و باد کوبه رفقای سلحشور و کم گو و پر عملی را انتخاب و با خود برشت کشانده و بازارچه صالح آباد رشت را که نبش مقابل سبزه میدان معروف در خیابان افتاده در آن اوقات برای اجرای منظور مقدس در کمال عجله بانازلترین قیمت یکی از تجار محترم رشت معروف بحاتم ببیخ دو اوزده هزار تومان فروخت و بسار و برک انقلاب بر علیه مرتجعین و مستبدین پرداخت و پس از تکمیل مقدمات و بمحض وصول خبر وحدت ملی که (در طهران بدست آقایان طباطبائی و بهبهانی و در تنگابن و مازندران بهمت سپهدار اعظم تنکابنی خلعت بری معروف) جای صبر و اهمالی باقی نگذاشته بود .

از منزل میرزا ابوالقاسم خان دریاییکی مرحوم واقع در کوی پیر سرای رشت علم استقلال افراشت و آقا بلاخان سردار افخم رأس استبداد گیلان در باغ مدیریه رشت اعدام شد و آستان حکومتی مستبدین بنارنجک و حریق و از گون و میرزا حسینخان کسمانی با رفقای مجاهدش بلباس مسلح گرجی در ب بقعه آقا سید ابو جعفر رست در بالای نوپ ساخت آن زم ن بنطق مفصلی پرداخت و بلافاصله در رکاب سپهدار اعظم تنکابنی بامجاهدین بتهران شناخت که منجر بفرار و تحصن محمد علیشاه قاجار در سفارت روس شد و مجلس شورای ملی ایران فاتح و بشور ملی احمد شاه قاجار پادشاه مشروطه ایران را تاجگذاری کردند ولی پس از آنهم آزادبخواهان رشت مورد حمله قنصل گری دولت تزاری روس واقع میشدند بطوریکه میرزا حسینخان برای باردوم بیاریس فرار اختیار کرد و بمحض شروع جنگ بین المللی ۱۹۱۴ اروپا از طریق بغداد باتفاق خانمش شمس الملوك و دخترانش خورشید و صنوبر و پسرش جهانگیر برشت رسید بعد از آنهمه صدمات آنی از تنویر افکار یا نطق و خطابه و نگاشتن رورنامه های «وقت» در طهران و (جنگل) در رشت و راهنمایی ملیت حتی سران جنگل و خیر خواهی در باره شهید راه آزادی و میرزا کوچک خان جنگلی فرو گذار نکرد در سال ۱۲۹۷ خورشیدی نیز باتفاق عموم گیلانیها که بتهران مهاجرت نموده بودند در آنجا میزیست و سال بعد پس از رفع غائله از طریق کوههای الموت و دیلمان و گیلان بسقالکسار و رزل رسید چنانچه شماره اول از مجله فروغ سال ۱۳۰۶ خورشیدی بقلم آقای ابراهیم فخرائی در رشت و شماره

حرف‌اواو بعده القاف واللام

وقت ، ولدالامین

مخصوص از مجله آزادی شرق بهمت آقای ابراهیم سیف آزاد چاپ سال ۱۳۰۸ برلن و کتاب سخنوران چاپ برلن ببذل همت سیف آزاد نامبرده و شماره دوم از تیرماه سال اول مجله شمال ۱۳۲۲ خورشیدی بفتوت و معارف پروری و میهن پرستی آقای عباس کدیور بهترین مستند تاریخی برای جانفشانیهای میرزا حسین خای کسمائی مرحوم است که اشعار کیلکی سیاسی و عرفانی ویرا نیز بطبع رسانده اند و در سال ۱۲۹۹ خورشیدی بن ۵۱ سالگی در سقالکسار و رزل ملک شخصی مریض و با پرستاری بهترین خواهرش کافیه خانم حاجیه ارشاد و در دامان عیال و اطفاالش در منزل شخصی بازارچه سبزه میدان با دلی نگران از عاقبت ایران چشم از جهان پوشید .

شرح بالا بقلم آقای جهانگیر کسمائی فرزند آن شادروان نگارش یافته که ما بدون هیچگونه دخل و تصرف بچاپ آن مبادرت کردیم ۴۰

(۱۱۶۲) وقت

روزنامه وقت در شهر مشهد تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی هفته دو بار منتشر شده است .

(۱۱۶۳) وقت

امتیاز مجله وقت در گیلان بمدیبری (معهده الاسلام رشتی) در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۰۴ شمسی از تصویب شورای عالی معارف گذشته است .

(۱۱۶۴) وقت

مجله وقت در طهران تأسیس و در سال ۱۳۱۲ شمسی بطور ماهانه منتشر شده است .

(۱۱۶۵) ولدالامین

روزنامه ولدالامین در مشهد تأسیس و در سال ۱۲۸۹ شمسی با چاپ سنگی بطور هفتگی منتشر شده است .

حرف الهاء

(۱۱۶۶) هاتونا

روزنامه هاتونا در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی بزبان فارسی و عبری منتشر شده است .

(۱۱۶۷) هایدارا رونیوز

روزنامه هایدارا رونیوز در شهر تبریز تأسیس و در سال ۱۲۸۸ بزبان ارمنی منتشر شده است .

(۱۱۶۸) هدایت

روزنامه هفتگی هدایت در طهران به‌دیری (میرزا محمد طهرانی) تأسیس و در سال ۱۳۲۵ قمری منتشر شده است. برون در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی صفحه ۱۵۲ مینویسد شماره اول این روزنامه در تاریخ هفتم رجب ۱۳۲۵ قمری انتشار یافته و روزنامه توقیف گردیده و شماره دوم آن پس از مدتی توقیف در ۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. وی اضافه میکند که من نمرات يك و ۲ و ۴ این روزنامه را در دست دارم. هر شماره هدایت در چهار صفحه بقطع دوازده يك چهارم در هفت اینچ میباشد. وجه اشتراك روزنامه سالیانه در طهران ۳۴ قران؛ در ولایات ۴۰ قران در روسیه و قفقاز ۹ منات. در سایر قاره‌ها ۲۵ فرانك.

(۱۱۶۹) هدایت

روزنامه هدایت در شهر قزوین به‌دیری (میرهادی شیخ‌الاسلامی) تأسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. طرد انتشار روزنامه هفتگی بوده و با چاپ سنگی طبع شده است. برون که شرح مذکور را در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی (صفحه ۱۲۵) نوشته اضافه میکند که من نمرات ۲ و ۴ هدایت را در دست دارم اولی سوم و دومی ۲۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ قمری نشر شده هر شماره آن در چهار صفحه بقطع دوازده و يك دوم در هفت اینچ میباشد وجه اشتراك سالیانه در قزوین ۸ قران در سایر شهرها ۱۰ قران، ترکستان و مصر ۱۲ مجیدی، در روسیه و قفقاز ۲ منات، در اروپا و امریکا ۶ فرانك.

(۱۱۷۰) هرزن

روزنامه هرزن در طهران بزبان ارمنی تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است.

(۱۱۷۱) هفته

روزنامه هفته در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۰ شمسی بطور هفتگی منتشر شده است.

(۱۱۷۲) هکتولا

روزنامه هکتولا در طهران تأسیس و در سال ۱۲۹۹ شمسی بزبان عبری به‌طور هفتگی منتشر شده است.

(۱۱۷۳) همایون

مجله همایون در شهر قم به‌صاحب امتیازی و مسئولی (علی اکبر حکمی‌زاده) و مؤسسی و مدیر داخلی (محمد همایون پور) تأسیس و شماره اول آن در ۳۲ صفحه بقطع کوچک خشتی در مطبعه سرری (اقدام) طبع و در تاریخ مهر ماه ۱۳۱۳ مطابق

جمادی الثانی ۱۳۵۳ قمری، منتشر شده است. مجله همایون نامه ماهانه بوده و چون در شهر قم مطبوعه آبرومندی نبوده لذا مجله در طهران طبع و در رقم منتشر می‌شده است در شماره اول جای اداره: قم خیابان ارم (جدید) و در طهران خیابان ناصریه. کتابخانه علمیه اسلامیة محل مراجعات معین گردیده است. مجله همایون در مطابع مختلف سربى طهران از قبیل اقدام و چاپخانه (فره‌مند) چاپ شده است.

بهای یکساله مجله در داخل و خارج ۲۰ ریال است. و برای طبقه متوسط تخفیف داده میشود. در پشت جلد شماره اول نوشته است مجله همایون در سال ده شماره منتشر میشود و بجای شماره های ۱۱ و ۱۲ يك كتاب نشر خواهد شد ولی با این وعده در پشت جلد شماره ۹ مورخ خرداد ۱۳۱۴ این موضوع را با اختیار مشترکین گذاشته تا نظر خود را بنویسند و وعده داده است کتاب (دین و دنیا) بقلم علی اکبر حکمی زاده که قسمتی از آنها در مجله چاپ شده بجای دو شماره تقدیم مشترکین گردد. با همه این احوال مجله همایون تا خرداد ۱۳۱۴ شمسی بیشتر منتشر نگردیده و جمعاً ده شماره نشر شده و مجله برای همیشه تعطیل شده است. شمار مجله که در دو شماره بالای عنوان آن چاپ شده این آیه قرآن است: ولتكن منكم امة يدعون الى الخير.

مقاله افتتاحی مجله که در صفحات اول و دوم شماره اول درج شده بدینقرار است:

« بسم الله الرحمن الرحيم. سپاس و ستایش بی پایان خداوندی را سزا است که ما را خرد بخشد و گفتن و نوشتن آموخت و درود بیشمار پیغمبری را رواست که ما را از گمراهی رهائی بخشید و راه نیک و بد را بمانشان داد بار خدایا تو فرمودی که « باید در میان شما گروهی باشند که دیگران را بنیکی بخوانند » اینک این بار سنگین را بدوش گرفتیم ما را یاری کن تا آنرا چنانکه دوست داری بمنزل برسانیم. اکنون بنگارش این نامه آغاز میکنیم امیدواریم که چنانچه در نظر داریم او را بانجام برسانیم این نامه اکنون کوچک است (ولی میدانید که هر چه تاره پا باین جهان گذارد چنین است) امید است که پس از این بر همه چیز او بیافزائیم. این نامه بقلم دانشمندان بزرگ نوشته می‌شود این است که بهترین مقالات سودمند و شیرین را در او خواهید دید اینک اگر از مملکت این نامه بخواهید میکوشیم که جراید و مجلات بوستان یا گلستانی را مانند که باید در او همه گونه گلها و میوه های رنگارنگ باشد تا هر کس مطابق سلیقه خود از او گلی بچیند ولی آنچه که ما را بنامه نگاری برانگیخت همانست که در طلیعه این (نامه همایون) نگاشتیم یعنی ما میتوانیم معنی دین را چنانکه هست بنگاریم تا آنانکه ترك دین کرده اند بدانند که چه دانه گرانیهائی را از دست داده اند و آنانکه دارند آگاه شوند که چه گوهر درخشانی را زیر پا گذاشته و عالم خود و دیگران را تاریک کرده اند. و نظر باینکه پس از دین داری بزرگترین وسیله آسایش تن-درستی است این است که در هر شماره قسمتی از دستور های مهم صحی را خواهیم نکاشت و در آخر برای رفع خستگی و کسالت خوانندگان بعضی مطالب شیرین را در زیر عنوان (داستانهای شیرین) مینگاریم. ولی چند چیز است که در تمام نوشته

های خود باو علاقه بسیار داریم و از نویسندگان نیز تقاضا میکنیم که مراعات آنها را بنمایند « مندرجات مجله همایون بیشتر مطالب دینی و اخلاقیست که بقلم نویسندگان کم مابه و گمنام نوشته شده و لذا انتشار مجله دوام زیادی نکرده است . برای مزید اطلاع خوانندگان فهرست مندرجات شماره اول را با ذکر اسامی نویسندگان آنها نقل مینمائیم : مقدمه - شکر گذاری - تقریظ (میرزا محمد تقی اشراقی) قران (میرزا خلیل الله صیبری) - روحيات (میرزا عبدالحسین ابن الدین) - گفتن و نوشتن (آقای صباح) - مجاهده و تبلیغ (حاج میرزا علی اصفهانی) ایران (سید احمد کسروی) - زبان (حسینعلی حکمی راده) مجله نکاری (محمد حسن الموسوی الجزابری) - احترام رن (علوی طالقانی) مسابقه مقبره فروسی (صمصام السلطان) - توحید (محمد - همایون پور) - خدا پرستی - بت پرستی - خود پرستی (علی اکبر حکمی راده) - تبلیغات - رنج یهوده - دین و دنیا - داستانهای شیرین (علی اکبر حکمی زاده) بیشتر این مقالات کوتاه و مختصر و نویسندگان آنها از فضلا و طلاب حوزه علمیه قم بوده اند .

(۱۱۷۴) همه دان

روزنامه همه دان بطور هفتگی در شهر همدان بمدیری (حاج حسین) تأسیس و در سال ۱۳۲۰ قمری منتشر شده است . برون که شرح مذکور را در کتاب تاریخ مطبوعات و شعر فارسی صفحه ۱۵۲ نوشته اضافه میکند که نمره ۱۸ روزنامه همه دان در تاریخ ۱۹ شوال ۱۳۲۰ انتشار یافته و من نمونه آنرا در دست ندارم .

روزنامه بلدیہ چاپ طهران در شماره ۱۲ - مال اول خود مورخ پنجشنبه ۸ جمادی الاولی ۱۳۲۰ قمری محل فروش روزنامه همه دان را در طهران بدینقسم نوشته است : « اخطار - روزنامه منطبه همدان که باسم همدان نیز موسوم است در ممرسه مبارکه تربیت نزد جناب آقای میرزا شریف دفتر دار موجود است طالبین رجوع فرمائید . » از شرح مذکور معلوم میشود که روزنامه همه دان لااقل تا جمادی الاول سال ۱۳۲۰ منتشر شده است .

(۱۱۷۵) هنگام

روزنامه هنگام در طهران بمدیری (دکتر طریخان احیاء الممالک) در ۲۰ دلو ۱۳۰۳ شمسی امتیاز آن از شورای عالی معارف گذشته است . روزنامه هنگام هفتہ دوبار منتشر میشده است .

(۱۱۷۶) هنگامه

روزنامه هنگامه در طهران تأسیس و در سال ۱۳۰۸ شمسی هفتہ دوبار منتشر شده است .

(۱۱۷۷) هوا و هوس

روزنامه هوا و هوس باژلاتین بمدیری (حاج حسین) در شهر لاهجان طبع و در سال ۱۳۲۰ قمری منتشر شده است . برون که شرح مذکور را یادداشت کرده (صفحه ۱۵۲) کتاب تاریخ

مطبوعات و شعر فارسی) اضافه میکند که من این روزنامه را ندیده ام .

(۱۱۷۸) هیئت علمیه دانشوران

نشریه در طهران در سال ۱۲۸۸ شمسی بنام هیئت علمیه دانشوران تأسیس و منتشر شده است . ولی نگارنده نمونه آنرا ندیده و از اینکه نشریه مذکور بصورت مجله یا روزنامه بوده است نیز اطلاعی ندارم . برون نیز در کتاب خود نامی از این نشریه بیان نیاورده است .

(۱۱۷۹) هیم

روزنامه هیم در طهران بمؤسسی (ش - ح - حایم) و صاحب امتیازی و مدیر مسئولی (م . م . نینان) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ شنبه ۲۷ جوزا مطابق ۲۰ شوال ۱۳۴۰ قمری منتشر شده است . این روزنامه معمولا در چهار صفحه بقطع بزرگ بدوزبان فارسی و عبری در مطبعه سربى (مرکزی طهران) طبع و انتشار یافته . رجه آبونمان سالی ۴۰ قران و تک شماره آن ۸ شاهی است عنوان تلگرافی ، هیم . طهران . محل اداره ، طهران - خیابان یستخانه نمره ۱۵ . طرز انتشار آن هفتگی بوده و شعار روزنامه که بالای اسم روزنامه چاپ شده دو کلمه (درستی و امانت) میباشد . قسمتی از مقاله افتتاحی روزنامه هیم بدین قرار است ، «اسباب انتشار - کلیه های ایران از بدو توطن خود در این مملکت خود را مطیع قوانین قراردادند . این اطاعت در نتیجه اقدامات سیروس و اعطاء استقلال بآنها بوده است . از آنروز تا بحال بابی اعتدالیهائی که نسبت به یهود شده است این ملت هیچوقت اقدام مشفقانه سیروس را فراموش نکرده ۰۰۰۰ برای آشنا ساختن یهود ایران با اصول سیاست و شرکت آنها در فضایی ملی که از لوازم آزادی و مشروطیت است ما را وادار نموده (هیم - حیات) را منتشر سازیم و از این طریق اول بمملکت و بعد بملت یهود ایران خدمت کرده باشیم .» لازم بتوضیح است که اسم روزنامه عبریست و در فارسی بمعنی حیات است . همانقسم که یادآور شدیم این روزنامه بدوزبان عبری و فارسی است و حتی خصوصیات روزنامه در عنوان آن بدو زبان نوشته شده و گاهی اخبارها و مطالب مهم در صفحه اول عبری و فارسی چاپ شده است . مندرجات روزنامه عبارت از مقالات مربوط بتاریخ یهود و مطالبی درباره فلسطین و نیز وقایع شهری و اخبار دارالشوری است . یاورقی روزنامه که در صفحات ۲ و ۳ چاپ شده کتاب (وقایع محکومیت در بیفوس و عوامل معرمانه آن تألیف حتی و رشاد بیک - ترجمه علی صادقی) میباشد . تصاویر بزرگان دنیا نیز قسمتی از مندرجات روزنامه را تشکیل میدهد . در شماره اول تصمیم گرفته شده که قوانین و نظامات مملکتی در روزنامه چاپ گردد . روپهرفته از حیث مندرجات هیم یکی از روزنامه های خوب و مفید است . از این روزنامه نگارنده فلا تا شماره ۴۸ ، و در یکشنبه ۹ تور ۱۳۰۱ مطابق ۱۲ رمضان ۱۴۳۱ را در دست دارم .

حرف‌الیه

(۱۱۸۰) یادگار انقلاب

روزنامه یادگار انقلاب بمدیری (معتدالاسلام رشتی) در شهر قزوین تأسیس و در سال ۱۳۲۷

فمری منتشر شده است . شماره اول یادگار انقلاب در تاریخ اول جمادی‌الثانی و شماره دوم آن در تاریخ پنجم و شماره پنجم آن در تاریخ هجدهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ قمری انتشار یافته . طرز انتشار روزنامه هفته دوبر بار بوده و هر نمره آن در چهار صفحه بقطع یازده و سه چهارم درشش و سه چهارم اینج طبع و توزیع گردیده . قیمت تک‌شماره آن در قزوین یکصد دینار و وجه اشتراك سالانه آن در تمام شهرهای ایران ۱۲ قران است .

یادگار انقلاب هنگام توقیف مجاهدین در شهر قزوین تأسیس و منتشر گردیده و پس از فتح طهران محل انتشار آن بطهران منتقل گردیده است .

(۱۱۸۱) یادگار انقلاب

همان‌قسم که فوقاً یاد آور شدیم روزنامه یادگار انقلاب پس از فتح طهران و عزیمت بدانجا در طهران منتشر شده و اوایل شماره منتشر در طهران شماره ۷ سال اول می‌باشد بنا بر این شش‌شماره یادگار انقلاب در قزوین نشر شده و دنباله آن در طهران منتشر گردیده است . ذیلاً خصوصیات این روزنامه در طهران :

روزنامه یادگار انقلاب در طهران بدیری و نگارندگی (متمم‌الاسلام رشتی) تأسیس و شماره هفت سال اول آن در چهار صفحه بقطع وزیری در مطبعه سربی (طهران - مطبعه جبل‌المتین) طبع و در تاریخ دوشنبه ۱۵ شهر رجب ۱۳۲۷ قمری منتشر شده است . طرز انتشار آن چنانچه در عنوان روزنامه یاد آور شده (جدلاً هفته دومره . بیع و توزیع . بشود) . اشتراك سالانه در طهران دوازده قران ، در سایر ولایات ۱۵ قران ، روسیه ۲ منات ، در اروپا ۸ فرانك ، قیمت یک‌نمره در طهران یکصد دینار در سایر ولایات سه شاهی ، عنوان مراسلات ، خیابان لاله زار نمره ۱۷ اسم روزنامه بخط نستعلیق درشت و در بالای آن این آیه (وسبغلم‌الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون) بعنوان شعار درج است . از شماره ۱۶ بآنطرف این آیه حذف شده است . در دو سطر یکج در زیر عنوان هر شماره چاپ شده روزنامه بدین‌قسم معرفی گردیده است : «جریده آزاد علمی سیاسی اخلاقی تجاری بمناسبت اسم خود از وقایع مهمه شورش و انقلابات درج میشود .» از شماره ۱۴ بآنطرف عبارات مذکور حذف گردیده و بجای آن در عنوان روزنامه ، اخلاقی ، سیاسی ، اجتماعی اخباری نوشته شده است مندرجات یادگار انقلاب مانند سایر جراید آغاز مشروطیت پس از درج مقاله اساسی عبارت از مقالاتی راجع به مشروطیت و اخبار مجلس شورایی می‌باشد . سر مقاله شماره هفتم باین شعر شروع میشود : لك العمد یاذا الجود والمجد والعلی ● تباركت تعطی من تشاؤ تمنع . شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا ● بر منتهای مقصد خود کامران شدم . فهرست بقیه مندرجات این شماره بدین قرار است : راجع بانتخابات - ولکم فی القصص حیوة یا اولی‌الالباب - فهرست مندرجات شماره نهم اعتدال - مشروطه طلبان را بشارت باد - بقیه اخبار جنگ و فتح طهران - بقیه صورت الزامیه شیخ فضل‌اله - خیر مقدم .

روزنامه یادگار انقلاب از حیث طبع و کاغذ متوسط و از حیث قطع مانند جراید آغاز مشروطیت می‌باشد . هر صفحه روزنامه مشتمل بر دو ستون و اسم مدیر روزنامه (متمم‌الاسلام) در عنوان روزنامه و انتهای صفحه چهارم درج است . از این روزنامه نگارنده فعلاً تا شماره ۱۴ مورخ دوشنبه ۲۷ شهر

شعبان ۱۳۲۷ قمری در دست دارم ولی برون شماره بیستم این روزنامه مورخ ۱۰ ذوالقعدة ۱۳۲۷ قمری را نیز در دست داشته است.

(۱۱۷۲) یادگار جنوب

روزنامه یادگار جنوب در طهران بمدیری (تنکستانی) و سردیبری (سید یعقوب شیرازی) تأسیس و در سال ۱۳۲۸ قمری منتشر شده است. شماره اول این روزنامه در شوال ۱۳۲۸ شمر شده و طرز انتشار آن هفتگی بوده و درباره مندرجات و مرام و مسلک آن در هر شماره در زیر عنوان اینطور معرفی شده است: «این جریده هتگی ملی سیاسی اخباری اجتماعی اقتصادی اخلاقی طرفدار استقلال و ترقی ایران بدست ایرانیان است. «محل اداره آن: طهران. خیابان لاله زار نمره ۲۶. قیمت اشتراک آن: طهران یکساله ۱۸ قران. ششماهه ۱۰ قران. سه ماهه ۶ قران داخله: ۲۰ قران ۱۱ قران ۶، قران. خارجه ۳۲ قران، ۱۲ قران، ۷ قران. تک نمره طهران ۴ شاهی شماره ششم سال اول یادگار جنوب در هشت صفحه بقطع وزیری در مطبعه سربئی (شرقی) طبع و در تاریخ شنبه ۲۶ محرم الحرام ۱۳۲۹ قمری مطابق ۱۶ تیرماه جلالی و ۱۹۱۰ مسیحی منتشر شده است. مندرجات این شماره عبارت است از: مسلک سیاسی - دعوت اتحاد اسلامی جنوب - خلاصه مذاکرات مجلس - اوضاع جنوب - راجع بفارس جنوب - راجع بعبستان - نقل از جریده اصلاح - شوال از وزیر مالیه - اخبار داخله - تلگراف تبریز - تظلم حاج ملاباشی جنوب.

و نیز فهرست مندرجات شماره ۱۳ از اینقرار است: واقعه آستارا - وقایع اسلامبول - استخدام قوای مملکتی - پایتخت اوضاع جنوب - منابع ثروت نطنز - اخبار کرمان - اخبار بروجرد - تلگرافات برد - اطلاع از بنادر خلیج - لایحه یکنفر دلسوز از ملایر حسن انتخاب - اعلان.

فهرست مندرجات هر شماره در ابتدای ستون اول صفحه اول چاپ شده است. از روزنامه یادگار جنوب تا شماره ۱۷ سال اول مورخ سه شنبه ۱۸ ربیع الثانی ۱۳۲۹ قمری در دست است.

(۱۱۸۳) یادگار وطن

روزنامه یاد وطن در شهر نیویورک امریکا بمدیری (رزمی دهلوی) و سردیبری (آقا سید حسین) تأسیس و در سال ۱۳۰۲ شمسی منتشر شده است. اطلاع نگارنده راجع باین روزنامه عبارت از شرحیست که در شماره دوم روزنامه زبان ایران مورخ چهارشنبه دوم شهر صفر ۱۳۴۲ قمری مطابق سنبله ۱۳۰۲ نوشته و ذیلا آنرا نقل مینماید: «جریده شریفه یاد وطن که بهمت جمعی از اهالی هند و بمدیریت فاضل دانشمند آقای رزمی دهلوی و سردیبری آقای آقا سید حسین در نیویورک طبع و منتشر می شود» شماره آن با اداره رسیده است.

(۱۱۸۴) یزد

روزنامه یزد در سال ۱۳۱۲ شمسی در شهر یزد تأسیس و منتشر شده است .

(۱۱۸۵) یغما

مجله یغما در طهران در سال ۱۳۰۱ شمسی تأسیس و بطور ماهانه منتشر شده است

(۱۱۸۶) یگانگی

مجله یگانگی در طهران در سال ۱۳۰۰ شمسی تأسیس و بطور ماهانه منتشر شده است
و باین جا جلد چهارم کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران که آخرین مجلدات
کتاب میباشد خاتمه می‌یابد .

سیاس و ستایش مر خدای را که پس از بیست سال تحمل رنج و مشقت
کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران خاتمه پذیرفت و آخرین مجلد آن در
دسترس علاقه مندان قرار میگیرد . و چون عده از علاقه مندان در نامه‌های
خود اظهار داشته اند که برای کتاب فهرست تهیه گردد برای اطلاع
آنان یاد آور میشود که چون کتاب بصورت الفابتيك تهیه شده احتیاج زیادی
بفهرست نخواهد داشت مع ذلك در اولین زمان فرصت فهرست جدا گانه
طبع و تقدیم خواهد گردید .

اصفهان - مرداد ماه ۱۳۳۲

انتشارات کمال، اصفهان - خیابان خاقانی، تلفن ۴۲۶۰۷
تاریخ جرائد و مطبوعات ایران (جلد چهارم)
تألیف محمد - صدر هاشمی
چاپ اول: ۱۳۳۲
چاپ دوم: ۱۳۶۴
تیراژ: چهار هزار جلد
لیتوگرافی: پیچاز
چاپ: رنگارنگ
همه حقوق محفوظ است.



انشارائے کال